

ترجمه :ابو الحسن شعرانی


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان

مشخصات کتاب

عنوان قراردادی : قرآن. فارسی - عربی
عنوان و نام پدیدآور : قرآن مجید با ترجمه فارسی/ مترجم ابوالحسن شعرانی؛ خطاط طاهر خوشنویس
مشخصات نشر : تهران: اسلامیه ، ۱۳۸۲.
مشخصات ظاهری : [۴۸۶] ص؛ ۵/۲۴ x۳۵سم
شابک : 964-481-210- ۷۵۰۰۰۰ ریال:
وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی
یادداشت : عنوان روی جلد: القرآن الکریم.
عنوان روی جلد : القرآن الکریم.
عنوان دیگر : القرآن الکریم
شناسه افزوده : شعرانی، ابوالحسن ، ۱۳۵۲ - ۱۲۸۱، مترجم
شناسه افزوده : خوشنویس، طاهر ، ۱۲۶۷ - ، خطاط
رده بندی کنگره : BP۵۹/۶۶/ش ۶ ۱۳۸۲
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۴۱
شماره کتابشناسی ملی : م۸۳- ۳۸۶۶۰

سورة الفاتحة

بنام خداوند بخشاينده مهربان (1)
ستايش مر خدا را پروردگار جهانيان (2)
بخشاينده مهربان (3)
خداوند روز جزا (4)
ترا می‌پرستيم و از تو يارى ميجوئيم (5)
هدايت كن ما را براه راست (6)
راه آنان كه انعام كردى برايشان نه آنان كه غضب شده بر ايشان و نه گمراهان (7)

ترجمه قرآن، ص: 3

سورة البقرة مدنيّة و اياتها

بنام خداوند بخشاينده مهربان
آنست كتاب معلوم كه نيست شكّى در آن هدايتست از براى پرهيزكاران (2)
آنان كه ميگروند بآنچه پنهانست و بر پاى ميدارند نماز را و از آنچه روزى داديم ايشان را انفاق ميكنند (3)
و آنها كه ميگردند بآنچه فرو فرستاده شد بتو و آنچه فرو فرستاده شد پيش از تو و بآخرت ايشان يقين ميدارند (4)
ترجمه قرآن، ص: 4
آنها بر هدايتند از پروردگارشان و آنها باشند رستكاران (5)
بدرستى كه آنها كه كافر شدند يكسانست بر ايشان خواه بيم داده باشى يا بيم نداده باشى ايشان را كه ايمان نميآورند (6)
مهر نهاد خدا بر دلهاى ايشان و بر گوششان و بر چشمهاشان پرده ايست و از براى ايشانست عذابى بزرگ (7)
و از مردمان كس هست كه ميگويد گرديديم بخدا و بروز باز پسين و نيستند ايشان گروندگان (8)
فريب ميدهند بگمان باطل خود خدا را و آنان را كه گرويدند و فريب نميدهند مگر خودشان را و نميدانند (9)
در دلهاى ايشان مرضى است پس افزود ايشان را خدا مرضى و از براى ايشانست عذابى دردناک بسبب آنكه دروغ ميگفتند (10)
و چون گفته شود مر ايشان را فساد نكنيد در زمين گويند جز اين نيست كه ما اصلاح كنندگانيم (11)
آگاه باشيد كه آنها فساد كنندگانند و لكن نميدانند (12)
و چون گفته شود مر ايشان را كه بگرويد هم چنان كه گرويدند مردمان گويند آيا بگرويم هم چنان كه گرويدند بيخردان آگاه باشيد كه ايشانند بيخردان و ليكن نميدانند (13)
و چون ملاقات كنند آنان را كه گرويدند گويند گرويديم و هر گاه خلوت كنند با شيطانهاشان گويند كه ما با شمائيم جز اين نيست كه ما استهزاء كنندگانيم (14)
خدا استهزاء ميكند بايشان و وا ميگذارد ايشان را در زياده رويشان كه حيران باشند (15)
آن گروه آنانند كه خريدند گمراهى را بهدايت پس سود نكرد
ترجمه قرآن، ص: 5
بازرگانى ايشان و نبودند هدايت يافتگان (16)

مثل ایشان چون مثل کسی است که افروخت آتش را پس چون روشن کرد آنچه پیرامونش بود برد خدا روشنائیشان را و وا گذاشت ایشان را در تاریکیها که نمی‌بینند (17)
کرانند گنگانند کورانند پس ایشان بر نمیکردند (18)
یا همچون باران از آسمان که در آن است تاریکها و رعد و برق میگذرانند انگشتان خودشان را در گوشهاشان از آوازهای رعد از بیم مردن و خدا احاطه کننده است، بکافران (19)
نزدیک باشد که برق در رباید چشمهای ایشان را هر گاه روشن کند برای ایشان راه روند در آن و چون تاریک سازد بر ایشان بایستند و اگر خواستی خدا هر آینه بروی گوششانرا و چشمهاشان را بدرستی که خدا بر همه چیز توانا است (20)
ای مردمان بپرستید پروردگارتان را که آفرید شما را و آنان که بودند پیش از شما باشد که شما بپرهیزید (21)
آنکه گردانید برای شما زمین را گسترده و آسمان را بنائی افراشته و فرو فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آورد بآن از ثمرها روزی برای شما پس مگردانید از برای خدا همتایان و شما میدانید (22)
و اگر باشید در شکّی از آنچه فرو فرستادیم ما بر بنده خود پس بیاورید سوره را مانند آن و بخوانید حاضرانتان را از جز خدا اگر هستید راستگویان (23)
پس اگر نکردید و هرگز نخواهید کرد پس بترسید از آتشی که آتش افروزش یعنی هیزمش
ترجمه قرآن، ص: 6
مردمانند و سنگها که مهیّا کرده شده از برای کافران (24)
و مژده ده آنها را که گردیدند و کردند کارهای شایسته که مر ایشانراست بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها هر گاه روزی داده شوند از آن جنّتها رزقی از میوه گویند این همان است که روزی داده شدیم از پیش و آورده شدند بآن میوه شبیه بهم و برای ایشانست در آنجا زنان پاکیزه و ایشان در آن جاویدانند (25)
بدرستی که خدا شرم نکند و باک ندارد که بزند مثلی را پشه و ما فوق آن پس امّا آنان که گرویدند پس میدانند که آن حقّ است از پروردگارشان و امّا آنان که کافر شدند پس میگویند چه خواسته است خدا باین مثل اضلال میکند بآن بسیاری را و راه مینماید بآن بسیاری را و اضلال نمیکند بآن مگر فاسقان را (26)
آنان که میشکنند پیمان خدا را پس از استواریش و میبرند آنچه را امر کرده خدا بآن که پیوند کرده شود و فساد میکنند در زمین آن گروه ایشانند زیانکاران (27)

چگونه کافر میشوید بخدا و بودید شما مردگان پس زنده کرد شما را پس میمیراند شما را پس زنده میکند شما را پس بسوی او باز گردانیده میشوید (28)
اوست آنکه آفرید برای شما جمیع آنچه را در زمین است پس پرداخت باسمان پس ساخت آنها را هفت آسمان و او بهمه چیزی دانا است (29)
و هنگامی که گفت پروردگار تو مر فرشتگان را بدرستی که من پدید آرنده‌ام
ترجمه قرآن، ص: 7
در زمین خلیفه گفتند آیا می‌آفرینی در آن کسی را که افساد کند در آن و بریزد خونها را و ما تسبیح میکنیم بستایش تو و تنزیه میکنیم ترا گفت بدرستی که من میدانم آنچه را نمیدانید (30)
و آموخت بآدم همه نامها را پس عرض کرد ایشان را بر فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا بنامهای این گروه اگر هستید راستگویان (31)
گفتند منزهی تو نیست دانشی ما را مگر آنچه آموختی بما بدرستی که تویی دانای درست کردار (32)
گفت ای آدم خبر ده ایشان را بنامهای ایشان پس چون خبر داد ایشان را بنامهای ایشان گفت آیا نگفتم مر شما را بدرستی که من میدانم نهانی آسمانها و زمین را و میدانم آنچه آشکار میکنید و آنچه که پنهان میدارید (33)
و هنگامی که گفتیم مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس که ابی کرد و سرکشی نمود و بود از کافران (34)
و گفتیم ای آدم آرام گیر تو و جفتت در بهشت و بخورید از آن فراوان هر جا که خواهید و نباید که نزدیک شوید این درخت را که خواهید شد از ستمکاران (35)
پس لغزانید آن دو را شیطان از آن و بیرون کردشان از آنچه بودند در آن و گفتیم فرو شوید که باشید بعضی از شما مر برخی را دشمن و مر شما راست در زمین قرارگاه و مایه تعیّش تا هنگامی (36)
پس فرا گرفت آدم از پروردگارش کلمه چند را پس پذیرفت
ترجمه قرآن، ص: 8
توبه او را بدرستی که اوست توبه پذیر مهربان (37)
گفتیم فرو شوید از آن همه پس اگر آید بشما از من هدایتی پس آنکه پیروی کرد هدایت مرا پس نیست بیمی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند (38)
و آنان که کافر شدند و تکذیب کردند بآیتهای ما آنها اهل آتشند ایشان در آن جاویدانند (39)
ای بنی اسرائیل یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم بر شما و وفا کنید بعهد

من تا وفا کنم بعهد شما و از من بترسید (40)
بگروید بآنچه فرو فرستادیم باور دارنده مر آنچه را با شما است و نباشید نخست کافری بآن و مخرید بآیتهای من بهایی اندک و از من بترسید (41)
و مپوشید حقّ را بباطل و پنهان مکنید حقّ را و شما میدانید (42)
و بر پای دارید نماز را و بدهید زکاة و رکوع کنید با رکوع کنندگان (43)
آیا امر میکنید مردمان را بخوبی و فراموش میکنید خودتان را و شما میخوانید کتاب را آیا پس نمییابید بعقل (44)
و استعانت جویید بشکیبایی و نماز و بدرستی که آن نماز دشوار است مگر بر صاحبان خشوع (45)
آنان که میدانند که ایشان ملاقات کنند پروردگار خود را و بسوی او بازگشت کنند (46)
ای بنی اسرائیل یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم بر شما و بدرستی که تفضیل دادم شما را بر جهانیان (47)
و بپرهیزید از روزی
ترجمه قرآن، ص: 9
که کفایت نکند نفسی از نفسی چیزی را و قبول نشود از او شفاعتی و گرفته نشود از او عوضی و نه ایشان یاری کرده شوند (48)
و هنگامی که نجات دادیم شما را از آل فرعون که عذاب میکردند شما را بدترین عذاب میکشتند پسران شما را و باقی میگذاشتند زنان شما را و در آنتان محنتی بود از پروردگارتان بزرگ (49)
و هنگامی که شکافتیم برای شما دریا را پس رهانیدیم شما را و غرق کردیم آل فرعون را و شما نگاه میکردید (50)
و هنگامی که وعده دادیم موسی را چهل شب پس گرفتید شما گوساله را پس از او و شما بودید ستمکاران (51)
پس عفو کردیم از شما پس از آن باشد که شما شکر کنید (52)
و هنگامی که دادیم موسی را کتاب و فرقان باشد که شما هدایت یابید (53)
و هنگامی که گفت موسی مرقومش را ای قوم من بدرستی که شما ستم کردید بر خودهاتان بسبب گرفتن شما گوساله را پس بازگشت کنید بسوی پروردگارتان پس بکشید خودهاتان را آن بهتر است از برای شما نزد آفریدگار شما پس توبه پذیرفت از شما بدرستی که اوست توبه پذیر مهربان (54)
و هنگامی که گفتید ای موسی نمیکردیم مر تو را تا وقتی که به بینیم خدا را آشکارا پس گرفت شما را صاعقه و شما نگاه میکردید (55)
پس زنده کردیم شما را از پس مردنتان باشد که شما شکر کنید (56)
و سایبان کردیم بر شما ابر را و فرو فرستادیم بر شما منّ

ترجمه قرآن، ص: 10
و سلوى بخوريد از پاكيزه‌هاى آنچه روزى داديم شما را و نكردند ستم بر ما و ليكن بر خودهاشان ستم ميكردند (57)
و هنگامى كه گفتيم داخل شويد در اين قريه پس بخوريد از آن هر جا كه خواسته باشيد فراوان و داخل شويد از در سجده‌كنان و بگوئيد فرو نه از ما بار گناهان ما را كه مى‌آمرزيم شما را گناهانتان را و زود باشد كه بيفزائيم نيكوكاران را (58)
پس تبديل كردند آنان كه ستم كردند سخنى را بجز آنكه گفته شد مر ايشان را پس فرو فرستاديم بر آنان كه ستم كردند عذابى از آسمان بسبب آن كه فسق ميكردند (59)
و هنگامى كه آب خواست موسى از براى قومش پس گفتيم ما بزن بعصايت آن سنگ را پس روان شد از آن دوازده چشمه بحقيقت دانسته بودند هر مردمى آبخورشان را بخوريد و بياشاميد از روزى خدا و تجاوز از حدّ نكنيد در زمين فساد كنندگان (60)
و هنگامى كه گفتيد اى موسى هرگز صبر نتوانيم كرد بر طعام واحد پس بخوان براى ما پروردگار ترا كه بيرون آورد براى ما از آنچه ميروياند زمين از سبزيش و خيارش و سيرش و عدسش و پيازش گفت آيا بدل ميكنيد آنچه را كه آن فروتر است بآنچه كه آن بهتر است نزول كنيد در شهرى پس بدرستى كه شما راست آنچه خواستيد و زده شد براى ايشان خوارى و بيچارگى و بر خود هموار كردند غضب خدا را آن بسبب آنست كه ايشان كافر ميشدند بآيتهاى خدا و ميكشتند
ترجمه قرآن، ص: 11
پيغمبران را بناحقّ كه اين بسبب نافرمانى كردنشان كه از خدا تجاوز ميكردند (61)
بدرستى كه آنان كه ايمان آوردند و آنان كه يهود شدند و ترسايان و صائبين يعنى ستاره پرستان هر كه ايمان آورد بخدا و روز باز پسين و كردگار شايسته پس از براى ايشان است مزدشان نزد پروردگارشان و نيست بيمى بر ايشان و نه ايشان اندوهناك شوند (62)
و هنگامى كه گرفتيم پيمان شما را و بلند كرديم بر زبر شما طور را بگيريد آنچه داديم شما را بقوّة و ياد گيريد آنچه در آن است باشد كه شما پرهيزكار شويد (63)
پس برگشتيد از بعد آن و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش هر آينه بوديد از زيانكاران (64)
و بتحقيق دانستيد آنان را كه تعدّى كردند از شما در شنبه پس گفتيم مر ايشان را بشويد بوزينها رانده شده‌ها (65)
پس گردانيديم آنها را عبرتى براى اهل آن زمان و آيندگان از پس آنان و

پندی از برای پرهیزکاران (66)
و هنگامی که گفت موسی مرقومش را بدرستی که خدا میفرماید شما را که بکشید گاوی را گفتند ما را استهزاء میکنی گفت پناه میبرم بخدا که باشم از نادانان (67)
گفتند بخوان برای ما پروردگار ترا تا بیان کند برای، که چیست آن گفت که او میگوید که آن گاویست نه از کار افتاده و نه جوان بکار در نیامده متوسّط باشد میانه آن پس بکنید آنچه را مأمور میشوید (68)
گفتند بخوان برای ما پروردگارت را تا بیان کند برای ما چیست رنگ آن گفت که او میگوید
ترجمه قرآن، ص: 12
که آن گاویست زرد خالص است رنگش مسرور میسازد و نگرندگان را (69)
گفتند بخوان برای ما پروردگارت را که بیان کند برای ما که چیست آن بدرستی که گاو مشتبه شده بر ما و بدرستی که ما اگر خواهد خدا هر آینه راه یافتگانیم (70)
گفت که او میگوید که آن گاوی است نه رام که شیار کند زمین را و نه آب دهد کشت را بی عیبی که نباشد رنگ دیگر در آن گفتند اکنون آوردی درست را پس کشتند آن را و نه بودند نزدیک که بکنند آن را (71)
و هنگامی که کشتید تنی را پس مدافعه کردید در آن و خدا آشکار کند آنچه پنهان دارید (72)
پس گفتیم بزنید آن را بپاره از آن همچنین زنده میکند خدا مردگان را و مینماید شما را آیتهایش را باشد که شما بعقل دریابید (73)
پس سخت شد دلهای شما پس از آن پس آنها چون سنگهایند یا افزونتر در سختی و بدرستی که از آن سنگها است هر آینه آنچه جاری میشود از آن نهرها و بدرستی که از آنها است هر آینه آنچه شکافته میشود پس بیرون میآید از آن آب و بدرستی که از آنها است هر آینه آنچه فرو میآید از ترس خدا و نیست خدا غافل از آنچه میکنید (74)
آیا پس طمع میدارید که تصدیق کنند شما را و بحقیقت گروهی از ایشان می‌شنیدند کلام خدا را پس تغییر میدادند آن را بعد از آنکه دریافته بودند آن را و ایشان میدانستند (75)
و چون ملاقات کنند آنان را که گرویدند گویند گرویده‌ایم و چون خلوت کنند بعضیشان بر بعضی گویند آیا خبر میدهید ایشان را بآنچه گشاد خدا بر شما تا حجّت آورند شما را بآن نزد پروردگارتان آیا پس
ترجمه قرآن، ص: 13
نمییابید بعقل (76)
آیا نمیدانند که خدا میداند آنچه را پنهان میدارند و آنچه را آشکار میکنند

(77)
و از ایشان بیسوادانند که نمیدانند کتاب را مگر آرزوها را و نیستند ایشان مگر آنکه گمان میبرند (78)
پس وای مر آنان را که مینویسند کتاب را بدستهاشان پس میگویند این از نزد خداست تا بگیرند بآن بهای اندک را پس وای بر آنها از آنچه نوشت دستهاشان و وای بر آنها از آنچه کسب میکنند (79)
و گفتند هرگز مسّ نمیکنند ما را آتش مگر روزهای شمرده شده بگو آیا فرا گرفتید نزد خدا پیمانی را پس هرگز خلاف نمیکند خدا پیمانش را آیا می‌گویید بر خدا آنچه نمیدانند (80)
آری آنکه کسب کند بدی را و احاطه کند بآن گناهش پس آنها اهل آتشند ایشانند در آن جاویدان (81)
و آنان که ایمان آوردند و کردند نیکیها آنها اهل بهشتند ایشانند در آن جاویدان (82)
و هنگامی که گرفتیم پیمان از بنی اسرائیل که نپرستید مگر خدا را و با پدر و مادر نیکویی کردن و با صاحب قرابت و یتیمان و بیچارگان و بگوئید از برای مردمان خوبی و بر پای دارید نماز را و بدهید زکاة را پس برگشتید مگر اندکی از شما و شما روی گردانندگانید (83)
و هنگامی که گرفتیم پیمان شما را که مریزید خونهاتان را و بیرون مکنید خودهاتان را از خانه‌هاتان پس اقرار کردید و شما گواهی میدهید

پس شما آن جماعت هستید که میکشید خودهاتان را و بیرون میکنید پاره از خودهاتان را از خانه‌هاشان همپشت میشوید بر ایشان بگناه و بیداد و اگر آرند شما را اسیران فدیه میدهید آنها را و حال آنکه حرام کرده شده بر شما بیرون کردنشان آیا پس میگروید ببرخی از کتاب و کافر میشوید ببرخی پس چیست پاداش کسی که میکند آن را از شما مگر خواری در زندگانی دنیا و روز رستخیز بر گردانیده میشوند بسوی سختترین شکنجه و نیست خدا بیخبر از آنچه میکنید (85)
آن گروه آنانند که خریدند زندگانی دنیا را بآخرت پس سبک کرده نخواهد شد از ایشان عذاب و نه ایشان یاری کرده میشوند (86)
و هر آینه بحقیقت دادیم موسی را کتاب و بر اثر هم فرستادیم از بعد او رسولان و دادیم عیسی پسر مریم را معجزات و تأیید کردیم او را بروح پاکی آیا پس هر گاه آمد شما را رسولی بآنچه نمیخواهند نفسهای شما سرکشی کردید پس پاره‌ای را تکذیب کردید و پاره‌ای را میکشید (87)
و گفتند دلهای ما غلافدار است بلکه لعنت کرد ایشان را خدا بسبب کفرشان پس اندکند آنان که ایمان میآورند (88)
و چون آمد ایشان را کتابی از نزد خدا که تصدیق کننده آن چیزیست که با

آنها است و بودند از پیش که طلب فتح میکردند بر آنان که کافر شدند پس چون آمدشان آنچه شناخته بودند کافر شدند بآن پس لعنت خدا بر
ترجمه قرآن، ص: 15
کافران (89)
بد است آنچه فروختند بآن خودهاشان را که کافر شوند بآنچه فرو فرستاد خدا از راه حسد آنکه فرو میفرستد خدا از فضلش بر هر که میخواهد از بندگانش پس برداشتند و بر خود گرفتند خشمی بر خشمی و از برای کافران عذابی است خوار کننده (90)
و چون گفته شود مر ایشان را که بگروید بآنچه فرو فرستاد خدا گویند میکردیم بآنچه فرو فرستاده شد بر ما و کافر میشوند بآنچه سوای آنست و آن حقّ است تصدیق کننده مر آنچه را با ایشانست بگو پس چرا می‌کشتید پیغمبران خدا را از پیش اگر بودید گروندگان (91)
و هر آینه بتحقیق آمد شما را موسی بآن حجّتها پس فرا گرفتید گوساله را از بعدش و شمائید ستمکاران (92)
و هنگامی که گرفتیم پیمان شما را و بلند کردیم بالای شما طور را بگیرید آنچه دادیم شما را بقوّت و بشنوید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و آمیخته کرده شدند در دلهاشان عشق گوساله بسبب کفرشان بگو بد است میفرماید شما را بآن ایمانتان اگر هستید گروندگان (93)
بگو اگر باشد از برای شما سرای آخرت نزد خدا خاصّه از غیر مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگویان (94)
و هرگز آرزو نکنند آن را هرگز بسبب آنچه پیش فرستاده دستهاشان و خدا داناست بستمکاران (95)
و هر آینه بیابی ایشان را حریصترین مردمان بر زندگی و از آنان که شرک آورده‌اند دوست میدارند احد ایشان که کاش عمر داده میشد هزار سال و نیست او دور کننده‌اش از عذاب
ترجمه قرآن، ص: 16
اینکه عمر داده شود و خدا بینا است بآنچه میکنند (96)
بگو آن کس که باشد دشمن مر جبرئیل را پس بدرستی که او فرود آورد آن را بر دل تو بدستوری خدا باور دارنده مر آنچه را باشد میان دو دستش و هدایت و مژده مر گروندگان را (97)
کسی که باشد دشمن مر خدا را و ملائکه‌اشرا و پیغمبرانش را و جبرئیل را و میکائیل را پس بدرستی که خدا دشمن است مر کافران را (98)
و هر آینه بتحقیق فرو فرستادیم بتو آیتهای روشن و کافر نمیشوند بآنها مگر فاسقان (99)
آیا و هر گاه پیمان بستند عهدی را انداختند آن را گروهی از ایشان بلکه اکثر ایشان نمیگروند (100)

و هنگامی که آمد ایشان را پیغمبری از نزد خدا که تصدیق کننده است مر آنچه را با ایشان است انداختند گروهی از آنان که داده شدند کتاب را کتاب خدا را پس پشتهاشان که گویا ایشان نمیدانند (101)
و پیروی کردند آنچه را میخواندند شیطانها بر ملک سلیمان و کافر نشد سلیمان و لیکن شیطانها کافر شدند میآموختند مردمان را سحر و آنچه فرو فرستاده شد بر دو ملک ببابل هاروت و ماروت و نمی آموختند هیچ احدی را تا آنکه میگفتند جز این نیست که ما آزمایشیم پس کافر مشو پس میآموختند از آنها آنچه جدایی می‌افکندند بآن میانه مرد و جفتش و نیستند ایشان ضرر رسانندگان بآن هیچ احدی را مگر باذن خدا و می‌آموختند آنچه ضرر میرساند ایشان را
ترجمه قرآن، ص: 17
و نفع نمیدادشان و بحقیقت دانستند که هر آینه آن کس که خرید آن را نیست او را در آخرت هیچ بهره‌ای و هر آینه بد است آنچه فروختند بآن خودهاشان را اگر بودند که میدانستند (102)
و اگر آنکه ایشان گرویده بودند و پرهیزکار شده بودند هر آینه ثواب از نزد خدا بهتر است اگر باشند که بدانند (103)
ای آن کسانی که گرویدید مگویید راعنا و بگوئید انظرنا و بشنوید و از برای کافران است عذابی دردناک (104)
دوست نمیدارند آنان که کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان که فرو فرستاده شود بر شما هیچ خیری از پروردگارتان و خدا مختصّ میسازد برحمتش آن را که خواهد و خدا صاحب فضلی است بزرگ (105)
آنچه منسوخ کنیم از آیتی یا ترک کنیم آن را آوریم بهتر از آن را یا مانندش را آیا نمیدانی که خدا بر همه چیز تواناست (106)
آیا نمیدانی که خدا مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و نیست شما را از جز خدا هیچ یاوری و نه یاری دهنده (107)
یا میخواهید که سؤال کنید پیغمبرتان را هم چنان که سؤال کردند موسی را از پیش و آن کس که بگزیند کفر را بر ایمان پس بحقیقت که گم گشته در بیان راه (108)
تمنّا کردند بسیاری از اهل کتاب که کاش میگردانیدند شما را از بعد ایمانتان کافران از روی حسد از نزد خودهاشان از پس آنچه ظاهر شد مر ایشان را حقّ پس عفو کنید و در گذرانید تا بیاورد خدا امرش را بدرستی که خدا
ترجمه قرآن، ص: 18
بر همه چیز توانا است (109)
و بر پای دارید نماز را و بدهید زکاة را و آنچه را از پیش میفرستید از برای خودتان از نیکی مییابیدش نزد خدا بدرستی که خدا بآنچه میکنید بینا است

(110)
و گفتند هرگز داخل نمیشود بهشت را مگر آنکه باشد از یهودان یا ترسایان اینست آرزوهاشان بگو بیاورید حجّتهای خود را اگر هستید راستگویان
(111)
آری آنکه خالص گردانید وجهش را از برای خدا و او نیکوکار است مر او راست مزدش نزد پروردگارش و نه بیمی است بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند (112)
و گفتند یهودان که نیستند ترسایان بر چیزی و گفتند ترسایان که نیستند یهودان بر چیزی و آنها میخوانند کتاب را همچنین گفتند آنان که نمیدانند مانند گفتن ایشان پس خدا حکم میکند میانشان روز رستخیز در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند (113)
و کیست ستمکارتر از آنکه منع کرد مسجدهای خدا را که مذکور شود در آنها نامش و کوشید در خرابی آنها آنها نباشد از براشان که داخل شوندش مگر بیم دارندگان مر ایشان را در دنیا خواری است و مر ایشان را در آخرتست عذابی بزرگ (114)
و مر خدا راست مشرق و مغرب پس هر کجا روی آورید پس آنجا وجه خدا است بدرستی که خدا فراخ رحمت دانا است (115)
و گفتند فرا گرفته خدا فرزند را منزّه است او بلکه مر او راست آنچه در آسمانها و زمین است همه مر او را فرمانبردارند
ترجمه قرآن، ص: 19
(116)
نو آفریننده آسمانها و زمین است و چون اراده کند چیزی را پس جز این نیست میگوید مر او را بشو پس میشود (117)
و گفتند آنان که نمیدانند چرا سخن نمیگوید با ما خدا یا نمی‌آید ما را آیتی همچنین گفتند آنان که بودند از پیش ایشان مانند گفتن ایشان شباهت بهم داشته دلهاشان بحقیقت بیان کردیم آیتها را از برای جمعی که یقین میکنند
(118)
بدرستی که ما فرستادیم تو را براستی مژده دهنده و بیم کننده و پرسیده نمیشوی از اهل دوزخ (119)
و خشنود نشوند هرگز از تو یهودان و نه ترسایان تا آنکه پیروی کنی کیش ایشان را بگو بدرستی که هدایت خدا آنست هدایت و اگر پیروی کنی خواهشهای ایشان را از بعد آنچه آمد ترا از دانش نباشد مر ترا از خدا هیچ یاوری و نه یاری دهنده (120)
آنان که دادیمشان کتاب میخوانندش حقّ خواندنش آن گروه میگروند بآن و آن کس که کافر شود بآن پس آن گروه ایشانند زیانکاران (121)
ای بنی اسرائیل یاد کنید نعمتم را که انعام کردم بر شما و بدرستی که من

افزونی دادم شما را بر جهانیان (122)
و بپرهیزید روزی را که کفایت نکند نفسی از نفسی چیزی را و پذیرفته نشود از آن فدایی و سود ندهد در خواستی و نه ایشان یاری کرده شوند (123)
و هنگامی که آزمود ابراهیم را پروردگارش بسخنانی پس تمام گردانید آنها را گفت بدرستی که من گرداننده‌ام ترا از برای مردمان امامی گفت
ترجمه قرآن، ص: 20
و از فرزندانم گفت نمیرسد عهد من بستمکاران (124)
و هنگامی که گردانیدیم خانه کعبه را محلّ ثواب از برای مردمان و امن و بگیرید از مقام ابراهیم جایگاه نماز را و عهد کردیم بابراهیم و اسمعیل که پاک کنید خانه مرا برای طواف کنندگان و مقیمان و راکعان ساجدان (125)
و هنگامی که گفت ابراهیم پروردگار من بگردان این را شهری امن و روزی ده اهلش را از ثمرها هر که گردید از ایشان بخدا و روز بازپسین گفت و هر که کافر شد پس بر خوردار کنم او را اندکی پس لا علاج کنم او را بعذاب آتش و بد است آنجای بازگشت (126)
و هنگامی که بلند میکرد ابراهیم آن پایها را از خانه و اسمعیل پروردگار ما بپذیر از ما بدرستی که تو تویی شنوای دانا (127)
پروردگار ما و بگردان ما را دو منقاد مر ترا و از ذرّیّت ما امّتی منقاد مر ترا و بنمای ما را مناسکمان و بپذیر توبه از ما بدرستی که تویی تو توبه پذیر مهربان (128)
پروردگار ما و بر انگیز در ایشان رسولی از ایشان که بخواند بر ایشان آیتهای تو را و بیاموزد ایشان را کتاب و حکمت و پاک سازد ایشان را بدرستی که تو تویی غالب درست کردار (129)
و کیست که بر گردد از کیش ابراهیم مگر آنکه خوار کرده باشد نفس خود را و بحقیقت برگزیدیم او را در دنیا و بدرستی که او در آخرت هر آینه از شایستگان است (130)
چون گفت مر او را پروردگارش
ترجمه قرآن، ص: 21
منقاد شو گفت منقاد شدم مر پروردگار جهانیان را (131)
و وصیّت کرد بآن ابراهیم پسرانش را و یعقوب ای پسران من بدرستی که خدا بر گزید برای شما دین را پس نباید که بمیرید البتّه مگر و شما باشید منقادان (132)
آیا بودید حاضران وقتی که حاضر شد یعقوب را مرگ هنگامی که گفت مر پسرانش را چه خواهید پرستید از بعد من گفتند میپرستیم اله ترا و اله پدران تو را ابراهیم و اسمعیل و اسحق الهی یکتا و ما مر او را منقادانیم

(133)
آنها امّتى بودند كه بحقيقت در گذشتند مر آنها راست آنچه كسب كردند و مر شما راست آنچه كسب كرديد و پرسيده نشويد از آنچه بودند ميكردند (134)
و گفتند باشيد يهودان يا ترسايان كه هدايت يابيد بگو بلكه كيش ابراهيم را حق گراى و نبود از مشركين (135)
بگوئيد ايمان آورديم بخدا و آنچه فرو فرستاده شده بسوى ما و آنچه فرستاده شد بابراهيم و اسمعيل و اسحق و يعقوب و اسباط و آنچه داده شد بموسى و عيسى و آنچه داده شد به پيغمبران ديگر از پروردگارشان جدايى نميانداريم ميان احدى از ايشان و ما مر او را منقادانيم (136)
پس اگر ايمان آرند بمانند آنچه ايمان آورديد بآن پس بتحقيق راه يافتيد و اگر روى گردانند پس جز اين نيست كه ايشان در مخالفتند پس بزودى باز دارد از تو ايشان را خدا و او است شنواى دانا (137)
رنگ كردنى از خدا و كيست نيكوتر از خدا

در رنگ كردن و ما مر او را پرستندگانيم (138)
بگو آيا مخاصمه ميكنيد ما را در خدا و او است پروردگار ما و شما و مر ما راست كردار ما و مر شما راست كردار شما و ما مر او را مخلصانيم (139)
آيا مى‌گوييد كه ابراهيم و اسمعيل و اسحق و يعقوب و اسباط بودند يهودان يا ترسايان بگو آيا شما داناتريد يا خدا و كيست ستمكارتر از آنكه پوشيد گواهى نزد شرا از خدا و نيست خدا غافل از آنچه ميكنيد (140)
آنها امّتى بودند كه بحقيقت گذشتند مر آنها راست آنچه كسب كردند و مر شما راست آنچه كسب كرديد و پرسيده نشويد شما از آنچه بودند كه ميكردند (141)
زود باشد كه گويند كم خردان از مردمان كه چه چيز گردانيد ايشان را از قبله ايشان كه بودند بر آن بگو مر خدا راست مشرق و مغرب راه مينمايد آن را كه خواهد براه راست (142)
و همچنين گردانيديم شما را امّت ميانه يعنى خوبتر تا باشيد گواهان بر مردمان و باشد پيغمبر بر شما گواه و نگردانيديم آن قبله را كه بودى بر آن مگر براى آنكه دانيم آن را كه پيروى ميكند پيغمبر را از آنكه بر ميگردد بر دو پاشنه‌اش و اگر چه باشد هر آينه نگران مگر بر آنان كه هدايت كرد خدا و نيست خدا كه ضايع كند ايمانتان را بدرستى كه خدا بمردمان هر آينه مهربان رحم كننده است (143)
بسا كه مى‌بينيم گرويدن رويت بسوى آسمان

پس هر آینه عطا میفرمائیم ترا قبله که میخواهیش پس بگردان رویت را بجانب مسجد الحرام و هر کجا که باشید پس بگردانید رویتان را بجانبش و بدرستی آنان که داده شدند کتاب را هر آینه میدانند که آن حقّ است از پروردگارشان و نیست خدا بیخبر از آنچه میکنند (144)
و اگر بیاری تو آنان را که داده شدند کتاب را هر حجّتی پیروی نکنند قبله ترا و نه تو پیروی کننده باشی قبله ایشان را و نه برخی از ایشان تابع شوند قبله برخی را و هر آینه اگر پیروی کنی خواهشهاشان را پس از آنچه آمد ترا از دانش بدرستی که تو آن گاه هر آینه از ستمکارانی (145)
آنان که دادیمشان کتاب میشناسندش هم چنان که میشناسند پسران خود را و بدرستی که پاره از ایشان هر آینه میپوشند حقّ را و ایشان میدانند (146)
حقّ از پروردگار تو است پس مباش البتّه از شکّ کنندگان (147)
و از برای هر یک جانبی است که او روی آورنده آنست پس پیشی گیرید خیرات را هر جا که باشید میآورد شما را خدا همه را بدرستی که خدا بر همه چیزی توانا است (148)
و از جایی که بیرون رفتی پس بگردان رویت را سوی مسجد الحرام و بدرستی که آن هر آینه حقّ است از پروردگارت و نیست خدا بیخبر از آنچه میکنید (149)
و از جایی که بیرون رفتی پس بگردان رویت را سوی مسجد الحرام و هر جا که باشید پس بگردانید رویهاتان را سویش تا نباشید مر مردمان را
ترجمه قرآن، ص: 24
بر شما حجّتی مگر آنان که ستم کردند از ایشان پس مترسید از ایشان و بترسید از من تا تمام کنم نعمت خود را بر شما و باشد که شما راه یابید (150)
هم چنان که فرستادیم در شما رسولی از شما که بخواند بر شما آیتهای ما را و پاک سازد شما را و بیاموزدتان کتاب و حکمت و بیاموزدتان آنچه نبوده باشید که بدانید (151)
پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را و شکر کنید مرا و ناسپاسی نکنید مرا (152)
ای آن کسانی که گرویدید یاری جویید بصبر و نماز و بدرستی که خدا با شکیبایان است (153)
مگویید مر کسانی را که کشته میشوند در راه خدا که مردگانند بلکه زندگانند و لیکن نمیدانند (154)
و هر آینه آزمائیم شما را بچیزی از ترس و گرسنگی و کاستن از مالها و نفسها و میوه‌ها و مژده ده شکیبایان را (155)
آنان که چون رسید ایشان را مصیبتی گویند بدرستی که ما از برای خدائیم

و بدرستی که ما بسوی او بازگشت کنندگانیم (156)
آن گروه بر ایشانست مغفرتها از پروردگارشان و رحمت و آنها ایشانند راه یافتگان (157)
بدرستی که صفا و مرده از نشانهای خدا است پس کسی که حجّ کرد خانه کعبه را یا عمره گذارد پس نیست گناهی بر او که طواف کند بآن دو و هر که برغبت کند خوبی را پس بدرستی که خدا شکر پذیرنده دانا است (158)
بدرستی که آنان که میپوشند آنچه فرو فرستادیم از

بیّنتها و هدایت از بعد آنچه بیان کردیم آن را از برای مردمان در کتاب آن گروه لعنت میکند ایشان را خدا و لعنت میکنندشان لعنت کنندگان (159)
مگر آنان که توبه کردند و خوب شدند و بیان کردند پس آنها توبه میپذیرم بر ایشان و منم توبه پذیر مهربان (160)
بدرستی که آنان که کافر شدند و مردند و ایشان بودند کافران آنها بر ایشانست لعنت خدا و فرشتگان و مردمان همه (161)
جاویدان در آن سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند (162)
و خدای شما خدائیست یگانه نیست خدایی مگر او که بخشاینده مهربانست (163)
بدرستی که در آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز و کشتیهای که میرود در دریا بآنچه نفع میرساند مردمان را و آنچه فرو فرستاد خدا از آسمان از آب پس زنده کرد بآن زمین را پس از مردنش و بپراکند در آن از هر جنبنده و گردانیدن بادها و ابر رام کرده شده میان آسمان و زمین هر آینه آیتها است از برای گروهی که دریابند بعقل (164)
و از مردمان کسی است که فرا میگیرد از غیر خدا همتایان دوست میدارند ایشان را مانند دوست داشتن خدا و آنان که گرویده‌اند سخت ترند در دوست داشتن مر خدا را و اگر بینند آنان که ستمگردند هنگامی که بینند عذاب را آنکه قوّت مر خدا راست همه و آنکه خدا

سخت عقوبت است (165)
وقتی که بیزاری جویند آنان که پیروی کرده شدند از آنان که پیروی کردند و بینند عذاب را و بریده شود از ایشان سببها (166)
و گویند آنان که پیروی کردند کاش بودی مر ما را بازگشتی تا بیزاری میجستیم از ایشان چنانچه بیزاری جستند از ما همچنین بنماید ایشان را خدا کردهاشان را حسرتها بر ایشان و نباشند آنها بیرون آیندگان از آتش (167)

ای مردمان بخورید از آنچه در زمین است حلال پاکیزه و پیروی نکنید گامهای شیطان را بدرستی که او مر شما را دشمنی آشکار است (168)
جز این نیست که امر میکند شما را ببدی و زشتی و آنکه گوئید بر خدا آنچه نمیدانید (169)
و چون گفته شود مر ایشان را پیروی کنید آنچه را فرو فرستاد خدا گویند بلکه پیروی کنیم آنچه یافتیم بر آن پدران خود را آیا و اگر چه باشند پدرانشان که در نیابند چیزی را و راه نیابند (170)
و مثل آنان که کافر شدند همچون مثل کسی است که بانگ زند بآن چیزی که نشنود مگر خواندنی و آوازی را گرانند گنگانند کورانند پس ایشان در نمی‌یابند بعقل (171)
ای آنان که ایمان آوردید بخورید از پاکیزه‌های آنچه روزی کردیم شما را و شکر کنید مر خدا را اگر هستید او را میپرستید (172)
جز این نیست که حرام کرده بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را صدا بلند کرده شد بآن از برای غیر خدا پس کسی که مضطرّ شد غیر باغی و نه
ترجمه قرآن، ص: 27
تجاوز کننده پس نیست گناهی بر او بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (173)
بدرستی که آنان که میپوشند آنچه را فرو فرستاد خدا از کتاب و بدل میگیرند بآن بهای اندک آنها نمیخورند در شکمهاشان مگر آتش و سخن نمیکند با ایشان خدا روز رستاخیز و پاک نمیسازد ایشان را و از برای آنها است عذابی پردرد (174)
آنها آنانند که خریدند گمراهی را بهدایت و عذاب را بآمرزش پس چه چیز شکیبا کردشان بر آتش (175)
آن باین است که خدا فرو فرستاد کتاب را بحقّ و بدرستی آنان که اختلاف کردند در کتاب هر آینه در خلافی دورند (176)
نیست نیک آن که بگردانید رویهاتان را سوی مشرق و مغرب و لیکن نیک کسی است که گروید بخدا و روز باز پسین و فرشتگان و کتاب و پیغمبران و داد مال را بر دوستیش صاحبان قرابت را و یتیمان را و درماندگان و راه گذریان محتاج را و سؤال کنندگان را و در خلاص کردنها و بر پاداشت نماز را و داد زکات را و وفا کنندگان به پیمانشان چون پیمان کنند و شکیبایان در سختی بچیزی و سختی رنجوری و هنگام کارزار آنها آنانند که راست گفتند و آنها ایشانند پرهیزکاران (177)
ای آن کسانی که گرویدید
ترجمه قرآن، ص: 28
نوشته شد بر شما قصاص کردن در کشته شده‌ها آزاد بآزاد و بنده به بنده

و زن به زن پس هر که عفو کرده شود او را از برادرش چیزی پس از پی رفتنی است بخوبی و ادا کردنی است بسوی او به نیکی آن تخفیفی است از پروردگارتان و رحمتی پس آنکه از حدّ در گذشت پس از آن پس مر او راست عذابی پردرد (178)
و مر شما راست در قصاص کردن زندگانی ای صاحبان خردها باشد که شما پرهیزکار شوید (179)
نوشته شد بر شما چون حاضر شود یکی از شما را مرگ اگر گذاشته باشد مالی را وصیّت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان بخوبی حقّ بودنی بر پرهیزکاران (180)
پس آنکه تبدیل کند آن را پس از آنکه شنیدش پس نیست گناهش مگر بر آنان که بدل میکنندش بدرستی که خدا شنوای دانا است (181)
پس هر که ترسید از وصیّت کننده میلی را یا گناهی را پس صلاح کرد میانشان پس نیست گناهی بر او بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (182)
ای آن کسانی که گرویدید نوشته شد بر شما روزه هم چنان که نوشته شد بر آنان که بودند پیش از شما باشد که شما بپرهیزید (183)
روزهای معدود پس هر که باشد از شما بیمار یا بر سفری پس عدّتی معدود است از روزهای دیگر و بر آنان که طاقت دارند آن را فداست طعام درمانده پس آنکه برغبت کند نیکی را پس آن
ترجمه قرآن، ص: 29
بهتر است مر او را و اینکه روزه دارید بهتر است از برای شما اگر باشید که بدانید (184)
ماه رمضان است که فرد فرستاده شد در آن قرآن هدایت از برای مردمان و نشانهای روشن از هدایت و فرقان پس آنکه حاضر باشد از شما آن ماه را پس باید روزه داردش و هر که باشد بیمار یا بر سفری پس بآن شما راست از روزهای دیگر میخواهد خدا بشما آسانی و نمیخواهد بشما دشواری و از برای آنکه تمام کنید آن مدّت را و تا آنکه ببزرگی یاد کنید خدا را بر هدایت کردن شما و باشد که شما شکر کنید (185)
و چون پرسند ترا بندگانم از من پس من نزدیکم اجابت میکنم خواندن خواننده را چون بخواند مرا پس باید استجابت کنند مرا و باید که بگروند بمن باشد که ایشان بصلاح گرایند (186)
حلال شد مر شما را شب روزه جماع با زنانتان آنها لباسند مر شما را و شما لباسید مر آنها را دانا است خدا که شما بودید که خیانت میکردید با خودهاتان پس توبه پذیرفت بر شما و عفو کرد از شما پس اکنون مباشرت کنید ایشان را و بجوئید آنچه را نوشت خدا برای شما و بخورید و بیاشامید تا پدید آید مر شما را رشته سفید از رشته سیاه از صبح پس تمام کنید

روزه را تا شب و مباشرت نکنید ایشان را و شما باشید معتکفان در مسجدها

ترجمه قرآن، ص: 30

آنست حدّهای خدا پس نزدیک مشوید آن را همچنین بیان میکند خدا آیتهای خود را برای مردمان باشد که آنها بپرهیزند (187)

و نخورید مالهاتان را میانتان بنا حقّ و بآنکه میندازید آنها را بحاکمان تا بخورید پاره از مالهای مردمان را بگناه و شما میدانید (188)

میپرسند ترا از هلالها بگو آن وقتها است از برای مردمان و حجّ و نیست نیک آنکه در آیند بخانه‌ها از پشتهای آنها و لیکن نیک آن کس است که پرهیزکار شد و بیائید بخانه‌ها از درهاشان و بترسید از خدا باشد که شما رستگار شوید (189)

و کار زار کنید در راه خدا با آنان که کارزار میکنند با شما و از حد در مگذرید بدرستی که خدا دوست ندارد از حدّ گذرندگانرا (190)

و بکشید ایشان را هر جا که بیابید ایشان را و بیرون کنیدشان از آنجا که بیرون کردند شما را و فتنه سخت تر است از کشش و کارزار نکنید ایشان را نزد مسجد الحرام مبادا که کارزار کنند با شما در آن پس اگر کارزار کردند با شما پس بکشید ایشان را همچنین است پاداش کافران (191)

پس اگر باز ایستند پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است (192)

و کار زار کنید ایشان را تا نباشد فتنه و باشد دین از برای خدا پس اگر باز ایستند پس نیست تعدّی مگر بر ستمکاران (193)

ماه حرام بماه حرام و حرمتها قصاص است پس کسی که تعدّی کرد

ترجمه قرآن، ص: 31

بر شما پس تعدّی کنید بر او بمانند آنچه تعدّی کرد بر شما و بترسید از خدا و بدانید که خدا با پرهیزکاران است (194)

و انفاق کنید در راه خدا و میندازید خود را بدستهای خود بهلاکت و نیکویی کنید بدرستی که خدا دوست دارد نیکوکاران را (195)

و تمام کنید حجّ و عمره را از برای خدا پس اگر باز داشته شوید پس آنچه میسّر شود از قربانی و نتراشید سرهای خود را تا آنکه برسد قربانی بجایگاهش پس آنکه باشد از شما بیمار یا با او باشد آزاری از سرش پس فدا است از روزه یا صدقه دادن یا قربانی کردن پس چون ایمن شوید پس آنکه تمتّع کرد بعمره بحجّ پس آنچه میسّر شود از قربانی پس کسی که نیافت پس روزه سه روزه است در حجّ و هفت روز چون باز گشتید اینست ده روز تمام آن از برای کسی است که نباشد اهلش حاضران مسجد الحرام و بترسید از خدا و بدانید که خدا سخت عقوبت است (196)

حجّ ماههای معلوم است پس آنکه فرض گرداند در آنها حجّ را پس نه جماع است و نه فسق و نه جنگ در حجّ و آنچه کنید از خوبی میداندش خدا و

توشه برگيريد پس بدرستى كه بهترين توشه پرهيزگارى است و بترسيد از من اى صاحبان خردها (197)
نيست بر شما گناهى كه بجوئيد تفضّلى را از پروردگارتان پس چون برگشتيد از عرفات پس ياد كنيد خدا را نزد مشعر
ترجمه قرآن، ص: 32
الحرام و ياد كنيد او را هم چنان كه راه نمود شما را و اگر چه بوديد پيش از آن هر آينه از گمراهان (198)
پس باز گرديد از آنجايى كه برگشتند مردمان و آمرزش طلبيد از خدا بدرستى كه خدا آمرزنده مهربان است (199)
پس چون گذارديد اعمال حجّتان را پس ياد كنيد خدا را مثل ياد كردن شما پدرانتان را يا سخت‌تر ياد كردنى پس از مردمان كس هست كه ميگويد پروردگار ما بده ما را در دنيا و نيست مر او را در آخرت هيچ بهره (200)
و از ايشان كسى است كه ميگويد پروردگار ما بده ما را در اين جهان خوبى و در آخرت خوبى و نگاه دار ما را از عذاب آتش (201)
آنها مر ايشان را است بهره از آنچه كسب كردند و خدا زود حساب است (202)
ياد كنيد خدا را در روزهاى شمرده شده پس كسى كه شتاب كرد درد و روز پس نيست گناهى بر او و كسى كه واپس ماند پس نيست گناهى بر او از براى كسى كه پرهيزكار شد و بترسيد از خدا و بدانيد كه شما بسوى او محشور ميشويد (203)
و از مردمان كسى است كه خوش آيد ترا گفتارش در زندگانى دنيا و گواه ميآورد خدا را بر آنچه در دل او است و او شديد العداوة است (204)
و چون برگردد سعى كند در زمين تا فساد كند در آن و نابود كند كشت را و نسل را و خدا دوست نميدارد فساد را (205)
و چون گفته شود مر او را كه به پرهيز از خدا بگيردش حميّت بگناه كارى پس بس است او را دوزخ و هر آينه بد بستريست (206)
و از مردمان كس هست كه ميفروشد خودش را از براى جستن رضاى خدا و خدا مهربانست به بندگان
ترجمه قرآن، ص: 33
(207)
اى آن كسانى كه گرويديد داخل شويد در صلح همگى و پيروى نكنيد گامهاى شيطان را بدرستى كه او مر شما را دشمنى است آشكار (208)
پس اگر لغزيديد پس از آنچه آمد شما را حجّتها پس بدانيد كه خدا غالب درست كردار است (209)
آيا انتظار ميبرند مگر آنكه آيد ايشان را عذاب خدا در سايبانها از ابر و فرشتگان و گذارده شود كار و بخدا بر گردانيده شود كارها (210)

بپرس از بنى اسرائيل كه چند داديمشان از نشان روشن و كسى كه تبديل كند نعمت خدا را از بعد آنچه آمد او را پس بدرستى كه خدا سخت عقوبت است (211)
آراسته شد از براى آنها كه كافر شدند زندگانى دنيا و استهزاء ميكنند با آنها كه گرويدند و آنان كه پرهيزكار شدند بالاى ايشان باشند روز قيامت و خدا روزى ميدهد كسى را كه خواهد بدون شمار (212)
بودند مردمان امّت واحد پس بر انگيخت خدا پيغمبران را مژده دهندگان و بيم كنندگان و فرو فرستاد با ايشان كتاب را براستى تا حكم كند ميان مردمان در آنچه اختلاف كردند در آن و اختلاف نكردند در آن مگر آنها كه داده شدند آن را از بعد آنكه آمد ايشان را حجّتها از راه حسد ميانشان پس راه نمود خدا آنان را كه گرويدند مر آنچه را اختلاف كردند در آن از حقّ بفرمان او و خدا راه مينمايد هر كه را ميخواهد براه راست (213)
ايا پنداشتيد كه داخل ميشويد بهشت را و هنوز نيامده شما را مثل
ترجمه قرآن، ص: 34
آنان كه گذشتند از پيش شما رسيد ايشان را سختى بيچيزى و سختى رنجورى و جاى بر كنده شدند تا آنكه ميگفت رسول و آنان كه ايمان آوردند با او كى باشد يارى كردن خدا آگاه باشيد كه يارى خدا نزديكست (214)
ميپرسند ترا كه چه چيز انفاق كنند بگو آنچه انفاق كرديد از مال پس براى پدر و مادر و نزديكان و بى پدران و بيچارگان و راه گذريان محتاج است و آنچه ميكنيد از نيكى پس بدرستى كه خدا بان دانا است (215)
نوشته شد بر شما كارزار كردن و آن مشقّت است مر شما را و شايد كه ناخوش داريد چيزى را و آن بهتر باشد از براى شما و شايد كه دوست داريد چيزى را و آن بدتر باشد از براى شما و خدا ميداند و شما نميدانيد (216)
ميپرسند ترا از ماه حرام كارزار كردن در آن بگو كارزار كردن در آن بزرگست و باز داشتن از راه خدا و كفر بخدا و مسجد الحرام و بيرون كردن اهلش از آن بزرگتر است نزد خدا و فتنه بزرگتر است از كشتن و هميشه كارزار ميكنند با شما تا بر گردانند شما را از دينتان اگر توانايى داشته باشند و كسى كه بر گردد از شما از دينش پس بميرد و او كافر باشد پس آنها ناچيز شود كردارشان در دنيا و آخرت و آن كرده اهل آتشند ايشان در آن جاويدان (217)
بدرستى كه آنان كه گرويدند و آنان كه هجرت كردند و جهاد كردند در راه خدا آنها
ترجمه قرآن، ص: 35
اميد ميدارند رحمت خدا را و خدا آمرزنده مهربانست (218)
ميپرسند ترا از شراب و قمار بگو در آن دو تا گناهى بزرگست و سودها از

برای مردمان و گناه آن دو تا بزرگتر است از سودشان و میپرسند از تو که چه چیز انفاق کنند بگو فاضل از قوت عیال همچنین بیان میکند خدا از برای شما آیتها را باشد که شما اندیشه کنید (219)
در دنیا و آخرت و میپرسند ترا از یتیمان بگو اصلاح آوردن مر ایشان را بهتر است و اگر آمیزش کنید با ایشان پس برادران شمایند و خدا میداند مفسد را از مصلح و اگر خواسته بود خدا در رنج افکنده بود شما را بدرستی که خدا غالب درستکار است (220)
و نکاح نکنید زنان مشرکه را تا وقتی که ایمان آورند و هر آینه کنیز مؤمنه بهتر است از مشرکه و اگر چه خوش آید شما را و نه زن دهید مشرکان را تا وقتی که بگروند و هر آینه بنده مؤمن بهتر است از مشرک و اگر چه خوش آید شما را آنها میخوانند بسوی آتش و خدا میخواند بسوی بهشت و آمرزش باذنش و بیان میکند آیتهای خود را برای مردمان باشد که ایشان پند پذیرند (221)
و میپرسند ترا از محیض بگو آن بد است پس کناره گیرید از زنان در حیض و نزدیکی نکنید با ایشان تا آنکه پاک شوند پس چون پاک شدند پس بیاییدشان از آنجا که فرمود شما را خدا بدرستی که خدا دوست دارد توبه کنندگان را و دوست میدارد پاکان را (222)
زنان شما کشت زارند
ترجمه قرآن، ص: 36
مر شما را پس بیائید کشت زار خود را هر جا خواسته باشید و مقدّم دارید برای خودتان و بترسید از خدا و بدانید که شما ملاقات کنندگانید او را و مژده ده گروندگان را (223)
و مگردانید خدا را دست آویز برای سوگندهاتان که نیکویی کنید و پرهیزکاری کنید و اصلاح کنید میان مردم و خدا شنوای دانا است (224)
مؤاخذه نمیکند شما را خدا بلغو در سوگندهاتان و لیکن مؤاخذه میکند شما را بآنچه کسب کرد دلهاتان و خدا آمرزنده بردبار است (225)
مر کسانی را که سوگند خورند که دور باشند از زنانشان انتظار بردن چهار ماه است پس اگر باز آیند پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است (226)
و اگر قصد کنند طلاق را پس بدرستی که خدا شنوای دانا است (227)
و طلاق داده شدگان انتظار میبرند بخودهاشان سه طهر و حلال نیست مر ایشان را که پنهان کنند آنچه را آفرید خدا در رحمهای ایشان اگر هستند که ایمان دارند بخدا و روز باز پسین و شوهرانشان سزاوار ترند بباز آوردنشان در آن اگر اراده کنند اصلاح را و از برای ایشانست مانند آنچه بر آنها است بخوبی و مر مردان را است بر ایشان پایه افزونی و خدا غالب درست کردار است (228)

طلاق دو بار است پس نگاه داشتن بخوبى است يارها كردنست بخوبى و حلال نيست مر شما را كه بگيريد از آنچه داده‌ايد ايشان را چيزى مگر آنكه بترسند كه بر پاى ندارند حدّهاى خدا را پس اگر ترسيد شما كه بر پاى ندارند
ترجمه قرآن، ص: 37
حدهاى خدا را پس نيست گناهى بر ايشان در آنچه فدا دهد زن بآن اين حدّهاى خدا است پس در مگذريد از آنها و هر كه در گذرد از حدّهاى خدا پس آن گروه ايشانند ستم‌كاران (229)
پس اگر طلاق دهدش پس حلال نميشود مر او را پس از سه طلاق تا بنكاح در آيد شوهرى غير او را پس اگر طلاق دهدش شوهر دوّم پس نيست گناهى بر ايشان كه بهمد گر باز گردند اگر گمان داشته باشند كه بر پاى ميدارند حدّهاى خدا را و اين حدّهاى خدا است بيان ميكند آنها را براى قومى كه بدانند (230)
و چون طلاق دهيد زنان را پس برسند بآخر مدّتشان پس نگاه داريد ايشان را بخوبى يا سر دهيدشان بخوبى و نگاه مداريد ايشان را از راه ضرر رسانيدن تا تعدّى كنيد و كسى كه بكند آن را پس بحقيقت كه ستم كرده بر خود و فرا مگيريد آيتهاى خدا را باستهزاء و ياد كنيد نعمت خدا را بر شما و آنچه را فرو فرستاد بر شما از كتاب و حكمت پند ميدهد شما را بآن و بترسيد از خدا و بدانيد كه خدا بهمه چيز دانا است (231)
و چون طلاق دهيد زنان را پس برسند بآخر مدّتشان پس منع مكنيد ايشان را كه بنكاح در آيند شوهرانشان را وقتى كه برضاى هم روند ميانشان بخوبى آن پند داده ميشود بآن كسى كه باشد از شما كه ايمان آورد بخدا و روز بازپسين آنتان پاكيزه‌تر است مر شما را و پاكتر و خدا ميداند و شما نميدانيد (232)
و مادران شير ميدهند فرزندانشان را
ترجمه قرآن، ص: 38
دو سال تمام از براى كسى كه خواسته باشد كه تمام كند شير دادن را و بر پدر است روزى ايشان و جامه ايشان بخوبى تكليف كرده نشود هيچ تنى مگر باندازه طاقتش و بايد رنج رسانيده نشود مادرى بسبب فرزندش و نه پدرى بفرزندش و بر وارث است مانند آن پس اگر اراده كردند شير باز گرفتن را از روى خوشنودى از ايشان و مشورت پس نيست گناهى بر ايشان و اگر خواسته باشيد كه بدايه بدهيد فرزندانتان را پس نيست گناهى بر شما چون تسليم كنيد آنچه داديد بخوبى و بترسيد از خدا و بدانيد كه خدا بآنچه ميكنيد بينا است (233)
و كسانى كه متوفّى ميشوند از شما و واميگذارند جفتها را انتظار ميبرند بخودهاشان چهار ماه و ده روز پس چون رسيدند مدّتشان را پس نيست

گناهی بر شما در آنچه کردند بر خودهاشان بخوبی و خدا بآنچه میکنید دانا است (234)
و نیست گناهی بر شما در آنچه بکنایه خبر دارید بآن از خواستگاری زنان یا پنهان داشتید در نفسهای خود دانسته خدا که شما زود یاد خواهید کرد ایشان را و لیکن وعده مدهید ایشان را پنهانی مگر آنکه گوئید گفتاری خوب و قصد مکنید بستن نکاح را تا برسد کتاب مدّتش را (یعنی عدّه منقضی شود) و بدانید که خدا میداند آنچه در تنهای شما است پس حذر کنید از او و بدانید که خدا آمرزنده و بردبار است
ترجمه قرآن، ص: 39
(235)
نیست گناهی بر شما اگر طلاق دهید زنان را ما دام که مسّ نکرده باشیدشان یا مقرّر نکرده باشید از برای ایشان مهری و بر خوردار کنید ایشان را بر توانگر است اندازه آن و بر تنگدست است اندازه آن بر خورداری است بخوبی حقّ بودنی است بر نیکوکاران (236)
و اگر طلاق دادید ایشان را پیش از آنکه مسّ کنید ایشان را و بحقیقت معیّن کرده باشید از برای آنها مهری پس نیمه آنچه را معیّن کرده‌اید مگر آنکه ببخشند یا ببخشد آنکه بدست او است بستن نکاح و آنکه ببخشید نزدیکتر است بپرهیزکاری و فراموش مکنید احسان را میانتان بدرستی خدا بآنچه میکنید بینا است (237)
نگاهداری کنید بر نمازها و نماز میانه و بر پای ایستید برای خدا دعا خوانان (238)
پس اگر ترسید پس پیادگان و سواران پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدا را هم چنان که آموخت شما را آنچه نبودید که بدانید (239)
و آنان که متوفّی میشوند از شما و وامیگذارند جفتها را وصیّتی از برای جفتهاشان متاعی از نفقه و کسوه تا سال بدون بیرون کردن پس اگر بیرون روند پس نیست گناهی بر شما در آنچه کردند در خودهاشان از خوبی و خدا غالب درستکار است (240)
و مر طلاق داده شده‌ها را متاعی است بخوبی حقّ بودنی بر پرهیزکاران (241)
همچنین بیان میکند خدا از برای شما آیتهایش را باشد که شما دریابید بعقل (242)
آیا ننگرستی به آنانکه بیرون رفتند
ترجمه قرآن، ص: 40
از دیارشان و ایشان هزاران بودند از ترس مرگ پس گفت مر ایشان را خدا بمیرید پس زنده کرد ایشان را بدرستی که خدا هر آینه صاحب تفضل است بر مردمان و لیکن بیشترین مردمان شکر نمیکنند (243)

و کارزار کنید در راه خدا و بدانید که خدا شنوای دانا است (244)
کیست که دام دهد خدا را دامی خوب پس مضاعف گرداند آن را از برای او اضعاف بسیار و خدا میگیرد و میگشاید و بسوی او باز گردانیده میشوید (245)
آیا نگاه نکردی بجمعی از بنی اسرائیل از بعد موسی چون گفتند مر پیغمبری را که بود و مر ایشان را که بر انگیز از برای ما پادشاهی تا کارزار کنیم در راه خدا گفت آیا باشید شما اگر نوشته شده باشد بر شما کارزار اینکه کارزار نکنید گفتند و چیست ما را که کارزار نکنیم در راه خدا و بتحقیق که بیرون کرده شدیم از دیارمان و فرزندان‌مان پس چون نوشته شد بر ایشان کارزار برگشتند مگر اندکی از ایشان و خدا دانا است بر ستمکاران (246)
و گفت مر ایشان را پیغمبرشان بدرستی که خدا بحقیقت بر انگیخت از برای شما طالوت را پادشاه گفتند از کجا باشد مر او را پادشاهی بر ما و ما سزاوارتریم بپادشاهی از او و داده نشده است فراخی را از مال گفت بدرستی که خدا برگزید او را بر شما و افزودش زیادتی در دانش و هیکل و خدا میدهد ملکش را بهر که خواهد و خدا شنوای دانا است (247)
و گفت مر ایشان را پیغمبرشان که
ترجمه قرآن، ص: 41
بدرستی نشانه پادشاهی او آنست که بیاید نزد شما تابوت که در آنست سکینه از پروردگارتان و باقی مانده از آنچه گذاشته‌اند آل موسی و آل هارون بر میدارندش ملائکه بدرستی که در آن هر آینه نشانی است مر شما را اگر باشید گروندگان (248)
پس چون جدا شد طالوت با لشکرهایش گفت بدرستی که خدا آزمایش کننده شما است بجویی پس هر که آشامید از آن پس نیست از من و هر که نچشید آن را پس بدرستی که او از من است مگر آنکه بر دارد کفی را بدستش پس آشامیدند از آن مگر اندکی از ایشان پس چون گذشت از آن او و آنان که گرویدند با او گفتند نیست توانایی مر ما را امروز بجالوت و لشکرهایش گفتند آنان که که گمان داشتند که آنها ملاقات کنندگان خدایند بسا از گروه اندک که غالب آیند گروه بسیار را بدستوری خدا و خدا با صبر کنندگانست (249)
و چون برابر شدند مر جالوت و لشکرهای او را گفتند ای پروردگار ما بر ریز بر ما شکیبایی را و ثابت دار قدمهای ما را و یاری کن ما را بر گروه کافران (250)
پس هزیمت دادند ایشان را بدستوری خدا و کشت داود جالوت را و دادش خدا پادشاهی و حکمت و آموخت او را از آنچه میخواست و اگر نبود دفع کردن خدا مردمان را برخی‌شان را ببرخی هر آینه تباه شدی زمین و لیکن

خدا صاحب فضل است بر جهانیان (251)
این آیتهای خدا است که میخوانیم آنها را بر تو براستی و بدرستی که تو هر آینه از فرستادگانی (252)

آن رسولان را افزونی دادیم برخی از ایشان را بر برخی از ایشان کسی است که سخن کردش خدا و بلند کرد برخیشان را مرتبه‌ها و دادیم عیسی پسر مریم را معجزات و تایید کردیمش بروح پاکی و اگر میخواست خدا کارزار نمیکردند آنان که بودند پس از ایشان پس از آنچه آمد ایشان را بیّنه‌ها و لیکن اختلاف کردند پس از ایشان کسی است که گروید و از ایشان کسی است که کافر شد و اگر خواستی خدا کارزار نکردندی و لیکن خدا میکند آنچه میخواهد (253)
ای آن کسانی که ایمان آوردید انفاق کنید از آنچه روزی دادیمتان پیش از آنکه بیاید روزی که نباشد بیعی در آن و نه دوستی و نه در خواستی و کافران ایشانند ستمکاران (254)
خدا نیست الهی مگر او که زنده پاینده است نگیردش خواب سبک و نه خواب گران مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است کیست آنکه شفاعت کند نزد او مگر بدستوریش میداند آنچه را میان دستهای ایشان و آنچه پس سر ایشان است و احاطه نمیکنند بچیزی از دانش او مگر بآنچه خواهد گنجید کرسی او آسمانها و زمین را و گران نیاید او را نگهبانی دو تا و او است بلند قدر بزرگ مرتبه (255)
نیست اکراهی در دین بدرستی که پیدا شد راه راست از گمراهی پس آنکه کافر میشود بطاغوت و میگرود بخدا پس بحقیقت چنگ زد بدست گیر استواری که نیست انقطاعی مر او را و خدا شنوای دانا است (256)
خداست دوست

آنان که گرویدند بیرون آورد ایشان را از تاریکیهای کفر بروشنی ایمان و آنان که کافر شدند دوستان ایشانند طاغوت بیرون آورد ایشان را از روشنی بتاریکی آنها اهل آتشند ایشان در آن جاویدانند (257)
آیا ننگرستی به آنکه حجّت گرفت ابراهیم را در حقّ پروردگارش که داد او را خدا پادشاهی چون گفت ابراهیم پروردگار من آنست که زنده میکند و میمیراند گفت من زنده میکنم و میمیرانم گفت ابراهیم پس بدرستی که خدا میآورد آفتاب را از مشرق پس بیاورش از مغرب پس سرکشته ماند آنکه کافر شد و خدا راه ننماید گروه ستمکاران را (258)
یا چون آنکه گذشت بر دهی و آن افتاده بود بر سقفهایش گفت چگونه زنده کند این را خدا پس از مرگش پس میرانیدش خدا صد سال پس زنده کردش گفت چند درنک کردی گفت درنگ کردم یک روز یا برخی از روز

گفت بلکه درنگ کردی صد سال پس بنگر بخوردنی خود و آشامیدنی خود که بوی نگردانیده و بنگر بدر از گوشت و تا بگردانیم ترا نشانه برای مردمان و بنگر باستخوانها که چگونه از جای برداریمش پس بپوشانیمش گوشت پس چون روشن شد مر او را گفت میدانم که خدا بر همه چیزی توانا است (259)
و چون گفت ابراهیم ای پروردگار من بنمای مرا که چگونه زنده میسازی مردگان را گفت آیا باور نداری گفت آری و لیکن از برای آنکه بیارامد دلم گفت پس بگیر چهار تا را از پرنده
ترجمه قرآن، ص: 44
پس پاره پاره کن آنها را بسویت پس بگردان بر هر کوهی از آنها جزئی را پس بخوانشان که میآیند ترا شتافتنی و بدان که خدا غالب درست کردار است (260)
مثل کسانی که انفاق میکنند مالهاشان را در راه خدا چون مثل دانه ایست که برویاند هفت خوشه که در هر خوشه صد دانه باشد و خدای میافزاید از برای آنکه میخواهد و خدا فراخ رحمت دانا است (261)
آنان که انفاق میکنند مالهاشان را در راه خدا پس از پی نمیکنند آنچه را انفاق کردند منّتی و نه آزاری مر ایشان را است مزدشان نزد پروردگارشان و نیست بیمی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند (262)
گفتار خوب و آمرزش بهتر است از صدقه که در پی باشد آن را آزاری و خدا بی نیاز بردبار است (263)
ای آن کسانی که گرویدید باطل مسازید صدقه‌های خود را بمنّت نهادن و آزار چون کسی که انفاق میکند مالش را بجهة دیدار مردمان و نمیگردد بخدا و روز باز پسین پس مثل او چون داستان سنگ همواریست که بر او باشد خاکی پس رسیده باشد آن را بارانی بزرگ قطره پس وا گذاشته باشد آن را قادر نیستند بر چیزی از آنچه کسب کردند و خدا راه ننماید گروه کافران را (264)
و مثل آنان که انفاق میکنند مالهاشان را بجهت طلب خوشنودی خدا و ثابت گردانیدنی از خودهاشان چون مثل بوستانی است بر بلندی که برسدش باران بزرگ قطره پس بدهد ثمرش را دو چندان پس اگر نرسد آن را باران بزرگ قطره پس باران خرد قطره و خدا بآنچه میکنید بینا است (265)
آیا دوست میدارد
ترجمه قرآن، ص: 45
یکی از شما که باشد مر او را بوستانی از خرما بنان و انگورها که روان باشد از زیرشان نهرها مر او را باشد در آن از همه میوه‌ها و برسد آن را

پیری و مر او را باشد اولاد ناتوان پس رسد آن را گرد بادی که در آن باشد آتشی پس بسوزد همچنین بیان میفرماید خدا برای شما آیتها را باشد که شما اندیشه کنید (266)
ای آن کسانی که ایمان آوردید انفاق کنید از خوبهای آنچه کسب کردید و از آنچه بیرون آوردیم برای شما از زمین و قصد مکنید پلید را که از آن انفاق کنید و نیستید گیرنده آن مگر آنکه چشم بپوشید در آن و بدانید که خدا بی نیاز ستوده است (267)
شیطان وعده میدهد شما را بدرویشی و میفرماید شما را ببدی و خدا وعده میکند شما را آمرزش از خود و احسان و خدا فراخ رحمت دانا است (268)
میدهد حکمت کسی را که میخواهد و هر که داده شود حکمت پس بحقیقت داده شده خوبی بسیار و پند نگیرند مگر صاحبان خرد (269)
و آنچه را انفاق کردید از نفقه یا لازم گردانیدید از نذری پس بدرستی که خدا میداندش و نیست مر ستمکاران را هیچ یاری کنندگان (270)
اگر ظاهر کنید صدقه‌ها را پس خوب چیزیست آن و اگر پوشیده دارید آن را و بدهید آنها را بدرویشان پس آن بهتر است مر شما را و میگرداند کفّاره از شما از گناهانتان و خدا بآنچه میکنید آگاه است (271)
نیست بر تو هدایتشان و لیکن خدا راه مینماید آن را که خواهد و آنچه را
ترجمه قرآن، ص: 46
انفاق میکنید از مالی پس باشد از برای خودهاتان و انفاق نمیکنید مگر از برای طلب رضای خدا و آنچه را انفاق میکنید از مالی بتمام داده میشود بشما و شما ستمدیده نشوید (272)
از برای درویشانیست که باز داشته شده‌اند در راه خدا که توانایی ندارند سیر کردنی در زمین می‌پندارد ایشان را نادان بحال ایشان توانگران از عفّت گزینی میشناسی ایشان را بعلامتشان سؤال نمیکنند از مردمان بابرام و آنچه را انفاق میکنید از مالی پس بدرستی خدا بان دانا است (273)
آنان که انفاق میکنند مالهای خود را بشب و روز پنهان و آشکار پس مر آنها راست مزدشان نزد خداشان و نیست بیمی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند (274)
آنها که میخورند سود بر سود را بر نخیزند مگر هم چنان که بر میخیزد آنکه مصروع میکندش شیطان از جنون آن باین است که آنها گفتند نیست بیع مگر مثل ربا و حلال کرده خدا بیع را و حرام کرده ربا را پس آنکه آمد او را پندی از پروردگارش پس باز ایستاد مر او راست آنچه گذشت و کارش با خدا است و کسی که عود کرد پس ایشان اهل آتشند ایشان در آن جاویدانند (275)

بی برکت میکند خدا ربا را و افزونی میدهد صدقه‌ها را و خدا دوست نمیدارد هر ناسپاس گناهکار را (276)
بدرستی که آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته و بر پا داشتند نماز را و دادند زکاة را مر آنها راست مزدشان نزد پروردگارشان و نیست خوفی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند (277)
ترجمه قرآن، ص: 47
ای آن کسانی که گرویدند بترسید از خدا و واگذارید آنچه را ماند از ربا اگر هستید گروندگان (278)
پس اگر نکردید پس اعلام دهید بحربی از خدا و رسولش و اگر توبه کردید پس شما را است سرمایهای مالهاتان ستم نمیکنید و ستم کرده نمیشوید (279)
و اگر بوده باشد صاحب عسرتی پس مهلت دادنی است تا وقت یسر و اگر صدقه کنید بهتر است از برای شما اگر باشید که بدانید (280)
و بترسید از روزی که بر گردانیده میشوید در آن بسوی خدا پس تمام داده شود هر نفسی را آنچه اندوخته و ایشان ستمکرده نشوند (281)
ای آن کسانی که ایمان آوردید چون معامله میکنید بوامی تا وقتی نامبرده پس بنویسیدش و باید که بنویسد میانتان نویسنده براستی و باید ابا نکند کاتبی که بنویسد هم چنان که اموزانیدش خدا پس باید بنویسد و باید املا کند کسی که بر او است حقّ و باید بترسد از خدا که پروردگار او است و کم نکند از آن چیزی را پس اگر باشد آن کسی که بر او است حقّ کم خرد یا عاجز یا نتواند که املا کند او پس باید املا کند ولیّش براستی و گواه بر گیرید دو گواه از مردانتان پس اگر نباشند دو مرد پس یک مرد و دو زن از آنان که راضی باشید از گواهان تا چون فراموش کند یکی از آن دو پس بیاد آورد یکی شان دیگری را و باید ابا نکند گواهان وقتی که خوانده شوند و نه ملول شوید که بنویسید آن را کوچک یا بزرگ تا مدّتش آن راست‌تر است نزد خدا
ترجمه قرآن، ص: 48
و ثابت‌تر از برای شهادت و نزدیکتر بآنکه شک نکنید مگر آنکه باشد سودایی حاضر که میگردانیده باشید آن را میانتان پس نیست بر شما گناهی که ننویسید آن را و گواه برگیرید چون مبایعه کنید و باید که ضرر نرسانند نویسنده و نه گواهی و اگر بکنید پس آن نافرمانی است و بترسید از خدا و می‌آموزد شما را خدا و خدا بهمه چیزی دانا است (282)
و اگر باشید بر سفری و نیابید کاتبی را پس گروگانی باید گرفته شود پس اگر امین داند برخی از شما برخی را پس باید ادا کند آنکه امین داشته شده امانتش را و باید که بترسد از خدا که پروردگار او است و مپوشید شهادت را و هر که بپوشد آن را پس او گناهکار است دلش و خدا بآنچه

میکنید دانا است (283)
مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و اگر اظهار کنید آنچه در نفسهای شما است یا نهان داریدش محاسبه میکند شما را بآن خدا پس میآمرزد برای آنکه خواهد و عذاب میکند آن را که میخواهد و خدا بر همه چیزی توانا است (284)
گروید رسول بآنچه فرو فرستاده شد بسوی او از پروردگارش و گروندگان همگی گرویدند بخدا و فرشتگان او و کتابهای او و رسولان او تفرقه نمیکنیم میان احدی از رسولانش و گفتند شنیدیم و فرمان بردیم آمرزش ترا می‌طلبیم ای پروردگار ما و بسوی تو است مرجع (285)
تکلیف نمیکند خدا نفسی را مگر باندازه طاقتش مر او را است آنچه کسب کرده و بر او است آنچه کسب کرده ای پروردگار ما مؤاخذه مکن ما را
ترجمه قرآن، ص: 49
اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم ای پروردگار ما و بار مکن بر ما یار گرانی را هم چنان که بار کردی آن را بر آنان که بودند پیش از ما ای پروردگار ما و بار مکن ما را آنچه نیست توانایی ما را بآن و در گذر از ما و بیامرز ما را و رحم کن ما را تویی صاحب اختیار ما پس یاری کن ما را بر کرده کافران (286)

ترجمه قرآن 112
بنام خداوند بخشنده مهربان
خدا نيست خدايى مگر او كه زنده پاينده است (2)
فرو فرستاد بر تو كتاب را براستى باور دارنده مر آنچه را كه پيش از آن بود و فرو فرستاد تورية و انجيل را (3)
از پيش هدايت از براى مردمان و فرو فرستاد فرقان را بدرستى كه آنان كه كافر شدند بآيتهاى خدا از براى ايشانست عذابى سخت و خداى غالب صاحب انتقام است (4)
بدرستى كه خدا پوشيده نماند بر او چيزى در زمين و نه در آسمان (5)
او است كه صورت ميكشد شما را در رحمها هر گونه كه ميخواهد نيست خدايى مگر او كه غالب درست كردار است (6)
اوست كه فرو فرستاد بر تو كتابى را از آن آياتيست محكم كه آنها اصل كتابند و ديگر متشابهاتند پس امّا آنان كه در دلهاى آنها ميلى بباطل است پس پيروى ميكنند آنچه متشابه است از آن براى طلب فتنه و براى طلب تاويلش و نميداند
ترجمه قرآن، ص: 50
تاويلش را مگر خدا و ثابتان در دانش ميگويند ايمان آورديم بآن همه از نزد پروردگار ما است و پند نگيرند مگر صاحبان خرد (7)
اى پروردگار ما مايل مكن بباطل دلهاى ما را پس از آنكه راه نمودى ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتى بدرستى كه تو تويى بغايت بخشنده (8)
پروردگار ما بدرستى كه تو جمع كننده مردمانى براى روزى كه نيست شكّى در آن بدرستى كه خدا خلاف نخواهد كرد وعده را (9)
بدرستى كه آنان كه كافر شدند هرگز كفايت نكند از ايشان مالهاشان و نه فرزندانشان از خدا چيزى را و آن گروه ايشانند هيمه آتش (10)
چون عادت آل فرعون و آنان كه بودند پيش از ايشان تكذيب كردند آيتهاى ما را پس گرفتشان خدا بگناهانشان و خدا سخت عقوبت است (11)
بگو مر آنان را كه كافر شدند زود باشد كه غلبه كرده شويد و حشر كرده شويد بسوى دوزخ و بد بستريست (12)
بتحقيق بود مر شما را آيتى در دو گروه كه بهمرسيدند گروهى كارزار كردند در راه خدا و ديگرى كافر بودند ميديدند ايشان را و مانند ايشان ديدن بچشم و خدا تأييد ميكند بيارى خود آنكه را كه ميخواهد بدرستى كه در آن هر آينه عبرتيست از براى صاحبان ديدها (13)
آراسته شد از براى مردمان دوستى خواهشها از زنان و پسران و مالهاى

بسيار تحصيل كرده شده از طلا و نقره و اسبان نشاندار و شتر و كاو و گوسفند و زراعت آن متاع زندگانى دنيا است و خدا نزدش خوبى باز كشت است (14)
بگو آيا خبر دهم شما را
ترجمه قرآن، ص: 51
ببهتر از آنتان از براى آنها كه پرهيز كردند نزد پروردگارشان بهشتهاييست كه ميرود از زيرشان نهرها جاودانيان در آن و جفتان پاكيزه و خشنودى از خدا و خدا بينا است به بندگان (15)
آنان كه ميگويند اى پروردگار ما بدرستى كه ما گرويديم پس بيامرز ما را گناهان ما و نگاهدار ما را از عذاب آتش (16)
شكيبايان و راستگويان و فرمانبرداران و نفقه كنندگان و آمرزش خواهندگان در سحرگاهان (17)
گواهى داد خدا كه نيست خدايى مگر او و فرشتگان و صاحبان دانش اقامت كننده بعدل نيست خدايى مگر او كه غالب راست كردار است (18)
بدرستى كه دين نزد خدا اسلام است و اختلاف نكردند آنان كه داده شدند كتاب را مگر پس از آنكه آمد ايشان را دانش از راه حسد ميانشان و آنكه كافر شود بآيتهاى خدا پس بدرستى كه خدا زود حساب است (19)
پس اگر حجّت گيرند ترا پس بگوى خالص كردم وجهم را از براى خدا و آنكه پيروى كرد مرا و بگوى مر آنان را كه داده شدند كتاب را و نانويسندگان را كه آيا منقاد شديد پس اگر منقاد شدند پس بحقيقت راه يافتند و اگر رو گردانيدند پس جز اين نيست كه بر تو است رسانيدن و خدا بينا است به بندگان (20)
بدرستى كه آنان كه كافر ميشوند بآيتهاى خدا و ميكشند پيغمبران را بناحقّ و ميكشند آنان را كه ميفرمايند بعدالت از مردمان پس مژده ايشان را بعذاب دردناک (21)
آن گروه آنانند كه ناچيز شد كردارهاشان در دنيا و آخرت و نيست ايشان را هيچ يارى كنندگان (22)
ترجمه قرآن، ص: 52
آيا ننگرستى به آنانكه داده شدند بهره را از كتاب خوانده ميشوند بسوى كتاب خدا تا حكم كند ميانشان پس رو ميگردانند گروهى از ايشان و ايشان روى گردانندگانند (23)
آن باينست كه ايشان گفتند هرگز مسّ نكند ما را آتش مگر روزهاى شمرده شده و بفريفتشان در دينشان آنچه بودند كه افترا ميكردند (24)
پس چگونه باشد چون گرد آوريشان براى روزى كه نيست شكّى در آن و تمام داده شود هر نفسى را پاداش آنچه كسب كرده و آنها ستمديده نشوند (25)

بگو بار خدایا ای متصرّف پادشاهی که میدهی پادشاهی را بآنکه میخواهی و میگیری پادشاهی را از آنکه میخواهی و عزیز میکنی آن را که میخواهی و خوار میگردانی آن را که میخواهی بدست تو است خوبی بدرستی که تو بر همه چیز توانایی (26)
در میآوری شب را در روز و در میآوری روز را در شب و بیرون میآوری زنده را از مرده و بیرون میآوری مرده را از زنده و روزی میدهی آن را که میخواهی بیشمار (27)
باید نگیرند گروندگان کافران را دوستان از جز گروندگان و آنکه میکند آن را پس نیست از خدا در چیزی مگر آنکه بپرهیزید از ایشان پرهیز کردنی و میترساند شما را خدا از خود و بسوی خدا است بازگشت (28)
بگو اگر پنهان دارید آنچه در سینه‌های شما است یا آشکار کنید آن را میداندش خدا و میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و خدا بر همه چیزی توانا است (29)
روزی که مییابد هر تنی آنچه را کرده از خوبی حاضر کرده و آنچه را کرده از بدی آرزو میکند که کاش بود میانه آن و میانه او
ترجمه قرآن، ص: 53
مسافتی دور و میترساند شما را خدا از خود و خدا مهربانست به بندگان (30)
بگو اگر هستید که دوست دارید خدا را پس پیروی کنید مرا تا دوست دارد شما را خدا و بیامرزد برای شما گناهان شما را و خدا است آمرزنده مهربان (31)
بگو فرمان برید خدا و رسول را پس اگر رو گردانند پس بدرستی که خدا دوست ندارد کافران را (32)
بدرستی که خدا برگزید آدم را و نوح را و آل ابراهیم را و آل عمران را بر جهانیان (33)
فرزندان برخیشان از برخی و خدا شنوای دانا است (34)
چون گفت زن عمران ای پروردگار من بدرستی که من نذر کردم برای تو آنچه در شکم من است از او از شغل دنیا پس بپذیر از من بدرستی که تو تویی شنوای دانا (35)
پس چون بنهادش گفت پروردگارا بدرستی که من بنهادمش مؤنّث و خدا داناتر است بآنچه بنهاد و نیست مذکّر چون مؤنّث و بدرستی که من نامیدمش مریم و بدرستی که من پناه میدهم او را بتو و فرزندان او را از شیطان رانده شده (36)
پس پذیرفت او را پروردگارش پذیرفتنی نیکو و رویانیدش رویانیدنی خوب و پایندان کردش زکریّا را هر گاه در آمد بر او زکریّا در جای عبادت یافت نزدش روزی را گفت ای مریم از کجا است مر ترا این گفت آن از نزد خدا

است بدرستی که خدا روزی میدهد آن را که خواهد بیشمار (37)
در آنجا خواند زکریّا پروردگار شرا گفت ای پروردگار من ببخش مرا از نزدت فرزندی پاکیزه بدرستی که تو شنونده دعائی (38)
پس ندا کردندش فرشتگان

و او ایستاده بود نماز میکرد در محراب بدرستی که خدا مژده میدهد ترا بیحیی تصدیق کننده بکلمه از خدا و مهتر و باز دارنده نفس از شهوتها و پیغمبری از شایستگان (39)
گفت ای پروردگار من از کجا باشد مرا فرزندی و بحقیقت رسیده مرا پیری و زنم نازاینده است گفت همچنین خدا میکند آنچه میخواهد (40)
گفت ای پروردگار من بگردان برای من نشانی گفت نشان تو آنست که سخن نگویی با مردمان سه روز مگر باشاره و یاد کن پروردگارت را بسیار و تسبیح کن در شبانگاه و بامداد (41)
و هنگامی که گفتند فرشتگان ای مریم بدرستی که خدا برگزید ترا و پاکیزه گردانیدت و اختیار کردت بر زنان جهانیان (42)
ای مریم عبادت کن مر پروردگار ترا و سجود کن و رکوع کن با رکوع کنندگان (43)
آن از خبرهای نهان است وحی میکنیم آن را بتو و نبودی تو نزد ایشان هنگامی که میانداختند قلمهاشان را که کدامشان پایندانی کنند مریم را و نبودی تو نزد ایشان هنگامی که نزاع میکردند (44)
هنگامی که گفتند فرشتگان ای مریم بدرستی که خدا بشارت میدهد ترا بکلمه از او که اسم او است مسیح عیسی پسر مریم صاحب جاه در دنیا و آخرت و از نزدیک کردگان (45)
و سخن میکند با مردمان در گهواره و دو مویی و باشد از شایستگان (46)
گفت ای پروردگار من از کجا باشد مرا فرزندی و مسّ نکرده مرا انسانی گفت همچنین خدا میآفریند آنچه خواهد چون قرار میدهد امری را پس جز این نیست که میگوید مر او را بشو پس میشود (47)

و میآموزد او را کتاب و حکمت و تورية و انجیل (48)
و فرستاده شده بفرزندان یعقوب که من بحقیقت آمدم شما را بآیتی از پروردگارتان بدرستی که من میسازم برای شما از گل چون شکل مرغی پس میدمم در آن پس میشود مرغی باذن خدا و به میکنم کور مادر زاد را و پیس را و زنده میکنم مردگان را بدستوری خدا و خبر میدهم شما را بآنچه میخورید و آنچه ذخیره می‌نهید در خانه‌هاتان بدرستی که در آن هر آینه نشانیست مر شما را اگر هستید گروندگان (49)
و تصدیق کننده مر آنچه را باشد میان دو دستم از تورية و از برای آنکه

حلال میکنم برای شما برخی از آنچه حرام کرده شد بر شما و آوردم شما را معجزه از پروردگارتان پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا (50)
بدرستی که خدا پروردگار من و پروردگار شما است پس بپرستید او را اینست راه راست (51)
پس چون مشاهده کرد عیسی از ایشان کفر را گفت کیست انصار من بسوی خدا گفتند حواریان ما انصار خدائیم گرویدیم بخدا و گواه باش بآنکه ما منقادانیم (52)
پروردگارا گرویدیم ما بآنچه فرو فرستادی و پیروی کردیم رسول را پس بنویس ما را با شاهدان (53)
و مکر کردند و مکر کرد خدا و خدا است بهترین مکر کنندگان (54)
چون گفت خدا ای عیسی بدرستی که من بر دارنده توام و بلند کننده توام بسوی خود و پاک کننده توام از آنان که کافر شدند و گرداننده‌ام کسانی را که پیروی کردند ترا بالای کسانی که کافر شدند تا روز قیامت پس بسوی من است باز گشت شما پس حکم میکنم
ترجمه قرآن، ص: 56
میان شما در آنچه بودید در آن اختلاف میکردید (55)
پس امّا آنان که کافر شدند پس عذاب کنم ایشان را عذابی سخت در دنیا و آخرت و نیست مر ایشان را هیچ یاری کنندگان (56)
و امّا آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته پس تمام دهد ایشان را مزدهاشان و خدا دوست ندارد ستمکاران را (57)
آنست که میخوانیمش بر تو از آیتها و ذکر با حکمت (58)
بدرستی که مثل عیسی نزد خدا چون مثل آدم است ساختش از خاک پس گفت مر او را بشو پس شد (59)
حقّ از پروردگار تو است پس مباش از شکّ کنندگان (60)
پس کسی که مجادله کند ترا در آن پس از آنچه آمد ترا از دانش پس بگو بیائید بخوانیم پسرانمان را و زنانمان را و زنانتان را و نفسهامان را و نفسهاتان را پس زاری نمائیم پس بگردانیم لعنت خدا را بر دروغگویان (61)
بدرستی که این هر آینه آن قصّه‌های راست است و نیست هیچ خدایی مگر خدا و بدرستی که خدا هر آینه اوست غالب درستکار (62)
پس اگر بر گردند پس بدرستی که خدا دانا است به تباهکاران (63)
بگو ای اهل کتاب بیائید بکلمه راستی که میانه ما است و میانه شما که نپرستیم مگر خدا را و انباز فرا نداریم باو چیزی را و نگیرد بعضی‌مان بعضی را ارباب از جز خدا پس اگر اعراض کنند پس بگوئید گواه باشید بآنکه ما منقادانیم (64)
ای اهل کتاب چرا مجادله میکنید در

ترجمه قرآن، ص: 57
ابراهيم و فرو فرستاده نشد تورية و انجيل مگر پس از آن آيا پس در نمىيابيد (65)
آگاه باشيد شما آنهائيد كه مجادله كرديد در آنچه بود مر شما را بآن دانش پس چرا مجادله كنيد در آنچه نيست مر شما را بآن دانش و خدا ميداند و شما نميدانيد (66)
نبود ابراهيم يهودى و نه نصرانى و ليكن بود حق گراى مسلم و نبود از جمله شرك آورندگان (67)
بدرستى كه نزديكترين مردمان بابراهيم هر آينه آنانند كه پيروى كردند او را و اين پيغمبر و آنان كه گرويدند و خدا دوست گروندگانست (68)
دوست داشتند گروهى از اهل كتاب كه گمراه كنند شما را و گمراه نميكنند مگر خودهاشان را و نمىيابند (69)
اى اهل كتاب چرا كافر ميشويد بآيتهاى خدا و شما گواهى ميدهيد (70)
اى اهل كتاب چرا ميپوشانيد حقّ را بباطل و پنهان ميداريد حقى را و شما ميدانيد (71)
و گفتند طايفه از اهل كتاب ايمان آوريد بآنچه فرو فرستاده شده بر آنان كه ايمان آوردند اوّل روز و كافر شدند آخرش باشد كه ايشان باز گردند (72)
و ايمان نمياوريد مگر از براى كسى كه پيروى كرد دين شما را بگو بدرستى كه هدايت هدايت خدا است اينكه داده شود احدى مانند آنچه داده شديد يا حجّت آورند شما را نزد پروردگارتان بگو بدرستى كه فضل بدست خدا است ميدهد آن را بكسى كه ميخواهد و خدا فراخ رحمت دانا است (73)
مخصوص ميگرداند برحمتش آن را كه ميخواهد
ترجمه قرآن، ص: 58
و خدا است صاحب فضل بزرگ (74)
و از اهل كتاب كس باشد كه اگر امين سازيش بمال بسيار ميرساند آن را بتو و از ايشان كسى است كه اگر امين سازيش بدينارى نميرساند آن را بتو مگر ما دام كه باشى بر او ايستاده آن باين است كه ايشان گفتند نيست بر ما در خوردن مال مكّيان راهى و ميگويند بر خدا دروغ را و ايشان ميدانند (75)
آرى كسى كه وفا كرد بعهدش و پرهيزكارى كرد پس بدرستى كه خدا دوست دارد پرهيزكاران را (76)
بدرستى كه آنان كه عوض ميگيرند بعهد خدا و سوگندهاشان بهاى اندك را آن گروه نيست بهره مر ايشان را در آخرت و سخن نميگويد با ايشان خدا و نمينگرد بسوى ايشان روز قيامت و پاك نگرداند ايشان را و از براى

ایشانست عذابی دردناک (77)
و بدرستی که از ایشان پاره می‌پیچند زبانهای خود را بکتاب تا پندارید او را از کتاب و نیست آن از کتاب و میگویند آن از نزد خدا است و نیست آن از نزد خدا و میگویند بر خدا دروغ را و ایشان میدانند (78)
نمیباشد از برای انسانی که بدهدش خدا کتاب و حکم و پیغمبری را پس گوید از برای مردمان باشید بندگان مر مرا از جز خدا و لیکن باشید خدا پرستان بسبب بودن شما که تعلیم دهید کتاب را و بسبب بودنتان که بخوانید (79)
و نمیفرماید شما را که بگیرید فرشتگان را و پیغمبران را خدایان آیا میفرماید شما را بکفر پس از آنکه شما مسلمانانید
ترجمه قرآن، ص: 59
(80)
و هنگامی که گرفت خدا پیمان پیغمبران را که آنچه دادم شما را از کتاب و حکمت پس آمد شما را رسولی تصدیق کننده و مر آنچه را با شما است هر آینه ایمان خواهید آورد البتّه باو و هر آینه یاری او کنید البتّه گفت آیا اقرار کردید و گرفتید بر آنتان پیمان مرا گفتند اقرار کردیم گفت پس گواه باشید و من با شما از گواهانم (81)
پس هر که رو بگرداند پس از آن پس آن گروه ایشانند نافرمانان (82)
آیا پس جز دین خدا را میجویند و مر او را منقاد شده هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه و بسوی او باز گردانیده میشوند (83)
بگو گرویدیم بخدا و آنچه فرو فرستاده شد بر ما و آنچه فرو فرستاده شد بر ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و آنچه داده شد بموسی و عیسی و سایر پیغمبران از پروردگارشان تفرقه نمیکنیم میان احدی از ایشان و ما مر او را منقادانیم (84)
و هر که بجوید بجز اسلام دینی را پس هرگز پذیرفته نشود از او داد در آخرت از زیانکارانست (85)
چگونه راه نماید خدا گروهی را که کافر شدند پس از ایمانشان و گواهی دادند که رسول حقّ است و آمد ایشان را حجّتها و خدا راه ننماید گروه ستمکاران را (86)
آن کرده پاداششان آنست که بر آنها است لعنت خدا و فرشتگان و مردمان همگی (87)
جاودانیان در آن سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند (88)
مگر آنان که توبه کردند پس از
ترجمه قرآن، ص: 60
آن و اصلاح کردند پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است (89)

بدرستى كه آنها كه كافر شدند پس از ايمانشان پس افزدوند كفر را هرگز پذيرفته نشود توبه ايشان و آن گروه ايشانند گمراهان (90)
بدرستى كه آنان كه كافر شدند و مردند و ايشان بودند كافران پس هرگز پذيرفته نشود از هيچيك از ايشان پر زمين زر سرخ هر چند خود را باز خرد بآن آنها مر ايشان را است عذابى دردناك و نيست مر ايشان را هيچ يارى كنندگان (91)
نيابيد هرگز نيكى را تا انفاق كنيد از آنچه دوست ميداريد و آنچه را كه انفاق كنيد از چيزى پس بدرستى كه خدا بآن دانا است (92)
همه طعامى بود حلال از براى بنى اسرائيل مگر آنكه حرام كرد اسرائيل بر خودش پيش از آنكه فرو فرستاده شود تورية بگو پس بياوريد تورية را پس بخوانيدش اگر هستيد راستگويان (93)
پس هر كه افترا بندد بر خدا دروغ را پس از آن پس آن گروه ايشانند ستمكاران (94)
بگو راست گفت خدا پس پيروى كنيد ملّت ابراهيم حقّگراى را و نبود از شرك آورندگان (95)
بدرستى كه اوّل خانه كه بنا نهاده شد از براى مردمان هر آينه آنست كه بمكّه است خجسته و هدايت از براى جهانيان (96)
در آنست آيتهاى روشن مقام ابراهيم و كسى كه داخل شد آن را باشد ايمن و مر خدا راست بر مردمان حجّ گذاردن آن خانه هر كه استطاعت دارد بسوى او راه را و كسى كه كافر پس بدرستى كه خدا بى نياز است از جهانيان (97)
بگو اى اهل كتاب چرا كافر ميشويد بآيتهاى خدا
ترجمه قرآن، ص: 61
و خدا گواه است بر آنچه ميكنيد (98)
بگو اى اهل كتاب چرا باز ميداريد از راه خدا كسى را كه ايمان آورد ميخواهيد آن را كج و شما شاهدانيد و نيست خدا غافل از آنچه ميكنيد (99)
اى آن كسانى كه گرويديد اگر فرمان بريد گروهى را از آنان كه داده شدند كتاب را بر گردانند شما را پس از ايمان آوردنتان كافران (100)
و چگونه كافر ميشويد و شما خوانده ميشود بر شما آيتهاى خدا و در ميان شما است رسول او و آنكه متوسّل شود بخدا پس بحقيقت هدايت يافته براه راست (101)
اى آن كسانى كه گرويديد بترسيد از خدا سزاى ترسيدنش و نميريد البتّه مگر و شما مسلمانان (102)
و متمسّك شويد برشته خدا همه و متفرّق نشويد و ياد كنيد نعمت خدا را بر شما چون بوديد دشمنان پس الفت داد ميان دلهاتان پس گرديديد

بنعمتش برادران و بودید بر کناره مغاکی از آتش پس رهانید شما را از آن همچنین بیان میکند خدا برای شما آیتهایش را باشد که شما راه یابید (103)
و باید که باشند از شما جمعی که بخوانند بسوی خوبی و امر کنند بخوبی و نهی میکنند از منکر و آن گروه ایشانند راستگاران (104)
و نباشید مانند آنان که متفرّق شدند و اختلاف کردند پس از آنچه آمد ایشان را حجّتها و آن گروه از برای آنها است عذابی بزرگ (105)
روزی که سفید شود رویهایی و سیاه شود رویهایی پس امّا آنان که سیاه شد رویهای ایشان آیا کافر شدید
ترجمه قرآن، ص: 62
پس از ایمانتان پس بچشید عذاب را بسبب آنچه بودید کافر میشدید (106)
و امّا آنان که سفید شد رویهاشان پس باشند در رحمت خدا ایشان در آن جاودانند (107)
این آیتهای خدا است میخوانیم آن را بر تو براستی و نیست خدا که اراده کند ستمی از برای جهانیان (108)
و مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و بسوی خدا باز گردد کارها (109)
هستید بهتر امّتی که بیرون آورده شد از برای مردمان میفرمائید بخوبی و باز میدارید از ناشایسته و میگروید بخدا و اگر گرویدندی اهل کتاب هر آینه بودی بهتر مر ایشان را بر خیشان گروندگانند و بیشترین ایشان نافرمانانند (110)
ضرر نمیرسانند شما را مگر اندک آزاری و اگر کارزار میکنند با شما میگردانند بشما پشتها را پس نصرت داده نمیشوند (111)
زده شد بر ایشان خواری هر کجا یافته شوند مگر بزنهاری از خدا و زنهار از مردمان و باز گشتند بغضبی از خدا و زده شد بر ایشان درماندگی آن باین است که ایشان بودند کافر میشدند بآیتهای خدا و میکشتند پیغمبران را بناحق آن بآنکه نافرمانی کردند و بودند از حدّ در میگذشتند (112)
نیستند یکسان از اهل کتاب گروهی باشند ایستاده میخوانند آیتهای خدا را اوقات شب و ایشان سجده میکنند (113)
میگروند بخدا و روز بازپسین و میفرمایند بخوبی و باز میدارند از ناشایسته و میشتابند در خیرات
ترجمه قرآن، ص: 63
و آن گروه از شایستگانند (114)
و آنچه را میکنند از خوبی پس ناسپاسی کرده نمیشوند هرگز آن را و خدا دانا بر پرهیزکارانست

بدرستی که آنها که کافر شدند هرگز کفایت نکند از ایشان مالهاشان و نه فرزندانشان از خدا چیزی را و آن گروه اهل آتشند ایشان در آن جاویدانند (116)
مثل آنچه انفاق کنند در این زندگانی دنیا چون داستان بادیست که در آن باشد سرمای سخت که برسد بکشت‌زار قومی که ستم کردند بر خودهاشان پس نابود کرد آن را و ستم نکرد ایشان را خدا و لیکن بر خودهاشان ستم میکردند (117)
ای آن کسانی که گرویدند مگیرید همراز از غیرتان کوتاهی نمیکنند با شما در فساد دوست داشتند رنج داشتن شما را بتحقیق ظاهر شد دشمنی از دهنهای ایشان و آنچه پنهان دار و سینه‌های ایشان بزرگتر است بتحقیق بیان کردیم برای شما آیتها را اگر باشید شما که دریابید بعقل (118)
آگاه باشید شما آنهائید که دوست دارید ایشان را و دوست ندارند شما را و میگروید بکتاب همه‌اش و چون ملاقات کردند شما را گفتند ایمان آوردیم و چون خلوت کردند گزیدند بر شما سر انگشتان را از خشم بگو بمیرید بخشمتان بدرستی که خدا دانا است باسرار سینه‌ها (119)
اگر مسّ میکنید شما را خوبی بد میآیدشان و اگر رسد شما را بدی شاد میشوند بآن و اگر صبر کنید و بپرهیزید ضرر نمیرساند شما را مگر ایشان چیزی بدرستی که خدا بآنچه میکنند فرا رسنده است (120)
و هنگامی که بیرون رفتی بامداد از اهلت مهیّا میگردی گروندگان را در نشیمنها برای کارزار و خدا شنوای دانا است (121)
چون
ترجمه قرآن، ص: 64
قصد کردند دو گروه از شما که بد دلی کنند و خدا بود یاورشان و بر خدا پس باید توکّل کنند گروندگان (122)
و بتحقیق یاری کرد شما را خدا در بدر و شما بودید ذلیلان پس بترسید از خدا باشد که شما شکر کنید (123)
هنگامی که میگفتی مر گروندگان را آیا کفایت نمیکند شما را که مدد کند شما را پروردگارتان بسه هزار از ملائکه فرو فرستادگان (124)
آری اگر صبر کنید و بپرهیزید و بیائید شما را که علامات بر خود راست کنند این امداد کند شما را خدایتان به پنج هزار از ملائکه نشان کنندگان (125)
و نگردانید آن را خدا مگر بشارت برای شما و از برای آنکه مطمئن شود دلهاتان بآن و نیست نصرت مگر از نزد خدای غالب درست کردار (126)
تا قطع کند پاره را از آنان که کافر شدند یا نگونسار کند ایشان را پس برگردند نومیدان (127)
نیست مر تو را از امر چیزی یا در پذیرد از ایشان یا عذاب کند ایشان را

پس بدرستى كه ايشان ستمكارانند (128)
و مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است ميآمرزد مر آن را كه خواهد و عذاب ميكند آن را كه خواهد و خدا آمرزنده مهربانست (129)
اى آن كسانى كه ايمان آورديد مخوريد ربا را زياد بتهاى بر هم افزوده و بترسيد از خدا باشد كه شما رستگار شويد (130)
و بترسيد از آتشى كه مهيّا شده براى كافران (131)
و فرمانبريد خدا و رسول را باشد كه شما رحمت كرده شويد (132)
و بشتابيد بسوى آمرزش از پروردگار خود و بهشتى كه عرضش آسمانها و زمين است كه مهيا شده
ترجمه قرآن، ص: 65
براى پرهيزكاران (133)
آنان كه انفاق ميكنند در خوشى و ناخوشى و فرو خورندگان خشم و عفو كنندگان از مردمان و خدا دوست دارد نيكوكاران را (134)
و آنان كه چون كردند ناشايستى يا ستم كردند بر خودهاشان ياد كردند خدا را پس استغفار نمودند براى گناهانشان و كيست كه بيامرزد گناهان را جز خدا و اصرار ننمودند بر آنچه كردند و ايشان ميدانند (135)
آن گروه پاداش ايشان آمرزشى است از پروردگارشان و بهشتهايى است كه ميرود از زيرشان نهرها جاودانيان در ان و نيكو است مزد كار كنندگان (136)
بحقيقت گذشت پيش از شما سنّتهايى پس سير كنيد در زمين پس بنگريد چگونه بود انجام تكذيب كنندگان (137)
اين بيانى است براى مردمان و هدايت و پندى است از براى پرهيزكاران (138)
و سست مشويد و اندوهگين نگرديد و شما برترانيد اگر باشيد گروندگان (139)
اگر مسّ كند شما را جراحتى پس بتحقيق مسّ كرد قوم را جراحتى مانند آن و اينروزها ميگردانيمشان بنوبت ميان مردمان از براى آنكه بداند خدا آنان را كه ايمان آوردند و بگيرد از شما گواهان و خدا دوست ندارد ستمكاران را (140)
و از براى آنان كه خالص كند خدا آنان را كه ايمان آوردند و بكاهد كافران را (141)
آيا پنداشتيد كه داخل ميشويد بهشت را و هنوز جدا نكرده باشد خدا آنها را كه مجاهده كردند از شما يا آنكه بداند صبر كنندگان را (142)
و بدرستى كه بوديد آرزو ميكرديد مرگ را پيش از آنكه ملاقات كنيد او را پس بحقيقت
ترجمه قرآن، ص: 66

دیدید او را و شما نظر میکردید (143)
و نیست محمّد (ص) مگر رسولی بتحقیق گذشته‌اند پیش از او رسولان آیا پس اگر مرده بود یا کشته شده بود بر میگشتید بر پاشنه‌هاتان و هر که بر گردد بر دو پاشنه‌اش پس هرگز ضرر نمیرساند خدا هیچگونه چیزی و بزودی سزایند خدا شکرگذاران را (144)
و نمیباشد مر نفسی را که بمیرد مگر باذن خدا کتابی معیّن المدّة و هر که میخواهد ثواب دنیا را میدهیمش از آن و هر که میخواهد ثواب آخرت را میدهیمش از آن و بزودی جزا دهیم شکرگذارانرا (145)
و بسا از پیغمبری که کارزار کردند با او سپاهیان بسیار پس سستی نکردند مر آنچه رسید ایشان را در راه خدا و ضعیف نشدند و فروتنی نکردند و خدا دوست دارد شکیبایان را (146)
و نبود گفتارشان جز آنکه گفتند ای پروردگار ما بیامرز برای ما گناهان ما را و از حدّ گذشتنمان را در کارمان و ثابت دار قدمهای ما را و یاری کن ما را بر گروه کافران (147)
پس دادشان خدا ثواب دنیا و خوبی ثواب آخرت و خدا دوست دارد نیکو کاران (148)
ای آن کسانی که ایمان آوردید اگر فرمان برید آنها را که کافر شدند بر گردانند شما را بر پاشنه‌هاتان پس گردید زیانکاران (149)
بلکه خدا است صاحب اختیار شما و او است بهترین یاری کنندگان (150)
زود باشد که اندازیم در دلهای آنان که کافر شدند ترس را بآنچه شرک آورند بخدا ما دام که فرستاده نشده بآن حجّتی و جایگاه ایشان آتش است و بد است جایگاه ستمکاران (151)
و بدرستی که راست کرد با شما خدا وعده خود را چون چابک میکشتید آنها را با اذنش تا
ترجمه قرآن، ص: 67
چون بد دلی کردید و منازعه کردید در امر و نافرمانی کردید پس از آنکه نمود بشما آنچه دوست داشتید از شما کسی است که میخواهد دنیا را و از شما کسی است که میخواهد آخرت را پس گردانید شما را از ایشان تا بیازماید شما را و بدرستی که عفو کرد از شما و خدا است صاحب فضل بر گروندگان (152)
هنگامی که دور میرفتید و نمی‌ایستادید بر احدی و رسول میخواند شما را در عقبتان پس جزا داد شما را غمی بغمی تا اندوهگین نشوید بر آنچه فوت شد از شما و نه آنچه رسید شما را و خدا آگاه است بآنچه میکنید (153)
پس فرو فرستاد بر شما پس از غم ایمنی پینکی که فرو میگرفت طایفه را از شما و طایفه که بحقیقت بغم انداخته بود ایشان را خودهاشان گمان میبردند بخدا غیر حقّ را گمان جاهلیّت میگفتند آیا باشد مر ما را از امر

هیچ چیزی بگو بدرستی که امر همه آن مر خدا راست پنهان میدارند در نفسهاشان آنچه را آشکار نمیکنند از برای تو میگویند اگر بودی مر ما را از امر چیزی کشته نمیشدیم در اینجا بگو اگر میبودید در خانه‌هاتان هر آینه میآمدند آنان که نوشته شده بود بر ایشان قتل تا کشتنگاه‌شان و تا بیازماید خدا آنچه را در سینه‌های شما است و تا خالص گرداند آنچه در دلهای شما است و خدا دانا است باسرار سینه‌ها (154)
بدرستی که آنان که پشت گردانیدند از شما روزی که روی بروی شدند دو جماعت جز این نیست لغزانیدشان دیو رجیم بسبب برخی از آنچه کسب کردند و بدرستی که عفو کرد خدا
ترجمه قرآن، ص: 68
از ایشان بدرستی که خدا آمرزنده بردبار است (155)
ای آن کسانی که ایمان آوردید مباشید مانند آنان که کافر شدند و گفتند مر برادرانشان چون سفر میکردند در زمین یا بودند غازیان اگر میبودند نزد ما نمی‌مردند و کشته نمیشدند تا بگرداند خدا آن را حسرت در دلهاشان و خدا زنده میکند و میمیراند و خدا بآنچه میکنید بینا است (156)
و اگر کشته شدید در راه خدا و یا مردید هر آینه آمرزشی از خدا و رحمتی بهتر است از آنچه جمع میکنند (157)
و اگر مردید یا کشته شدید هر آینه بسوی خدا محشور میشوید (158)
پس برحمتی از خدا نرمی کردی مر ایشان را و اگر بودی بد خوی سخت دل هر آینه پراکنده میشدند از حوالی تو پس در گذر از ایشان و آمرزش خواه مر ایشان را و مشورت کن با آنها در کار پس چون عزم کردی پس توکّل کن بر خدا بدرستی که خدا دوست دارد توکّل کنندگان را (159)
اگر یاری کند شما را خدا پس نیست غلبه کننده مر شما را و اگر وامیگذارد شما را پس کیست که یاری میکند شما را از بعد او و بر خدا پس باید توکّل کنند گروندگان (160)
و نیست مر پیغمبر را که خیانت کند و کسی که خیانت کند بیاید با آنچه خیانت کرده روز رستخیز پس تمام داده شود هر تنی جزای آنچه کسب کرده و ایشان ستمکرده نشوند (161)
آیا پس کسی که پیروی کرد رضای خدا را چون کسیست که بازگشت کرد بخشمی از خدا و جایگاه او دوزخست و بد است آنجای بازگشت (162)
ایشان مرتبه‌هااند نزد خدا و خدا بینا است بآنچه میکنند (163)
ترجمه قرآن، ص: 69
بحقیقت منّت گذاشت خدا بر گروندگان چون بر انگیخت در ایشان رسولی از خودهاشان که بخواند بر ایشان آیتهای او را و پاک کندشان و بیاموزدشان کتاب و حکمت را و اگر چه بودند در پیش هر آینه در گمراهی روشن (164)

آیا و چون رسید شما را مصیبتی که بحقیقت رسانیدید دو چندان را گفتید از کجا بود این بگو آن باشد از نزد خودهاتان بدرستی که خدا بر همه چیزی توانا است (165)
و آنچه رسید شما را روزی که روبرو شدند دو جماعت پس باذن خدا است و تا بداند گروندگان را (166)
و تا بداند آنان را که نفاق کردند و گفته شد مر ایشان را که بیائید کارزار کنید در راه خدا یا دفع کنید گفتند اگر میدانستیم کارزار کردن هر آینه متابعت کردیم شما را آنها مر کفر را آن روز نزدیکتر بودند از ایشان مر ایمان را میگفتند بدنهاشان آنچه نیست در دلهاشان و خدا داناتر است بآنچه پوشیده میدارند (167)
آنان که گفتند مر برادرانشان را و نشستند اگر اطاعت ما میکردند کشته نمیشدند بگو پس دفع کنید از خودهاتان مرگ را اگر هستید راستگویان (168)
و نپندارید البتّه آنان را که کشته شدند در راه خدا مردگان بلکه زندگانند نزد پروردگارشان روزی داده میشوند (169)
شادمانانند بآنچه دادشان خدا از فضل خود و شادمانی میکنند بکسانی که ملحق نشده‌اند بایشان از بعد ایشان اینکه نیست خونی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند (170)
شادمانی میکنند بنعمتی
ترجمه قرآن، ص: 70
از خدا و فضلی و بدرستی که خدا ضایع نمیکند مزد گروندگان را (171)
آنان که اجابت میکنند خدا و رسول را از بعد رسیدن بایشان جراحت از برای آنان که نیکویی کردند از ایشان و پرهیزکار شدند مزدی بزرگست (172)
آن کسانی که گفت مر ایشان را مردمان بدرستی که مردم بتحقیق جمع شدند از برای شما پس بترسید از ایشان پس افزود ایشان را ایمان و گفتند بس است ما را خدا و خوب کارگذاریست (173)
پس برگشتند بنعمتی از خدا و فضلی مسّ نکردشان بدی و پیروی کردند خشنودی خدا را و خدا صاحب فضلی است بزرگ (174)
جز این نبود آنکه شیطان میترسانید دوستانش را پس مترسید از ایشان و بترسید از من اگر هستید گروندگان (175)
و باید اندوهگین نسازندت آنان که میشتابند در کفر بدرستی که ایشان ضرر نمیرسانند خدا را چیزی میخواهد خدا که نگرداند برای ایشان بهره در آخرت و از برای ایشانست عذابی بزرگ (176)
بدرستی که آنان که خریدند کفر را بایمان البتّه ضرر نمیرسانند خدا را چیزی و برای آنها عذابیست پر درد (177)

و باید که نپندار ز البتّه آنها که کافر شدند که مهلت دادن ما ایشان را بهتر است برای خودهاشان مهلت نمیدهم ایشان را مگر تا زیاد کنند گناه را و برای ایشان است عذابی خوار کننده (178)
نباشد خدا که واگذارد گروندگان را بر آنچه شما برانید تا جدا سازد پلید را از پاکیزه و نباشد خدا که مطّلع گرداند شما را بر غیب و لیکن خدا بر میگزیند از رسولانش هر که را میخواهد پس بگروید بخدا و رسولانش

و اگر بگوید و بپرهیزید پس شما را مزدیست بزرگ (179)
و باید نپندارند آنان که بخل میورزند بآنچه داد ایشان را خدا از فضلش که آن بهتر است مر ایشان را بلکه آن بدتر است مر ایشان را بزودی طوق کرده شوند آنچه را بخیلی کردند بآن روز رستاخیز و مر خدا راست میراث آسمانها و زمین و خدا بآنچه میکنید بینا است و آگاه (180)
بدرستی که شنید خدا گفتار آن کسانی که گفتند بدرستی که خدا محتاجست و ما بی نیازانیم زود باشد که بنویسیم آنچه گفتند و کشتنشان پیغمبران را بناحقّ و گوئیم بچشید عذاب آتش سوزان را (181)
آن بسبب آن چیزیست که پیش فرستاد دستهای شما و آنکه خدا نیست ستمکار مر بندگان را
آنان که گفتند که خدا عهد کرد با ما که ایمان نیاریم برسولی تا آنکه بیاورد برای ما قربانی که بخوردش آتش بگو بحقیقت آمدند شما را رسولان پیش از من با معجزات و با آنچه گفتید پس چرا کشتید ایشان را اگر هستید راستگویان (183)
پس اگر تکذیب کنند ترا پس بحقیقت تکذیب کرده شدند رسولانی چند پیش از تو که آمدند با معجزات و زبورها و کتاب روشن کننده (184)
هر تنی چشنده است مرگ را و جز این نیست تمام داده میشوید اجرهاتان را روز قیامت پس آنکه دور کرده شد از آتش و در آورده شد ببهشت پس بمراد رسید و نیست زندگانی دنیا مگر متاع فریب (185)
هر آینه آزموده میشوید در مالهاتان و نفسهاتان و هر آینه خواهید شنید از آنان که داده شدند کتاب را پیش از شما و از

آنان که شرک آوردند ناخوش بسیار و اگر صبر کنید و بپرهیزید پس بدرستی که آن از عزم امور است (186)
و هنگامی که گرفت خدا پیمان آنان که داده شدند کتاب را که هر آینه بیان کنند آن را برای مردم و نپوشند آن را پس انداختندش پس پشتهاشان و عوض گرفتند بآن بهای اندک را پس بدست آنچه عوض میگیرند (187)
مپندار البتّه آن کسانی که شاد میشوند بآنچه آوردند و دوست میدارند که ستوده شوند بچیزی که بجا نمیآورند پس مپندار البتّه ایشان را در مقام

رستگاری از عذاب و از برای ایشانست عذابی دردناک (188)
و مر خدا را است پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه چیز توانا است (189)
بدرستی که در آفریدن آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز هر آینه آیتها است مر صاحبان خرد را (190)
آنان که یاد میکنند خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوهاشان و اندیشه میکنند در آفرینش آسمانها و زمین پروردگار ما نیافریدی این را باطل منزّهی تو پس نگاهدار ما را از عذاب آتش (191)
ای پروردگار ما بدرستی که تو کسی را که داخل میکنی در آتش پس بتحقیق خوار کرده او را و نیست مر ستمکاران را هیچ یاری کنندگان (192)
پروردگار ما بدرستی که ما شنیدیم ندا کننده ندا میکرد از برای ایمان که بگروید بپروردگارتان پس گرویدیم پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را و باز پوشان از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان (193)
پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده داده ما را بر رسولانت و خوار مگردان ما را روز قیامت بدرستی که تو خلاف نمیکنی وعده را
ترجمه قرآن، ص: 73
پس اجابت کرد مر ایشان را پروردگارشان که ضایع نمیکنم کار کار کننده را از شما از مردی یا زنی بعضی‌تان از بعضی است پس آنان که مهاجرت کردند و بیرون کرده شدند از دیارشان و رنجانیده شدند در راه من و کارزار کرده شدند و کشته شدند در میگذرانیم از ایشان بدیهای ایشان را و هر آینه در میآورمشان در بهشتهایی که میرود از زیرشان نهرها پاداشی از نزد خدا و خدا باشد نزدش خوبی ثواب (195)
نباید که فریب دهد ترا رفت آمد آنان که کافر شدند در شهرها (196)
متاعیست اندک پس مسکن ایشان دوزخست و بد بستریست (197)
لیکن آنان که پرهیز کردند از پروردگارشان مر ایشان را است بهشتهایی که میرود از زیرشان نهرها جاودانیان در آن ما حضری از نزد خدا و آنچه نزد خدا است بهتر است برای نیکان (198)
و بدرستی که از اهل کتاب هر آینه کسی است که میگرود بخدا و آنچه فرستاده شد بشما و آنچه فرستاده شد بایشان خشوع کنندگان از برای خدا عوض نمیکنند بآیتهای خدا بهای اندک را آن گروه مر ایشان را است مزدشان نزد پروردگارشان بدرستی که خدا زود حساب است (199)
ای آن کسانی که گرویدید صبر کنید و شکیبایی ورزید و آماده باشید و بترسید از خدا باشد که شما رستگار شوید (200)

سورة النّساء مائة و و ستّ و سبعون اية و هى نزلت بالمدنيّة

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ترجمه قرآن، ص: 74
اى مردمان بترسيد از پروردگارتان كه آفريد شما را از يک تن و آفريد از آن جفت او را و پراكنده كرد از نسل آن دو تا مردان بسيار و زنان را و بترسيد از خدايى كه درخواست كرده ميشويد بآن و رحمها بدرستى كه خدا باشد بر شما نگهبان (1)
و بدهيد يتيمان را مالهاشان و مدهيد پليد را بدل پاكيزه و مخوريد مالهاشان را با اموالتان بدرستى كه آن باشد گناه بزرگ (2)
و اگر بترسيد كه عدل نورزيد در يتيمان پس نكاح كنيد آنچه خوش آيد مر شما را از زنان دو و سه و چهار پس اگر بترسيد كه عدالت نورزيد پس يكى يا آنچه را مالک باشد دستهاتان آن نزديكتر است كه ميل نكنيد (3)
و بدهيد زنان را مهرهاشان را دادنى بطيب خاطر پس اگر بخوشى گذشتند از براى شما از چيزى از آن از دل پس بخوريد آن را سازگار گوارا (4)
و مدهيد كم خردان را اموالتان را كه گردانيد خدا براى شما مايه تعيّش و روزى دهيد ايشان را از آنها و بپوشانيدشان و بگوئيد مر ايشان را گفتارى خوب (5)
و بيازمائيد يتيمان را تا چون برسند بنكاح پس اگر يافتيد از ايشان رشدى پس تسليم كنيد بايشان مالهاشان را و مخوريد آن را از راه اسراف و پيش گيرى اينكه بزرگ شوند و هر كه باشد غنى پس بايد در گذرد و هر كه باشد فقير پس بايد بخورد بخوبى پس چون تسليم كرديد بايشان مالهاشان را پس گواه گيريد بر ايشان
ترجمه قرآن، ص: 75
و كافيست خدا محاسب (6)
مر مردان را است بهره از آنچه گذاشتند والدين و نزديكان و مر زنان را است بهره از آنچه گذاشتند پدر و مادر و نزديكان از آنچه كم باشد از آن يا بسيار باشد بهره فرض كرده شده (7)
و چون حاضر شوند قسمت را صاحبان قرابت و يتيمان و درماندگان پس بدهيد ايشان را از آن و بگوئيد مر ايشان را گفتارى خوب (8)
و بايد بترسند آنان كه اگر بگذارند از عقبشان فرزندان عاجز بيم خواهند داشت بر ايشان پس بايد بترسند از خدا و بايد بگويند گفتنى درست (9)
بدرستى كه آنان كه ميخورند مالهاى يتيمان را بستم نميخورند در شكمهاى خود مگر آتش را و بزودى انداخته ميشوند در آتش سوزان (10)
ميفرمايد شما را خدا در اولادتان از براى مذكّر مانند بهره دو مؤنّث پس

اگر باشند زنان فوق دو تا پس از برای آنها است دو ثلث آنچه را گذاشتند و اگر باشد یکی پس از برای او است نصف و مر والدینش را از برای هر یک از ایشان شش یک از آنچه گذاشتند اگر باشد مر او را فرزندی پس اگر نباشد مر او را فرزندی و میراث برند از او والدینش پس مادر او را باشد سه یک پس اگر باشد مر او را برادران پس مادر او را است شش یک از بعد وصیّتی که وصیّت میکند بآن یا دینی پدران شما و پسران شما نمیدانید کدامشان نزدیکترند مر شما را از راه نفع فرض کردنی است از خدا بدرستی که خدا باشد دانای درست کار (11)
و مر شما راست نیمه آنچه را گذاشتند جفتهای شما اگر نباشد
ترجمه قرآن، ص: 76
مر ایشان را فرزندی پس اگر باشد مر ایشان را فرزندی پس مر شما راست ربع از آنچه گذاشتند از بعد وصیّتی که وصیّت میکنند بآن یا دینی و از برای آنها است چهار یک آنچه گذاشتید اگر نباشد مر شما را فرزندی پس اگر باشد مر شما را فرزندی پس از برای آنها است هشت یک از آنچه گذاشتید پس از وصیّتی که وصیّت کنید بآن یا دینی و اگر باشد مردی که میراث برده شود از جهة کلاله یا زنی و مر او را باشد برادری یا خواهری پس برای هر یک از آن دو است شش یک پس اگر باشند بیشتر از آن پس ایشان انبازانند در سه یک از بعد وصیّتی که وصیّت کرده میشود بآن یا دینی غیر ضرر رساننده وصیّتی از خدا و خدا دانای بردبار است (12)
این حدّهای خدا است و هر که فرمان برد خدا و رسولش را داخل کند او را بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها جاودانیان در آن و آنست کامیابی بزرگ (13)
و هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را و در گذرد از حدّهای او در آورد او را در آتش که جاوید باشد در آن و از برای او است عذابی خوار کننده (14)
و آنان که کنند کار بدی از زنانتان پس گواه طلبید بر ایشان چهار تا از شما پس اگر شهادت دادند پس نگاه داریدشان در خانه‌ها تا بردارد‌شان مرگ یا قرار دهد خدا از برای ایشان راهی (15)
و آن دو کس که میکنند کار بد را از شما پس آزار کنید ایشان را پس اگر توبه کردند و کار نیک کردند پس بگذرانید از ایشان بدرستی که خدا باشد توبه پذیر مهربان (16)
جز این نیست که توبه پذیرفتنی
ترجمه قرآن، ص: 77
بر خدا است از برای آنان که میکنند بد را بنادانی پس توبه میکنند از نزدیک پس آنها توبه میپذیرد خدا از ایشان و باشد خدا دانای درست کردار (17)
و نیست توبه از برای آنان که میکنند گناهان را تا چون حاضر شود یکیشان

را مرگ میگوید بدرستی که من توبه کردم اکنون و نه آنان که میمیرند و ایشانند کافران آن گروه آماده کرده‌ایم از برای ایشان عذابی دردناک (18)
ای آن کسانی که گرویده‌اید حلال نیست مر شما را که میراث برید از زنان باکراه و منع مکنید آنها را که ببرید پاره از آنچه داده‌اید آنها را مگر آنکه کنند کار بدی آشکارس‌را و معاشرت کنیدشان بخوبی پس اگر خوش نداشته باشید از ایشان پس شاید که ناخوش دارید چیزی را و بگرداند خدا در آن خیر بسیار (19)
و اگر خواستید عوض دادن جفتی بجای جفتی و داده باشید یکیشان را مال بسیار پس مگیرید از آن چیزی را آیا میگیرید آن را بدورغ بستن و بدی آشکار (20)
و چگونه میگیرید آن را و بحقیقت رسیده برخی از شما به برخی و گرفتند از شما پیمان سخت (21)
و نکاح مکنید آنچه را نکاح کردند پدرانتان از زنان مگر آنچه بتحقیق گذشت بدرستی که آن باشد کاری زشت و دشمنی و بد راهی است (22)
حرام کرده شد بر شما مادران شما و دختران شما و خواهرانتان و عمّه‌هاتان و خاله‌هاتان و دختران برادر و دختران
ترجمه قرآن، ص: 78
خواهر و مادرانتان که شیر دادند شما را و خواهرانتان از شیر خوردن و مادران زنانتان و دخترانتان که تربیت یافته‌اند در کنارهاتان از زنانتان که دخول کرده باشید بآنها پس اگر نبوده باشد که دخول کرده باشید بآنها پس نیست گناهی بر شما و زنان پسرانتان که باشند از پشتهای شما و آنکه جمع کنید میان دو خواهر مگر آنچه بحقیقت گذشت بدرستی که خدا باشد آمرزنده مهربان (23)
و شوهر داران از زنان مگر آنچه را مالک شد یمینهاتان کتاب خداست بر شما و حلال کرده شد بر شما آنچه سوای آنست آنکه خواستگاری کنید بمالهاتان که شوهران حلال باشید نه زنا کنندگان پس آنچه را متعه کردید از ایشان پس بدهید بایشان مهرهاشان را که فرض شده و نیست گناهی بر شما در آنچه راضی شدید بآن از بعد مهر واجب بدرستی که خدا باشد دانای درست کردار (24)
و آنکه استطاعت ندارد از شما بتوانگری که بزنی خواهد زنان آزاد ایماندار را پس از آنچه مالک شد یمینهاتان از کنیزانتان که ایمان دارند و خدا داناتر است بایمانتان بعضی‌تان از بعضی است پس بزنی خواهید آن را برخصت صاحبهاشان و بدهید ایشان را مهرهاشان بخوبی وقتی که باشند باز دارندگان خود از کار بدنه زنا کاران و نه گیرندگان یارهای نهانی پس چون بزنی گرفته شدند پس اگر کنند کار بد پس بر ایشانست نیمه آنچه بر زنان آزاد است از عذاب آن از برای کسی است که ترسد از ضرر

ترجمه قرآن، ص: 79
از شما و اگر صبر کنید بهتر است مر شما را و خدا آمرزنده مهربانست (25)
میخواهد خدا که بیان کند برای شما و هدایت کند شما را طریقهای آنان که بودند پیش از شما و توبه پذیرد از شما و خدا دانای درست کردار است (26)
و خدا میخواهد که توبه پذیرد از شما و میخواهند آنها که پیروی میکنند خواهشهای نفس را که میل کنید میلی بزرگ (27)
میخواهد خدا که سبک گرداند از شما و آفریده شده انسان ناتوان (28)
ای آن کسانی که گرویدید مخورید مالهاتان را میانتان بنا حق مگر آنکه بوده باشد خرید و فروختی بخوشنودی از شما و مکشید خودهاتان را بدرستی که خدا باشد بشما مهربان (29)
و کسی که میکند آن را از راه تعدّی و ستم پس زود باشد که بیندازیمش در آتش و باشد آن بر خدا آسان (30)
اگر پیرامون نکردید کبیرهای آنچه را نهی کرده میشوید از آن در میگذرانیم از شما گناهانتان را و در میاوریم شما را در محلّی گرامی (31)
و آرزو مکنید آنچه را افزونی داده خدا بآن برخی از شما را بر برخی از برای مردانست بهره از آنچه کسب کردند و از برای زنانست بهره از آنچه کسب کردند و در خواست کنید خدا را از فضلش بدرستی که خدا باشد بهمه چیز دانا (32)
و از برای همه گردانیدیم میراث بران از آنچه گذاشتند والدین و نزدیکان و کسانی که پیمان بست یمینهاتان پس بدهید ایشان را بهره ایشان بدرستی که خدا باشد بر همه چیزی شاهد (33)
ترجمه قرآن، ص: 80
مردان کارگذاران فرمانروایند بر زنان بآنچه افزونی داده خدا بعضی ایشان را بر بعضی و بآنچه انفاق کردند از اموالشان پس نیک زنان پرستارانند و نگاهدارندگانند خود را در وقت حاضر نبودن شوهر بنگاهداشت خدا و آن زنانی که میترسید از نافرمانی ایشان پس پند دهید آنها را و دوری کنید از آنها در خوابگاهها و بزنیدشان پس اگر فرمانبرند شما را پس مجوئید بر ایشان راه آزاری بدرستی که خدا باشد برتر بزرگ (34)
و اگر بترسید از ناسازی میانشان پس بفرستید داوریرا از کسان مرد و داوریرا از کسان زن اگر بخواهند بسامان آوردن را سازگاری دهد خدا میانشان بدرستی که خدا باشد دانای آگاه (35)
و بپرستید خدا را و شریک مسازید باو چیزی را و بوالدین نیکویی کردن و بصاحب قرابت و یتیمان و درماندگان و همسایه صاحب قرابت و همسایه بیگانه و همراه در پهلو و راه گذر محتاج و آنچه را مالک شد یمینهاتان

بدرستی که خدا دوست ندارد کسی را که باشد متکبّر نازان (36)
و آنان که بخل میکنند و میفرمایند مردمان را به بخل و پنهان میدارند آنچه را دادشان خدا از فضلش و مهیّا کرده‌ایم از برای کافران عذابی خوار کننده (37)
و آنان که انفاق میکنند مالهای خود را برياء مردم و ايمان نمی‌آورند بخدا و نه بروز بازپسين و کسی که باشد ديو رجيم مر او را همراه پس بد همراهی است (38)
و چه چيز بود بر ايشان اگر ايمان می‌آوردند بخدا
ترجمه قرآن، ص: 81
و روز بازپسين و انفاق ميکردند از آنچه روزی دادشان خدا و باشد خدا بايشان دانا (39)
بدرستی که خدا ستم نميکند مقدار ذرّه و اگر باشد نيکويی ميافزايدش و ميدهد از نزدش مزدی بزرگ (40)
پس چگونه باشد وقتی که بياريم از هر امّتی شاهدی را و آورديم ترا بر آنها شاهد (41)
آن روز دوست ميدارند آنان که کافر شدند و نافرمانی کردند پيغمبر را که کاش هموار کرده شود بايشان زمين و نميپوشانند از خدا سخنی را (42)
ای آن کسانی که ايمان آورديد نزديک مشويد نماز را و شمائيد مستان تا وقتی که بدانيد آنچه را می‌گوييد و نه با جنابت مگر روندگان راه تا وقتی که غسل کنيد و اگر باشيد بيماران يا بر سفری يا آمد احدی از شما از غائط يا مباشرت کرديد با زنان پس نيافتيد آبی را پس تيمّم کنيد بروی زمينی پاک پس مسح کنيد رويهاتان را و دستهاتان را بدرستی که خدا باشد در گذرنده آمرزنده (43)
آيا ننگريستی به آنانکه داده شدند بهره را از کتاب ميخرند گمراهی را و ميخواهند که گم کنيد شما راه را (44)
و خدا داناتر است بدشمنان شما و بس است خدا ياور و بس است خدا ياری کننده (45)
از آنان که يهود شدند ميگردانند سخن را از جاهايش و ميگويند شنيديم و نافرمانی کرديم و بشنو غير شنونده و مهلت ده ما را پيچيدنی بزبانهاشان
ترجمه قرآن، ص: 82
و طعنه زدنی در دين و اگر آنکه ايشان ميگفتند که شنيديم و فرمانبرديم و بشنو و مهلت ده ما را هر آينه بود بهتر برای ايشان و راستتر و ليکن لعنت کرد ايشان را خدا بسبب کفرشان پس نميگروند مگر اندکی (46)
ای آن کسانی که داده شده‌ايد کتاب را بگرويد بآنچه فرو فرستاديم باور دارنده مر آنچه را با شما است پيش از آنکه محو گردانيديم رويهايی را پس بر گردانيم آنها را بر قفاهاشان يا لعنت کنيم ايشان را هم چنان که

لعنت کردیم یاران شنبه را و باشد امر خدا کرده شده (47)
بدرستی که خدا نمیآمرزد که شرک آورده شود باو و میآمرزد آنچه فروتر آنست از برای هر که میخواهد و کسی که شرک آورد بخدا پس بتحقیق ارتکاب کرد گناهی بزرگ را (48)
آیا نگاه نکردی به آنانکه پاک میدانستند خودهاشان را بلکه خدا پاک میسازد آن را که میخواهد و ستمکرده نشوند مقدار رشته میان هسته خرما (49)
بنگر چگونه افترا میکنند بر خدا دروغ را و بس است آن گناه آشکارا (50)
آیا نگاه نکردی به آنانکه داده شدند بهره را از کتاب ایمان میآرند بجبت و طاغوت و میگویند از برای آنان که کافر شدند که آنها هادی ترند از آنان که ایمان آوردند راه را (51)
آن گروه آنانند که لعنت کردشان خدا و هر که را لعنت کند خدا پس هرگز نخواهی یافت برای او یاری کننده
آیا مر ایشان را بهره ایست از پادشاهی پس آن هنگام نمیدهند مردمان را نقیری (53)
آیا حسد میبرند مردمان را بر آنچه داد ایشان را خدا از فضل خود پس بتحقیق دادیم آل ابراهیم را
ترجمه قرآن، ص: 83
کتاب و علم شریعت و دادیم ایشان را پادشاهی بزرگ (54)
پس از ایشان است آنکه گروید بآن و از ایشان کسی است که باز ایستاد از آن و بس است دوزخ آتش افروخته (55)
بدرستی که آنان که کافر شدند بآیتهای ما زود باشد که بیندازیمشان در آتش هر گاه پخته شود پوستهاشان بدل میکنیم ایشان را پوستهایی جز آنها تا بچشند عذاب را بدرستی که خدا باشد غالب درست کردار (56)
و آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته زود باشد در آوریمشان در بهشتهایی که میرود از زیرشان نهرها جاودانیان در آنها همیشه از برای ایشان است در آنها جفتهای پاکیزه و در میآوریمشان در سایه پاینده (57)
بدرستی که خدا امر میکند شما را که برسانید امانتها را باهلش و چون حکم کنید میان مردمان آنکه حکم کنید بعدالت بدرستی که خدا خوب چیزی است پند میدهد شما را بآن بدرستی که خدا باشد شنوای بینا (58)
ای آن کسانی که گرویدید فرمانبرید خدا را و فرمان برید رسول را و صاحبان امر را از شما پس اگر خلاف کنید در چیزی پس برگردانید آن را بخدا و رسول اگر باشید که ایمان آرید بخدا و روز بازپسین آن بهترست و نیکوتر بتاویل (59)
آیا ندیدی بآنها که گمان میکنند که ایشان ایمان آوردند بآنچه فرو فرستاده شد بتو و آنچه فرو فرستاده شد از پیش تو میخواهند که داوری برند بسوی طاغوت و بتحقیق که فرموده شدند که کافر شوند بآن و میخواهد شیطان

که گمراه کند ایشان را
ترجمه قرآن، ص: 84
گمراهی دوری (60)
و چون گفته شود مر ایشان را که بیائید بسوی آنچه فرو فرستاد خدا و بسوی رسول می‌بینی منافقان را که باز میدارند از تو بازداشتنی (61)
پس چگونه باشد وقتی که برسد ایشان را مصیبتی بسبب آنچه پیش فرستاده دستهاشان پس میآیند بسوی تو قسم میخورند بخدا که نخواستیم مگر نیکویی و موافقت بهمرسانیدن (62)
آنها آنانند که میداند خدا آنچه در دلهای ایشانست پس رو بگردان از ایشان و پند ده ایشان را و بگو از برای ایشان در نفسهاشان گفتاری اثر کننده (63)
و نفرستادیم ما هیچ رسولی را مگر تا اطاعت کرده شود بفرمان خدا و اگر آنکه ایشان هنگامی که ستم کردند بر خودهاشان آمدندی ترا پس آمرزش خواستندی از خدا و آمرزش خواستی بر ایشان رسول هر آینه یافتندی خدا را توبه پذیر مهربان (64)
پس نه بحقّ پروردگار تو که ایمان نخواهند داشت تا اینکه حکم کنند ترا در آنچه خلاف شود میانشان پس نیابند در خودهاشان ناخوشنودی از آنچه حکم کردی و گردن نهند گردن نهادنی (65)
و اگر آنکه ما نوشته بودیم بر ایشان که بکشید خودهاتان را یا بیرون روید از دیارتان نمیکردند آن را مگر اندکی از ایشان و اگر آنکه ایشان کرده بودند آنچه پند داده میشدند بآن هر آینه بود بهتر برای ایشان و سختتر در ثابت گردانیدن (66)
و در آن هنگام میدادیمشان از نزد خود مزدی بزرگ (67)
و هر آینه هدایت کرده بودیمشان براه راست (68)
و هر که فرمانبرد خدا و رسول را پس آنها باشند با آنان که احسان کرد خدا بر ایشان
ترجمه قرآن، ص: 85
از پیغمبران و راستگویان و شهداء و نیکمردان و خوبند آنها از جهت رفاقت (69)
آن فضل است از خدا و کافی است خدا دانا (70)
ای آن کسانی که ایمان آوردید بگیرید سلاحتان را پس بیرون روید فوج فوج یا بیرون روید با هم (71)
و بدرستی که از شما هر آینه کس است که درنگ میکند پس اگر برسد شما را مصیبتی گفت بتحقیق انعام کرد خدا بر من هنگامی که نبودم با ایشان حاضر (72)
و اگر برسد شما را فضلی از خدا هر آینه میگویند چنان که گویا نبوده میان

شما و میان او دوستی ای کاش من بودم با ایشان پس فیروز میشدم فیروزی بزرگ (73)
پس باید کارزار کنند در راه خدا آنها که خریدند زندگانی دنیا را بآخرت و هر که کارزار کند در راه خدا پس کشته شود یا غالب آید پس زود باشد که بدهیمش مزد بزرگ (74)
و چیست شما را که کارزار نمیکنید در راه خدا و در راه ضعیفان از مردان و زنان و کودکانی که میگویند ای پروردگار ما بیرون بر ما را از این قریه که ستمکار است اهلش و بگردان برای ما از نزدت یاوری و بگردان برای ما از نزدت یاری کننده (75)
آنان که ایمان آوردند کارزار میکنند در راه خدا و آنان که کافر شدند کارزار میکنند در راه طاغوت پس کارزار کنید با دوستان دیو رجیم بدرستی که مگر شیطان باشد سست
آیا
ترجمه قرآن، ص: 86
ننگرستی به آنانکه گفته شد ایشان را باز دارید دستهای خود را و بر پای دارید نماز را و بدهید زکاة را پس چون نوشته شد بر ایشان کارزار آن گاه پاره از ایشان میترسیدند از مردمان چون ترسیدن از خدا یا سخت‌تر در ترسیدن و گفتند ای پروردگار ما چرا نوشتی بر ما کارزار کردن را چرا بآخر نینداختی ما را تا مدّتی نزدیک بگو بر خورداری دنیا اندکیست و آخرت بهتر است از برای آنکه پرهیزکار شد و ستمکرده نمیشوید مقدار فتیلی
هر جا باشید در مییابد شما را مرگ و اگر چه باشید در برجهای سخت استوار و اگر برسد ایشان را خوبی میگویند این از نزد خدا است و اگر برسد ایشان را بدی میگویند این از نزد تو است بگو همه از نزد خدا است پس چیست مر این گروه را که نزدیک نیست که بفهمند سخنی را (78)
آنچه میرسد بتو از خوبی پس از خدا است و آنچه میرسد بتو از بدی پس باشد از نفست و فرستادیم ترا از برای مردمان رسولی و بس باشد خدا شاهد (79)
آنکه اطاعت میکند پیغمبر را پس بتحقیق اطاعت کرد خدا را و کسی که روی گردانید پس نفرستادیم ترا بر ایشان نگاه دارنده (80)
و میگویند فرمانبرداریست پس چون بیرون روند از نزد تو تدبیر میکنند شب طایفه از ایشان غیر آنچه می‌گویی و خدا مینویسد آنچه تدبیر میکنند در شب پس روی بگردان از ایشان و توکّل کن بر خدا و بس است خدا وکیل (81)
آیا پس تامّل نمیکنند در قرآن و اگر بود از نزد غیر خدا
ترجمه قرآن، ص: 87
هر آینه یافته بودند در آن اختلاف بسیاری (82)

و چون میآید ایشان را امری از ایمنی یابیم افشا میکنند آن را و اگر برگردانند آن را بسوی رسول و بسوی صاحبان امر از ایشان هر آینه بدانندش آنان که استنباط میکنند آن را از ایشان و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش هر آینه پیروی میکردید شیطان را مگر اندکی (83)
پس کارزار کن در راه خدا تکلیف کرده نمیشود مگر نفست و ترغیب کن مؤمنانرا شاید خدا که باز دارد آسیب آنان را که کافر شدند و خدا سخت‌تر است در آسیب و سخت‌تر است در عقوبت کردن (84)
هر که در خواست کرد درخواستنی خوب میباشد مر او را بهره از آن و هر که در خواست میکند در خواستنی بد میباشد مر او را بهره از آن و باشد خدا بر همه چیزی نگهبان (85)
و چون تحیّت داده شوید بتحیّتی پس تحیّت دهید بخوبتر از آن یا ردّ کنید همان را بدرستی که خدا باشد بر همه چیزی محاسب (86)
خدا نیست معبودی بحقّ مگر او هر آینه جمع خواهد کرد البتّه شما را بسوی روز قیامت نیست شکّی در آن و کیست راستگوی‌تر از خدا در سخن (87)
پس چیست مر شما را در منافقان دو گروهی و خدا برگردانید ایشان را بآنچه کسب کردند آیا میخواهید که هدایت کنید آن را که اضلال میکند خدا و آن را که اضلال میکند خدا پس هرگز نیابی از برای او راه هدایتی (88)
دوست داشتند که کافر شوید هم چنان که کافر شدند پس بوده باشید یکسان پس مگیرید از ایشان دوستان تا آنکه

هجرت گزینند در راه خدا پس اگر روگردانند پس بگیریدشان و بکشیدشان هر جا بیابیدشان و مگیرید از ایشان دوستی و نه یاوری (89)
مگر آنان که بپیوندند بقومی که باشند میان شما و میان ایشان پیمانی یا آمده باشند شما را و تنگ شده سینه‌هاشان که کارزار کنند با شما یا کارزار کنند با جماعتشان و اگر خواسته بود خدا هر آینه تسلّط میداد ایشان را بر شما پس هر آینه کارزار کرده بودند پس اگر کناره گیرند از شما و جنگ نکنند و تقاضای صلح نمایند پس قرار نداده است خدا از برای شما بر ایشان راهی که آزارشان کنید (90)
بزودی خواهید یافت دیگران را که میخواهند که ایمن شوند از شما و ایمن شوند از جماعتشان هر گاه خوانده شوند بسوی فتنه برگردانیده شوند در آن پس اگر کناره نگیرند از شما و بیندازند با شما صلح را و باز ندارند دستهاشان را پس بگیریدشان و بکشیدشان هر جا بیابیدشان و آنها را گردانیدیم از برای شما بر ایشان تسلّطی آشکار (91)
و نباشد هر مؤمنی را که بکشد مؤمنی را مگر بخطا و کسی که کشت مؤمنی را بخطا پس بر او است آزاد کردن گردنی مؤمن و خونبهای تسلیم

کرده شده باهلش مگر آنکه تصدّق کنید پس اگر باشد از جماعتی که دشمنند مر شما را و او مؤمن بوده است پس بر او است آزاد کردن کردنی مؤمن و اگر باشد از جماعتی که میان شما و میان ایشان پیمانی است پس بر او است خونبهای فرا سپرده باهلش و آزاد کردن گردنی مؤمن پس کسی که نیابد پس بر او است روزه دو ماه پی‌هم توبه دادنی از خدا و باشد خدا دانای درست کردار (92)
و کسی که بکشد مؤمنی را از روی عمد پس جزایش دوزخست
ترجمه قرآن، ص: 89
جاودانی در آن و خشم کرد خدا بر او و لعنت کرد او را و مهیّا کرد برای او عذابی بزرگ (93)
ای آن کسانی که ایمان آورده‌اید چون سفر کنید در راه خدا پس تفتیش کنید و مگویید از برای کسی که القا کند بشما سلام نیستی مؤمن میخواسته باشید مایه برخورداری زندگانی دنیا را پس نزد خدا است غنیمتهای بسیار هم چنان که بودید پیش از این پس منّت گذاشت خدا بر شما پس تفتیش کنید بدرستی که خدا باشد بآنچه میکنید آگاه (94)
برابر نیستند نشستگان از گروندگان غیر صاحبان رنج و و جهاد کنندگان در راه خدا بمالهای خود و جانهای خود زیادتی داد خدا جهاد کنندگان را بمالهاشان و خودشان بر نشینندگان مرتبه و همه را وعده داد خدا به نیکی و زیادتی داد خدا جهاد کنندگان را بر نشینندگان مزد بزرگ (95)
مرتبه‌های از او و آمرزشی و رحمتی و هست خدا آمرزنده مهربان (96)
بدرستی آنان که میمیراند ایشان را ملائکه ستمکاران بر خودهاشان گفتند در چه بودید گفتند بودیم ضعیفان در زمین گفتند آیا نبود زمین خدا فراخ پس هجرت میگزیدید در آن پس آن گروه جایگاهشان دوزخ است و بد بازگشتی است (97)
مگر عاجزان از مردان و زنان و فرزندانی که نتوانند چاره و نیابند راهی (98)
پس آنها شاید خدا که در گذراند از ایشان و باشد خدا در گذرنده آمرزنده (99)
و آنکه هجرت گزیند در راه خدا مییابد
ترجمه قرآن، ص: 90
در زمین موضعهای بسیار و فراخی و آنکه بیرون رود از خانه‌اش مسافر بسوی خدا و رسولش پس دریابد او را مرگ پس بتحقیق لازم شد اجرش بر خدا و باشد خدا آمرزنده مهربان (100)
و چون سفر کنید در زمین پس نیست بر شما گناهی که کوتاه گردانید از نماز اگر بترسید که مفتون سازد شما را آنها که کافر شدند بدرستی که کافران باشند مر شما را دشمنی آشکار (101)

و چون باشى در ايشان پس اقامت كردى براى ايشان نماز را پس بايد بايستند پاره از ايشان با تو و بايد كه برگيرند سلاحهاى خود را پس چون سجده كردند پس بايد كه باشند از پشت سر شما و بايد كه بيايند پاره ديگر كه نماز نكرده باشند پس نماز گذارند با تو و بايد كه بگيرند پاسشانرا و سلاحهاشان را دوست داشتند آنها كه كافر شده كه كاش غفلت ميكرديد از سلاحهاتان و كالاهاتان پس حمله ميكردند بر شما يک حمله و نيست گناهى بر شما اگر باشد شما را رنجى از باران يا باشيد بيماران كه بنهيد سلاحهاتان را و بگيريد پاستان را بدرستى كه خدا مهيّا كرده از براى كافران عذابى خوار كننده (102)
پس چون گذارديد نماز را پس ياد كنيد خدا را ايستاده و نشسته و افتاده بر پهلوهاى خود پس چون آراميديد پس بر پاى داريد نماز را بدرستى كه نماز است واجب بر مؤمنين در وقت معيّن (103)
و سستى مكنيد در طلب آن جماعت اگر هستيد كه آزار ميكشيد پس بدرستى كه ايشان آزار ميكشند هم چنان كه آزار ميكشيد
ترجمه قرآن، ص: 91
واميداريد از خدا آنچه اميد ندارند و باشد خدا داناى درست كردار (104)
بدرستى كه ما فرو فرستاديم بتو كتاب را براستى تا حكم كنى ميان مردمان بآنچه نمود بتو خدا و مباش مر خيانتكاران را دشمنى كننده (105)
و آمرزش خواه از خدا بدرستى كه خدا باشد آمرزنده مهربان (106)
و مجادله مكن از آنها كه خيانت ميكنند بخودهاشان بدرستى كه خدا دوست ندارد كسى را كه باشد خيانت كننده گناهكار (107)
پنهان ميدارند از مردمان و پنهان نميدارند از خدا و او با ايشان است وقتى كه در شب تدبير ميكنند آنچه را نمى‌پسندد از گفتار و باشد خدا بآنچه ميكنند فرا رسنده (108)
اينک شما اين گروهيد كه مجادله كرديد از ايشان در زندگانى دنيا پس كيست كه مجادله كند خدا را از ايشان روز رستخيز يا كيست كه باشد بر ايشان كارگذار (109)
و كسى كه كند بدى را يا ستم كند بر خود پس آمرزش طلبد از خدا ميبابد خدا را آمرزنده مهربان (110)
و كسى كه كسب كند گناه را پس كسب نميكند آن را مگر بر خودش و باشد خدا داناى درست كار (111)
و كسى كه كسب كند خطايى يا گناهى را پس تهمت زند بآن بيگناهى را پس بتحقيق متحمّل شده دروغى و گناهى روشن (112)
و اگر نبود كرم خدا بر تو و رحمت او هر آينه قصد كرده بودند گروهى از ايشان كه اضلال كنند ترا و اضلال نميكنند مگر خودهاشان را و ضرر نميرسانند ترا هيچ چيز و فرو فرستاد خدا بر تو كتاب و حكمت و تعليم داد

ترا آنچه را نبودی که بدانی
ترجمه قرآن، ص: 92
و باشد فضل خدا بر تو بزرگ (113)
نیست خیر در بسیاری از راز گفتنشان مگر کسی که امر کند بصدقه یا کار خوبی یا اصلاح میان مردمان و کسی که بکند آن را در طلب رضای خدا پس زود باشد که دهیم او را مزدی بزرگ (114)
و کسی که زحمت دهد رسول را از بعد آنچه ظاهر شد از برای او هدایت و پیروی کند غیر راه گروندگان را باز میداریمش بآنچه دوست میدارد و میاندازیمش بدوزخ و بد است آن جای بازگشت (115)
بدرستی که خدا نمیآمرزد که شرک آورده شود باو و میآمرزد آنچه فروتر آنست از برای هر که میخواهد و هر که شرک آورد بخدا پس بحقیقت گمراه شد گمراهی دوری (116)
نمیخوانند از جز او مگر مادگانی و نمیخوانند مگر شیطان سرکش را (117)
لعنت کرد او را خدا و گفت شیطان هر آینه میگیرم از بندگانت بهره مقرّر (118)
و هر آینه گمراه میکنم ایشان را و در آرزو میاندازمشان و میفرمایمشان پس هر آینه بشکافند گوشهای چهار پایان را و میفرمایم ایشان را پس هر آینه تغییر میدهند آفریده خدا را و هر که فراگیرد شیطان را ناصر از جز خدا پس بتحقیق زیان کرد زیانی آشکارا (119)
وعده میدهدشان و در آرزو میاندازدشان و وعده نمیدهد ایشان را شیطان مگر فریب (120)
آنها آرامگاهشان دوزخست و نمییابند از آن گریزگاهی (121)
و آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته زود باشد که در آوریمشان در بهشتهایی که میرود از زیرشان نهرها جاودانند در آن همیشه وعده دادن خدا براستی و کیست راستگوی‌تر از خدا در گفتار (122)
ترجمه قرآن، ص: 93
نیست بآرزوهای شما و نه آرزوهای اهل کتاب کسی که میکند بدی جزا داده میشود بآن و نمی‌یابد از برایش از غیر خدا دوستی و نه یاری کننده (123)
و کسی که بکند از کارهای خوب از نر یا ماده و او مؤمن باشد پس آنها داخل میشوند بهشت را و ستمکرده نمیشوند مقدار نقیری (124)
و کیست بهتر در دین از آنکه خالص گردانید وجهش را از برای خدا و او نیکو کار است و پیروی کرد دین ابراهیم حقّ گرای را و گرفت خدا ابراهیم را دوست (125)
و مر خدا راست آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است و باشد خدا

بهمه چیز فرا رسنده (126)
و فتوی میپرسند از تو در زنان بگوی خدا فتوی میدهد شما را در آنها و آنچه خوانده میشود بر شما در کتاب در یتیمان زنانی که نمیدهید ایشان را آنچه نوشته شد از برایشان و رغبت دارید که نکاح کنید آنها را و عاجزان از فرزندان و آنکه کار گذاری کنید مر آن یتیمان را بعدالت و آنچه میکنید از خوبی پس بدرستی که خدا باشد بآن دانا (127)
و اگر زنی گمان برد از شوهرش سرباز زدنی یا روی گردانیدنی پس نیست گناهی بر آن دو تا که اصلاح کنند میان خود بصلحی و صلح بهتر است و حاضر گردانیده شده نفسها را بخل و اگر نیکی کنید و بپرهیزید پس بدرستی که خدا باشد بآنچه میکنید آگاه (128)
و هرگز نتوانید که عدالت کنید میان زنان و اگر چه بسیار خواسته باشید پس میل نکنید تمام میل پس واگذارید او را چون محبوس و اگر باصلاح آرید و
ترجمه قرآن، ص: 94
بپرهیزید پس بدرستی که خدا باشد آمرزنده مهربان (129)
و اگر جدا شوند بی‌نیاز گرداند خدا هر یک را از توانگریش و باشد خدا فراخ رحمت درست کردار (130)
و مر خدا را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و بحقیقت وصیّت کردیم آنان را که داده شدند کتاب را پیش از شما و شما را که بپرهیزید از خدا و اگر کافر شوید پس بدرستی که مر خدا را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و باشد خدا بی‌نیاز ستوده (131)
و مر خدا را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و کافی است خدا کار گذار (132)
اگر خواهد ببرد شما را ای مردمان و بیاورد دیگران را و باشد خدا بر آن توانا (133)
کسی که بخواهد ثواب دنیا را پس نزد خدا است ثواب دنیا و آخرت و باشد خدا شنوای بینا (134)
ای آن کسانی که ایمان آوردید باشید فرمانروا بعدالت گواهان مر خدا را و اگر چه بضرر بر خودهاتان یا والدین و خویشان اگر باشد توانگر یا محتاج پس خدا سزاوارتر است بآنها پس پیروی نکنید خواهش خود را که میل کنید و اگر به پیچانید یا اعراض کنید پس بدرستی که خدا باشد بآنچه میکنید آگاه (135)
ای آن کسانی که گرویدید ایمان آورید بخدا و رسول او و بکتابی که فرو فرستاد بر رسولش و کتابی که فرو فرستاد از پیش و هر که کافر شود. بخدا و فرشتگان او و کتابهای او و رسولان او و روز بازپسین پس بحقیقت گمراه شد گمراهی دور (136)

بدرستى كه آنان كه ايمان آوردند پس

كافر شدند پس گرويدند پس كافر شدند پس افزودند كفر را نباشد خدا كه بيامرزد ايشان را و نه راه نمايد ايشان را راهى (137)
مژده ده منافقان را بآنكه از براى ايشانست عذابى دردناك (138)
آنان كه ميگيرند كافران را دوستان نه گروندگان را آيا ميجويند نزد ايشان عزّت را پس بدرستى كه عزّت مر خدا را است همه (139)
و بتحقيق فرستاد بر شما در كتاب آنكه چون بشنويد آيتهاى خدا را كه كفر ورزيده ميشود بآن يا استهزاء كرده ميشود بآن پس ننشينيد با ايشان تا آنكه شروع كنند در سخنى جز آن بدرستى كه شما آن گاه مانند ايشانيد بدرستى كه خدا جمع كننده منافقان و كافران است در دوزخ همه (140)
آنان كه چشم ميدارند بشما پس اگر باشد مر شما را فتحى از نزد خدا گويند آيا نبوديم با شما و اگر باشد مر كافران را بهره گويند آيا غالب نشديم بر شما و باز نداشتيم شما را از مؤمنان پس خدا حكم كند ميان شما روز قيامت و هرگز نميگرداند خدا از براى كافران بر گروندگان راهى (141)
بدرستى كه منافقان فريب ميورزند با خدا و او است فريب دهنده ايشان و چون برخيزند بنماز برخيزند سنگينان مينمايند مردمان را و ياد نميكنند خدا را مگر اندكى (142)
متردّدان در ميان آن نه بسوى اينها و نه بسوى آنها و كسى را كه اضلال كند خدا پس هرگز نيابى از براى ايشان راهى (143)
اى آن كسانى كه گرويديد فرا مگيريد كافران را دوستان

از غير گروندگان آيا ميخواهيد كه بگردانيد از براى خدا بر شما حجّتى آشكار (144)
بدرستى كه منافقان در طبقه زيرترند از آتش و هرگز نمييابى از براى ايشان ناصرى (145)
مگر آنان كه توبه كردند و باصلاح آمدند و توسّل جستند بخدا و خالص گردانيدند دينشان را براى خدا پس آنها باشند با مؤمنان و زود باشد كه بدهد خدا مؤمنان را مزدى بزرگ (146)
چه ميكند خدا بعذاب شما اگر شكر كرديد و گرويديد و باشد خدا شكر پذير دانا (147)
دوست نميدارد خدا صدا بلند كردن را ببدى از گفتار مگر كسى كه ظلم كرده شده و باشد خدا شنواى دانا
اگر آشكار كنيد خوبى را يا پنهان كنيدش يا در گذريد از بدى پس بدرستى كه خدا باشد در گذرنده توانا (149)

بدرستى كه آنان كه كافر ميشوند بخدا و رسولان او و ميخواهند كه جدايى اندازند ميان خدا و رسولانش و ميگويند ميگرويم ببرخى و كافر ميشويم ببرخى و ميخواهند كه فرا گيرند ميان آن راهى را (150)
آن گروه ايشانند كافران براستى و مهيّا كرده‌ايم از براى كافران عذابى خوار كننده (151)
و آنان كه گرويدند بخدا و رسولانش و جدايى نينداختند ميانه احدى از ايشان آنها زود باشد كه بدهيم ايشان را مزدهاشان و باشد خدا آمرزنده مهربان (152)
در ميخواهند از تو اهل كتاب كه فرو فرستى بر ايشان كتابى از آسمان پس بتحقيق سؤال كردند از موسى بزرگتر از آن را پس گفتند بنماى بر ما خدا را معاينه

پس گرفت ايشان را صاعقه بسبب ظلمشان پس فرا گرفتند گوساله را از بعد آنچه آمد ايشان را معجزات روشن پس در گذشتيم از آن و داديم موسى را حجّتى پيدا (153)
و برداشتيم زبرشان طور را بسبب پيمانشان و گفتيم مر ايشان را كه در رويد از در سجده‌كنان و گفتيم مر ايشان را از حدّ در مگذريد در شنبه و گرفتيم از ايشان پيمانى درشت و محكم (154)
پس بجهة شكستن ايشان پيمانشان را و كفرشان بآيتهاى خدا و كشتن ايشان پيغمبران را بناحقّ و گفتار ايشان كه دلهاى ما در غلافست بلكه مهر زد خدا بر آنها بسبب كفرشان پس نميگروند مگر اندكى (155)
و بسبب كفرشان و گفتارشان بر مريم دروغى بزرگ (156)
و گفتارشان كه ما كشتيم مسيح عيسى پسر مريم را كه رسول خدا است و نكشتند او را و نه بردار كردند و ليكن شبهه شد مر ايشان را و بدرستى كه آنان كه اختلاف كردند در آن هر آينه در شكّند از آن نيست مر ايشان را بآن هيچ علمى مگر پيروى كردن گمان و نه كشتندش بگمان (157)
بلكه بلند كردش خدا بسوى خود و هست خدا غالب درست كردار (158)
و نيست از اهل كتاب مگر كه گروند البتّه باو پيش از مردنش و روز رستاخيز باشد بر ايشان گواه (159)
پس بسبب ستمى از آنان كه يهود شدند حرام كرديم بر ايشان پاكيزه‌هايى كه حلال شده بود ايشان را و بسبب باز داشتن‌شان از راه خدا بسيارى را (160)
و گرفتنشان افزونى مال را و بتحقيق نهى شده بودند از آن و خوردنشان مالهاى مردمان را بناحقّ و مهيّا كرديم براى كافران

از ايشان عذابى دردناک (161)

لیکن استواران در دانش از ایشان و گروندگان میگروند بآنچه فرو فرستاده شد بتو و آنچه فرو فرستاده شد پیش از تو و بر پا دارندگان نماز و دهندگان زکاة و گروندگان بخدا و روز بازپسین آنها زود باشد که دهیمشان مزد بزرگ (162)
بدرستی که ما وحی کردیم بسوی تو هم چنان که وحی کردیم بسوی نوح و پیغمبران پس از او و وحی کردیم بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزند زادگان و عیسی و ایّوب و یونس و هارون و سلیمان و دادیم داود را زبور (163)
و پیغمبرانی چند که بتحقیق قصّه خواندیمشان بر تو از پیش و پیغمبرانی که نخواندیم قصه ایشان را بر تو و سخن کرد خدا با موسی سخن کردنی (164)
فرستادگانی مژده دهندگان و بیم کنندگان تا نباشد مر مردمان را بر خدا بهانه پس از ارسال رسولان و باشد خدا غالب درست کردار (165)
لیکن خدا گواهی میدهد بآنچه فرو فرستاد بتو فرستادش بدانش خود و فرشتگان گواهی میدهند و کافیست خدا بگواهی (166)
بدرستی که آنان که کافر شدند و باز داشتند از راه خدا بحقیقت گمراه شدند گمراهی دور (167)
بدرستی که آنان که کافر شدند و ستم کردند نباشد خدا که بیامرزد ایشان را و نه که راه نماید ایشان را راهی (168)
مگر راه دوزخ جاودانیان در آن همیشه و باشد آن بر خدا آسان (169)
ای مردمان بحقیقت آمد شما را پیغمبر براستی
ترجمه قرآن، ص: 99
از نزد پروردگارتان پس بگروید بهتر است مر شما را و اگر کافر شوید پس بدرستی که مر خدا را است آنچه در آسمانها و زمین است و باشد خدا دانای درست کردار (170)
ای اهل کتاب غلوّ مکنید در دینتان و مگویید بر خدا مگر حقّ را جز این نیست که مسیح عیسی پسر مریم رسول خدا است و سخن او افکندش بسوی مریم و روحی از او پس بگروید بخدا و رسولانش و مگویید سه تا باز ایستید بهتر است مر شما را نیست خدا مگر خدای یگانه منزّه است او از آنکه بوده باشد مر او را فرزندی مر او را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و کافی است خدا کار گذار مهمّات (171)
هرگز ننگ ندارد مسیح از آنکه بوده باشد بنده مر خدا را و نه فرشتگان نزدیک کردگان و آنکه ننگ دارد از پرستش او و گردنکشی کند پس زود حشر کندشان بسوی او همه (172)
پس امّا آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته پس تمام دهد ایشان را مزدهاشان و زیاده دهد ایشان را از کرم خود و امّا آنها که ننگ داشتند و

گردنکشی کردند پس عذاب کند ایشان را عذاب پردرد و نیابند از برای ایشان از جز خدا دوستی و نه یاری کننده (173)
ای مردمان بحقیقت آمد شما را حجّتی از پروردگارتان و فرستادیم بشما نوری پیدا (174)
پس امّا آنان که گرویدند بخدا و چنگ درزدند باو پس زود در آورد ایشان را در رحمتی از خود و فضلی و راه نماید ایشان را بسوی او راهی راست (175)
ترجمه قرآن، ص: 100
فتوی میپرسند از تو بگو خدا فتوی میدهد شما را در کلاله اگر مردی بمیرد که نباشد مر او را فرزندی و مر او را خواهری باشد پس مر او را است نیمه آنچه گذاشته و او میراث میبرد از او اگر نباشد مر او را فرزندی پس اگر باشند دو تا پس مر آنها را است دو ثلث از آنچه گذاشته و اگر باشند برادران مردان و زنان پس مر مرد را است مانند بهره دو زن بیان میکند خدا از برای شما مبادا که گمراه شوید و خدا بهمه چیزی دانا است (176)

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ای آن کسانی که گرويديد وفا کنيد بعهدها حلال شد مر شما را بسته زبانهای چهار پايان مگر آنچه خوانده ميشود بر شما در حالی که حلال نداريد شکار را وقتی که احرام بسته باشيد بدرستی که خدا حکم ميکند آنچه خواهد (1)
ای آن کسانی که گرويديد حلال نداريد نشانهای خدا را و نه ماه حرام را و نه قربانی را و نه شتران با کردن بند را و نه قصد کنندگان خانه کعبه را که ميجويند افزونی از پروردگارشان و خوشنودی و چون محلّ شديد پس شکار کنيد و ندارد شما را دشمنی گروهی که باز داشتند شما را از مسجد الحرام که از حدّ در گذريد و معاونت يکديگر کنيد بر نيکی و پرهيزکاری و معاونت همديگر مکنيد بر
ترجمه قرآن، ص: 101
بزه و از حدّ در گذشتن و بترسيد از خدا بدرستی که خدا سخت عقوبتست (2)
حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غير خدا برده شود بر ذبح آن و خفه شده و بچوب مرده و از بالا در افتاده و بضرب شاخ مرده و آنچه خورد دد مگر آنچه بسمل گرديد و آنچه گلو بريده بر بتان و آنکه بخش کنيد به تيرهای قمار اينان بيرون رفتن از فرمان است امروز نوميد شدند آنان که کافر شدند از دين شما پس نترسيد از ايشان و بترسيد از من امروز کامل کردم برای شما کيشتان را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و پسنديدم برای شما اسلام را کيش پس آنکه پيچاره شد در گرسنگی جز گراينده هر گناه پس بدرستی که خدا است آمرزنده مهربان (3)
ميپرسند از تو که چه چيز حلال شد مر ايشان را بگو حلال شد مر شما را پاکيها و آنچه آموختيد از حيوان شکار کننده را شما که سگان شکاری داريد آموختيدشان از آنچه آموختتان خدا پس بخوريد از آنچه نگاه داشتند بر شما و ياد کنيد نام خدا را بر آن و بترسيد از خدا بدرستی که خدا است زود شمار (4)
امروز حلال شد مر شما را پاکيها و خوراکی آنان که داده شدند نامه را شايسته است شما را و خوراکی شما شايسته است ايشان را و زنان آزاد از زنان گرونده و زنان آزاد از آنان که داده شدند نامه را پيش از شما چون داديدشان مزدهاشان را پارسايان باشيد نه پليد کار و نه گيرندگان دوستان و هر که کافر شود بگرويدن پس بحقيقت ناچيز شد کردارش و او

ترجمه قرآن، ص: 102
در آخرت از زیانکارانست (5)
ای آن کسانی که گرویدید چون برخیزید بنماز پس بشوئید رویهاتان را و دوستهاتان را تا مرفقها و مسح کنید سرهاتان را و پایهاتان را تا دو کعب و اگر باشید جنابت رسیدگان پس پاکی جویید و اگر باشید بیماران یا بر سفری یا آمد یکی از شما از حدثی یا بسودید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید خاکی پاک پس مسح کنید رویهاتان را و دستهاتان را از آن نخواهد خدا که کند بر شما هیچ تنگی و لیکن میخواهد تا پاک گرداندتان و تا تمام کند نعمت خود را بر شما باشد که شما سپاس گزارید (6)
و یاد کنید نعمت خدا را بر شما و پیمان او که استوار کردتان بآن چون گفتید شنیدیم و فرمان بردیم و بترسید از خدا بدرستی که خدا دانا است بسرایر سینه‌ها (7)
ای آن کسانی که گرویدید باشید ایستادگان مر خدا را گواهان بعدل و ندارد شما را دشمنی گروهی بر آنکه داد نکنید داد کنید که آن نزدیکتر است مر پرهیزکاری را و بترسید از خدا بدرستی که خدا آگاه است بآنچه میکنید (8)
وعده داد خدا آنان که گرویدند و کردند شایسته که مر ایشان را است آمرزش و مزدی بزرگ (9)
و آنان که کافر شدند و تکذیب کردند آیتهای ما را آن کرده اهل دوزخند (10)
ای آن کسانی که گرویدید یاد کنید نعمت خدا را بر شما چون قصد کردند گروهی که دراز کنند بشما دستهای خود را پس باز داشت دستهاشان را از شما و بترسید از خدا
ترجمه قرآن، ص: 103
و بر خدا پس باید توکّل کنند گروندگان (11)
و بدرستی که گرفت خدا پیمان بنی اسرائیل را و بر انگیزاندیم از ایشان دوازده سالار و گفت خدا که من با شمایم هر آینه اگر بپا دارید نماز را و بدهید زکاة را و بگروید برسولانم و نیرو دهید ایشان را و وام دهید خدا را وامی نیکو هر آینه در گذرانم از شما بدیهای شما را و در آورم شما را در بهشتها که میرود از زیرشان نهرها پس آنکه کافر شد پس از آن از شما پس بدرستی که گم شد میان راه (12)
پس بسبب شکستن ایشان پیمانشان را لعنت کردیمشان و کردیم دلهای ایشان را سخت میگردانند سخنان را از جاهایش و فراموش کردند بهره از آنچه پند داده شدند بآن و همیشه دیده در شوی بر ناراستی از ایشان مگر اندکی از ایشان پس در گذر از ایشان و رو بگردان بدرستی که خدا دوست دارد نیکوکاران را (13)

و از آنان که گفتند بدرستی که ما ترسایانیم گرفتیم پیمانشان را پس فراموش کردند بهره از آنچه پند داده شدند بآن پس بر اغالانیدیم میانشان دشمنی و کینه تا روز قیامت و زود باشد که آگاه گرداندشان خدا بآنچه بودند میگردند (14)
ای اهل نامه بدرستی که آمد شما را فرستاده ما که بیان کند برای شما بسیاری از آنچه بودید پنهان میداشتید از نامه و در گذرد از بسیاری بحقیقت آمد شما را از خدا نوری و کتابی روشن (15)
راه مینماید بآن خدا کسی را که پیروی میکند رضایش را براههای سلامتی و بیرون میآرد ایشان را از تاریکیها بروشنایی باذنش و هدایت میکند ایشان را
ترجمه قرآن، ص: 104
براه راست (16)
بتحقیق کافر شدند آنان که گفتند بدرستی که خدا اوست مسیح پسر مریم بگو پس کیست که منع کند از خدا چیزی را اگر خواهد که هلاک کند مسیح پسر مریم و مادرش و هر که در زمین است همه و مر خدا را است پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است میآفریند آنچه خواهد و خدا بر همه چیزی توانا است (17)
و گفتند یهودان و ترسایان مائیم پسران خدا و دوستان او بگو پس چرا عذاب میکند شما را بگناهانتان بلکه شما انسانید از جمله آنکه آفرید میآمرزد مر آن را که خواهد و عذاب میکند آن را که خواهد و مر خدا را است پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است و بسوی او است مرجع (18)
ای اهل کتاب بتحقیق آمد شما را رسول ما بیان میکند برای شما بر فاصله از رسولان مبادا که بگوئید نیامد ما را هیچ مژده دهنده و نه بیم کننده پس بحقیقت آمد شما را مژده دهنده و بیم کننده و خدا بر همه چیزی توانا است (19)
و هنگامی که گفت موسی را مرقومش را ای قوم من یاد کنید نعمت خدا را بر شما چون گردانید در شما پیغمبرانی و گردانید شما را پادشاهان و داد شما را آنچه را که نداد به هیچ یک از جهانیان (20)
ای قوم من داخل شوید آن زمین پاک گردانیده را که نوشت خدا از برای شما و باز پس مروید بر پشتهاتان پس بگردید زیانکاران (21)
گفتند ای موسی بدرستی که در آن گروهی جبّارانند و بدرستی که ما داخل نمیشویم در آن هرگز تا بیرون روند از آن پس اگر بیرون روند از آن
ترجمه قرآن، ص: 105
پس بدرستی که ما داخل شوندگانیم (22)
گفتند دو مرد از آنان که میترسیدند انعام کرد خدا بر آن دو که داخل شوید

بر ایشان از آن در پس چون داخل شدید در آن پس بدرستی که شما غالبانید و بر خدا پس توکّل کنید اگر هستید گروندگان (23)
گفتند ای موسی بدرستی که ما داخل نمیشویم در آن هرگز ما دام که باشند در آن پس برو تو و پروردگارت پس کارزار کنید که ما اینجا نشستهائیم (24)
گفت ای پروردگارم بدرستی که من مالک نیستم جز خودم و برادرم را پس جدایی انداز میان ما و میان گروه فاسقان (25)
گفت پس بدرستی که آن حرام گردانیده شد بر ایشان چهل سال سرگردان خواهند بود در زمین پس اندوه مدار بر گروه فاسقان (26)
و بخوان بر ایشان خبر دو پسر آدم را بحقّ هنگامی که قربان کردند قربانی پس پذیرفته شد از یکیشان و پذیرفته نشد از دیگری گفت هر آینه خواهم کشت ترا البتّه گفت جز این نیست میپذیرد خدا از پرهیزکاران (27)
اگر می‌گشایی تو بسوی من دستت را که بکشی مرا نیستم من گشاینده دستم را بسوی تو که بکشم ترا بدرستی که من میترسم از خدا که پروردگار جهانیانست (28)
بدرستی که من میخواهم که باز کردی بگناه من و گناه خود پس شوی از اهل آتش و آن پاداش ستمکاران است (29)
پس آسان گردانید از برای نفسش کشتن برادرش را پس کشت او را پس گردید از زیانکاران (30)
پس بر انگیزانید خدا غرابی را که کاوش میکرد در زمین تا بنماید او را که چگونه بپوشاند جسد برادرش را گفت ای وای بر من آیا عاجز شدم که باشم مانند این غراب پس بپوشم
ترجمه قرآن، ص: 106
جسد برادرم را پس گردید از پشیمانان (31)
از برای آن نوشتیم بر بنی اسرائیل که کسی که کشت تنی را بدون آنکه کشته باشد تنی را یا فسادی در زمین پس گویا کشته است مردمان را همه و کسی که زنده گردانیدش پس گویا که زنده گردانیده مردمان را همه و بتحقیق آمد ایشان را رسولان ما با معجزات پس بدرستی که بسیاری از ایشان پس از آن در زمین اسراف کارانند (32)
نیست پاداش آنان که حرب میکنند با خدا و رسولش و میکوشند در زمین از راه فساد مگر آنکه کشته شوند یا بردار کرده شوند یا بریده شود دستهاشان و پاهاشان از خلاف یکدیگر یا رانده شوند از زمین آن مر ایشان را است خواری در دنیا و از برای ایشانست در آخرت عذابی بزرگ (33)
مگر آنان که توبه کردند پیش از آنکه دست یابید بر ایشان پس بدانید بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (34)
ای آن کسانی که ایمان آوردید بترسید از خدا و بجوئید بسوی او وسیله و

جهاد كنيد در راه او باشد كه شما رستگار شويد (35)
بدرستى كه آنان كه كافر شدند اگر آنكه باشد مر ايشان را آنچه در زمين است همه و مانند آن باشد با آن كه خود را باز خرند بآن از عذاب روز رستخيز كه پذيرفته نشود از ايشان و از براى ايشانست عذابى دردناك (36)
ميخواهند كه بيرون روند از آتش و نيستند ايشان بيرون روندگان از آن و مر ايشان را عذابيست دائمى (37)
و مرد دزد و زن دزد پس ببريد دستهاى ايشان را پاداشى بسبب آنچه كسب كردند عقوبتى
ترجمه قرآن، ص: 107
از خدا است و خدا غالب درستكار است (38)
پس آنكه توبه كرد پس از ستمش و نيكى كرد پس بدرستى كه خدا توبه پذيرد بر او بدرستى كه خدا آمرزنده مهربانست (39)
آيا ندانستى كه خدا مر او را است پادشاهى آسمانها و زمين عذاب ميكند آن را كه خواهد و ميآمرزد آن را كه خواهد و خدا بر همه چيز توانا است (40)
اى پيغمبر اندوهناك نكند ترا آنان كه ميشتابند در كفر از آنان كه گفتند گرويديم بدهنهاشان و نگرويد دلهاشان و از آنانى كه يهود شدند شنوندگانند مر دروغ را شنوندگانند مر گروهى ديگر كه نيامدندت ميگردانند سخن را از پس جاهاى او ميگويند اگر داده شويد اين را پس بگيريدش و اگر ندادندتان آن را پس بترسيد و آنكه خواهد خدا آزمايش خود را پس مالك نشويد مر او را از خدا چيزى آن گروهند آنان كه نخواسته خدا كه پاك گرداند دلهاى ايشان را مر ايشان را است در دنيا خوارى و مر ايشان را است در آخرت عذابى بزرگ (41)
شنوندگانند مر دروغ را خورندگانند مر حرام را پس اگر آمدند ترا پس حكم كن ميانشان يا روى گردان از ايشان و اگر روى بگردانى از ايشان پس هرگز ضرر نتوانند رسانيد ترا چيزى و اگر حكم كردى پس حكم كن ميانشان بعدل بدرستى كه خدا دوست دارد عدالت كنندگان را (42)
و چگونه حكم ميسازند ترا و نزد ايشانست تورية كه در آنست حكم خدا پس بر ميگردند پس از آن و نيستند آن كرده بگروندگان (43)
ترجمه قرآن، ص: 108
بدرستى كه ما فرستاديم تورية را كه در آنست هدايت و نور حكم ميكنند بآن پيغمبرانى كه پذيراى فرمان شدند براى آنان كه يهود شدند و خدا پرستان كامل معرفت و دانايان دين دار بآنچه خواسته شدند نگاهداريش را از كتاب خدا و بودند بر آن گواهان پس مترسيد از مردمان و بترسيد از من و بدل مگيريد بآيتهاى من بهاى اندك را و كسى كه حكم نكرد بآنچه فرو

فرستاد خدا پس آنها ايشان كافرانند (44)
و نوشتيم بر ايشان در آن اينكه نفس بنفس است و چشم بچشم و بينى به بينى و گوش بگوش و دندان بدندان و جراحتها را قصاص پس كسى كه تصدّق كند بآن پس آن كفّاره است مر او را و كسى كه حكم نكرد بآنچه فرو فرستاد خدا پس آنها ايشان ستمكارانند (45)
و از پى در آورديم بر اثرهاشان عيسى پسر مريم را در حالتى كه تصديق كننده بود از آنچه باشد ميان دو دستش از تورية و داديم او را انجيل كه در آن هدايتى است و نورى و تصديق كننده است مر آنچه را باشد ميان دو دستش از تورية و هدايت و پنديست براى پرهيزكاران (46)
و بايد حكم كنند اهل انجيل بآنچه فرو فرستاد خدا در آن و كسى كه حكم نكرد بآنچه فرستاد خدا پس آن گروه ايشانند فاسقان (47)
و فرو فرستاديم بتو كتاب را براستى باور دارنده مر آنچه باشد ميان دو دستش از كتاب و نگهبانست بر آن پس حكم كن ميانشان بآنچه فرو فرستاد خدا و پيروى مكن مرادهاى ايشان را بميل از آنچه آمد ترا از حقّ از براى هر يك گردانيديم از شما شريعتى و راه روشنى و اگر خواست خدا هر آينه كردى شما را امّتى واحد و ليكن تا بيازمايد شما را
ترجمه قرآن، ص: 109
در آنچه داد شما را پس پيشى گيريد يكديگر را بخوبيها بسوى خدا است مرجع شما همه پس خبر ميدهد شما را بآنچه بوديد در آن اختلاف ميكرديد (48)
و آنكه حكم كن ميانشان بآنچه فرو فرستاد خدا و پيروى مكن خواهشهاى ايشان را و بترس از ايشان كه بفتنه اندازندت از برخى آنچه فرو فرستاد خدا بتو پس اگر بر گردند پس بدان كه جز اين نيست ميخواهد خدا كه برساند ايشان را ببرخى گناهانشان و بدرستى كه بسيارى از مردمان هر آينه فاسقانند (49)
آيا پس داورى نادانى پيش را ميجويند و كيست نيكوتر از خدا بداورى از براى گروهى كه يقين ميكنند (50)
اى آن كسانى كه گرويديد مگيريد يهود و ترسايان را دوستان برخى‌شان دوستان برخى‌اند و هر كه دوست دارد ايشان را از شما پس بدرستى كه او از ايشانست بدرستى كه خدا هدايت نميكند گروه ستمكاران را (51)
پس مى‌بينى آنان را كه در دلهاشان مرض است ميشتابند در ايشان ميگويند ميترسيم كه برسد ما را گزند بدى پس شايد خدا كه آورد گشايش يا فرمانى از نزدش پس گروند بر آنچه نهان داشتند در تنهاشان پشيمانان (52)
و گويند آنان كه گرويدند آيا اين گروه آنانند كه سوگند خوردند بخدا سخت‌ترين سوگندهاشان كه ايشان با شمايند ناچيز شد كردارهاشان پس

گشتند زیانکاران (53)
ای آنان که گرویدید آنکه بر گردد از شما از دینش پس زود باشد که بیاورد خدا گروهی را که دوست دارد ایشان را و دوست دارند او را نرم دلانند بر گروندگان درشتانند بر

کافران کارزار میکنند در راه خدا و نمیترسند از سرزنش کننده آنست افزونی خدا میدهدش بهر که خواهد و خدا فراخ رحمت دانا است (54)
جز این نیست که ولیّ شما خدا است و رسولش و آنان که گرویدند آنان که بر پا میدارند نماز را و میدهند زکاة را وقتی که ایشان در رکوعند (55)
و آنکه دوست دارد خدا و رسولش را و آنان که گرویدند پس بدرستی که گروه خدا ایشانند غالبان (56)
ای آن کسانی که گرویدید مگیرید آنان را که گرفتند دین شما را بفسوس و بازیچه از آنان که داده شدند نامه را پیش از شما و کافران را دوستان و بترسید از خدا اگر هستید گروندگان (57)
و چون ندا میکنید بنماز میگیرند آن را باستهزاء و بازی این بسبب آنست که ایشان گروهی‌اند که در نمییابند بعقل (58)
بگو ای اهل کتاب آیا ناخوش میدارید از ما مگر آنکه ایمان آوردیم بخدا و آنچه فرو فرستاده شد بما و آنچه فرستاده شد از پیش و آنکه بیشترین شما فاسقانند (59)
بگو آیا خبر دهم شما را ببدتر از آن در جزا نزد خدا کسی که لعنت کرد او را خدا و خشم کرد بر او و گردانید از ایشان بوزینگان و خوگان و پرستید طاغوت را آنها بدترند در جای و گمگشته ترند از میانه راه (60)
و چون آیند شما را گویند گرویدیم و بتحقیق داخل شدند بکفر و ایشان بتحقیق بیرون رفتند بآن و خدا است و داناتر بآنچه هستند که پنهان میدارند (61)
و می‌بینی

بسیاری از ایشان را که میشتابند در گناه و دشمنی و خوردنشان حرام را هر آینه بد است آنچه بودند میکردند (62)
چرا باز نمیدارند ایشان را خدا پرستان و دانایان دیندار از گفتارشان بد را و خوردنشان حرام را هر آینه بد است آنچه را هستند که میکنند (63)
و گفتند یهود دست خدا بسته است بسته باد دستهاشان و لعنت کرده شدند بآنچه گفتند بلکه دو دست او گشاده است انفاق میکند چنان که میخواهد و هر آینه میافزاید البتّه بسیاری از ایشان آنچه فرو فرستاده بتو از پروردگارت سرکشی و کفر و انداختیم میانشان دشمنی و کینه تا روز رستخیز هر گاه بر افروختند آتش را برای کارزار خواموش گردانید آن را

خدا و میشتابند در زمین از برای فساد کردن و خدا دوست نمیدارد فساد کنندگان را (64)
و اگر آنکه اهل کتاب گرویده بودند و پرهیزکار شده بودند در میگذراندیم از آنها بدیهاشان را و در میآوردیمشان در بهشتهای پر نعمت (65)
و اگر آنکه ایشان بر پای داشته بودند تورية و انجیل را و آنچه فرو فرستاده شد بایشان از پروردگارشان هر آینه میخوردند از بالاشان و از زیر پاهاشان از ایشانند گروهی میانه رو و بسیاری از ایشان بد است آنچه را میکنند (66)
ای پیغمبر برسان آنچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگارت و اگر نکردی پس نرساینده خواهی بود پیغامهای او را و خدا نگاه میدارد ترا از مردمان بدرستی که خدا هدایت نمیکند گروه کافران را (67) ترجمه قرآن 141
بگو ای اهل کتاب نیستید بر چیزی تا بر پای دارید
ترجمه قرآن، ص: 112
تورية و انجیل را و آنچه فرو فرستاده شد بشما از پروردگارتان و هر آینه افزون کند بسیاری از ایشان را آنچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگارت بیراهی و ناسپاسی پس اندوه مدار بر گروه کافران (68)
بدرستی که آنان که گرویدند و آنان که یهود شدند و از دینی بدینی روندگان و ترسایان آنکه گروید بخدا و روز باز پسین و کرد کار شایسته پس نیست بیمی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند (69)
و هر آینه گرفتیم پیمان فرزندان یعقوب را و فرستادیم بسوی ایشان رسولانی چند هر گاه که آمد ایشان را پیغمبری بآنچه نه آرزومند بود تنهای ایشان گروهی را تکذیب کردند و گروهی را میکشتند (70)
و پنداشتند که نباشد آزمایشی پس کور شدند و کر شدند پس توبه داد خدا بر ایشان پس کور شدند و کر شدند بسیاری از ایشان و خدا بینا است بآنچه میکنند (71)
هر آینه بحقیقت کافر شدند آنان که گفتند بدرستی که خدا او است مسیح پسر مریم و گفت مسیح ای بنی اسرائیل که بپرستید خدا را که پروردگار من و پروردگار شما است بدرستی که هر که انباز قرار داد بخدا پس بدرستی که حرام کرده است خدا بر او بهشت را و جای او است آتش و نیست ستمکاران را هیچ یاری کننده (72)
هر آینه بدرستی که کافر شدند آنان که گفتند بدرستی که خدا سیّم سه است و نیست هیچ خدایی مگر خدای یگانه و اگر باز نایستند از آنچه میگویند هر آینه برسد آنان که کافر شدند از ایشان عذابی دردناک (73)
آیا پس توبه نمیکنند بسوی خدا و آمرزش نمیخواهند از او و خدا آمرزنده
ترجمه قرآن، ص: 113
مهربانست (74)

نیست مسیح پسر مریم مگر پیغمبری که بحقیقت گذشتند پیش از او پیغمبران و مادرش بود بسیار است بودند که میخوردند طعام را بنگر که چگونه بیان میکنیم از برای ایشان آیتها را پس بنگر که چگونه برگردانیده میشوند (75)
بگو آیا میپرستید از جز خدا آنچه مالک نمیشود از برای شما ضرری و نه سودی را و خدا او است شنوای دانا (76)
بگو ای اهل کتاب غلوّ مکنید در دینتان بنا حقّ و پیروی مکنید خواهشهای جمعی که بحقیقت گمراه شدند از پیش و گم کردند بسیاری را و گمراه شدند از میانه راه (77)
لعنت کرده شدند آنان که کافر شدند از بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی پسر مریم این بسبب آنست که نافرمانی کردند و بودند که تعدّی میکردند (78)
بودند که باز نمی‌ایستادند از منکری که میکردند آن را هر آینه بد بود آنچه بودند که میکردند (79)
می‌بینی بسیاری از ایشان را که دوست میگیرند آنان را که کافر شدند هر آینه بد است آنچه پیش فرستاده برای ایشان نفسهاشان که خشم کرد خدا بر ایشان و در عذاب ایشانند جاویدان (80)
و اگر بودند که میگرویدند بخدا و پیغمبر و آنچه فرو فرستاده شد باو نمیگرفتندشان دوستان و لیکن بسیاری از ایشان نافرمانانند (81)
هر آینه خواهی یافت سختترین مردمان را در دشمنی از برای آنان که ایمان آوردند یهود را و آنان که شرک آوردند و هر آینه خواهی یافت نزدیکترینشان را در دوستی از برای آنها که گرویدند آنان که گفتند
ترجمه قرآن، ص: 114
بدرستی که ما ترسایانیم آن باین است که از ایشانند کشیشان و صومعه نشینان و آنکه آنها سرکشی نمیکنند (82)
و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شد برسول می‌بینی چشمهاشان را که میریزد از اشک انده آنچه را شناختند از حقّ میگویند ای پروردگار ما گرویدیم پس بنویس ما را با شاهدان (83)
و چیست ما را که ایمان نیاوریم بخدا و آنچه آمد ما را از حقّ و طمع داریم که داخل گرداند ما را پروردگار ما با گروه شایستگان (84)
پس جزا دادشان خدا بآنچه گفتند بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها جاویدانیان در آن و آن پاداش نیکوکاران است (85)
و آنان که کافر شدند و تکذیب کردند آیتهای ما را آن گروه اهل دوزخند (86)
ای آن کسانی که گرویدید حرام مکنید پاکیزه‌های آنچه را حلال گردانید خدا از برای شما و از حدّ در مگذرید بدرستی که خدا دوست ندارد تعدّی

كنندگان را (87)
و بخوريد از آنچه روزى داد شما را خدا حلال پاكيزه و بترسيد از خدايى كه شما باو گروندگانيد (88)
مؤاخذه نميكند شما را خدا بلغو در سوگندهاتان و ليكن مؤاخذه ميكند شما را بسبب بستنتان سوگندها را پس كفّاره آن طعام دادن ده مسكين است از وسط آنچه اطعام ميكنيد اهلتان را يا لباس آنها است يا آزاد كردن گردنى است پس كسى كه نيابد پس روزه سه روز است آن كفّاره سوگندهاى شما است چون سوگند خوريد و خلاف كنيد و نگاه داريد سوگندهاتان را همچنين بيان ميكند خدا براى شما
ترجمه قرآن، ص: 115
آيتهاى خود را باشد كه شما شكر كنيد (89)
اى آن كسانى كه گرويديد جز اين نيست كه شراب و قمار و بتها و تيرهاى قرعه پليد است از كردار شيطان پس دورى كنيد از آنها باشد كه شما رستگار شويد (90)
جز اين نيست كه ميخواهد شيطان كه بيندازد ميان شما دشمنى و كينه در خمر و قمار و بازدارد شما را از ياد خدا و از نماز پس آيا شما هستيد باز ايستادگان (91)
و فرمانبريد خدا را و فرمانبريد پيغمبر را و حذر كنيد پس اگر اعراض كنيد پس بدانيد كه نيست بر رسول ما مگر رسانيدن آشكار (92)
نيست بر آنان كه گرويدند و كردند كارهاى شايسته گناهى در آنچه خوردند چون پرهيزكار شدند و گرويدند و كردند كارهاى شايسته پس پرهيزكار شدند و گرويدند پس پرهيزكار شدند و نيكى كردند و خدا دوست دارد نيكوكاران را (93)
اى آن كسانى كه گرويدند هر آينه مى‌آزمايد شما را خدا بچيزى از شكار كه ميرسد بآن دستهاى شما و نيزه هاتان تا جدا نمايد خدا آن را كه ميترسد از او در نهانى پس كسى كه تعدّى كرد پس از آن پس او را است عذابى پر درد (94)
اى آن كسانى كه گرويديد مكشيد صيد را و شما باشيد محرمان و كسى كه كشت آن را از شما از روى عمد پس جزائيست مثل آنچه را كشت از شتر و گاو و گوسفند كه حكم كنند بآن دو صاحب عدالت از شما قربانى رسنده كعبه يا كفّاره است طعام مسكينان يا برابر آن
ترجمه قرآن، ص: 116
روزه تا بچشد بدى عقوبت كارش را عفو كرد خدا از آنچه گذشت و آنكه بازگشت كرد پس انتقام ميكشد خدا از او و خدا غالب صاحب انتقام است (95)
حلال كرده شد از براى شما شكار دريا و طعامش مايه تعيّش براى شما و

از براى قافله است و حرام كرده شد بر شما شكار بيابان ما دام كه باشيد محرمان و بترسيد از خدايى كه بسوى او محشور ميشويد (96)
گردانيد خدا كعبه را خانه محترم بجهة قوام مردمان و ماه حرام و قربانى را و قلاده‌ها را آن از براى اينست كه بدانيد كه خدا ميداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است و بدرستى كه خدا بهمه چيز دانا است (97)
بدانيد كه خدا سخت عقوبت است و بدرستى كه خدا آمرزنده مهربان است (98)
نيست بر رسول مگر رسانيدن و خدا ميداند آنچه آشكار ميكنيد و آنچه را پنهان ميداريد (99)
بگو يكسان نيست پليد و پاكيزه و اگر چه بشگفت آورده باشد ترا بسيارى پليد پس بترسيد از خدا اى صاحبان خردها باشد كه شما رستگار شويد (100)
اى آن كسانى كه گرويديد مپرسيد از چيزهايى كه اگر آشكار كرده شود مر شما را بد آيد شما را و اگر بپرسيد از آن هنگامى كه فرو فرستاده ميشود قرآن آشكار شود مر شما را در گذشت خدا از آن و خدا آمرزنده بردبار است (101)
بحقيقت سؤال كردند آن را جمعى پيش از شما پس كرديدند بآنها كافران (102)
نگردانيد خدا هيچ بحيره و نه سائبه و نه وصيله و نه حامى و ليكن آنان كه كافر شدند افترا ميكنند
ترجمه قرآن، ص: 117
بر خدا دروغ را و بيشترين ايشان در نمى‌يابند بعقل (103)
و چون گفته شود مر ايشان را بيائيد بسوى آنچه فرستاد خدا و بسوى رسول گويند بس است ما را آنچه يافتيم بر آن پدران خود را و اگر چه باشد پدرانشان كه ندانند چيزى را و راه نيابند (104)
اى آن كسانى كه گرويديد بر شما است نفسهاى شما زيان نميكند شما را آنكه گمراه شد چون هدايت يابيد بسوى خدا است بازگشت شما همه پس خبر ميدهد شما را بآنچه بوديد كه ميكرديد (105)
اى آن كسانى كه گرويديد گواهى ميانتان چون حاضر شود يكى از شما را مرگ هنگام وصيّت كردن دو كس صاحبان عدالت بايد از شما يا دو تاى ديگر از جز شما اگر شما سفر كرديد در زمين پس رسيد شما را حادثه مرگ باز ميداريد آن دو را بعد از نماز پس سوگند ميخورند بخدا اگر شكّى بهمرسانيده باشيد كه نگرفته‌ايم بآن بهايى را و اگر چه باشد صاحب قرابت و نپوشيده‌ايم گواهى خدا را بدرستى كه ما آن گاه هر آينه از بدكاران باشيم (106)
پس اگر اطلّاع يافته شد بر آنكه آن دو مستحقّ شدند بدى را پس دو تاى

دیگر بر میخیزند بجای آن دو تا از آنان که مستحقّ شده بر ایشان که آن دو اولایند پس قسم میخورند بخدا که هر آینه گواهی ما سزاوارتر است از گواهی آن دو و تعدّی نکرده‌ایم بدرستی که ما آن گاه هر آینه باشیم از ستمکاران (107)
آن نزدیکتر است بآنکه بیارند گواهی را بر وجهش یا بترسند که ردّ کرده شود سوگندهایی بعد از سوگندهاشان و بترسید از خدا و بشنوید و خدا هدایت نمیکند گروه
ترجمه قرآن، ص: 118
فاسقان را (108)
روزی که جمع میکند خدا رسولان را پس میگوید چه چیز اجابت کرده شدید گویند نیست دانشی از برای ما بدرستی که تو تویی دانای نهانیها (109)
چون گفت خدا ای عیسی پسر مریم یاد کن نعمت مرا بر تو و بر مادرت وقتی که نیرو دادم ترا بروح پاکی سخن میکردی با مردمان در گهواره و دو مویی و وقتی که آموختم ترا کتاب و حکمت و تورية و انجیل و هنگامی که میساختی از گل چون شکل مرغی برخصت من پس میدمیدی در آن پس میشد مرغی بفرمان من و به میگردانیدی کور مادر زاد را و پیس را بفرمان من و وقتی که بیرون میآوردی مردگان را باذن من و آن گاه که باز داشتم بنی اسرائیل را از تو وقتی که آمدی ایشان را بحجّتها پس گفت آنان که کافر شدند از ایشان نیست این مگر جادوی آشکار (110)
و هنگامی که وحی فرستادم بحواریان که بگروید بمن و برسول من گفتند ایمان آوردیم و گواه باش بآنکه ما منقادانیم (111)
هنگامی که گفتند حواریّان ای عیسی پسر مریم آیا میتواند پروردگارت که فرود آورد بر ما خوانی آراسته از آسمان گفت بترسید از خدا اگر هستید گروندگان (112)
گفتند میخواهیم که بخوریم از آن و بیارامد دلهای ما و بدانیم که بتحقیق راست گفتی بما و باشیم بر آن از گواهان (113)
گفت عیسی پسر مریم بار خدایا ای پروردگار ما فرو فرست بر ما خوانی آراسته از آسمان که
ترجمه قرآن، ص: 119
بوده باشد از برای ما عیدی از برای اوّل ما و آخر ما و نشانی از تو و روزی ده ما را و تویی بهترین روزی دهندگان گفت خدا
بدرستی که من فرو فرستنده‌ام آن را بر شما پس هر که کافر میشود پس از آن از شما پس بدرستی که من عذاب میکنم او را شکنجه که عذاب نمیکنم بآن احدی از جهانیان را (115)
و هنگامی که گفت خدا ای عیسی پسر مریم آیا تو گفته مر مردمان را که فرا گیرید مرا و مادرم را دو خدا از غیر خدا گفت منزّهی تو نه سزد مرا که

بگویم آنچه نیست مرا سزاوار اگر هستم که گفته‌ام آن را پس بحقیقت دانسته آن را میدانی آنچه در ضمیر منست و نمیدانم من آنچه در نفس تو است بدرستی که تو تویی دانای نهانیها (116)
نگفته‌ام مر ایشان را مگر آنچه فرمودی مرا بآن که بپرستید خدا را که پروردگار من و شما است و بودم بر ایشان گواه ما دام که بودم در میان ایشان پس چون برداری مرا هستی تو نگهبان بر ایشان و تو بر همه چیز گواهی (117)
اگر عذاب کنی ایشان را پس ایشان بندگان تواند و اگر بیامرزی ایشان را پس بدرستی که تو تویی غالب درست کردار (118)
گفت خدا این روزی است سود بخشد راست گویان را راست گفتن آنها مر ایشان را است بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها جاودانیان در آن پیوسته راضی شد خدا از ایشان و خوشنود شدند از او آنست کامیابی بزرگ (119)
مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنها است و او بر همه چیزی توانا است (120)
ترجمه قرآن، ص: 120

سورة الأنعام مائة و خمس و ستون آية و هى مكيّة

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ستايش مر خدا را كه آفريد آسمانها و زمين را و پديد آورد تاريكيها و روشنى را پس آنان كه كافر شدند بپروردگارشان برابر ميكنند ديگران را (1)
او است كه آفريدتان از گل پس تقدير كرد اجلى را و اجلى است نام برده شده نزد او پس شما شكّ ميآوريد (2)
و او است خدا در آسمانها و در زمين ميداند پنهان شما و آشكار شما را و ميداند آنچه كسب ميكنيد (3)
و نميآيد ايشان را هيچ آيتى از آيتهاى پروردگارشان مگر آنكه باشند از آن رو گردانندگان (4)
پس بتحقيق تكذيب كردند حقّ را چون آمد ايشان را پس زود باشد كه آيد ايشان را خبرهاى آنچه بودند بآن استهزاء ميكردند (5)
آيا نديدند كه چندانى را هلاک كرديم پيش از ايشان از قرنى كه صاحب تصرّف كرديمشان در زمين آنچه صاحب تصرّف نكرديم شما را و فرستاديم ما ابر را بر ايشان پى در پى و گردانيديم نهرها را كه ميرود از زير ايشان پس هلاک كرديم ايشان را بسبب گناهانشان و آفريديم از بعد ايشان قرنى ديگر (6)
و اگر فرو فرستاده بوديم بر تو كتابى در كاغذى پس بودندى آن را بدستهاشان هر آينه گفتندى آنان كه كافر شدند نيست اين مگر جادوى آشكار (7)
و گفتند چرا فرو فرستاده نشد بر او فرشته و اگر فرو فرستاده بوديم
ترجمه قرآن، ص: 121
فرشته هر آينه گذارده شده بود امر پس مهلت داده نميشدند (8)
و اگر ميگردانيديمش فرشته هر آينه ميگرديمش بصورت مردى و هر آينه ميپوشانيديم بر ايشان آنچه ميپوشيدند (9)
و هر آينه بتحقيق استهزاء كرده شد بر رسولان از پيش تو پس فرو گرفت آنان را كه استهزاء كردند از ايشان آنچه بودند بآن استهزاء ميكردند (10)
بگو سير كنيد در زمين پس بنگريد چگونه بود انجام كار تكذيب كنندگان (11)
بگو مر كرا است آنچه در آسمانها و زمين است بگو مر خدا راست نوشته بر خودش رحمت را هر آينه جمع خواهد كرد شما را روز رستخيز نيست شكّى در آن آنان كه زيان كردند در نفسهاى خود پس ايشان ايمان نميآورند (12)

و مر او را است آنچه آرمید در شب و روز و او است شنواى دانا (13)
بگو آيا جز خدا را بگيرم ولى پديد آورنده آسمانها و زمين و او ميخوراند و خورانيده نميشود بگو بدرستى كه من فرموده شدم كه باشم اوّل كسى كه مسلمان شد و مباش البتّه از شرك اورندگان (14)
بگو بدرستى كه ميترسم اگر نافرمانى كنم پروردگارم را از عذاب روزى بزرگ (15)
كسى كه گردانيده ميشود از او عذاب در آن روز پس بحقيقت رحمت كرده او را و آنست كاميابى آشكار (16)
و اگر برساند ترا خدا ضررى پس نيست دفع كننده مر آن را مگر او و اگر رساند بتو خيرى پس او بر همه چيزى توانا است (17)
و او است غالب فوق بندگانش و او است درست كردار آگاه (18)
بگو چه چيز است بزرگتر در شهادت بگو خدا گواه است ميان من و ميان شما و وحى فرستاده شد
ترجمه قرآن، ص: 122
بمن اين قرآن تا بترسانم شما را بآن و آن را كه برسد آيا شما هر آينه گواهى ميدهيد كه با خدا است الهان ديگر بگو گواهى نميدهم بگو جز اين نيست او خدايى است يكتا و بدرستى كه من بيزارم از آنچه شرك ميآوريد (19)
آنان كه داديمشان كتاب ميشناسند او را هم چنان كه ميشناسند پسران خود را آنها كه زيان كردند از جهة نفسهاى خود پس ايشان نميگروند (20)
و كيست ستمكارتر از آنكه افترا كرد بر خدا دروغى را يا تكذيب كرد آيتهاى او را بدرستى كه او رستكار نميكند ستمكاران را (21)
و روزى كه حشر كنيم ايشان را همه پس گوئيم از براى آنان كه شرك آوردند كجايند انبازانتان كه بوديد گمان ميبرديد (22)
پس نباشد معذرت ايشان مگر آنكه گويند بخدا قسم كه پروردگار ما است كه نبوديم مشركان (23)
بنگر چگونه دروغ بستند بر خودهاشان و گم شد از ايشان آنچه بودند افترا ميكردند (24)
و از ايشان كسى است كه گوش ميدارد بتو و گردانيديم بر دلهاشان پرده‌ها مبادا كه بفهمند آن را و در گوشهاشان گرانى و اگر به بينند همه علامتى را نميگروند بآن تا آنكه چون آيند ترا مجادله كنند با تو ميگويند آنان كه كافر شدند نيست اين مگر افسانهاى پيشينيان (25)
و ايشان باز ميدارند از آن و دورى ميكنند از آن و هلاك نميكنند مگر نفسهاى خود را و نميدانند (26)
و اگر به بينى هنگامى را كه باز داشته شده باشند بر آتش پس گويند اى كاش ما برگردانيده ميشديم و تكذيب نميكرديم ما آيتهاى پروردگار خود را

و میبودیم از گروندگان (27)
بلکه ظاهر شد مر ایشان را آنچه بودند
ترجمه قرآن، ص: 123
که پنهان میداشتند از پیش و اگر برگردانیده میشدند عود میکردند بآنچه نهی کرده شده بودند از آن و بدرستی که ایشان دروغگویانند (28)
و گفتند نیست آن مگر زندگانی ما در دنیا و نباشیم ما برانگیخته شدگان (29)
و اگر به بینی هنگامی که باز داشته باشند بر پروردگارشان گوید آیا نیست این بحقّ گویند آری بحقّ پروردگار ما گوید پس بچشید عذاب را بسبب بودنتان کافران (30)
بتحقیق زیان کردند آنان که تکذیب کردند رسیدن بجزای خدا را تا چون آید ایشان را قیامت ناگاه گویند ای حسرت ما در آنچه تقصیر کردیم در آن و ایشان بر میدارند و نه رهای خود را بر پشتهای خود آگاه باشید بد است آنچه بر میدارند به پشت (31)
و نیست زندگانی دنیا مگر بازی و هزل و هر آینه سرای آخرت بهتر است از برای آنان که میپرهیزند آیا پس در نمییابید بعقل (32)
بتحقیق میدانیم که اندوهناک میسازد ترا آنچه میگویند پس بدرستی که ایشان تکذیب نمیکنند ترا و لیکن ستمکاران بآیتهای خدا انکار میکنند (33)
و بتحقیق تکذیب کرده شدند رسولان چند پیش از تو پس صبر کردند بر آنچه تکذیب کرده شدند و رنجانیده شدند تا آمد ایشان را یاری ما و نیست بدل کننده مر سخنان خدا را و بحقیقت آمد ترا از خبر فرستاده شدگان (34)
و اگر چه باشد که عظیم آمده بر تو اعراض ایشان پس اگر توانی که بجویی نفقتی در زمین یا نردبانی در آسمان پس بیاری ایشان را علامتی و اگر خواستی خدا هر آینه جمع کردی ایشان را بر هدایت پس مباش البتّه از نادانان (35)
اجابت نمیکنند مگر آنان که میشنوند
ترجمه قرآن، ص: 124
و مردگان بر میانگیزدشان خدا پس بسوی او برگردانیده میشوند (36)
و گفتند چرا فرو فرستاده نشد بر او علامتی از پروردگارش بگو بدرستی که خدا توانا است بر آنکه فرو فرستد معجزه و لیکن بیشترین ایشان نمیدانند (37)
و نیست هیچ جنبنده در زمین و نه پرنده که میپرد بدو بالش مگر آنکه اصنافی چندند مثال شما تقصیر نکردیم در کتاب از چیزی پس بسوی پروردگارشان حشر کرده میشوند (38)
و آنان که تکذیب کردند آیتهای ما را کرانند و گنگانند در تاریکیها کسی را

که میخواهد خدا اضلال میکند او را و کسی را که میخواهد میگرداندش بر راه راست (39)
بگو خبر دهید اگر آید شما را عذاب خدا یا بیاید شما را روز قیامت آیا جز خدا را میخوانید اگر هستید راستگویان (40)
بلکه او را میخوانید پس میبرد از شما آنچه میخوانید بسوی او اگر خواهد و فراموش میکنید آنچه را شریک مینمائید (41)
و بحقیقت فرستادیم بسوی امّتانی پیش از تو پس گرفتیم ایشان را بسختی و رنجوری باشد که ایشان زاری کنند (42)
پس چرا چون آمد ایشان را سختی ما زاری کردند و لیکن سخت شد دلهای ایشان و آرایش داد از برای ایشان دیو رجیم آنچه بودند که میکردند (43)
پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بآن گشودیم بر ایشان درهای هر چیزی را تا آنکه چون شاد شدند بآنچه داده شدند گرفتیم ایشان را ناگاه پس آن گاه ایشان نومیدانند (44)
پس بریده شد دنباله گروهی که ستم کردند و ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیان است
ترجمه قرآن، ص: 125
(45)
بگو خبر دهید اگر گرفت خدا گوشتان و چشمهاتان و مهر نهاد بر دلهاتان کیست خدایی جز خدا که بیاورد شما را بآن بنگر چگونه مکرّر میآوریم آیتها را پس ایشان اعراض میکنند (46)
بگو خبر دهید اگر آید شما را عذاب خدا بناگاه یا آشکار آیا هلاک کرده میشود مگر گروه ستمکاران (47)
و نمیفرستیم مرسلان را مگر بشارت دهندگان و بیم کنندگان پس آنکه گروید و شایسته شد پس نیست بیمی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند (48)
و آنان که تکذیب کردند آیتهای ما را برسد ایشان را عذاب بسبب بودنشان که فسق میکردند (49)
بگو نمیگویم مر شما را که نزد من است خزانهای خدا و نمیدانم غیب را و نمیگویم مر شما را که من فرشته‌ام پیروی نمیکنم مگر آنچه وحی میشود بمن بگو آیا یکسانند نابینا و بینا آیا پس اندیشه نمیکنید (50)
و بترسان بآن آنان را که میترسند که محشور شوند بسوی پروردگارشان نیست مر ایشان را از جز او ناصری و نه شفاعت کننده باشد که ایشان بپرهیزند (51)
و مران آنان را که میخوانند پروردگارشان را ببامداد و شبانگاه میخواهند رضای او را نیست بر تو از حساب ایشان هیچ چیز و نیست از حساب تو بر ایشان هیچ چیز پس میرانی ایشان را پس خواهی شد از ستمکاران (52)

و همچنین امتحان کردیم برخی از ایشان را ببرخی هر آینه گویند آیا این گروهند که منّت نهاد خدا بر ایشان از میان ما آیا نیست خدا داناتر بشکرگذاران (53)
و چون آید ترا آنان که
ترجمه قرآن، ص: 126
میگروند بآیتهای ما پس بگو سلام بر شما نوشته پروردگار شما بر خودش رحمت بدرستی که کسی که کرد از شما بدی را بنادانی پس توبه کرد پس از آن و صالح شد پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (54)
و همچنین تفصیل میدهیم آیتها را و تا روشن شود راه گناهکاران (55)
بگو بدرستی که من نهی کرده شدم که بپرستم آنان که میخوانید از جز خدا بگو پیروی نمیکنم مرادهای شما را بحقیقت گمراه شده باشم آن گاه و نباشم از هدایت یافتگان (56)
بگو بدرستی که من بر دلیلی روشنم از پروردگارم و تکذیب کردید آن را نیست نزد من آنچه را میشتابید بآن نیست حکم مگر خدا را بیان میکند حقّ را و او است بهترین حکم کنندگان (57)
بگو اگر آنکه بود نزد من آنچه بشتاب میخواهید آن را هر آینه گذارده شده بود کار میان من و میان شما و خدا داناتر است بستمکاران (58)
و نزد او است کلیدهای غیبت نمیداند آن را مگر او و میداند آنچه در بیابان و دریا است و ساقط نمیشود هیچ برگی مگر که میداند آن را و نه دانه در تاریکیهای زمین و نه تری و نه خشکی مگر که در کتابی باشد روشن (59)
و او است که متوفّی کند شما را بشب و میداند آنچه کسب کردید بروز پس بر میانگیزاند شما را در روز تا تمام کرده شود اجل نام برده شده پس بسوی او است مرجع شما پس خبر دهد شما را بآنچه بودید که میکردید (60)
و او است غالب فوق بندگانش و میفرستد بر شما نگهبانان تا چون بیاید یکی از شما را
ترجمه قرآن، ص: 127
مرگ بمیرانند او را فرستاده‌های ما و ایشان تقصیر نمیکنند (61)
پس باز گردانیده میشوند بسوی خدا خداوندشان که حقّ است آگاه باشید مر او را است حکم و او است سریعتر حساب کنندگان (62)
بگو کیست که میرهاند شما را از تاریکیهای برّ و بحر میخوانیدش بزاری و نهانی که اگر برهاند ما را از این هر آینه باشیم از شکرگذاران (63)
بگو خدا میرهاند شما را از آن و و از هر اندوهی پس شما شرک میآورید (64)
بگو او است قادر بر آنکه بر انگیزد بر شما عذابی از زبرتان یا از زیر پاهاتان یا بهم اندازدتان گروهانی غیر متفق و بچشاند برخی از شما را

آسیب برخی بنگر چگونه میگردانیم آیتها را باشد که ایشان بفهمند (65)
و تکذیب کردند آن را قوم تو و او است حقّ بگو نیستم بر شما وکیل (66)
از برای هر چیزی وقتی تحقیقی است و زود باشد که بدانید (67)
و چون بینی کسانی را که گفتگو میکنند بعناد در آیتهای ما پس رو بگردان از ایشان تا در آیند در سخنی جز آن و اگر فراموش تو گرداند شیطان پس منشین پس از یاد آمدن با گروه ستمکاران (68)
و نیست بر آنان که میپرهیزند از حساب ایشان هیچ چیز و لیکن پند داد و نیست باشد که ایشان بپرهیزند (69)
و واگذار آنان را که فرا گرفتند دینشان را ببازی و هزلی و بفریفت ایشان را زندگانی دنیا و پند ده بآن مبادا که گیراینده شود نفسی بآنچه کسب کرد نیست مر او را از جز خدا

دوستی و نه شفاعت کننده و اگر فدا دهد هر فدایی گرفته نشود از آن آن کرده آنانند که گیرانیده شدند بآنچه کسب کردند مر ایشان را است آشامیدنی از آب جوشان و عذابی دردناک بسبب آنچه بودند کافر میشدند (70)
بگو آیا بخوانیم از غیر خدا آنچه نفع نمیدهد ما را و ضرر نمیرساند ما را و باز پس رویم بر پاشنه‌هامان پس از آنکه هدایت کرد ما را خدا چون کسی که از راه بیرون برده باشند او را شیطانها در زمین حیران مر او را رفیقان باشند که میخوانده باشند بهدایت که بیا بجانب ما بگو بدرستی که هدایت خدا آنست هدایت و مامور شده‌ایم که گردن نهیم مر پروردگار جهانیان را (71)
و اینکه بر پای دارید نماز را و بپرهیزید از او و او است آنکه بسوی او محشور خواهید شد (72)
و او است که آفرید آسمانها و زمین را براستی و روزی که میگوید بشو پس میشود گفتنش حقّ است و مر او را است پادشاهی روزی که دمیده شود در صور دانای نهان و آشکار و اوست درست کردار آگاه (73)
و هنگامی که گفت ابراهیم مر پدرش را آزر آیا فرا میگیری بتان را خدایان بدرستی که می‌بینم ترا و قوم ترا در گمراهی روشن (74)
و همچنین مینمودیم ابراهیم را عجایب آسمانها و زمین و تا بوده باشد از یقین کنندگان (75)
پس چون تاریک شد بر او شب دید ستاره را گفت این است پروردگار من پس چون غایب شد گفت دوست ندارم فرو روندگان را (76)
پس چون دید ماه را که بر آمد گفت این است پروردگار من پس چون غایب شد گفت هر آینه اگر راه ننماید مرا پروردگارم هر آینه خواهم بود از

گروه ستمکاران (77)
پس چون دید آفتاب را طالع گفت این است پروردگارم این بزرگتر است پس چون غایب شد گفت ای قوم بدرستی که من بیزارم از آنچه شرک میآورید (78)
بدرستی که من متوجّه گردانیدم وجهم را از برای آنکه پدید آورد آسمانها و زمین را حق‌گرای و نیستم من از شرک‌آورندگان (79)
و مجادله کردند با او قومش گفت آیا مجادله میکنید با من در خدا و بتحقیق هدایت کرد مرا و نمیترسم از آنچه شریک میگردانید باو مگر آنکه خواهد پروردگار من چیزی را احاطه کرده پروردگارم همه چیز را از راه دانش آیا پس پند نمیگیرید (80)
و چگونه میترسم از آنچه شریک گرفتید و نمیترسید که شما شریک گرفتید بخدا آنچه را که فرو فرستاده نشد بآن بر شما حجّتی پس کدام یک از ایندو فرقه سزاوارترند بایمن بودن اگر هستید که میدانید (81)
آنان که گرویدند و نه آمیختند ایمانشان را بستم آن گروه مر ایشان را است ایمنی و ایشانند هدایت یافتگان (82)
و آن بود دلیل ما که دادیم آن را بابراهیم بر قومش بلند میگردانیم ما مراتب آن را که میخواهیم بدرستی که پروردگار تو درست کردار دانا است (83)
و بخشیدیم مر او را اسحق و یعقوب همه را هدایت کردیم و نوح را هدایت کردیم از پیش و از فرزندانش داود و سلیمان و ایّوب و یوسف و موسی و هارون و همچنین سزا دهیم نیکوکاران را (84)
و زکریّا و یحیی و عیسی و الیاس همه از شایستگان بودند (85)
و اسمعیل را و الیسع را و یونس را و لوط را و همه را فزونی دادیم ما بر جهانیان (86)
ترجمه قرآن، ص: 130
و از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان و برگزیدیمشان و هدایت کردیمشان براه راست (87)
آن هدایت خدا است هدایت میکند بآن آن را که میخواهد از بندگانش و اگر شرک آورده بودند باطل شده بود از ایشان آنچه بودند که میکردند (88)
آن گروه آنانند که دادیمشان کتاب و حکمت و پیغمبری پس اگر کافر شوند بآنها اینها پس بحقیقت بازمیداریم بانها گروهی را که نباشند بآنها کافران (89)
آن گروه کسانی‌اند که هدایت کرد خدا پس بهدایتشان اقتدا کن بگو نمیخواهم از شما بآن مزدی نیست آن مگر پند دادنی مر جهانیان را (90)
و نشناختند خدا را سزای شناختنش چون گفتند فرو نفرستاد خدا بر انسانی هیچ چیز را بگو کیست که فرو فرستاد تورية را که آورد آن را موسی

روشنایی و هدایت از برای مردمان میگردانید آن را پارچه کاغذها ظاهر میکنید آنها را و پنهان میکنید بسیاری را و آموخته شدید آنچه را نمیدانستید شما و نه پدرانتان بگو خدا فرستاد پس بگذار ایشان را در گفتارشان که بازی میکرده باشند (91)
و این کتابیست که فرو فرستادیم آن را مبارک تصدیق کننده آن چیزی که باشد میانه دو دستش و از برای آنکه بترسانی اهل مکّه را و آنکه باشد گرداگردش و آنان که میگروند بآخرت میگروند بآن و ایشان بر نمازشان محافظت مینمایند (92)
و کیست ستمکارتر از آنکه افترا کرد بر خدا دروغی را یا گفت وحی کرده شد بمن و وحی کرده نشد باو چیزی و کسی که گفت زود باشد که فرو فرستم مانند آنچه فرو فرستاد خدا و اگر به بینی
ترجمه قرآن، ص: 131
هنگامی که ظالمان باشند در سکرات مرگ و ملائکه باشند گشایندگان دستهای خود را که بیرون کنید جانهاتان را امروز جزا داده شوید عذاب خواری بسبب بودنتان که میگفتید بر خدا ناحقّ را و بودنتان که از آیتهایش سرکشی میکردند (93)
و هر آینه بتحقیق که آمدید بسوی ما تنها هم چنان که آفریدیم شما را اوّل بار و واگذاشتید آنچه را تملیک کرده بودیم شما را پس پشتهاتان و نمی‌بینم با شما شفیعان شما را که گمان کردید که ایشان در شما انبازانند بحقیقت بریده شد میانتان و گمشد از شما آنچه بودید گمان میکردید (94)
بدرستی که خدا شکافنده دانه و هسته است بیرون میآورد زنده را از مرده و بیرون آورنده مرده است از زنده آنتان خدا است پس کجا رو گردان میشوید (95)
شکافنده عمود صبح و گردانید شب را آرامگاه و آفتاب و ماه را بشماره روندگان آن تقدیر خدای غالب دانا است (96)
و او است که گردانید برای شما ستاره‌ها را تا راه یابید بسبب آنها در تاریکیهای خشکی و دریا بتحقیق تفصیل دادیم آیتها را برای قومی که میدانند (97)
و او است که آفرید شما را از یک نفس پس جای قراری است و جای بامانت بودنی بتحقیق تفصیل دادیم آیتها را برای قومی که بفهمند (98)
و او است که فرو فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آوردیم بآن رستنی همه چیز را پس بیرون آوردیم از آن سبزه که بر میآوریم از آن دانه بر یکدیگر سوار و از درخت خرما از شکوفه‌اش خوشه‌های نزدیک بهم و بوستانها از انگورها و زیتون
ترجمه قرآن، ص: 132
و انار شبیه بهم و ناشبیه بهم بنگرید بثمرش چون بار میآورد و رسیدنش

بدرستی که در آن هر آینه نشانها است از برای گروهی که میگردند (99)
و گردانیدند از برای خدا انبازان جنّ را و آفرید آنها را و تراشیدند از برای او پسران و دختران بدون دانشی منزّه است او و برتر است از آنچه نسبت میدهند (100)
نخست آفریننده آسمانها و زمین است کجا باشد مر او را فرزندی و نباشد مر او را زنی و آفرید همه چیز را و او بهمه چیزی دانا است (101)
آنست خدا پروردگارتان نیست خدایی مگر او که آفریدگار همه چیز است پس بپرستید او را و او بر همه چیز کار گذار است (102)
در نیابد او را دیده‌ها و او در مییابد دیده‌ها را و او است باریک بین آگاه (103)
بتحقیق آمد شما را دلیلهای بینش بخش از پروردگارتان پس هر که بینا شد پس باشد برای خودش و کسی که کور ماند پس باشد بر خودش و نیستم من بر شما نگهبان (104)
و همچنین مکرّر میآریم آیتها را و تا مبادا گویند درس خوانده و برای آنکه بیان کنیم آن را از برای گروهی که میدانند (105)
پیروی کن آنچه وحی کرده شد بتو از پروردگارت نیست خدایی مگر او و روی بگردان از شرک آورندگان (106)
و اگر خواسته بود خدا شرک نمیآوردند و نگردانیدیم ترا بر ایشان و نگهبان و نیستی تو بر ایشان کار گذار (107)
و دشنام مدهید آنان را که میخوانند از غیر خدا پس دشنام دهند خدا را از روی تعدّی بدون دانشی همچنین آراستیم از برای هر گروهی کردارشان را پس بسوی پروردگارشان باز گشت ایشان پس خبر دهد ایشان را بآنچه بودند که میکردند (108)
ترجمه قرآن، ص: 133
و سوگند خوردند بخدا سخت‌ترین سوگندهاشان که اگر آید ایشان را آیتی هر آینه بگروند البتّه بآن بگو جز این نیست که آیتها نزد خدا است و چه چیز آگاه کرد شما را که آن ایات چون آید ایشان را ایمان نخواهند آورد (109)
و بر میگردانیم دلهاشان را و چشمهاشان را هم چنان که ایمان نیاوردند بآن اوّل بار و وامیگذاریمشان در زیاده رویشان که سرگردان باشند (110)
و اگر آنکه ما فرو فرستاده بودیم بایشان فرشتگان را و سخن کرده بود با ایشان مردگان و جمع آورده بودیم بر ایشان همه چیز را رو برد نبودند که ایمان آورند مگر آنکه خواسته باشد خدا و لیکن بیشترین ایشان نادان میباشند (111)
و همچنین گردانیدیم از برای هر پیغمبری دشمنی شیطانهای انس و جنّ میرسانند بعضی از ایشان بسوی بعضی آراسته گفتار باطل را از برای فریب و اگر خواستی پروردگار تو نکردندی آن را پس واگذار ایشان را

بآنچه افترا میکنند (112)
تا میل کند بآن دلهای آنان که نمیگروند بآخرت و تا پسند کنند آن را و تا کسب کنند آنچه را ایشانند کسب کنندگان (113)
آیا پس جز خدا را بجویم حکم کننده و او است که فرو فرستاد بشما کتاب را تفصیل داده شد و آنان که دادیم ایشان را کتاب میدانند که آن فرو فرستاده شده است از پروردگارت بحقّ پس مباش البته از شرک آورندگان (114)
و تمام شد کلمه پروردگارت از روی راستی و عدالت نیست بدل کننده مر سخنانش را و او است شنوای دانا (115)
و اگر اطاعت کنی اکثر کسانی را که در زمینند گمراه میکنند ترا از راه خدا
ترجمه قرآن، ص: 134
پیروی نمیکنند مگر گمان را و نیستند ایشان مگر آنکه بگمان حکم میکنند (116)
بدرستی که پروردگار تو او است داناتر بکسی که گم میشود از راهش و اوست داناتر بهدایت یافتگان (117)
پس بخورید از آنچه یاد کرده شد نام خدا بر آن اگر هستید بآیتهایش گروندگان (118)
و چیست مر شما را که نخورید از آنچه یاد کرده شد نام خدا بر آن و بتحقیق که تفصیل داد از برای شما آنچه را حرام کرد بر شما مگر آنچه (119)
مضطرّ شدید بآن و بدرستی که بسیاری هر آینه گمراه میکنند بخواهشهاشان بدون دانشی بدرستی که پروردگار تو او داناتر است بتعدّی کنندگان و واگذارید بیرون گناه و درونش را بدرستی که آنها که کسب میکنند گناه را زود باشد که جزا داده شود بآنچه بودند که کسب میکردند (120)
و مخورید از آنچه یاد کرده نشد نام خدا بر آن و بدرستی که آن هر آینه فسق است و بدرستی که شیاطین هر آینه میرسانند پنهانی بدوستانشان تا مجادله کنند با شما و اگر اطاعت کنید ایشان را بدرستی که شما هر آینه باشید مشرکان (121)
آیا کسی که بود مرده پس زنده کردیم او را و گردانیدیم از برای او نوری که راه میرفته باشد بآن در مردمان چون کسی است که صفت او اینست که در تاریکیها است نیست بیرون آینده از آن همچنین آراسته شد از برای کافران آنچه بودند که میکردند (122)
و همچنین گردانیدیم در هر قریه بزرگان را گناهکارانش تا مگر کنند در آن و مکر نمیکنند مگر بخودهاشان و نمییابند (123)
و چون آید ایشان را آیتی گویند هرگز نگرویم تا آنکه داده شویم مانند آنچه

داده شد برسولان خدا خدا داناتر است که کجا میگرداند رسالتش را زود باشد که برسد آنان را که گناه کردند خواری
ترجمه قرآن، ص: 135
نزد خدا و عذابی سخت بسبب بودنشان که مکر میکردند (124)
پس کسی که بخواهد خدا راه نماید او را میگشاید سینه او را از برای اسلام و کسی را که بخواهد که اضلال کند او را میگرداند سینه او را تنگ بسیار تنگ گویا بالا میرود در آسمان همچنین میگرداند خدا عذاب را بر آنان که نمیگروند (125)
و اینست راه پروردگار تو که راستست بحقیقت تفصیل دادیم آیتها را برای گروهی که پند میپذیرند (126)
از برای ایشان است سرای سلامت نزد پروردگارشان و او ولیّ ایشان است بآنچه هستند که میکنند (127)
و روزی که حشر کند ایشان را همه ای گروه جنّ بحقیقت بسیار گردانیدید از آدمیان و گفتند دوستانشان از آدمیان پروردگار ما بر خوردار شدند برخی از ما ببرخی و رسیدیم ما به اجلمان که تعیین کردی از برای ما گفت آتش مسکن شما است جاودانیان در آن مگر آنچه خواست خدا بدرستی که پروردگار تو درست کردار دانا است (128)
و همچنین صاحب اختیار میگردانیم برخی از ستمکاران را بر برخی بسبب آنچه هستند که کسب میکردند (129)
ای گروه جنّ و انس آیا نیامد شما را رسولانی چند از شما که بخوانند بر شما آیتها مرا و بیم دهند شما را از رسیدن روزتان اینروز گفتند گواهی دادیم بر خودهامان و فریب داد ایشان را زندگانی دنیا و گواهی دادند بر خودهاشان که ایشان بودند کافران (130)
آن از اینست که نیست پروردگارت هلاک کننده اهل قریه‌ها را بستم و اهلشان باشند غافلان (131)
و از برای هر یک مراتبی است از آنچه کردند
ترجمه قرآن، ص: 136
و نیست پروردگارت غافل از آنچه میکنند (132)
و پروردگارت بینیاز صاحب رحمت است اگر خواهد میبرد شما را و جانشین میگرداند از بعد شما آنچه را خواهد هم چنان که پدید آورد شما را از فرزندان جمعی دیگر (133)
بدرستی که آنچه وعده کرده شده‌اید هر آینه آینده است و نیستید شما عاجز کنندگان (134)
بگو ای قوم من کار کنید بر وفق توانایی خود بدرستی که من عمل کننده‌ام پس زود باشد که بدانید کسی را که میباشد مر او را عاقبت آن سرای بدرستی که رستکار نمیشوند ستمکاران (135)

و گردانیدند از برای خدا از آنچه آفرید از کشت و شتر و گاو و گوسفند بهره پس گفتند این از برای خدا است بگمان فاسد شان و این از برای انبازان ما است پس آنچه باشد از برای انبازشان پس نمیرسد بخدا و آنچه باشد از برای خدا پس آن میرسد بانبازانشان بد است آنچه حکم میکنند (136)
و همچنین آرایش دادند از برای بسیاری از مشرکان کشتن اولادشان را انبازانشان تا هلاک سازند ایشان را و تا ملبّس گردانند بر ایشان دینشان را و اگر خواسته بود خدا نمیکردند آن را پس واگذار ایشان را بآنچه میبندند بدروغ (137)
و گفتند این اشتر و گاو و گوسفند و کشتی است که حرامست نمیخورند آنها را مگر کسی که میخواهیم بگمان فاسدشان و شتر و گاو و گوسفند که حرام گردانیده شد پشتهاشان و شتر و گاو و گوسفندی است که یاد نمیکنند نام خدا را بر آنها دروغ بستنی بر او زود باشد که جزا دهد ایشان را بسبب بودنشان که افترا میکردند (138)
و گفتند آنچه در شکم این شتر و گاو و گوسفند است خالص از برای مردان ما است و حرام است بر جفتهای ما و اگر باشد مردار پس ایشان در آن انبازانند
ترجمه قرآن، ص: 137
زود باشد جزا دهد ایشان را وصفشان را بدرستی که او حکیم دانا است (139)
بتحقیق زیان کردند آنان که کشتند اولادشان را بکم خردی بدون دانش و حرام گردانیدند آنچه روزی کردشان خدا از راه دروغ بستن بر خدا بتحقیق گمراه شدند و نبودند هدایت یافتگان (140)
و او است که پدید آورد بستانها را بر داربست انداختها و غیر بر دار بست انداختها و درخت خرما را و کشت را مختلف ثمر خوردنی او و زیتون را و انار را شبیه بهم و ناشبیه بهم بخورید از ثمرش چون ثمر دهد و بدهید حقّش را روز درویدنش و اسراف مکنید بدرستی که او دوست نمیدارد اسراف کنندگان را (141)
و از شتر و گاو و گوسفند بار بردار و فرشی بخورید آنچه روزی کرد شما را خدا و پیروی مکنید گامهای شیطان را بدرستی که او مر شما را دشمنی آشکار است (142)
هشت جفت از میش دو و از گوسفند موینه دو بگو آیا آن دو نر را حرام گردانید یا آن دو ماده را یا آنچه را مشتمل باشد بر او رحمهای آن دو ماده خبر دهید مرا بدانش اگر هستید راستگویان (143)
و از شتر دو و از گاو دو بگو آیا دو نر را حرام گردانید یا دو ماده را یا آنچه را مشتمل باشد بر آن رحمهای دو ماده آیا بودید حاضران چون وصیّت کرد

شما را خدا باین پس کیست ستمکارتر از آنکه بست بر خدا دروغ را تا گمراه کند مردم را بدون دانش بدرستی که خدا راه ننماید گروه ستمکاران را (144)
بگو نمییابم در آنچه وحی کرده شد بمن حرام شده بر خورنده که میخورد آن را مگر آنکه بوده باشد
ترجمه قرآن، ص: 138
مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوک بدرستی که آن پلید است یا فسقی که بانگ زده شده از برای غیر خدا بآن پس کسی که مضطرّ شد غیر باغی و نه تجاوز کننده پس بدرستی که پروردگار تو آمرزنده مهربان است (145)
و بر آنان که یهود شدند حرام کردیم هر صاحب ناخنی را و از گاو و گوسفند حرام کردیم بر ایشان پیه‌های آن دو را مگر آنچه برداشت پشتهاشان یا رودها یا آنچه امیخته باشد باستخوان آن جزا دادیم ایشان را بسبب ظلمشان بدرستی که ما هر آینه راستگویانیم (146)
پس اگر تکذیب کنند ترا پس بگو پروردگار شما صاحب رحمت وسیع است و بازداشته نمیشود عذابش از گروه ستمکاران (147)
زود باشد بگوید آنان که شرک آوردند که اگر خواسته بود خدا شرک نمیآوردیم ما و نه پدرانمان و نه حرام میکردیم هیچ چیز را همچنین تکذیب کردند آنان که بودند پیش از ایشان تا چشیدند عقوبت ما را بگو آیا هست نزد شما هیچ علمی پس بیرون آرید آن را برای ما پیروی نمیکنند مگر گمان را و نیستید شما مگر آنکه بگمان کار میکنید (148)
بگو پس مر خدا را است حجّت بالغ یعنی دلیل تمام پس اگر خواسته بود خدا هر آینه هدایت کرده بود شما را همه (149)
بگو بیاورید گواهانتان را آنان که گواهی میدهند که خدا حرام کرده این را پس اگر شهادت دادند پس گواهی مده با ایشان و پیروی مکن خواهشهای آنان را که تکذیب کردند آیتهای ما را و آنان که نمیگروند بآخرت و ایشان بپروردگارشان برابر میکنند بتان را (150)
بگو بیائید بخوانم آنچه حرام کرد پروردگارتان بر شما که شریک مسازید باو
ترجمه قرآن، ص: 139
چیزی را و بوالدین خوبی کردن و مکشید فرزندانتان را از ترس افلاس ما روزی میدهیم شما را و ایشان را و پیرامون مگردید کارهای بد را آنچه ظاهر باشد از آن و آنچه باطن باشد و مکشید نفسی را که حرام گردانید خدا مگر بحقّ آن وصیّت کرد شما را بآن باشد که شما دریابید بعقل (151)
و پیرامون مگردید مال یتیم را مگر بآنچه آن بهتر است تا برسد بقوّه‌اش و تمام دهید پیمانه و ترازو را بعدالت تکلیف نمیکنیم نفسی را مگر بقدر طاقتش و چون بگوئید پس عدالت کنید و اگر چه باشد صاحب قرابت و

بعهد خدا وفا کنید این است وصیّت کرد شما را باشد که شما پند گیرید (152)
و آنکه این راه من است راست پس پیروی کنید آن را و پیروی نکنید راهها را پس جدا گرداند شما را از راهش این است که وصیّت کرد شما را بآن باشد که شما بپرهیزید (153)
پس دادیم موسی را کتاب برای تمامی بر کسی که خوبی کرد و برای تفصیل مر همه چیز را و برای هدایت و رحمت باشد که ایشان بلقاء پروردگارشان ایمان آرند (154)
و این قرآن کتابیست که فرو فرستادیمش مبارک پس پیروی کنید آن را و بپرهیزید باشد که شما رحم کرده شوید (155)
که مبادا گوئید فرو فرستاده نشد کتاب مگر بر دو طایفه پیش از ما و بدرستی که هستیم از خواندنشان هر آینه بیخبران (156)
یا گوئید اگر آنکه فرو فرستاده شده بود بر ما کتاب هر آینه بودیم هدایت یافته‌تر از ایشان پس بتحقیق
ترجمه قرآن، ص: 140
آمد شما را حجّتی از پروردگارتان و هدایت و رحمتی پس کیست ستمکارتر از آنکه تکذیب کرد آیتهای خدا را و اعراض کرد از آنها بزودی جزا میدهیم آنان را که اعراض میکنند از آیتهای ما بد عذابی بسبب بودنشان که اعراض میکردند (157)
آیا انتظار میبرند مگر آنکه آید ایشان را ملائکه یا بیاید پروردگار تو یا بیاید بعضی از آیتهای پروردگارت روزی که بیاید بعضی از آیتهای پروردگارت نفع نمیدهد نفسی را ایمان آوردنش که نبوده ایمان آورده باشد از پیش یا کسب کرده باشد در ایمانش خیری بگو منتظر باشید بدرستی که ما منتظرانیم (158)
بدرستی که آنان که متفرّق ساختند دینشان را و بودند گروه گروه نیستی تو از ایشان در چیزی جز این نیست که کارشان با خدا است پس خبر دهد ایشان را بآنچه بودند که میکردند (159)
کسی که آورد نیکی را پس مر او را است ده چندان آن و کسی که آورد بدی را پس جزا داده نشود مگر مانندش و ایشان ستم کرده نشوند (160)
بگو بدرستی که من هدایت کرد مرا پروردگارم براه راست دینی درست کیش ابراهیم حقّ گرای و نبود از شرک آورندگان (161)
بگو بدرستی که نماز من و عبادتم و زندگیم و مردنم مر خدای را است که پروردگار جهانیان است (162)
نیست شریکی مر او را و بآن فرموده شده‌ام و من اوّل منقادانم (163)
بگو آیا جز خدا را بجویم پروردگار و او است پروردگار همه چیز و کسب نمیکند هر نفسی مگر بر او و بر نمیدارد بر دارنده بار گناه دیگری را پس

بسوى پروردگار شما است
ترجمه قرآن، ص: 141
بازگشت شما پس خبر دهد شما را بآنچه بوديد كه در آن اختلاف ميكرديد (164)
و او است كه گردانيد شما را خليفه‌ها در زمين و برترى داد بعضى شما را بالاى بعضى بمراتب تا بيازمايد شما را در آنچه دادتان بدرستى كه پروردگار تو زود عقوبت است و بدرستى كه او هر آينه آمرزنده مهربان است (165)

ترجمه قرآن 174
بنام خداوند بخشاينده مهربان
كتابى است فرو فرستاده شد بتو پس نبايد كه باشد در سينه تو تنگى از آن تا بترسانى بآن و پند دادنى است مر گروندگان را (2)
پيروى كنيد آنچه فرو فرستاده شد بشما از پروردگارتان و پيروى مكنيد از جز او دوستان را اندكى پند ميگيريد (3)
و بسا از قريه كه هلاک گردانيديم آن را پس آمد آن را عذاب ما شب هنگام يا بودند خفتگان بروز (4)
پس نبود در خواستشان وقتى كه آمد ايشان را عذاب ما مگر آنكه گفتند بدرستى كه ما بوديم ستمكاران (5)
پس هر آينه خواهيم پرسيد البتّه از آنان كه فرستاده شد بايشان و هر آينه بپرسيم البتّه از فرستادگان (6)
پس هر آينه خواهيم خواند بر ايشان بعلم و نيستيم ما غائبان (7)
و سنجيدن اعمال در آن روز حقّ است پس هر كه گران آمد سنجيدنهايش پس آنها ايشانند رستگاران
و هر كه سبک آيد سنجيدنهايش پس آنها آنانند كه زيان كردند بنفسهاى خود بسبب بودنشان كه بآيتهاى ما ستم ميكردند (9)
ترجمه قرآن، ص: 142
و بتحقق كه صاحب تصرّف كرديم شما را در زمين و گردانيديم از براى شما در آن مايهاى تعيّش اندكى شكر ميكنيد (10)
و به حقيقت آفريديم شما را پس شكل داديم شما را پس گفتيم مر فرشتگان را كه سجده كنيد مر آدم را پس سجده كردند مگر ابليس كه نبود از سجده كنندگان (11)
گفت چه چيز منع كرد ترا كه سجده نكنى آدم را چون امر كردم ترا گفت من بهترم از او آفريدى مرا از آتش نورانى و آفريدى او را از گل ظلمانى (12)
گفت پس فرو شو از آن پس نباشد مر ترا كه تكبّر كنى در آن پس بيرون رو بدرستى كه تو از ذليلانى (13)
گفت مهلت ده مرا تا روزى كه بر انگيخته ميشوند (14)
گفت بدرستى كه تو از مهلت دادگانى (15)
گفت پس بسبب اضلال كردن تو مرا هر آينه مى‌نشينم البتّه از براى ايشان براه تو كه راست است (16)
پس هر آينه ميآيم ايشان را از ميان دستهاشان و از پشت سرشان و از

راستشان و از چپهاشان و نخواهى يافت بيشترين ايشان را شكر كنندگان (17)
گفت بيرون رو از آن نكوهيده رانده شده هر آينه آنكه پيرو شد ترا از ايشان هر آينه پر سازم البته دوزخ را از شما همه (18)
و اى آدم ساكن شو تو و جفتت در بهشت پس بخوريد از هر جا كه خواسته باشيد و نزديک مشويد اين درخت را پس خواهيد شد از ستمكاران (19)
پس وسوسه كرد مر ايشان را شيطان تا ظاهر گرداند مر ايشان را آنچه پوشيده بود از ايشان از عورتهاشان و گفت نهى نكرد شما را پروردگارتان از اين درخت
ترجمه قرآن، ص: 143
مگر آنكه بشويد دو فرشته يا بشويد از جاودانيان (20)
و سوگند خورد از براى ايشان كه من مر شما را هر آينه از نيكخواهانم (21)
پس فرود آورد ايشان را بفريب پس چون چشيدند از آن درخت ظاهر گشت مر ايشان را عورتهاشان و در ايستادند كه ميچسبانيدند بر آن دو از برگ بهشت و ندا كرد ايشان را پروردگارشان كه آيا نهى نكردم شما را از اين درخت و نگفتم مر شما را بدرستى كه شيطان مر شما را دشمنى است آشكار (22)
گفتند پروردگار ما ستم كرديم بر نفسهامان و اگر نيامرزى تو ما را و نبخشى ما را هر آينه باشيم البتّه از زيانكاران (23)
گفت فرو شويد بعضى‌تان مر بعضى را دشمن و مر شما را است در زمين جاى قرارى و مايه تعيّشى تا وقتى (24)
گفت در آن زندگانى ميكنيد و در آن ميميريد و از آن بيرون آورده ميشويد (25)
اى فرزندان آدم بحقيقت فرو فرستاديم بر شما پوششى كه بپوشد عورتهاى شما را و اساس تجمّلى و اساس پرهيزكارى آن بهتر است آن از آيتهاى خدا است باشد كه ايشان پند گيرند (26)
اى فرزندان آدم نبايد كه بفريبد شما را شيطان هم چنان كه بيرون كرد والدين شما را از بهشت بر ميكشيد از آنها رختشان را تا بنمايد ايشان را عورتهاشان را بدرستى كه او مى‌بيند شما را او و لشكرش از جايى كه نمى‌بينيد ايشان را بدرستى كه ما گردانيديم شياطين را ياوران از براى آنها كه نميگروند (27)
و چون كنند كار بدى را گويند يافته‌ايم ما بر آن پدران خود را و خدا امر كرده ما را بآن بگو بدرستى كه خدا امر نميكند ببدى آيا مى‌گوييد
ترجمه قرآن، ص: 144
بر خدا آنچه نميدانيد (28)

بگو امر كرد پروردگار من بعدل و راست داريد رويهاتان را نزد هر مسجدى و بخوانيد او را خالص كنندگان از برايش دين را هم چنان كه نخست آفريد شما را عود خواهيد كرد (29)
گروهى را هدايت كرد و گروهى را چنان كرد كه ثابت كرد بر ايشان گمراهى را بدرستى كه ايشان گرفتند ديوان رجيم را دوستان از غير خدا و ميپندارند كه ايشانند هدايت يافتگان (30)
اى پسران آدم برداريد زينت‌تانرا نزد هر مسجدى و بخوريد و بياشاميد و اسراف مكنيد بدرستى كه او دوست ندار مسرفان را (31)
بگو كه حرام گردانيد زينت خدا را كه بيرون آورد براى بندگانش و پاكيزه‌ها از روزى بگو آن از براى آنها است كه گرويدند در زندگانى دنيا خالص روز قيامت همچنين تفصيل ميدهيم آيتها را از براى گروهى كه ميدانند (32)
بگو جز اين نيست كه حرام كرد پروردگارم زشتيها را آنچه ظاهر باشد از آن و آنچه باطن باشد و بدى را و ستم ناحقّ را و آنكه شرك آوريد بخدا ما دام كه فرو نفرستاده باشد بر آن حجّتى را و آنكه بگوئيد بر خدا آنچه را كه نميدانيد (33)
و از براى هر امّتى وقتى است پس چون بيايد وقتشان باز پس نميمانند ساعتى و نميتوانند پيشى گرفت (34)
اى پسران آدم چون بيايند شما را رسولان از شما خواهند خواند بر شما آيتهاى مرا پس آنكه پرهيزكارى كرد و شايسته شد پس نباشد بيمى بر ايشان و نه ايشان اندوهناك شوند (35)
و آنان كه تكذيب كردند آيتهاى مرا و سركشى كردند از آنها آن گروه اهل آتشند ايشان در آن جاودانيانند (36)
پس كيست ستمكارتر
ترجمه قرآن، ص: 145
از آنكه افترا كرد بر خدا دروغ را يا تكذيب كرد آيتهاى او را آن گروه ميرسد ايشان را بهره ايشان از آنچه نوشته شد براى ايشان تا وقتى كه آمد ايشان را فرستادگان ما كه جان ستانند ايشان را گويند كجايند آنچه بوديد ميخوانديد شما از غير خدا گويند گم شدند از ما و گواهى ميدهند بر خودهاشان كه ايشان بودند كافران (37)
گويد خدا داخل شويد در امّتانى كه بحقيقت گذشتند پيش از شما از پريان و آدميان در آتش هر گاه داخل شوند امّتى لعنت ميكنند همكيش خود را تا وقتى كه ملحق شوند بيكديگر در آن همه گويند آخرشان از براى اوّلشان پروردگار ما اينها گمراه كردند ما را پس بده ايشان را عذابى مضاعف از آتش گويد از براى هر يک دو چندانست و ليكن نميدانيد (38)
و گويند اوّلشان مر آخرشان را پس نيست شما را بر ما هيچ فضلى پس بچشيد عذاب را بسبب آنچه بوديد كسب ميكرديد (39)

بدرستی که آنان که تکذیب کردند آیتهای ما را و سرکشی کردند از آن گشوده نشود برای ایشان درهای آسمان و داخل نمیشوند بهشت را تا وقتی که در آید شتر نر در سوراخ سوزن و همچنین سزا دهیم گناهکاران را (40)
مر ایشان را است از دوزخ بستری و از بالاشان پوششها و همچنین سزا میدهیم ظالمان را (41)
و آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته تکلیف نمیفرمائیم نفسی را مگر باندازه طاقتش آن گروه اهل بهشتند ایشان در آن جاودانیانند (42)
و بیرون کشیدیم آنچه بود در سینه‌هاشان از کینه میرود از زیر ایشان نهرها و گویند ستایش مر خدایی را که هدایت کرد ما را
ترجمه قرآن، ص: 146
باین و نبودیم که هدایت یابیم اگر نه آن بود که هدایت کرده بود ما را خدا بتحقیق آمدند فرستادگان پروردگار ما بحقّ و ندا کرده شدند که اینست آن بهشتی که بمیراث داده شدید آن را بسبب آنچه بودید که میکردید (43)
و ندا کردند اهل بهشت اهل دوزخ را که بحقیقت یافتیم آنچه وعده کرد ما را پروردگار ما حقّ پس آیا یافتید شما آنچه وعده کرد پروردگارتان حقّ گفتند آری پس ندا کند ندا کننده میانشان که لعنت خدا بر ستمکاران (44)
آنان که باز میدارند از راه خدا و میخواهند آن را کژ و ایشان بآخرت کافرانند (45)
و میان آن دو تا حجابیست و بر اعراف مردانی اند که میشناسند همه را بعلامتشان و ندا کردند اهل بهشت که سلام بر شما داخل نشده بودند آن را و ایشان طمع میداشتند (46)
و چون گردانیده شود چشمهاشان بجانب اهل آتش گویند پروردگار ما مگردان ما را با گروه ستمکاران (47)
و ندا کردند اصحاب اعراف مردانی را که میشناختند ایشان را بعلامتشان گویند کفایت نکرد از شما جمع کردن مال و رجالتان و نه آنچه بودید که سرکشی میکردید (48)
آیا اینها کسانیند که سوگند میخوردید که نرساندشان خدا برحمتی داخل شوید بهشت را نیست ترسی بر شما و نه شما اندوهناک شوید (49)
و ندا خواهند کرد اهل آتش اهل بهشت را که بریزید بر ما از آب یا از آنچه روزی کرد شما را خدا گویند بدرستی که خدا حرام گردانید آن دو را بر ناگروندگان (50)
آنانی که
ترجمه قرآن، ص: 147
گرفتند دینشان را بهزل و بازیچه و فریفتشان زندگانی دنیا پس امروز فراموش میسازیمشان چنان که فراموش کردند ملاقات روزشان اینروز را

و بودنشان که بآیتهای ما انکار میورزیدند (51)
و بتحقیق دادیم ایشان را کتابی که تفصیل دادیم آن را بر علم هدایت و رحمت از برای گروهی که میگروند (52)
آیا انتظار میبرند مگر تأویلش را روزی که بیاید تاویلش خواهند گفت آنان که فراموش کردند آن را از پیش بتحقیق آمدند رسولان پروردگار ما بحقّ پس آیا باشد مر ما را از شفیعان پس شفاعت کنند از برای ما یا برگردانیده شویم بدنیا پس کنیم جز آنچه بودند میکردیم بحقیقت زیان کردند بنفسهاشان و گمشد از ایشان آنچه بودند افترا میکردند (53)
بدرستی که پروردگار شما خدایی است که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز پس مستوی شد بر عرش میپوشاند پرده شب روز را که میجوید آن را شتاب‌کنان و آفتاب و ماه و ستارگان را تسخیر شده‌ها بامر او آگاه باشید مر او را است آفرینش و فرمان بزرگست خدا پروردگار جهانیان (54)
بخوانید پروردگارتان را از راه خشوع و پنهانی بدرستی که او دوست ندارد از حدّ گذرندگانرا (55)
و فساد نکنید در زمین بعد از اصلاحش و بخوانید او را از راه بیم و امید بدرستی که رحمت خدا نزدیکست به نیکوکاران (56)
و او است که میفرستد بادها را بشارت دهندگان میان دو دست رحمتش تا چون بر دارد ابر گرانبار را برانیم آن را از برای بلدی مرده پس فرو فرستیم بآن آب را پس بیرون آوریم بان از همه
ترجمه قرآن، ص: 148
ثمرها همچنین بیرون میآوریم مردگان را باشد که شما پند گیرید (57)
و بلد پاکیزه بیرون میآید رستینهایش باذن پروردگارش و آنچه پلید شد بیرون نمیآید مگر اندک بیفایده همچنین میگردانیم آیتها را از برای گروهی که شکر میکنند (58)
بحقیقت فرستادیم نوح را بسوی قومش پس گفت ای قوم من بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدایی جز او بدرستی که من میترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ (59)
گفتند جمعی از قومش بدرستی که ما می‌بینیم ترا در گمراهی آشکار (60)
گفت ای قوم من نیست با من گمراهی و لیکن من رسولی‌ام از پروردگار جهانیان (61)
میرسانم شما را رسالتهای پروردگارم و پند میدهم شما را و میدانم از خدا آنچه را نمیدانید (62)
آیا عجب داشتید که آمد شما را ذکری از پروردگارتان بر مردی از شما تا بیم کند شما را و تا بپرهیزید و باشد که شما رحمت کرده شوید (63)
پس تکذیب کردند او را پس رهانیدیم او را و هر که با او بود در کشتی و

غرق کردیم آنان را که تکذیب کردند آیتهای ما را بدرستی که آنها بودند گروهی کوران (64)
و فرستادیم بقوم عاد برادرشان هود را گفت ای قوم من بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدایی جز او آیا پس نمیپرهیزید (65)
گفتند آن جماعت که کافر بودند از قومش بدرستی که هر آینه ما می‌بینیم ترا در کم خردی و بدرستی که ما هر آینه گمان میبریم ترا از دروغگویان (66)
گفت ای قوم نیست با من کم خردی و لیکن من رسولی‌ام از پروردگار جهانیان (67)
میرسانم شما را
ترجمه قرآن، ص: 149
رسالتهای پروردگارم و من شما را خیر خواه امینم (68)
آیا عجب داشتید که آمد شما را ذکری از پروردگارتان بر مردی از شما تا بترساند شما را و یاد کنید وقتی که گردانید شما را جانشینان از پس قوم نوح و افزود شما را در خلق زیادتی پس یاد کنید نعمتهای خدا را باشد که شما رستگار شوید (69)
گفتند آیا آمدی ما را از برای آنکه بپرستیم خدا را تنها و واگذاریم آنچه را بودند که میپرستیدند پدران ما پس بیاور بما آنچه وعده میدادی ما را اگر هستی از راستگویان (70)
گفت بتحقیق واقع شد بر شما از پروردگار شما عذابی و خشمی آیا مجادله میکنید با من در نامهایی که نام نهادید آنها را شما و پدرانتان فرو نفرستاده خدا بآن هیچ حجّتی پس منتظر باشید بدرستی که من با شما از منتظرانم (71)
پس رهانیدیم او را و آنان که با او بودند برحمتی از نزد ما و بریدیم دنباله آنان که تکذیب کردند آیتهای ما را و نبودند گروندگان (72)
و فرستادیم بثمود برادرشان صالح را گفت ای قوم من بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ الهی جز او بحقیقت آمد شما را حجّتی از پروردگارتان این ناقه خدا است مر شما را آیتی پس واگذاریدش که بخورد در زمین خدا و مسّ نکنیدش ببدی پس بگیرد شما را عذابی پر درد (73)
و یاد کنید هنگامی که گردانید شما را خلیفها از بعد عاد و جای دادتان در زمین که فرا میگیرید از جایهای نرمش قصرها و میتراشید از کوه‌ها خانه‌ها پس یاد کنید نعمتهای خدا را و بتباهکاری مشتابید
ترجمه قرآن، ص: 150
در زمین فساد کنندگان (74)
گفتند جمعی که سرکشی میکردند از قومش مر آنان را که ناتوان شمرده شده بودند مر آن را که گروید از ایشان آیا میدانید که صالح فرستاده شده

است از پروردگارش گفتند بدرستی که ما بآنچه فرستاده شده بآن گروندگانیم (75)
گفتند آنان که سرکشی کردند بدرستی که ما بآنچه گرویدید بآن کافرانیم (76)
پس پی کردند آن ناقه را و سرباز زدند از امر پروردگارشان و گفتند ای صالح بیاور بما آنچه وعده میدهی ما را اگر هستی از فرستادگان (77)
پس گرفتشان آوازی مهیب پس گشتند در خانه‌هاشان فرو مردگان (78)
پس روی گردان شد از ایشان و گفت ای قوم من بحقیقت رسانیدم بشما رسالت پروردگارم و پند دادم شما را و لیکن دوست نمیدارید پند دهندگان را (79)
و یاد کن لوط را هنگامی که گفت مر قومش را آیا میکنید کار زشت را پیشی نگرفته شما را بآن هیچیک از جهانیان (80)
بدرستی که شما هر آینه می‌آیید مردان را از روی شهوت از غیر زنان بلکه شمائید گروه اسراف کاران (81)
و نبود جواب قومش مگر آنکه گفتند بیرون کنید ایشان را از قریه خودتان که آنها مردمانی‌اند که پاک میشمارند خود را (82)
پس نجات دادیم او را و کسانش را مگر زنش را که بود از باقیماندگان بهلاکت (83)
و بارانیدیم بر ایشان بارانی پس بنگر چگونه بود انجام کار گناهکاران (84)
و فرستادیم بمدین برادرشان را شعیب گفت ای قوم من بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدایی جز او
ترجمه قرآن، ص: 151
بتحقیق آمد شما را بیّنه از پروردگارتان پس تمام کنید پیمانه و ترازو را و کم نکنید از مردم چیزهای ایشان را و فساد مکنید در زمین بعد از اصلاحش آن بهتر است مر شما را اگر هستید گروندگان (85)
و منشینید بهر راهی که بیم دهید و باز دارید از راه خدا کسی را که گروید بآن و خواهید او را کژ و یاد کنید هنگامی را که بودید اندک پس بسیار کرد شما را و بنگرید چگونه بود انجام فساد کنندگان (86)
و اگر باشد طایفه از شما که گرویده باشند بآنچه فرستاده شدم بآن و طایفه نگرویده باشند پس صبر کنید تا حکم کند خدا میان ما و او است بهترین حکم کنندگان (87)
گفتند آن جمعی که سرکشی کردند از قومش هر آینه بیرون کنیم ترا البتّه ای شعیب و آنان که گرویدند با تو از قریه ما یا اینکه باز میگروید بکیش ما گفت آیا اگر چه باشیم کراهت دارندگان (88)
بتحقیق بسته باشیم بر خدا دروغ را اگر باز گردیم در کیش شما پس از آنکه رهانید ما را خدا از آن و نسزد ما را که باز گردیم در آن مگر آنکه

بخواهد خدا پروردگار ما احاطه کرده پروردگار ما همه چیز را از روی علم بر خدا توکّل کردیم ما پروردگار ما حکم کن میانه ما و میانه قوم ما بحقّ و تویی بهترین حکم کنندگان (89)
و گفتند آن جمعی که کافر بودند از قومش اگر پیروی کردید شعیب را بدرستی که شما آن گاه هر آینه زیانکارانید (90)
پس گرفتشان آوازی مهیب پس گشتند در سر ایشان فرو مردگان (91)
آنان که تکذیب کردند
ترجمه قرآن، ص: 152
شعیب را گوئیا نبودند در آن آنان که تکذیب کردند شعیب را بودند ایشان زیانکاران (92)
پس رو گردانید از ایشان و گفت ای قوم من بحقیقت رسانیدم شما را پیغامهای پروردگارم و پند دادم شما را پس چگونه اندوه خوردم بر گروه کافران (93)
و نفرستادیم در قریه هیچ پیغمبری مگر که گرفتیم اهل آن را بسختی و رنجوری باشد که ایشان تضرّع کنند (94)
پس تبدیل کردیم بجای بدی خوبی را تا بسیار شدند و گفتند بحقیقت مسّ کرد پدران ما را رنجوری و راحت پس گرفتیم ایشان را ناگاه و ایشان نمیدانستند (95)
و اگر آنکه اهل قریه‌ها گرویده بودند و پرهیز کرده بودند هر آینه گشاده بودیم بر ایشان برکتها از آسمان و زمین و لیکن تکذیب کردند پس گرفتیم ایشان را بآنچه بودند کسب میکردند (96)
آیا پس ایمن شدند اهل آن قریه‌ها که آید ایشان را عذاب ما شب هنگام و آنها باشند خفتگان (97)
آیا ایمن شدند اهل آن قریه‌ها که آید ایشان را عذاب ما چاشتگاه و ایشان بازی میکنند (98)
آیا پس ایمن شدند از مکر خدا پس ایمن نمیشوند از مکر خدا مگر گروه زیانکاران (99)
آیا راه ننمود مر آنها را که بمیراث بردند زمین را پس از اهلش که اگر میخواستیم میگرفتیمشان بگناهانشان و مهر میزدیم بر دلهاشان پس ایشان نمی‌شنیدند (100)
این قریه‌ها میخوانیم بر تو از خبرهاشان و بتحقیق آمد ایشان را رسولانشان با معجزات پس نبودند که بگروند بآنچه تکذیب کرده بودند از پیش همچنین مهر میزند خدا بر دلهای کافران (101)
و
ترجمه قرآن، ص: 153
نیافتیم برای بیشترین ایشان هیچ عهدی و اگر چه یافتیم اکثر ایشان را هر

آینه نافرمانان (102)
پس برانگیختیم از پس ایشان موسی را بآیتهای ما بسوی فرعون و جماعتش پس ستم کردند بآن پس بنگر چگونه بود انجام کار فساد کنندگان (103)
و گفت موسی ای فرعون بدرستی که من رسولی‌ام از پروردگار جهانیان (104)
سزاوار بر آنکه نگویم بر خدا مگر حقّ بتحقیق آورده‌ام شما را بیّنه از پروردگارتان پس بفرست با من بنی اسرائیل را (105)
گفت اگر هستی تو که آمده بآیتی پس بیاور آن را اگر هستی از راستگویان (106)
پس انداخت عصای خود را پس آن گاه آن اژدهایی شد هویدا (107)
و بیرون کرد دستش را پس آن گاه آن نورانی بود مر نگرندگانرا (108)
گفتند جمعی از قوم فرعون بدرستی که این هر آینه جادوگریست دانا (109)
میخواهد که بیرون کند شما را از زمینتان پس چه میفرمائید (110)
گفتند باز دار او و برادرش را و بفرست در شهرها جمع آرندگان را (111)
که بیارند ترا هر جادوگر دانایی (112)
و آمدند ساحران فرعون را گفتند هر آینه باشد از برای ما مزدی اگر باشیم ما غالبان (113)
گفت آری و بدرستی که شما هر آینه از مقرّبانید (114)
گفتند ای موسی یا اینست که می‌اندازی و یا آنکه باشیم ما اندازندگان (115)
گفت بیندازید پس چون انداختند جادویی کردند چشمهای مردمان را و ترسانیدند ایشان را و آوردند سحری عظیم (116)
و وحی کردیم ما بموسی
ترجمه قرآن، ص: 154
که بینداز عصایت را پس همان دم آن فرو میبرد آنچه را مینمودند بدروغ (117)
پس ثابت شد حقّ و باطل شد آنچه بودند که میکردند (118)
پس مغلوب شدند آنجا و برگشتند خوارشدگان (119)
و افگنده شدند ساحران سجده کنندگان (120)
گفتند گرویدیم بپروردگار جهانیان (121)
پروردگار موسی و هارون (122)
گفت فرعون آیا ایمان آوردید باو پیش از آنکه دستوری و هم شما را بدرستی که این حیله بود که حیله کردید آن را در شهر تا بیرون کنید از آن اهلش را پس زود باشد که بدانید (123)

هر آینه خواهم برید دستهاتان و پاهاتان را از خلاف یکدیگر پس هر آینه بر دار خواهم کرد شما را همه (124)
گفتند که ما بپروردگارمان بازگشت کنندگانیم (125)
و بد نمیداری از ما مگر آنکه گرویدیم بآیتهای پروردگارمان چون آمد ما را پروردگار ما بر ریز بر ما شکیبایی و بمیران ما را مسلمانان (126)
و گفتند آن جمع از قوم فرعون آیا وامیگذاری موسی و قوم او را تا فساد بکنند در زمین و واگذارد ترا و الهان ترا گفت بزودی میکشیم پسران ایشان را و باقی میگذاریم زنانشان را و بدرستی که ما فوق ایشانیم غالبان (127)
گفت موسی مرقومش را یاری جویید بخدا و صبر کنید بدرستی که زمین مر خدا راست بمیراث میدهد آن را بهر که میخواهد از بندگانش و انجام کار از برای پرهیزکارانست (128)
گفتند رنجانیده شدیم پیش از آنکه بیایی ما را و از بعد آنکه آمدی ما را گفت شاید پروردگار شما که هلاک کند دشمن شما را و جانشین کند شما را در زمین پس خواهد دید که چگونه میکنید (129)
ترجمه قرآن، ص: 155
و بتحقیق گرفتیم آل فرعون را بقحط سالها و کمی از میوه‌ها باشد که ایشان پند گیرند (130)
پس چون میآمد ایشان را خوبی گفتند مر ما را است این و اگر میرسید ایشان را بدی شوم میگرفتند بموسی و کسی که بود با او آگاه باشید که منشأ شترشان نزد خدا است و لیکن اکثر ایشان نمیدانند (131)
و گفتند هر گاه بیاوری ما را بآن از آیتی تا سحر کنی ما را بآن پس نخواهیم بود مر ترا گروندگان (132)
پس فرستادیم بر ایشان طوفان و ملخ و کنه و غوک‌ها و خون آیتهای مفصّلها پس سرکشی کردند بودند گروهی گناهکاران (133)
و چون واقع شد بر ایشان آنعذاب گفتند ای موسی بخوان برای ما پروردگارت را بآنچه عهد کرد نزد تو اگر دفع کنی از ما عذاب را هر آینه بگرویم مر ترا و هر آینه فرستیم با تو بنی اسرائیل را (134)
پس چون دفع کردیم از ایشان عذاب را تا مدّتی که ایشان رسنده‌اند آن گاه آنها پیمان میشکنند (135)
پس انتقام کشیدیم از ایشان پس غرق کردیمشان در دریا بآنکه ایشان تکذیب کردند آیتهای ما را و بودند از آنها بیخبران (136)
و بمیراث دادیم ما گروهی را که بودند که ضعیف شمرده شده بودند در مشرقهای زمین و مغربهایش که برکت پدید آوردیم در آن و تمام شد کلمه پروردگارت که خوبست بر بنی اسرائیل بسبب صبر کردنشان و خراب کردیم آنچه بودند که میساختند فرعون و قومش و آنچه را که بودند بر

میافراشتند (137)
و در گذرانیدیم بنی
ترجمه قرآن، ص: 156
اسرائیل را از دریا پس گذشتند بر جمعی که پاس پرستش میداشتند بر بتانی که مر ایشان را بود گفتند ای موسی بگردان از برای ما الهی هم چنان که مر ایشان را است الهان گفت بدرستی که شما گروهی نادانانید (138)
بدرستی که آنها تباه گردانیده شد آنچه آنها در آنند و باطل است آنچه هستند که میکنند (139)
گفت آیا غیر خدا بجویم برای شما الهی و او افزونی داد شما را بر جهانیان (140)
و هنگامی که رهانیدیم شما را از آل فرعون که عذاب میکردند شما را بدترین عذاب میکشتند پسران شما را و زنده میگذاشتند زنان شما را و در آن بلائی بود از پروردگارتان بزرگ (141)
و وعده دادیم موسی را سی شب و تمام گردانیدیم آن را بده پس تمام شد وقت مقرّر پروردگارش چهل شب و گفت موسی مر برادرش هارون که جانشین شو مرا در قومم و اصلاح کن و پیروی مکن راه فساد کنندگان را (142)
و چون آمد موسی بوقت مقرّر ما و سخن کرد با او پروردگارش گفت ای پروردگار من بنما مرا که بنگرم بتو گفت هرگز نخواهی دید مرا و لیکن بنگر بکوه پس اگر قرار کرد در جایش پس زود باشد که ببینی مرا پس چون تجلّی کرد پروردگارش مر کوه را گردانید آن را ریزه ریزه و برو در افتاد موسی بیهوش پس چون بهوش آمد گفت دانم پاک بودنت را بازگشتم بسوی تو و من اوّل گروندگانم (143)
گفت ای موسی بدرستی که من برگزیدم ترا بر مردمان برسالتهایم و بکلامم پس بگیر آنچه دادم ترا و باش از شکرگزاران (144)
و نوشتیم برای او در
ترجمه قرآن، ص: 157
لوحهای تورية از هر چیز پندی و بیانی از برای همه چیز پس بگیر آن را بجدّ و جهد و امر کن قومت را که اخذ کنند با حسنش زود باشد بنمایم شما را سرای فاسقان (145)
بزودی میگردانم از آیتهایم آنان را که کبر میورزند در زمین بناحقّ و اگر بینند هر آیتی را نمیگروند بآن و اگر بینند راه حقّی را نمیگیرند آن را راه و اگر بینند طریق باطلی را میگیرندش راه آن باین است که ایشان تکذیب کردند آیتهای ما را و بودند از آنها غافلان (146)
و آنان که تکذیب کردند آیتهای ما را و رسیدن جزای آخرت را نابود شد

کردارشان آیا جزا داده میشوند مگر آنچه را بودند که میکردند (147)
و گرفتند قوم موسی از بعدش از زیورهاشان گوساله تنی را که مر او را بود آوازی مانند گاو آیا نمیدیدند که او نه سخن میکند ایشان را و نه مینماید ایشان را راهی گرفتند آن را و بودند ستمکاران (148)
و چون افکنده شد در دستهاشان و دیدند که ایشان بحقیقت گمراه شدند گفتند هر آینه اگر رحمت نکند ما را پروردگار ما و نیامرزد ما را هر آینه باشیم البتّه از زیانکاران (149)
و چون بازگشت موسی بسوی قومش خشمگین اندوهناک گفت بد از جانشینی که گردید مرا از بعد من آیا پیشی گرفتید امر پروردگارتان را و افگند لوحها را و گرفت سر برادرش را که میکشیدش بخود گفت هارون ای پسر مادرم بدرستی که قوم ضعیف شمردند مرا و نزدیک بودند که بکشند مرا پس شاد مگردان بمن دشمنان را و مگردان مرا با گروه ستمکاران (150)
گفت پروردگار من بیامرز مرا و برادرم را و داخل گردان ما را در رحمت خود و تویی
ترجمه قرآن، ص: 158
رحمت کننده رحمت کنندگان (151)
بدرستی که آنان که گرفتند گوساله را زود باشد که رسد ایشان را خشمی از پروردگارشان و خواری در زندگانی دنیا و همچنین جزا دهیم افترا کنندگان را (152)
و آنان که کردند کارهای بد را پس توبه کردند از بعدش و گرویدند بدرستی که پروردگارت پس از آن هر آینه آمرزنده و مهربانست (153)
و چون ساکن شد از موسی خشم گرفت لوحها را و در نوشته آنها بود هدایت و رحمت از برای آنان که ایشان از پروردگارشان میترسیدند (154)
و برگزید موسی از قومش هفتاد مرد برای میقات ما پس چون گرفتشان صاعقه گفت ای پروردگارم اگر میخواستی هلاک میکردی ایشان را از پیش و مرا هم آیا هلاک میکنی ما را بآنچه کردند کم خردان از ما نیست آن مگر بلای تو اضلال میکنی بآن کسی را که میخواهی و راه نمایی کسی را که میخواهی تویی صاحب اختیار ما پس بیامرز ما را و رحمت کن ما را و تویی بهترین آمرزندگان (155)
و بنویس برای ما در این دنیا خوبی و در آخرت بدرستی که ما باز گردیدیم بتو گفت عذابم میرسانم آن را بهر که میخواهم و رحمتم فرا گرفته همه چیز را پس بزودی مینویسم آن را از برای آنان که میپرهیزند و میدهند زكاة را و آنان که ایشان بآیتهای ما میگروند (156)
آنان که پیروی میکنند آن رسولی را که نبیّ امّیست که مییابند او را نوشته شده نزد ایشان در تورية و انجیل میفرمایدشان بکارهای پسندیده و باز

میداردشان از ناپسندیده و حلال میکند برای ایشان پاکیزه‌ها را

و حرام میکند برای ایشان پلیدها را و فرو مینهد از ایشان بار گرانشان را و آن تکالیف شاقّه که بود بر ایشان پس آنان که گرویدند باو و تعظیم کردند او را و یاری کردند او را و پیروی کردند آن نوری را که فرو فرستاده شد با او آن گروه ایشانند رستگاران (157)
بگو ای مردمان بدرستی که من رسول خدایم بشما همه آن خدایی که مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدایی مگر او زنده میکند و میمیراند پس بگروید بخدا و رسولش ان پیغمبر منسوب بامّ القری که میگرود بخدا و و کلماتش و پیروی کنید او را باشد که شما هدایت یابید (158)
و از قوم موسی امّتی باشند که هدایت میکنند بحقّ و بآن عدالت میکنند (159)
و جدا جدا کردیم ایشان را دوازده سبط امّتها و وحی کردیم بموسی چون آب خواستند از او قومش که بزن بعصایت آن سنگ را پس روان شد از آن دوازده چشمه بدرستی که دانستند هر مردم آبخورشان را و سایبان کردیم بر ایشان ابر را و فرو فرستادیم بر ایشان منّ و سلوی را بخورید از پاکیزه‌های آنچه روزی کردیم شما را و ستم نکردند بر ما و لیکن بودند که بخودهاشان ستم میکردند (160)
و هنگامی که گفته شد مر ایشان را ساکن شوید در این قریه و بخورید از آن هر جا که بخواهید و بگوئید فرو نه از ما بار گناهان ما را و داخل شوید در راه سجده‌کنان میآمرزیم برای شما گناهان شما را زود باشد که افزائیم اجر نیکوکاران را (161)
پس بدل کردند آنان که ستم کردند از ایشان گفتاری غیر آنچه گفته شد مر ایشان را پس فرستادیم

بر ایشان عذابی از آسمان بسبب بودنشان که ستم کردند (162)
و بپرس ایشان را از آن قریه که بود نزدیک دریا هنگامی که تعدّی میکردند در شنبه چون میآمدند ماهیهاشان روز شنبه ایشان ظاهر بر روی آب و روزی که شنبه نمیداشتند نمیآمدند ایشان را همچنین می‌آموزیدمشان بآنچه بودند که نافرمانی میکردند (163)
و چون گفتند جمعی از ایشان که چرا پند میدهید گروهی را که خدا هلاک کننده ایشانست یا عذاب کننده ایشانست عذابی سخت گفتند عذر خواستی بسوی پروردگار شما و باشد که ایشان بپرهیزند (164)
پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بآن رهانیدیم آنان را که نهی میکردند از آن بدی و گرفتیم آنان را که ستم کردند بعذابی سخت بسبب

بودنشان که فسق میکردند (165)
پس چون سرباز زدند از آنچه نهی شدند از آن گفتیم مر ایشان را بشوید بوزینهای راندگان (166)
و هنگامی که اعلام نمود پروردگارت که هر آینه بر میانگیزاند و بر ایشان تا روز قیامت کسی که عذاب کند ایشان را بد عذابی بدرستی که پروردگار تو هر آینه زود عقوبتست و بدرستی که او هر آینه آمرزنده مهربان است (167)
و جدا جدا کردیم ایشان را در زمین امّتها بعضیشان باشند شایستگان و بعضی ایشان غیر آن و آزمودیم ایشان را براحتها و رنجها باشد که ایشان باز گردند (168)
پس ماندند از بعد ایشان خلفهایی که بمیراث گرفتند کتاب را میگیرند متاع این ادنی را و میگویند بزودی میآمرزند ما را و اگر آید ایشان را متاعی مانند آن میگیرند آن را آیا گرفته نشد بر ایشان
ترجمه قرآن، ص: 161
پیمان کتاب که نگویند بر خدا مگر حقّ و خواندهاند آنچه در آنست و سرای آخرت بهتر است از برای آنان که میپرهیزند آیا پس در نمییابند (169)
و آنان که تمسّک میجویند بکتاب و برپا داشتند نماز را بدرستی که ما ضایع نسازیم مزد مصلحان را (170)
و هنگامی که بلند کردیم کوه را بر زبر ایشان گویا که آن سایبانی بود و گمان بردند که آن فرود آیند است بآنها بگیرید آنچه دادیم شما را بقوّت و یاد کنید آنچه در آنست باشد که شما پرهیز کنید (171)
و هنگامی که گرفت پروردگار تو از بنی آدم از پشتهای ایشان فرزندانشان و گواه گرفت ایشان را بر خودهاشان آیا نیستم من پروردگار شما گفتند آری گواه شدیم مبادا بگوئید روز قیامت بدرستی که بودیم از این بیخبران (172)
یا بگوئید جز این نیست شرک آوردند پدران ما از پیش و بودیم فرزندان از بعد ایشان آیا پس هلاک میسازی ما را بآنچه کردند تباهکاران (173)
و همچنین تفصیل میدهیم آیتها را و باشد که ایشان بازگشت کنند (174)
و بخوان بر ایشان خبر آن کسی که دادیم او را آیتهامان پس بیرون آمد از آنها پس از پی رفت او را شیطان پس شد از گمراهان (175)
و اگر میخواستیم هر آینه برتری میدادیم او را بانها و لیکن او اقامت کرد بر زمین و پیروی کرد خواهش او را پس مثل او چون مثل سگ است اگر حمله میکنی بر او زبان از دهن بیرون میآورد یا وا میگذاریش زبان از دهن بیرون میآورد آن مثل گروهی است که تکذیب کردند آیتهای ما را پس بخوان قصّهها را باشد که ایشان اندیشه کنند (176)
ترجمه قرآن، ص: 162

بدند در مثل آن گروهى كه تكذيب كردند آيتهاى ما را و بر خودهاشان بودند كه ستم ميكردند (177)
كسى را كه راه نمايد خدا پس او است راه يافته و كسى را كه اضلال كند پس آن گروه ايشانند زيانكاران (178)
و بحقيقت آفريديم براى دوزخ بسيارى را از جنّيان و آدميان كه مر ايشان را است دلهايى كه نميبابند بآنها و مر ايشان را است چشمها كه نمى‌بينند بآنها و مر ايشان را است گوشها كه نميشنوند بآنها آنها چون چهار پايانند بلكه ايشان گمراه‌ترند آن كرده ايشانند بيخبران (179)
و مر خدا راست نامهاى نيكو پس بخوانيدش بآنها و واگذاريد آنها را كه ميل بباطل مينمايند در نامهاى او بزودى جزا داده ميشوند آنچه را بودند كه ميكردند (180)
و از آنان كه آفريديم جماعتى باشد كه هدايت يابند بحقّ و بآن عدالت ميكنند (181)
و آنان كه تكذيب كردند آيتهاى ما را بزودى در نورديم مرتبه مرتبه ايشان را از آنجا كه ندانند (182)
و مهلت ميدهم مر ايشان را بدرستى كه گرفتن من سخت است (183)
آيا انديشه نميكنند كه نيست صاحبشان را هيچ جنونى نيست او مگر بيم كننده آشكار (184)
آيا نمى‌نگرند در عجايب آسمانها و زمين و آنچه را آفريده است خدا از چيزى و در آنكه شايد كه باشد بحقيقت نزديک شده باشد اجلشان پس بكدام سخن پس از آن ايمان خواهند اورد (185)
هر كه را اضلال كرد خدا پس نيست هدايت كننده مر او را و واميگذارد ايشان را در زياده رويشان كه حيران ميباشند (186)
ميپرسند ترا از قيامت كه كى خواهد بود وقوعش بگو نيست دانش آن مگر نزد پروردگارم ظاهر نميكند آن را در وقتش مگر او گران آمد در آسمانها و
ترجمه قرآن، ص: 163
زمين نميآيد شما را مگر ناگاه ميپرسند از تو كه گويا تو دانايى از راه بسيار پرسيدن از آن بگو نيست علم او مگر نزد خدا و ليكن بيشترين مردمان نميدانند (187)
بگو مالک نيستم من از براى خود سودى و نه زيانى را مگر آنچه خواسته باشد خدا و اگر بودم كه ميدانستم غيب را هر آينه بسيار گردانيده بودم از خير و مسّ نكرده بود مرا بدى نيستم من مگر بيم كننده و مژده دهنده براى قومى كه ميكردند (188)
اوست كه آفريد شما را از نفس واحد و گردانيد از آن جفتش را تا آرام گيرد باو پس چون در بر گرفت آن را برداشت بارى سبک پس مستمرّ بود بآن پس چون گرانبار شد خواندند خداى پروردگارشان را كه اگر دهى ما را

شایسته فرزندی هر آینه خواهیم بود از شکر گزاران (189)
پس چون داد ایشان را فرزندی شایسته گردانیدند مر او را انبازان در آنچه داد ایشان را پس برتر است خدا از آنچه شریک میدانند (190)
آیا شریک میگردانند آنچه را که نمیتواند آفرید چیزی را و آنها آفریده میشوند (191)
و نمیتوانند مر ایشان را یاری کردنی و نه خودهاشان را یاری میتوانند کرد (192)
و اگر بخوانید ایشان را بسوی هدایت پیروی نمیکنند شما را یکسان است بر شما خواه بخوانید ایشان را یا شما خاموشان باشید (193)
بدرستی که آنان که میخوانید از جز خدا بندگانیند مانند شما پس بخوانید ایشان را پس باید اجابت کنند شما را اگر هستید راستگویان (194)
آیا ایشان را پایها نیست راه میروند بآن یا مر ایشان را است دستهایی که بگیرند بآنها یا مرا ایشان را است چشمهایی که به بینند بآنها یا مر ایشان را است گوشهایی که بشنوند بآنها
ترجمه قرآن، ص: 164
بگو بخوانید انبازتان را پس مکر کنید با من پس مهلت مدهید مرا (195)
بدرستی که یاور من خدایی است که فرو فرستاد آن کتاب را و او است که یاری میکند شایستگان را (196)
و آنان که میخوانند از غیر او نمیتوانند یاری کردن شما را و نه خودهاشان را یاری توانند کرد (197)
و اگر بخوانید ایشان را بسوی هدایت نمی‌شنوند و می‌بینی ایشان را که مینگرند بسوی تو و ایشان نمی‌بینند (198)
بگیر عفو را و امر کن بشایسته و روی بگردان از نادانان (199)
و اگر از جای در آرد تو را از شیطان وسوسه پس پناه‌گیر بخدا بدرستی که او شنوای دانا است (200)
بدرستی که آنان که پرهیزکار شدند چون مسّ کند ایشان را وسوسه از دیو رجیم پند گیرند پس آن گاه ایشان بینایانند (201)
و برادرانشان میکشانند ایشان را در گمراهی پس کوتاهی نمیکنند (202)
و چون نیاری بایشان آیتی گویند چرا اختیار نکردی آن را بگو پیروی میکنم مگر آنچه وحی میشود بمن از پروردگارم این دلیلهای بینش بخش است از پروردگارتان و هدایت و رحمت از برای گروهی که میگردند (203)
و چون خوانده شود قرآن پس گوش باز دارید مر آن را و خاموش باشید شاید که شما را رحمت کنند (204)
و یاد کن پروردگار ترا در نفست از روی زاری و نهانی و غیر بلندی از گفتار بامداد و شبانگاه و مباش از بیخبران (205)
بدرستی که آنان که نزد پروردگار تواند سر نمیکشند از پرستش او و

تسبيح ميكنند او را و مر او را سجده ميكنند (206)
ترجمه قرآن، ص: 165

سورة الأنفال ستّ و سبعون آیة و هی نزلت بالمدینة

بنام خداوند بخشاینده مهربان
میپرسند ترا از غنایم دار الحرب بگو انفال مر خدا را است و رسول را پس بپرهیزید از خدا و اصلاح کنید میانتان را و اطاعت کنید خدا و رسولش را اگر هستید گروندگان (1)
جز این نیست گروندگان آنانند که چون یاد کرده شود خدا بترسد دلهای ایشان و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای او بیفزاید ایشان را در ایمان و بر پروردگارشان توکّل میکنند (2)
آنان که بر پا میدارند نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشان را انفاق میکنند (3)
آن گروه ایشانند گروندگان براستی مر ایشان را است مرتبه‌ها نزد پروردگارشان و آمرزش و روزی خوب (4)
هم چنان که بیرون آورد پروردگارت از خانه‌ات براستی و بدرستی که پاره از گروندگان هر آینه کراهت دارندگانند (5)
مجادله میکنند ترا در حقّ پس از آنچه ظاهر شده بود گویا رانده میشوند بسوی مرگ و ایشان می‌بینند (6)
و هنگامی که وعده میداد شما را خدا بیکی از دو طایفه که آنها مر شما را است و دوست میداشتید که غیر صاحب شوکت بوده باشد مر شما را و میخواست خدا که ثابت گرداند حقّ را با سخنانش و ببرد دنباله کافران را (7)
تا ثابت گرداند حقّ را و ناچیز گرداند باطل را و اگر چه کاره بودند گناهکاران (8)
وقتی که استغاثه نمودید
ترجمه قرآن، ص: 166
پروردگارتان را پس اجابت کرد مر شما را که من زیاد کننده‌ام شما را بهزاری از ملائکه از پی هم در آیندگان (9)
و نگردانید آن را خدا مگر مژده و برای آنکه بیارامد بآن دلهای شما و نیست یاری مگر از نزد خدا بدرستی که خدا غالب درست کردار است (10)
وقتی که عارض شد شما را پیسنکی برای ایمنی از او و فرو میفرستد بر شما از آسمان آبی تا پاک سازد شما را بآن و ببرد از شما وسوسه شیطان و تا ببندد بر دلهای شما و ثابت گرداند بآن قدمها را (11)
هنگامی که وحی میکرد پروردگارت بملائکه که من با شمایم پس استواری دهید آنان را که گرویدند زود باشد که اندازیم در دلهای آنان که کافر شدند

ترس را پس بزنید بر زبر گردنها و بزنید از ایشان همه انگشتان را (12)
این بسبب آنست که مخالفت کردند خدا و رسولش را و هر که مخالفت کند خدا و رسولش را پس بدرستی که خدا سخت عقوبتست (13)
این است پس بچشید آن را و بدرستی که کافرانراست عذاب آتش (14)
ای آن کسانی که گرویدید چون ملاقات کنید آنان را که کافر شدند بانبوه پس مگردانید بایشان پشتها را (15)
و هر که بگرداند بایشان در آن روز پشت خود را مگر کناری رفته باشد برای قتال یا برای جای گرفتن در میان گروهی از مقاتلین پس بر خود گرفته است خشم خدا را و جایگاه او دوزخست و بد مرجعی است (16)
پس نکشید ایشان را و لیکن خدا کشت ایشان را و نینداختی تو چون انداختی مشت خاک را و لیکن خدا انداخت و تا نعمت دهد مؤمنانرا از خود نعمتی خوب بدرستی که خدا

شنوای دانا است (17)
این است و بدرستی که خدا است سست کننده مکر کافران (18)
اگر فتح میخواستید پس بتحقیق آمد شما را فتح و اگر باز ایستید پس آن بهتر است مر شما را و اگر بازگشت میکنید بازگشت میکنم و هرگز کفایت نمیکند از شما جماعت شما چیزی را و اگر چه بسیار شد و بدرستی که خدا با گروندگان است (19)
ای آن کسانی که گرویدید فرمان برید خدا و رسولش را و بر مگردید از او و شما میشنوید (20)
و مباشید مانند آنان که گفتند شنیدیم و ایشان نشنیدند (21)
بدرستی که بدترین جنبندگان نزد خدا کران گنگانند که نمییابند بعقل (22)
و اگر دانسته بود خدا در ایشان خیری هر آینه شنوانیده بود ایشان را و اگر شنوانیده بودشان هر آینه روی گردانیده بودند و آنها روی گردانندگان بودند (23)
ای آن کسانی که گرویدید اجابت کنید مر خدا و مر رسول را چون بخواند شما را برای آنچه زنده کند شما را و بدانید که خدا حایل میشود میانه مرد و دل او و بدرستی که او است که بسوی او محشور میشوید (24)
و بترسید از فتنه که نرسد آنان را که ستم کردند از شما تنها و بدانید که خدا سخت عقوبتست (25)
و یاد کنید هنگامی که شما بودید اندک ناتوان شمردگان در زمین میترسیدید که بربایند شما را مردمان پس جای داد شما را و تقویت کرد شما را بنصرتش و روزی کردتان از پاکیزه‌ها باشد که شما شکر کنید (26)
ای آن کسانی که گرویدید خیانت مکنید با خدا و رسول و

خیانت مکنید امانتهاتان را و شما میدانید (27)
و بدانید که جز این نیست مالهاتان و اولادتان بلا است و بدرستی که خدا نزدش اجری عظیم است (28)
ای آن کسانی که گرویدید اگر بپرهیزید از خدا میگرداند برای شما تمیزی و در میگذراند از شما گناهان شما را و میآمرزد شما را و خدا صاحب فضلی است بزرگ (29)
و هنگامی که مکر میکردند بتو آنانی که کافر شدند که حبس کنند ترا یا بکشندت یا بیرون کنندت و مکر میکردند و مکر میکرد خدا و خدا بهترین مکر کنندگانست (30)
و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای ما گویند بحقیقت شنیدیم اگر میخواستیم هر آینه میگفتیم مانند این را نیست این مگر افسانهای پیشینیان (31)
و هنگامی که گفتند بار خدایا اگر باشد این آن که حقّ است از نزد تو پس بباران بر ما سنگها از آسمان یا بیاور بما عذابی دردناک (32)
و نباشد خدا که عذاب کند ایشان را و تو در ایشانی و نباشد خدا عذاب کننده ایشان و ایشان استغفار میکنند (33)
و چیست ایشان را که عذاب نکند ایشان را خدا و ایشان باز میدارند از مسجد الحرام و نباشند صاحبان مسجد نیستند صاحبان آن مگر پرهیزکاران و لیکن بیشترین ایشان نمیدانند (34)
و نباشد نمازشان نزد آن خانه مگر صفیری و دست زدنی پس بچشید عذاب را بسبب بودنتان که کافر میشدید (35)
بدرستی که آنان که کافر شدند
ترجمه قرآن، ص: 169
انفاق میکنند مالهای خود را تا باز دارند از راه خدا پس بزودی صرف میکنند آنها را پس خواهد بود بر ایشان حسرتی پس مغلوب میشوند و آنها که کافر شدند بدوزخ محشور میشوند (36)
تا جدا سازد خدا ناپاک را از پاک و بگرداند ناپاک را بعضیش بر بعضی پس بر سر هم جمع کند آنها را همه پس بگرداند آن را در دوزخ آن کرده ایشانند زیانکاران (37)
بگو مر آنان را که کافر شدند اگر باز میایستند میآمرزد مر ایشان را آنچه بتحقیق گذشت و اگر برگردند پس بحقیقت گذشت طریقه پیشینیان (38)
و کارزار کنید با ایشان تا نباشد فتنه و باشد دین همه آن از برای خدا پس اگر باز ایستند پس بدرستی که خدا بآنچه میکنند بینا است (39)
و اگر اعراض کنند پس بدانید بدرستی که خدا مولای شما است خوب مولائیست و خوب ناصریست (40)
و بدانید که آنچه غنیمت گرفتید از چیزی پس بدرستی که از برای خدا

است پنجیکش و از برای رسول و از برای صاحب قرابت و یتیمان و درماندگان و راه گذریان محتاج اگر هستید ایمان آورده‌اید بخدا و آنچه فرو فرستادیم ما بر بنده خود روز تمیز روزی که بهمرسیدند آن دو جماعت و خدا بر همه چیز توانا است (41)
هنگامی که شما بود در کناره نزدیکتر و ایشان بودند بکناره دورتر و سواران قافله پایین تر بودند از شما و اگر وعده کرده بودید هر آینه خلاف کردید در وعده و لیکن تا بفعل آورد خدا کاری را که میبایست کرده شود تا آنکه هلاک شود کسی که هلاک شد از
ترجمه قرآن، ص: 170
روی دلیل و حجّت و زنده شود کسی که زنده شد از روی دلیل و بدرستی که خدا هر آینه شنوای دانا است (42)
هنگامی که نمود بتو ایشان را خدا در خوابت اندک و اگر نموده بود ایشان را بتو بسیار هر آینه سستی کرده بودید و نزاع کرده بودید در آن امر و لیکن خدا بسلامت داشت بدرستی که او دانا است بذات سینه‌ها (43)
و هنگامی که نمود بشما ایشان را چون بهمرسیدید در چشمهای شما اندک و گردانید اندک شما را در چشمهای ایشان تا بفعل آورد خدا کاری را که بود کرده شده و بخدا برگردانیده میشود امرها (44)
ای آن کسانی که ایمان آوردید چون ملاقات کنید گروهی را پس پای دارید و یاد کنید خدا را بسیار باشد که شما رستگار شوید (45)
و فرمان برید خدا را و رسولش را و نه نزاع کنید پس سستی خواهید کرد و خواهد رفت دولت شما و صبر کنید بدرستی که خدا با صبر کنندگانست (46)
و مباشید چون آنان که بیرون آمدند از دیارشان بشادی تمام و وا نمود مردمان و منع میکردند از راه خدا و خدا بآنچه میکنند فرا رسنده است (47)
و هنگامی که بیاراست مر ایشان را دیو رجیم کردارشان را و گفت نیست غلبه کننده مر شما را امروز از مردمان و بدرستی که من پناه دهنده‌ام شما را پس چون نمودار شدند آن دو فوج برگشت بر دو پاشنه‌اش و گفت بدرستی که من بیزارم از شما بدرستی که من می‌بینم آنچه را نمی‌بینید بدرستی که من میترسم از خدا و خدا سخت عقوبتست (48)
هنگامی که میگفتند دو رویان و آنان که در دلهای ایشان بود بیماری که بفریفته اینها را دین ایشان و هر که توکل میکند بر خدا
ترجمه قرآن، ص: 171
پس بدرستی که خدا غالب درستکار است (49)
و اگر میدیدی هنگامی را که میمیرانیدند آنان را که کافر شدند ملائکه میزدند بر رویهاشان و پشتهاشان و بچشید عذاب سوزان (50)

آن بسبب آن چیزیست که پیش فرستاد دوستهای شما و بدرستی که خدا نیست بیداد کننده مر بندگان را (51)
چون شیوه فرعونیان و آنان که بودند پیش از ایشان کافر شدند بآیتهای خدا پس گرفت ایشان را خدا بگناهانشان بدرستی که خدا نیرومند سخت عقوبتست (52)
آن باین است که خدا نباشد تغییر دهنده نعمتی را که احسان کرد آن را بر جمعی تا آنکه تغییر دهند آنچه را باشد در نفسهاشان و بدرستی که خدا شنوای دانا است (53)
چون شیوه فرعونیان و آنان که بودند پیش از ایشان تکذیب کردند آیتهای پروردگارشان را پس هلاک کردیمشان بگناهانشان و غرق کردیم فرعونیان را و همه بودند ستمکاران (54)
بدرستی که بدترین جنبندگان نزد خدا آنانند که کافر شدند پس ایشان ایمان نمیآورند (55)
آنان که پیمان گرفتی از ایشان پس میشکنند پیمان خود را در هر بار و ایشان نمیپرهیزند (56)
پس اگر دریابی ایشان را در حرب پس پراکنده ساز بایشان کسی را که باشد از پس آنها باشد که ایشان پند گیرند (57)
و اگر بترسی البتّه از جمعی خیانتی پس بینداز بسوی ایشان بر یکسانی بدرستی که خدا دوست نمیدارد خیانتکاران را (58)
و مپندارید البتّه آنان که کافر شدند که پیشی گرفتند بدرستی که ایشان عاجز نمیکنند (59)
و آماده سازید
ترجمه قرآن، ص: 172
برای ایشان آنچه بتوانید از اسباب توانایی و از بستن اسبان که بترسانید بآن دشمن خدا و دشمنتان را و دیگران از غیر ایشان نمیدانید ایشان را خدا میداند ایشان را و آنچه انفاق میکنید از چیزی در راه خدا تمام داده میشود بشما و شما ستمکرده نشوید (60)
و اگر میل کردند مر صلح را پس میل کن مر آن را و توکل کن بر خدا بدرستی که او است شنوای دانا (61)
و اگر بخواهند که مکر کنند با تو پس بدرستی که کافیست ترا خدا او است که تقویت کرد ترا بنصرتش و بگروندگان (62)
و الفت داد میان دلهاشان اگر صرف میکردی آنچه در زمین است همه الفت نمی‌افکندی میان دلهاشان و لیکن خدا الفت افکند میانشان بدرستی که او است غالب درست کردار (63)
ای پیغمبر بس است ترا خدا و آنکه پیروی کرد ترا از مؤمنین (64)
ای پیغمبر ترغیب کن مؤمنانرا بر کارزار اگر بوده باشد از شما بیست صبر

کنندگان غالب شوند بر دویست و اگر باشد از شما صد غالب شوند بهزار از آنان که کافر شدند بسبب آنکه آنها گروهی‌اند که نمیفهمند (65)
اکنون تخفیف داد خدا از شما و دانست که در شما ناتوانی است پس اگر باشد از شما صد صبر کننده غالب میشوند بر دویست و اگر بوده باشد از شما هزار غالب میشوند بر دو هزار بدستوری خدا و خدا با صبر کنندگانست (66)
نسزد مر پیغمبری را که باشد مر او را اسیران تا آنکه کشش بسیار کند در زمین میخواهند
ترجمه قرآن، ص: 173
متاع دنیا را و خدا میخواهد آخرت را و خدا غالب درست کردار است (67)
اگر نبود نوشته از خدا که پیشی گرفته بود هر آینه مسّ کرده بود شما را در آنچه گرفتید عذابی بزرگ (68)
پس بخورید از آنچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه و بپرهیزید از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است (69)
ای پیغمبر بگو مر آن کسانی را که در دستهای شمایند از اسیران اگر داند خدا در دلهای شما خیری را بدهد شما را بهتر از آنچه گرفته شد از شما و میآمرزد شما را و خدا آمرزنده مهربانست (70)
و اگر اراده کنند خیانت با تو پس بتحقیق خیانت کردند خدا را از پیش پس توانایی داد بر ایشان و خدا دانای درست کردار است (71)
بدرستی که آنان که گرویدند و هجرت کردند و جهاد کردند بمالهاشان و جانهاشان در راه خدا و آنان که جای دادند و یاری کردند آنها بعضیشان دوستان بعضی‌اند و آنان که گرویدند و هجرت نکردند نیست شما را از دوستی ایشان هیچ چیز تا هجرت کنند و اگر بیاری طلبند شما را در دین پس بر شما است یاری کردن مگر بر جمعی که میانه شما و میانه ایشان پیمانی است و خدا بآنچه میکنید بینا است (72)
و آنان که کافر شدند بعضی از ایشان دوستان بعضی‌اند اگر نکنید آن را خواهد شد فتنه در زمین و فسادی بزرگ (73)
و آنان که گرویدند و هجرت گزیدند و جهاد کردند در راه خدا و آنان که جای دادند و یاری کردند آن گروه ایشانند گروندگان
ترجمه قرآن، ص: 174
براستی مر ایشان را است آمرزش و روزی خوب (74)
و آنان که گرویدند از بعد و هجرت گزیدند و جهاد کردند با شما پس آنها از شمایند و صاحبان رحمها بعضی از ایشان اولی باشند ببعضی در کتاب خدا بدرستی که خدا بهمه چیز دانا است (75)

ترجمه قرآن 204
بيزارى است از خدا و رسولش بسوى آنان كه پيمان بستيد از مشركان (1)
پس سير كنيد در زمين چهار ماه و بدانيد كه شما غير عاجز كننده خدائيد و بدرستى كه خدا رسوا كننده كافران است (2)
و اعلانيست از خدا و رسولش بمردمان روز حجّ اكبر بدرستى كه خدا بيزار است از مشركان و رسولش نيز بيزار است پس اگر توبه كرديد پس آن بهتر است مر شما را و اگر اعراض كرديد پس بدانيد كه شما غير عاجز كننده خدائيد و بشارت ده آنان را كه كافر شدند بعذابى دردناك (3)
مگر آنان كه پيمان بستيد از مشركان پس نقصان نرسانيدند شما را چيزى و نه هم پشت شدند بر شما احدى را پس تمام گردانيد با ايشان پيمانشان را تا مدّتشان بدرستى كه خدا دوست دارد پرهيزكاران را (4)
پس چون منقضى شود شهرهاى حرام پس بكشيد مشركان را هر جا بيابيد و بگيريدشان و حبس كنيدشان و بنشينيد براى ايشان بهر راهگذرى پس اگر توبه كردند و بر پاى داشتند نماز را و دادند زكاة را پس خالى سازيد
ترجمه قرآن، ص: 175
راه ايشان را بدرستى كه خدا آمرزنده مهربانست (5)
و اگر يكى از مشركان پناه آورد بتو پس پناه ده او را تا بشنود كلام خدا را پس برسان او را بمأمنش اين بآنست كه ايشان گروهى‌اند كه نميدانند (6)
چگونه باشد مر مشركان را عهدى نزد خدا و نزد رسولش مگر آنان كه عهد بستيد نزد مسجد الحرام پس ما دام كه استقامت ورزند براى شما پس استقامت ورزيد براى ايشان بدرستى كه خدا دوست دارد پرهيزكاران را (7)
چگونه و اگر غالب شوند بر شما نگاه نميدارند در شما سوگندى و نه عهدى را خوشنود ميسازند شما را بدهنهاشان و ابا دارد دلهاشان و بيشترين ايشانند فاسقان (8)
عوض گرفتند بآيتهاى خدا بهاى اندک را پس باز داشتند از راه او بدرستى كه ايشان بدست آنچه را عمل ميكنند (9)
نگه نميدارند در مؤمنى سوگندى و نه پيمانى و آن گروه ايشانند از حدّ در گذرندگان (10)
پس اگر توبه كردند و بر پا داشتند نماز را و دادند زكاة را پس برادران شمايند در دين و تفصيل ميدهيم آيتها را از براى گروهى كه ميدانند (11)
و اگر شكستند سوگندهاشان را از بعد پيمانشان و طعن زدند در دينتان

پس کارزار کنید با پیشوایان کفر بدرستی که ایشان نیست سوگندهاشان را باشد که آنها باز ایستند (12)
آیا کارزار نمیکنید با جمعی که شکستند پیمانشان را و قصد کردند به بیرون کردن رسول و آنها پیشی گرفتند شما را اوّل بار آیا میترسید از ایشان پس خدا سزاوارتر است که بترسید از او اگر
ترجمه قرآن، ص: 176
هستید گروندگان (13)
کارزار کنید با ایشان که عذاب میکند ایشان را خدا بدستهای شما و رسوا میکند ایشان را و یاری میدهد شما را بر ایشان و شفا میدهد سینه‌های جمعی گروندگان را (14)
و میبرد خشم دلهاشان را و توبه میپذیرد خدا از آنکه میخواهد و خدا دانای درست کردار است (15)
آیا پنداشتید که واگذاشته شوید و هنوز ندانسته خدا آنان را که جهاد کردند از شما و نگرفتند از غیر خدا و غیر رسولش و غیر مؤمنان دوست همرازی و خدا آگاهست بآنچه میکنید (16)
نباشد مر مشرکان را که عمارت کنند مسجدهای خدا را گواهی دهندگانند بر خودهاشان بکفر آنها ناچیز شد کردارشان و در آتش ایشانند جاودانیان (17)
جز این نیست که عمارت میکند مسجدهای خدا را کسی که گروید بخدا و روز باز پسین و بر پاداشت نماز را و داد زکاة را و نترسید مگر از خدا پس شاید آنها که باشند از راه یافتگان (18)
آیا گردانیدید آب دادن حاجّ و عمارت مسجد الحرام را چون کسی که گروید بخدا و روز باز پسین و جهاد کرد در راه خدا یکسان نباشند نزد خدا و خدا هدایت نمیکند گروه ستمکاران را (19)
آنان که گرویدند و هجرت گزیدند و جهاد کردند در راه خدا بمالهاشان و جانهاشان بزرگترند بمرتبه نزد خدا و آن گروه ایشانند کامیابان (20)
مژده میدهد ایشان را پروردگارشان برحمتی از او و خشنودی
ترجمه قرآن، ص: 177
و بهشتهایی از برای آنها که در آنها است نعمتی دائمی (21)
جاودانیان در آن همیشه بدرستی که خدا نزد او است مزدی بزرگ (22)
ای آن کسانی که گرویدید نگیرید پدرانتان را و برادرانتان را دوستان اگر گزیدید کفر را بر ایمان و کسی که دوست گیردشان از شما پس آنها ایشانند ستمکاران (23)
بگو اگر باشند پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و جفتهاتان و خویشانتان و مالهایی که اندوخته‌اید آنها را و بازرگانی که میترسید از کاسد شدنش و مساکنی که خوشنودید از آنها دوستتر است بشما از خدا و رسولش و جهاد

کردن در راهش پس انتظار برید تا بیاورد خدا فرمانش را و خدا هدایت نمیکند گروه نافرمانبران را (24)
بتحقیق یاری کرد شما را خدا در جاهای بسیار و روز حنین هنگامی که بشگفت آورد شما را بسیاری شما پس کفایت نکرد از شما چیزی و تنگ شد بر شما زمین با فراخیش پس برگشتید پشت گردانندگان. (25)
پس فرو فرستاد خدا آرامش را بر رسولش و بر گروندگان و فرو فرستاد لشگرهایی که نمیدیدشان و عذاب کرد آنان را که کافر شدند و آنست پاداش کافران (26)
پس توبه می‌پذیرد خدا پس از آن بر هر که میخواهد و خدا آمرزنده مهربانست (27)
ای آن کسانی که گرویدید جز این نیست مشرکان پلیدند پس نباید که نزدیک شوند بمسجد الحرام پس از سالشان اینسال
ترجمه قرآن، ص: 178
و اگر بترسید از درویشی پس زود باشد بی‌نیاز کند شما را خدا از فضلش اگر خواهد بدرستی که خدا دانای حکیم است
کارزار کنید با آنان که نمیگروند بخدا و نه بروز باز پسین و حرام نمیکنند آنچه را حرام گردانید خدا و رسولش و قبول نمیکنند دین حقّ را از آنانی که داده شدند کتاب را تا آنکه بدهند جزیه را بدست خود و ایشان باشند خواران (29)
و گفتند یهود که عزیر پسر خدا است و گفتند ترسایان مسیح پسر خدا است این گفتارشانست بدهنهاشان مانند میشوند گفتار آنان را که کافر شدند از پیش کشت ایشان را خدا چگونه برگردانیده میشوند (30)
گرفتند دانایانشان را و زاهدانشان را صاحبهای خود نه خدا را و مسیح پسر مریم و فرموده نشدند مگر آنکه پرستش کنند الهی یگانه را نیست خدایی مگر او منزّه است از آنچه شرک میآورند (31)
میخواهند که فرونشانند نور خدا را بدهنهاشان و ابا دارد خدا مگر آنکه تمام کند نور خود را و اگر چه کراهت دارند کافران (32)
اوست که فرستاد رسولش را بهدایت و دین حقّ تا غالب گرداند آن را بر دین همه‌اش و اگر چه کراهت دارند شرک آورندگان (33)
ای آن کسانی که گرویدید بدرستی که بسیاری از دانایان و زاهدان هر آینه میخورند مالهای مردمان را بباطل و باز میدارند از راه خدا و آنان که نهفته مینهند طلا و نقره را و انفاق نمیکنند آنها را در راه خدا پس بشارت ده ایشان را بعذابی دردناک (34)
ترجمه قرآن، ص: 179
روزی که افروخته میشود بر آنها در آتش دوزخ پس داغ کرده میشود بآنها پیشانیهاشان و پهلوهاشان و پشتهاشان این است آنچه نهادید نهفته برای

خودهاتان پس بچشید آنچه بودید نهفته مینهادید (35)
بدرستی که شمار ماهها نزد خدا دوازده است در کتاب خدا روزی که آفرید آسمانها و زمین را از آنها چهار حرامست این است دین درست پس ستم مکنید در آنها بر خودهاتان و کارزار کنید با مشرکان همگی هم چنان که کارزار میکنند با شما همگی و بدانید که خدا با پرهیزکاران است (36)
جز این نیست تغییر دادن ماههای حرام زیادتیست در کفر اضلال کرده میشوند بآن آنان که کافر شدند حلال میگردانند آن را سالی و حرام میگردانند آن را سالی تا موافقت نمایند با شمار آنچه حرام گردانید خدا پس حلال میگردانند آنچه را حرام کرد خدا آراسته شد مر ایشان را بدی کردارشان و خدا راه ننماید گروه ناگروندگان را (37)
ای آن کسانی که گرویدید چیست مر شما را چون گفته شود مر شما را که بیرون روید در راه خدا سنگین میشوید بزمین آیا راضی شدید بزندگانی دنیا از آخرت پس نیست مایه تعیّش زندگانی دنیا در آخرت مگر اندکی (38)
اگر بیرون نمیروید عذاب میکند شما را عذابی دردناک و بدل شما میگیرد گروهی غیر شما را و ضرر نمیرسانید او را چیزی و خدا بر همه چیز تواناست (39)
اگر یاری نکنید او را پس بحقیقت یاری کردش خدا وقتی که بیرون کردندش آنان که کافر شدند بود دویم دو نفر وقتی که آن دو در غار بودند هنگامی که میگفت مر همراهش را که اندوه مخور
ترجمه قرآن، ص: 180
بدرستی که خدا با ما است پس فرو فرستاد خدا آرامش را بر او و تقویت کردش بلشگرهایی که نمیدیدید آنها را و گردانید کلمه آنان را که کافر شدند پایین و کلمه خدا آنست بالا و خدا غالب درست کردار است (40)
بیرون روید سبک و گران و جهاد کنید بمالهاتان و جانهاتان در راه خدا آن بهتر است شما را اگر باشید بدانید (41)
اگر بودی متاعی قریب الوصول و سفری آسان هر آینه پیروی کرده بودند ترا و لیکن دور شد بر ایشان مسافت و بزودی سوگند خواهند خورد بخدا که اگر توانسته بودیم هر آینه بیرون آمده بودیم با شما هلاک میگردانند نفسهای خود را و خدا میداند که ایشانند هر آینه دروغگویان (42)
عفو کرد خدا از تو چرا دستوری دادی ایشان را تا آنکه ظاهر میشد مر ترا آنان که راست گفتند و میدانستی دروغگویان را (43)
دستوری نمیخواهند از تو آنان که میگروند بخدا و روز باز پسین که جهاد کنند بمالهاشان و جانهاشان و خدا دانا است بپرهیزکاران (44)
جز این نیست دستوری نمیخواهند از تو مگر آنان که نمیگردند بخدا و روز باز پسین و شکّ کرد دلهاشان پس ایشان در شکّشان متردّد میباشند (45)
و اگر اراده کرده بودند بیرون رفتن را هر آینه آماده نموده بودند مر آن را

ساز برگی و لیکن ناخوش داشت خدا بر انگیزاند ایشان را پس باز داشت ایشان را و گفته شد بنشینید با نشینندگان (46)
اگر بیرون آمده بودند در شما نمیافزودند شما را مگر فساد و هر آینه شتافته بودند میانتان که بجویند برای شما فتنه و باشند در شما
ترجمه قرآن، ص: 181
سخن‌چینان مر ایشان را و خدا دانا است بستمکاران (47)
بحقیقت جستند فتنه را از پیش و برگردانیدند برای تو امرها را تا آمد حقّ و ظاهر شد فرمان خدا و ایشان بودند ناخوش داران (48)
و از ایشان کیست که میگوید دستوری ده مرا و بفتنه مینداز مرا آگاه باش که در فتنه افتادند و بدرستی که دوزخ هر آینه احاطه کننده بکافرانست (49)
اگر برسد ترا خوبی بد میآید ایشان را و اگر برسد ترا مصیبتی میگویند بتحقیق گرفتیم کارمان را از پیش و برگردند و ایشان باشند شادمانان (50)
بگو هرگز نمیرسد ما را مگر آنچه نوشت خدا بر ما او است صاحب اختیار ما و بر خدا پس باید توکل کنند گروندگان (51)
بگو آیا انتظار میبرید بما مگر یکی از دو خوب را که نصرت و شهادتست و ما انتظار میبریم بشما که برساند بشما خدا عذابی از نزدش یا بدستهای ما پس انتظار کشید بدرستی که ما با شما انتظار کشندگانیم (52)
بگو انفاق کنید خواه یا نخواه که پذیرفته نخواهد شد از شما بدرستی که شما هستید گروهی نافرمانبران (53)
و منع نکرد ایشان را که قبول کرده شود از ایشان نفقه‌های ایشان مگر آنکه ایشان کافر شدند بخدا و برسولش و نمیآیند بنماز مگر در حال کسالت و انفاق نمیکنند مگر با کراهت (54)
پس شگفت نیاورد ترا مالهای ایشان و نه فرزندانشان نمیخواهد خدا مگر اینکه عذاب کند ایشان را بآنها در زندگانی دنیا و هلاک شود نفسهاشان و آنها باشند کافران (55)
و سوگند میخورند بخدا
ترجمه قرآن، ص: 182
که ایشان هر آینه از شمایند و نیستند آنها از شما و لیکن ایشان گروهی‌اند که میترسند (56)
اگر مییافتند پناهی یا غارهایی یا سوراخ در خزیدنی هر آینه عدول کرده بودند بآن و بشتاب میرفتند (57)
و از ایشان کسی است که عیب میکند ترا در صدقه‌ها پس اگر داده شدند از آنها خوشنود گشتند و اگر داده نشدند از آنها آن گاه ایشان خشم میکنند (58)

و اگر آنکه ایشان راضی شده بودند بآنچه دادشان خدا و رسولش و گفتندی بس است ما را خدا زود باشد که بدهد ما را خدا از فضلش و رسول او بدرستی که ما بسوی خدا رغبت دارندگانیم (59)
جز این نیست صدقه‌ها از براي درویشانست و درماندگان و کارکنان بر جمع صدقات و آنان که بدست آورده شده دلهاشان و در آزاد کردن گردنها و قرض دادن مفلسان و در راه خدا و راه گذریان محتاج فرض کردنی از خدا و خدا دانای درست کردار است (60)
و از ایشان کسانی‌اند که میرنجانند پیغمبر را و میگویند که او شنوای سخن هر کسی است بگو کوش خیر است مر شما را میگرود بر خدا و تصدیق میکند گروندگان را و رحمتی است از برای آنان که گرویدند از شما و آنان که میرنجانند رسول خدا را از برای ایشانست عذابی دردناک (61)
سوگند میخورند بخدا برای شما تا خوشنود کنند شما را و خدا و رسولش سزاوارترند که خوشنود کنندش اگر هستند گروندگان (62)
آیا ندانسته‌اند که هر که مخالفت میکند با خدا و رسولش پس بدرستی که از برای او است آتش دوزخ جاوید در آن اینست رسوایی بزرگ (63)
میترسند منافقان که فرو فرستاده شود بر ایشان سوره که
ترجمه قرآن، ص: 183
آگاه گرداند ایشان را بآنچه در دلهای ایشانست بگو استهزاء کنید بدرستی که خدا ظاهر کننده است آنچه را میترسید (64)
و هر آینه اگر پرسی از ایشان هر آینه گویند جز این نیست بودیم که صحبت میداشتیم و بازی میکردیم بگو آیا بخدا و آیتهایش و رسولش بودید که استهزاء میکردید (65)
عذر نخواهید بتحقیق که کافر شدید پس از ایمانتان اگر عفو کنیم از پاره از شما عذاب خواهیم کرد پاره را بسبب آنکه ایشان باشند گناهکاران (66)
مردان بانفاق و زنان بانفاق بعضی ایشانند از بعضی امر میکنند بنا شایسته و نهی میکنند از شایسته و بهم میآرند دستهاشان را فراموش کردند خدا را پس فراموش کردشان بدرستی که منافقان ایشانند فاسقان (67)
وعده کرده خدا مردان بانفاق و زنان بانفاق و کافران را آتش دوزخ جاودانیان در آن آن کافیست ایشان را و لعنت کرد ایشان را خدا و از برای ایشانست عذابی پاینده (68)
مانند آنان که از پیش شما بودند سختتر از شما بقوّت و بیشتر بمالها و فرزندان پس کام جستند بنصیبشان پس کام جستید بنصیبتان هم چنان که کام جستند آنان که بودند پیش از شما بنصیبشان و در آمد کردید هم چنان که در آمد کردند آن گروه ناچیز شد کردارشان در دنیا و آخرت و آن گروه ایشانند زیانکاران (69)
آیا نیامد ایشان را خبر آنان که بودند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود

و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و آن شهرهای زیر و زبر شده آمد ایشان را رسولانشان با معجزات پس نبود خدا
ترجمه قرآن، ص: 184
که ستم کند ایشان را و لیکن بودند که بخودهاشان ستم میکردند (70)
و مردان گرونده و زنان گرونده برخی از ایشانند دوستان برخی امر میکنند بکارهای شایسته و نهی میکنند از ناشایسته و بر پا میدارند نماز را و میدهند زکاة را و فرمان میبرند خدا و رسولش را آن کرده زود باشد رحمت کند ایشان را خدا بدرستی که خدا غالب حکیم است (71)
وعده داد خدا مردان گرونده و زنان گرونده را بهشتهایی که میرود از زیرشان نهرها جاودانیان در آن و مسکنهای پاکیزه در بهشتهایی با اقامت دائمی و خوشنودی از خدا بزرگتر است آنست آن کامیابی بزرگ (72)
ای پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان و سخت گیر بر ایشان و جایگاه ایشان دوزخست و بد جای بازگشتی است (73)
سوگند میخورند بخدا که نگفتند و بحقیقت گفتند کلمه کفر را و کافر شدند بعد از اسلامشان و خواهش کردند بآنچه نرسیدند و کینه نورزیدند مگر آنکه بی‌نیاز کرد ایشان را خدا و رسول او از فضلش پس اگر توبه کنند باشد بهتر مر ایشان را و اگر رو گردانند عذاب کند ایشان را خدا عذابی دردناک در دنیا و آخرت و نباشد مر ایشان را در زمین هیچ دوستی و نه یاری کننده (74)
و از ایشان کسی است که پیمان کرد با خدا که اگر بدهد ما را از فضلش هر آینه صدقه دهیم البتّه و هر آینه خواهیم شد البتّه از شایستگان (75)
پس چون دادشان از فضلش بخیلی کردند بآن و روگردانیدند و ایشان بودند اعراض کنندگان (76)
پس از پی آورد ایشان را نفاقی در دلهاشان تا
ترجمه قرآن، ص: 185
روزی که بیابند آن را بسبب آنچه خلاف کردند با خدا آنچه وعده کردند او را و بسبب آنچه بودند که دروغ میگفتند (77)
آیا ندانستند که خدا میداند پنهانشان را و رازشان را و بدرستی که خدا دانای پنهانیها است (78)
آنان که عیب میکنند افزون دهندگان را از گروندگان در صدقه‌ها و کسانی را که نمییابند مگر طاقتشان را پس استهزاء میکنند از ایشان استهزاء کرد خدا از ایشان و از برای آنها است عذابی دردناک (79)
خواهی آمرزش خواه مر ایشان را و خواهی آمرزش مخواه از برای ایشان اگر آمرزش خواهی برای ایشان هفتاد بار پس هرگز نیامرزد خدا ایشان را آن باینست که ایشان کافر شدند بخدا و رسولش و خدا راه ننماید گروه فاسقان را (80)

شاد شدند بازگذاشتگان بنشستن‌شان از بعد فرستاده خدا و ناخوش داشتند که جهاد کنند بمالهاشان و جانهاشان در راه خدا و گفتند مروید در گرما بگو آتش دوزخ سختتر است در گرمی اگر باشند بیابند (81)
پس باید که بخندند اندک و باید که بگریند بسیاری پاداشی بآنچه بودند که کسب میکردند (82)
پس اگر باز گردانید ترا خدا بسوی پاره از ایشان پس دستوری طلبند از تو برای بیرون رفتن پس بگو هرگز بیرون نخواهید آمد با من هیچگاه و هرگز کارزار نخواهید کرد با من دشمنی را بدرستی که شما راضی شدید بنشستن اوّل بار پس بنشینید با بازماندگان (83)
و نماز مگذار بر یکی از ایشان که مرد هرگز و نایست بر فراز گورش بدرستی که آنها کافر شدند بخدا و رسولش و مردند و ایشان بودند فاسقان

و بشگفت نیاورد ترا مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان جز این نیست میخواهد خدا که عذاب کندشان بآنها در دنیا و هلاک شود نفسهاشان و ایشان باشند کافران (85)
و چون فرستاده شود سوره که ایمان آورید بخدا و جهاد کنید با رسولش دستوری خواهند از تو صاحبان ثروت از ایشان و گویند واگذار ما را که باشیم با نشستگان (86)
راضی شدند بآنکه باشند با بازماندگان و مهر زده شد بر دلهاشان پس ایشان نمیفهمند (87)
لیکن رسول و آنان که گرویدند با او جهاد کردند بمالهاشان و جانهاشان و آن کرده مر ایشان را است خیرات و آن گروه ایشانند رستگاران (88)
مهیّا کرده خدا برای ایشان بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها جاودانیان در آن آنست کامیابی بزرگ (89)
و آمدند عذر گویندگان از بادیه نشینان که دستوری داده شود مر ایشان را و نشستند آنان که دروغ بستند بر خدا و رسولش زود باشد که برسد آنان را که کافر شدند از ایشان عذابی دردناک (90)
نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر آنانی که نمییابند آنچه را صرف میکنند گناهی چون خالص شدند مر خدا و رسولش نباشد بر نیکوکاران هیچ راهی و خدا آمرزنده مهربانست (91)
و نه بر آنانی که چون آمدند ترا که سوار کنی ایشان را گفتی نمییابم آنچه سوار کنم شما را بر آن برگشتند و چشمهاشان میریخت از اشگ از غم که نمی‌یافتند آنچه را صرف کنند (92)
جز این نیست که راه گرفت بر کسانی است که

دستوری میطلبند از تو و آنها توانگرانند راضی شدند بآنکه باشند با بازماندگان و مهر نهاد خدا بر دلهاشان پس ایشان نمیدانند (93)
بعد ز خواهند آمد بسوی شما چون باز گردید بسوی ایشان بگو عذر مخواهید که هرگز باور نداریم شما را بحقیقت خبر داد ما را خدا از خبرهای شما بزودی خواهد دید خدا کارتان را و رسولش پس باز گردانیده خواهید شد بسوی دانای نهان و آشکار پس آگاهی دهد شما را بآنچه بودید که میکردید (94)
بزودی سوگند خواهند خورد بخدا از برای شما چون باز گردید بسوی ایشان تا رو گردانید از ایشان پس روی بگردانید از ایشان بدرستی که ایشان پلیدند و جایگاهشان دوزخست پاداشی بسبب آنچه بودند کسب میکردند (95)
سوگند میخورند برای شما تا خشنود شوید از ایشان پس اگر خوشنود شوید از ایشان پس بدرستی که خدا خوشنود نخواهد شد از گروه فاسقان (96)
بادیه نشینان سختترند از راه کفر و نفاق و سزاوارترند که ندانند حدّهای آنچه را فرو فرستاد خدا بر رسولش و خدا دانای درستکار است (97)
و از بادیه نشینان کسی است که میگیرد آنچه را صرف میکند جای تاوان و چشم میدارد بشما گردشهای روزگار بر ایشان است گردش بد و خدای شنوای دانا است (98)
و از بادیه نشینان کسی است که میگرود بخدا و روز باز پسین و آنچه در راه خدا صرف میکند موجب تقرّب میشمارد و دعاهای رسول را نیز آگاه باشید که آنها نزدیکست برای آنها زود باشد که در آورد ایشان را خدا در رحمتش بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (99)
و سبقت داران نخستان از مهاجران
ترجمه قرآن، ص: 188
و انصار و آنان که پیروی کردند ایشان را به نیکویی خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند از او و مهیّا کرده برای ایشان بهشتهایی که میرود زیرشان نهرها جاودانیان در آن همیشه آنست کامیابی بزرگ (100)
و از آنان که پیرامون شمایند از بادیه نشینان منافقانند و از اهل مدینه ایستادند بر نفاق نمیدانی ایشان را ما میدانیم ایشان را زود باشد عذاب کنیم ایشان را دو بار پس برگردانیده میشوند بسوی عذابی بزرگ (101)
و دیگران اقرار کردند بگناهانشان آمیختند کرداری نیکو و دیگری بد شاید خدا که توبه پذیرد از ایشان بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (102)
بگیر از مالهاشان صدقه که پاک سازی ایشان را و پاکیزه گردانی بصدقه و دعا کن بایشان بدرستی که دعای تو مایه آرام است مر ایشان را و خدا شنوای دانا است (103)

آیا ندانسته‌اند که خدا او است که میپذیرد توبه را از بندگانش و میگیرد صدقه‌ها را و بدرستی که خدا او است توبه پذیر مهربان (104)
و بگو بکنید پس بزودی میبیند خدا عمل شما را و رسولش و گروندگان و زود باشد که باز گردانیده شوید بسوی دانای نهان و آشکار پس بیاگاهاند شما را بآنچه بودید که میکردید (105)
و دیگران موقوفانند مر فرمان خدا را یا عذاب میکند ایشان را یا توبه بپذیرد از ایشان و خدا دانای درست کار است (106)
و آنان که گرفتند مسجدی را برای ضرر رسانیدن و کفر و جدایی افکندن میان گروندگان و انتظار مر کسی را که حرب کرد بر خدا
ترجمه قرآن، ص: 189
و رسولش از پیش و هر آینه سوگند خواهند خورد که نمیخواستیم مگر خوبی را و خدا گواهی میدهد که ایشانند هر آینه دروغگویان (107)
مایست در آن هرگز هر آینه مسجدی که بنا نهاده شد بر پرهیزکاری از اوّل روز سزاوارتر است که بایستی در آن باشد مردانی که دوست دارند که پاک شوند و خدا دوست میدارد پاک شوندگان را (108)
آیا پس آنکه اساس نهاده باشد بنایش را بر پرهیزکاری از خدا و خوشنودی بهتر است یا آنکه اساس نهاده باشد بنایش را بر کنار گذرگاه سیل خالی شده شکست خورده پس فرود آمد بآن در آتش دوزخ و خدا هدایت نمیکند گروه ستمکاران را (109)
همیشه باشد بناشان که ساختند شکّی در دلهاشان مگر آنکه پاره شود دلهاشان و خدا دانای درستکار است (110)
بدرستی که خدا خرید از گروندگان جانهاشان و و مالهاشان را بآنکه مر ایشان را باشد بهشت کارزار میکنند در راه خدا پس میکشند و کشته میشوند وعده دادنی بر آن حقّ در تورية و انجیل و قرآن و کیست وفا کننده‌تر بعهدش از خدا پس شاد شوید بسبب فروختنشان که مبایعت کردید بآن و آنست آن کامیابی بزرگ (111)
آن توبه کنندگان پرستندگان ستایش کنندگان آن روزه داران آن رکوع کنندگان آن سجده کنندگان آن امر کنندگان بمعروف و نهی کنندگان از منکر و آن نگه دارندگان مر حدّهای خدا را و مژده ده گروندگان را (112)
نباشد مر پیغمبران را و آنانی که گرویدند که آمرزش خواهند از برای مشرکان و اگر چه باشند صاحب قرابت
ترجمه قرآن، ص: 190
از بعد ظاهر شدن مر ایشان را که ایشانند اهل آتش (113)
و نبود آمرزش خواستن ابراهیم از برای پدرش مگر از وعده که وعده داده بود آن را باو پس چون ظاهر شد مر او را که او دشمن است مر خدا را بیزار شد از او بدرستی که ابراهیم بود هر آینه بسیار دعا کنده بردبار

(114)
و نباشد خدا که اضلال کند جمعی را پس از آنکه هدایت کردشان تا آنکه بیان کند برای ایشان آنچه پرهیز کنند بدرستی که خدا بهمه چیز دانا است (115)
بدرستی که خدا مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکند و میمیراند و نیست مر شما را از غیر خدا هیچ دوستی و نه یاری کننده (116)
بتحقیق توبه پذیرفت خدا بر پیغمبر و مهاجران و انصار و آنان که پیروی کردند او را در زمان دشواری بعد از آنکه نزدیک بود بر گردد دلهای پاره از ایشان پس پذیرفت توبه از ایشان بدرستی که او بایشان مهربان رحیم است (117)
و بر آن سه که گذاشته شدند تا چون تنگ شد بر ایشان زمین با آن فراخی و تنگ آمد بر ایشان نفسهاشان و یقین کردند که نیست پناهی از خدا مگر بسوی او پس توبه پذیرفت از ایشان تا ثابت بر توبه بمانند بدرستی که خدا او است توبه پذیر مهربان (118)
ای آن کسانی که گرویدید بپرهیزید از خدا و باشید با راستگویان (119)
نزد مر اهل مدینه را و کسی که پیرامون آنها باشد از بادیه نشینان که باز مانند از رسول خدا و نه آنکه بگذرند بسبب نفسهاشان از نفس او این بسبب آنست که ایشان نرسد ایشان را تشنگی و نه تعبی و نه گرسنگی

در راه خدا و گام ننهند گامی که بخشم آورد کافران را و نیابند از دشمنی یافتنی مگر آنکه نوشته شود برای ایشان بآن کار خوبی بدرستی که خدا ضایع نسازد مزد نیکوکاران را (120)
و انفاق نمیکنند نفقه کوچک کمی و نه بزرگ بسیاری و قطع نمیکنند وادیی را مگر آنکه نوشته شد از بر ایشان تا جزا دهدشان خدا بخوبتر از آنچه بودند که میکردند (121)
و نباشند گروندگان که بروند همگی پس چرا نرفتند از هر گروهی از ایشان پاره تا دانش آموزند در دین و تا بیم کنند قومشان را چون باز گردند بسوی ایشان باشد که آنها بترسند (122)
ای آن کسانی که گرویدید کارزار کنید با آنان که نزدیکند بشما از کافران و باید بیابند در شما سختی و بدانید که خدا با پرهیزکاران است (123)
و چون فرو فرستاده شود سوره پس از ایشان کسی است که میگوید کدام از شما افزود او را اینسوره ایمانی پس امّا آنان که گرویدند پس افزود ایشان را ایمانی و ایشان شاد میشوند بسیار (124)
و امّا آنان که در دلهاشان مرضی است پس افزودشان بدی ببدی ایشان و مردند و ایشان بودند کافران (125)

ایا نمی‌بینند که ایشان آزموده میشوند در هر سالی یک بار یا دو بار پس نه توبه میکنند و نه ایشان پند میگیرند (126)
و چون فرو فرستاد سوره مینگرند بعضی از ایشان ببعضی آیا می‌بینند شما را هیچ احدی پس برگشتند گردانید خدا
ترجمه قرآن، ص: 192
دلهاشان را بآنکه ایشانند گروهی که نمیفهمند (127)
بتحقیق آمد شما را رسولی از خودهاتان که سخت است بر او رنج کشیدنتان حریص است بر شما بگروندگان مهربان رحیم است (128)
پس اگر اعراض کنند پس بگو بس است مرا خدا نیست خدایی مگر او بر او توکّل کردم و او است پروردگار عرش بزرگ (129)

سورة يونس عليه السّلام مائة و تسع آيات و هى مكيّة

بنام خداوند بخشاينده مهربان
اين آيتهاى كتاب با حكمت است (1)
آيا باشد مر مردمان را تعجّبى كه وحى فرستاديم بمردى از ايشان كه بترسان مردمان را و مژده بده آنان را كه گرويدند كه مر ايشان را است سابقه خوبى نزد پروردگارشان گفتند كافران بدرستى كه اين هر آينه سحريست آشكارا (2)
بدرستى كه پروردگار شما خدايى است كه آفريد آسمانها و زمين را در شش روز پس مستولى شد بر عرش تدبير ميكند كار كاينات را نيست هيچ شفيعى مگر پس از دستورى او آنست خدا پروردگار شما پس بپرستيد او را آيا پس پند نميگيريد (3)
بسوى او است باز گشت شما همه وعده دادنى از خدا حقّ بدرستى كه او نخست آفريد خلق را پس باز ميگرداند او را تا جزا دهد آنان را كه گرويدند و كردند كارهاى شايسته بعدالت و آنان كه كافر شدند
ترجمه قرآن، ص: 193
مر ايشان را است شربتى از آب جوشان و عذابى دردناک بسبب بودنشان كه كافر ميشدند (4)
او است كه گردانيد آفتاب را روشنايى و ماه را روشنى و مقرّر داشتش منزلها تا بدانيد شمار سالها و حساب را نيافريد خدا آن را مگر بحقّ تفصيل ميدهد آيتها را براى جمعى كه بدانند (5)
بدرستى كه در اختلاف شب و روز و آنچه آفريد خدا در آسمانها و زمين هر آينه آيتها است از براى جمعى كه ميپرهيزند (6)
بدرستى كه آنان كه اميد نميدارند ملاقات ما را و راضى شدند بزندگانى دنيا و آرميدند بآن و آنان كه ايشان از آيتهاى ما بيخبرانند (7)
آنها جايگاه‌شان آتش است بسبب آنچه بودند كه كسب ميكردند (8)
بدرستى كه آنان كه گرويدند و كردند كارهاى شايسته راه نمايد ايشان را پروردگارشان بسبب ايمانشان ميرود از زيرشان نهرها در بهشتهاى با نعمت (9)
خواندنشان در آن سبحانک اللّهمّ است و درودشان در آن سلام است و آخر خواندنشان اينكه الحمد للّه ربّ العالمين (10)
و اگر تعجيل ميكرد خدا از براى مردمان شرّ را بتعجيل ايشان بخير هر آينه رانده شده بود بسوى ايشان اجلشان پس واميگذاريم آنان را كه اميد ندارند ملاقات ما را در زياده رويشان كه حيران ميبوده باشند (11)
و چون مسّ كند انسان را ضررى ميخواند ما را خوابيده بپهلويش يا نشسته

یا ایستاده پس چون دفع کردیم از او ضررش را میگذرد گویا که نخوانده است ما را برای ضرری که مسّ کرده بود او را همچنین آراسته شد از برای مسرفان
ترجمه قرآن، ص: 194
آنچه بودند که میکردند (12)
و بحقیقت هلاک کردیم اهل زمانها را از پیش شما چون ستم کردند و آمد ایشان را رسولانشان با معجزات و نبودند که ایمان آورند همچنین جزا دهیم گروه گناهکاران را (13)
پس گردانیمتان جانشینان در زمین از بعد ایشان تا به بینیم چگونه میکنید (14)
و چون خوانده میشود بر ایشان آیتهای ما روشنها میگویند آنان که امید نمیدارند ملاقات ما را بیاور قرآنی غیر این یا تبدیل کنش بگو نزد مرا که تبدیل کنم آن را از پیش خودم پیروی نمیکنم من مگر آنچه وحی کرده میشود بمن بدرستی که من میترسم اگر نافرمانی کنم پروردگارم را از عذاب روزی بزرگ (15)
بگو اگر خواسته بود خدا نخوانده بودم آن را بر شما و نه اعلام کرده بودم شما را بآن پس بحقیقت درنگ کردم در شما عمری پیش از آن آیا پس نمییابید بعقل (16)
پس کیست ستمکارتر از آنکه بر بست بر خدا دروغی را یا تکذیب کرد آیتهای او را بدرستی که رستکار نشوند گناهکاران (17)
و میپرستند از غیر خدا آنچه ضرر نمیرساند ایشان را و نفع نمیدهدشان و میگویند اینها شفیعان مایند نزد خدا بگو آیا خبر میدهید خدا را بآنچه نمیداند در آسمانها و نه در زمین منزّه است او و برتر است از آنچه شریک میدانند (18)
و نبودند مردمان مگر امّت واحد پس اختلاف کردند و اگر نبود کلمه که پیشی یافته از پروردگارت هر آینه حکم کرده شده بود میانشان در آنچه در آن اختلاف میکردند (19)
و میگویند چرا فرو فرستاده نشد بر او آیتی
ترجمه قرآن، ص: 195
از پروردگارش پس بگو نیست غیب مگر مر خدا را پس منتظر باشید بدرستی که من با شما از منتظرانم (20)
و چون بچشانیم مردمان را رحمتی از پس سختی رنجی که مسّ کرد ایشان را ناگاه مر ایشان را مکریست در آیتهای ما بگو خدا زودتر است در مکر بدرستی که فرستادگان ما مینویسند آنچه مکر میکنید (21)
او است که میگرداند شما را در برّ و بحر تا چون باشید در کشتیها و جاری شوند با ایشان ببادی پاکیزه و شاد شوند بآن بیاید آنها را بادی سخت و

بیاید ایشان را موج از هر جا و دانند که ایشان احاطه کرده شد بآنها خوانند خدا را خالص گردانندگان برای او دین را که اگر نجات داد ما را از این هر آینه باشیم از شکرگذاران (22)
پس چون نجات دادشان آن گاه ایشان ستم میکنند در زمین بناحقّ ای مردمان نیست ستم شما مگر بر خودهاتان در مایه تعیّش زندگانی دنیا پس بسوی ما است بازگشت شما پس آگاه گردانیم شما را بآنچه بودید که میکردید (23)
جز این نیست مثل زندگانی دنیا چون آبی است که فرو فرستادیمش از آسمان پس آمیخت بآن رستنی زمین از آنچه میخورند مردمان و چهار پایان تا چون گرفت زمین پیرایه‌اش را و زینت یافت و گمان بردند اهلش که ایشان قدرت دارندگانند بر آن آمد آن را امر ما شبی یا روزی پس گردانیدیم آن را در دیده گویا که نرسته بود در زمان پیش همچنین تفصیل میدهیم آیتها را از برای قومی که اندیشه میکنند (24)
و خدا میخواند بسوی سرای سلامت
ترجمه قرآن، ص: 196
و راه مینماید کسی را که میخواهد بسوی راه راست (25)
از برای آنها که نیکی کردند نیکی است و زیادتی و نپوشد رویهاشان را گردی و نه خواری آنها اهل بهشتند ایشان در آن جاودانیانند (26)
و آنان که کسب کردند بدیها را جزای بدی بمثل آنست و فرو میگیرد ایشان را خواری نباشد ایشان را از خدا هیچ نگهدارنده گویا پوشانیده شد رویهاشان پاره از شب تیره آنها اهل آتشند ایشانند در آن جاودانیان (27)
و روزی که محشور میسازیمشان همه پس می‌گوییم از برای آنانی که شرک آورند باشید بر جاتان شما و انبازانتان پس جدایی میاندازیم میانشان و خواهند گفت انبازانشان نبودید که ما را میپرستیدید (28)
پس کافی است خدا گواه میان ما و میان شما که بودیم از پرستیدن شما هر آینه بیخبران (29)
آنجا بیابد هر نفسی آنچه پیش فرستاده و باز گردانیده شوند بسوی خدا که صاحب اختیار ایشانست بحقّ و گم شد از ایشان آنچه بودند افترا میکردند (30)
بگو کیست روزی میدهد شما را از آسمان و زمین یا که مالک میشود گوش و دیده‌ها را و که بیرون میآورد زنده را از مرده و بیرون میآورد مرده را از زنده و که تدبیر میکند کار کاینات را پس زود میگویند خدا است پس بگو آیا پس نمیپرهیزید (31)
پس آن خدا پروردگار شما است بحقّ پس چیست بعد از حقّ مگر گمراهی پس بکجا بر گردانیده میشوید (32)
همچنین لازم شد کلمه پروردگارت بر آنان که فسق ورزیدند بدرستی که

ایشان

نمیگروند (33)
بگو آیا از شریکان شما کیست که میآفریند خلق را پس باز میآرد او را بگو خدا میآفریند خلق را پس باز میآرد او را پس بکجا برگردانیده میشوید (34)
بگو آیا از انبازان شما کیست که هدایت میکند بسوی حقّ بگو خدا راه مینماید مر حقّ را آیا پس کسی که راه مینماید بسوی حقّ سزاوارتر است که پیروی کرده شود یا کسی که هدایت نمییابد مگر آنکه هدایت کرده شود پس چیست شما را چگونه حکم میکنید (35)
و پیروی نمیکنند بیشترشان مگر گمان را بدرستی که گمان کفایت نمیکند از حقّ چیزی را بدرستی که خدا دانا است بآنچه میکنند (36)
و نباشد این قرآن که بدروغ بسته شود از غیر خدا و لیکن تصدیق آن چیزیست که باشد میانه دو دستش و تفصیل دادن کتاب و نیست شکّی در آن از پروردگار جهانیان (37)
آیا میگویند بر بست بدروغ آن را بگو پس بیاورید سوره مانندش و بخوانید هر که را توانید از غیر خدا اگر هستید راستگویان (38)
بلکه تکذیب کردند آنچه را احاطه نکردند بدانستنش و هنوز نیامده ایشان را تاویلش همچنین تکذیب کردند آنان که بودند پیش از ایشان پس بنگر چگونه بود انجام ستمکاران (39)
و از ایشان کسی است که میگرود بآن و از ایشان کسی است که نمیگرود بآن و پروردگار تو داناتر است به تباهکاران (40)
و اگر تکذیب کردند ترا پس بگو مر مراست کردار من و مر شما راست کردارتان شما بیزارانید از آنچه من میکنم و من بیزارم از آنچه شما میکنید (41)
و از ایشان کسی است که گوش میدارد بتو آیا پس تو میشنوانی کران را و اگر باشند

که نیابند بعقل (42)
و از ایشان کسی است که نگاه میکند بتو آیا پس تو راه می‌نمایی کوران را و اگر چه باشند که نه بینند (43)
بدرستی که خدا ظلم نمیکند مردمان را چیزی و لیکن مردمان بخودهاشان ظلم میکنند (44)
و روزی که حشر کند ایشان را گویا که درنگ نکردند مگر ساعتی از روز شناخت یکدگر دارند میانه خود بحقیقت زیان کردند آنان که تکذیب کردند ملاقات جزای خدا را و نبودند هدایت یافتگان (45)

و یا مینمائیم ترا برخی از آنچه وعده میدهیم ایشان را یا میمیرانیم ترا پس بسوی ما است بازگشت ایشان پس خدا گواه است بر آنچه میکنند (46)
و از برای هر امّتی رسولی است پس چون آمد رسول ایشان حکم کرده شود میان ایشان بعدالت و ایشان ستم کرده نمیشوند (47)
و میگویند کی خواهد بود این وعده اگر هستید راستگویان (48)
بگو مالک نیستم از برای خود ضرری و نه نفعی را مگر آنچه خواست خدا از برای هر امّتی اجلی است چون آمد اجل ایشان پس نه واپس مانند ساعتی و نه پیشی توانند گرفت (49)
بگو خبر دهید اگر آید شما را عذابش شب هنگامی یا روزی چه چیز را بشتاب خواهند خواست از آن گناهکاران (50)
آیا پس چون بوقوع آمد میگروید بآن اکنون و بتحقیق بودید آن را بشتاب میخواستید (51)
پس گفته شود مر آنان را که ستم کردند بچشید عذاب جاوید را آیا جزا داده میشوید مگر بآنچه بودید که کسب میکردید (52)
و خبر میپرسند از تو که آیا حقّ است آن بگو آری بحقّ پروردگارم که آن حقّ است و نیستید شما عاجز کنندگان
ترجمه قرآن، ص: 199
(53)
و اگر آنکه میبود از برای هر نفسی که ستم کرده آنچه در زمین است هر آینه فدا دادی بآن و پوشیده داشتند پشیمانی را چون دیدند عذاب را و حکم کرده شد میانشان بعدل و ایشان ستمکرده نمیشوند (54)
آگاه باشید بدرستی که مر خدا راست آنچه در آسمانها و زمین است آگاه باشید بدرستی که وعده خدا حقّ است و لیکن بیشترین ایشان نمیدانند (55)
او زنده میکند و میمیراند و بسوی او باز میگردید (56)
ای مردمان بحقیقت آمدتان پندی از پروردگارتان و شفائی برای آنچه در سینه‌ها است و هدایت و رحمتی از برای گروندگان (57)
بگو بکرم خدا و برحمتش پس بآن پس باید شاد شوند آن بهتر است از آنچه جمع میکنند (58)
بگو خبر دهید آنچه فرو فرستاد خدا برای شما از روزی پس گردانیدید از آن حرامی و حلالی بگو آیا خدا رخصت داد برای شما یا بر خدا دروغ می‌بندید (59)
و چیست گمان آنان که می‌بندند بر خدا دروغ را روز قیامت بدرستی که خدا هر آینه صاحب کرم است بر مردمان و لیکن بیشترین ایشان شکر نمیکنند (60)
و نه باشی تو در امری و نخوانی از آن هیچ خواندنی و نکنید هیچ کاری مگر

آنکه باشیم بر شما گواهان هنگامی که شروع میکنید در آن و پنهان نمیماند از پروردگارت هم وزن ذرّه در زمین و نه در آسمان و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر مگر در کتابی است روشن (61)
آگاه باشید که دوستان خدا
ترجمه قرآن، ص: 200
نباشد ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند (62)
آنان که گرویدند و بودند که پرهیزکاری میکردند (63)
مر ایشان را است بشارت در زندگانی دنیا و در آخرت نیست تبدیلی مر سخنان خدا را آنست آن کامیابی بزرگ (64)
و نباید اندوهکین کند ترا گفتار ایشان بدرستی که عزّت مر خدا راست همگی اوست شنوای دانا (65)
آگاه باشید بدرستی که مر خدا راست هر که در آسمانها و هر که در زمین است و پیروی نمیکنند آنان که میخوانند از غیر خدا شریکان را پیروی نمیکنند مگر گمان را و نیستند ایشان مگر آنکه دروغ میگویند (66)
اوست که گردانید برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و روز را بینش دهنده بدرستی که در آن هر آینه آیتها است از برای جمعی که میشنوند (67)
گفتند گرفت خدا فرزندی دانم پاکیش را او است بی‌نیاز مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است نیست نزد شما هیچ حجّتی باین آیا می‌گویید بر خدا آنچه نمیدانید (68)
بگو بدرستی که آنان که میبندند بر خدا دروغ را رستکار نمیشوند (69)
مایه تعیّشی است در دنیا پس بسوی ما است بازگشت ایشان پس میچشانیم ایشان را عذاب سخت ببودنشان که کافر میشدند (70)
و بخوان بر ایشان خبر نوح چون گفت مرقومش را ای قوم من اگر باشد که عظیم آمده باشد بر شما اقامتم و پند دادنم بآیتهای خدا پس بر خدا توکّل کردم پس گرد آورید کارتان را و انبازانتان را پس نباید که باشد کارتان بر شما پوشیده یا اندوه پس گذارش دهید بسوی من و مهلت مدهید مرا (71)
پس اگر اعراض کردید
ترجمه قرآن، ص: 201
پس نخواستم از شما هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر خدا و فرموده شدم که باشم از مسلمانان (72)
پس تکذیب کردندش پس رهانیدیم او را و هر که بود با او در کشتی و کردیم ایشان را جانشینان و غرق کردیم آنها را که تکذیب کردند آیتهای ما را پس بنگر چگونه بود انجام کار بیم داده شدگان (73)
پس برانگیختیم از بعد او رسولان بسوی قومشان پس آمدند ایشان را

بآیتها پس نبودند که بگروند بآنچه تکذیب کردند آن را از پیش همچنین مهر مینهیم بر دلهای تعدّی کنندگان (74)
پس بر انگیختیم از بعد ایشان موسی و هارون را بسوی فرعون و جماعتش بآیتهای ما پس سرکشی کردند و بودند گروهی گناهکاران (75)
پس چون آمد ایشان را حقّ از نزد ما گفتند بدرستی که این هر آینه سحریست آشکار (76)
گفت موسی آیا می‌گویید مر حقّ را چون آمد شما را آیا سحر است این و رستگار نمیشوند جادوگران (77)
گفتند آیا آمدی ما را تا بگردانی ما را از آنچه یافتیم بر آن پدران خود را و باشد مر شما دو را بزرگی در زمین و نیستیم ما مر شما دو را گروندگان (78)
و گفت فرعون بیاورید نزد من هر ساحر دانایی را (79)
پس چون آمدند ساحران گفت مر ایشان را موسی بیندازید آنچه شمائید اندازندگان (80)
پس چون انداختند گفت موسی آنچه آوردید آن را سحر است بدرستی که خدا زود باشد که باطل کند آن را بدرستی که خدا بسامان نیاورد کار فساد کنندگان را (81)
و ثابت میگرداند خدا حقّ را بکلماتش و اگر چه ناخوش داشته باشند گناهکاران (82)
پس
ترجمه قرآن، ص: 202
ایمان نیاورد بموسی مگر فرزندانی از قومش بر ترسی از فرعون و جماعت خودشان که سیاست کند ایشان را و بدرستی که فرعون هر آینه غالب بود در زمین و بدرستی که او بود هر آینه از اسراف کاران (83)
و گفت موسی ای قوم من اگر هستید ایمان آورده‌اید بخدا پس بر او توکّل کنید اگر هستید منقادان (84)
پس گفتند بر خدا توکّل کردیم پروردگار ما مگردان ما را فتنه از برای گروه ستمکاران (85)
و نجات ده ما را برحمت خود از گروه کافران (86)
و وحی کردیم ما بسوی موسی و برادرش که جای بازگشت گیرید از برای قومتان بمصر خانه‌ها و بگردانید خانه‌های خود را قبله و بر پای دارید نماز را و مژده ده گروندگان را (87)
و گفت موسی پروردگار ما بدرستی که تو داده فرعون و جماعتش را مایه آراستگی و مالهایی در زندگانی دنیا پروردگار ما تا گمراه گردانند از راه تو پروردگار ما اجرای محو کن بر مالهاشان و سخت‌گیر بر دلهاشان پس ایمان نیارند تا به بینند آن عذاب دردناک را (88)

گفت بتحقيق اجابت كرده شد دعاى شما پس ثابت باشيد و از پى مرويد راه آنان را كه نميدانند (89)
و گذرانيديم بنى اسرائيل را از دريا پس از پى رسيد ايشان را فرعون و لشگرهايش از روى ستم و تعدّى تا چون دريافتش غرق گفت ايمان آوردم كه نيست الهى مگر آنكه گرويدند باو فرزندان يعقوب و من از منقادانم (90)
اكنون و بتحقيق نافرمانى كردى پيش و بودى از فساد كنندگان (91)
پس امروز مياندازيم بموضع بلندى ترا
ترجمه قرآن، ص: 203
ببدنت تا باشى براى كسان بعد از خودت آيتى و بدرستى كه بسيارى از مردان از آيتهاى ما هر آينه بيخبرانند (92)
و بحقيقت فرود آورديم بنى اسرائيل را در منزلى خوب و روزى داديم ايشان را از پاكيزه‌ها پس اختلاف نكردند تا آمد ايشان را علم بدرستى كه پروردگار تو حكم ميكند ميانشان روز قيامت در آنچه بودند در آن اختلاف ميكردند (93)
پس اگر باشى در شكّى از آنچه فرو فرستاديم بتو پس بپرس از آنها كه ميخوانند كتاب را پيش از تو بتحقيق آمد ترا حقّ از پروردگارت پس مباش از شكّ كنندگان (94)
و مباش البتّه از آنها كه تكذيب كردند آيتهاى خدا پس خواهى بود از زيانكاران (95)
بدرستى كه آنان كه لازم شد بر ايشان كلمه پروردگار تو ايمان نخواهند آورد (96)
و اگر آمده باشد ايشان را هر آيتى تا آنكه به بينند عذاب پردرد را (97)
پس چرا نبود قريه كه ايمان آورده باشد پس نفعى كرده باشد آن را ايمانش مگر قوم يونس چون گرديدند دفع كرديم از ايشان عذاب رسوايى را در زندگى دنيا و بر خوردار كرديم ايشان را تا وقتى (98)
و اگر خواسته بود پروردگار تو هر آينه گرويده بود هر كه در زمين است همه آنها تمام آيا پس تو اكراه ميكنى مردمان را تا باشند گروندگان (99)
و نسزد مر نفسى را كه بگرود مگر بدستورى خدا و ميگرداند ناپاكى را بر آنها كه نمييابند (100)
بگو بنگريد كه چيست در آسمانها و زمين و كفايت نميكند آيتها و بيم كنندگان از گروهى كه نميگروند (101)
پس آيا انتظار ميبرند
ترجمه قرآن، ص: 204
مگر مانند روزهاى آنان كه گذشتند پيش از ايشان بگو پس منتظر باشيد بدرستى كه من با شما از منتظرانم (102)

پس میرهانیم رسولانمان را و آنها که گرویدند همچنین است ثابت بودنی بر ما که نجات دهیم گروندگان را (103)
بگو ای مردمان اگر باشید در شکّ از دین من پس نمیپرستم آنان را که میپرستید از غیر خدا و لیکن میپرستم خدایی را که میمیراند شما را و فرموده شدم که باشم از گروندگان (104)
و اینکه راست گردان و جهت را برای دین حق گرای و نباش البتّه از شرک آورندگان (105)
و مخوان از غیر خدا آنچه نفع نمی‌بخشد ترا و ضرر نمیرساند ترا پس اگر کردی پس بدرستی که تو در این هنگام خواهی بود از ستمکاران (106)
و اگر مسّ کند ترا خدا بضرری پس نیست دفع کننده مر آن را مگر او و اگر خواهد بتو خیری پس نباشد منع کننده مر فضل او را میرساند آن را بهر که میخواهد از بندگانش و او است آمرزنده مهربان (107)
بگو ای مردمان بحقیقت آمد شما را حقّ از پروردگارتان پس کسی که هدایت یافت پس جز این نیست که هدایت یافت برای خودش و هر که گمراه شد پس جز این نیست گمراه میشود بر خود و نیستم من بر شما کارگذار (108)
و پیروی کن آنچه وحی میشود بسوی تو و صبر کن تا آنکه حکم کند خدا و او است بهترین حکم کنندگان (109)

ترجمه قرآن 242
بنام خداوند بخشنده مهربان
ترجمه قرآن، ص: 205
كتابيست كه محكم گردانيده آيتهايش پس تفصيل داده شد از نزد درست كردار آگاه (1)
كه نپرستيد مگر خدا را بدرستى كه من مر شما را از آن بيم كننده و مژده دهنده‌ام (2)
و آنكه آمرزش خواهيد از پروردگارتان پس بازگشت كنيد بسوى او كه برخوردار كند شما را برخوردارى نيكو تا مدّتى نامبرده شده و ميدهد هر صاحب فضلى را فضلش و اگر روگردانيد پس بدرستى كه من ميترسم بر شما از عذاب روز بزرگ (3)
بسوى خدا است بازگشت شما و او بر همه چيز توانا است (4)
آگاه باشيد كه آنها شكن ميدهند سينه‌هاشان را تا پوشيده دارند از او آگاه باشيد هنگامى كه بر سر ميكشند جامه‌هاى خود را ميداند آنچه پنهان ميدارند و آنچه آشكار ميكنند بدرستى كه او دانا است بذات سينه‌ها (5)
و نيست هيچ جنبده در زمين مگر بر خدا است روزيش و ميداند قرارگاهش را و امانتگاهش را همگى باشد در كتابى روشن (6)
و او است كه آفريد آسمانها و زمين را در شش روز و بود عرش او بر آب تا بيازمايد شما را كه كدامتان نيكوتريد در كردار و اگر بگوئيد بدرستى كه شما باشيد بر انگيخته شدگان از پس مرگ هر آينه گويند آنان كه كافر شدند نيست اين مگر جادوى آشكار (7)
و هر آينه اگر باز پس اندازيم از ايشان عذاب را تا مدّتى شمرده شده هر آينه ميگويند چه بازداشت آن را آگاه باشيد روزى كه بيايد ايشان را نخواهد شد گردانيده از ايشان و فرود آمد بايشان آنچه بودند كه بآن استهزاء ميكردند (8)
و هر آينه اگر بچشانيم انسان را از خود رحمتى پس برداريم آن را
ترجمه قرآن، ص: 206
از او بدرستى كه او هر آينه نوميد و ناسپاس است (9)
و هر آينه اگر بچشانيم او را نعمتى پس از سختى رنجى كه مسّ كرد او را هر آينه ميگويد البتّه كه رفت بديها از من بدرستى كه او هر آينه شادمان نازنده است (10)
مگر آنان كه صبر كردند و كردند كارهاى شايسته آنها مر ايشان را است آمرزش و مزدى بزرگ (11)

پس شاید تو ترک کننده باشی برخی از آنچه وحی فرستاده میشود بتو و تنگ میشود بآن سینه‌ات که میگویند چرا فرستاده نشد بر او گنجی یا نیامد بر او فرشته جز این نیست که تو بیم کننده و خدا بر همه چیزی وکیل است (12)
یا میگویند بدروغ بر بسته آن را بگو پس بیاورید ده سوره مانند آن بر بافته شدها و بخوانید هر که را توانید از جز خدا اگر هستید راستگویان (13)
پس اگر اجابت نکردند مر شما را پس بدانید که آنچه فرو فرستاده شد بعلم خدا است و آنکه نیست خدایی مگر او پس آیا شما منقادانید (14)
کسی که باشد که بخواهد زندگی دنیا و و زینت آن را تمام میدهیم بایشان کردارهاشان را در آن و ایشان در آن کم کرده نشوند (15)
آنها آنانند که نیست مر ایشان را در آخرت مگر آتش و نابود شد آنچه کردند در آن و ناچیز است آنچه بودند که میکردند (16)
آیا پس کسی که باشد بر بیّنه از پروردگارش و بخواند آن را شاهدی از آن و از پیشش کتاب موسی پیشوا و رحمتی آن گروه میگروند بآن و هر که کافر میشود بآن از گروه‌های دشمن پس آتش وعدگاه او است پس مباش در شکّی از آن بدرستی که آن حقّ است از پروردگارت

و لیکن اکثر مردمان نمیگروند (17)
و کیست ستمکارتر از آنکه بر بافت بر خدا دروغ را آنها عرض کرده میشوند بر پروردگارشان و گویند گواهان اینگروه آنانند که دروغ بستند بر پروردگارشان آگاه باشید لعنت خدا است بر ستمکاران (18)
آنان که باز میدارند از راه خدا و میخواهند آن را کج و ایشانند بآخرت ایشان کافران (19)
آنها نباشند عاجز کنندگان در زمین و نباشد مر ایشان را از جز خدا هیچ دوستان مضاعف کرده میشود برای ایشان عذاب نیستند که بتوانند شنیدن و نیستند که به بینند (20)
آن گروه آنانند که زیان کردند بر نفسهای خود و گمشد از ایشان آنچه بودند که دروغ می‌بستند (21)
ناچار است بدرستی که ایشان در آخرت ایشانند زیانکارتران (22)
بدرستی که آنها که گرویدند و کردند کارهای شایسته و آرمیدند بسوی پروردگارشان آن گروه اهل بهشتند ایشان در آن جاویدانند (23)
مثل آن دو گروه چون کور و کر و بینا و شنوا است آیا یکسان میباشند بمثل آیا پس پند نمیگیرید (24)
و بحقیقت فرستادیم نوح را بسوی قومش بدرستی که من مر شما را بیم کننده روشنم (25)
اینکه نپرستید مگر خدا را بدرستی که من میترسم بر شما از عذاب روزی

دردناک (26)
پس گفتند آن جمعی که کافر شدند از قومش نمی‌بینیم ترا مگر انسانی مانند ما و نمی‌بینیم ترا که پیروی کرده باشند ترا مگر آنان که ایشانند

فرومایگان ما در مبدء اندیشه و نمی‌بینیم مر شما را بر خود هیچ زیادتی بلکه گمان میبریم شما را دروغگویان (27)
گفت ای قوم من خبر دهید اگر باشم بر حجّتی از پروردگارم و داده باشد مرا رحمتی از نزدش پس پوشیده باشد بر شما آیا جبر کنم شما را بآن و شما باشید مر آن را ناخوش دارندگان (28)
و ای قوم من نمیطلبم از شما بر آن مالی نیست مزد من مگر بر خدا و نیستم من راننده آنان که گرویدند بدرستی که ایشانند ملاقات کنندگان خداشان و لیکن می‌بینیمتان گروه نادانان (29)
و ای قوم من کیست که یاری کند مرا از خدا اگر برانم ایشان را آیا پس پند نمیگیرید (30)
و نمیگویم مر شما را که نزد من است خزانه‌های خدا و نمیدانم غیب را و نمیگویم بدرستی که من فرشته‌ام و نمیگویم مر ایشان را که بخواری در ایشان مینگرد چشمهای شما که هرگز ندهد ایشان را خدا خیری خدا داناتر است بآنچه در نفسهای ایشان است بدرستی که من آن گاه از ستمکاران بر خود باشم (31)
گفتند ای نوح بتحقیق با ما مجادله کردی پس بسیار گردانیدی جدال را با ما پس بیاور بما آنچه وعده دادی اگر هستی از راستگویان (32)
گفت جز این نیست که آورد بشما آن را خدا اگر خواهد و نیستید عاجز کنندگان (33)
و سود نمیدهد شما را پند دادنم اگر خواهم که پند دهم شما را اگر خواسته باشد خدا که غایب گرداند شما را او است پروردگار شما و بسوی او باز میگردید (34)
بلکه میگویند بر بافته آن را بگو اگر بر بافته باشم آن را پس بر منست وبال گناه من و من بیزارم از آنچه گناه میکنید (35)
و وحی کرده شد بسوی نوح که ایمان

نخواهند آورد از قومت هرگز مگر آنکه بدرستی که ایمان آورده پس اندوهگین مباش بآنچه هستند که میکنند (36)
و بساز کشتی را بنگاهداشت ما و وحی ما و در خواست مکن مرا درباره آنها که ستم کردند بدرستی که ایشان غرق شدگانند (37)
و میساخت کشتی را و هر گاه که بگذشتندی بر او جماعتی از قومش استهزاء کردند بر او گفت اگر استهزاء کنید با ما پس بدرستی که ما نیز

استهزاء میکنیم بشما هم چنان که استهزاء میکنید (38)
پس زود باشد که بدانید آن کس را که آید او را عذابی که رسوا گرداند او را و فرود آید بر او عذابی دایم (39)
تا وقتی که آمد فرمان ما و بر جوشید آن تنور گفتیم بردار در کشتی از هر نر و ماده دو تا و کسانت را مگر آنکه پیشی گرفته بر او گفتار ما و نیز بردار هر که گرویده و نگرویده بودند با او مگر اندکی (40)
و گفت سوار شوید در آن بنام خدا در وقت راندنش و وقت بازداشتنش بدرستی که پروردگارم آمرزنده مهربانست (41)
و آن میبرد ایشان را در میان موجها که بود چون کوه‌ها و آواز داد نوح پسرش را و بود در کناره از کشتی که ای پسرک من سوار شو با ما و مباش با کافران (42)
گفت زود باشم که پناه برم بکوهی که نگاه دارد مرا از آب گفت نیست نگاهدارنده امروز از فرمان خدا مگر آن را که ببخشد و حایل شد میانشان موج پس شد از غرق شدگان (43)
و گفته شد ای زمین فرو بر آب خود را و ای آسمان باز گیر آبت را و کم کرده شد آب و گذارده شد کار و قرار گرفت بر کوه جودی و گفته شد دوری از رحمت باد مر گروه ستمکاران را (44)
و بر خواند نوح پروردگارش را پس گفت ای پروردگار من
ترجمه قرآن، ص: 210
بدرستی که پسرم از کسان من است و بدرستی که وعده تو حقّ است و تو حکم کننده‌ترین حکم کنندگانی (45)
گفت ای نوح بدرستی که او نیست از کسان تو بدرستی که او صاحب کرداری ناشایسته بود پس مخواه از من آنچه نیست مر ترا بآن دانش بدرستی که من پند میدهم ترا که باشی از نادانان (46)
گفت ای پروردگار من بدرستی که من پناه میبرم بتو که سؤال کنم از تو آنچه نیست مرا بآن دانشی و اگر نیامرزی مرا و رحم نکنی مرا باشم از زیانکاران (47)
گفته شد ای نوح فرود آی بسلامی از ما و برکتها بر تو و بر گروهی چند از آنها که با تو اند و امّتی چندند که برخوردار کنیمشان پس برسد ایشان را از ما عذابی دردناک (48)
این از خبرهای نهان است وحی میکنیم آن را بسوی تو نبودی تو که بدانی آن را تو بخودی خود و نه قومت پیش از وحی پس صبر کن بدرستی که انجام نیک مر پرهیزکاران را است (49)
و فرستادیم بقوم عاد برادرشان هود را گفت ای قوم من بپرستید خدا را نیست مر شما را از هیچ خدایی جز او نیستید شما مگر افترا کنندگان (50)
ای قوم من نمیطلبم از شما بر آن مزدی نیست مزد من مگر بر آنکه

بیافرید مرا آیا پس در نمییابید بعقل (51)
و ای قوم من آمرزش خواهید از پروردگارتان پس توبه کنید بسوی او تا فرستد از آسمان بر شما باران پی در پی و بیفزاید شما را قوّتی با قوّت شما و اعراض مکنید در حالی که اصرار کنید بر گناهان (52)
گفتند ای هود نیاوردی بما حجّتی روشن و نیستیم ما واگذارندگان خدایان خود را از گفتار تو و نیستیم ما مر ترا گروندگان (53)
نمیگوئیم مگر آنکه رسانیده‌اند ترا برخی خدایان ما ببدی گفت
ترجمه قرآن، ص: 211
بدرستی که من گواه میگیرم خدا را و گواه باشید که من بیزارم از آنچه شرک میآورید (54)
از جز او پس مکر کنید بمن همه پس مهلت مدهید مرا (55)
بدرستی که من توکّل کردم بر خدا که پروردگار من و شما است نیست هیچ جنبنده مگر که او گیرنده است موی پیشانی او را بدرستی که پروردگار من بر راه راست است (56)
پس اگر اعراض کنید پس بحقیقت رسانیدیم شما را آنچه فرستاده شدم بآن بسوی شما و و جانشین گرداند پروردگار من گروهی را غیر شما و ضرر نمیرساند او را چیزی بدرستی که پروردگار من بر همه چیزی نگهبان است (57)
و چون آمد فرمان ما رهانیدیم هود را و آنان که گرویده بودند با او برحمتی از ما و رهانیدیم ایشان را از عذاب درشت (58)
و این قوم هود انکار کردند آیتهای پروردگارشان را و نافرمانی کردند پیغمبران او را و پیروی کردند فرمان هر سرکش حق ناپذیر را (59)
و پی آورد شدند در این دنیا لعنت را و روز قیامت آگاه باشید بدرستی که عاد کافر شدند پروردگارشان را آگاه باشید هلاک باد مر عاد را که قوم هودند (60)
و بسوی ثمود برادرشان صالح را گفت ای قوم بپرستید خدا را نیست شما را هیچ خدایی جز او او آفرید شما را از زمین و عمر داد شما را در آن پس آمرزش خواهید از او پس بازگشت کنید بسوی او بدرستی که پروردگار من نزدیکست و اجابت کننده است (61)
گفتند ای صالح بدرستی که بودی در ما امید داشته شده پیش از این آیا نهی میکنی ما را از آنکه بپرستیم آنچه را میپرستیدند پدران ما و بدرستی که ما هر آینه در شکیم از آنچه میخوانی ما را بآن که انشکی بگمان بد اندازنده است (62)
گفت ای قوم خبر دهید مرا اگر باشم بر حجّتی از پروردگارم و داده باشد مرا از خودش رحمتی
ترجمه قرآن، ص: 212

پس کیست که یاری کند مرا از خدا اگر نافرمانی کنم او را پس نخواهید افزود مرا جز نسبت زیانکاری (63)
و ای قوم این ناقه خدا مر شما را آیتی است پس بگذاریدش بخورد در زمین خدا و مسّ مکنیدش ببدی پس خواهد گرفت شما را عذابی نزدیک (64)
پس پی کردند او را پس گفت زیستن کنید در خانهاتان سه روز آن وعده‌ایست بغیر دروغ (65)
پس چون آمد فرمان ما نجات دادیم صالح را و آنان که گرویدند با او برحمتی از ما و از رسوایی آن روز بدرستی که پروردگار تو او است نیرومند غالب (66)
و گرفت آنان را که ستم کردند فریاد مهلک پس گشتند در خانهاشان بر جای ماندگان (67)
گویا اقامت نداشتند در آن آگاه باشید بدرستی که ثمود کافر شدند بپروردگار خود بدانید هلاک باد مر ثمود را (68)
و بتحقیق آمدند فرستادگان ما ابراهیم را بمژده فرزند گفتند سلاما گفت سلام پس درنگ نکرد که آورد گوساله را بریان در زیر سنگ پخته شده (69)
پس چون دید دستهاشان نمیرسد بآن ناخوش گرفت ایشان را و در دل گرفت از ایشان ترسی گفتند مترس بدرستی که ما را فرستاده‌اند بسوی قوم لوط (70)
و زن او ایستاده بود پس خندید پس مژده دادیم او را باسحق و از پس اسحق یعقوب (71)
گفت ای وای من آیا فرزند آورم و من پیره زنم و این شوهر من است که پیر مردیست بدرستی که این هر آینه چیزی است عجیب (72)
گفتند آیا تعجّب میکنی از امر خدا رحمت خدا و برکتهای او بر شما اهل این خانه بدرستی که او ستوده بزرگوار است (73)
پس چون رفت از
ترجمه قرآن، ص: 213
ابراهیم ترس و آمد او را مژده فرزند سخن میکرد با ما درباره شفاعت قوم لوط (74)
بدرستی که ابراهیم بود بردبار ناله کننده بازگشت کننده (75)
ای ابراهیم روی بگردان از این شفاعت بدرستی که آمد فرمان پروردگارت و بدرستی که آینده ایشانست عذابی که ردّ نخواهد شد (76)
و چون آمدند رسولان ما لوط را محزون شد بایشان و تنگ شد بایشان در طاقت و گفت این روزیست سخت (77)
و آمدند او را قومش که بشتاب رانده میشدند بسوی او و از پیش بودند که

میکردند بدیها را گفت ای قوم اینگروه دختران من ایشان پاکیزه‌ترند برای شما پس بترسید از خدا و رسوا مکنید مرا در مهمانانم آیا نیست در شما مردی هدایت یافته (78)
گفتند بدرستی که دانسته که نیست ما را در دختران تو هیچ حقّی و بدرستی که تو هر آینه میدانی آنچه را ما میخواهیم (79)
گفت کاش بودی مرا بشما قوّتی یا منزل میگزیدم بجانبی سخت (80)
گفتند ای لوط بدرستی که ما رسولان پروردگار توایم نخواهند رسید هرگز بتو پس شب روی کن با کسانت در پاره از شب و نباید که ملتفت شود از شما احدی جز زنت بدرستی که رسنده اوست آنچه رسید نیست ایشان را بدرستی که وعده گاه ایشان صبح است آیا نیست صبح نزدیک (81)
پس چون آمد فرمان ما گردانیدیم زیر آن را زیر آن و بارانیدیم بر آن سنگهایی از سنگ گل بر هم نهاده شده (82)
نشان کرده نزد پروردگارت و نیست آن از ستمکاران دور (83)
و بسوی مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ الهی جز او و
ترجمه قرآن، ص: 214
کم مکنید پیمانه را و ترازو را بدرستی که من می‌بینم شما را با مال و خیر بسیار و بدرستی که من میترسم بر شما از عذاب روزی که احاطه کننده است (84)
و ای قوم تمام دهید پیمانه و ترازو را بعدالت و کم مکنید از مردمان چیزهای ایشان را و تباهی مکنید در زمین افساد کنندگان (85)
باقی گذاشته خدا بهتر است از برای شما اگر باشید گروندگان و نیستم من بر شما نگهبان (86)
گفتند ای شعیب آیا نماز تو یعنی دعای تو فرمود ترا که ترک کنیم آنچه را میپرستیدند پدران ما یا آنکه بکنیم در مالهامان آنچه میخواهیم بدرستی که تو هر آینه تویی بردبار هدایت یافته (87)
گفت ای قوم خبر دهید که اگر بوده باشم بر حجّتی از پروردگارم و روزی کرده باشد مرا از آن روزی خوب و نمیخواهم که خلاف کنم شما را در آنچه نهی میکنم شما را از آن نمیخواهم مگر شایسته گردانیدن بقدر آنچه توانم و نیست توفیق من مگر بخدا بر او توکّل کردم و باو بازگشت میکنم (88)
و ای قوم بر آن ندارد شما را مخالفت با من که برسد شما را مثل آنچه رسید قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح را و نباشد قوم لوط از شما دور (89)
و آمرزش خواهید از پروردگارتان پس بازگشت کنید بسوی او بدرستی که پروردگار من مهربان و دوست دار است (90)
گفتند ای شعیب نمییابیم بسیاری را از آنچه می‌گویی و بدرستی که ما هر

آینه می‌بینیم ترا در میان خود ناتوان و اگر نبود رعایت جماعت تو هر آینه سنگسار میکردیم ترا و نیستی تو بر ما غالب (91)
گفت ای قوم آیا جماعت من عزیزترند بر شما از خدا و گرفتید آن را
ترجمه قرآن، ص: 215
از قفاتان پس پشت افتاده بدرستی که پروردگار من بآنچه میکنید فرا رسنده است (92)
و ای قوم بکنید بر تواناییتان بدرستی که من کننده‌ام زود باشد که بدانید که کیست میآید او را عذابی که رسوا کند او را و کیست که او دروغگو است و چشم در راه باشید که من با شما چشم در راهم (93)
و چون آمد امر ما رهانیدیم شعیب را و آنان که گرویدند با او برحمتی از ما و گرفت آنان را که ستم کردند فریاد مهلک پس گردیدند در خانهاشان بر جای ماندگان (94)
که گویا اقامت نداشتند در آنها آگاه باشید هلاک مر مدین را هم چنان که هلاک شد ثمود (95)
و بدرستی که فرستادیم موسی را بآیتهای ما و حجّتی روشن (96)
بسوی فرعون و جماعتش پس پیروی کردند امر فرعون را و نبود امر فرعون درست (97)
پیشرو میشود قومش را روز قیامت پس در آورد ایشان را در آتش و بد است آنجای ورود که ورود یافته شده (98)
و از پی کرده شدند در اینوقت لعنت را و روز قیامت بد است آن عطیّه که عطا کرده شده (99)
این از اخبار قریه‌ها است که میخوانیم آن را بر تو از آنها بر پا است و از آنها درویده شده (100)
و ظلم نکردیم ایشان را و لیکن ظلم کردند بخودهاشان پس کفایت نکرد از ایشان خدایانشان که میخواندند از غیر خدا هیچ چیز چون آمد فرمان پروردگارت و نیفزود ایشان را جز هلاکت (101)
و همچنین است گرفتن پروردگارت چون گرفت قریه‌ها را و آنها ظالم بودند بدرستی که گرفتن او دردناک سخت است (102)
بدرستی که در آن هر آینه نشانی است برای آنکه ترسید از عذاب آخرت این روزی است که جمع کرده شود برای مردمان
ترجمه قرآن، ص: 216
و این روزیست حاضر گردانیده شده (103)
و بتاخیر نمیاندازیم آن را مگر از برای وقتی معیّن (104)
روزی که بیاید سخن نمیکند نفسی مگر بدستوری او پس از ایشان باشد بدبخت و نیکبخت (105)
پس امّا آنان که بدبخت شدند پس در آتش مر ایشان را است در آن

فريادى سخت و ناله زار (106)
جاودانيان در آن تا باقى است آسمانها و زمين مگر آنچه خواست پروردگار تو بدرستى كه پروردگار تو كننده است آنچه خواهد (107)
و امّا آنان كه نيكبخت شدند پس باشند در بهشت جاودانيان در آن ما دام كه باقى است آسمانها و زمين مگر آنچه خواست پروردگارت بخششى غير مقطوع (108)
پس مباش در شكّ از آنچه ميپرستند اينها نمى‌پرستند مگر چنان كه ميپرستيدند پدرانشان از پيش و ما هر آينه تمام دهنده ايشانيم بهره ايشان را بدون كم و كاست (109)
و بحقيقت داديم موسى را تورية پس اختلاف كرده شد در آن و اگر نبود كلمه كه پيشى يافته از پروردگارت هر آينه حكم كرده شده بود ميانشان و بدرستى كه آنها در شكّى باشند از آن كه بگمان بد اندازه است (110)
و بدرستى كه همه را جميعا هر آينه تمام خواهد داد ايشان را پروردگارت جزاى اعمالشان را كه او بآنچه ميكنند آگاه است (111)
پس ثابت باش چنان كه مامور شده و كسى كه توبه كرد با تو و از حدّ در مگذريد بدرستى كه او بآنچه ميكنيد بينا است (112)
و ميل مكنيد بسوى آنان كه ظلم كردند پس مسّ كند شما را آتش و نباشد مر شما را از جز خدا هيچ دوستان پس يارى كرده نشويد (113)
و بر پاى دار نماز را دو طرف روز و ساعتهاى نزديک از شب بدرستى كه خوبيها ميبرند بديها را آن پند است مر پند گيرندگان را
ترجمه قرآن، ص: 217
(114)
و صبر كن پس بدرستى كه خدا ضايع نميكند مزد نيكوكاران را (115)
پس چرا نبودند از قرنها پيش از شما صاحبان فضل كه نهى كنند از فساد در زمين مگر اندكى از آنان كه رهانيديم از ايشان و پيروى كردند آنان كه ستم كردند آنچه را متنعّم كرده شدند در آن و بودند گناهكاران (116)
و نباشد پروردگار تو كه هلاک كند قريه‌ها را بستم و اهل آنها باشند مصلحان (117)
و اگر خواستى پروردگار تو هر آينه گردانيدى مردمان را امّت واحد و هميشه باشند اختلاف كنندگان (118)
مگر آن را كه رحم كرد پروردگار تو و از براى آن آفريد ايشان را و تمام شد سخن پروردگارت كه هر آينه پر كنم البتّه دوزخ را از جنّيان و مردمان همه (119)
و همه را ميخوانيم بر تو از اخبار رسولان آنچه ثابت ميگردانيم بآن دلت را و آمد ترا در اين حقّ و پندى و نصيحت از براى گروندگان (120)
و بگو از براى آنان كه نميگروند كار كنيد بر تواناييتان بدرستى كه ما

کنندگانیم (121)
و منتظر باشید بدرستی که ما منتظرانیم (122)
و مر خدا را است نهانی آسمانها و زمین و بسوی او باز میگردد امر همه
آن پس بپرست او را و توکّل کن بر او و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه
میکنید (123)

سورة يوسف عليه السّلام مائة و احدى عشرة آية و هى مكّية

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ترجمه قرآن، ص: 218

این آیتهای کتابیست روشن (1)

بدرستی ما فرو فرستادیم آن را قرآنی بلغت تازی باشد که شما دریابید (2)

ما ما میخوانیم بر تو نیکوترین حکایتها را بآنچه وحی کردیم بتو این قرآن را بدرستی که بودی تو پیش از آن هر آینه از بیخبران (3)

هنگامی که گفت یوسف مر پدر خود را ای پدر من بدرستی که من دیدم در خواب یازده ستاره و آفتاب را و ماه را دیدمشان مرا سجده کنندگان (4)

گفت ای پسرک من مخوان خواب خود را بر برادرانت پس مکر کنند برای تو مکر بدی بدرستی که دیو رجیم مر آدمی را دشمنی است هویدا (5)

و همچنین برگزیند ترا پروردگارت و بیاموزد ترا از تاویل خوابها و تمام کند نعمت خود را بر تو و بر آل یعقوب هم چنان که تمام کردش بر دو پدرت از پیش ابراهیم و اسحق بدرستی که پروردگار تو دانای درستکار است (6)

البتّه که هست در قصّه یوسف و برادرانش نشانهای قدرت مر پرسندگان را (7)

هنگامی که گفتند هر آینه یوسف و برادرش دوستترند بسوی پدر ما از ما و حال آنکه مائیم جوانان کارزار بدرستی که پدر ما هر آینه در خیال غلطی است هویدا (8)

بکشید یوسف را یا بیندازید در زمین دوری تا خالی ماند برای شما روی پدرتان و بشوید پس از آن گروهی شایستگان (9)

گفت گوینده از ایشان که نکشید یوسف را و بیندازید او را در قعر چاه تا برگیرند او را برخی از کاروانیان اگر هستید کنندگان (10)

گفتند ای پدر ما

ترجمه قرآن، ص: 219

چیست مر ترا که امین نمیدانی ما را بر یوسف و بدرستی که ما مر او را از خیر خواهانیم (11)

بفرست او را با ما فردا تا بر جهد و بازی کند و بدرستی که ما مر او را نگهبانانیم (12)

گفت بدرستی که من غمناک میکند مرا که ببرید او را و بترسم که بخورد او را گرگ و شما باشید از او بیخبران (13)

گفتند هر آینه اگر خورد او را گرگ و حال آنکه ما جوانان کار زاریم بدرستی که ما آن گاه زیانکارانیم (14)

پس چون بردند او را و اتّفاق کردند که اندازندش در قعر چاه و وحی کردیم بسوی یوسف که هر آینه آگاه کنی ایشان را بکارشان این و ایشان ندانند که تو یوسفی (15)
و آمدند نزد پدر خود شبانگاه گریه میکردند (16)
گفتند ای پدر ما بدرستی که ما رفتیم که اسب تازیم و تیر اندازیم و واگذاشتیم یوسف را نزد اسباب خود پس خوردش گرگ و نیستی تو باور دارنده مر ما را و اگر چه باشیم راستگویان (17)
و آوردند بر زبر پیراهن او خون دروغی گفت بلکه زینت داده در نظرهای شما نفسهای شما کار بزرگی پس صبر من صبر بزرگیست و خدا است یاری خواسته شده بر آنچه می‌ستایید (18)
و آمدند کاروانیان پس فرستادند آب آورشان را پس فرو نهاد دلوش را بچاه گفت ای مژده این پسری است و پنهان داشتندش جهة سرمایه خود و خدا دانا است بآنچه میکنند (19)
و فروختند او را ببهای اندک بچند در هم شمرده شده و بودند در آن از بی رغبتان (20)
و گفت آنکه خرید او را از مصر با زن خود عزیز و نیکودار جایگاه او را شاید که فایده بخشد ما را یا گیریم او را بجای فرزند و همچنین
ترجمه قرآن، ص: 220
مکنت و قوّت دادیم یوسف را در زمین و تا بیاموزیم او را از تعبیر خوابها و تعبیر کتب و خدا غالب است بر کار خود و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند (21)
و چون رسید بنهایت جوانی خود دادیم او را علم شریعت و دانش و همچنین سزا دهیم نیکوکاران را (22)
و آمد و رفت میکرد نزد او زنی که یوسف در سرای او بود از نفس یوسف و محکم بست درها را و گفت بشتاب بسوی چیزی که آماده است ترا گفت پناه میبرم بخدا بدرستی که او است پروردگار من نیکو کرده جایگاه مرا بدرستی که رستکار نمیشوند ستمکاران (23)
و هر آینه خواهش آن کار زشت کردی بان اگر نبودی که دیدی حجّت پروردگار خود را همچنین کردیم تا بگردانیم از او گناه و کار زشت و بدرستی که او از بندگان ما بود که پاک کرده بود از شقاوت (24)
و پیشی گرفتند آن زن و یوسف در خانه را و پاره کرد پیراهن او را از پس سر و یافتند شوهر زلیخا را در در خانه گفت آن زن نیست سزای کسی که خواهد که کند با زن تو کار بدی مگر آنکه محبوس یا عذابی پر درد (25)
گفت یوسف اینزن حیله کرد با من جهة تحصیل کام خود از من و گواهی داد گواهی از خویشان زلیخا که اگر باشد پیراهن یوسف پاره شده است از پیش پس راست گفته زلیخا و یوسف از دروغگویان است (26)

و اگر باشد پیراهن او که پاره شده از پی سر پس دروغ گفته زلیخا و یوسف از راستگویان است (27)
پس چون دید عزیز که پیراهن او پاره شده از پی سر گفت این کار از مکر شما زنان است بدرستی که مکر شما زنان بزرگست (28)
ای یوسف رو بگردان از این کار زتشت و آمرزش خواه ای زلیخا برای گناه خود بدرستی که تو ای زن هستی از خطا کاران (29)
و گفتند جمعی از زنان در مصر
ترجمه قرآن، ص: 221
که زن عزیز آمد و رفت میکند با غلام برای تحصیل کام خود از نفس او بحقیقت شیفته کرده این غلام او را از راه عشق بدرستی که ما می‌بینیم او را در گمراهی آشکارا
پس چون شنید زلیخا مکر ایشان را فرستاد بدعوت ایشان و مهیّا کرد برای ایشان تکیه گاهی و داد بدست هر یک از ایشان کاردی و ترنجی و گفت بیرون آی برای ایشان پس چون دیدند او را بزرگ داشتندش و بریدند دستهای خود را و گفتند پاکست خدا نیست این آدمی نیست این مگر فرشته بزرگوار (31)
گفت زلیخا پس این غلام است که ملامت میکردید مرا در عشق او هر آینه بدرستی که مکر کردم با او بجهة تحصیل کامم از تن او پس خود را نگاهداشت و هر آینه اگر نکند آنچه فرمایم او را هر آینه محبوس شود البتّه و هر آینه خواهد شد از خوار شدگان (32)
گفت ای پروردگار من زندان دوستتر است بسوی من از آنچه میخوانند بسوی آن و اگر نگردانی از من مکر ایشان را میل میکنم بسوی ایشان و باشم از نادانان (33)
پس پذیرفت دعای او را پروردگارش پس بگردانید از او مکر ایشان را بدرستی که او است شنوای دانا (34)
پس ظاهر شد مر ایشان را پس از آنکه دیدند علامات عصمت یوسف را که البتّه در زندان کنندش تا زمان مرگ (35)
و در رفتند با او در زندان دو جوان گفت یکی از ایشان بدرستی که من دیدم خود را در خواب که میفشردم شراب را و گفت آن دیگری بدرستی که من دیدم خود را که برداشته بودم بر زبر سر خود نانی که میخورد مرغی از آن آگاه کن ما را بتعبیرش بدرستی که ما می‌بینیم ترا از جمله نیکوکاران (36)
گفت نیاید شما را طعامی که روزی داده شوید آن را مگر که آگاه گردانم شما را بتعبیر این خواب پیش از آنکه بیاید آن طعام شما را این از جمله علمهائیست که آموخته مرا پروردگارم بدرستی که من وا گذاشتم کیش گروهی که نمیگروند

ترجمه قرآن، ص: 222
بخدا و ايشان بآخرت ايشانند كافران (37)
و پيروى كردم كيش پدرانم را ابراهيم و اسحق و يعقوب نزد ما را كه انباز فرا داريم بخدا هيچ چيز را اين از فضل خدا است بر ما و بر مردمان و ليكن بيشتر مردمان شكر نميكنند (38)
اى دو رفيق من در زندان آيا خدايان متعدّد بهترند يا خداى يگانه غالب بر همه (39)
نميپرستيد از جز او مگر صاحبان نامهايى را كه ناميده‌ايد آنها را شما و پدرانتان فرو نفرستاده خدا بآن هيچ حجّتى نيست حكم مگر خداى را فرموده است كه نپرستيد مگر او را اين است دين راست و درست و ليكن اكثر مردمان نميدانند (40)
اى دو يار من در زندان امّا يكى از شما پس بياشاماند خواجه خود را شراب و امّا آن ديگرى پس بردار كرده شود پس ميخورد مرغ از سر او حكم كرده شد كار خوابى كه در باب آن تعبير ميخواستيد (41)
و گفت يوسف مر آن را كه ميدانست كه او رستگار ميشود از آن دو نفر كه ياد آورى كن مرا نزد خواجه خود پس از ياد برد او را ديو رجيم ياد كردن او را نزد خواجه خود پس درنگ كرد در زندان هفت سال (42)
و گفت پادشاه بدرستى كه من مى‌بينم در خواب هفت گاو فربه ميخورند آنها را هفت گاو لاغر و هفت خوشه گندم سبز و هفت خوشه ديگر همه خشك اى گروه معبّران فتوى دهيد مرا در خواب من اگر هستيد كه خوابها را تعبير ميكنيد (43)
گفتند اين خوابهاى آشفته است و نيستيم ما بتعبير خوابهاى آشفته دانايان (44)
ترجمه قرآن، ص: 223
و گفت آنكه رهايى يافته بود از آن دو يا و بخاطرش آمد سخن يوسف پس از مدّتى من آگاه كنم شما را بتعبيرش پس بفرستيد مرا نزد يوسف (45)
اى يوسف اى بسيار راستگوى اعلام نماى بما تعبير را در اينكه هفت گاو فربه كه ميخورندشان هفت گاو لاغر و هفت خوشه گندم همه سبز و هفت ديگر خشكها باشد كه من بر كردم بسوى مردمان باشد كه ايشان بدانند (46)
گفت ميكاريد هفت سال بر عادت مستمرّ پس آنچه را درويديد پس واگذاريد آن را در خوشه آن مگر اندكى از آنچه ميخوريد (47)
پس بيايد از پس آن سالى كه در آن فرياد رسيده شوند مردمان و در آن نجات مييابند (49)
و گفت پادشاه بياريد نزد من او را پس چون آمد او را فرستاده گفت باز كرد بسوى خواجه خود پس بپرس از او كه چه بود حال آن زنانى كه بريدند

دستهای خود را بدرستی که پروردگار من بمکر آنها دانا است (50)
گفت چه بود حالتان هنگامی که کامجو شدید بفریب یوسف را از نفسش گفتند حاش للّه ندانستیم بر او هیچ بدی گفت زن عزیز اکنون ثابت شد حقّ من کامجو شدم بفریب او را از نفسش و بدرستی که او هر آینه از راستگویانست (51)
این برای آنکه بداند که من خیانت نکردم او را به پنهانی و بدرستی که خدا هدایت نمیکند حیله خیانت کنندگان را (52)
و بری نمیدارم نفسم را بدرستی که نفس هر آینه امر کننده است ببدی مگر آنکه رحم کرد پروردگارم بدرستی که پروردگارم آمرزنده
ترجمه قرآن، ص: 224
مهربان است (53)
و گفت پادشاه بیارید نزد من او را تا خاصّ گردانم او را برای خودم پس چون سخن کرد با او گفت بدرستی که تو امروز نزد ما با منزلت و با امانتی (54)
گفت بگردان مرا بر خزانهای زمین که من نگاه دارنده دانایم (55)
و همچنین تمکّن دادیم مر یوسف را در زمین که منزل گزیند از آن هر جا که خواهد میرسانیم برحمت خود آن را که خواهیم و ضایع نسازیم مزد نیکوکاران را (56)
و هر آینه مزد آخرت بهتر است از برای آنان که گرویدند و بودند که پرهیز میکردند (57)
و آمدند برادران یوسف پس داخل شدند بر او پس شناخت ایشان و آنها بودند مر او را ناشناسندگان (58)
و چون سامان کرد ایشان را بساز سفرشان گفت بیارید مرا برادری که مر شما را است از پدرتان آیا نمی‌بینید که من تمام میدهم پیمانه را و من بهترین فرود آورندگانم (59)
پس اگر نیارید نزد من او را پس نباشد پیمانه مر شما را نزد من و نزدیک مشوید مرا (60)
گفتند بزودی چاره جویی میکنیم از او پدر شرا و بدرستی که ما هر آینه کنندگانیم (61)
و گفت مر غلامانش را که بگذارید مایه تجارتشان را در رحلهاشان باشد ایشان بشناسند آن را چون باز کردند بسوی کسانشان باشد که ایشان بازگشت کنند (62)
پس چون بازگشتند بسوی پدرشان گفتند ای پدر ما باز داشته شد از ما پیمانه پس بفرست با ما برادرمان را تا پیمانه گیریم و بدرستی که ما مر او را نگهدارندگانیم (63)
گفت آیا امین گردانم شما را بر او مگر هم چنان که امین کردم شما را بر

برادرش از پیش پس خدا بهتر است از راه نگهدارنده بودن و او رحم کننده‌ترین رحم کنندگانست (64)
و چون گشادند متاعشان را یافتند مایه تجارتشان را که ردّ کرده شده بود
ترجمه قرآن، ص: 225
بایشان گفتند ای پدر ما چه میخواهیم این است مایه تجارتمان که باز پس داده شده بما و میآریم طعامی برای اهلمان و نگهداری میکنیم برادرمان را و زیاده میکنیم پیمانه شتری را این پیمانه ایست اندک (65)
گفت هرگز نخواهم فرستاد آن را با شما تا آنکه بدهید مرا پیمانی از خدا که هر آینه بیاریدش البتّه نزد من مگر آنکه احاطه کرده شود بشما پس چون دادندش پیمانشان را گفت خدا بر آنچه می‌گوییم وکیل است (66)
و گفت ای پسران من داخل نشوید از یک دروازه و داخل شوید از درهای جداگانه و کفایت نمیکنم از شما از خدا هیچ چیز نیست حکم مگر مر خدا را بر او توکّل کردم و بر او پس توکّل میکنند توکّل کنندگان (67)
و چون داخل شدند از جایی که فرمود ایشان را پدرشان نشد که کفایت کند از ایشان از خدا هیچ چیز جز حاجتی در نفس یعقوب که بجا آورد آن را و بدرستی که او هر آینه صاحب علم است مر آنچه را تعلیم دادیم او را و لیکن اکثر مردمان نمیدانند (68)
و چون داخل شدند بر یوسف کشید در بر خود برادرش را گفت بدرستی که منم برادرت پس غمگین مباش بآنچه بودند که میکردند (69)
پس چون سامان کرد ایشان را بساز سفرشان گذاشت آبخواره را در حل برادرش پس ندا کرد ندا کننده که ای قافله بدرستی که شما هر آینه دزدانید (70)
گفتند در وی کردند بر ایشان که چه گم کرده‌اید (71)
گفتند میجوئیم آبخواره ملک را و برای کسی که آورد آن را بار شتریست و منم بآن کفیل (72)
گفتند بخدا که بحقیقت دانستید که نیامده‌ایم تا فساد کنیم در
ترجمه قرآن، ص: 226
زمین و نیستیم دزدان (73)
گفتند پس چیست پاداش آن اگر باشید دروغگویان (74)
گفتند جزایش کسی که یافت شد در متاعش پس آن کس جزای آنست همچنین جزا میدهیم ستمکاران را (75)
پس ابتدا کرد بظرفهای ایشان پیش از ظرف برادرش پس بیرون آورد آن را از ظرف برادرش همچنین حیله کردیم برای یوسف نبود که بگیرد برادرش را در دین پادشاه جز آنکه خواهد خدا بلند گردانیم مراتب آن را که خواهیم و بالای هر صاحب دانشی دانایی است (76)
گفتند اگر دزدی کند پس بتحقیق که دزدی کرد برادری مر او را از پیش

پس پنهان داشت آن را یوسف در نفس خود و ظاهر نکرد آن را برای ایشان گفت شما بدترید از راه منزلت و خدا داناتر است بآنچه وصف میکنید (77)
گفتند ای عزیز بدرستی که مر او راست پدر پیری بزرگ پس بگیر یکی از ما را بجای او بدرستی که ما می‌بینیم ترا از نیکوکاران (78)
گفت معاذ اللَّه که بگیریم مگر کسی را که یافته‌ایم متاعمان را نزدش بدرستی که ما آن هنگام باشیم هر آینه از ستمکاران (79)
پس چون نومید شدند از او یک طرف شدند رازگویان گفت بزرگشان آیا نمیدانید بدرستی که پدرتان بتحقیق گرفت بر شما پیمانی از خدا و از پیش آنچه تقصیر کردید در یوسف پس هرگز نروم از این زمین تا دستوری دهد مرا پدرم یا حکم کند خدا برای من و او است بهترین حکم کنندگان (80)
باز گردید بسوی پدرتان و بگوئید ای پدر ما بدرستی که پسر تو دزدی کرد و گواهی نمیدهیم مگر بآنچه دانستیم و نباشیم مر نهانی را نگاهدارندگان (81)
ترجمه قرآن، ص: 227
و بپرس از آن قریه که بودیم در آن و قافله که آمدیم در آن و بدرستی که ما هر آینه راستگویانیم (82)
گفت بلکه خوب وانمود برای شما نفسهاتان امری را پس صبریست نیکو شاید خدا که بیاورد نزد من ایشان را همه بدرستی که او است او دانای درست کردار (83)
و روی گردانید از ایشان و گفت ای اندوه بر یوسف و سفید شد دو چشمش از اندوه پس او بود خشم خورنده (84)
گفتند بخدا که همیشه باشی یاد کنی یوسف را تا شوی بیمار یا شوی از هلاک شدگان (85)
گفت جز این نیست شکایت میکنم پریشانی حالم را و اندوهم را بخدا و میدانم از خدا آنچه نمیدانید (86)
ای پسران من بروید پس تفحص کنید از یوسف و برادرش و نومید مشوید از رحمت خدا بدرستی که نومید نمیشود از رحمت خدا مگر گروه کافران (87)
پس چون داخل شدند بر او گفتند ای عزیز مسّ کرد ما را و کسان ما را آزار و آورده‌ایم مایه تجارت اندکی پس تمام نمای ما را پیمانه و تصدّق کن بر ما بدرستی که خدا جزا میدهد صدقه دهندگان را (88)
گفت آیا دانستید آنچه را کردید بیوسف و برادرش هنگامی که شما بودید نادانان (89)
گفتند آیا بدرستی که تو هر آینه تویی یوسف گفت منم یوسف و اینست برادرم بدرستی که بخشش کرد خدا بر ما بدرستی که کسی که

پرهیزکاری میکند و صبر مینماید پس بدرستی که خدا ضایع نمیکند مزد نیکوکاران را (90)
گفتند بخدا که بتحقیق برگزید ترا خدا بر ما و بدرستی که ما هستیم هر آینه خطا کاران (91)
گفت نیست سرزنشی بر شما امروز میآمرزد خدا
ترجمه قرآن، ص: 228
شما را و او رحم کننده‌ترین رحم کنندگانست (92)
ببرید پیراهن مرا این پس بیندازیدش بر روی پدرم که میآید بینا و بیاورید نزد من کسانتان را همه (93)
و چون جدا شد قافله گفت پدرشان بدرستی که من هر آینه مییابم بوی یوسف را اگر آنچه بنقصان عقل منسوب نسازیدم (94)
گفتند بخدا بدرستی که تو هر آینه باشی در حیرتت که سابق بود (95)
پس چون آمد او را مژده دهنده انداخت آن را بر رویش پس گشت بینا گفت آیا نگفتم مر شما را که من میدانم از خدا آنچه نمیدانید (96)
گفتند ای پدر ما آمرزش خواه برای ما گناهان ما را که ما هستیم خطاکاران (97)
گفت زود باشد که آمرزش طلبم برای شما از پروردگارم بدرستی که او است آمرزنده مهربان (98)
پس چون داخل شدند بر یوسف کشید در بر خود والدینش را و گفت داخل شوید در مصر اگر خواسته باشد خدا ایمنان (99)
و بالا برد والدینش را بر تخت و بر او فتادند برادران مر او را سجده‌کنان و گفت ای پدر من این است تعبیر خوابم از پیش بحقیقت گردانید آن را پروردگارم حقّ و بتحقیق خوبی کرد بمن هنگامی که بیرون آورد مرا از زندان و آورد شما را از بادیه پس از آنکه افساد کرد شیطان میان من و میان برادرانم بدرستی که پروردگارم لطف کننده است مر آن را که خواهد بدرستی که او است دانای درست کردار (100)
پروردگار من بدرستی که دادی مرا از پادشاهی و آموختی مرا از تاویل حدیثها پدید آورنده آسمانها و زمین تویی یاور من در دنیا و آخرت بمیران مرا
ترجمه قرآن، ص: 229
مسلمان و ملحق کن مرا بشایستگان (101)
آن از چیزهای نهانست که وحی میکنیم آن را بتو و نبودی تو نزد ایشان هنگامی که اتّفاق میکردند در کارشان و آنها مکر میکردند (102)
و نباشند اکثر مردمان و اگر چه حریص باشی تو بگروندگان (103)
و نمیخواهی از ایشان بر آن هیچ مزدی نیست آن مگر پندی از برای جهانیان (104)

و بسا از نشانه در آسمانها و زمین که میگذرند بر آنها و ایشان از آنها اعراض کنندگانند (105)
و ایمان نمیآورند اکثرشان بخدا مگر و ایشان مشرکانند (106)
آیا پس ایمن شدند که آمد ایشان را فرو گیرنده از عذاب خدا یا بیاید ایشان را قیامت ناگاه و ایشان ندانند (107)
بگو این است راه من میخوانم بسوی خدا بر بینایی من و آنکه پیروی کرد مرا و منزّه است خدا و نیستم من از مشرکان (108)
و نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی که وحی میکردیم بایشان از اهل قریه‌ها آیا پس سیر نمیکنند در زمین پس بنگرند چگونه بود انجام آنان که بودند پیش از ایشان و هر آینه سرای آخرت بهتر است از برای آنان که بپرهیزند آیا پس در نمییابید بعقل (109)
تا چون که نومید شدند رسولان و دانستند که ایشان تکذیب کرده شدند آمدشان نصرت ما پس رهانیده شد آنکه خواستیم و باز گردانیده نشود عذاب ما از گروه گناهکاران (110)
هر آینه باشد در قصّه‌های ایشان پندی مر صاحبان خردها را نباشد حدیثی که بدروغ بسته شود و لیکن تصدیق آن چیزیست که باشد میانه دو دستش و بیان همه چیز
ترجمه قرآن، ص: 230
و هدایت و رحمت از برای گروهی که میگروند (111)

سورة الرّعد مدنيّة و هى ثلاث و اربعون آية

بنام خداوند بخشنده مهربان
این آیتهای کتابست و آنچه فرستاده شد بتو از پروردگارت حقّ است و لیکن اکثر مردمان نمیگروند (1)
خدا است که بر افراشت آسمانها بی ستون که می‌بینید آنها را پس مستولی شد بر عرش و مسخّر کرد آفتاب و ماه را هر یک میروند تا مدّتی نام برده شده تدبیر میکند کار کاینات را بیان میکند آیتها را باشد که شما برسیدن جزای پروردگارتان یقین کنید (2)
و اوست که بگسترد زمین را و گردانید در آن کوه‌ها و نهرها و از همه ثمرها گردانید در آن دو صنف دو تا میپوشاند پرده از شب و روز بدرستی که در آن هر آینه آیتها است از برای قومی که تفکّر میکنند (3)
و در زمین حصّه‌ها است نزدیک بهم و بوستانها از انگورها و زراعت و خرمای بنان دو تا از یک اصل رسته و جز آنکه آب داده میشود بیک آب و زیادتی میدهیم برخی از آنها را بر برخی در ثمر بدرستی که در آن هر آینه آیتها است از برای گروهی که دریابند بعقل (4)
و اگر عجیب میداری پس عجبت گفتارشان که آیا چون باشیم خاک آیا بدرستی که ما هر آینه در آفرینش تازه‌ایم آن گروه آنانند که کافر شدند پروردگارشان و آن گروه باشد غلها در گردنهاشان و آنها اهل آتشند ایشان در آن جاودانیانند
ترجمه قرآن، ص: 231
(5)
و بشتاب میخواهند از تو بدی را پیش از خوبی و بدرستی که گذشت پیش از ایشان عقوبتها و بدرستی که پروردگار تو هر آینه خداوند آمرزش است مر مردمان را بر ستمشان و بدرستی که پروردگار تو هر آینه سخت عقوبتست (6)
و میگویند آنان که کافر شدند چرا فرو فرستاده نشد بر او آیتی از پروردگارش جز این نیست که تو بیم کننده و از برای هر قومی راهنماییست (7)
خدا میداند آنچه بر میدارد هر ماده و آنچه را میکاهد رحمها و آنچه را می‌افزاید و همه چیز نزد او باندازه است (8)
دانای نهان و آشکار است بزرگست برتر است (9)
یکسان است از شما کسی که پوشید گفتار را و کسی که آشکار کرد آن را و کسی که او پنهانست بشب و آشکار است بروز (10)
مر او راست از پی هم در آیندها از پیش روی او و از پس پشت او که

نگهبانی میکنندش از امر خدا بدرستی که خدا تغییر نمیدهد آنچه با جمعیت تا وقتی که تغییر دهند آنچه در نفسهای ایشانست و چون خواهد خدا بجمعی بدی پس برگردانیدن نباشد مر آن را و نباشد مر ایشان را از غیر خدا هیچ مددکاری (11)
او است که مینماید شما را برق برای بیم دادن و امیدوار گردانیدن و پدید میآورد ابرهای گرانبار را (12)
و تسبیح میکند رعد بستایش او و فرشتگان از ترس او و میفرستد صاعقه‌ها را پس میرساند آن را بهر که میخواهد و ایشان مجادله میکنند در خدا و او سخت عقوبتست (13)
مر او راست دعوت حقّ و آنان که میخوانند از غیر او اجابت نمیکنند مر ایشان را بچیزی مگر چون گشاینده دو کفش بسوی آب تا برسد

بدهنش و نیست آن رسنده بآن و نیست خواندن کافران جز در گمراهی (14)
و مر خدا را سجده میکند هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه و سایه‌هاشان در بامداد و شبانگاهها (15)
بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو خدا است بگو آیا پس گرفتید از غیر او دوستان که مالک نمیباشند از برای خودهاشان سودی و نه زیانی بگو آیا مساوی میباشند نابینا و بینا یا آیا مساوی میباشند تاریکیها و روشنی یا گردانیدند برای خدا انبازانی که آفریدند چون آفریدن او پس مشتبه شد آفریده بر ایشان بگو خدا آفریننده همه چیز است و اوست یکتای قهر کننده (16)
فرو فرستاد از آسمان آب را پس روان شد رودخانها از آن آب باندازه خود پس برداشت این آب روان کف بلند را و از آنچه میافروزند بر آن در آتش از برای طلب پیرایه یا مایه تعیّش کفست مثل آن همچنین میزند خدا حقّ و باطل را پس امّا کف پس میرود انداخته شده و امّا آنچه نفع میدهد مردم را پس دیر میماند در زمین همچنین میزند خدا آن مثلها را (17)
از برای آنان که اجابت نمودند مر پروردگارشان را خوبیست و آنان که اجابت نکردند مر او را اگر آنکه بود مر ایشان را آنچه در زمین است همه و مثلش با آن هر آینه فدا داده بودند بآن آنها از برای ایشان است بدی حساب و منزل ایشان دوزخست و بد است آن بستر (18)
آیا پس آنکه بداند که آنچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگارت حقّ است چون

کسی است که او کور است پند نمیگیرند صاحبان خردها (19)
آنان که وفا میکنند به پیمان خدا و نمیشکنند پیمان را (20)

و آنان که میپیوندند آنچه را امر کرده خدا بآن که پیوند کرده شود و میترسند از پروردگارشان و بیم دارند از بدی حساب (21)
و آنان که صبر کردند برای طلب وجه پروردگارشان و بر پای داشتند نماز را و انفاق نمودند از آنچه روزی دادیمشان نهان و آشکار و دفع میکنند بخوبی بدی را آنها مر ایشان را است عاقبت آن سرای (22)
بهشتهای اقامت دائمی که داخل میشوند آنها و کسی که شایسته شد از پدرانشان و جفتهاشان و فرزندانشان و ملائکه داخل میشوند بر ایشان از هر دری (23)
سلام بر شما بسبب آنچه صبر کردید پس خوب است انجام آن سرای (24)
و آنان که میشکنند پیمان خدا را پس از استوار کردنش و میبرند آنچه را امر کرده خدا بآن که وصل کرده شود و فساد میکنند در زمین آنها مر ایشان را است لعنت و مر ایشان را است بدی آن سرای (25)
خدا وسیع میکند روزی را برای آنکه میخواهد و تنگ میگرداند و شاد شدند بزندگانی دنیا و نیست زندگانی دنیا در آخرت مگر متاعی (26)
و میگویند آنان که کافر شدند چرا فرو فرستاده نشد بر او آیتی از پروردگارش بگو بدرستی که خدا گمراه میگذارد آن را که میخواهد و هدایت میکند بسوی خود آن را که بازگشت کرد (27)
آنان که گرویدند و میآرامد دلهاشان بذکر خدا آگاه باشید بذکر خدا میآرامد دلها (28)
آنان که گرویدند
ترجمه قرآن، ص: 234
و کردند کارهای شایسته خوش باد مر ایشان را و نیکویی بازگشت (29)
همچنین فرستادیم ترا در امّتی که گذشتند از پیش آنها امّتها تا بخوانی بر ایشان چیزی را که وحی فرستادیم بتو و ایشان کافر میشوند بخدای بخشنده بگو او است پروردگار من نیست الهی مگر او بر او توکّل کردم و باو است بازگشت من (30)
و اگر آنکه میبود قرآنی که برفتار در آورده شدی بآن کوه‌ها یا پاره پاره شدی بآن زمین یا بسخن در آورده شدی بآن مردگان بلکه مر خدا راست امر همگی آیا پس ندانستند آنان که گرویدند که اگر میخواست خدا هر آینه هدایت کرده بود مردمان را همه و همیشه آنان که کافر شدند میرسد ایشان را بسبب آنچه کردند مصیبتی سخت یا فرود می‌آیی نزدیک بخانه ایشان تا بیاید وعده خدا بدرستی که خدا خلاف نمیکند وعده را (31)
و بتحقیق استهزاء کرده شد برسولان پیش از تو پس مهلت دادم مر آنان را که کافر شدند پس گرفتمشان پس چگونه باشد عقوبت من (32)
آیا پس کسی که او نگهبان است بر هر نفسی بآنچه کسب کرد و گردانیدند از برای خدا شریکان بگو نام برید آنها را بلکه خبر میدهید او را بآنچه

نمیدانید در زمین بلکه بظاهریست از گفتار بلکه آراسته شد از برای آنها که کافر شدند حیله ایشان و باز داشته شدند از راه و کسی را که اضلال کرد خدا پس نباشد مر او را راهنمایی (33)
مر آنها را عذابیست در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت سخت‌تر است و نباشد مر ایشان را از خدا هیچ نگاهدارنده (34)
مثل بهشتی که وعده داده شد
ترجمه قرآن، ص: 235
بپرهیزکاران میرود از زیرش نهرها میوه‌اش دائمی است و سایه‌اش اینست انجام آنان که پرهیزکار شدند و انجام کافران آتش است (35)
و آنان که دادیم ایشان را کتاب شاد میشوند بآنچه فرو فرستاده شد بتو و از طایفه‌های دشمن کسی است که انکار میکند برخی از آن را بگو جز این نیست فرموده شدم که بپرستم خدا را و شرک نیاورم باو بسوی او میخوانم و بسوی او است بازگشت (36)
و همچنین فرو فرستادیم آن را حکمی عربی و اگر از پیروی خواهشهای ایشان را پس از آنچه آمد ترا از دانش نباشد مر ترا از خدا هیچ ناصری و نه نگاهدارنده (37)
و بتحقیق فرستادیم رسولان چند از پیش تو و گردانیدیم از برای ایشان زنان و فرزندان و نباشد مر رسولی را که بیاورد آیتی را مگر بدستوری خدا از برای هر اجلی نوشته ایست (38)
محو میگرداند خدا آنچه خواهد و ثابت میدارد و نزد او است اصل کتاب (39)
و اگر بنمایم ترا بعضی از آنچه وعده میدهیم ایشان را یا بمیرانیم ترا پس جز این نیست بر تست رسانیدن و بر ما است حساب (40)
آیا ندیدید که ما می‌آییم زمین را کم میکنیم آن را از اطرافش و خدا حکم میکند نیست ردّ کننده مر حکم او را و او است زود حساب (41)
و بدرستی که مکر کردند آنان که بودند پیش از ایشان پس مر خدا راست مکر همه میداند آنچه کسب میکند هر نفسی و زود باشد که بداند کافران که مرگ را است انجام آن سرای (42)
و میگویند آنان که کافر شدند
ترجمه قرآن، ص: 236
نیستی تو فرستاده شده بگو کافی است خدا گواه میان من و میان شما و کسی که نزد او است دانش کتاب (43)

سورة إبراهيم عليه السّلام اثنتان و خمسون آية

بنام خداوند بخشاینده مهربان
کتابیست که فرو فرستادیم آن را بتو تا بیرون آوری مردمان را از تاریکیها بروشنایی باذن پروردگارشان بسوی راه غالب ستوده (1)
خدایی که مر او را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است دوای مر کافران را از عذاب سخت (2)
آنان که بر میگزینند زندگانی دنیا را بر آخرت و باز میدارند از راه خدا و میخواهند آن را کج آنها در گمراهی دورند (3)
و نفرستادیم هیچ رسولی را مگر بزبان قومش تا بیان کند برای ایشان پس گمراه میگذارد خدا آن را که میخواهد و هدایت میکند آن را که خواهد و او است غالب درست کردار (4)
و بدرستی که فرستادیم موسی را بآیتهای ما که بیرون آور قومت را از تاریکیهای کفر بنور ایمان و پند ده ایشان را بروزهای خدا بدرستی که در آن هر آینه آیتها است از برای هر صبر کننده شکرگزاری (5)
و چون گفت موسی مرقومش را که یاد کنید نعمت خدا را بر شما چون نجات دادتان از فرعونیان که عذاب میکردند شما را

بدترین عذابی و میکشتند پسرانتان را و باقی میگذاشتند زنان شما را و در آن بلائی بود از پروردگار شما بزرگ (6)
و هنگامی که اعلام کرد پروردگار شما که اگر شکر کنید هر آینه زیاده میدهم شما را و اگر کافر شوید بدرستی که عذاب من هر آینه سخت است (7)
و گفت موسی اگر کافر شوید شما و هر که در زمین است همه پس بدرستی که خدا هر آینه بی نیاز ستوده است (8)
آیا نیامد شما را خبر آنان که بودند پیش از شما قوم نوح و عاد و ثمود و آنان که بودند بعد از ایشان نمیداند ایشان را مگر خدا آمد ایشان را رسولانشان با معجزات پس برگردانیدند دستهاشان در دهنهاشان و گفتند بدرستی که ما کافر شدیم بآنچه فرستاده شدید بآن و بدرستی که ما در شکّیم از آنچه میخوانید ما را بآن که بگمان بد اندازنده است (9)
گفتند رسولانشان آیا باشد در خدا شکّی که پدید آورنده آسمانها و زمین است میخواند شما را تا بیامرزد شما را از گناهانتان و بآخر اندازد شما را تا وقتی که نام برده شده گفتند نیستید شما مگر انسانی مانند ما میخواهید که باز دارید ما را از آنچه بودند که میپرستیدند پدران ما پس بیاورید بما حجّتی روشن (10)

گفتند مر ایشان را رسولانشان نیستیم ما مگر انسانی مانند شما و لیکن خدا منّت مینهد بر آنکه میخواهد از بندگانش و نباشد مر ما را که بیاوریم بشما حجّتی مگر باذن خدا و بر خدا پس باید که توکّل کنند گروندگان (11)
و چیست ما را که توکّل نکنیم بر خدا و بدرستی که
ترجمه قرآن، ص: 238
هدایت کرد ما را براههای ما و هر آینه صبر خواهیم کرد البتّه بر آنکه رنجانیدید ما را و بر خدا پس باید توکّل کنند توکّل کنندگان (12)
و گفتند آنان که کافر شدند مر رسولانش را هر آینه بیرون کنیم شما را از زمین خود یا هر آینه بر میگردید در کیش ما پس وحی فرستاد بایشان پروردگارشان که هر آینه هلاک میگردانیم ظالمان را (13)
و ساکن میگردانیم شما را در آن زمین از پس ایشان آن از برای کسی است که ترسید از مقام من و ترسید از وعده عذابم (14)
و طلب فتح کردند و نومید شدند هر سرکش حقّ ناپذیری (15)
و از پیش رویش دوزخست و آب داده میشود از آبی که خون جراحت است (16)
جرعه جرعه میآشامد آن را و نزدیک نباشد که فرو بردش بآسانی و میآید او را مرگ از همه جا و نیست او مرده و از پیش رویش عذابیست سخت (17)
مثل آنان که کافر شدند بپروردگارشان کردارشان چون خاکستریست که سخت بوزد بر آن باد در روزی که باد سخت میآمده باشد قادر نباشند از آنچه کسب کرده باشند بر چیزی آنست آن گمراهی دور (18)
آیا ندانید که خدا آفرید آسمانها و زمین را براستی اگر خواهد ببرد شما را و بیاورد خلقی تازه (19)
و نیست آن بر خدا دشوار (20)
و ظاهر شدند بر خدا همگی پس گفتند ضعیفان مر آنان را که طلب بزرگی کردند بدرستی که ما بودیم مر شما را پیروان پس آیا شما هستید کفایت کنندگان از ما عذاب خدا هیچ چیز گفتند اگر هدایت کرده بود ما را خدا هدایت کرده بودیم شما را یکسانست بر ما خواه جزع نموده باشیم یا صبر کرده باشیم که نیست ما را هیچ گریزگاهی (21)
و گوید شیطان
ترجمه قرآن، ص: 239
چون گزارده شد امر بدرستی که خدا وعده داد شما را وعده راست و درست و وعده دادم شما را پس خلاف کردم شما را و نبود مرا بر شما هیچ تسلّطی مگر آنکه خواندم شما را پس اجابت کردید مرا پس ملامت مکنید نفسهای خود را نیستم من فریادرس شما و نیستید شما فریادرس من بدرستی که من کافر شدم به اینکه شریک گردانیدند مرا از پیش

بدرستی که ظالمان مر ایشان را عذابیست پر درد (22)
و در آورده میشود آنان که گردیدند و کردند کارهای شایسته در بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها جاودانیان در آن باذن پروردگارشان درودشان در آنها سلام است (23)
آیا نمی‌بینی که چگونه زد خدا مثل را کلمه پاکیزه چون درخت پاکیزه ایست که اصلش ثابتست و فرعش در آسمان (24)
داده میشود میوه‌اش هر حین باذن پروردگارش و میزند خدا مثلها را از برای مردمان باشد که ایشان پند گیرند (25)
و مثل کلمه پلید چون درخت پلیدیست که ریشه کن شده باشد از بالای زمین که نباشد مر آن را هیچ قراری (26)
ثابت میگرداند خدا آنان را که گرویدند بگفتار ثابت در زندگانی دنیا و در آخرت و اضلال میکند خدا ستمکاران را و میکند خدا آنچه میخواهد (27)
آیا ننگریستی به آنانکه تبدیل کردند نعمت خدا را بکفر و فرود آوردند قومشان را بسرای هلاک (28)
که دوزخست در آیند آن را و بد است آنجای قرار (29)
و گردانیدند از برای خدا مانندها تا گمراه گردانند از راهش بگو کامرانی کنید پس بدرستی که
ترجمه قرآن، ص: 240
بازگشت شما بآتش است (30)
بگو مر بندگان مرا آنان که گرویدند که بر پای دارند نماز را و انفاق کنید از آنچه روزی دادیم ایشان را نهان و آشکار پیش از آنکه بیاید روزی که نباشد بیعی در آن و نه دوستی (31)
خدا است که آفرید آسمانها و زمین را و فرو فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آورد بآن از میوه روزی از برای شما و رام کرد برای شما کشتی را تا روان شود در دریا بامرش و رام کرد برای شما نهرها (32)
و مسخّر کرد برای شما آفتاب و ماه را دو کوشنده دائمی و رام کرد برای شما شب و روز را (33)
و دادتان از هر آنچه خواستید آن را و اگر بشمارید نعمت خدا را احصا نتوانید کرد آن را بدرستی که انسان هر آینه سخت ستمکار ناسپاس است (34)
و چون گفت ابراهیم ای پروردگار من بگردان این شهر مکّه را امن و دور دار مرا و پسرانم را از آنکه پرستیم بتان را (35)
ای پروردگار من بدرستی که آنها گمراه کردند بسیاری را از مردمان پس هر که پیروی کرد مرا پس بدرستی که او از من است و هر که نافرمانی کرد مرا پس بدرستی که تو آمرزنده مهربانی (36)
ای پروردگار من بدرستی که من ساکن گردانیدم برخی از فرزندانم را

بدامن کوهی غیر خداوند زراعت نزد خانه تو که حرام گردانیده شده پروردگار ما تا بر پایدارند نماز را پس بگردان دلهای برخی از مردمان را که بشتابد بسوی ایشان و روزی ده ایشان را از ثمرها باشد که ایشان شکر گزاری کنند (37)
ای پروردگار ما بدرستی که تو میدانی آنچه پنهان میداریم و آنچه آشکار میکنیم و پوشیده نمیباشد بر خدا هیچ چیز در زمین و نه در آسمان (38)
ترجمه قرآن، ص: 241
ستایش مر خدا را که بخشید بمن در بزرگی اسمعیل و اسحق را بدرستی که پروردگار من هر آینه شنونده دعائی (39)
ای پروردگار من بگردان مرا بر پا دارنده نماز و از فرزندانم ای پروردگار من و قبول کن دعای مرا (40)
پروردگار ما بیامرز مرا و والدینم را و مؤمنانرا روزی که قائم شود حساب (41)
و مپندار البته خدا را بیخبر از آنچه میکنند ستمکاران جز این نیست باز پس میاندازیم ایشان را برای روزی که گشاده میماند در آن چشمها (42)
شتاب زدگان ببالا دارندگان سرهاشان را بر نمیگردد بسوی ایشان چشمهاشان و دلهاشان باشد خالی (43)
و بیم کن مردمان را از روزی که آید ایشان را عذاب پس گویند آنان که ستم کردند ای پروردگار ما باز پس بر ما را تا مدّتی نزدیک تا اجابت نمائیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولان را آیا و نبودید که سوگند میخوردید از پیش که نیست مر شما را هیچ زوالی (44)
و ساکن شدید در مسکنهای آنان که ستم کردند بر خودهاشان و ظاهر شد مر شما را که چگونه کردیم بایشان و زدیم برای شما داستانها (45)
و بدرستی که حیله کردند مکرشان را و نزد خدا است جزای مکرشان و اگر چه بود مکرشان که زایل شود از آن کوه‌ها (46)
پس مپندار البتّه خدا را خلاف کننده وعده‌اش برسولانش بدرستی که خدا غالب صاحب انتقام است (47)
روزی که تبدیل کرده میشود زمین بغیر این زمین و آسمانها و ظاهر شدند از برای خدای یکتای غالب (48)
و می‌بینی گناهکاران را آن روز قرین کرده شدگان در غلها (49)
پیراهنهاشان از قطران و بپوشد
ترجمه قرآن، ص: 242
رویهاشان را آتش (50)
تا جزا دهد خدا هر نفسی آنچه کسب کرده بدرستی که خدا زود حسابست (51)

این کفایتست مر مردمان را و تا ترسانیده شوند بآن و تا بدانند که جز این نیست که او است خدای یکتا و تا پند گیرند صاحبان خردها (52)

ترجمه قرآن 271
بنام خداوند بخشاينده مهربان
اين آيتهاى كتاب و قرآنى است روشن (1)
بسا كه آرزو كنند آنها كه كافر شدند كه كاش بودند مسلمانان (2)
واگذار ايشان را تا بخورند و كامرانى كنند و مشغول كند ايشان را آرزو پس زود باشد كه بدانند (3)
و هلاك نكرديم هيچ قريه را مگر و بود او را نوشته معلوم (4)
پيش نيفتد هيچ امّتى از اجلش و باز پس نمانند (5)
و گفتند اى آنكه فرو فرستاده شده بر او ذكر بدرستى كه تو هر آينه ديوانه (6)
چرا نميآرى بما فرشتگان را اگر هستى از راستگويان (7)
فرو نميفرستيم ملائكه را مگر بحقّ و نباشند آن گاه از مهلت دادگان (8)
بدرستى كه ما فرو فرستاديم ذكر را و بدرستى كه ما مر او را نگاهدارندگانيم (9)
و بدرستى كه فرستاديم پيش از تو در گروه‌هاى پيشينيان (10)
و نمى‌آمد ايشان را هيچ رسولى مگر كه بودند بآن استهزاء ميكردند (11)
همچنين در ميآريم آن را در دلهاى گناهكاران
ترجمه قرآن، ص: 243
(12)
ايمان نميآورند بآن و بدرستى كه گذشته است آئين پيشينيان (13)
و اگر ميگشاديم بر ايشان درى از آسمان پس ميبودند همه روزه كه در آن ببالا ميرفته باشند (14)
هر آينه ميگفتند جز اين نيست بسته شده چشمهاى ما بلكه مائيم گروهى سحر كرده شدگان (15)
و بدرستى كه گردانيديم در آسمان برجها و آراستيم آن را براى نگرندگان (16)
و نگاهداشتيم آن را از هر شيطان رانده شده (17)
مگر آنكه بدزديده گوش فرا داشت پس از پى رفت او را شهابى روشن (18)
و زمين وسعت داديم آن را و افكنديم در آن كوه‌هاى استوار و رويانيديم ما در آن از هر چيز سنجيده (19)
و ساختيم براى شما در آن مايه‌هاى تعيّش و كسى را كه نيستيد مر او را روزى دهندگان (20)

و نیست هیچ چیز مگر اینکه نزد ما است خزینهایش و نمیفرستیم آن را مگر باندازه دانسته شده (21)
و فرستادیم بادها را بار گرفتها پس فرو فرستادیم از آسمان آب را پس نوشانیدیم شما را از آن و نیستید شما مر آن را خزانه داران (22)
و بدرستی که ما هر آینه مائیم که زنده کنیم و بمیرانیم و مائیم وارثان (23)
و بتحقیق دانستیم پیش رفتگان را از شما و بتحقیق دانستیم واپس ماندگان را (24)
و بدرستی که پروردگار تو او محشور میکند ایشان را که او درستکار دانا است (25)
و بتحقیق که آفریدم انسان را از گل خشک شده از لای ریخته شده (26)
و پدر پریان آفریدش از پیش از آتش سوزان (27)
و هنگامی که گفت پروردگار تو مر ملائکه را بدرستی که من آفریننده‌ام
ترجمه قرآن، ص: 244
انسانی را از گل خشک از لای ریخته شده (28)
پس چون راست کردم آن را و دمانیدم در آن از روحم پس بیفتید مر او را سجده‌کنان (29)
پس سجده کردند مر او را فرشتگان کلّشان همگی (30)
مگر شیطان ابا نمود که باشد با سجده کنندگان (31)
گفت ای شیطان چیست مر ترا که نمیباشی با سجده کنندگان (32)
گفت نیستم من که سجده کنم مر انسانی را که آفریدی او را از گل خشک شده از لای ریخته شده (33)
گفت پس بیرون رو از آن پس بدرستی که تویی رانده شده (34)
و بدرستی که بر تو است لعنت تا روز جزا (35)
گفت ای پروردگار من پس مهلت ده مرا تا روزی که بر انگیخته شوند (36)
گفت پس بدرستی که تو از مهلت دادگانی (37)
تا روز وقت دانسته شده (38)
گفت پروردگار من با آنکه اغوا کردی مرا هر آینه آراسته میکنم برای ایشان در زمین و هر آینه باز دارم ایشان را همگی (39)
مگر بندگان تو از ایشان که مخلصانند (40)
گفت این راهی است بر من راست (41)
بدرستی که بندگان من نیست مر ترا بر ایشان تسلّطی مگر آنکه پیروی کرد ترا از گمراهان (42)
بدرستی که دوزخ هر آینه وعده‌گاه ایشانست همه (43)
مر آن را است هفت در مر هر دری را است از ایشان پاره قسمت کرده

شده (44)
بدرستی که پرهیزکاران باشند در بهشتها و سرچشمه‌ها (45)
داخل شوید آنها را بسلامتی ایمنان (46)
و بیرون کشیدم آنچه بود در سینه‌های ایشان از کینه برادران بر سریرهای روی بهم دارندگان (47)
نمیرسد ایشان را در آنها تعبی و نباشند ایشان از آنها بیرون شدگان (48)
خبر ده بندگان مرا که بدرستی که منم آمرزنده مهربان (49)
و
ترجمه قرآن، ص: 245
بدرستی که عذاب من آنست عذاب دردناک (50)
و خبر ده ایشان را از مهمانان ابراهیم (51)
هنگامی که داخل شدند بر او پس گفتند سلام گفت بدرستی که از شما ترسندگانیم (52)
گفتند نترس بدرستی که ما مژده میدهیم ترا به پسری دانا (53)
گفت آیا بشارت دادید مرا بر آنکه مسّ کرد مرا پیری پس بچه چیز بشارت میدهد
مرا گفتند مژده دادیم ترا براستی پس مباش از نومیدان (55)
گفت و کیست که نومید شود از رحمت پروردگارش مگر گمراهان (56)
گفت پس چیست کارتان ای فرستادگان (57)
گفتند بدرستی که ما فرستادند بسوی گروهی گناهکاران (58)
مگر خاندان لوط بدرستی که ما رهاننده ایشانیم همه (59)
مگر زنش که تقدیر کردیم که او هر آینه باشد از بازماندگان (60)
پس چون آمد آل لوط را فرستادگان (61)
گفت بدرستی که شمائید گروه ناشناخته (62)
گفتند بلکه آمدیم ترا بآنچه بودند در آن شکّ میکردند (63)
و آورده‌ایم ترا حقّ و بدرستی که ما هر آینه راستگویانیم (64)
پس بیرون بر اهلت را در پاره از شب و تابع شو قفاهای ایشان را و نباید که التفات کند از شما احدی و بروید جایی که مامور شده‌اید (65)
و گزارش دادیم بسوی او این امر را که بدرستی که دنبال اینها است بریده شده صبح کنندگان (66)
و آمدند اهل شهر شادمانی میکردند (67)
گفت بدرستی که اینها مهمان منند پس رسوا مکنید مرا (68)
و بترسید از خدا و خوار مسازید مرا (69)
گفتند آیا منع نکردیم ترا از جهانیان (70)
گفت این است دختران من اگر هستید کنندگان (71)
بجان تو که ایشان

ترجمه قرآن، ص: 246
هر آينه در مستى‌شان حيران ميزيستند (72)
پس گرفتشان فرياد مهلک داخل در روز شدگان (73)
پس گردانيديم زبر شرا زيرش و بارانيديم بر ايشان سنگها از سنگ گل (74)
بدرستى که در آن هر آينه آيتها است مر اهل فراست را (75)
و بدرستى که آن هر آينه براه ثابت است (76)
بدرستى که در آن هر آينه آيتى است مر گروندگان را (77)
و اگر چه بودند ياران ايکة هر آينه ستمکاران (78)
پس انتقام کشيديم از ايشان و بدرستى که آن دو هر آينه در راه روشنند (79)
و بحقيقت تکذيب کردند اصحاب حجر رسولان را (80)
و داديمشان آيتهاى خود پس بودند از آنها اعراض کنندگان (81)
و بودند ميتراشيدند از کوه‌ها خانه‌ها ايمنان (82)
پس گرفت ايشان را فريادى مهلک بامداد کنندگان (83)
پس کفايت نکرد از ايشان آنچه بودند که کسب ميکردند (84)
و نيافريديم آسمانها و زمين را و آنچه ميان آنها است مگر بحقّ و بدرستى که قيامت هر آينه اينده است پس در گذر در گذشتنى خوب (85)
بدرستى که پروردگار تو او است آفريدگار دانا (86)
و بتحقيق داديم ترا هفت آيه از سوره که دو بار نازل شده و قرآن عظيم (87)
مگشاى بخواهش البتّه دو چشمت را بآنچه کامرانى داديم بان اصنافى را از ايشان و اندوه مخور بر ايشان و فرود آور بالت را از براى گروندگان (88)
و بگو بدرستى که من منم بيم کننده آشکار (89)
هم چنان که فرو فرستاديم بر آنان که گردانيدند قرآن را پاره پاره و جزء جزء کردند (90)
آنان که گردانيدند قرآن را پاره‌ها يا سحرها يا کذبها (91)
پس بپروردگار تو قسم که هر آينه خواهيم پرسيد ايشان را همه (92)
از آنچه بودند که ميکردند (93)
پس آشکار کن بآنچه مامور شده و رو بگردان
ترجمه قرآن، ص: 247
از مشرکان (94)
بدرستى که ما کفايت ميکنيم از تو استهزاء کنندگان را (95)
آنان که ميگردانند با خدا خدايى ديگر پس زود باشد که بدانند (96)
و بتحقيق ميدانيم که تو تنگ ميشود سينه‌ات بآنچه ميگويند (97)

پس تسبیح کوی بستایش پروردگارت و باش با سجده کنندگان (98)
و بپرست پروردگارت را تا بیاید ترا مرگ (99)

سورة النّحل مائة و ثمان عشرون آية و هى نزلت بمكّة

بنام خداوند بخشاينده مهربان
آمد فرمان خدا پس طلب تعجيل مكنيد آن را دانم پاک بودنش را و برتر آمده از آنچه شرک مى‌آورند (1)
فرو ميفرستد ملائكه را با روح از امرش بر آنكه ميخواهد از بندگانش كه بيم دهيد بدرستى كه نيست الهى مگر من پس بترسيد از من (2)
آفريد آسمانها و زمين را براستى برتر آمده از آنچه شرک مى‌آورند (3)
آفريد انسان را از نطفه پس اكنون او است جدال كننده آشكار (4)
و شتر و گاو و گوسفند آفريد آنها را براى شما در آنها است گرمى و منفعتها و از آنها ميخوريد (5)
و براى شما است در آنها تجمّلى در وقتى كه مى‌آريد از چراگاه و هنگامى كه سر ميدهيد (6)
و بر ميدارند بارهاى گران شما را و ميبرند بشهرى كه نباشيد رسنده آن مگر بتعب نفسها بدرستى كه پروردگار شما هر آينه مهربان رحيم است (7)
و اسبها و استرها و خرها را
ترجمه قرآن، ص: 248
تا سوار شويد آنها را و باشد آرايشى و مى‌آفريند آنچه را نميدانيد (8)
و بر خدا است راستى راه و بعضى از آن منحرفست و اگر خواستى هر آينه هدايت كردى شما را همه (9)
او است كه فرو فرستاد از آسمان آب را براى شما از آنست نوشيدنى و از آنست درختى كه در آن ميچرانيد (10)
ميروياند براى شما بآن كشت را و زيتون و درختان خرما و انگورها و از همه ثمرها بدرستى كه در آن هر آينه آيتى است براى گروهى كه انديشه ميكنند (11)
و مسخّر كرد براى شما شب را و روز را و آفتاب و ماه را و ستاره‌ها تسخير شدگانند بفرمان او بدرستى كه در آن هر آينه است آيتها است از براى گروهى كه در ميیابند بعقل (12)
و آنچه را آفريد براى شما در زمين كه مختلف است اقسامش بدرستى كه در آن هر آينه آيتى است مر جمعى را كه فكر ميكنند (13)
و او است كه تسخير كرد دريا را تا بخوريد از آن گوشتى تازه و بيرون آريد از آن پيرايه كه ميپوشيد آن را و مى‌بينى كشتيها را شكافندگان آب بسينه در آن و تا بجويند از فضلش و باشد كه شما شكر كنيد (14)
و افگند در زمين كوه‌هاى استوار مبادا كه ميل كند با شما و نهرها و راهها

باشد که شما راه یابید (15)
و علامتها و بستاره ایشان راه مییابند (16)
آیا پس آنکه میآفریند چون کسی است که نمیآفریند آیا پس پند نمیگیرید (17)
و اگر بشمارید نعمت خدا را بشما ز نتوانید آوردش بدرستی که خدا هر آینه آمرزنده مهربان است (18)
و خدا میداند آنچه را پنهان میدارید و آنچه را آشکار میکنید (19)
ترجمه قرآن، ص: 249
و آنان را که میخوانند از جز خدا نمیتوانند آفرید چیزی را و ایشان آفریده میشوند (20)
مردگانند نه زندگان و نمیدانند که کی بر انگیخته میشوند (21)
خدای شما خدایی است یگانه پس آنان که نمیگروند بآخرت دلهای ایشان ناشناسا است و ایشان سرکشانند (22)
ناچار بدرستی که خدا میداند آنچه پنهان میدارید و آنچه آشکار میکنید بدرستی که او دوست ندارد سرکشان را (23)
و چون گفته شود مر ایشان را چه چیز فرو فرستاد پروردگار شما گویند افسانهای پیشینیان (24)
تا بر دارند بارهای گناهشان را تمام روز قیامت و از بارهای گناه آنان که گمراه میکنند ایشان را بدون علمی آگاه باشید بد است آنچه بر میدارند (25)
بتحقیق مکر کردند آنان که بودند پیش از ایشان پس آمد فرمان خدا بناهاشان را از بیخ پس فرود آمد بر ایشان بام از بالاشان و آمد ایشان را عذاب از آنجا که نمیدانستند (26)
پس روز قیامت خوار میکند ایشان را و میگوید کجایند انبازان من که بودید مخالفت میورزیدید در آنها گفتند آنان که داده شدند دانش را بدرستی که رسوایی امروز و بدی بر کافران است (27)
آنکه قبض روح میکندشان فرشتگان ظلم کنندگان خودهاشان پس در انداختند صلح را که نبودیم بکنیم هیچ بدی آری بدرستی که خدا دانا است بآنچه بودید که میکردید (28)
پس در آئید درهای دوزخ را جاودانیان در آن پس هر آینه بد است آرامگاه تکبّر کنندگان (29)
و گفته شد مر آنان را که پرهیزکار شدند چه چیز فرو فرستاد پروردگارتان
ترجمه قرآن، ص: 250
گفتند خیر یعنی قرآن از برای آنان که نیکویی کردند در این دنیا نیکو است و هر آینه سرای آخرت بهتر است و هر آینه خوبست سرای پرهیزکاران (30)

بهشتهای اقامت دائمی داخل میشوند آن را میرود از زیر آنها نهرها مر ایشانراست در آنها آنچه میخواهند همچنین جزا میدهد خدا پرهیزکاران را (31)
آنها که میمیرانندشان ملائکه پاکیزه‌ها میگویند سلام بر شما در آئید بهشت را بسبب آنچه بودید که میکردید (32)
آیا انتظار میبرند مگر آنکه آید ایشان را ملائکه یا بیاید فرمان پروردگار تو همچنین کردند آنان که بودند پیش از ایشان و ستم نکرد ایشان را خدا و لیکن بودند که بخودهاشان ظلم میکردند (33)
پس رسیدشان بدیهای آنچه کردند و احاطه کرد بایشان آنچه بودند که بآن استهزاء میکردند (34)
و گفتند آنان که شرک آوردند اگر میخواست خدا نمیپرستیدیم از غیر او هیچ چیز را ما و نه پدران ما و حرام نمیکردیم بغیر حکم او هیچ چیز را همچنین کردند آنان که بودند پیش از ایشان پس آیا باشد بر رسولان مگر رسانیدن آشکار (35)
و بحقیقت بر انگیختیم در هر امّتی رسولی که بپرستید خدا را و دور شوید از طاغوت پس از ایشان کسی است که هدایت کرد خدا و از ایشان کیست که ثابت شد بر او گمراهی پس کنید در زمین پس بنگرید چگونه بود انجام کار تکذیب کنندگان (36)
اگر حرص ورزی بر هدایت ایشان پس بدرستی که خدا هدایت نمیکند کسی را که اضلال میکند و نیست مر ایشان را هیچ یاری کنندگان (37)
و سوگند خوردند بخدا مغلّظه‌ترین سوگند ایشان را که بر نمیانگیزد خدا کسی را که میمیرد آری وعده دادنی است بر او حقّ و لیکن
ترجمه قرآن، ص: 251
بیشترین مردمان نمیدانند (38)
تا بیان کند از برای ایشان آنچه اختلاف میکردند در آن و تا جدا نماید آنان را که کافر شدند که ایشان بودند دورغگویان (39)
جز این نیست گفتار ما مر چیزی را چون بخواهیم آن را آنکه بگوئیم مر او را که بشو پس میشود (40)
و آنانی که هجرت کردند در راه خدا از بعد آنکه ستمکرده شدند هر آینه جای میدهیم ایشان را در دنیا جای خوب و هر آینه اجر آخرت بزرگتر است اگر باشد که بدانند (41)
آنان که صبر کردند و بر پروردگارشان توکّل میکنند (42)
و نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی را که وحی میکردیم بسوی ایشان و بپرسید از اهل ذکر اگر باشید که ندانید (43)
بحجّتها و کتابها و فرو فرستادیم بتو ذکر را تا بیان کنی از برای مردم آنچه فرو فرستاده شد بایشان و باشد که ایشان اندیشه کنند (44)

آیا پس ایمن شدند آنان که مکر کردند بدیها را که زیر زبر کند خدا با ایشان زمین را یا بیاید ایشان را عذاب از جایی که ندانند (45)
یا بگیرد ایشان را در گرویدنشان پس نیستند ایشان عاجز کنندگان (46)
یا بگیرد ایشان را بر ترسی پس بدرستی که پروردگار شما هر آینه مهربان رحیم است (47)
آیا ندیدند بسوی آنچه آفرید خدا از چیزی که میگردد سایه‌هایش از راست و چپها سجده کنندگان مر خدا را و ایشان ذلیلانند (48)
و مر خدا را سجده میکند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از جنبنده و ملائکه و ایشان سرکشی نمیکنند (49)
میترسند از پروردگارشان از
ترجمه قرآن، ص: 252
بالاشان و میکنند آنچه مامور میشوند (50)
و گفت خدا که مگیرید دو اله را که دو تا است جز این نیست که او اله یکتا است پس از من پس بترسید (51)
و مر او را است آنچه در آسمانها و زمین است و مر او را است دین که دائمی است آیا پس جز خدا میپرهیزید (52)
و آنچه با شما است از نعمتی پس از خدا است پس چون برسد شما را ضرری پس باو مینالید (53)
پس چون دفع کرد ضرر را از شما همانگاه پاره از شما بپروردگارشان شرک میآورند (54)
تا کفران ورزند بآنچه دادیمشان پس برخورید پس زود باشد که بدانید (55)
و میگردانند برای آنچه نمیدانند بهره از آنچه روزی دادیمشان بخدا سوگند هر آینه پرسیده میشوید از آنچه بودید افترا میکردید (56)
و میگردانند برای خدا دختران دانم پاک بودنش را و مر ایشان را است آنچه میخواهند (57)
و چون مژده داده شود یکی از ایشان بمؤنّث میگردد رویش سیاه کرده شده و او باشد پر از خشم (58)
پنهان شود از قوم از بدی آنچه مژده داده شد بآن که آیا نگه داردش بر خواری یا پنهان کندش در خاک آگاه باشید بد است آنچه حکم میکنند (59)
از برای آنانی که نمیگروند بآخرت مثل بد است و از برای خدا است مثل برتر و او است غالب درست کردار (60)
و اگر مؤاخذه میکرد خدا مردمان را بستمشان نگذاشته بود بر روی زمین هیچ جنبنده و لیکن باز پس میدارد ایشان را تا وقتی که نام برده شده پس چون آید اجلشان باز پس نمیمانند ساعتی و پیش نمیافتند (61)
و میگردانند از برای خدا آنچه ناخوش میدارند و وصف میکند زبانهاشان

دروغ را كه
ترجمه قرآن، ص: 253
مر ايشان را است خوبى ناچار بدرستى كه مر ايشان را است آتش و بدرستى كه ايشانند پيش فرستادگان (62)
بخدا سوگند بحقيقت فرستاديم بسوى امّتانى پيش از تو پس آراسته كرد براى ايشان ديو رجيم كردارشان را پس او است دوست ايشان امروز و مر ايشان را است عذابى دردناك (63)
و نفرستاديم ما بر تو كتاب را مگر از براى آنكه بيان كنى براى ايشان آنچه اختلاف كردند در آن و هدايت و رحمت از براى قومى كه ميگروند (64)
و خدا فرو فرستاد از آسمان آب را پس زنده كرد بآن زمين را پس از مردنش بدرستى كه در آن هر آينه آيتى است براى قومى كه ميشنوند (65)
و بدرستى كه مر شما را است در شتر و گاو و گوسفند عبرتى ميآشامانيم شما را از آنچه در شكمهاى آنها از ميانه سرگين و خون شيرى بيغش گوارا مر آشامندگان را (66)
و از ثمرهاى درختان خرما و انگورها ميگيريد از آن شكرى و روزى خوب را بدرستى كه در آن هر آينه آيت است براى جمعى كه در مييابند بعقل (67)
و وحى فرستاد پروردگار تو بسوى زنبور كه بگير از كوه‌ها خانه‌ها و از درخت و از آنچه بسازند از چوب (68)
پس بخور از همه ثمرها پس برو راههاى پروردگارت را رام شدگان بيرون ميآيد از شكمهاى آنها آشاميدنى كه مختلف است رنگهايش در آن شفاييست براى مردمان بدرستى كه در آن هر آينه نشانى است مر جمعى را كه فكر ميكنند (69)
و خدا آفريد شما را پس ميميراند شما را و از شما كسى است كه ردّ كرده ميشود بسوى فرو مايه تر عمر تا نداند پس از دانستن چيزى بدرستى كه خدا داناى توانا است (70)
و خدا افزونى داد برخى از شما را بر برخى در
ترجمه قرآن، ص: 254
روزى پس نباشند آنان كه افزونى داده شدند برگردانندگان روزيشان بر آنچه مالك شد دستهاشان پس ايشان در آن يكسانند آيا پس نعمت خدا انكار ميكنند (71)
و خدا گردانيد براى شما از خودهاتان جفتها و گردانيد براى شما از جفتهاتان پسران و نوادگان و روزى داد شما را از پاكيزه‌ها آيا پس بباطل ميگروند و بنعمت خدا ايشان كفران ميورزند (72)
و ميپرستيدند از غير خدا آنچه مالك نميباشد براى ايشان روزى از آسمان و زمين چيزى را و توانايى ندارند (73)

پس مزنید برای خدا مثلها را بدرستی که خدا میداند و شما نمیدانید (74)
زد خدا مثلی بنده درم خریده که قادر نیست بر چیزی و کسی که روزی دادیم او را از خود روزی خوبی پس او انفاق میکند از آن پنهان و آشکار آیا یکسان میباشند ستایش مر خدا را بلکه بیشترین ایشان نمیدانند (75)
و زد خدا مثلی دو مرد که یکی از آن دو گنگ است که قادر نیست بر چیزی و او گران است بر صاحبش هر کجا که متوجّه میگرداندش نمیآرد خیری آیا یکسانست او و کسی که میفرماید بعدالت و او است بر راه راست (76)
و مر خدا را است نهانی آسمانها و زمین و نیست فرمان قیامت مگر چون نظر انداختن چشم یا آن نزدیکتر است بدرستی که خدا بر همه چیز توانا است (77)
و خدا بیرون آورد شما را از شکمهای مادرانتان که نمیدانستید چیزی را و گردانید برای شما گوش و دیده‌ها و دلها باشد که شما
ترجمه قرآن، ص: 255
شکر کنید (78)
آیا ندیدند بسوی پرنده رام شدگان در میان آسمان نگه نمیداردشان مگر خدا بدرستی که در آن هر آینه آیتها است برای جمعی که ایمان میآورند (79)
و خدا گردانید شما را از خانهاتان آرامگاه و گردانید برای شما از پوستهای شتر و گاو و گوسفند خانها که سبک بر میدارید آنها را روز کوچتان و روز ماندنتان و از پشمهای آنها و کرکهای‌شان و موهاشان پوشش و فرش و مایه تجارت تا هنگامی (80)
و خدا گردانید برای شما از آنچه آفرید سایبانها و گردانید برای شما از کوه‌ها خانهای پنهان بودن و گردانید برای شما پیراهنها که نگاهداردتان از گرما و پیراهنهای جنگ که نگاهدارد شما را از آسیب شما همچنین تمام میکند نعمت خود را بر شما باشد که شما منقاد شوید (81)
پس اگر رو گردانند پس نیست بر تو مگر رسانیدن آشکار (82)
میشناسند نعمت خدا را پس انکار میکنند آن را و بیشترینشان کافرانند (83)
و روزی که بر انگیزیم از هر امّتی شاهدی را پس داده نشود از برای آنان که کافر شدند و نه ایشان طلب رضا جویی کرده شوند (84)
و چون بینند آنان را که ستم کردند عذاب پس سبک نشود از ایشان و نه ایشان مهلت داده شوند (85)
و چون ببینند آنان را که شرک آوردند انباز ایشان را گویند پروردگار ما آنها شریکان ما اند که بودیم میخواندیم از غیر تو پس بیندازند بایشان گفتار را بدرستی که شما هر آینه دروغگویانید (86)
و بیندازند با خدا آن روز صلح را و گمشد از ایشان آنچه بودند افترا

ميكردند (87)
آنان كه كافر شدند و باز داشتند
ترجمه قرآن، ص: 256
از راه خدا افزوديم ايشان را عذاب بر بالاى عذاب بسبب آنچه بودند كه افساد ميكردند (88)
و روزى كه بر ميانگيزيم در هر امّتى شاهدى بر ايشان از خودهاشان و آورديم ترا شاهد بر آنها و فرو فرستاديم بر تو اين كتاب را بيانى كامل مر همه چيز را و هدايت و رحمت و بشارت مر مسلمانان را (89)
بدرستى كه خدا ميفرمايد بعدالت و نيكوكارى و بعطا كردن بصاحب قرابت و نهى ميكند از كار زشت و ناپسند و ظلم پند ميدهد شما را باشد كه شما پند گيريد (90)
و وفا كنيد بعهد خدا چون عهد كرديد و مشكنيد سوگندها را بعد از استوار كردنش و بحقيقت گردانيد شما را خدا بر خودتان گواه بدرستى كه خدا ميداند آنچه ميكنيد (91)
و مباشيد چون زنى كه گردانيد رشته را از بعد محكمى تارهاى تاب باز داده ميگيريد سوگندهاتان را مفسده ميانتان كه باشيد گروهى افزونتر از گروهى جز اين نيست كه ميآزمايد شما را خدا بآن و هر آينه بيان خواهد كرد براى شما روز قيامت آنچه بوديد در آن اختلاف ميكرديد (92)
و اگر خواسته بود خدا هر آينه گردانيده بود شما را امت واحد و ليكن گمراه ميگذارد آن را كه خواهد و هدايت ميكند آن را كه خواهد و هر آينه پرسيده ميشود البتّه از آنچه بوديد كه ميكرديد (93)
و فرا مگيريد سوگندهاتان را مفسده ميانتان پس بلغزد قدمى بعد از ثباتش و بچشيد اندوه را بآنچه باز داشتيد از راه خدا و از براى شما عذابى است بزرگ (94)
و عوض مگيريد به پيمان خدا
ترجمه قرآن، ص: 257
بهاى اندک را بدرستى كه آنچه نزد خدا است بهتر است مر شما را اگر باشيد كه بدانيد (95)
آنچه نزد شما است سپرى ميشود و آنچه نزد خدا است پاينده است و هر آينه جزا ميدهيم آنان را كه صبر كردند مزدشان را به بهتر از آنچه بودند كه ميكردند (96)
هر كه كند كردار شايسته از مرد يا زن و او مؤمن باشد پس زندگانى دهيم او را زندگانى پاكيزه و جزا دهيم ايشان را مزدشان بهتر از آنچه بودند كه ميكردند (97)
پس چون بخوانى قرآن را پس پناه‌جوى بخدا از شيطان رانده شده (98)
بدرستى كه نيست مر او را تسلّطى بر آنان كه گرويدند و بر پروردگارشان

توكّل ميكنند (99)
نيست تسلّطش مگر بر آنان كه دوست ميدارندش و آنان كه ايشان باو شرك آورندگانند (100)
و چون تبديل كنيم آيه را بجاى آيه و خدا داناتر است بآنچه فرو فرستد گويند جز اين نيست كه تو افترا كننده بلكه بيشتر ايشان نميدانند (101)
بگو فرو آوردش روح پاكى از پروردگارت بحقّ تا ثابت گرداند آنان را كه گرويدند و از براى هدايت و بشارت از براى مسلمانان (102)
و هر آينه ميدانيم بدرستى كه ايشان ميگويند جز اين نيست كه ميآموزد او را انسانى زبان كسى كه ميگردانند گفتار را بسوى او اعجميت و اين زبانى است عربى روشن (103)
بدرستى كه آنان كه نميگروند بآيتهاى خدا راه ننمايد ايشان را خدا و از براى ايشان عذابيست دردناك (104)
جز اين نيست كه ميبندد دروغ را آنان كه نميگروند بآيتهاى خدا و آن گروه ايشانند دروغگويان (105)
كسى كه كافر شد بخدا از بعد ايمان آوردنش
ترجمه قرآن، ص: 258
جز آنكه جبر كرده شد و دلش آرميده بود بايمان و ليكن كسى كه باز شد بكفر از سينه پس بر ايشانست خشمى از خدا و از براى ايشانست عذابى بزرگ (106)
آن باينست كه ايشان اختيار كردند زندگانى دنيا را بر آخرت و بدرستى كه خدا هدايت نميكند گروه كافران را (107)
آن گروه آنانند كه مهر نهاد خدا بر دلهاشان و گوششان و چشمهاشان و آن گروه ايشانند بيخبران (108)
ناچار بدرستى كه ايشان در آخرت ايشانند زيانكاران (109)
پس بدرستى كه پروردگار تو است از براى آنان كه هجرت كردند از بعد آنكه عذاب كرده شدند پس جهاد كردند و صبر نمودند بدرستى كه پروردگار تو از بعد آن هر آينه آمرزنده مهربانست (110)
روزى كه آيد هر نفسى كه مجادله كند از خودش و تمام داده شود هر نفسى جزاى آنچه كرد و ايشان ستمكرده نشوند (111)
و زد خدا مثل قريه كه بود امن آرميده ميآمد روزيش فراوان از همه جا پس كفران ورزيدند بنعمتهاى خدا پس چشانيدش خدا پوشش گرسنگى و بيم بآنچه بودند كه ميكردند (112)
و بحقيقت آمد ايشان را رسولى از ايشان پس تكذيب كردند او را پس گرفتشان عذاب و ايشان بودند ستمكاران (113)
پس بخوريد از آنچه روزى دادتان خدا حلال پاكيزه و شكر كنيد نعمت خدا را اگر هستيد او را ميپرستيد (114)

جز این نیست حرام کرد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه بانگ زده شد برای غیر خدا بآن پس آنکه مضطرّ شد که نه باغی باشد و نه عادی پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست

(115)
و مگویید برای وصف کردن زبانشان دروغ را که این حلال است و این حرام تا ببندید بر خدا دروغ را بدرستی که آنان که میبندند بر خدا دروغ را رستگار نمیشوند (116)
مایه تعیّش کمی است و از برای ایشانست عذابی پر درد (117)
و بر آنان که یهود شدند حرام کردیم آنچه خواندیم بر تو از پیش و ستم نکردیم ایشان را و لیکن بودند که بخودهاشان ستم میکردند (118)
پس بدرستی که پروردگار تو است مر آنان را که کردند بدی را بنادانی پس توبه کردند پس از آن و بسامان آمدند بدرستی که پروردگار تو پس از آن هر آینه آمرزنده مهربانست (119)
بدرستی که ابراهیم بود پیشوا مطیع از برای خدا حق گرای و نبود از مشرکان (120)
شکر کننده مر نعمتهای او را بر گزیدش و هدایت کردش براه راست (121)
و دادش در دنیا خوبی و بدرستی که او است در آخرت هر آینه از شایستگان (122)
پس وحی فرستادیم بسوی تو که پیروی کن کیش ابراهیم را حق گرای و نبود از شرک آورندگان (123)
جز این نیست گردانیده شد شنبه را بر آنان که اختلاف کردند در آن و بدرستی که پروردگار تو هر آینه حکم میکند میانشان روز قیامت در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند (124)
بخوان براه راست پروردگارت بحکمت و پند خوب و مجادله کن با ایشان آنچه آن خوبتر است بدرستی که پروردگار تو او است داناتر بآنکه گمشد از راهش و او است داناتر بهدایت یافتگان (125)
و اگر عقوبت کنید پس عقوبت کنید بمانند آنچه عقوبت کرده شدید بآن و اگر

صبر کنید هر آینه آن بهتر است از برای صبر کنندگان
و صبر کن و نیست صبر تو مگر بتوفیق خدا و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگی از آنچه مکر میکنند (127)
بدرستی که خدا با آنان است که پرهیزکار شدند و آنان که ایشان نیکوکارانند (128)

سورة بنى إسرائيل مائة و إحدى عشر آية و هى مكّية

بنام خداوند بخشاینده مهربان
دانم پاک بودن آنکه برو بشب بنده‌اشرا شبی از مسجد الحرام بمسجد اقصی که برکت دادیم پیرامونش را تا بنمایم او را از آیتهای خود بدرستی که او است او شنوای بینا (1)
و دادیم موسی را تورية و گردانیدیمش هدایت از برای فرزندان یعقوب که مگیرید از غیر من کار گذاری (2)
فرزندان آنکه حمل کردیم با نوح بدرستی که او بود بنده شکر گذار (3)
و اعلام نمودیم ببنی اسرائیل در کتاب که فساد خواهید کرد البتّه در زمین دو بار و هر آینه سرکشی خواهید کرد البته سرکشی بزرگ (4)
پس چون بیاید وعده تحسین آن دو میفرستیم بر شما بندگانی مر ما را صاحبان قوّت سخت پس روند بجستجو میانه خانها و بود وعده کرده شده (5)
پس برگردانیدیم برای شما نصرت را بر ایشان مدد کنیم شما را بمالها و پسران و گردانیدیم شما را بسیارتر از راه شمار (6)
اگر خوب کردید خوب کردید برای خودهاتان و اگر بد کردید پس مر خودهاتانرا تانرا است
ترجمه قرآن، ص: 261
پس چون بیاید وعده دیگر تابد سازند رویهاتان را و تا داخل شوند در مسجد هم چنان که داخل شدند آن را اوّل بار و تا تباه گردانند آنچه را که غالب شدند تباه گردانیدنی (7)
شاید پروردگار شما که رحم کند شما را و اگر عود کنید عود خواهیم کرد و گردانیدیم دوزخ را از برای کافران جای حبس (8)
بدرستی که این قرآن هدایت میکند بآنچه آن درست تر است و بشارت میدهد آن مؤمنانی را که میکنند کارهای شایسته اینکه مر ایشان را است مزدی بزرگ (9)
و بدرستی که آنان که ایمان نمیآورند بآخرت مهیّا کرده‌ایم برای ایشان عذابی دردناک (10)
و درخواست میکند انسان شر را مثل درخواست کردنش خیر را و بود انسان شتاب کننده (11)
و گردانیدیم شب را و روز را دو آیت پس محو کردیم آیت شب را و گردانیدیم آیت روز را نور دهنده چشم تا بجوئید فضلی را از پروردگارتان و تا بدانید شمار سالها و حساب را و هر چیزی تفصیل دادیم آن را تفصیل دادنی (12)

و هر انسانى ملازم گردانيديم او را عملش در گردنش و بيرون آورديم براى او روز قامت نامه كه خواهد ديد آن را گشوده (13)
بخوان نامه‌ات را بس است نفس تو امروز بر تو حساب كننده (14)
آنكه هدايت يافت پس جز اين نيست كه هدايت يافت براى خودش و آنكه گمراه شد پس جز اين نيست گمراه ميشود بر خودش و بر ندارد هيچ بر دارنده بار گناه ديگرى را و نباشيم عذاب كنندگان تا آنكه بفرستيم رسولى را (15)
و چون خواهيم كه هلاك كنيم قريه را ميفرمائيم بطاعت بناز و نعمت سرشدگانش را پس نافرمانى ميكنند در آن پس ثابت ميشود در آن حكم پس هلاك ميگردانيم آن را
ترجمه قرآن، ص: 262
هلاك كردنى (16)
و بسيار هلاك گردانيديم از قرنها از بعد نوح و كافيست پروردگارت بگناه بندگانش آگاه بينا (17)
كسى كه خواهد آن شتابنده را تعجيل ميكنيم براى او در آن آنچه ميخواهيم از براى آنكه ميخواهيم پس ميگردانيم برايش دوزخ را كه در شود در آن نكوهش كرده شده رانده شده (18)
و كسى كه خواست آخرت را و كوشش كرد براى آن كوشش خود را و او مؤمن است پس آنها باشد سعيشان مقبول (19)
هر يك را مدد ميكنيم آنها را و اينها را از بخشش پروردگار تو و نباشد بخشش پروردگار تو بازداشته شده (20)
بنگر چگونه افزونى داديم برخى از ايشان را بر برخى و هر آينه آخرت بزرگتر است بمراتب و بزرگتر است از جهة افزونى دادن (21)
مگردان با خدا خداى ديگر پس بنشينى نكوهش كرده شده تنها واگذاشته شده (22)
و حكم كرد پروردگارت كه نپرستيد مگر او را و بوالدين نيكويى كردن اگر برسند نزد تو به پيرى يكيشان يا هر دوشان پس مگوى مر آن دو را افّ و زجر مكن آن دو را و بگوى مر آن دو را گفتنى خوب (23)
و فرود آور براى آن دو تا بال تواضع را از مهربانى و بگو پروردگار من رحمت كن آن دو تا را هم چنان كه تربيت كردند مرا كه بودم خرد (24)
و پروردگار شما داناتر است بآنچه در نفسهاى شما است اگر باشيد نيكوكاران پس بدرستى كه او باشد مر بازگشت كنندگان را آمرزنده (25)
و بده صاحب قرابت را حقّش و بيچاره را و راهگذريانرا و مباش پاشيدنى باسراف (26)
بدرستى كه پاشندگان باسراف باشند برادران شياطين
ترجمه قرآن، ص: 263

و باشد شيطان مر پروردگارش را ناسپاس (27)
و اگر اعراض كنى از ايشان براى طلب رحمتى از پروردگارت كه اميد ميدانى او را پس بگو مر ايشان را گفتارى نرم (28)
و نگردان دستت را بر بسته بگردنت و مگشايش همگى گشادن پس بنشينى ملامت كرده شده مغموم (29)
بدرستى كه پروردگارت گشاده ميگرداند روزى را براى آنكه ميخواهد و تنگ ميگرداند بدرستى كه او باشد به بندگانش آگاه بينا (30)
و مكشيد فرزندانتان را از بيم تنگدستى ما روزى ميدهيم ايشان را و شما را بدرستى كه كشتن ايشان باشد گناهى بزرگ (31)
و پيرامون مگرديد زنا را بدرستى كه آن باشد كارى زشت و بد است از جهة راه (32)
و نكشيد نفسى را كه حرام كرده خدا مگر بحقّ و كسى كه كشته شد مظلوم پس بحقيقت گردانيديم از براى وارثش تسلّطى پس نبايد كه اسراف كند در قتل بدرستى كه او باشد يارى كرده شده (33)
و پيرامون نگرديد مال يتيم را مگر بآنكه آن بهتر است تا برسد بكمال قوّتش و وفا كنيد به پيمان بدرستى كه پيمان باشد پرسيده شده (34)
و تمام كنيد پيمانه را چون به پيماييد و وزن كنيد بترازو و با قپان درست آن بهتر است و خوبتر بحسب عاقبت (35)
و پيرو مشو آنچه نباشد مر ترا بآن دانش بدرستى كه گوش و چشم و دل همه آنها باشد از آن پرسيده شونده (36)
و راه مرو در زمين از راه كبر و ناز بدرستى كه تو رخنه نتوانى كرد زمين را و هرگز نخواهى رسيد بكوهها در بلندى (37)
همه آن باشد بديش
ترجمه قرآن، ص: 264
نزد پروردگار تو ناخوش داشته شده (38)
آن از آن چيزيست كه وحى فرستاد بتو پروردگارت از حكمت و نگردان با خدا الهى ديگر پس انداخته شوى در دوزخ ملامت كرده شده رانده شده (39)
آيا پس مخصوص كرد شما را پروردگار شما به پسران و گرفت از فرشتگان دختران بدرستى كه شما هر آينه مى‌گوييد سخنى بزرگ (40)
و بحقيقت بيان كرديم مكرّر در اين قرآن تا پند گيرند و نيفزود ايشان را مگر نفرت (41)
بگو اگر بود با او الهان هم چنان كه ميگويند آن گاه هر آينه جسته بودند بسوى صاحب عرش راهى (42)
منزّه است او و برتر است از آنچه ميگويند برترى بزرگى (43)
تسبيح ميكند مر او را آسمانهاى هفتگانه و زمين و هر كه در آنها است و

نیست هیچ چیز مگر که تسبیح میکنند بستایش او و لیکن نمیفهمند تسبیح ایشان را بدرستی که او باشد بردبار آمرزنده (44)
و چون بخوانی قرآن را میگردانیم ما میان تو و میانه آنان که نمیگردند بآخرت پرده پوشیده (45)
و گردانیدیم بر دلهاشان پوششها مبادا که بفهمند آن را و در گوشهاشان گرانی و چون ذکر کنی پروردگارت را در قرآن تنها برگردند بر پشتهاشان رمندگان (46)
ما داناترین بآنچه گوش میدارند بآن هنگامی که گوش میدارند بسوی تو و آن گاه که ایشانند در رازگویی آن گاه که میگویند ظالمان پیروی نمیکنید مگر مردی را سحر کرده شده (47)
بنگر چگونه زدند برای تو مثلها را پس گمراه شدند پس نمیتوانند یافت راهی (48)
و گفتند آیا چون
ترجمه قرآن، ص: 265
باشیم استخوانها و ریزه ریزه‌ها آیا ما هر آینه بر انگیخته شدگانیم بآفرینشی تازه (49)
بگو باشید سنگها یا آهن (50)
یا خلقی از آنچه عظیم آید در سینه‌هاتان پس بزودی خواهند گفت کیست که باز میآورد ما را بگو آن کسی که پدید آورد شما را اوّل بار پس بزودی میجنبانند بسوی تو سرهاشان را و میگویند خواهد بود آن بگو شاید که بوده باشد نزدیک (51)
روزی که میخواندتان پس اجابت میکنید بستایش او و گمان میبرید که درنگ نکرده‌اید مگر اندکی (52)
و بگو مر بندگان مرا که بگویند آنچه آن خوبتر است بدرستی که دیو رجیم فساد میکند میانشان بدرستی که شیطان باشد مر انسان را دشمنی آشکار (53)
پروردگار شما داناتر است بشما اگر خواهد رحم کند شما را یا اگر خواهد عذاب کند شما را و نفرستادیم ترا بر ایشان کار گذار (54)
و پروردگار تو داناتر است بکسی که در آسمانها و زمین است و بتحقیق که افزونی دادیم بعضی از پیغمبران را بر بعضی و دادیم داود را زبور (55)
بگو بخوانید آنان را که دعوی گردید از غیر او پس مالک نباشند رفع ضرر را از شما و نه تغییر را (56)
آنها که میخوانند میجویند بسوی پروردگارشان وسیله هر کدامشان که نزدیکترند و امید میدارند رحمتش را و میترسند از عذابش بدرستی که عذاب پروردگارت باشد حذر کرده شده (57)
و نیست هیچ قریه مگر که مائیم هلاک کننده‌اش پیش از روز قیامت یا

عذاب کننده‌اش عذابی سخت باشد
ترجمه قرآن، ص: 266
آن در کتاب نوشته شده (58)
و باز نداشت ما را که بفرستیم آیتها را مگر آنکه تکذیب کردند آن را پیشینیان و دادیم ثمود را ناقه بینا کننده پس ستم کردند بآن و نمیفرستیم آیتها را مگر برای بیم دادن (59)
و هنگامی که گفتیم مر تو را بدرستی که پروردگار تو احاطه کرده بمردمان و نگردانیدیم آن خوابی را که نمودیم ترا مگر ابتلایی برای مردمان و آن درخت لعنت کرده شده در قرآن و بیم میدهیم ایشان را پس نمیافزایدشان مگر زیاده روی عظیمی (60)
و چون گفتیم مر فرشتگان را سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس گفت آیا سجده کنم از برای آنکه آفریدی از گل (61)
گفت خبر ده مرا که این کسی که تفضیل دادی بر من هر آینه اگر باز پس داری مرا تا روز رستخیز هر آینه بنیاد براندازم البته فرزندانش را مگر اندکی (62)
گفت برو پس کسی که پیرو شود ترا از ایشان پس بدرستی که دوزخ جزای تمام (63)
لغزش ده کسی را که توانی از ایشان بآوازت و فریاد زن بر ایشان با سوارانت و پیادگانت و انباز شو ایشان را در مالها و اولاد و وعده ده ایشان را و وعده نمیدهد ایشان را شیطان مگر فریب (64)
بدرستی که بندگان من نیست مر ترا بر ایشان تسلّطی و بس باشد پروردگارت وکیل (65)
پروردگار شما است که میراند برای شما کشتی را در دریا تا بجوئید از فضلش بدرستی که او باشد بشما مهربان (66)
و چون مسّ کند شما را ضرر در دریا گم میشود آن را که میخوانید از غیر او
ترجمه قرآن، ص: 267
پس چون نجات دادتان بسوی بیابان روی گردان شدید و باشد انسان ناسپاس (67)
آیا پس ایمن شدید که فرو برد با شما طرف برّ را یا فرستد بر شما تند باد سنگریزه پاشی را پس نیابید برای خود حافظی را (68)
آیا ایمن شدید که باز گرداند شما را در آن بار دیگر پس فرستد بر شما در هم شکننده از باد پس غرق کند شما را بسبب آنکه کافر شدید پس نیابید برای خود بر ما بآن از پی آینده (69)
و بتحقیق گرامی گردانیدیم فرزندان آدم را و بر داشتیم ایشان را در بیابان و دریا و روزی دادیمشان از پاکیزه‌ها و افزونی دادیمشان بر بسیاری از

آنكه آفريديم افزونى دادنى (70)
روزى كه ميخوانيم هر مردمانى را بامامشان پس آنكه داده شد كتابش بدست راستش پس آنها ميخوانند نامه خود را و ستمكرده نميشوند مقدار فتيلى (71)
و كسى كه باشد در اين دنيا كور پس او است در آخرت كور و گمراه‌تر است (72)
و بدرستى كه نزديک بودند كه بفتنه اندازند ترا از آنچه وحى كرديم بسوى تو تا افترا بندى بر ما جزا آنچه وحى كرديم آن را و آن گاه بگيرند ترا دوست (73)
و اگر نه اينكه ثبات داديم ترا هر آينه نزديک بود كه ميل كنى بسوى ايشان چيزى را اندک (74)
آن گاه هر آينه ميچشانيم ترا دو چندان عذاب زندگى و دو چندان عذاب مردن پس نمييافتى براى خود در دفع عذاب ما يارى كننده (75)
و بدرستى كه نزديک بود كه بلغزاند ترا از زمين تا بيرون كنند ترا از آن و آن گاه درنگ نميكردند پس از تو مگر اندكى (76)
بدستور آنان كه بحقيقت فرستاديم پيش از تو از رسولان ما و نيابى مر دستور ما را
ترجمه قرآن، ص: 268
تغييرى (77)
بر پا داريد نماز را وقت زوال آفتاب تا تاريكى شب و خواندن صبح را بدرستى كه خواندن صبح باشد حاضر شده بملائكه شب و روز (78)
و از شب پس بيدار شو بآن زيادتى مر ترا شايد كه جاى دهد ترا پروردگارت بجايگاه ستوده (79)
و بگو پروردگار من داخل كن مرا داخل گرديدن راستى و بيرون آور مرا بيرون آوردن راستى و بگردان از براى من از نزدت تسلّطى ياور (80)
و بگو آمد حقّ و ناچيز شد باطل بدرستى كه باطل باشد ناچيز (81)
و فرو فرستيم از قرآن آنچه آن شفا است و رحمتى است از براى گروندگان و نمى‌افزايد ستمكاران را جز زيان (82)
و چون انعام ميكنيم بر انسان روى بگرداند و دور شود بيكطرفش و چون مسّ كند او را شرّ و سختى باشد نااميد (83)
بگو هر كس ميكند بمانندش پس پروردگار شما داناتر است بآنكه او درست تر است از جهة راه (84)
و ميپرسند ترا از روح بگو روح از امر پروردگار من است و داده شديد از دانش مگر اندک (85)
و اگر بخواهيم هر آينه ببريم آنچه وحى كرديم بتو پس نيابى براى خود بآن بر ما كارگذارى (86)

مگر رحمتی از پروردگارت بدرستی که فضل او باشد بر تو بزرگ (87)
بگو هر آینه اگر جمع شوند آدمیان و پریان بر آنکه بیاورند مانند این قرآن را نیاورند مانندش را و اگر چه باشند بعضی‌شان مر بعضی را هم پشت (88)
و بتحقیق مکرّر گردانیدیم برای مردمان در این
ترجمه قرآن، ص: 269
قرآن از هر داستانی پس سرباز زدند اکثر مردمان مگر ناسپاسی را (89)
و گفتند ایمان نمیآریم مر ترا تا آنکه روان کنی برای ما از زمین چشمه (90)
یا باشد مر ترا از بوستانی از خرمابنان و انگور پس روان سازی نهرها را در میانش روان ساختنی (91)
یا بیفکنی آسمان را هم چنان که دعوی کردی بر ما پاره پاره یا بیاوری خدا و فرشتگان را کفیل یا شاهد (92)
یا باشد مر ترا خانه از طلا یا بالا روی در آسمان و باور نداریم هرگز مر بالا رفتن ترا تا آنکه فرود آوری بر ما کتابی که بخوانیم آن را بگو منزّه است پروردگارم آیا هستم مگر انسانی رسول (93)
و منع نکرد مردمان را که ایمان آرند چون آمد ایشان را هدایت مگر آنکه گفتند آیا بر انگیخت خدا انسانی را رسول (94)
بگو اگر بودی در زمین ملائکه که راه میرفتند آرمیدگان هر آینه فرو فرستاده بودیم بر ایشان از آسمان ملکی را رسول (95)
بگو بس است خدا گواه میان من و میان شما بدرستی که او باشد به بندگانش آگاه بینا (96)
و کسی را که هدایت کند خدا پس او است راه یافته و کسی را که گمراه گذارد پس هرگز نخواهی یافت مر ایشان را یاوران از غیرش و حشر کنیم ایشان را روز قیامت بر روهاشان کوران و گنگان و کران جایگاهشان دوزخست هر گاه فرو نشیند زبانه زیاد کنیم ایشان را از جهة افروختن آتش (97)
آن جزای آنها است بسبب آنکه ایشان کافر شدند بآیتهای ما و گفتند آیا چون باشیم استخوانها و ریزه ریزه‌ها آیا مایم هر آینه بر انگیخته شدگان خلقی تازه (98)
آیا دیدند بدرستی که
ترجمه قرآن، ص: 270
خدایی که آفرید آسمانها و زمین را توانا است بر آنکه بیافریند مانند ایشان را و گردانید برای ایشان اجلی که نیست شکّی در آن پس سر باز زدند ستمکاران مگر ناسپاسی (99)
بگو اگر شما مالک بودید خزینه‌های رحمت پروردگارم را هر آینه امساک

میکردید شما از ترس نفقه کردن و باشد انسان بخیل (100)
و بحقیقت دادیم موسی را نه نشانه روشن پس بپرس از بنی اسرائیل وقتی که آمد ایشان را پس گفت مر او را فرعون بدرستی که من هر آینه گمان ترا ای موسی جادو کرده شده (101)
گفت بتحقیق دانسته که فرو نمیفرستد اینها را مگر پروردگار آسمانها و زمین دلیلهای روشن بدرستی که من هر آینه گمان میبرم ترا ای فرعون هلاک کرده شده (102)
پس خواست که بر کنده کند ایشان را از زمین پس غرق کردیمش و هر که با او بود همه (103)
و گفتیم ما پس از او مر بنی اسرائیل را که ساکن شوید آن زمین را پس چون آید وعده آخرت آوریم شما را آمیخته با هم (104)
و بحقّ فرو فرستادیم قرآن را و بحقّ فرود آمد و نفرستادیم ترا مگر مژده دهنده و بیم کننده (105)
و قرآنی که جدا جدا کردیم آن را تا بخوانی آن را بر مردمان بآرام و فرو فرستادیم آن را فرو فرستادنی (106)
بگو بگروید بآن یا نگروید بدرستی که آنان که داده شدند علم را پیش از آن چون خوانده میشود بر ایشان برو میافتند بذقنها سجده‌کنان و میگویند (107)
منزّه است پروردگار ما بدرستی که باشد وعده پروردگار ما هر آینه کرده شده (108)
و بر روی میافتند بزنخها میگریند و میافزاید ایشان را تضرّع (109)
بگو بخوانید خدا را باسم اللّٰه یا بخوانید بنام رحمن
ترجمه قرآن، ص: 271
هر کدام که بخوانید پس مر او راست نامهای نیک و بلند مکن نمازت را و آهسته مکن آن را و بجوی میانه آن طریقی (110)
و بگوی ستایش مر خدای را که نگرفت فرزندی و نبوده مر او را انبازی در پادشاهی و نبوده مر او را یاوری از خواری و تعظیم کن او را تعظیم کردنی (111)

ترجمه قرآن 307
بنام خداوند بخشاينده مهربان
ستايش مر خداى را كه فرو فرستاد بر بنده‌اش كتاب را و نگردانيد مر آن را كژى (1)
راست درست تا بترساند عذابى سخت از نزد او و مژده دهد گروندگانى را كه ميكنند كارهاى شايسته كه مر ايشان را است مزدى نيكو (2)
مكث كنندگان در آن هميشه (3)
و بيم دهد آنان را كه گفتند گرفت خدا فرزند (4)
نباشد مر ايشان را بآن هيچ علمى و نه مر پدرانشان را عظيم آمد آن كلمه كه بيرون ميآيد از دهنهاى ايشان نميگويند مگر دروغى را (5)
پس شايد تو هلاک كننده خودت را بر اثرهاى ايشان اگر ايمان نياورند باين كلام از راه اندوه بسيار (6)
بدرستى كه ما گردانيديم آنچه بر زمين است زينتى مر آنان را تا آزمائيم ايشان را كه كدامشان خوبتر است از راه كردار (7)
و بدرستى كه ما هر آينه گروندگانيم آنچه را بر آن است زمين ساده (8)
بلكه پنداشتى كه بدرستى كه اصحاب كهف و رقيم بودند از آيتهاى ما عجب (9)
هنگامى كه جاى گزيدند آن جوانان بسوى غار
ترجمه قرآن، ص: 272
پس گفتند اى پروردگار ما بده ما را از نزدت رحمتى و آماده گردان براى ما از كار ما راه يافتن بحقّ (10)
پس زديم بر گوشهاشان در آن غار سالها بشماره (11)
پس بر انگيختيم ايشان را تا بدانيم كه كدام از آن دو گروه شماره نگاهدارنده‌تر است هر آنچه درنگ كردند (12)
از راه مدت ما ميخوانيم بر تو خبر ايشان را بحقّ بدرستى كه ايشان بودند جوانانى كه گرويدند بپروردگار خود و افزوديمشان هدايت (13)
و بستيم بر دلهاشان هنگامى كه برخاستند پس گفتند پروردگار آسمانها و زمين است هرگز نخوانيم از غير او خدايى هر آينه گفته باشيم آن گاه دور از صوابى را (14)
اينها قوم ما گرفتند از غير او الهان چرا نميآرند بر ايشان حجّتى روشن پس كيست ظالمتر از آنكه افترا كرد بر خدا دروغى را (15)
و چون كناره گيريد از ايشان و آنچه ميپرستند از جز خدا پس جاى گيريد بآن غار تا بگستراند براى شما پروردگارتان از رحمتش و آماده كند براى

شما از کارتان مایه انتفاع را (16)
و می‌بینی آفتاب را چون بر آید منحرف شود از غارشان بجانب راست و چون فرو شود قطع کند ایشان را بجانب چپ و ایشان بودند در فراخهایی از آن آن از آیتهای خدا است کسی را که هدایت کند خدا پس او است راه یافته و کسی را که اضلال کند پس هرگز نیابی مر او را یاوری ارشاد دهنده (17)
و میپنداری ایشان را بیداران و ایشان خفتگان بودند و میگردانیمشان بجانب راست و جانب چپ و سگشان گستراننده بود دو ساعدش را باستانه آن در غار اگر دیده‌ور میشدی برای ایشان پشت میگردانیدی
ترجمه قرآن، ص: 273
از آنها بگریختن و هر آینه پر کرده میشدی از ایشان از ترس (18)
و همچنین بر انگیختیم ایشان را تا پرسش کنند میانشان گفت گوینده از ایشان که چند درنگ کردید گفتند درنگ کردیم یک روز یا بعضی از روز گفتند پروردگار شما داناتر است بآنچه درنگ کردید پس بفرستید یکی‌تان را بادرستان این بسوی شهر تا به بینید که کدام از اهل شهر پاکیزه‌تر است طعامش پس بیاوردتان روزی از آن و باید که نرمی و تلطّف کند و نباید که آگاهی دهد بشما احدی را (19)
بدرستی که ایشان اگر دست یابند بر شما سنگسار کنند شما را یا باز گردانند شما را در کیش خود و هرگز رستگار نشوید آن گاه هرگز (20)
و همچنین واقف گردانیدیم بر ایشان تا بدانند بدرستی که وعده خدا حقّ است و بدرستی که قیامت نیست شکّی در آن هنگامی که نزاع میکردند میان خود در کار ایشان پس گفتند بنا کنید بر ایشان بنائی پروردگار ایشان داناتر است بایشان گفتند آنان که غالب شدند بر امر ایشان هر آینه میسازیم بر ایشان مسجدی (21)
بزودی میگویند سه تا بودند چهارمشان بود سگشان و میگویند پنج تن بودند ششم ایشان بود سگشان انداختنی به ناپیدا و میگویند هفت تن بودند و هشتم ایشان بود سگشان بگو پروردگارم داناتر است بشمار ایشان نمیدانند ایشان را مگر اندکی پس جدال مکن در ایشان مگر جدالی ظاهر و فتوی مجوی در ایشان از آنها احدی را (22)
و مگوی البته مر چیزی را که من کننده‌ام آن را فردا (23)
مگر آنکه خواهد خدا و یاد کن پروردگارت را چون فراموش کردی و بگو شاید که
ترجمه قرآن، ص: 274
هدایت کند مرا پروردگارم تا نزدیک شوم باین از راه هدایت یافتن (24)
و درنگ کردند در غارشان سیصد سال و افزودند نه را (25)
بگو خدا داناتر است بآنچه درنگ کردند مر او راست نهانی آسمانها و زمین

چه بینا است او و چه شنوا است نیست ایشان را از غیر او هیچ یاری و شریک نمیکند در حکمش احدی را (26)
و بخوان آنچه وحی فرستاده شد بتو از کتاب پروردگارت نیست بدل کننده مر کلمه‌های او را و هرگز نیابی از غیر او پناهی (27)
و شکیباگردان نفست را با آنان که میخوانند پروردگارشان را ببامداد و شبانگاه میخواهند رضای او را و نباید در گذرد دو چشمت از ایشان که میخواسته باشی آرایش زندگانی دنیا را و اطاعت مکن کسی را که غافل کردیم دل او را از یاد خود و پیروی آرزویش را و باشد کار او تباه (28)
و بگو حقّ از پروردگار شما است پس هر که خواهد پس بگرود و هر که خواهد پس کافر شود بدرستی که ما آماده کرده‌ایم برای ستمکاران آتشی را که احاطه کرده بآنها سراپرده آن و اگر فریاد رسی جویند فریاد رسیده شوند بآبی چون فلز گداخته که بریان میکند رویها را بد است آن آشامیدنی و بد است از جهة تکیه‌گاه (29)
بدرستی که آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته بدرستی که ما ضایع نسازیم اجر کسی را که خوب شد از راه کردار (30)
آنها مر ایشان را است بهشتهای جای اقامت دائمی میرود از زیر آنها نهرها پیرایه کرده شوند در آنها از دستوانها از زر و میپوشند جامه‌های سبز از دیبای نازک و دیبای سطبر
ترجمه قرآن، ص: 275
تکیه زنندگان در آنها بر تختها خوبست از ثواب و نیکو است تکیه گاه (31)
و بزن برای ایشان مثلی را دو مرد که گردانیدیم برای یکی از ایشان دو بستان از انگورها و فرو گرفتیم آن دو را بدرخت خرما و گردانیدیم میان آن دو را کشت زار (32)
هر دو بستان آورند ثمر خود را و کم نکردند از آن چیزی را و روان کردیم میان آن دو تا نهری (33)
و بود مر او را ثمری پس گفت مر صاحبش را و او گفتگو میکرد با او که من بیشترم از تو در مال و افزونترم از تو در مرد و مدد (34)
و داخل شد در بوستانش داد ظلم کننده بود بر نفسش گفت گمان نمیبرم که خالی شود از این هرگز (35)
و گمان نمیبرم قیامت را قائم و اگر برگردانیده شوم بسوی پروردگارم هر آینه مییابم بهتر از اینها جای بازگشت (36)
گفت مر او را رفیقش و او گفتگو میکرد با او آیا کافر شدی بآنکه آفریدت از خاک پس از نطفه پس درست ساخت ترا بصورت مردی (37)
لیکن من میگویم او خدا است پروردگارم و شریک نمیگردانم بپروردگارم احدی را (38)
و چرا هنگامی که داخل شدی بر بوستانت نگفتی آنچه خواست خدا نیست

قوّتی مگر بخدا اگر بینی مرا که من کمترم از تو در مال و فرزند (39)
پس شاید پروردگارم که بدهد مرا بهتر از بوستان تو و بفرستد بر آنها صاعقه‌ها از آسمان پس گردد زمینی ساده (40)
یا گردد آبش بزمین فرو رفته پس نتوانی هرگز مر او را جستن (41)
و احاطه کرده شد بثمرش پس گردید که بر میگردانید دو کفش را بر آنچه صرف کرده بود در آن و آن
ترجمه قرآن، ص: 276
افتاده بود بر سقفهایش و میگفت ای کاش من شریک نکرده بودم بپروردگارم احدی را (42)
و نبود مر او را گروهی که یاری کنندش از غیر خدا و نبود منع کننده (43)
آنجا سلطنت مر خدا راست که حقّ است او بهتر از راه جزا و خیر و بهتر از راه عاقبت (44)
و بزن برای ایشان مثل زندگانی دنیا را که چون آبی است که فرستادیمش از آسمان پس آمیخت بآن رستنی زمین پس گردید در هم شکسته که پراکنده کند او را بادها و باشد خدا بر همه چیزی توانا (45)
مال و پسران آرایش زندگانی دنیا است و باقیهای شایسته بهتر است نزد پروردگارت از راه ثواب و بهتر است از راه امید (46)
و روزی که روان میگردانیم کوه‌ها را و بینی زمین را ظاهر و حشر کنیم ایشان را پس وانگذاریم از ایشان احدی را (47)
و عرض کرده شوند بر پروردگارت صف کشیده بتحقیق آمدید ما را هم چنان که آفریدیم شما را اوّل بار بلکه ادّعا کردید که هرگز نمیگردانیم برای شما وقت وعده (48)
و گذاشته شد کتاب پس بینی گناهکاران را که ترسندگانند از آنچه در آنست و میگویند ای وای بر ما چیست مر این نامه را که وانگذاشته گناه خردی را و نه بزرگی را مگر آنکه در شمار آورده آن را و یافتند آنچه کرده بودند حاضر و ستم نمیکند پروردگارت هیچکس را (49)
و هنگامی که گفتیم مر فرشتگان را سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس که بود از جنّ پس بیرون رفت از امر پروردگارش آیا پس میگیرید او را و فرزندانش را دوستان از غیر من
ترجمه قرآن، ص: 277
و ایشان مر شما را دشمنند بد است مر ستمکاران را بدل (50)
آنچه بجای خدا گزیدید حاضر نکردیمشان در آفرینش آسمانها و زمین و نه در آفریدن خودهاشان و نبودم گیرنده گمراه کنندگان را مددکار (51)
و روزی که گوید ندا کنید انبازان مرا که دعوی کردید پس ندا کردند ایشان را پس جواب ندادند مر ایشان را و گردانیدیم میان ایشان جای هلاک شدنی (52)

و دیدند گناهکاران آتش را پس دانستند که ایشان افتادنیانند در آن و نیافتند از آن جاى برگشتنى (53)
و بتحقیق مکرّر آوردیم در این قرآن از براى مردمان از هر داستانى و باشد انسان بیشتر چیزى از راه جدل (54)
و منع نکرد مردمان را که بگروند وقتى که آمد ایشان را هدایت و آمرزش خواهند از پروردگارشان مگر اینکه آید ایشان را عادت پیشینیان یا آید ایشان را عذاب روى با روى (55)
و نمیفرستیم فرستادگان را مگر بشارت دهندگان و بیم کنندگان و مجادله میکنند آنان که کافر شدند بباطل تا زایل گردانند بآن حقّ را و گرفتند آیتهاى مرا و آنچه را بیم کرده شدند باستهزاء (56)
و کیست ستمکارتر از آنکه پند داده شد بآیتهاى پروردگارش پس رو گردانید از آنها و فراموش کرد آنچه را پیش فرستاد دو دستش بدرستى که ما گردانیدیم بر دلهاشان پوششها مبادا که بفهمند آن را و در گوشهاى ایشان گرانى و اگر بخوانى ایشان را بسوى هدایت پس هدایت نمییابند آن گاه هرگز (57)
و پروردگار تو است آمرزگار صاحب رحمت اگر مواخذه میکرد ایشان را بآنچه کسب کردند هر آینه تعجیل مینمود براى ایشان عذاب را بلکه مر ایشان را است وقت وعده که نیابند از
ترجمه قرآن، ص: 278
غیر او پناهى (58)
و این قریه‌ها هلاک کردیم ایشان را چون ستم کردند و گردانیدیم براى هلاکشان وقت وعده (59)
و هنگامى که گفت موسى مر جوانمردش را پیوسته خواهم رفت تا برسم بمحلّ جمع شدن دو دریا یا بردم روزگارى (60)
پس چو رسید بمجمع میانه آن دو فراموش کردند ماهیشان را پس فرا گرفت راهش را در دریا نقبى (61)
پس چون گذشتند گفت موسى مر جوانش بیار ما را چاشته ما بدرستى که دیدیم از سفرمان این تعبى (62)
گفت یوشع آیا دیدى هنگامى که ما منزل کردیم بآن سنگ پس بدرستى که من فراموش کردم ماهى را و از یاد من نبرد آن را مگر شیطان که مذکور سازم او را و گرفت راهش را در دریا عجبى (63)
گفت آنست آنچه ما بودیم که مى‌جستیم پس برگشتند بر اثرهاشان پى جویان (64)
پس یافتند بنده از بندگان ما را که داده بودیم او را رحمتى از نزد ما و آموخته بودیم او را از نزد ما علمى (65)
گفت مر او را موسى آیا پیروى کنم ترا بر آنکه بیاموزى مرا از آنچه آموخته

شده برای رسیدن بحقّ (66)
گفت بدرستی که تو هرگز نمیتوانی با من صبر کردن (67)
و چگونه صبر میکنی بر آنچه احاطه نکرده بآن از راه دانش (68)
گفت بزودی بیابی مرا اگر خواسته باشد خدا صبر کننده و نافرمانی نکنم مر ترا در کاری (69)
گفت پس اگر پیرو شوی مرا پس مپرس مرا از چیزی تا آنکه ابتدا کنم برای تو از آن بیانرا (70)
پس رفتند تا چون سوار شدند در کشتی سوراخ کرد آن را گفت آیا سوراخ کردی آن را تا غرق کنی اهلش را بدرستی که آوردی چیزی ناشایسته (71)
گفت آیا نگفتم بدرستی که تو هرگز نمیتوانی
ترجمه قرآن، ص: 279
با من صبر کردن (72)
گفت مؤاخذه مکن مرا بآنچه فراموش کردم و مرسان مرا از کارم دشوار را (73)
پس رفتند تا چون دیدند پسری را پس کشت او را گفت آیا کشتی نفسی پاک را بغیر قصاص نفسی هر آینه بحقیقت آوردی چیز قبیحی را (74)
گفت آیا نگفتم مر ترا بدرستی که تو هرگز نتوانی با من صبر کردن (75)
گفت اگر بپرسم ترا از چیزی پس از آن رفاقت مکن با من بحقیقت رسیدی از نزد من بعذر (76)
پس رفتند تا چون رسیدند باهل قریه خواستند طعام از اهلش پس ابا کردند که مهمانی کنند آن دو را پس یافتند در آن دیواری که میخواست که فرود آید پس راست کرد آن را گفت اگر خواسته بودی هر آینه گرفته بودی بر آن مزدی (77)
گفت این است جدایی میان من و میان تو بزودی خبر دهم ترا بتفسیر مال آنچه نتوانستی بر آن صبر کردن (78)
امّا کشتی پس بود از مسکینانی که کار میکردند در دریا پس خواستم که معیوب کنم آن را و بود در پیش راه ایشان پادشاهی که میگرفت هر کشتی را بغصب (79)
و امّا پسر پس بود والدینش دو مؤمن پس ترسیدیم که تکلیف کند آن دو را زیاده روی در عصیان و کفر (80)
پس خواستیم که بدل دهد آن دو را پروردگارشان بهتر از او در پاکی و نزدیکتر در عطوفت (81)
و امّا دیوار پس بود از دو پسر که دو یتیمند در شهر و باشد در زیرش گنجی از آن دو و بودند والدین این دو نیکوکار پس خواست پروردگار تو که برسند بقوّتشان و بیرون آورند گنجشان را

برحمتى از پروردگار تو و نكردم آن را از راى خود اين است تفسير مآل آنچه نتوانستى بآن صبر كردن (82)
و ميپرسند ترا از ذى القرنين بگو بزودى خواهم خواند بر شما از او بيانى (83)
بدرستى كه ما تمكّن داديم مر او را در زمين و داديمش از هر چيزى سببى (84)
پس از پى رفت سببى را (85)
تا چون رسيد بجاى غروب كردن آفتاب يافت آن را كه غروب ميكند در چشمه لاى دار و يافت نزد آن گروهى را گفتيم اى ذو القرنين يا عذاب ميكنى ايشان را و يا اينكه ميگيرى در ايشان نيكويى را (86)
گفت امّا آنكه ظلم كرد پس زود باشد كه عذاب كنيم او را پس بر گردانيده شود بسوى پروردگارش پس عذاب كند او را عذابى سخت (87)
و امّا آنكه ايمان آورد و كرد كار خوب پس مر او را است پاداش نيكى و بزودى خواهيم گفت مر او را از فرمان خود آسانى (88)
پس از پى رفت سببى را (89)
تا چون رسيد بجاى بر آمدن آفتاب يافت آن را كه بر ميآمد بر گروهى كه نگردانيده بوديم براى ايشان از پيش آن پوششى (90)
همچنين و بتحقيق احاطه داشتيم بآنچه بود نزد او از راه آگاهى (91)
پس از پى رفت سببى را (92)
تا چون رسيد ميانه دو سدّ يافت از پيش آن دو تا گروهى را كه نزديك نبودند كه بفهمند سخنى را (93)
گفتند اى ذو القرنين بدرستى كه ياجوج و ماجوج فساد كنندگانند در زمين پس آيا بگردانيم براى تو خرجى بر آنكه بسازى ميانه ما و ميانه ايشان سدّى (94)
گفت آنچه تمكّن داده مرا در آن پروردگار من

بهتر است پس مدد كنيد مرا بقوّتى كه بسازم ميانه شما و ميانه ايشان سدّى (95)
بياريد نزد من پارچه‌هاى آهن تا وقتى كه برابر شود ميانه آن دو كوه گفت بدهيد تا وقتى كه گردانيد آن را آتش گفت بياريد نزد من تا بريزم بر آن مس گداخته (96)
پس نتوانستند كه بالا روند آن را و نتوانستند مر او را سوراخ كردن (97)
گفت اين رحمتى است از پروردگارم پس چون آيد وعده پروردگار من ميگردانيدش ريزه ريزه و باشد وعده پروردگار من حقّ (98)
و وا ميگذاريم بعضى ايشان را آن روز كه باضطراب داخل ميشوند در

بعضی و دمیده شد در صور پس جمع كرديم ايشان را جمع كردنى (99)
و نمودار كرديم دوزخ را آن روز براى كافران نمودار كردنى (100)
آنان كه بود چشمهاشان در پرده از ياد من و بودند كه نميتوانستند شنيدن (101)
آيا پس پنداشتند آنان كه كافر شدند كه بگيرند بندگان مرا از غير من صاحبان بدرستى كه ما آماده كرده‌ايم دوزخ را از براى كافران ما حضرى (102)
بگو آيا خبر دهيم شما را بزيانكارتران در كردارها (103)
آنان كه ضايع شد سعيشان در زندگى دنيا و ايشان ميپندارند كه ايشان خوب ميكنند كار را (104)
آنها آنانند كه كافر شدند بآيتهاى پروردگارشان و ملاقاتش پس ناچيز شد كردارهاشان پس قرار نميدهيم براى ايشان روز قيامت و زنى (105)
اينست پاداش ايشان دوزخست بسبب آنچه كافر شدند و گرفتند آيتهاى مرا و رسولان مرا باستهزاء (106)
بدرستى كه آنان كه گرويدند و كردند كارهاى شايسته باشد براى ايشان بهشتهاى فردوس
ترجمه قرآن، ص: 282
منزلى (107)
جاودان در آنها كه نجويند از آنها انتقالى (108)
بگو اگر بودى دريا مداد از براى سخنان پروردگارم هر آينه آخر شدى دريا پيش از آنكه آخر شود كلمات پروردگارم و اگر چه آورده بوديم مثل آن را مدد (109)
بگو جز اين نيست كه من آدمى‌ام مثل شما كه وحى فرستاده ميشود بمن كه نيست خداى شما مگر خداى يكتا پس كسى كه باشد كه اميد دارد ملاقات پروردگارش پس بايد بكند كار شايسته و شريك نسازد پرستش پروردگارش را احدى (110)

بنام خداوند بخشنده مهربان
بيان مرحمت كردن پروردگار تو است بنده‌اش را زكريّا (2)
هنگامى كه خواند پروردگارش را خواندنى پنهان (3)
گفت پروردگارا بدرستى كه سست شد استخوان از من و مشتعل شد سر از راه پيرى و نبوده‌ام بخواندن تو اى پروردگارم محروم (4)
و بدرستى كه من ميترسم از بنى اعمام از بعدم و باشد زنم نازاينده پس ببخش مرا از نزدت وليّى (5)
كه ميراث برد از من و ميراث برد از آل يعقوب و بگردانش اى پروردگارم پسنديده (6)
اى زكريّا بدرستى كه ما مژده ميدهيم ترا به پسرى كه نام او يحيى است كه نگردانيديم مر او را از پيش همنامى (7)
گفت اى پروردگار من از كجا ميشود مرا پسرى و باشد زنم نازاينده و بدرستى كه رسيده‌ام از پيرى بنهايت ناتوانى (8)
گفت همچنين گفت پروردگارت كه آن بر من آسانست و بتحقيق آفريدم ترا
ترجمه قرآن، ص: 283
از پيش و نبودى چيزى (9)
گفت پروردگارم بگردان براى من علامتى گفت علامت تو آنست كه سخن نكنى با مردمان سه شب تمام (10)
پس بيرون رفت بر قومش از محراب پس اشاره كرد بايشان كه تسبيح كنيد بامداد و شبانگاه (11)
اى يحيى بگير آن كتاب را به نيروى يزدانى و داديمش حكم در كودكى (12)
و رحمتى از نزد خود و پاكيزگى و بود پرهيزكار (13)
و نيكى كننده با والدينش و نبود سركش نافرمان (14)
و سلام بر او روزى كه زاده شد و روزى كه ميميرد و روزى كه بر انگيخته ميشود زنده (15)
و ياد كن در كتاب مريم هنگامى كه كناره گزيد از اهلش در جايى شرقى (16)
پس گرفت از پيش ايشان سترى پس فرستاديم بسويش روح خود جبرئيل را پس مانند شد مر او را انسانى درست اندام (17)
گفت بدرستى كه من پناه ميبرم بخداى بخشنده از تو اگر هستى پرهيزكار (18)

گفت نیستم من مگر فرستاده پروردگار تو تا ببخشم مر ترا پسری پاکیزه (19)
گفت از کجا باشد مرا فرزندی و مسّ نکرده مرا انسانی و نبوده ام بدکار (20)
گفت همچنین گفت پروردگار تو که آن بر من آسان است و تا بگردانیم آن را آیتی از برای مردمان و رحمتی از ما و باشد امری قرار داده شده (21)
پس بار گرفت باو پس کناره گزید با او در جایی دور (22)
پس آوردش درد زادن بسوی تنه درخت خرما گفت ای کاش من مرده بودم پیش از این و بودم فراموش شده از یاد رفته (23)
پس ندا کرد او را عیسی یا جبرئیل از زیرش که اندوه مدار که بتحقیق گردانید
ترجمه قرآن، ص: 284
پروردگار تو در زیرت نهری (24)
و بکش بسوی خود تنه درخت خرما را که فرو میریزاند بر تو رطب تازه چیده (25)
پس بخور و بیاشام و روشن باشد چشم تو پس اگر ببینی از انسان احدی را پس بگو بدرستی که من نذر کرده‌ام برای خدای بخشنده روزه پس سخن نمیکنم امروز آدمی را (26)
پس آورد او را نزد قومش که برداشته بود او را گفتند ای مریم بحقیقت آوردی چیزی عجب (27)
ای خواهر هارون نبود پدرت مرد بدی و نبود مادرت بدکار (28)
پس اشاره کرد باو گفتند چگونه سخن گویم با کسی که باشد در گهواره کودک (29)
گفت بدرستی که منم بنده خدا داده مرا کتاب و گردانیده مرا پیغمبر (30)
و گردانیده مرا با برکت هر جا باشم و وصیّت کرد مرا بنماز و زکاة مادامی که باشم زنده (31)
و نیکوکار بمادرم و نگردانید مرا سرکش بدبخت (32)
و سلام بر من روزی که زاده شوم و روزی که میمیرم و روزی که بر انگیخته شوم زنده (33)
آنست عیسی پسر مریم گفتن درست که در آن شکّ میکنند (34)
نباشد مر خدای را که فرا گیرد هیچ فرزندی منزّه است او چون قرار آفریدن میدهد امری را پس جز این نیست که میگوید مر او را بشو پس میشود (35)
و بدرستی که خدا پروردگار من و پروردگار شما است پس بپرستید او را این است راه راست (36)
پس اختلاف کردند طایفه‌ها از میانشان پس وای مر آنان را که کافر شدند

از حضور روزى بزرگ
چه شنوانيد بايشان و چه بينا
ترجمه قرآن، ص: 285
روزى كه آيند ما را ليكن ستمكاران باشند آن روز در گمراهى آشكار (38)
و بيم ده ايشان را از روز حسرت چون گذارش داده شود كار و ايشانند در غفلتى و ايشان نميگروند (39)
بدرستى كه ما ميراث ميبريم زمين را و كسى كه بر آنست و بسوى ما باز ميگردند (40)
و ياد كن در كتاب ابراهيم را بدرستى كه او بود راستگوى پيغمبرى (41)
چون گفت مر پدر خود را اى پدر من چرا ميپرستى آنچه نميشنود و نمى‌بيند و كفايت نميكند از تو چيزى را (42)
اى پدر من بدرستى كه آمد مرا از دانش آنچه نيامد ترا پس پيروى كن مرا تا هدايت كنم ترا براه راست (43)
اى پدر من مپرست ديو رجيم را بدرستى كه شيطان باشد مر خداى بخشنده را نافرمان (44)
اى پدر من بدرستى كه من ميترسم كه مسّ كند ترا عذابى از خداى بخشنده پس باشى مر شيطان را قرين (45)
گفت آيا در گذرنده تو از خدايان من اى ابراهيم هر آينه اگر باز بايستى هر آينه سنگسار كنم ترا و دورى كن از من مدّتى مديد (46)
گفت سلام وداع بر تو بزودى آمرزش ميخواهم براى تو از پروردگارم بدرستى كه او باشد بمن مهربان (47)
و كناره ميكنم از شما و آنچه ميخوانيد از جز خدا و ميخوانم پروردگارم را شايد نبوده باشم بخواندن پروردگارم بدبخت (48)
پس چون كناره گزيد از ايشان و آنچه ميپرستيدند از جز خدا بخشيديم مر او را اسحق و يعقوب و همه را گردانيديم پيغمبر (49)
و بخشيديم مر ايشان را از رحمت خود و گردانيديم براى ايشان زبان راستى كه بلند است (50)
و ياد كن در كتاب موسى را بدرستى كه او
ترجمه قرآن، ص: 286
بود خالص گردانيده شده و بود رسول و پيغمبر (51)
و ندا كرديم او را از جانب ايمن طور و نزديک كرديم او را از گوينده (52)
و بخشيديم مر او را از رحمت خود برادرش را هارون پيغمبرى (53)
و ياد كن در كتاب اسمعيل را بدرستى كه او بود راست وعده و بود رسول نبى (54)
و بود امر ميكرد كسانش را بنماز و زكاة و بود نزد پروردگارش پسنديده (55)

و یاد کن در کتاب ادریس را بدرستی که او بود راستگوی نبی (56)
و بالا بردیم او را بجایی بلند (57)
آنها انانند که انعام کرد خدا بر ایشان از پیغمبران از فرزندان آدم و از آنان که برداشتیم با نوح و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از آنان که هدایت کردیم و برگزیدیم چون خوانده شود بر ایشان آیتهای خدای بخشنده بر وی در افتند سجده‌کنان و گریه کنندگان (58)
پس باز ماندند از بعد ایشان خلفهایی که ضایع کردند نماز را و و پیروی کردند خواهشها را پس زود باشد که به بینند شرّ را (59)
مگر کسی که توبه کرد و بگروید و کرد کاری شایسته پس آنها داخل میشوند بهشت را و ستمکرده نمیشوند چیزی (60)
بهشتهای با اقامت دائمی که وعده کرد خدای بخشنده بندگانش را بنا پیدا بدرستی که باشد وعده او بجای آورده شده (61)
نشنوند در آنها لغوی مگر سلام و مر ایشان را است روزیشان در آن بامداد و شبانگاه (62)
اینست آن بهشتی که بمیراث میدهیم از بندگان خود آن را که باشد پرهیزکار (63)
و
ترجمه قرآن، ص: 287
فرو نمیآئیم مگر بامر پروردگار تو مر او راست آنچه میان دستهای ما است و آنچه در پس ما است و آنچه میان آنست و نباشد پروردگار تو فراموشکار (64)
پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است پس بپرست او را و پایدار مر پرستش او را آیا میدانی مر او را مانندی (65)
و میگوید آدمی آیا چون بمیرم هر آینه بیرون آورده شوم زنده (66)
آیا فکر نمیکند انسان که ما آفریدیم او را از پیش و نبود چیزی (67)
پس بحقّ پروردگار تو که حشر کنیم ایشان را با شیاطین پس حاضر خواهیم کردشان گرداگرد دوزخ بزانو در آینده (68)
پس هر آینه بیرون میکنیم از هر گروهی هر کدامشان سختتر است بر خدا از راه نافرمانی (69)
پس هر آینه مائیم داناتر بآنان که ایشان سزاوارترند او را بانداختن (70)
و نیست از شما مگر که وارد شونده آنست باشد بر پروردگار تو واجب حکم کرده شده (71)
پس میرهانیم آنان را که پرهیزکاری کردند و میگذاریم ظالمان را در آن بزانو در آینده (72)
و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای ما که روشن است گفتند آنان که کافر شدند مر آنان را که گرویدند کدام یک از آن دو گروه بهترند از راه مأوی و

خوبترند از راه مجلس (73)
و چه بسيار هلاک گردانيديم پيش از ايشان از جمعى که آنها نيکوتر بودند در اثاث و هيئت (74)
بگو کسى که باشد در گمراهى پس بايد مهلت دهد او را خداى بخشنده مهلت دادنى تا چون که به بينند آنچه وعده داده ميشوند يا عذاب و يا قيامت پس زود باشد که بدانند که کيست که بدتر است جاى او و ضعيف‌تر است لشگر او (75)
و افزون ميکند
ترجمه قرآن، ص: 288
خدا آنان را که هدايت يافتند هدايتى و کردارهاى پاينده شايسته بهتر است نزد پروردگار تو در ثواب و بهتر است در بازگشت (76)
آيا پس ديدى آن را که کافر شد بآيتهاى ما و گفت هر آينه داده شوم البتّه مال را و فرزندان را (77)
آيا اطّلاع يافته بر غيب يا فرا گرفت از نزد خداى بخشاينده پيمانى (78)
نه چنانست بزودى مينويسيم آنچه ميگويد و طول ميدهيم براى او از عذاب طول دادنى (79)
و وارث ميشويم او را آنچه ميگويد و ميآيد بسوى ما تنها (80)
و گرفتند از غير خدا الهان تا باشند از براى ايشان ارجمندى (81)
نه چنانست بزودى انکار کنند پرستش ايشان را و باشند بر ايشان ضدّ (82)
آيا نديدى که ما فرستاديم شياطين را بر کافران که در جنباند ايشان را جنباندنى (83)
پس شتاب مبر بر ايشان جز اين نيست ميشماريم براى ايشان شمردنى (84)
روزى که حشر ميکنيم پرهيزکاران را بسوى خداى بخشنده سواران وارد شده (85)
و ميرانيم گناهکاران را بسوى دوزخ تشنگان (86)
مالک نميباشند شفاعت را مگر کسى که گرفت از نزد خداى بخشنده پيمانى (87)
و گفتند گرفت خداى بخشنده فرزندى (88)
بدرستى که آورديد چيزى سخت (89)
نزديک شد آسمانها چاک چاک شود از آن و بشکافد زمين و برو در افتند کوه‌ها فرو ريختنى (90)
بجهة خواندن ايشان براى خداى بخشنده فرزند (91)
و سزاوار نيست مر خداى بخشنده را که بگيرد فرزندى (92)
نيست هر آنکه در آسمانها و زمين است جز آنکه آينده خداى بخشاينده

است بنده (93)
بدرستی که بضبط در آورده آنها را و شمرده ایشان را شمردنی (94)
و همه ایشان آینده اویند روز رستاخیز
ترجمه قرآن، ص: 289
تنها (95)
بدرستی که آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته بزودی میگرداند خدا برای ایشان دوستی را (96)
پس جز این نیست که آسان گردانیدمش بزبان تو تا مژده دهی بآن پرهیزکاران را و بیم دهی بآن گروهی سخت خصومت را (97)
و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از قرنی آیا مییابی از ایشان هیچکس یا میشنوی مر ایشان را آوازی (98)

سورة طه مائة و خمس و ثلاثون آية و هى نزلت بمكّة

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ای پيغمبر برگزيده (1)
فرو نفرستاديم بر تو قرآن را كه تعب كشى (2)
ليكن پند داد نيست بر كسى كه ميترسد (3)
فرو فرستادنى از آنكه آفريد زمين را و آسمانهاى بلند را (4)
خداى بخشنده بر عرش مستولى شد (5)
مر او را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است و آنچه ميان آن دو تا است و آنچه زير طبقه آخرين زمين است (6)
و اگر آشكار كنى گفتار را پس بدرستى كه او ميداند پنهان و پنهانتر را (7)
خدا هست نيست خدايى مگر او مر او را است نامهاى نيكو (8)
و بدرستى كه آمد ترا حكايت موسى (9)
چون ديد آتشى پس گفت مر كسانش را درنگ كنيد بدرستى كه من ديدم آتشى را باشد كه بيارم شما را از آن گيرانده شعله يا بيابم بر آن آتش هدايتى (10)
پس چون آمد آن را ندا كرده شد كه اى موسى (11)
بدرستى كه منم پروردگار تو پس بيرون كن نعلين خود را بدرستى كه تو بوادى پاكيزه
ترجمه قرآن، ص: 290
طوائى (12)
و من برگزيدم ترا پس گوش بدار مر آنچه وحى كرده شود (13)
بدرستى كه منم خدايى كه نيست خدايى مگر من پس بپرست مرا و بر پادار نماز را براى ذكر من (14)
بدرستى كه قيامت آينده است ميخواهم پنهان دارمش تا جزا داده شود هر تنى بآنچه ميكوشد (15)
پس باز ندارد ترا از آن كسى كه ايمان نمیآورد بآن و پيروى كرد خواهش را پس هلاک شوى (16)
و چيست آنچه در دست راست تو است اى موسى (17)
گفت آن عصاى من است تكيه ميكنم بر آن و فرو ميريزم برگ درختان را بر گوسفندم و مرا است در آن مطالب ديگر (18)
گفت بيندازش اى موسى (19)
پس انداخت آن را پس آن گاه مارى بود كه ميشتافت (20)
گفت بگيرش و مترس زود باشد كه باز دهيم آن را خلقتش را كه اوّل بود (21)

و بپيوند دستت را ببالت يا گريبانت كه بيرون بيايد سفيد نورانى از غير پيسى كه آيت ديگر است (22)
تا بنمايم ترا از آيتهاى ما كه بزرگست (23)
برو بسوى فرعون بدرستى كه او زياده روى كرد در عصيان (24)
گفت پروردگارا گشاده كن براى من سينه‌ام را (25)
و آسان كن براى من كارم را (26)
و بگشاى گره از زبان من (27)
كه بفهمند گفتار مرا (28)
و بگردان براى من وزيرى از اهلم (29)
هارون برادرم را (30)
قوى ساز باو پشتم را (31)
و انباز كن او را در كار من (32)
تا تسبيح كنيم ترا بسيار (33)
و ياد كنيم ترا بسيار (34)
بدرستى كه تو هستى بحال ما بينا (35)
گفت بدرستى كه داده شده خواسته‌ات را اى موسى (36)
و بدرستى كه منّت نهاديم ترا بار ديگر (37)
ترجمه قرآن، ص: 291
هنگامى كه وحى فرستاديم بمادرت آنچه وحى فرستاده ميشود (38)
كه در آورش در تابوت پس بيندازش در دريا پس بايد كه بيندازد او را دريا بكنار تا بگيردش دشمنى كه مرا است و دشمنى كه او را است و انداختم بر تو مهرى را از خود و تا تربيت كرده شوى بر نگهدارى من (39)
هنگامى كه ميرفت خواهرت پس ميگفت آيا دلالت كنم شما را بر كسى كه پايندانى كند او را پس باز گردانيديم ترا بمادرت تا بياسايد چشمش و اندوهناک نباشد و كشتى تنى را پس رهانيديم ترا از غم و آزموديم تر آزمودنى پس ماندى سالها در اهل مدين پس آمدى بر اندازه اى موسى (40)
و كزين كردم تو را براى خودم (41)
برو تو و برادرت بآيتهاى من و سستى مكنيد در ذكر من (42)
برويد بسوى فرعون بدرستى كه او زياده‌روى كرد (43)
پس بگوئيد مر او را گفتنى نرم شايد كه او پند گيرد يا بترسد (44)
گفتند پروردگار ما بدرستى كه ما ميترسيم كه پيش گيرى كند بر ما يا آنكه زياده روى كند در عصيان (45)
گفت مترسيد بدرستى كه من با شمايم ميشنوم و مى‌بينم (46)
پس آمدند او را پس گفتند بدرستى كه ما دو فرستاده پروردگار توايم پس بفرست با ما بنى اسرائيل را و عذاب مكن ايشان را بحقيقت آمديم تو را

بآیتی از پروردگارت و سلام بر آنکه پیرو شد هدایت را (47)
بدرستی که ما وحی فرستاده شد بما که عذاب بر کسی است که تکذیب کرد و روی گردانید (48)
گفت پس کیست پروردگار شما ای موسی (49)
گفت پروردگار ما آن کسی است که داد بهر چیزی خلقتش را
ترجمه قرآن، ص: 292
پس هدایت کرد (50)
گفت چیست حال قرنهای نخستین (51)
گفت علم آن نزد پروردگار من است در کتابی که خطا نمی‌نماید پروردگار من و فراموش نمیکند (52)
آنکه گردانید بر شما زمین را بستری و بدید آورد برای شما در آن راهها و فرو فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آوردیم بآن اصنافی از رستنی جداگانه (53)
بخورید و بچرانید شتر و گاو و گوسفندتانرا تانرا بدرستی که در آن هر آینه آیتها است برای صاحبان خردها (54)
از آن آفریدیم شما را و در آن باز میبریم شما را و از آن بیرون میآوریم شما را بار دیگر (55)
و بحقیقت نمودیم فرعون را آیتهای ما همه‌اش پس تکذیب کرد و ابا نمود (56)
گفت آیا آمده ما را تا بیرون کنی ما را از زمین ما بسحر خود ای موسی (57)
پس هر آینه آوریم ترا بسحر مانند آن پس بگردان میان ما و میان تو وعده‌گاهی که خلاف نکنیم آن را ما و نه تو بجای هموارى (58)
گفت وعده گاه شما روز آرایش است و آنکه جمع کرده شوند مردمان چاشتگاه (59)
پس بازگشت فرعون پس فراهم آورد مکرش را پس آمد (60)
گفت مر ایشان را موسی وای بر شما بلندید بر خدا دروغ را پس بر اندازد شما را بعذابی و بدرستی که نومید شد آنکه افترا بست (61)
پس کشانیدند بنزاع کارشان را میانه خود و پنهان داشتند راز را (62)
گفتند بدرستی که این دو هر آینه ساحرند میخواهند که بیرون کنند شما را از زمینتان بسحرشان و بر اندازند آئین شما را که خوبتر است (63)
پس جمع کنید
ترجمه قرآن، ص: 293
مکرتان را پس بیائید صف کشیده و بدرستی که کامیاب شد امروز آنکه فایق آمد (64)
گفتند ای موسی یا این است که میاندازی و یا آنکه باشیم ما اوّل کسی که

انداخت (65)
گفت بلکه بیندازید پس آن گاه رسنهاشان و عصاهاشان وانموده شد بموسی از سحر ایشان که آنها میشتابند (66)
پس یافت در خودش بیمی موسی (67)
گفتیم مترس تو تویی برتر (68)
و بینداز آنچه در دست راست تو است تا فرو برد آنچه را ساخته‌اند بدرستی که آنچه را ساخته‌اند حیله ساحر است و کامیاب نمیشود ساحر هر جا آید (69)
پس در افکنده شدند ساحران سجده‌کنان گفتند گرویدیم بپروردگار هارون و موسی (70)
گفت آیا ایمان آوردید مر او را پیش از آنکه د ستوری دهم شما را پس بدرستی که آن هر آینه بزرگ شما است که آموخت شما را سحر پس هر آینه خواهم برید البتّه دستهای شما را و پایهای شما را از خلاف یکدیگر و هر آینه بردار کشم شما را در تنه‌های درخت خرما و هر آینه خواهید دانست که کدام از ما سختتر است از راه عذاب و پاینده‌تر (71)
گفتند هرگز اختیار نخواهیم کرد ترا بر آنچه آمد ما را از حجّتهای روشن قسم بآنکه آفرید ما را پس حکم کن آنچه تو حکم کننده جز این نیست حکم میرانی در این زندگانی دنیا بدرستی که (72)
ما گرویدیم بپروردگارتان تا بیامرزد برای ما گناهانمان را و آنچه را که بجبر واداشتی ما را بر آن از سحر و خدا بهتر است و پاینده‌تر (73)
بدرستی که آنکه آید پروردگارش را گناهکار پس مر او راست دوزخ نمیمیرد در آن و نه زندگانی میکند (74)
و آنکه آید او را با ایمان که بتحقیق کرده باشد
ترجمه قرآن، ص: 294
کارهای شایسته پس آنها برای ایشانست مرتبه‌های بلندتر (75)
بهشتهای جای اقامت دائمی که میرود از زیر آنها نهرها جاودانیان در آن و آن پاداش کسی است که پاک باشد (76)
و هر آینه بتحقیق وحی کردیم بموسی که بشب ببر بندگان مرا پس بزن برای ایشان راهی در دریا خشک بیم نخواهی داشت دریافتنی و نخواهی ترسید (77)
پس از پی رفتنشان فرعون با لشگرهایش پس دریافت ایشان را از دریا آنچه دریافت ایشان را (78)
و گمراه کرد فرعون قومش را و هدایت نکرد (79)
ای پسران یعقوب بدرستی که رهانیدیم شما را از دشمنانتان و وعده دادیم شما را جانب طور ایمن و فرو فرستادیم بر شما منّ و سلوی را (80)
بخورید از پاکیزه‌های آنچه روزی دادیم شما را و تعدّی مکنید در آن پس

فرود آید بر شما سخط من و هر که فرود آید بر او سخط من پس بدرستی که هلاک شد (81)
و بدرستی که من آمرزنده‌ام مر آن را که توبه کرد و گروید و کرد کاری شایسته پس هدایت یافت (82)
و چه چیز بشتاب آورد ترا از قومت ای موسی (83)
گفت ایشانند اینان بر اثر من و شتافتم بسوی تو ای پروردگار من تا خوشنود شوی (84)
گفت پس بدرستی که ما مبتلا نمودیم قوم ترا از بعد تو و گمراه کرد ایشان را سامری (85)
پس بازگشت موسی بسوی قومش خشمناک بسیار غضب آلوده گفت ای قوم آیا نه وعده داد شما را پروردگار شما وعده دادنی نیکو آیا پس دراز شد بر شما آن زمان یا خواستید که فرود آید بر شما سخطی از پروردگارتان پس خلاف کردید وعده مرا (86)
ترجمه قرآن، ص: 295
گفتند خلاف نکردیم وعده ترا باختیارمان و لیکن ما بار کرده شدیم احمال را از پیرایه قوم پس انداختیم آنها را پس همچنین انداخت سامریّ (87)
پس بیرون آورد برای ایشان گوساله کالبدی که بود مر او را فریاد گوساله پس گفتند این است خدای شما و خدای موسی پس فراموش کرد (88)
آیا پس نمی‌بینند که بر نمیگرداند بسوی ایشان سخنی را و مالک نمیباشد برای ایشان زیانی و نه سودی را (89)
و بتحقیق گفت مر ایشان را هارون از پیش ای قوم جز این نیست مبتلا شدید بآن و بدرستی که پروردگار شما خدا است پس پیروی کنید مرا و اطاعت نمائید امر مرا (90)
گفتند همیشه خواهیم بود بر آن مقیمان تا باز گردد بسوی ما موسی (91)
گفت ای هارون چه باز داشت ترا وقتی که دیدی ایشان را که گمراه شدند (92)
که پیروی نکردی مرا آیا پس عصیان ورزیدی امر مرا (93)
گفت ای پسر مادر من مگیر محاسنم را و نه سرم را بدرستی که من ترسیدم که بگویی جدایی افکندی میان بنی اسرائیل و رعایت نکردی سخن مرا (94)
گفت پس چه بود کار تو ای سامریّ (95)
گفت دیده ور شدم بآنچه دیده‌ور نشدند بآن پس گرفتم مشتی از اثر آن فرستاده پس انداختم آن را و همچنین خوب وانمود برای من نفسم (96)
گفت پس برو بدرستی که مر ترا است در زندگی که بگویی روا نیست مسّ کردن من و بدرستی که مر ترا است وعده که خلاف کرده نشوی آن را و بنگر بالهت که کشتی تمام روز بر آن مقیم پرستش هر آینه میسوزانیم

آن را پس هر آینه میافشانیمش در دریا افشاندنی (97)
نیست اله شما جز خدایی که
ترجمه قرآن، ص: 296
نیست الهی مگر او احاطه کرده همه چیز را از راه دانش (98)
همچنین میخوانیم بر تو از چیزهایی آنچه بحقیقت گذشته و بدرستی که دادیمت از نزد خود قرآن یا نام نیک (99)
کسی که روی گرداند از آن پس بدرستی که او بر میدارد روز قیامت بار گرانی (100)
جاودانیان در آن و بد است آن مر ایشان را روز قیامت باری (101)
روزی که دمیده شود در صور و حشر نمائیم گناهکار را روزی چنین کبود چشمان (102)
پنهان گویند میان خود که درنگ نکردید مگر ده روز (103)
ما داناتریم بآنچه میگویند هنگامی که خواهند گفت خوبترشان در مسلک که درنگ نکردید مگر روزی (104)
و میپرسند ترا از کوه‌ها پس بگو بر افشاند آن را پروردگارم بر افشاندنی (105)
پس واگذارد آن را ساده هموار (106)
که نه بینی در آن کژی و نه برآمدگی (107)
روزی چنین پیرو میشوند خواننده را نباشد انحرافی برایش و پست میشود آوازها برای خدای بخشنده پس نشنوی مگر آواز آهسته (108)
آن روز سود نکند شفاعت مگر آن کس را که دستوری داده باشد مر او را خدای بخشنده و رضا داده باشد مر او را گفتار (109)
میداند آنچه باشد میان دستهاشان و آنچه باشد پس پشتشان و احاطه نمیکنند باو از راه دانش (110)
و خوار شد رویها برای خدای زنده پاینده و بدرستی که نومید شد آنکه برداشت ظلمی را (111)
و کسی که میکند از خوبها و او است مؤمن پس نخواهند ترسید از ستمی و نه شکستی (112)
و همچنین فرو فرستادیم آن را قرآنی عربی و مکرّر آوردیم در آن از وعید
ترجمه قرآن، ص: 297
باشد که ایشان بپرهیزند یا پدید آرد برای ایشان پند گرفتنی (113)
پس برتر آمد خدا پادشاه حقّ و شتاب مکن بقرآن پیش از آنکه گزارش داده شود بتو وحیش و بگو ای پروردگار من زیاد کن مرا دانش (114)
و بدرستی که عهد کردیم با آدم از پیش پس واگذاشت و نیافتیم مر او را عزمی (115)
و هنگامی که گفتیم مر ملائکه را که سجده کنید مر آدم را پس سجده

کردند مگر ابلیس که سر باز زد (116)
پس گفتیم ای آدم بدرستی که این دشمن است مر ترا و مر جفتت را پس نباید که بیرون کند شما را از بهشت پس تعب کشی (117)
بدرستی که مر ترا است که نه گرسنه شوی در آن و نه برهنه شوی (118)
بدرستی که نه تو تشنه شوی در آن و نباشی در آفتاب (119)
پس وسوسه کرد مر او را شیطان گفت ای آدم آیا دلالت کنم ترا بر درخت جاودانی و پادشاهی که کهنه نشود (120)
پس خوردند آن دو از آن پس ظاهر شد مر آنها را عورتهاشان و شروع نمودند میچسبانیدند بر آن دو از برگ بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگارش پس بی بهره شد (121)
پس برگزید او را پروردگارش پس توبه پذیرفت از او و هدایت کرد (122)
گفت فرو شوید از آن همه بعضی از شما مر بعضی را دشمن پس اگر آید شما را از من هدایتی پس آنکه پیرو شد هدایت مرا پس گمراه نمیشود و تعب نمیکشد (123)
و آنکه روگردانید از ذکر من پس بدرستی که مر او را است زیستنی تنگ و حشر میکنیم او را روز قیامت نابینا (124)
گفت پروردگار من چرا حشر کردی مرا نابینا و بدرستی که بودم بینا (125)
گفت همچنین آمد ترا
ترجمه قرآن، ص: 298
آیتهای ما پس وا گذاشتی آن را و همچنین امروز واگذاشته شوی (126)
و همچنین جزا میدهم آن را که اسراف کرد و نگروید بآیتهای پروردگارش و هر آینه عذاب آخرت سختتر و پاینده‌تر است (127)
آیا پس هدایت نکردشان که بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از قرنها که میروند در مسکنهای ایشان بدرستی که در آن هر آینه آیتها است مر صاحبان خردها را (128)
و اگر نبود کلمه که پیش رفته از پروردگارت هر آینه بود لازم و مدّتی نام برده شده (129)
پس صبر کن بر آنچه میگویند و تسبیح کن بستایش پروردگارت پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدنش و از ساعتهای شب پس تسبیح کن و اطراف روز باشد که تو خوشنود شوی (130)
و نگشای بخواهش البتّه دو چشمت را بسوی آنچه کامیاب کردیم بآن اضافی را از ایشان خوشی زندگانی دنیا تا مفتون سازیمشان در آن و روزی پروردگار تو بهتر و پاینده‌تر است (131)
و امر کن کسانت را بنماز و صبر کن بر آن نمیخواهیم از تو روزی ما روزی میدهیم ترا و انجام نیک مر پرهیزکارانراست (132)

و گفتند چرا نمیاورد ما را آیتی از پروردگارش ایا نیامد ایشان را حجّت آنچه بود در کتابهای نخستین (133)
و اگر آنکه ما هلاک کردیم ایشان را بعذاب از پیش آن هر آینه میگفتند پروردگار ما چرا نفرستادی بما رسولی پس پیروی میکردیم آیتهای ترا از پیش آنکه خوار شویم و و رسوا گردیم (134)
بگو هر یک منتظریم پس انتظار کشید پس بزودی خواهید دانست که کیست اصحاب راه راست و کیست که هدایت یافت (135)
ترجمه قرآن، ص: 299

بنام خداوند بخشاينده مهربان
نزديک شد مر مردمان را حسابشان و ايشان باشند در بيخبرى اعراض كنندگان (1)
نميآيد ايشان را هيچ پندى از پروردگارشان تازه آورده شده مگر كه شنيدند آن را و ايشان بازى ميكردند (2)
غفلت ورزنده دلهاشان و پنهان داشتند راز را آنانى كه ظلم كردند آيا اين باشد مگر انسانى مانند شما آيا پس مى‌آييد سحر را و شما مى‌بينيد (3)
گفت پروردگار من ميداند گفتار را در آسمان و زمين و او است شنواى دانا (4)
بلكه گفتند فراهم آورده خوابها است بلكه بدروغ بست آن را بلكه او شاعر است پس بايد كه بياورد ما را آيتى هم چنان كه فرستاده شدند پيشينيان (5)
نگرويدند پيش از ايشان هيچ قريه كه هلاک كرديم آن را آيا پس ايشان ميگروند (6)
و نفرستاديم پيش از تو مگر مردانى كه وحى كرديم بايشان پس بپرسيد از اهل ذكر اگر هستيد كه نميدانيد (7)
و نكرديم ايشان را جسدى كه نخورند طعام را و نبودند جاودانيان (8)
پس راست كرديم ايشان را وعده پس رهانيديم ايشان را و كسى را كه ميخواستيم و هلاک كرديم مسرفان را (9)
بحقيقت فرستاديم بر شما كتابى كه در آنست پند شما آيا پس در نمييابيد بعقل (10)
و بسيار در هم شكستيم از قريه كه بود ستمكار
ترجمه قرآن، ص: 300
و بديد آورديم پس از آن گروهى ديگر را (11)
پس چون احساس كردند عذاب ما را آن گاه ايشان از آن ميگريختند (12)
مگريزيد و باز گرديد بسوى آنچه متنعّم شديد در آن و مسكنهاتان باشد كه شما پرسيده شويد (13)
گفتند اى واى بر ما بدرستى كه ما بوديم ستمكاران (14)
پس بود پيوسته اين نداشان تا كرديمشان درويده بمرگ افسردگان يا فرو مردگان (15)
و نيافريديم آسمان و زمين را و آنچه باشد ميان آن دو تا بازى كنندگان (16)
اگر ميخواستيم كه فرا گيريم لهوى را هر آينه فرا ميگرفتيم آن را از نزد

خود اگر بوديم كنندگان (17)
بلكه مياندازيم حقّ را بر باطل پس ميشكند آن را پس آن گاه آن باشد ناچيز و بر شما است واى از آنچه وصف ميكنند (18)
و مر او را است هر كه در آسمانها و زمين است و آنكه نزد او است سركشى نميكنند از پرستش او و مانده نميشوند (19)
تسبيح ميكنند شب و روز سست نميشوند (20)
بلكه فرا گرفتند الهانى را از زمين كه ايشان نشر كنند (21)
اگر بودى در آن دو تا الهان كه غير خداوند هر آينه تباه شده بود آن دو پس منزّه است خدا پروردگار عرش از آنچه وصف ميكنند (22)
پرسيده نميشود از آنچه ميكنند و ايشان پرسيده ميشوند (23)
بلكه گرفتند از غير او خدايان بگو بياريد دليل خود را اين است ذكر كسانى كه با منند و ذكر كسانى كه پيش از من بودند بلكه اكثر ايشان نميدانند حقّ را پس ايشان روى گردانندگانند (24)
و نفرستاديم پيش از تو رسولى مگر كه وحى ميفرستاديم باو كه نيست خدايى مگر
ترجمه قرآن، ص: 301
من پس بپرستيد مرا (25)
و گفتند فرا گرفت خداى بخشنده فرزندى دانم پاک بودنش بلكه بندگانيند گرامى داشتگان (26)
پيشى نميگيرند او را بگفتار و ايشان بامر او كار ميكنند (27)
ميداند آنچه بود ميان دستهاشان و آنچه باشد پشتشان و شفاعت نميكنند مگر براى كسى كه راضى باشد و ايشان از ترس او باشند خائفان (28)
و آنكه بگويد از ايشان كه منم الهى از جزا و پس آن سرزا ميدهيمش دوزخ همچنين سزا ميدهيم ستمكاران را (29)
آيا نديدند آنان كه كافر شدند كه آسمانها و زمين بودند بسته پس گشاده كرديم آنها را و گردانيديم از آب هر چيز زنده را آيا پس نميگرويد (30)
و گردانيديم در زمين كوه‌هاى استوار مبادا كه ميل كند بايشان و گردانيديم در آن گريوهاى وسيع كه راهها است باشد كه ايشان هدايت يابند (31)
و گردانيديم آسمان را بامى محفوظ و ايشان باشند از آيتهاى آن روگردانندگان (32)
و او است كه آفريد شب و روز را و آفتاب و ماه را هر يكند در گردونى كه ميروند (33)
و نگردانيديم مر انسانى پيش از تو بودن جاويد را آيا پس اگر بميرى تو پس ايشان جاودانيانند (34)
هر تنى چشنده مرگست و ميآزمائيم شما را بشرّ و خير آزمودنى و بسوى ما باز گردانيده ميشويد (35)

و چون بينند ترا آنان که کافر شدند نميگيرندت مگر استهزاء آيا اين است که ذکر ميکند الهان شما و ايشان بذکر خداى بخشنده ايشانند کافران (36)
ترجمه قرآن، ص: 302
آفريده شد انسان از شتاب زود باشد بنمايم شما را آيتهاى خود پس شتاب نکنيد با من (37)
و ميگويند کى خواهد بود اين وعده اگر هستيد راستگويان (38)
اگر بدانند آنان که کافر شدند وقتى را که باز نميتوانند داشت از روهاشان آتش را و نه از پشتهاشان و نه ايشان يارى کرده شوند (39)
بلکه ميآيد ايشان را ناگهان پس متحيّر ميگرداندشان پس نتوانستند بر گردانيدن آن را و نه ايشان مهلت داده شوند (40)
و بتحقيق استهزاء کرده شد برسولانى از پيش تو پس احاطه کرد بآنان که استهزاء کردند از ايشان آنچه بودند بآن استهزاء ميکردند (41)
بگو که نگاه ميدارد شما را شب و روز از خداى بخشنده بلکه ايشانند از ذکر پروردگارشان روى گردانندگان (42)
بلکه مر ايشان را است الهان که کفايت ميکند ايشان را بغير ما نميتوانند يارى کردن خودهاشان را و نه ايشان از ما همراهى کرده ميشوند (43)
بکله کامياب کرديم آنها را و پدرانشان را تا دراز شد بر ايشان مدّت زندگانى آيا پس نمى‌بينند که ما مى‌آييم زمين را که کم ميکنيم آن را از اطرافش آيا پس ايشانند غالبان (44)
بگو جز اين نيست که بيم ميکنم شما را بوحى و نميشنوند کران خواندن را چون بيم کرده ميشوند (45)
و اگر مسّ کند ايشان را وزيدن بويى از عذاب پروردگارت هر آينه ميگويند البتّه اى واى بر ما بدرستى که ما بوديم ستمکاران (46)
و ميگذاريم ترازوهاى درست براى روز قيامت پس ستم کرده نشود نفسى چيزى را و اگر باشد مقدار دانه از
ترجمه قرآن، ص: 303
خردل بياريم آن را و بسيم ما حساب کنندگان (47)
و بدرستى که داديم موسى و هارون را جدا کننده حقّ از باطل و نور و پندى مر پرهيزکاران را (48)
آنان که ميترسند از پروردگارشان در نهانى و ايشان باشند از قيامت ترسندگان (49)
و اين ذکريست با برکت که فرو فرستاديم آن را آيا پس شما مر آن را انکار کنندگانيد (50)
و بتحقيق داديم ابراهيم را رشدش از پيش و بوديم باو دانايان (51)
چون گفت مر پدرش را و قومش را چيست اين تمثالها که شمائيد مر آنها

را مقيمان پرستش (52)
گفتند يافتيم پدرانمان را مر آنها را پرستندگان (53)
گفت بتحقيق باشيد شما و پدرانتان در گمراهى آشكار (54)
گفتند آيا آمدى ما را براستى يا هستى تو از بازى كنندگان (55)
گفت بلكه پروردگار شما پروردگار آسمانها و زمين است كه آفريد آنها را و منم بر آن از شاهدان (56)
و بخدا قسم كه هر آينه چاره خواهم كرد البتّه بتان شما را بعد از آنكه برگرديد پشت كنندگان (57)
پس كردشان پاره پاره مگر بت بزرگى كه بود مر آنها را باشد كه ايشان باو رجوع كنند (58)
گفتند كه كرد اين را به الهان ما بدرستى كه او هر آينه باشد از ستمكاران (59)
گفتند شنيديم جوانى كه ببدى ياد ميكرد آنها را كه گفته ميشود مر او را ابراهيم (60)
گفتند پس بياوريد آن را برابر چشمهاى مردمان باشد كه ايشان شهادت دهند (61)
گفتند آيا تو كردى آن را به الهان ما اى ابراهيم (62)
گفت بلكه كرد آن را بزرگشان اين پس بپرسيد از ايشان اگر هستند
ترجمه قرآن، ص: 304
سخن ميگويند (63)
پس رجوع كردند بخودهاشان پس گفتند بدرستى كه شمائيد شما ظالمان (64)
پس نگون كرده شدند بر سرهاشان بدرستى كه ميدانى كه نباشند اينها كه سخن كنند (65)
گفت آيا پس ميپرستيد از غير خدا آنچه سود نكند شما را چيزى و زيان نكند شما را (66)
افّ مر شما را و بر آنچه ميپرستيد از جز خدا پس در نمييابيد بعقل (67)
گفتند بسوزانيد او را و يارى كنيد الهان خود را اگر هستيد كنندگان (68)
گفتيم اى آتش باش سرد و سلامت بر ابراهيم (69)
و خواستند باو مكرى پس كرديم ايشان را زيانكارتران (70)
و رهانيديم او را و لوط را بسوى زمينى كه بركت داديم ما در آن از براى جهانيان (71)
و بخشيديم مر او را اسحق و يعقوب كه نواده بود و همه را گردانيديم شايستگان (72)
و گردانيديمشان امامانى كه هدايت ميكرده باشند بامر ما و وحى كرديم بايشان كردن كارهاى خوب را و بر پاى داشتن نماز را و دادن زكاة را و

بودند مر ما را عبادت کنندگان (73)
و لوط را دادیمش حکم و علم و نجات دادیم او را از قریه که بودند میکردند بدیها را بدرستی که ایشان بودند گروه بدان فاسقان (74)
و داخل کردیم او را در رحمت خود بدرستی که او بود از شایستگان (75)
و نوح را هنگامی که ندا کرد از پیش پس اجابت کردیم مر او را پس رهانیدیم او را و اهلش را از اندوه بزرگ (76)
و یاری دادیم او را از آن قوم که تکذیب کردند آیتهای ما را بدرستی که ایشان بودند گروه بدی پس غرق کردیم ایشان را همه (77)
ترجمه قرآن، ص: 305
و داود را و سلیمان را هنگامی که حکم میکردند در کشت وقتی که چرید بشب در آن گوسفند قوم و بودیم مر حکم ایشان را شاهدان (78)
پس فهمانیدیم آن را بسلیمان و هر یک را دادیم حکم و علم و مسخر کردیم ما با داود کوه‌ها را که تسبیح میکردند و پرنده را و باشیم کنندگان (79)
و آموختیم او را ساختن لباس جنگ برای شما تا نگاهدارد شما را از آسیب شما پس آیا شما شکر کنندگانید (80)
و مر سلیمان را باد که تند بود میرفت بفرمانش بآنزمین که برکت دادیم ما در آن و هستیم ما بهمه چیز دانا (81)
و از دیوان کسانی که بدریا فرو میشدند برایش و میکردند کاری غیر آن و بودیم مر ایشان را نگاهدارندگان (82)
و ایّوب را هنگامی که ندا کرد پروردگارش را که مسّ کرد و مرا آزار و تو رحم کننده‌تر رحم کنندگانی (83)
پس اجابت کردیم مر او را پس رفع نمودیم آنچه با او بود از آزار و دادیم او را اهلش و مثلشان با ایشان رحمتی از نزد ما و پندی مر پرستندگان را (84)
و اسمعیل و ادریس و ذا الکفل همه بودند از صبر کنندگان (85)
و در آوردیم ایشان را در رحمت خود بدرستی که ایشان بودند از شایستگان (86)
و صاحب ماهی را چون رفت خشمناک پس گمان کرد که هرگز تنگ نخواهیم گرفت بر او پس ندا کرد در تاریکیها که نیست خدایی مگر تو منزّهی تو بدرستی که من هستم از ستمکاران (87)
پس اجابت کردیم مر او را و رهانیدیم او را از اندوه و همچنین میرهانیم گروندگان را (88)
و زکریّا چون
ترجمه قرآن، ص: 306
ندا کرد پروردگار شرا ای پروردگار من وامگذار مرا تنها و تویی بهترین

وارثان (89)
پس اجابت كرديم مر او را و بخشيديم مر او را يحيى و شايسته كرديم براى او جفت او را بدرستى كه ايشان بودند ميشتافتند در خيرات و ميخواندند ما را از راه اميد و بيم و بودند مر ما را خضوع كنندگان (90)
و آن را كه نگاهداشت فرجش را پس دميديم در او از روح خود و گردانيديم او و پسرش را آيتى براى عالميان (91)
بدرستى كه اين ملّت شما كه دين واحد است و منم پروردگار شما پس بپرستيد مرا (92)
و پاره پاره كردند امرشانرا ميانشان همه باشند بسوى ما باز گشت كنندگان (93)
پس آنكه كرد از كارهاى شايسته و او است مؤمن پس نيست انكارى مر سعيش را و بدرستى كه مائيم مر او را نويسندگان (94)
و حرام است بر قريه كه هلاك گردانيديم آن را آنكه ايشان رجوع نكنند (95)
تا چون گشاده شود ياجوج و ماجوج و ايشان از هر بلندى ميشتابند (96)
و نزديك شود وعده درست پس هر گاه آن بازمانده باشد ديده‌هاى آنان كه كافر شدند اى واى بر ما بدرستى كه بوديم در غفلتى از اين بلكه بوديم ستمكاران (97)
بدرستى كه شما و آنچه ميپرستيد از غير خدا مايه بر افروختن دوزخيد شمائيد مر او را وارد شوندگان (98)
اگر ميبودند آنها الهان وارد نميشدند آن را و همه باشند در آن جاويدان (99)
مر ايشان را است در آن ناله زار و ايشان در آن نميشنوند (100)
بدرستى كه آنان كه سبقت يافته مر ايشان را از ما خوبى آنها باشند از آن دور كرده شدگان (101)
ترجمه قرآن، ص: 307
نميشنوند صداى جوش آن را و ايشان باشند در آنچه خواست نفسهاشان جاويدان (102)
غمگين نسازد ايشان را فزع اكبر و ملاقات كنند ايشان را ملائكه اين روز شما است كه بوديد كه وعده كرده ميشديد (103)
روزى كه در مينورديم آسمان را چون در نورديدن طومار براى نامه‌ها هم چنان كه آفريديم اوّل خلقى را اعاده ميكنيم آن را وعده كردنى بر ما بدرستى كه ما باشيم كنندگان (104)
و بتحقيق نوشتيم در زبور از بعد ذكر آنكه زمين بارث ميبرندش بندگان من كه شايسته‌اند (105)
بدرستى كه در اين هر آينه كفايتست مر كرده پرستندگان را (106)

و نفرستادیم ترا مگر رحمتی مر عالمیان را (107)
بگو جز این نیست که وحی کرده میشود بمن که نیست اله شما مگر اله واحد پس آیا هستید شما مسلمانان (108)
پس اگر روی گردانند پس بگو آگاه کردیم شما را بر یکسانی و نمیدانم که آیا نزدیک یا دور است آنچه وعده داده میشوید (109)
بدرستی که او میداند آشکار را از گفتار را و میداند آنچه پنهان میدارید (110)
و نمیدانم شاید که آن فتنه باشد مر شما را و کام یافتن تا وقتی (111)
گفت پروردگار من حکم کن بحقّ پروردگار ما بخشاینده است که یاری خواسته شده بر آنچه وصف میکنند (112)

ترجمه قرآن 340
بنام خداوند بخشنده مهربان
ای مردمان بترسید از پروردگارتان بدرستی که زلزله قیامت چیزیست عظیم (1)
روزی که خواهید دید آن را غافل شود
ترجمه قرآن، ص: 308
هر شیر دهنده از آنچه شیر داد و میگذارد هر صاحب حملی حملش را و می‌بینی مردمان را مستان و نباشند ایشان مستان و لیکن عذاب خدا سخت است (2)
و از مردمان کسی است که مجادله میکند در خدا بدون دانش و پیرو میشود هر شیطان سرکش را (3)
نوشته شد بر او که کسی که تابع شد او را پس او گمراه میکندش و راه مینمایدش بسوی عذاب آتش سوزان (4)
ای مردمان اگر هستید در شکّ از بعث پس بدرستی که ما آفریدیم شما را از خاک پس از منی پس از پارچه خون بسته پس از پارچه گوشتی تمام خلقت و غیر تمام خلقت تا بیان کنیم برای شما و قرار میدهیم در رحمها آنچه میخواهیم تا مدّتی نام برده شده پس بیرون میآوریم شما را کودکی پس تا برسید بکمالتان و از شما کس است که متوفّی میشود و از شما کس هست که ردّ کرده میشود به فرومایه‌ترین زندگانی تا آنکه نداند از بعد دانستن چیزی را و می‌بینی زمین را خشک افسرده پس چون فرو فرستیم بر آن آب را حرکت کند و افزونی پذیرد و برویاند از هر صنفی که خوش نما است (5)
آن بسبب این است که خدا او است حقّ و آنکه او زنده میگرداند مردگان را و آنکه او بر همه چیز توانا است (6)
و آنکه قیامت آینده است نیست شکّی در آن و آنکه خدا بر میانگیزد آنان را که باشند در قبرها (7)
و از مردمان کس هست که مجادله میکند در خدا بدون دانشی و نه هدایتی و نه کتابی نور دهنده (8)
منحرف ساز یک جانبش تا گمراه گرداند
ترجمه قرآن، ص: 309
از راه خدا مر او را است در دنیا رسوایی و میچشانیم او را روز قیامت از عذاب آتش سوزان (9)
این بسبب آن چیزی است پیش فرستاد دو دست تو و بدرستی که خدا

نیست ستمکار مر بندگان را (10)
و از مردمان کسی است که میپرستد خدا را بر کناری پس اگر برسید او را خیر آرمید بآن و اگر رسید او را بلائی برگشت بر رویش زیان کرد در دنیا و آخرت آنست آن زیان آشکارا (11)
میخواند از غیر خدا آنچه ضرر نمیرساندش و آنچه سود نمیدهدش آنست آن گمراهی دور (12)
میخواند مر آن کسی را که ضررش نزدیکتر است از نفعش هر آینه بد خداوندگاری است و هر آینه بد معاشریست (13)
بدرستی که خدا در میآورد آنان را که گرویدند و کردند کارهای شایسته در بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها بدرستی که خدا میکند آنچه میخواهد (14)
کسی که باشد که گمان برد که هرگز یاری نخواهد کرد او را خدا در دنیا و آخرت پس بگو که دراز کند ریسمانی بر آسمان پس قطع کند پس نظر کند که آیا میبرد حیله‌اش آنچه را بخشم میآورد (15)
و همچنین فرو فرستادیم آن را آیتهای روشن و بدرستی که خدا هدایت میکند آن کسی را که میخواهد (16)
بدرستی که آنان که ایمان آوردند و آنان که یهود شدند و صائبان و ترسایان و گبران و آنان که شرک آوردند بدرستی که خدا حکم میکند میانشان روز قیامت بدرستی که خدا بر همه چیز گواه است (17)
آیا ندیدی که خدا سجده میکند مر او را
ترجمه قرآن، ص: 310
هر که در آسمانها و هر که در زمین است و آفتاب و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت و جنبندگان و بسیاری از مردمان و بسیاری ثابت شد بر او عذاب و کسی که خوار کند خدا پس نیست مر او را هیچ عزیز دارنده بدرستی که خدا میکند آنچه میخواهد (18)
این دو خصم خصومت کردند در پروردگارشان پس آنان که کافر شدند بریده میشود برای ایشان جامه‌ها از آتش ریخته میشود از بالای سرهاشان آب گرم (19)
که گداخته میشود بآن آنچه در شکمهای ایشانست و پوستهاشان (20)
و مر ایشان را است گرزها از آهن (21)
هر گاه اراده کنند که بیرون روند از آن از آزردگی باز گردانیده شوند
در بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها زیور میکنند در آن از دست برنجها از زر و مروارید و پوشش ایشان در آن پرنیان است (23)
و هدایت کرده شدند بپاکیزه از گفتار و هدایت کرده شدند براه خدای سزاوار ستایش (24)
بدرستی که آنان که کافر شدند و باز میدارند از راه خدا و مسجد الحرام

که گردانیدیم آن را برای مردمان که یکسان باشد مقیم در آن و وارد از خارج و کسی که اراده کند در آن بسبب عدول از حقّ بغیر حقّ در چشانیم او را از عذاب پر درد (25)
و هنگامی که تعیین کردیم برای ابراهیم جای آن خانه که شریک مگردان با من چیزی را و پاک گردان خانه مرا برای طواف کنندگان
ترجمه قرآن، ص: 311
و ایستادگان و راکعان ساجدان (26)
و نداده در مردمان بحجّ تا بیایند ترا پیادگان و بر هر مشتری لاغر که آیند از هر راه دوری (27)
تا حاضر شوند منافعی که برای ایشانست و یاد کنند نام خدا را در روزهای معلوم بر آنچه روزی کرد ایشان را از زبان بسته شتر و گاو و گوسفند پس بخورید از آنها و بخورانید سختی کشیده درویش را (28)
پس باید ازاله نمایند کثافاتشان را و باید وفا کنند بنذرهاشان و طواف کنند خانه دیرینه را (29)
آنست و کسی که تعظیم کند حرمتهای خدا را پس آن بهتر است مر او را نزد پروردگارش و حلال شده است برای شما چهار پایان مگر آنچه خوانده میشود بر شما پس اجتناب کنید پلیدیها را از بتان و اجتناب کنید قول دروغ را (30)
مخلصان مر خدای را غیر شرک آورندگان باو و کسی که شرک آورد بخدا پس گویا که در افتاده از آسمان پس رابایدش پرنده یا فرود آردش باو باد در جایی دور (31)
آنست و کسی که تعظیم کند علامتهای خدا را پس بدرستی که از پرهیزکاری دلها است (32)
مر شما راست در آنها منفعتها تا مدّتی نام برده شده پس محلّ آن بسوی بیت عتیق است (33)
و برای هر امّتی گردانیدیم قربانی را تا یاد کنند نام خدا را بر آنچه روزی داد ایشان را از زبان بسته شتر و گاو و گوسفند پس اله شما اله واحد است پس مر او را منقاد شوید و بشارت ده فروتنان را (34)
آنان که چون ذکر کرده شود خدا بترسد دلهای ایشان و شکیبایان بر آنچه رسید ایشان را و بر پای دارندگان نماز و از آنچه
ترجمه قرآن، ص: 312
روزی دادیمشان انفاق میکنند (35)
و شتران تنومند گردانیدیم آنها را برای شما از علامتهای خدا مر شما راست در آنها منافع دنیوی و اخروی پس یاد کنید نام خدا را بر آنها صف زده‌ها پس چون فرود آید پهلوهاشان پس بخورید از آنها و بخورانید قانع و معترّ را همچنین مسخّر کردیم آنها را برای شما باشد که شما شکر کنید

(36)
هرگز نمیرسد خدا را گوشتهای آنها و نه خونهای آنها و لیکن میرسد پرهیزکاری از شما همچنین مسخّر کرد آنها را برای شما تا بزرگ دارید خدا را بر آنچه هدایت کرد شما را و مژده ده نیکوکاران را (37)
بدرستی که خدا کفایت میکند از آنان که ایمان آوردند بدرستی که خدا دوست نمیدارد هر خیانتکار ناسپاسی را (38)
دستوری داده شد مر آنان را که کارزار کرده شدند بسبب آنکه آنها ستمکرده شدند و بدرستی که خدا بر نصرت ایشان هر آینه توانا است (39)
آنان که بیرون کرده شدند از سراهاشان بغیر حقّ جز آنکه میگفتند پروردگار ما خدا است و اگر نمیبود دفع خدا مردمان را بعضی از ایشان را ببعضی هر آینه ویران کرده شده بود صومعه‌ها و معبدها و نمازها و مسجدها که ذکر کرده میشود در آن نام خدا بسیار و هر آینه یاری خواهد کرد خدا البتّه کسی را که یاری میکند او را بدرستی که خدا هر آینه توانای غالبست (40)
آنان که اگر متمکّن گردانیمشان در زمین بر پای دارند نماز را و دهند زکاة را و امر کنند بمعروف و نهی کنند از منکر و مر خدا را است انجام کارها (41)
و اگر تکذیب میکنند ترا پس بتحقیق تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود (42)
و قوم ابراهیم و قوم

لوط (43)
و اصحاب مدین و تکذیب کرده شد موسی پس مهلت دادم مر کافران را پس گرفتم ایشان را پس چگونه بود انکارم (44)
پس بسا از قریه که هلاک گردانیدیم آن را و آن بود ظالم پس آن فرود آمده است بر سقفهایش و چاه معطّل مانده و کوشک رفیع (45)
آیا پس نرفتند در زمین پس بوده باشد مر ایشان را دلهایی که دریابند بآنها یا گوشهایی که بشنوند بآنها پس بدرستی که نباشند کوران دیده‌ها و لیکن کور باشند آن دلها که در آن سینه‌ها است (46)
و بشتاب میخواهند از تو عذاب را و هرگز خلاف نکند خدا وعده خود را و بدرستی که روزی نزد پروردگار تو چون هزار سالست از آنچه میشمارید (47)
و بسا از قریه که مهلت دادیم مر آن را و او بود ظالم پس گرفتم او را و بسوی منست بازگشت (48)
بگو ای مردمان جز این نیست که منم مر شما را بیم دهنده آشکار (49)

پس آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته مر ایشان را است آمرزش و روزی خوب (50)
و آنان که شتافتند در کتمان یا ابطال یا انکار آیتهای ما طالبان عاجز گردانیدن آنها اهل دوزخند (51)
و نفرستادیم پیش از تو هیچ رسولی و نه پیغمبری مگر آنچه چون تلاوت کرد یا آرزو نمود انداخت شیطان در تلاوتش یا آرزویش پس زایل میکند خدا آنچه را میاندازد شیطان پس محکم میسازد خدا آیتهایش را و خدا است دانای درست کار (52)
تا بگرداند آنچه را میاندازد شیطان بلا از برای آنان که در دلهاشان مرض است و سخت است دلهاشان و بدرستی که
ترجمه قرآن، ص: 314
ستمکاران هر آینه باشند در خلافی دور (53)
و تا بدانند آنان که داده شدند علم را که آن حقّ است از پروردگار تو پس ایمان آورند بآن پس نرم شود برای آن دلهاشان و بدرستی که خدا هر آینه راه نماینده است آنان را که ایمان آوردند بسوی راه راست (54)
و همیشه باشند آنان که کافر شدند در شکّی از آن تا بیاید ایشان را قیامت ناگاه یا بیاید ایشان را عذاب روزی نازاینده (55)
پادشاهی در چنین روز مر خدا راست حکم میکند میانشان پس آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته باشند در بهشتها با ناز و نعمت (56)
و آنان که کافر شدند و تکذیب کردند آیتهای ما را پس آنها مر ایشان را است عذابی خوار کننده (57)
و آنان که هجرت گزیدند در راه خدا پس کشته شدند یا مردند هر آینه روزی دهد ایشان را خدا روزی نیکو و بدرستی که خدا هر آینه او است بهترین روزی دهندگان (58)
هر آینه در میآورد ایشان را در آوردنی که پسندند آن را و بدرستی که خدا هر آینه دانای بردبار است (59)
این است و کسی که عقوبت رساند بمانند آنچه عقوبت رسانیده شده بآن پس ستم کرده شد بر او هر آینه یاری میکند او را خدا بدرستی که خدا هر آینه در گذرنده آمرزنده است (60)
آن باین است که خدا داخل میگرداند شب را در روز و داخل میگرداند روز را در شب و آنکه خداست شنوای بینا (61)
آن باین است که خدا اوست حقّ و اینکه آنچه را میخوانند از غیر او آنست باطل و آنکه خدا اوست رفیع بزرگ (62)
آیا ندیدی که خدا فرو فرستاد از آسمان آب را پس میگردد زمین سبز بدرستی که خدا باریک بین
ترجمه قرآن، ص: 315

آگاه است (63)
مر او را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و بدرستی که خدا اوست هر آینه بی نیاز ستوده (64)
آیا ندیدی بدرستی که خدا رام کرد از برای شما آنچه در زمین است و کشتی میرود در دریا بفرمان او و نگاه میدارد آسمان را از آنکه افتد بر زمین مگر بدستوری او بدرستی که خدا بمردمان هر آینه مهربان رحیم است (65)
و اوست که زنده کرد شما را پس میمیراند شما را پس زنده میکند شما را بدرستی که انسان هر آینه ناسپاس است (66)
از برای هر امّتی گردانیدیم طریقه که ایشان مسلوک دارنده‌اند آن را پس نباید که نزاع کنند با تو در آن امر و بخوان بسوی پروردگارت بدرستی که تو هر آینه بر راه راستی (67)
و اگر مجادله کنند با تو پس بگو خدا داناتر است بآنچه میکنید (68)
خدا حکم میکند میانتان روز قیامت در آنچه بودید در آن اختلاف میکردید (69)
آیا ندانستی که خدا میداند آنچه در آسمان و زمین است بدرستی که آن در لوح محفوظ است بدرستی که آن بر خدا آسان است (70)
و میپرستند از جز خدا آنچه فرو فرستاده نشد بآن حجّتی و آنچه نیست مر ایشان را بآن دانشی و نیست مر ستمکاران را هیچ یاوری (71)
و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای ما که روشن‌اند میشناسی در روهای آنان که کافر شدند اثر انکار را نزدیک باشند که حمله کنند به آنانکه میخوانند بر ایشان آیتهای ما را بگو آیا پس خبر دهم شما را ببدتر از آنتان آتش وعده داده است آن را خدا به آنانکه کافر شدند و بد است آن جای بازگشت (72)
ترجمه قرآن، ص: 316
ای مردمان زده شد مثلی پس گوش باز دارید مر آن را بدرستی که آنان که میخوانید از جز خدا هرگز نتوانند آفرید مگسی را و اگر چه اجتماع نمایند مر آن را و اگر بر باید از ایشان مکس چیزی را نمیتوانند استخلاص کرد آن را از آن ناتوان آمد عابد و معبود (73)
نشناختند خدا را حقّ شناختن او بدرستی که خدا هر آینه توانای غالب است (74)
خدا برمیگزیند از ملائکه رسولان و از مردمان بدرستی که خدای شنوای بینا است (75)
میداند آنچه را میانه دستهاشان و آنچه را باشد پس پشتشان و بسوی خدا باز میگردد کارها (76)
ای آن کسانی که گرویدید رکوع کنید و سجود کنید و بپرستید پروردگار خود

را و بکنید خیر را باشد که شما راستگار شوید (77)
و جهاد نمائید در راه خدا حقّ جهادش و او برگزید شما را و نگردانید بر شما در دین هیچ شکّی کیش پدرتان ابراهیم او نام نهاد شما را مسلمانان از پیش و در این تا باشد رسول گواه بر شما و باشید شما گواهان بر مردمان پس بر پای دارید نماز را و بدهید زکاة را و متوسّل شوید بخدا اوست خداوند شما پس خوبست آن خداوند و خوبست آن یاور (78)

سورة المؤمنون مائة و ثمان عشر آية و هى نزلت بمكّة

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ترجمه قرآن، ص: 317
بحقيقت رستگار شدند گروندگان (1)
آنان كه ايشانند در نمازشان خضوع كنندگان (2)
و آنان كه ايشانند از لغو روى گردانندگان (3)
و آنان كه ايشانند مر زكاة را ادا كنندگان (4)
و آنان كه ايشانند مر عورتهاشان نگاهدارندگان (5)
مگر بر زوجهاشان يا آنچه را مالك شد دستهاشان پس بدرستى كه ايشانند غير ملامت كرده شدگان (6)
پس آنكه جويد سواى آن پس آنها ايشانند تعدى كنندگان (7)
و آنان كه ايشانند مر امانتهاشان را و پيمانشان را رعايت كنندگان (8)
و آنان كه ايشانند كه بر نمازشان محافظت ميكنند (9)
آن گروه ايشانند وارثان (10)
آنان كه بميراث ميبرند فردوس را ايشان باشند در آن جاودانيان (11)
و بتحقيق كه آفريديم انسان را از صاف كشيده از گل (12)
پس گردانيديم آن را نطفه در قرارگاهى استوار (13)
پس گردانيديم آن نطفه را پارچه خونى بسته پس گردانيديم آن پارچه خون بسته را پارچه گوشتى پس گردانيديم آن پارچه گوشت را استخوانها پس پوشانيديم آن استخوانها را گوشتى پس آفريديم او را آفريدن ديگر پس برتر آمد خدا كه بهترين آفرينندگانست (14)
پس بدرستى كه شما ميشويد بعد از آن هر آينه مردگان (15)
پس بدرستى كه شما روز قيامت برانگيخته ميشويد (16)
و بحقيقت آفريديم بر زير شما هفت طبقات بالاى هم و نباشيم از خلق بيخبران (17)
و فرو فرستاديم از آسمان آب را باندازه پس ساكن گردانيديم آن را در زمين و بدرستى كه ما بر بردن آن هر آينه توانااييم (18)
پس پديد آورديم براى شما بآن بستانها از خرمابنان و انگورها مر شما راست در آنها ميوه‌هاى بسيار
ترجمه قرآن، ص: 318
و از آنها ميخوريد (19)
و درختى را كه بيرون ميآيد از طور سينا ميرويد با روغن و نان خورش براى خورندگان (20)
و بدرستى كه مر شما راست در شتر و گاو و گوسفند هر آينه عبرتى

میآشامانیم شما را از آنچه در شکمهای آنها است و مر شما راست در آن منفعتهای بسیار و از آنها میخورید (21)
و بر آنها و بر کشتی بار کرده میشوید (22)
و بتحقیق فرستادیم نوح را بسوی قومش پس گفت ای قوم من بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ الهی جز او آیا پس نمیپرهیزید (23)
پس گفتند آن جمعی که کافر شدند از قومش نیست این مگر انسانی مانند شما میخواهد که افزونی یابد بر شما و اگر خواسته بود خدا هر آینه فرو فرستاده بود ملائکه را نشنیدیم این را در پدرانمان که پیشینیانند (24)
نیست او مگر مردی که با او است جنونی پس انتظار برید باو تا وقتی (25)
گفت پروردگار من یاری ده مرا بسبب آنکه تکذیب کردند مرا (26)
پس وحی کردیم باو که بساز کشتی را بنگاهداشت ما و وحی ما پس چون آید فرمان ما و بجوشد تنور پس در آور در آن از هر یک دو صنف جفت هم که دو تا است و اهلت را مگر کسی که سبقت گرفته بر او گفتار از ایشان و مخاطبه مکن با من در آنها که ستم کردند که ایشانند غرق کرده شدگان (27)
پس چون بر آمدی تو و آنکه باشد با تو بر کشتی پس بگوی ستایش مر خدا را که رهانید ما را از گروه ستمکاران (28)
و بگو پروردگار من فرود آور مرا فرود آوردنی با برکت و تو بهترین فرود آورندگانی (29)
بدرستی که باشد در آن هر آینه آیتها و بدرستی که بودیم هر آینه آزمایندگان
ترجمه قرآن، ص: 319
(30)
پس آفریدیم از بعد ایشان گروهی دیگر (31)
پس فرستادیم در ایشان رسولی از ایشان که بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ الهی جز او آیا پس نمیپرهیزید (32)
و گفتند آن جمع از قومش آنان که کافر شدند و تکذیب کردند ملاقات آخرت را و متنعّم کردیم ایشان را در زندگانی دنیا نیست این مگر انسانی مانند شما میخورد از آنچه میخورید از آن و میآشامید از آنچه میآشامد (33)
و اگر فرمان برید انسانی مثل خود را بدرستی که شما آن گاه هر آینه زیانکارانید (34)
آیا وعده میدهد شما را که شما چون مردید و شدید خاک و استخوانها بدرستی که شمائید بیرون آورده شدگان (35)
دور است دور مر آنچه وعده داده میشوید (36)

نیست این مگر زندگانی ما در دنیا میمیریم و زنده میشویم و نباشیم برانگیخته شوندگان (37)
نیست او مگر مردی که می‌بندد بر خدا دروغ و نیستیم ما مر او را گروندگان (38)
گفت پروردگار من یاری ده مرا بسبب آنکه تکذیب کردند مرا (39)
گفت از آنچه گذشت اندکی هر آینه میگردند البتّه پشیمان (40)
پس گرفت ایشان را فریاد مهلک بحقّ پس کردیم ایشان را خاشاک بر روی سیل پس هلاک باد مر گروه ستمکاران را (41)
پس آفریدیم ما از بعد ایشان جماعتهای دیگر (42)
پیشی نگیرد هیچ امّتی اجلش را و باز پس نمیمانند (43)
پس فرستادیم رسولانمان را از پی هم هر گاه آمد امّتی را رسولشان تکذیب کردند او را پس تابع گردانیدیم بعضی از ایشان بعضی را و گردانیدیم ایشان را حکایتها پس هلاک مر گروهی را که ایمان نمیآورند (44)
پس فرستادیم موسی
ترجمه قرآن، ص: 320
و برادرش را هارون بآیتهای ما و حجّتی روشن (45)
بسوی فرعون و جماعتش پس گردنکشی کردند و بودند گروهی متکبّران (46)
پس گفتند آیا ایمان آوردیم مر دو آدمی را که باشند مانند خود ما و قوم آنها مر ما را پرستندگانند (47)
پس تکذیب کردند آن دو را پس شدند از هلاک کردگان (48)
و بتحقیق دادیم موسی را تورية باشد که ایشان راه یابند (49)
و گردانیدیم پسر مریم و مادر او را آیتی و جای ساختیم آن دو را بمکانی رفیع صاحب آرامگاه و آب جاری (50)
ای پیغمبران بخورید از پاکیزه‌ها و بکنید کار شایسته بدرستی که من بآنچه میکنید دانایم (51)
بدرستی که این ملّت شما است که ملّت واحد است و منم پروردگار شما پس بپرهیزید از من (52)
پس جدا جدا کردند امرشانرا میانشان پاره‌ها هر گروهی باشند بآنچه نزد ایشانست شادمانان (53)
پس واگذار ایشان را در غفلتشان تا وقتی (54)
آیا می‌پندارند که آنچه مدد میکنیم ایشان را بآن از مال و پسران (55)
میشتابیم برای ایشان در خوبیها بلکه نمیدانند (56)
بدرستی که آنان که ایشان از ترس پروردگارشان خائفانند (57)
و آنان که ایشان بآیتهای پروردگارشان میگروند (58)

و آنان که ایشان بپروردگارشان شرک نمی‌آرند (59)
و آنان که میدهند آنچه را دادند از صدقات و دلهای ایشان ترسانست که ایشان بسوی پروردگارشان بازگشت کنندگانند (60)
آنها میشتابند در خوبیها و ایشانند مر آنها را پیشی گیرندگان (61)
و تکلیف نمیکنیم نفسی را مگر طاقتش و نزد ما کتابیست که سخن میکند. بحقّ و ایشان ظلم کرده نمیشوند (62)
ترجمه قرآن، ص: 321
بلکه دلهاشان در غفلت است از این و مر ایشانراست کردارها از غیر آن که ایشان باشند مر آنها را کنندگان (63)
تا چون بگیریم متنعّمان ایشان را بعذاب آن گاه ایشان زاری کنند (64)
زاری مکنید امروز بدرستی که شما از ما یاری کرده نخواهید شد (65)
بدرستی که بود آیتهای من که خوانده میشد بر شما پس بودید بر پاشنه‌هاتان پس پس برمیگشتید (66)
تکبّرکنان بآن افسانه در شب گویان که هذیان میگفتند (67)
آیا پس تأمل نمیکردند آن گفتار را یا آمد ایشان را آنچه نیامد پدران ایشان را که بودند پیشینیان (68)
یا نمی شناختند رسولشان را پس ایشان بودند مر او را با شناسندگان (69)
آیا میگفتند با او جنونی است بلکه آمد ایشان را بحقّ و اکثرشان مر حقّ را ناخوش دارندگان (70)
و اگر پیرو بود حقّ مرادهای ایشان را هر آینه تباه شده بود آسمانها و زمین و هر که در آنها است بلکه دادیم ایشان را ذکرشان پس ایشانند از ذکرشان روی گردانندگان (71)
آیا درخواست میکنی از ایشان مزدی پس مزد پروردگار تو بهتر است و اوست بهترین روزی دهندگان (72)
و بدرستی که تو هر آینه میخوانی ایشان را براه راست (73)
و بدرستی که آنان که نمیگروند بآخرت از راه هر آینه بیرون روندگانند (74)
و اگر ببخشائیم ایشان را و رفع نمائیم آنچه بایشان رسیده از ضرر هر آینه لجاج کنید در زیاده رویشان که حیران باشند (75)
و بتحقیق گرفتیم ایشان را بعذاب پس ذلیل نشدند مر پروردگارشان را و زاری ننمودند (76)
تا چون گشادیم بر ایشان دری صاحب عذاب سخت آن گاه ایشان در آن بودند ناامیدان (77)
ترجمه قرآن، ص: 322
و اوست که آفرید برای شما گوش و دیده‌ها و دلها کم شکر می‌کنید (78)

و اوست كه آفريد شما را در زمين و بسوى او حشر كرده ميشويد (79)
و اوست كه زنده ميكند و ميميراند و مر او راست اختلاف شب و روز آيا پس در نمييابيد بعقل (80)
بلكه گفتند مانند آنچه گفتند پيشينيان (81)
گفتند آيا چون بميريم و باشيم خاک و استخوانها آيا مائيم برانگيخته شوندگان (82)
بحقيقت وعده داده شديم ما و پدران ما اين را پيش از اين نيست اين مگر افسانهاى پيشينيان (83)
بگو مر كراست زمين و آنكه در آنست اگر هستيد كه ميدانيد (84)
بزودى خواهند گفت مر خدا راست بگو آيا پس پند نميگيرند (85)
بگو كيست پروردگار آسمانهاى هفتگانه و پروردگار عرش عظيم (86)
بزودى خواهند گفت مر خدا راست بگو آيا پس نميپرهيزيد (87)
بگو كيست كه بدست اوست پادشاهى همه چيز و او پناه ميدهد و پناه داده نميشود بر او اگر هستيد كه ميدانيد (88)
بزودى خواهند گفت مر خدا راست پس از كجا فريب داده ميشويد (89)
بلكه داديم ايشان را حقّ و بدرستى كه ايشانند هر آينه دروغگويان (90)
فرا نگرفت خدا هيچ فرزندى و نباشد با او هيچ الهى آن گاه هر آينه برده بود هر الهى آنچه آفريد و هر آينه برترى جسته بود بر خيشان بر برخى دائم پاک بودن خدا از آنچه وصف ميكشند (91)
داناى نهان و آشكار پس برتر آمد از آنچه شرک آوردند (92)
بگو پروردگار من اگر مى‌نمايى مرا آنچه وعده داده ميشوند (93)
پروردگار من پس
ترجمه قرآن، ص: 323
مگردان مرا در گروه ستمكاران (94)
و بدرستى كه ما بر آنكه بنمائيم ترا آنچه وعده ميدهيم ايشان را هر آينه تواناييم (95)
دفع كن بآنچه آن خوبتر است بدى را ما داناتريم بآنچه وصف ميكنند (96)
و بگو پروردگار من پناه ميبرم بتو از وسوسه‌هاى شياطين (97)
و پناه ميبرم بتو اى پروردگار من از آنكه حاضر شوند مرا (98)
تا چون آمد احدى از ايشان را مرگ گويد پروردگار من برگردان مرا (99)
شايد بكنم من كار خوبى در آنچه واگذاشتم نه چنانست بدرستى كه آن كلمه‌ايست كه او گوينده آنست و از پيش ايشان حايلى است تا روزى كه برانگيخته شوند (100)
پس چون دميده شود در صور پس نباشد نسبها ميانشان روزى چنين و نپرسند از يكدگر (101)
پس آنكه سنگين است ترازوهاى او پس آن گروه ايشانند رستگاران

(102)
و آنکه سبک است ترازوهای او پس آن گروه آنانند که زیان کردند در نفسهاشان در دوزخند جاودانیان (103)
میسوزاند رویهاشان را آتش و ایشان باشند در آن ترش‌رویان (104)
آیا نبود آیتهای من که خوانده میشد بر شما پس بودید بآنها تکذیب میکردید (105)
گفتند پروردگار ما غالب شد بر ما بدبختی ما و بودیم گروهی گمراهان (106)
پروردگار ما بیرون آور ما را از آن پس اگر عود کنیم پس بدرستی که ما ستمکاران باشیم (107)
گوید دور شوید در آن و سخن نگوئید با من (108)
بدرستی که بودند گروهی از بندگان من که میگفتند ای پروردگار ما گرویدیم پس بیامرز ما را و ببخشای ما را و تویی بهترین بخشایندگان (109)
پس گرفتید ایشان را استهزاء تا فراموش گردانیدند شما را ذکر من و بودید از ایشان بخندیدید (110)
بدرستی که من جزا دادم ایشان را امروز
ترجمه قرآن، ص: 324
بآنچه صبر کردند که ایشانند ایشان بکام رسیدگان (111)
گوید چند درنگ کردید در زمین بشمار سالها (112)
گویند درنگ کردیم یک روز یا بعضی از روز پس بپرس از شمرندگان (113)
گوید درنگ نکردید مگر اندکی اگر آنکه شما باشید که بدانید (114)
آیا پس پنداشتید که آفریدیم شما را بعبث و آنکه شما بسوی ما باز نمیگردید (115)
پس برتر آمد خدا پادشاه بحقّ نیست خدایی مگر او که پروردگار عرش کریم است (116)
و کسی که میخواند با خدا خدایی دیگر که نیست حجّتی مر او را بآن پس جز این نیست که حسابش نزد پروردگار اوست بدرستی که رستگار نشوند کافران (117)
و بگو پروردگار من بیامرز و رحمت کن و تویی بهترین رحمت کنندگان (118)

سورة النّور أربع و ستّون آية و هى مدنيّة

بنام خداوند بخشاينده مهربان
سوره‌ايست كه فرو فرستاديم آن را و فرض كرديم آن را و فرو فرستاديم در آن آيتهاى واضح باشد كه شما پند گيريد (1)
زن زناكار و مرد زناكار پس بزنيد هر يک از آن دو را صد تازيانه و نبايد كه بگيرد شما را در آن دو رافتى در دين خدا اگر هستيد كه ميگرويد بخدا و روز باز پسين و بايد كه حاضر شوند عذاب آن دو تا را گروهى از گروندگان (2)
مرد زناكار نكاح نميكند مگر زن زناكار يا زن مشركه را و زن زناكار نكاح نميكند او را مگر مرد زناكار يا مشرک و حرام كرده شده آن بر
ترجمه قرآن، ص: 325
گروندگان (3)
و آنان كه نسبت زنا دهند بزنان با عفّت پس نياوردند چهار گواه پس بزنيد ايشان را هشتاد تازيانه و قبول نكنيد مر ايشان را گواهى هرگز و آن گروه ايشانند فاسقان (4)
مگر آنان كه توبه كردند پس از آن و صالح شدند پس بدرستى كه خدا آمرزنده مهربانست (5)
و آنان كه نسبت زنا دهند بجفتهاشان و نباشد مر ايشان را شاهدان مگر خودهاشان پس گواهى يكيشان چهار گواهى بخداست كه اوست هر آينه از راستگويان (6)
و پنجمين آنكه لعنت خدا بر او اگر باشد از دروغگويان (7)
و رفع كند از آن زن عذاب كه گواهى دهد آن چهار گواهى بخدا كه اوست هر آينه از دروغگويان (8)
و پنجمين آنكه خشم خدا بر آن زن اگر باشد آن مرد از راستگويان (9)
و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمت او و اينكه خدا توبه پذير و درست كردار است (10)
بدرستى كه آنان كه آوردند دروغ بزرگ جماعتى‌اند از شما مپنداريد آن را شرّ براى شما بلكه آن خير است براى شما از براى هر مردى است از ايشان آنچه را كسب كرد از بدى و آنكه بر خود گرفت معظم آن را از ايشان مر او راست عذابى بزرگ (11)
چرا هنگامى كه شنيديد آن را ظنّ نبردند مؤمنان و مؤمنات بخودهاشان خير را و گفتند اين دروغ بزرگيست آشكار (12)
چرا نياوردند بر آن چهار گواه پس وقتى كه نياوردند آن گواهان را پس آن گروه

ترجمه قرآن، ص: 326
نزد خدا ایشانند دروغگویان (13)
و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمت او در دنیا و آخرت هر آینه مسّ میکرد شما را در آنچه گفتگو کردید در آن عذابی بزرگ (14)
هنگامی که فرا میگرفتید آن را بزبانهاتان و میگفتید بدهنهاتان آنچه نیست مر شما را بآن دانشی میپنداريد آن را سهل و آن نزد خدا بزرگست (15)
و چرا وقتی که شنیدید آن را نگفتید نباشد مر ما را که سخن گوئیم باین منزّهی تو این بهتانی است بزرگ (16)
پند میدهد شما را خدا مبادا که عود کنید بمانند آن هرگز اگر هستید گروندگان (17)
و بیان میکند خدا برای شما آیتها را و خدا دانای درستکار است (18)
بدرستی که آنان که دوست دارند که فاش شود نسبت زشتکاری در آنان که ایمان آوردند مر ایشان را است عذابی پر درد در دنیا و آخرت و خدا میداند و شما نمیدانید (19)
و اگر نبود تفضّل خدا بر شما و رحمتش و بدرستی که خدا مهربان رحیم است (20)
ای آن کسانی که گرویدید پیرو مشوید گامهای شیطان را و کسی که پیروی کند گامهای شیطان را پس بدرستی که او امر میکند بکار زشت و و ناپسند و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش پاک نمیشد از شما هیچکس هرگز و لیکن خدا پاک میگرداند آن را که میخواهد و خدا شنوای دانا است (21)
و باید سوگند نخورند صاحبان افزونی از شما و توانگری ندهند بصاحبان قرابت و درماندگان و هجرت کنندگان در راه خدا و باید که در گذرند و عفو کنند آیا دوست نمیدارید که بیامرزد
ترجمه قرآن، ص: 327
خدا شما را و خدا آمرزنده مهربانست (22)
بدرستی که آنان که نسبت زنا میدهند بزنان عفیفه بیخبر گروندگان لعنت کرده شدند در دنیا و آخرت و از برای ایشانست عذابی بزرگ (23)
روزی که گواهی میدهد بر ایشان زبانهاشان و دستهاشان و پاهاشان بآنچه بودند که میکردند (24)
روزی چنین تمام میدهد ایشان را خدا جزاشان که حقّ است و میدانند که خدا اوست حقّ آشکار (25)
پلیدها برای پلیدانست و پلیدان برای پلیدها است و پاکیزه‌ها برای پاکانست و پاکان برای پاکیزه‌ها آن گروه منزّه‌اند از آنچه میگویند مر ایشان را است آمرزش و روزی خوب (26)
ای آن کسانی که گرویدید داخل مشوید در خانهایی که غیر خانه خودتانست

تا آنکه دستوری طلبید و سلام کنید بر اهلش آن بهتر است برای شما باشد که شما پند گیرید (27)
پس اگر نیابید در آن احدی را پس داخل مشوید آنها را تا اذن دهند شما را و اگر گفته شود مر شما را که باز گردید پس باز گردید آن پاکیزه‌تر است مر شما را و خدا بآنچه میکنید دانا است (28)
نیست مر شما را گناهی که داخل شوید خانه‌های غیر مسکون که در آنها تمتّعی است مر شما را و خدا میداند آنچه آشکار میکنید و آنچه پنهان میدارید (29)
بگو مر مؤمنان را که فرو گیرند دیده‌هاشان را و نگاهدارند عورتهاشان را آن پاکیزه‌تر است برای ایشان بدرستی که خدا آگاه است بآنچه میکنند (30)
و بگو مر زنان با ایمان را که فرو گیرند دیده‌هاشان را و نگاهدارند عورتهاشان را و ظاهر نسازند
ترجمه قرآن، ص: 328
پیرایه خود را مگر آنچه آشکار آمد از آن و باید که فرو گذارند مقنعه‌هاشان را بر گریبانهاشان و ظاهر نسازند پیرایه خود را مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادران‌شان یا پسران خواهرانشان یا زنانشان یا آنچه را مالک باشد یمینهاشان یا پیروان غیر صاحبان حاجة از مردمان یا کودکان که اطّلاع نیافته‌اند بر عورتهای زنان و نباید که بزنند بپاهاشان تا دانسته شود آنچه پنهان میدارند از پیرایه‌شان و بازگشت کنید بسوی خدا همه ای مؤمنان باشد که شما رستگار شوید (31)
و تزویج نمائید بی جفتان را که از شمااند و نیکوکاران را از بندگان‌تان و کنیزانتان اگر باشند درویشان غنی میسازد خدا از فضلش و خدا فراخ رحمت دانا است (32)
و باید که عفّت ورزند آنان که نمییابند نکاحی تا آنکه غنی کند ایشان را خدا از فضلش و آنان که طلب میکنند مکاتبه را از آنچه مالک شد یمینهاتان پس مکاتبه کنید ایشان را اگر دانسته باشید در ایشان خیری و بدهید ایشان را از مال خدا که دادتان و بجبر باز ندارید کنیزانتان را بر زنا اگر اراده داشته باشند عفّت را تا بجوئید متاع زندگانی دنیا را و کسی که اکراه کند ایشان را پس بدرستی که خدا از بعد اکراه ایشان آمرزنده مهربانست (33)
و بدرستی که فرستادیم بشما آیتهای روشن و مثلی از آنان که گذشتند
ترجمه قرآن، ص: 329
پیش از شما و پندی از برای پرهیزکاران (34)
خدا نور آسمانها و زمین است مثل نورش چون چراغدانی است که در آن باشد چراغی که آن چراغ باشد در آبگینه که آن آبگینه گویا باشد ستاره

درخشان که بر افروخته میشود از درخت با برکت زیتون که نه شرقیست و نه غربی نزدیک باشد روغنش که روشنایی بخشد و اگر چه مسّ نکرده باشد آن را آتش نوریست بر نور هدایت میکند خدا برای نورش کسی را که میخواهد و میزند خدا مثلها را برای مردمان و خدا بهمه چیزی دانا است (35)
در خانه‌هایی که اذن داد خدا که بلند کرده شود و ذکر کرده شود در آنها نامش تسبیح میکنند مر او را در آنها بامدادان و شبانگاهان (36)
مردانی که باز نمیدارد ایشان را بازرگانی و نه خرید و فروختی از ذکر خدا و بر پاداشتن نماز و دادن زکاة بیم دارند روزی که میگردد در آن دلها و دیده‌ها (37)
تا جزا دهد ایشان را خدا بهتر از آنچه کردند و زیاده دهد ایشان را از کرم خود و خدا روزی میدهد آن را که میخواهد بدون حساب (38)
و آنها که کافر شدند کردارهاشان چون سرابی است در زمین هموارى که می‌پندارد آن را تشنه آب تا چون آمد آن را نیافتش چیزی و یافت خدا را نزدش پس تمام داد او را حسابش و خداست زود حساب (39)
یا چون تاریکیهایی در دریایی عمیق که فرو پوشد او را موجی که باشد از بالایش موجی از بالایش ابری تاریکیها است بعضیشان بالای بعضی چون بیرون آرد دستش را نزدیک نیست که ببیندش و کسی که نگردانید
ترجمه قرآن، ص: 330
خدا برایش نوری پس نباشد مر او را هیچ نوری (40)
آیا ندیدی که خدا تسبیح میکند مر او را آنکه در آسمانها و زمین است و پرنده بال گشادگان در هوا همه بتحقیق دانسته نمازش را و تسبیحش را و خدا دانا است بآنچه میکنند (41)
و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خداست بازگشت (42)
آیا ندیدی که خدا آهسته میراند ابری را پس فراهم میآورد میانش را پس میگرداند آن را بالای هم آینده پس می‌بینی باران را که بیرون میآید از میانش و فرو میفرستد از آسمان از کوه‌هایی که باشد در آن از تگرگ پس ضرر میرساند بآن کسی را که میخواهد و میگرداند آن را از کسی که میخواهد نزدیک است تابش برقش ببرد چشمها را (43)
میگرداند خدا شب و روز را بدرستی که در آن هر آینه عبرتی است مر صاحبان دیده‌ها را (44)
و خدا آفرید هر جنبده را از آب پس بعضی از آنها است که راه میرود بشکمش و بعضی از آنها است که راه میرود بدو پای و بعضی از آنها که راه میرود بر چهار پای میآفریند خدا آنچه میخواهد بدرستی که خدا بر همه چیزی توانا است (45)
بتحقیق که فرستادیم آیتهای روشن و خدا هدایت میکند آن را که میخواهد

براه راست (46)
و میگویند ایمان آوردیم بخدا و برسول و اطاعت کردیم پس بر میگردند پاره از ایشان از بعد آن و نباشند آنها مؤمنان (47)
و چون خوانده شوند بسوی خدا و رسولش تا حکم کند میانشان آن گاه باشند پاره از ایشان اعراض کنندگان (48)
و اگر باشد باشد مر ایشان را حقّ همی آیند بسوی او فرمانبرداران
ترجمه قرآن، ص: 331
(49)
آیا باشد در دلهاشان مرض یا شکّ کردند یا میترسند که جور کند خدا بر ایشان و رسولش بلکه آنها ایشانند ستمکاران (50)
جز این نباشد سخن مؤمنان چون خوانده شوند بسوی خدا و رسولش تا حکم کند میانشان که گویند شنیدیم و اطاعت کردیم و آن گروه ایشانند رستگاران (51)
و هر که فرمانبرد خدا و رسولش را و بترسد از خدا و بپرهیزد از او پس آن گروه ایشانند بمراد رسیدگان (52)
و سوگند یاد کردند بخدا سختترین سوگندهاشان که اگر فرموده بودی ایشان را هر آینه بیرون میرفتند بگو سوگند مخورید طاعتی است معروف بدرستی که خدا آگاهست بآنچه میکنید (53)
بگو فرمانبرید خدا را و فرمانبرید رسول را پس اگر روی گردانند پس جز این نیست که بر اوست آنچه بار کرده شده و بر شماست آنچه بار کرده شدید و اگر اطاعت کنید او را راه یابید و نیست بر رسول مگر رسانیدن آشکار (54)
و وعده کرده خدا آنان را که گرویدند از شما و کردند کارهای شایسته که هر آینه خلیفه خواهد کرد ایشان را در زمین چنان که خلیفه کرد آنان را که بودند پیش از ایشان و هر آینه متمکّن خواهد کرد برای ایشان دینشان را که پسندید برای ایشان و هر آینه تبدیل خواهد کرد برای ایشان از بعد خوفشان ایمنی پرستند مرا شریک نسازند بمن چیزی را و آنکه کافر شد پس از آن پس ایشانند آنها بیرون رفتگان از فرمان (55)
و بر پایدارید نماز را و بدهید زکاة را و فرمانبرید رسول را باشد که شما رحم کرده شوید (56)
مپندار البتّه آنان را که کافر شدند عاجز کنندگان در زمین و جایگاه ایشان آتش است و هر آینه بد است آنجای بازگشت
ترجمه قرآن، ص: 332
(57)
ای آن کسانی که ایمان آوردید باید که دستوری خواهند از شما آنان که مالک شد یمینهاتان و آنان که نرسیده‌اند بحدّ احتلام از شما سه بار پیش از

نماز صبح و وقتی که می‌نهید جامه‌هاتان از میان روز و از بعد نماز خفتن سه عورتست مر شما را نیست بر شما و نه بر ایشان گناهی بعد از آنها کردندگان باشند بر شما بعضیتان بر بعضی همچنین بیان میکند خدا بر شما آیتها را و خدا دانای درست کردار است (58)
و چون رسند کودکان از شما بحدّ بلوغ پس باید دستوری خواهند هم چنان که دستوری خواستند آنان که بودند پیش از ایشان همچنین بیان میکند خدا برای شما آیتهایش را و خدا دانای درستکار است (59)
و نشستگان از زنانی که امید ندارند تزویجی را پس نیست بر ایشان گناهی که بنهند جامه‌هاشان را غیر ظاهر سازندگان زینتی را و اینکه عفّت جویند بهتر است مر ایشان را و خدا شنوای داناست (60)
نیست بر کور گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی و نه بر خودهاتان که بخورید از خانه‌هاتان یا خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهاتان یا خانه‌های عمّه‌هاتان یا خانه‌های خالوهاتان یا خانه‌های خاله‌هاتان یا آنکه مالک شدید کلیدهای آن را یا دوستانتان نیست بر شما گناهی که
ترجمه قرآن، ص: 333
بخورید با هم یا جدا جدا پس چون داخل شوید در خانه‌ها پس سلام کنید بر خودهاتان سلام کردنی از نزد خدا با برکت پاکیزه همچنین بیان میکند خدا برای شما آیتها را باشد که شما دریابید بعقل (61)
جز این نیست که مؤمنان آنانند که گرویدند بخدا و رسولش و چون باشند با او بر کاری جمع آورنده نمیروند تا وقتی که دستوری خواهند از او بدرستی که آنان که دستوری خواهند از تو آن گروه آنانند که میگروند بخدا و رسولش پس چون دستوری خواهند از تو برای بعضی کارهاشان پس دستوری ده مر آن را که خواهی از ایشان و آمرزش خواه برای ایشان از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (62)
لا مگردانید خواندن رسول را میانتان چون خواندن برخی از شما برخی را بحقیقت میداند خدا آنان را که میروند آهسته آهسته از شما از راه پناه گرفتن پس باید بترسند آنان که مخالفت میورزند از فرمانش که برسد ایشان را بلائی یا برسد ایشان را عذابی دردناک (63)
آگاه باشید بدرستی که مر خدا راست آنچه در آسمانها و زمین است بحقیقت میداند آنچه را شما بر آیند و روزی که برگردانیده میشوند بسوی او پس خبر میدهد ایشان را بآنچه کردند و خدا بهمه چیز داناست (64)

سورة الفرقان سبع و سبعون آية و هى مكّية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ترجمه قرآن، ص: 334
افزون آمد آنكه فرو فرستاد جدا كننده حقّ از باطل را بر بنده‌اش تا بوده باشد مر عالميان را بيم دهنده (1)
آنكه مر او راست پادشاهى آسمانها و زمين و فرا نگرفت فرزندى و نبود مر او را انبازى در پادشاهى و آفريد همه چيز را پس تقدير كردش تقدير كردنى (2)
و فرا گرفتند از غير او الهانى كه نميافرينند چيزى را و آنها آفريده ميشوند و مالك نميباشند براى خودهاشان ضررى و نه منفعتى و مالك نميباشند مرگى را و نه زندگى را و نه حشرى را (3)
و گفتند آنان كه كافر شدند نيست آن مگر دروغى كه بر بافت آن را و يارى دادند او را بر آن گروهى ديگران پس بحقيقت آمدند ستمى را و باطلى را
و گفتند افسانه‌هاى پيشينيان است كه نويسانيد آن را پس آن را خوانده ميشود بر او بامداد و شبانگاه (5)
بگو فرو فرستاد آن را آنكه ميداند پنهان را در آسمانها و زمين بدرستى كه او باشد آمرزنده مهربان (6)
و گفتند چيست مر اين رسول را كه ميخورد خوردنى را و راه ميرود در بازارها چرا فرو فرستاده نشد باو فرشته پس باشد با او بيم كننده (7)
يا چرا انداخته نميشود بسوى او گنجى يا چرا نميباشد مر او را بوستانى كه ميخورده باشد از آن و گفتند ظالمان كه پيروى نميكنيد مگر مردى را سحر كرده شده (8)
ببين چگونه زدند براى تو مثلها پس گمراه شدند پس نميتوانند يافت راهى (9)
افزون آمد آنكه اگر خواهد گرداند براى تو بهتر از آن بهشتهايى كه ميرود از زير آنها نهرها
ترجمه قرآن، ص: 335
و ميسازد براى تو قصرها (10)
بلكه تكذيب نمودند قيامت را و آماده كرديم براى آنكه تكذيب كرد قيامت را آتش سوزان (11)
چون بينند ايشان را از جايى دور شنوند مر آن را جوش خشم و خروش را (12)
و چون افكنده شوند از آن جاى تنگ قرين كرده شدگان ميخوانند در آنجا هلاك را (13)

مخوانید امروز هلاک واحد را و بخوانید هلاک بسیار (14)
بگو آیا این بهتر است یا بهشت جاودانی که وعده کرده شدند پرهیزکاران باشد مر ایشان را پاداش و بازگشت (15)
مر ایشانراست در آن آنچه میخواهند جاودانیان باشد بر پروردگارت وعده خواسته شده (16)
و روزی که حشر کنند ایشان را و آنچه میپرستند از غیر خدا پس گوید آیا شما گمراه کردید بندگان مرا اینان یا ایشان خود گم کردند راه را (17)
گفتند منزّهی تو نباشد سزاوار مر ما را که فرا گیریم از غیر تو از دوستان و لیکن کامیاب کردی ایشان را و پدرانشان را تا فراموش کردند ذکر را و بودند گروهی تباه (18)
پس بتحقیق تکذیب نمودند شما را بآنچه می‌گویید پس نتوانند گردانیدنی و نه یاری کردنی و هر که ستم کند از شما میچشانیم او را عذابی بزرگ (19)
و نفرستادیم پیش از تو از رسولان مگر آنکه ایشان هر آینه میخوردند خوردنی و راه میرفتند در بازارها و گردانیدیم بعضیتان را برای بعضی مایه آزمایش آیا صبر میکنید و باشد پروردگار تو بینا (20)
و گفتند آنان که امید نمیدارند
ترجمه قرآن، ص: 336
ملاقات ما را چرا فرو فرستاده نشد بر ما ملائکه یا چرا نمی‌بینیم پروردگارمان را بتحقیق زیاده طلب شدند در نفسهاشان و تمرّد کردند تمرّدی بزرگ (21)
روزی که بینند فرشتگان را نیست بشارتی روز چنین برای گناهکاران و میگویند حرامی ممنوع (22)
و متوجّه شدیم بسوی آنچه کردند از کردار پس گردانیدیم او را ذرّه در هوا پراکنده (23)
اهل بهشت روزی چنین بهترند از راه جای قرار و خوبترند از جهة جای آسایش (24)
و روزی که میشکافد آسمان بابر و فرو فرستیم ملائکه را فرو فرستادنی (25)
پادشاهی روز چنین حقّ است مر خدای بخشاینده را و باشد روزی بر کافران دشوار (26)
و روزی که بدندان میگزد ظالم بر دو دستش میگوید ای کاش فرا گرفته بودم با رسول راه را (27)
ای وای کاش نگرفته بودم فلان را دوست (28)
بتحقیق گم گردانید مرا از ذکر بعد از آنکه آمد مرا و باشد دیو رجیم مر انسان را فرو گذارنده (29)

و گفت آن رسول ای پروردگار من بدرستی که قوم من گرفتند این قرآن را متروک (30)
و همچنین گردانیدیم برای هر نبیّ دشمنی را از گناهکاران و بس باشد پروردگار تو راه نماینده و یاری دهنده (31)
و گفتند آنان که کافر شدند چرا فرو فرستاده نشد بر او قرآن همه یک دفعه همچنین تا ثابت داریم بآن دل ترا و بتأنّی فرستادیمش بتأنّی فرستادنی (32)
و نیاوردند ترا مثلی مگر آنکه آوردیم تو را بحقّ و خوبتر از راه بیان

(33)
آنان که حشر کرده میشوند بر روهاشان بسوی دوزخ آنها بدترند از جهة جای و کمترند از جهة راه (34)
و بتحقیق دادیم موسی را تورية و گردانیدیم با او برادرش هارون را وزیر (35)
پس گفتیم بروید شما دو تا بسوی آن قومی که تکذیب کردند آیتهای ما را پس هلاک کردیم ایشان را هلاک کردنی (36)
و قوم نوح چون تکذیب کردند رسولان را غرق کردیمشان و گردانیدیم ایشان را از برای مردمان آیتی و آماده کردیم برای ستمکاران عذابی دردناک (37)
و عاد را و ثمود را و اصحاب رسّ را و قرنهای میان آنها بسیار (38)
و همه را زدیم برای آن مثلها و همه را نیست کردیم نیست کردنی (39)
و بتحقیق گذشتند بر قریه که بارانیده شد باران بد آیا پس نبودند که به بینند آن را بلکه باشند که امید نمیدارند حشر را (40)
و چون بینند ترا نمیگیرندت مگر باستهزاء آیا اینست آنکه بر انگیخت خدا رسول (41)
بدرستی که نزدیک بود که هر آینه بگردانند ما را بغلط از الهانمان اگر نه آن بود که صبر کرده بودیم بر آنها و زود باشد که بدانند وقتی که می‌بینند عذاب را که کیست گمگشته‌تر در راه (42)
آیا دیدی آنکه گرفت الهش را خواهش نفس خود آیا پس تو باشی بر او وکیل (43)
یا پنداری که بیشتر ایشان میشنوند یا مییابند بعقل نیستند ایشان مگر مثل چهار پایان بلکه ایشان گمگشته‌ترند در راه (44)
آیا ندیدی بسوی پروردگارت چگونه پهن گردانید سایه را و اگر خواسته بود هر آینه گردانیده بود آن را ساکن پس گردانیدیم

آفتاب را بر آن دلیل (45)

پس فرا گرفتیم آن را بسوی خود فرا گرفتنی آسان (46)
و اوست آنکه گردانید برای شما شب را پوشش و خواب را آسایش و گردانید روز را برانگیختن (47)
و اوست آنکه فرستاد بادها را بشارت میان دو دست رحمتش و فرو فرستادیم از آسمان آبی پاک گرداننده (48)
تا احیا کنیم بآن بلده مرده را و بیاشانیمش از آنچه آفریدیم چهار پایان را و مردمان بسیار (49)
و بتحقیق مکرّر گردانیدیم آن را میانشان تا پند گیرند پس ابا نمودند اکثر مردمان مگر ناسپاسی را (50)
و اگر خواسته بودیم هر آینه بر انگیخته بودیم در هر قریه بیم دهنده را (51)
پس اطاعت مکن کافران را و جهاد کن با ایشان بقرآن جهادی بزرگ (52)
و اوست که بهم آمیخت دو دریا را این شیرینست بسیار شیرین و این شوریست بسیار شور و گردانید میان آنها حایلی و مانعی صاحب منع (53)
و اوست آنکه آفرید از آب انسانی را پس گردانیدش نژادی و پیوندی و باشد پروردگار تو توانا (54)
و میپرستند از غیر خدا آنچه را نه منفعت میدهد ایشان را و نه مضرّت میرساند ایشان را و باشد کافر بر پروردگارش هم پشت (55)
و نفرستادیم ترا مگر مژده دهنده و بیم کننده (56)
بگو نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی جز آنکه خواست که فراگیرد بسوی پروردگارش راهی (57)
و توکّل کن بر خدای زنده که نمیمیرد و تسبیح گوی بحمدش و بس باشد او بگناهان بندگانش آگاه (58)
آنکه آفرید آسمانها و زمین را و آنچه میان آن دو است
ترجمه قرآن، ص: 339
در شش روز پس مستوی شد بر عرش خداوند بخشنده پس بپرس از آن آگاهی را (59)
و چون گفته شد مر ایشان را که سجده کنید مر خدای بخشنده را گویند و چیست رحمن آیا سجده کنیم مر آنچه می‌فرمایی ما و افزود ایشان را نفرت (60)
افزون آمد آنکه گردانید در آسمان برجها و گردانید در آن چراغی و ماهی نور دهنده (61)
و اوست که گردانید شب و روز را از پی هم آینده برای آنکه خواست پند گیرد یا خواست شکرگذاریرا (62)
و بندگان خدای بخشنده آنان که میروند بر زمین بآرام و آهستگی و چون خطاب کند ایشان را نادانان گویند سلامی (63)

و آنان که شب بروز میآرند برای پروردگارشان سجده کنندگان (64)
و برای ایستادگان و آنان که میگویند پروردگار ما بگردان از ما عذاب دوزخ را بدرستی که عذابش باشد لازم (65)
بدرستی که آن بد است از راه قرارگاه و مقام (66)
و آنان که چون انفاق کنند اسراف ننمایند و تنگ نگیرند و باشد میان آن اعتدالی (67)
و آنان که نمیخوانند با خدا الهی دیگر را و نمیکشند تنی را که حرام گردانید خدا مگر بحقّ و و زنا نمیکنند و کسی که میکند آن را مییابد عقوبت را (68)
مضاعف میکند او را در عذاب روز قیامت و جاوید میباشد در آن خوار (69)
مگر آنکه بازگشت نمود و گروید و کرد کار شایسته را پس آنها بدل میکند خدا بدیهاشان را بخوبیها و باشد خدا آمرزنده مهربان (70)
و آنکه توبه نمود و کرد نیکی پس بدرستی که او باز گشت مینماید بسوی خدا
ترجمه قرآن، ص: 340
بازگشتنی (71)
و آنان که حاضر نمیشوند باطل را و چون بگذرند بلغو بگذرند کریمان (72)
و آنان که چون پند داده شوند بآیتهای پروردگارشان بر نیفتند بر آنها کران و کوران (73)
و آنان که میگویند پروردگار ما ببخش ما را از جفتهامان و فرزندانمان آسایش چشمها و بگردان ما برای پرهیزکاران پیشوا (74)
آنها جزا داده میشوند درجه بلند بسبب آنچه صبر کردند و رسانیده میشوند در آن دعای خیر و سلام را (75)
جاودانیان در آن خوبست از راه آرامگاه و مقام (76)
بگو چه کند و چه قدر وزن و قدر نهد شما را پروردگارم اگر نباشد دعای شما پس بتحقیق تکذیب کردید پس بزودی میشود لازم (77)

ترجمه قرآن 376
بنام خداوند بخشاینده مهربان
این آیتهای کتاب واضح کننده است (2)
شاید که باشی هلاک کننده خودت را از بهر آنکه نشوند مؤمنان (3)
اگر خواهیم فرو فرستیم بر ایشان از آسمان آیتی پس گردد گردنهاشان مر آن را خضوع کنندگان (4)
و نمی‌آید ایشان را هیچ ذکری از خدای بخشنده نو بدید آورده شده مگر آنکه باشند از آن روی گردانندگان (5)
پس بتحقیق تکذیب نمودند پس زود باشد که بیاید ایشان را اخبار آنچه بودند بآن استهزاء میگردند (6)
آیا ندیدند بسوی زمین که چندان رویانیدیم در آن از هر صنفی
ترجمه قرآن، ص: 341
نیکو (7)
بدرستی که در آن هر آینه آیتی است و نباشند اکثرشان گروندگان (8)
و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان (9)
و هنگامی که ندا کرد کرد پروردگار تو موسی را که برو بسوی گروه ستمکاران (10)
قوم فرعون آیا نمی پرهیزید (11)
گفت پروردگار من بدرستی که من میترسم که تکذیب کنند مرا (12)
و تنگ میشود سینه‌ام و نمی‌گشاید زبانم پس بفرست بسوی هارون (13)
و مر ایشانراست بر من گناهی پس میترسم که بکشند مرا (14)
گفت نه چنین است پس بروید شما دو تا بآیتهای ما بدرستی که مائیم با شما شنوندگان (15)
پس آمدند فرعون را پس گفتند بدرستی که مائیم رسول پروردگار جهانیان (16)
که بفرست با ما بنی اسرائیل را (17)
گفت آیا نپروریدیم تو را در میان خود کودک و ماندی کرزان در میان ما از عمرت سالها (18)
و کردی کرده‌ات را که کردی و تویی از ناسپاسان (19)
گفت کردم آن را آن گاه و من بودم از گمراهان (20)
پس گریختم از شما چون ترسیدم از شما پس بخشید مرا پروردگارم حکم و گردانید مرا از مرسلان (21)
و این نعمتی است که منّت مینهی آن را بر من که بنده گردانیدی بنی

اسرائیل را (22)
گفت فرعون و چیست پروردگار جهانیان (23)
گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است اگر هستید یقین کنندگان (24)
گفت مر آنان را که بودند پیرامونش آیا نمیشنوید (25)
گفت پروردگار شما و پروردگار پدران شما که پیشینیانند (26)
گفت بدرستی که
ترجمه قرآن، ص: 342
رسول شما که فرستاده شد بسوی شما هر آینه دیوانه است (27)
گفت پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان آن دو است اگر هستید که مییابید بعقل (28)
گفت هر آینه اگر فرا گرفتی الهی جز من هر آینه خواهم گردانید ترا البتّه از زندان کرده شدگان (29)
گفت آیا اگر چه آورم ترا چیزی روشن (30)
گفت پس بیاور آن را اگر هستی از راستگویان (31)
پس انداخت عصایش را پس آن گاه آن بود اژدهایی آشکار (32)
و بر آورد دستش را پس آن گاه آن نمود سفید نورانی مر نگاه کنندگان را (33)
گفت مر آن جماعت را که بودند پیرامونش بدرستی که این هر آینه جادوگریست دانا (34)
میخواهد که بیرون کند شما را از زمینتان بسحرش پس چه میفرمائید (35)
گفتند باز دارید او را و برادرش را و بفرست در شهرها جمع آورندگان را (36)
که بیارند ترا هر ساحری دانا (37)
پس جمع کرده شدند ساحران برای وعدگاه روزی معلوم (38)
و گفته شد مر مردمان را آیا که شما هستید اجتماع کنندگان (39)
باشد که ما پیروی کنیم ساحران را اگر باشند ایشان غالبان (40)
پس چون آمدند ساحران گفتند مر فرعون را که آیا بدرستی که باشد مر ما را مزدی اگر باشیم ما غالبان (41)
گفت آری و بدرستی که شمائید آن گاه هر آینه از نزدیکان (42)
گفت مر ایشان را موسی بیندازید آنچه را شمائید اندازنده (43)
پس انداختند ریسمانهاشان را و عصاهاشان را و گفتند بعزّت فرعون بدرستی که ما هر آینه مائیم غلبه کنندگان (44)
پس انداخت موسی عصایش را پس آن گاه آن میر بود آنچه را مینمودند بدروغ (45)
پس در افکنده شدند ساحران سجده کنندگان (46)

گفتند گرویدیم بپروردگار
ترجمه قرآن، ص: 343
جهانیان (47)
پروردگار موسی و هارون (48)
گفت آیا ایمان آوردید مر او را پیش از آنکه دستوری دهم شما را بدرستی که آن بزرگ شما است که آموخته است شما را سحر پس هر آینه زود باشد که بدانید هر آینه خواهم برید دستهاتان را و پاهاتان را از خلاف یکدگر و هر آینه بدار خواهم کرد شما را همه (49)
گفتند نیست باکی بدرستی که ما بسوی پروردگارمان بازگشت کنندگانیم (50)
بدرستی که ما طمع داریم که بیامرزد ما را پروردگار ما گناهانمان را که هستیم اوّل مؤمنان از قوم فرعون با حضار (51)
و وحی کردیم بموسی که بشب ببر بندگان مرا بدرستی که شمائید از پی رفته شدگان (52)
پس فرستاد فرعون در شهرها جمع کنندگان (53)
بدرستی که اینها هر آینه فرقه باشند اندک (54)
و بدرستی که ایشان هر آینه مر ما را بخشم آورندگانند (55)
و بدرستی که ما همه‌ایم آمادگان یا خرم دارندگان (56)
پس بیرون کردیمشان از بوستانها و چشمه سارها (57)
و گنجها و جای خوب (58)
همچنین و بمیراث دادیم آن را به بنی اسرائیل (59)
پس از پی رفتند ایشان طلوع دریافتگان (60)
پس چون دیدند یکدگر را آن دو جماعت گفتند اصحاب موسی بدرستی که ما هر آینه دریافته شدگانیم (61)
گفت نه چنین است بدرستی که با من است پروردگارم بزودی راه نماید (62)
مرا پس وحی کردیم بسوی موسی که بزن بعصایت دریا را پس شکاف خورد پس بود هر پاره چون کوهی بزرگ (63)
و جمع کردیم آنجا دیگران را (64)
و نجات دادیم موسی را و هر که با او بود همه (65)
پس غرق کردیم دیگران را (66)
بدرستی که در آن هر آینه آیتی است و نباشند اکثرشان گروندگان (67)
و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست
ترجمه قرآن، ص: 344
غالب مهربان (68)
و بر خوان بر ایشان خبر ابراهیم را (69)

هنگامی که گفت مر پدر شرا و قومش را که چه میپرستید (70)
گفتند میپرستیم بتانی را پس میگردیم مر آنها را تمام روز مقیمان پرستش (71)
گفت آیا میشنوند از شما هنگامی که دعا میکنید (72)
یا نفع میدهند شما را یا ضرر میرسانند (73)
گفتند بلکه یافتیم پدرانمان را که همچنین میکردند (74)
گفت آیا دیده‌اید آنچه را که هستید میپرستید (75)
شما و پدرانتان که پیشینیانند (76)
پس بدرستی که ایشان دشمنند مرا جز پروردگار جهانیان (77)
آنکه آفرید مرا پس او هدایت کند مرا (78)
و آنکه او میخوراند مرا و میآشاماند مرا (79)
و چون بیمار شوم پس او شفا میدهد مرا (80)
و آنکه میمیراند مرا پس زنده میکند مرا (81)
و آنکه طمع دارم که بیامرزد مرا گناهانم روز جزا (82)
پروردگار من عطا کن مرا حکمی و در رسان مرا بشایستگان (83)
و بگردان مر مرا زبان راستی در آخران (84)
و بگردان مرا از وارثان بهشت با ناز و نعمت (85)
و بیامرز پدر مرا بدرستی که او بود از گمراهان (86)
و رسوا مگردان مرا روزی که بر انگیخته میشوند (87)
روزی که نفع نمیدهد مال و نه پسران (88)
مگر کسی که آمد خدا را با دلی درست (89)
و نزدیک گردانیده شد بهشت برای پرهیزکاران (90)
و ظاهر شد دوزخ از برای گمراهان (91)
و گفته شد مر ایشان را که کجاست آنچه بودید میپرستیدید (92)
از غیر خدا آیا یاری میکنند شما را
ترجمه قرآن، ص: 345
یا یاری میدهند (93)
پس بروی افکنده شوند در آن ایشان و گمراهان (94)
و لشگرهای شیطان همه (95)
گفتند و ایشان در آن خصومت میکردند (96)
بخدا قسم که هر آینه بودیم ما در گمراهی آشکار (97)
هنگامی که برابر میکردیم شما را با پروردگار جهانیان (98)
و گمراه نکردند ما را مگر گناهکاران (99)
پس نباشد ما را هیچ شفاعت کنندگان (100)
و نه دوستی نزدیک (101)
پس کاش بودی مر ما را بازگشتی پس میشدیم از گروندگان (102)

بدرستی که در آن هر آینه آیتی است و نباشد اكثرشان مؤمنان (103)
و بدرستی که پروردگار تو اوست غالب مهربان (104)
تکذیب کردند قوم نوح فرستادگان را (105)
چون گفت مر ایشان را برادر ایشان نوح آیا نمیپرهیزید (106)
بدرستی که من مر شما را رسولی امینم (107)
پس بترسید از خدا و فرمانبرید مرا (108)
و نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی نیست مزدم مگر بر پروردگار عالمیان (109)
پس بپرهیزید از خدا و اطاعت کنید مرا (110)
گفتند آیا ایمان بیاوریم مر ترا و پیروی کردند ترا فرومایگان (111)
گفت و نیست دانشم بآنچه هستند که میکنند (112)
نیست حسابشان مگر بر پروردگارم اگر دانید (113)
و نیستم من راننده گروندگان (114)
نباشم من مگر بیم دهنده آشکارا (115)
گفتند هر آینه اگر باز نه ایستادی ای نوح هر آینه خواهی شد از سنگسار شدگان (116)
گفت پروردگار من بدرستی که قوم من تکذیب کردند مرا (117)
پس حکم کن میان من و میان ایشان حکمی و نجات ده مرا و آنکه با منست از گروندگان

ترجمه قرآن، ص: 346

(118)
پس نجات دادیم او را و هر که با او بود در کشتی پر (119)
پس غرق کردیم بعد از آن ماندگان را (120)
بدرستی که در آن هر آینه آیتی است و نباشند اكثرشان مؤمنان (121)
و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان (122)
تکذیب کردند عاد مرسلان را (123)
هنگامی که گفت مر ایشان را برادرشان هود آیا نمیپرهیزید (124)
بدرستی که من مر شما را رسولی امینم (125)
پس بپرهیزید از خدا و فرمانبرید مرا (126)
و نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان (127)
آیا بنا میکنید بهر جای بلندی علامتی که بازی کنید (128)
و فرا میگیرید قصرهای محکم باشد که شما جاوید بمانید (129)
و چون حمله میکنید حمله میکنید ستمکاران (130)
پس بترسید از خدا و فرمانبرید مرا (131)
و بپرهیزید از آنکه امداد کرد شما را بآنچه میدانید (132)

امداد كرد شما را بچهار پايان و پسران (133)
و بوستانها و چشمه‌ها (134)
بدرستى كه من ميترسم بر شما عذاب روزى بزرگ را (135)
گفتند يكسانست بر ما خواه پند داده باشى يا نبوده باشى از پند دهندگان (136)
نيست آن مگر عادت پيشينيان (137)
و نباشيم ما عذاب كرده شدگان (138)
پس تكذيب كردند او را پس هلاک كرديمشان بدرستى كه در آن آيتى است و نباشند اكثرشان مؤمنان (139)
و بدرستى كه پروردگار تو اوست غالب مهربان (140)
تكذيب كردند ثمود مرسلان را (141)
چون گفت مر ايشان را برادرشان صالح آيا نميپرهيزيد (142)
بدرستى كه منم مر شما را رسولى امين (143)
پس بترسيد
ترجمه قرآن، ص: 347
از خداوند و اطاعت كنيد مرا (144)
و نميخواهم از شما بر آن هيچ مزدى نيست مزدم مگر بر پروردگار جهانيان (145)
آيا واگذاشته ميشويد در آنچه هست آنجا ايمنان (146)
در بوستانها و چشمه‌ها (147)
و زرعها و نخلى كه شكوفه‌اش لطيف است (148)
و ميتراشيد از كوه‌ها خانه‌ها ماهران (149)
پس بترسيد از خدا و فرمانبريد مرا (150)
و اطاعت نكنيد امر اسراف كنندگان را (151)
آنان كه فساد ميكنند در زمين و اصلاح نميكنند (152)
گفتند جز اين نيست كه تويى از سحر بسيار كرده شدگان (153)
نيستى تو مگر انسانى مانند ما پس بياور آيتى اگر هستى از راستگويان (154)
گفت اين است ناقه مر آن را است آب خورش و مر شما راست آب خورش روزى معيّن (155)
و مسّ مكنيدش ببدى پس بگيرد شما را عذاب روزى بزرگ (156)
پس پى كردند او را پس گرديدند پشيمانان (157)
پس گرفت ايشان را عذاب بدرستى كه در آن هر آينه آيتى است و نباشند اكثرشان گروندگان (158)
و بدرستى كه پروردگار تو هر آينه اوست غالب مهربان (159)
تكذيب كردند قوم لوط مرسلان را (160)

چون گفت مر ایشان را برادرشان لوط آیا نمی‌پرهیزید (161)
بدرستی که من مر شما را رسولی امینم (162)
پس بپرهیزید از خدا و فرمانبرید مرا (163)
و نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان (164)
آیا می‌آیید مذکرها را از جهانیان (165)
و وامیگذارید آنچه را آفرید برای شما پروردگارتان از جفتهاتان بلکه
ترجمه قرآن، ص: 348
بشمائید گروهی تعدّی کنندگان (166)
گفتند هر آینه اگر باز نایستی ای لوط هر آینه خواهی شد از بیرون شدگان (167)
گفت بدرستی که من مر کردار شما را از دشمنانم (168)
پروردگار من برهان مرا و اهلم را از آنچه میکنند (169)
پس رهانیدیم او را و اهلش را همه (170)
مگر پیر زنی در بازماندگان (171)
پس هلاک کردیم دیگران را (172)
و بارانیدیم بر ایشان بارانی پس بد بود باران بیم کرده شدگان (173)
بدرستی که در آن هر آینه آیتی است و نباشد اکثرشان گروندگان (174)
و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست عزیز رحیم (175)
تکذیب کردند اصحاب ایکه مرسلان را (176)
چون گفت مر ایشان را شعیب آیا نمیپرهیزید (177)
بدرستی که من مر شما را رسولی امین و با دیانتم (178)
پس بپرهیزید از خدا و فرمانبرید مرا (179)
و نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی نیست مزدم مکر بر پروردگار جهانیان (180)
تمام کنید پیمانه را و نباشید از زیان رسانندگان (181)
و وزن کنید با ترازو و یا قپان درست (182)
و کم مکنید مردمان را چیزهاشان و تباهکاری مکنید در زمین افساد کنندگان (183)
و بپرهیزید از آنکه آفرید شما را و خلق پیشینیان را (184)
گفتند جز این نیست که تویی از سحر بسیار کرده شدگان (185)
و نیستی تو مگر انسانی مانند ما و بدرستی که گمان میبریم ترا که هر آینه از دروغگویانی (186)
پس فرود آور بر ما پاره‌ها از آسمان اگر هستی از راستگویان (187)
گفت پروردگار من داناتر است بآنچه میکنید (188)
پس تکذیب کردند او را پس گرفتشان عذاب روز سایبان بدرستی که آن

بود عذاب روزی
ترجمه قرآن، ص: 349
بزرگ (189)
بدرستی که در آن هر آینه آیتی است و نباشد اکثرشان گروندگان (190)
و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان (191)
و بدرستی که آن فرو فرستادن پروردگار عالمیانست (192)
فرود آورد آن را روح الأمین (193)
بر دلت تا بوده باشی از بیم دهندگان (194)
بلغت تازی واضح (195)
و بدرستی که آن هر آینه باشد در کتب پیشینیان (196)
آیا نباشد مر ایشان را آیتی اینکه میدانند آن را دانایان بنی اسرائیل (197)
و اگر فرو فرستاده بودیم آن را بر بعضی عجمان (198)
پس خوانده بود آن را بر ایشان نبودند بآن گروندگان (199)
همچنین مسلوک داشتیم آن را در دلهای گناهکاران (200)
ایمان نمیآورند بآن تا آنکه به بینند عذاب پر درد (201)
پس بیاید ایشان را ناگاه و ایشان ندانند (202)
پس گویند آیا مائیم مهلت دهندگان (203)
آیا پس عذاب ما را بشتاب میخواهند (204)
آیا دیده که اگر کامیاب سازیم ایشان را سالها (205)
پس آید ایشان را چه هستند که وعده داده میشوند (206)
کفایت نکند از ایشان آنچه بودند کامیاب کرده میشوند (207)
و هلاک نگردانیدیم هیچ قریه را مگر که بودند مر آن را بیم دهندگان (208)
پند دادنی و نباشیم ستمکاران (209)
و فرود نیاوردند آن را شیاطین (210)
و نمی‌سزد مر ایشان را و نمیتوانند (211)
بدرستی که ایشانند از شنیدن هر آینه عزل شدگان (212)
پس مخوان با خدا الهی دیگر پس بشوی از عذاب کرده شدگان (213)
و بیم کن خویشانت را که نزدیکترند (214)
و فرود آور بالت را برای آنکه پیرو شد ترا
ترجمه قرآن، ص: 350
از گروندگان (215)
پس اگر نافرمانی کنند ترا پس بگوی بدرستی که من بیزارم از آنچه میکنید (216)
و توکّل کن بر غالب مهربان (217)
آنکه می‌بیند ترا وقتی که بر میخیزی (218)
و گردیدنت از حالی بحالی در سجده کنندگان (219)

بدرستی که اوست شنوای دانا (220)
آیا خبر دهم شما را بر کسی که نازل میشود بر او شیاطین (221)
نازل میشود بر هر دروغگوی گناهکاری (222)
میاندازند گوش و اکثرشان دروغگویانند (223)
و شاعران پیروی میکنند ایشان را گمراهان (224)
آیا ندیدی که ایشان در هر وادی سرگشته میروند (225)
و آنکه ایشان میگویند آنچه را که نمیکنند (226)
جز آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و یاد کردند خدا را بسیار
و انتقام کردند از بعد آنکه ظلم کرده شدند و بزودی خواهند دانست آنان
که ستم کردند که بکدام جای بازگشت بر میگردند (227)

سورة النّمل مكّية و هى ثلاث و تسعون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
اين آيتهاى قرآن و كتاب واضح (1)
هدايت است و بشارت براى مؤمنان (2)
آنان كه بر پاى ميدارند نماز را و ميدهند زكاة را و ايشان بآخرت ايشان يقين ميدارند (3)
بدرستى كه آنان كه
ترجمه قرآن، ص: 351
ايمان نميآرند بآخرت آراستيم براى ايشان كارهاشان پس ايشان حيران ميباشند (4)
آنها آنانند كه مر ايشانراست بدى عذاب و ايشان در آخرت ايشانند زيانكاران (5)
و بدرستى كه تو هر آينه فرا داده ميشوى قرآن را از نزد درستكار دانا (6)
هنگامى كه گفت موسى مر اهلش را بدرستى كه من ديدم آتشى را بزودى ميآورم شما را از آن خبرى يا آرم شما را شعله گيراينده باشد كه شما گرم شويد (7)
پس چون آمد آن را ندا كرده شد كه بركت داده شد آنكه باشد در آن آتش و آنكه باشد پيرامون آن و منزّه است خدا پروردگار جهانيان (8)
اى موسى بدرستى كه منم خداى غالب درست كردار (9)
و بينداز عصايت را پس چون ديد آن را كه حركت ميكند گويا كه آن مارى است باريك برگشت باز پس رونده و التفات ننمود اى موسى مترس بدرستى كه نميترسند نزد من مرسلان (10)
مگر آنكه ظلم كرد پس بدل آورد نيكى را پس از بدى پس بدرستى كه من آمرزنده مهربانم (11)
و داخل كن دستت در گريبانت كه بيرون آيد سفيد نورانى از غير بدى كه در نه گانه آيتها بسوى فرعون و قومش بدرستى كه ايشان بودند گروهى فاسقان (12)
پس چون آمد ايشان را آيتهاى ما كه بينا كننده است گفتند اين است جادوى آشكار (13)
و انكار كردند آن را و يقين دانستند آن را نفسهاشان از راه ستم و كبر پس بنگر چگونه باشد انجام كار فساد كنندگان (14)
و بتحقيق داديم داود را و سليمان را دانش و گفتند ستايش مر خدا كه
ترجمه قرآن، ص: 352
افزونى داد ما را بر بسيارى از بندگانش كه مؤمنانند (15)

و وارث شد سلیمان داود را و گفت ای مردمان آموختند ما را نطق پرنده و داده شدیم از همه چیز بدرستی که این هر آینه آن مزیّتی است آشکار (16)
و جمع گردانیده شد برای سلیمان لشکرهایش از جنّ و انس و پرنده پس ایشان باز داشته میشوند (17)
پس چون آمدند بوادی مور گفت مورچه ای موران داخلشوید در مسکنهاتان که نه درهم شکند شما را سلیمان و لشگرهایش و ایشان ندانند (18)
پس تبسّم نمود خندان از گفتارش و گفت پروردگار من الهام کن مرا که شکر کنم نعمت تو را که انعام کردی بر من و بر والدینم و آنکه بکنم نیکی را که پسندی آن را و داخل کن مرا برحمتت در بندگانت که شایسته‌اند (19)
و جویا شد پرنده را پس گفت چیست مرا که نمی‌بینم هدهد یا باشد از غایبان (20)
هر آینه عذاب کنمش البتّه عذابی سخت یا هر آینه بکشم او را البتّه یا هر آینه بیاورد مرا البتّه حجّتی روشن (21)
پس درنگ نمود نه دور پس گفت احاطه کردم بآنچه احاطه نکرده بآن و آورده‌ام ترا از سبا خبری بتحقیق (22)
بدرستی که من یافتم زنی را که پادشاهی میکند ایشان را و داده شده از همه چیز و مر او راست تختی بزرگ (23)
یافتم او را و قومش را که سجده میکنند مر آفتاب را از جز خدا و بیاراست برای ایشان شیطان کارهاشان را پس باز داشتشان از راه
ترجمه قرآن، ص: 353
پس ایشان راه نمییابند (24)
چرا سجده نمیکنند مر خدا را که بیرون میآورد پنهان را در آسمانها و زمین و میداند آنچه را پوشیده میدارید و آنچه آشکار میکنید (25)
خدا نیست الهی مگر او که پروردگار عرش بزرگست (26)
گفت بزودی نظر خواهم کرد که آیا راست گفته یا هستی از دروغگویان (27)
ببر نامه مرا این پس بیندازش بر ایشان پس رو بگردان از ایشان پس ببین چه جواب میگویند (28)
گفت ای جماعت بدرستی که من افکنده شد بسویم نامه گرامی (29)
بدرستی که آنست از سلیمان و بدرستی که آنست بنام خدای بخشاینده مهربان (30)
که رفعت مجوئید بر من و بیائید مرا منقادان (31)
گفت ای جماعت فتوی دهید مرا در کارم نیستم عزم جزم کننده کاری را تا

حاضر نشوید مرا (32)
گفتند مائیم صاحبان قوّت و صاحبان کارزار سخت و کار با تو است پس نظر کن که چه می‌فرمایی (33)
گفت بدرستی که پادشاهان چون داخلشوند قریه را تباه میسازند آن را و میگردانند عزیزان اهل آن را ذلیلان و همچنین میکنند (34)
و بدرستی که من فرستنده‌ام بسوی ایشان هدیه پس نظر کننده‌ام که بچه برمیگردند فرستادگان (35)
پس چون آمد سلیمان را گفت آیا مدد میکنید مرا بمال پس آنچه داد مرا خدا بهتر است از آنچه داد شما را بلکه شمائیت که بهدیه‌تان شاد میباشید (36)
برگرد بسوی ایشان پس خواهم آورد ایشان را لشگرهایی که طاقت نباشد ایشان را بآنها و هر آینه بیرون خواهم
ترجمه قرآن، ص: 354
کرد البتّه ایشان را از آن ذلیلان و ایشان باشند خواران (37)
گفت ای جماعت کدامتان میآرد مرا تختش پیش از آنکه آیند مرا منقادان (38)
گفت دیوی از جنّ من میآرم ترا باد پیش از آنکه برخیزی از جایت و بدرستی که منم بر آن هر آینه قومی امین (39)
گفت آنکه بود نزدش علمی از کتاب من میآرم بتو آن را پیش از آنکه برگردد بسوی تو چشم تو پس چون دید آن را قرار یافته نزدش گفت این از تفضّل پروردگار من است تا بیازماید مرا که آیا شکر میگویم یا ناسپاسی میکنم و کسی که شکر کند پس جز این نیست که شکر میگوید برای خودش و کسی که ناسپاسی کرد پس بدرستی که پروردگار من بی نیاز کریمست (40)
گفت ناشناخت کنید برای او تختش را به بینیم آیا مییابد یا باشد از آنان که نمییابند (41)
پس چون آمد گفته شد آیا اینچنین است تخت تو گفت گویا آنست و داده شدیم علم را پیش از آن و بودیم مسلمانان (42)
و باز داشته بود او را آنچه بود که میپرستید از غیر خدا بدرستی که او بود از گروه کافران (43)
گفته شد مر او را داخل شو در صحن پس چون دید آن را پنداشتش آب بسیار و بالا زد دامن جامه از دو ساقش گفت بدرستی که آن صحنی است ساده از آبگینه‌ها گفت پروردگار من بدرستی که من ستم کردم بر خود و اسلام آوردم با سلیمان مر خدای را که پروردگار جهانیانست (44)
و بحقیقت فرستادیم بسوی ثمود برادرشان را صالح که بپرستید خدا را پس آن گاه ایشان دو فرقه شدند که نزاع میکردند (45)

گفت ای قوم
ترجمه قرآن، ص: 355
چرا بشتاب میخواهید بدی را پیش از خوبی چرا آمرزش نمیخواهید از خدا باشد که شما رحمت کرده شوید (46)
گفتند شوم گرفتیم بتو و با آنکه با تو است گفت منشأ شرّ شما نزد خداست بلکه شما هستید گروهی که مبتلا میشوید (47)
و بودند در شهر نه نفر که افساد میکردند در زمین و اصلاح نمیکردند (48)
گفتند سوگند خوردیم با هم بخدا که هر آینه شبیخون میزنیم او را و اهلش را پس هر آینه می‌گوییم مر وارثش را که حاضر نبودیم در جای هلاک اهل او و بدرستی که مائیم هر آینه راستگویان (49)
و مکر کردند مکر کردنی و مکر کردیم مکر کردنی و ایشان نمیدانستند (50)
پس بنگر چگونه بود انجام مکر ایشان که ما هلاک کردیم ایشان و قومشان را همه (51)
پس اینست خانه‌هاشان فرو ریخته بسبب آنکه ستم کردند بدرستی که در آن هر آینه آیتی است از برای گروهی که میدانند (52)
و رهانیدیم آنان را که ایمان آوردند و بودند پرهیز میکردند (53)
و لوط را هنگامی که گفت مرقومش را آیا می‌آیید آن کار زشت را و شما می‌بینید (54)
آیا بدرستی که شما هر آینه می‌آیید بمردان از روی شهوت از غیر زنان بلکه شمائید گروهی جهل میورزید (55)
پس نبود جواب قومش مگر آنکه گفتند بیرون کنید آل لوط را از قریه خودتان بدرستی که ایشان مردمانی‌اند که پاک میخواهند باشند (56)
پس رهانیدیم او را و اهلش را مگر زنش را که مقرّر داشتیم او را که باشد از آن بازماندگان (57)
و بارانیدیم بر ایشان بارانی پس بد بود باران بیم داده شدگان (58)
ترجمه قرآن، ص: 356
بگو ستایش مر خدا را و سلام بر بندگانش که برگزید آیا خدا بهتر است یا آنچه شرک میآورید (59)
یا آنکه آفرید آسمانها و زمین را و فرو فرستاد برای شما از آسمان آب را پس رویانیدیم بآن باغهای صاحب بهجت نباشد مر شما را که برویانید درخت آنها را آیا الهی است با خدا بلکه ایشان گروهی‌اند که عدول میکنند (60)
آیا آنکه گردانید زمین را مستقرّ و گردانید میانش را نهرها و گردانید مر آن را کوه‌های ثابت و گردانید میان دو دریا حایلی ایا با خدا خدایی است بلکه اکثر ایشان نمیدانند (61)

آیا آنکه اجابت میکند مضطرّ را چون بخواند او را و رفع میکند بدی را و میگرداند شما را جانشینان در زمین آیا الهی با خداست اندکی پند میگیرید (62)
آیا آنکه راه مینماید شما را در تاریکیهای بیابان و دریا و آنکه میفرستد بادها را بشارت میان دو دست رحمتش آیا الهی با خداست برتر آمد خدا از آنچه شریک میدانند (63)
آیا آنکه نخست آفرید خلق را پس اعاده میکندش و آنکه روزی میدهد شما را از آسمان و زمین آیا الهی با خداست بگو بیاورید دلیلتانرا اگر هستید راستگویان (64)
بگو نمیداند آنکه باشد در آسمانها و زمین غیب را مگر خدا و نمیدانند که کی برانگیخته میشوند (65)
بلکه بکمال رسید علمشان در آخرت بلکه ایشانند در شکّ از آن بلکه ایشانند از آن کوران (66)
و گفتند آنان که کافر شدند آیا چون باشیم خاک و پدران ما آیا بدرستی که مائیم
ترجمه قرآن، ص: 357
هر آینه بیرون آورده شدگان (67)
هر آینه بدرستی که وعده داده شدیم این را ما و پدران ما پیش از این نیست این مگر افسانهای پیشینیان (68)
بگو بروید در زمین پس بنگرید چگونه بود انجام کار گناهکاران (69)
و اندوهکین مباش بر ایشان و مباش در تنگی از آنچه مکر میکنند (70)
و میگویند کی خواهد بود این وعده اگر هستید راستگویان (71)
بگو شاید باشد که برسد شما را برخی از آنچه بشتاب میخواهید (72)
و بدرستی که پروردگار تو هر آینه صاحب تفضّل است بر مردمان و لیکن بیشترین ایشان شکر نمیکنند (73)
و بدرستی که پروردگار تو هر آینه میداند آنچه پنهان میدارد سینه‌هاشان و آنچه آشکار میکنند (74)
و نیست هیچ نهانی در آسمان و زمین مگر که هست در کتابی آشکار (75)
بدرستی که این قرآن میخواند بر بنی اسرائیل اکثر آنچه ایشان در آن اختلاف میکنند (76)
و بدرستی که آن هر آینه هدایت و رحمتست مر مؤمنان را (77)
بدرستی که پروردگار تو داوری میکند میانشان بحکمش و اوست غالب دانا (78)
پس توکّل کن بر خدا بدرستی که تویی بر حقّ آشکار (79)
بدرستی که تو نمیشنوانی مردگان را و نمیشنوانی کران را ندا چون برگردند پشت بر گردانندگان (80)

و نیستی تو راهنماینده کوران از گمراهیشان نمیشنوانی مگر آن را که میگردد بآیتهای ما پس ایشان منقادانند (81)
و چون واقع شود گفتار بر ایشان بیرون آریم برای ایشان
ترجمه قرآن، ص: 358
جنبنده از زمین که سخن کند با ایشان که مردمان بودند که بآیتهای ما یقین نمیکردند (82)
و روزی که حشر میکنم از هر امّتی گروهی را از آنکه تکذیب کرد آیتهای ما را پس ایشان باز داشته میشوند (83)
تا چون آیند گوید آیا تکذیب کردید آیتهای مرا و احاطه نکردید بآن از راه دانش آیا چه چیز بود که بودید میکردید (84)
و بوقوع آمد گفتار بر ایشان بسبب آنکه ظلم کردند پس ایشان سخن نمیکنند (85)
آیا ندیدند که ما گردانیدیم شب را تا آرام گیرند در آن و روز را بینش بخش بدرستی که در آن هر آینه آیتها است از برای گروهی که میگروند (86)
و روزی که دمیده شود در صور پس هراسان شود هر که در آسمانها و هر که در زمین است مگر کسی که خواست خدا و همه آیند او را ذلیلان (87)
و میبینی کوهها را پنداری آنها را ساکن و آنها میروند روش ابر کردن خدایی که درست ساخت همه چیز را بدرستی که او آگاهست بآنچه میکنید (88)
آنکه آورد خوبی را پس مر او راست بهتر از آن و ایشان از هراس روز چنین ایمانند (89)
و آنکه آورد بدی را پس نگونسار کرده شود رویهایشان در آتش آیا جزا داده میشوید جز آنچه بودید که میکردید (90)
جز این نیست فرموده شدم که بپرستم پروردگار این بلده را که حرام گردانید او را و مر او راست همه چیز و فرموده شدم که باشم از منقادان (91)
و آنکه بخوانم قرآن را پس آنکه هدایت یافت پس جز این نیست که هدایت مییابد برای خودش و آنکه گمراه شد پس بگو جز این نیست که من از
ترجمه قرآن، ص: 359
بیم کنندگانم (92)
و بگو ستایش مر خدا را بزودی مینماید شما را آیتهایش پس بشناسید آن را و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنید (93)

سورة القصص مکّية و هى ثمان و ثمانون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
اين است آيتهاى كتاب واضح (2)
ميخوانيم بر تو از خبر موسى و فرعون بحقّ براى گروهى كه ميگروند (3)
بدرستى كه فرعون برترى يافت در زمين و گردانيد اهل آن را گروه گروه ضعيف ميداشت گروهى را از ايشان ميكشت پسران ايشان را و باقى ميگذاشت زنان ايشان را بدرستى كه او بود از فساد كنندگان (4)
و ميخواستيم كه منّت بگذاريم بر آنان كه ضعيف داشته شده بودند در زمين و بگردانيمشان پيشوايان و بگردانيم ايشان را وارثان (5)
و تمكين دهيم مر ايشان را در زمين و بنمائيم فرعون را و هامان را و لشگرهاى آن دو را از ايشان آنچه بودند كه بيم ميداشتند (6)
و وحى كرديم بمادر موسى كه شيرده او را پس چون بترسى بر او پس بيندازش در دريا و مترس و اندوهگين مشو بدرستى كه ما باز گردانندهايم او را بسوى تو و گردانندهايم او را از مرسلان (7)
پس برگرفتند او را كسان فرعون تا باشد مر ايشان را دشمنى و اندوهى بدرستى كه فرعون و هامان و لشگرهاى آن دو
ترجمه قرآن، ص: 360
بودند خطا كاران (8)
و گفت زن فرعون آسايش چشم است مر مرا و مر ترا مكشيد او را شايد كه نفع دهد ما را يا برگيريمش فرزند و ايشان نميدانستند (9)
و گرديد دل مادر موسى تهى از شادى يا از اندوه بدرستى كه نزديك بود كه هر آينه آشكار كند او را اگر نه آن بود كه بستيم بر دلش تا باشد از مؤمنان (10)
و گفت مر خواهرش را كه از پى برو او را پس ديدش از دور و ايشان نميدانستند (11)
و حرام گردانيديم بر او شير دهندگان را از پيش پس گفت خواهرش آيا دلالت كنم شما را بر كسان خانه كه بر خود گيرند پروردن او را براى شما و ايشان باشند مر او را خير خواهان پس باز گردانيديم
او را بسوى مادرش تا بياسايد چشمش و اندوهگين نباشد و تا بداند كه وعده خدا راست است و ليكن اكثر ايشان نميدانند (13)
و چون رسيد بكمال قوتش و اعتدال يافت داديم او را حكمت و دانش و همچنين جزا ميدهيم نيكوكاران را (14)
و داخل شد در شهر بوقت غفلتى از اهل آن پس يافت در آن دو مرد را كه كارزار ميكردند اين از شيعه او و اين از دشمنش پس يارى طلبيد او را

آنکه بود از شیعه‌اش بر آنکه بود از دشمنش پس مشت زد او را موسی پس کشت او را گفت این بود از کار شیطان بدرستی که اوست دشمن اضلال کننده آشکار (15)
گفت پروردگار من بدرستی که من ستم کردم بر خودم پس بیامرز مرا پس آمرزید او را بدرستی که اوست آمرزنده مهربان (16)
گفت پروردگار من
ترجمه قرآن، ص: 361
بآنچه انعام کردی بر من پس نشوم هرگز هم پشت گناهکاران (17)
پس گشت در آن شهر ترسان مترصّد میبود پس ناگاه آنکه یاری طلبیده بود او را دیروز بفریاد رسی خواست او را گفت مر او را موسی بدرستی که تویی هر آینه گمراهی آشکار (18)
پس چون خواست که حمله میکند با آنکه او دشمنش بود مر آن دو تا را گفت ای موسی میخواهی که بکشی مرا هم چنان که کشتی نفسی را دیروز نمیخواهی جز اینکه باشی ستمکار در زمین و نمیخواهی که باشی از اصلاح کنندگان (19)
و آمد مردی از انتهای آن شهر که میشتافت گفت ای موسی بدرستی که جماعت مشورت میکنند در باب تو که بکشندت پس بیرون رو بدرستی که من مر ترا از خیر خواهانم (20)
پس بیرون رفت از آن ترسان که مترصّد میبود گفت ای پروردگار من برهان مرا از گروه ستمکاران (21)
و چون متوجّه شد بسوی مدین گفت شاید که پروردگار من هدایت کند مرا میان راه (22)
و چون وارد شد بآب مدین یافت بر آن گروهی را از مردمان که آب میدادند مواشی خود را و یافت از فرود ایشان دو زن را منع میکردند گفت چیست کار شما گفتند آب نمیدهیم تا آنکه باز گردند شبانان و پدر ما پیریست بزرگ (23)
پس آب داد برای آن دو پس برگشت بسوی سایه پس گفت پروردگار من بدرستی که من برای آنچه فرو فرستادی بر من از خیر محتاجم (24)
پس آمد او را یکی از آن دو که راه میرفت بآرزم و شرم گفت بدرستی که پدر من میخواند تر که پاداش دهد ترا
ترجمه قرآن، ص: 362
مزد آنچه آب دادی برای ما پس چون آمد او را و خواند بر او قصّه‌ها را گفت مترس نجات یافتی از گروه ستمکاران (25)
گفت یکی از آن دو ای پدر من بمزدوری گیر او را بدرستی که بهتر کسی است که بمزدوری گرفتی توانای امین است (26)
گفت بدرستی که من میخواهم که تزویج کنم بتو یکی از دو دخترم این دو تا

بر آنکه مزدور شوى مرا هشت سال پس اگر تمام كردى ده را پس از نزد تو است و نميخواهم كه رنج نهم بر تو زود باشد كه بيابى مرا اگر خواسته باشد خدا از شايستگان (27)
گفت اين است ميانه من و ميانه تو كه هر كدام از آن دو مدّ ترا كه بپايان رسانيدم پس نباشد تعدّى بر من و خدا بر آنچه می‌گوييم وكيل است (28)
پس چون بپايان رسانيد موسى آن مدّ ترا و روان شد با اهلش ديد از جانب طور آتشى را گفت مر اهلش را كه درنگ نمائيد بدرستى كه من ديدم آتشى را شايد كه آورم بشما از آن خبرى يا گيرانيده شعله از آتش باشد كه شما گرم شويد (29)
پس چون آمد آن را ندا كرده شد از كنار آن وادى كه جانب راست بود در قطعه زمينى بركت داده شده از آن درخت كه اى موسى بدرستى كه من منم خدا كه پروردگار جهانيانم (30)
و آنكه بيند از عصايت را پس چون ديد آن را كه حركت ميكرد گويا آن بود مار باريكى برگشت باز پس رونده و رجوع نكرد اى موسى بيا و مترس بدرستى كه تويى از ايمنان (31)
در آر دستت را در گريبانت كه بيرون آيد سفيد نورانى از غير بدى و فراهم آور بسوى خود دلت را از ترس
ترجمه قرآن، ص: 363
پس اين دو تا دو دليلند از پروردگارت بسوى فرعون و جماعتش بدرستى كه ايشان باشند گروهى تباهكاران (32)
گفت اى پروردگار من بدرستى كه من كشتم از ايشان تنى را پس ميترسم كه بكشند مرا (33)
و برادرم هارون اوست فصيحتر از من بزبان پس بفرست او را با من مددكار كه تصديق نمايد مرا بدرستى كه من ميترسم كه تكذيب كنند مرا (34)
گفت زود باشد كه قومى گردانيم بازوى ترا ببرادرت و بگردانيم براى شما تسلّطى پس نخواهند رسيد بشما دو تا بسبب آيتهاى ما شما دو تا و آنكه پيروى كرد شما را غالب آيند (35)
پس چون آمد ايشان را موسى بآيتهاى ما كه روشن بودند گفتند نيست اين مگر جادويى ربافته شده و نشنيديم اين را در پدرانمان كه پيشينيانند (36)
و گفت موسى پروردگار من داناتر است بكسى كه آمد بهدايت از نزدش و كسى كه باشد مر او را عاقبت آن سراى بدرستى كه رستگار نشوند ستمكاران (37)
و گفت فرعون اى جماعت نمى دانم مر شما را هيچ الهى غير من پس برافروز براى من اى هامان بر گل پس بساز براى من كوشكى باشد كه من اطّلاع يابم بر اله موسى و بدرستى كه من هر آينه گمان ميبرم او را از

دروغگویان (38)
و بزرگی کردند او و لشگرهایش در زمین بنا حقّ و گمان کردند که ایشان بسوی ما برگردانیده نمیشوند (39)
پس گرفتیم او را و لشگرهایش را پس انداختیم ایشان را در دریا پس بنگر چگونه باشد انجام کار ستمکاران (40)
و گردانیدیم ایشان را پیشوایان که بخوانند بسوی آتش و روز قیامت یاری کرده نمیشوند (41)

و از پی کردیم ایشان را در این دنیا لعنت و روز قیامت ایشانند از زشت کرده شدگان (42)
و بتحقیق دادیم موسی را آن کتاب از بعد آنکه هلاک گردانیدیم قرنهای پیشین را که دلیلهای بینش بخش است برای مردمان و هدایت و رحمتی است باشد که ایشان پند گیرند (43)
و نبودی در جانب غربی هنگامی که گذارش دادیم بسوی موسی امر را و نبودی از حاضران (44)
و لیکن آفریدیم قرنها پس دراز شد بر ایشان مدّت زندگانی و نبودی مقیم در اهل مدین که بخوانی بر ایشان آیتهای ما را و لیکن ما بودیم فرستندگان (45)
و نبودی بجانب طور هنگامی که ندا کردیم و لیکن رحمتی است از پروردگار تو تا بیم دهی گروهی را که نیامد ایشان را هیچ بیم دهنده پیش از تو باشد که ایشان پند گیرند (46)
و اگر نبود آنکه میرسید ایشان را مصیبتی بسبب آنچه پیش فرستاد دستهاشان پس میگفتند پروردگار ما چرا نفرستادی بسوی ما رسولی پس پیروی میکردیم آیتهایت را و میبودیم از گروندگان (47)
پس چون آمد ایشان را حقّ از نزد ما گفتند چرا داده نشد مانند آنچه داده شد بموسی آیا کافر نشدند بآنچه داده شد بموسی از پیش گفتند دو سحرند که هم پشت شدند و گفتند بدرستی که ما بهمه کافرانیم (48)
بگو پس بیارید کتابی را از نزد خدا که آن هدایت کننده‌تر باشد از آن دو که پیروی کنم آن را اگر هستید راستگویان (49)
پس اگر اجابت نکردند مر ترا پس بدان جز این نیست پیروی میکنند خواهشهاشان را و کیست گمراهتر از آنکه پیرو شد هوایش را بدون هدایتی از خدا بدرستی که خدا هدایت نمیکند

گروه ستمکاران را (50)
و بتحقیق پیوستگی دادیم برای ایشان گفتار را باشد که ایشان پند گیرند (51)

آنان که دادیم ایشان را کتاب پیش از آن ایشان بآن ایمان میآورند (52)
و چون خوانده شود بر ایشان گویند ایمان آوردیم بآن که آن حقّ است از پروردگار ما بدرستی که ما بودیم پیش از آن منقادان (53)
آن گروه داده شوند مزدشان را دو مرتبه بسبب آنکه صبر کردند و دفع میکنند بخوبی بدی را و از آنچه روزی دادیم ایشان را انفاق میکنند (54)
و چون شنوند لغو را اعراض نمایند از آن و گویند مر ما راست کردار ما و مر شما راست کردارتان سلام بر شما نمیجوئیم نادانان را (55)
بدرستی که تو هدایت نمیکنی آن را که دوست داری و لیکن خدا هدایت میکند آن را که میخواهد و او داناتر است بهدایت یافتگان (56)
و گفتند اگر پیروی کنیم هدایت را با تو ربوده شویم از زمین خود آیا جای ندادیم مر ایشان را حرمی آمن که برده میشود بسوی آن ثمرهای همه چیز روزی از نزد ما و لیکن اکثر ایشان نمیدانند (57)
و بسا که هلاک گردانیدیم از قریه که بکفران انجامید معیشتش پس اینست مسکنهاشان که مسکون نشد از بعد ایشان مگر اندکی و هستیم ما وارثان (58)
و نباشد پروردگار تو که هلاک کند قریه‌ها را تا برانگیزد در اصلش رسولی که بخواند بر ایشان آیتهای ما را و نیستیم ما هلاک گردانندگان قریه‌ها مگر و اهل آنها باشند ظالمان (59)
و آنچه داده شدید از چیزی پس مایه تعیّش زندگانی دنیاست و پیرایه‌اش و آنچه
ترجمه قرآن، ص: 366
نزد خداست بهتر و پاینده‌تر است آیا پس نمییابید بعقل (60)
آیا پس کسی که وعده دادیمش وعده خوب پس او یابنده آنست چون کسی است که دادیم او را مایه تعیّش زندگانی دنیا پس اوست روز قیامت از حاضر کرده شدگان (61)
و روزی که ندا کند ایشان را پس گوید کجایند شریکان من که بودید گمان میبردید (62)
گفتند آنان که لازم آمد بر ایشان قول پروردگار ما آنهایی را که گمراه کردیم گمراه کردیم ایشان را هم چنان که گمراه شدیم بیزاری نموده برگشتیم بسوی تو نبودند که ما را میپرستیدند (63)
و گفته شد بخوانید شریکانتان را پس بخوانند ایشان را پس جواب ندادند مر ایشان را و دیدند عذاب را اگر آنکه ایشان بودند که هدایت میافتند (64)
و روزی که ندا کند ایشان را پس گوید چه جواب دادید مرسلان را (65)
پس کور شود بر ایشان خبرها روزی چنین پس ایشان سؤال کرده نشوند (66)

پس امّا کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کردگار شایسته پس شاید که بوده باشد از رستگاران (67)
و پروردگار تو میآفریند آنچه میخواهد و اختیار میکند نباشد مر ایشان را اختیار دانم پاک بودن خدا را و برتر آمد از آنچه شریک میآوردند (68)
و پروردگار تو میداند آنچه را پنهان میدارد سینه‌هاشان و آنچه آشکار میکنند (69)
و اوست خدا نیست الهی مگر او مر او راست ستایش در دنیا و آخرت و مر او راست حکم و بسوی او برگردانیده میشوید (70)
بگو خبر دهید که اگر گرداند خدا بر شما شب را پاینده تا روز قیامت کیست الهی جز خدا که بیاورد شما را روشنایی آیا پس نمیشنوید (71)
بگو خبر دهید که اگر گرداند خدا

بر شما روز را پاینده تا روز قیامت کیست خدایی جز خدا که بیاورد بشما شبی که آرام گیرید در آن پس آیا نمی‌بینید (72)
و از رحمت خود گردانید برای شما شب و روز را تا بیارامید در آن و تا بجوئید از فضلش و باشد که شما شکر کنید (73)
و روزی که ندا کند ایشان را پس گویند کجایند انبازان من که بودید که گمان میبردید (74)
و برآوردیم از هر امّتی شاهدی را پس گفتیم بیاورید دلیلتانرا پس دانستند که حقّ مر خدا راست و کمشد از ایشان آنچه بودند که افترا میکردند (75)
بدرستی که قارون بود از قوم موسی پس تفوّق جست بر ایشان و دادیم او را از گنجها آن چیز که کلیدهایش یا مخزنهایش هر آینه گرانی میکرد بگروهی انبوه صاحبان زور هنگامی که گفتند مر او را قومش که شاد مباش بدرستی که خدا دوست نمیدارد بسیار شادها را (76)
و بجوی در آنچه داد ترا خدا سرای آخرت و فراموش مکن بهره‌ات را از دنیا و احسان کن هم چنان که احسان کرد خدا بتو و مجوی فساد را در زمین بدرستی که خدا دوست نمیدارد فساد کنندگان را (77)
گفت جز این نیست که داده شدم آن را بر دانشی که نزد من است آیا ندانست که خدا بحقیقت هلاک کرد پیش از او از قرنها آنکه او سخت‌تر بود از او از راه قوّت و بیشتر بود از راه جمعیّت و پرسیده نمیشوند از گناهانشان گناهکاران (78)
پس بیرون آمد بر قومش در زینتش گفتند آنان که میخواستند زندگانی دنیا را ای کاش

بودی برای ما مثل آنچه داده شد بقارون بدرستی که او هر آینه صاحب

بهره عظیم است (79)
و گفتند آنان که داده شدند دانش را وای بر شما ثواب خدا بهتر است از برای آنکه گروید و کرد نیکویی را و داده نمیشوند آن را مگر شکیبایان (80)
پس فرو بردیم او را و خانه‌اش را بزمین پس نبود مر او را هیچ گروهی که یاری کنند او را از غیر خدا و نبود از نصرت یافتگان (81)
و بامداد نمودند آنان که آرزو کردند مرتبه‌اش را در دیروز میگفتند آیا نمیدانی با بتحقیق که خدا گشاده میکند روزی را برای آنکه میخواهد از بندگانش و تنگ میگرداند اگر آن نبود که منّت نهاد خدا بر ما هر آینه فرو برده بود ما را آیا نمیدانی که رستگار نمیشوند کافران (82)
این است سرای آخرت میگردانیم آن را از برای آنان که نمیخواهند تفوّقی در زمین و نه فسادی و انجام نیک برای پرهیزکارانست (83)
آنکه آورد خوبی را پس مر او راست بهتر از آن و آنکه آورد بدی را پس جزا داده نمیشوند آنان که کردند بدیها را جز آنچه هستند که میکنند (84)
بدرستی که آنکه واجب ساخت بر تو قرآن را هر آینه باز گرداننده تو است بجای بازگشت بگو پروردگار من داناتر است بآنکه آورد هدایت را و آنکه اوست در گمراهی آشکار (85)
و نبودی تو که امید داشته باشی که القا کرده شود بتو کتاب را مگر رحمتی از پروردگارت پس مباش البته معین مر کافران را (86)
و نباید که باز دارند ترا از آیتهای خدا پس از آنکه فرو فرستاده شد بسوی تو و بخوان بسوی پروردگارت و مباش البتّه
ترجمه قرآن، ص: 369
از شرک آورندگان (87)
و مخوان با خدا الهی دیگر را نیست الهی مگر او همه چیز هلاک و زوال پذیرد مگر وجه او مر او راست حکم و بسوی او برگردانیده میشوید (88)

سورة العنكبوت مكّية و هى تسع و ستون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
آيا پنداشتند مردمان كه وا گذاشته ميشوند كه بگويند ايمان آورديم و ايشان امتحان كرده نشوند (2)
و بتحقيق امتحان كرديم آنان را كه بودند پيش از ايشان پس هر آينه بداند البتّه خدا آنان را كه راست گفتند و هر آينه بداند البتّه دروغگويان را (3)
آيا پنداشتند آنان كه ميكنند بديها را كه عاجز كنند ما را بد است آنچه حكم ميكنند (4)
كسى كه باشد كه اميد ميدارد ملاقات خدا را پس بدرستى كه وقت مقدّر خدا هر آينه آينده است اوست شنواى دانا (5)
و كسى كه مجاهده كند پس جز اين نيست مجاهده ميكند براى خودش بدرستى كه خدا هر آينه بى نياز است از جهانيان (6)
و آنان كه گرويدند و كردند كارهاى شايسته هر آينه محو كنيم از ايشان گناهانشان را و هر آينه جزا دهيم ايشان را خوبتر از آنچه بودند كه ميكردند (7)
و وصيّت كرديم انسان را بوالدينش خوبى را و اگر بجدّ تكليف كنند ترا كه شريك سازى بمن آنچه نيست مر ترا بآن علمى پس اطاعت كن آن دو را بسوى من است بازگشت شما پس خبر دهم شما را بآنچه بوديد كه ميكرديد (8)
و آنان كه گرويدند و كردند كارهاى شايسته هر آينه داخل ميكنيم ايشان را در صالحان (9)
و
ترجمه قرآن، ص: 370
از مردمان كسى هست كه ميگويد ايمان آورديم بخدا پس چون آزار رسانيده شود در خدا ميگرداند بلاى مردمان را چون عذاب خدا و اگر آيد نصرتى از پروردگار تو هر آينه گويند البتّه بدرستى كه ما بوديم با شما آيا و نيست خدا داناتر بآنچه باشد در سينه‌هاى جهانيان (10)
و هر آينه ميداند البتّه خدا آنان را كه ايمان آوردند و هر آينه ميداند البتّه خدا منافقان را (11)
و گفتند آنان كه كافر شدند مر آنان را كه ايمان آوردند كه متابعت كنيد طريق ما را و بايد كه برداريم گناهان شما را و نباشند ايشان بردارندگان از گناهانشان هيچ چيز بدرستى كه ايشانند هر آينه دروغگويان (12)
و هر آينه برميدارند البتّه بارهاى گناهانشان را و بارهاى گناهى با بارهاى گناهشان و هر آينه پرسيده ميشوند روز قيامت از آنچه بودند كه افترا

می‌بستند (13)
و بتحقیق فرستادیم نوح را بسوی قومش پس درنگ کرد در ایشان هزار سال جز پنجاه سال پس گرفت ایشان را طوفان و ایشان بودند ستمکاران (14)
پس رهانیدیم او را و اهل کشتی را و گردانیدیم آن را آیتی برای جهانیان (15)
و ابراهیم چون گفت مر قومش را بپرستید خدا را و بپرهیزید از او آن بهتر است از برای شما اگر باشید که بدانید (16)
جز این نیست که میپرستید از غیر خدا بتان را و می‌بندید دروغ بزرگ را بدرستی که آنان که میپرستید از جز خدا مالک نمیباشند برای شما روزی را پس بجوئید نزد خدا روزی را و بپرستید او را و شکر کنید مر او را بسوی او باز میگردید (17)
و اگر تکذیب میکنید پس بتحقیق تکذیب کردند گروهانی پیش از شما
ترجمه قرآن، ص: 371
و نیست بر رسول مگر رسانیدن آشکار (18)
آیا ندیدند که چگونه میآفرینند خدا خلق را پس اعاده میکند آن را بدرستی که آن بر خدا آسانست (19)
بگو سیر کنید در زمین پس بنگرید که چگونه آفرید خلق را پس خدا پدید می‌آرد پدید آوردن باز پسین بدرستی که خدا بر همه چیز توانا است (20)
عذاب میکند آن را که میخواهد و رحمت میکند آن را که میخواهد و بسوی او برگردانیده میشوید (21)
و نیستید شما عاجز کنندگان در زمین و نه در آسمان و نیست مر شما را از غیر خدا هیچ یاوری و نه یاری دهنده (22)
و آنان که کافر شدند بآیتهای خدا و رسیدن بجزای او آن گروه نومید شدند از رحمت من و آن گروه مر ایشان را است عذابی دردناک (23)
پس نبود جواب قومش مگر آنکه گفتند بکشید او را یا بسوزانیدش پس رهانید او را خدا از آتش بدرستی که در آن هر آینه آیتهاست برای گروهی که میگروند (24)
و گفت جز این نیست فرا گرفتید از غیر خدا بتانی را دوستی میانتان در زندگانی دنیا پس روز قیامت انکار خواهید کرد برخی از شما برخی را و لعنت خواهد کرد بعضی‌تان بعضی را و جایگاهتان آتش است و نباشد مر شما را هیچ یاری کنندگان (25)
پس گروید مر او را لوط و گفت بدرستی که من هجرت کننده‌ام بسوی پروردگارم بدرستی که اوست غالب درستکار (26)
و بخشیدیم مر او را اسحق و یعقوب و گردانیدیم در فرزندان او پیغمبری و کتاب را و دادیم او را مزدش را در دنیا و بدرستی که او در آخرت هر آینه

از
ترجمه قرآن، ص: 372
شایستگان است (27)
و لوط را هنگامی که گفت مر قومش را بدرستی که شما هر آینه می‌آیید کار زشت را پیشی نگرفته شما را بآن هیچ احدی از جهانیان (28)
آیا بدرستی که شما هر آینه می‌آیید مردان را و قطع میکنید راه را و می‌آیید در انجمنتان ناپسند را پس نبود جواب قومش مگر آنکه گفتند بیاورید بما عذاب خدا را اگر هستی از راستگویان (29)
گفت پروردگار من یاری کن مرا بر گروه فساد کنندگان (30)
و چون آمدند فرستادگان ما ابراهیم را ببشارت گفتند بدرستی که ما هلاک کنندگانیم اهل این قریه را بدرستی که اهلش باشند ستمکاران (31)
گفت بدرستی که در آنست لوط گفتند ما داناتریم بآنکه در آنست هر آینه نجات میدهیم او را و اهلش را مگر زنش که باشد از بازماندگان (32)
و چون که آمدند فرستادگان ما لوط را محزون شد بایشان و تنگ شد بایشان در طاقت و گفتند مترس و نه اندوهگین شو بدرستی که ما رهاننده‌ایم ترا و اهلت را مگر زنت را که باشد از بازماندگان (33)
بدرستی که ما فرود آورندگانیم بر اهل این قریه عذابی از آسمان بسبب آنکه هستند که تباهکاری میکنند (34)
و بتحقیق وا گذاشتیم از آن علامتی آشکار از برای گروهی که مییابند بعقل (35)
و بسوی مدین برادرشان را شعیب پس گفت ای قوم من بپرستید خدا را و آرزو کنید روز باز پسین را و تباهکاری مکنید در زمین فساد کنندگان (36)
پس تکذیب کردند او را پس گرفتشان زلزله یا صیحه پس گردیدند در خانه‌هاشان بر جای ماندگان و (37)
ترجمه قرآن، ص: 373
و عاد را و ثمود را و بحقیقت ظاهر شد بر شما از مسکنهاشان و بیاراست برای ایشان دیو رجیم کردار ایشان را پس باز داشت ایشان را از راه و بودند بینندگان (38)
و قارون را و فرعون را و هامان را و بتحقیق آمد ایشان را موسی بمعجزه‌ها پس سرکشی کردند در زمین و نبودند پیشی گیرندگان (39)
پس هر یک را گرفتیم بگناه او پس بعضی از ایشان کسی بود که فرستادیم بر او تند باد یا سنگریزه و بعضی از ایشان کسی بود که گرفت او را صدای جبرئیل و بعضی از ایشان کسی بود که فرو بردیم ما او را بزمین و بعضی از ایشان کسی که غرق کردیم ما و نبود خدا تا ستم کند ایشان را و لیکن بودند که بر نفسهای خود ستم میکردند (40)
مثل آنان که فرا گرفتند از غیر خدا دوستان مانند مثل عنکبوتی است که

گرفت برای خود خانه را و بدرستی که سست‌ترین خانه‌ها هر آینه خانه عنکبوت است اگر باشید که بدانید (41)
بدرستی که خدا میداند آنچه را میخوانند از غیر او از چیزی و اوست غالب درستکردار (42)
و این مثلها میزنیم آنها را برای مردمان و نمییابند آن را بعقل مگر دانایان (43)
آفرید خدا آسمانها و زمین را بر راستی بدرستی که در آن هر آینه آیتی است از برای گروندگان (44)
بخوان آنچه را وحی کرده میشود بتو از کتاب و بر پای دار نماز را بدرستی که نماز نهی میکند از کارهای زشت و ناپسند و هر آینه ذکر خدا بزرگتر است و خدا میداند آنچه میکنید (45)
و مجادله مکنید با اهل کتاب مگر بآنچه آن بهتر است
ترجمه قرآن، ص: 374
مگر آنان که ستم کردند از ایشان و بگوئید ایمان آوردیم بآنچه فرو فرستاده شد بما و فرو فرستاده شد بشما و اله ما و اله شما یکی است و مائیم مر او را منقادان (46)
و همچنین فرو فرستادیم بسوی تو کتاب را پس آنان که دادیمشان کتاب ایمان میآورند بآن و از اینها یعنی کفّار قریش و اهل مکّه کس هست که میگردد بآن و انکار نمیورزند بآیتهای ما مگر کافران (47)
و نبودی که میخوانده باشی پیش از آن هیچ کتابی و نمی‌نوشته باشی آن را بدست راستت که آن هنگام هر آینه شکّ کنند باطل کیشان (48)
بلکه آن آیتهایی است ظاهر در سینه‌های آنان که داده شدند علم را و انکار نمیورزند بآیتهای ما مکر ستمکاران (49)
و گفتند چرا فرو فرستاده نشد بر او آیتها از پروردگارش بگو جز این نیست که آن آیتها نزد خدا است و نیستم من مگر بیم کننده آشکار (50)
آیا کافی نبود ایشان را که ما فرو فرستادیم بر تو آن کتاب را که خوانده میشود بر ایشان بدرستی که در آن هر آینه رحمتی و پندیست از برای گروهی که میگروند (51)
بگو کافی است خدا میان من و میان شما گواه میداند آنچه در آسمانها و زمین است و آنان که ایمان آوردند بباطل و کافر شدند بخدا آن گروه ایشانند زیانکاران (52)
و بشتاب میخواهند از تو عذاب را و اگر نبود وقتی نام پرده شده هر آینه آمده بود ایشان را عذاب و هر آینه خواهد آمد البتّه ایشان را ناگهان و ایشان ندانند (53)
بشتاب میخواهند از تو عذاب را و بدرستی که دوزخ هر آینه احاطه کننده است بکافران (54)

روزی که فراگیرد ایشان را عذاب از بالاشان و از زیر پاهاشان
ترجمه قرآن، ص: 375
و گوید بچشید آنچه را بودید که میکردید (55)
ای بندگان من که ایمان آوردید بدرستی که زمین من فراخ است پس مرا بپرستید (56) ترجمه قرآن 413
هر نفسی چشنده مرگست پس بسوی ما برگردانیده میشوند (57)
و آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته هر آینه جای میدهیم ایشان را از بهشت غرفه‌هایی که میرود از زیر آنها نهرها جاودانیان در آن خوبست پاداش عمل کنندگان (58)
آنان که صبر کردند و بر پروردگارشان توکّل میکنند (59)
و بسا از جنبنده که برنمیدارد روزیش را خدا روزی میدهد او را و شما را و اوست شنوای دانا (60)
و هر آینه اگر بپرسی از ایشان که کیست آفرید آسمانها و زمین را و مسخّر کرد آفتاب و ماه را هر آینه گویند خدا پس بکجا برگردانیده میشوید (61)
خدا گشاده میکند روزی را برای آنکه میخواهد از بندگانش و تنگ میگرداند برایش بدرستی که خدا بهمه چیز داناست (62)
و هر آینه اگر بپرسی از ایشان که کیست که فرو فرستاد از آسمان آبی را پس زنده گردانید بآن زمین را از بعد موتش هر آینه گویند خدا بگو ستایش مر خدا را بلکه اکثر ایشان نمییابند بعقل (63)
و نیست این زندگانی دنیا جز هزل و بازی و بدرستی که سرای باز پسین هر آینه آنست سرای زندگانی اگر باشند که بدانند (64)
پس چون سوار شوند در کشتی بخوانند خدا را بیغش دارندگان برای او دین را پس چون نجات داد ایشان را بسوی دشت آن گاه ایشان شرک میآورند (65)
تا کفران ورزند بآنچه دادیم ایشان را و تا کامیاب شوند پس بزودی خواهند دانست (66)
آیا ندیدند که ما گردانیدیم
ترجمه قرآن، ص: 376
حرمی را أمن و ربوده میشوند مردمان از پیرامونشان آیا پس بباطل میگروند و بنعمت خدا کفران میورزند (67)
و کیست ستمکارتر از آنکه بست بر خدا دروغ را یا تکذیب کرد حقّ را چون آمد او را آیا نیست در دوزخ جای اقامت برای کافران (68)
و آنان که مجاهده کردند در ما هر آینه هدایت میکنیم ایشان را راههای خود را و بدرستی که خدا هر آینه با نیکوکارانست (69)

سورة الرّوم ستّون آية و هى نزلت بمكّة

بنام خداوند بخشاینده مهربان
سوگند باین حروف (1)
مغلوب شدند روم (2)
در نزدیکترین زمین و ایشان از بعد مغلوب شدنشان بزودی غالب میشوند (3)
در اندک سالی که میان سه و نه باشد مر خدا راست امر از پیش و از پس و روزی چنین شاد میشوند گروندگان (4)
بیاری خدا یاری میکند آن را که خواهد و اوست غالب مهربان (5)
وعده کردن خدا خلاف نمیکند خدا وعده‌اش را و لیکن بیشترین مردم نمیدانند (6)
میدانند ظاهری را از زندگانی دنیا یعنی محسوسات و مشتهیات و ایشان از آخرت ایشانند غافلان (7)
آیا تفکّر نمیکنند در خودهاشان که نیافرید خدا آسمانها و زمین را و آنچه میان آن دو است مگر بحقّ و مدّتی نام برده شده و بدرستی که بسیاری از مردمان بملاقات پروردگارشان هر آینه کافرانند (8)
آیا نرفتند
ترجمه قرآن، ص: 377
در زمین پس بنگرند چگونه بود انجام کار آنان که بودند پیش از ایشان بودند سختتر از ایشان در توانایی و برگردانیدند زمین را و آباد کردند آن را بسیارتر از آنچه آباد کردندش و آمد ایشان را رسولانشان با معجزات روشن پس نبود خدا که ظلم کند بر ایشان و لیکن بودند که بر خودهاشان ستم میکردند (9)
پس باشد عاقبت آنان که بد کردند بدتر که تکذیب کردند آیتهای خدا را و بودند که بآن استهزا میکردند (10)
خدا میآفریند خلق را پس اعاده میکندش پس بسوی او برگردانیده میشوید (11)
و روزی که قایم شود قیامت نومید شوند گناهکاران مشرکان (12)
و نباشد مر ایشان را از شریکانشان شفیعان و باشند بشریکانشان انکار ورزندگان (13)
و روزی که قایم میشود قیامت روزی چنین متفرّق میشوند (14)
(یعنی مؤمنان و کافران از هم جدا میشوند) پس امّا آنان که ایمان آوردند کارهای شایسته پس ایشانند در چمنی که مسرور میشوند (15)
و امّا آنان که کافر شدند و تکذیب کردند آیتهای ما را و ملاقات آخرت را

پس ايشانند در عذاب حاضر شدگان (16)
پس تسبيح خدا را هنگامى كه شبانگاه ميكنيد و هنگامى كه بامداد ميكنيد (17)
و مر او راست ستايش در آسمانها و زمين و طرف آخر روز و هنگامى كه ظهر ميكنيد (18)
بيرون ميآورد زنده را از مرده و بيرون ميآورد مرده را از زنده و زنده ميگرداند زمين را پس از موت آن و همچنين بيرون آورده ميشويد (19)
و از آيتهايش آنكه آفريد شما را از خاک پس آن گاه شما انسانيد كه پراكنده ميشويد (20)
و از
ترجمه قرآن، ص: 378
آيتهايش آنكه آفريد براى شما از خودهاتان جفتها تا آرام گيريد بسوى آنها و گردانيد ميانتان دوستى و مهربانى بدرستى كه در آن هر آينه آيتهاست براى گروهى كه تفكّر ميكنند (21)
و از آيتهايش آفريدن آسمانهاست و زمين و اختلاف زبانهاى شما و رنگهاى شما بدرستى كه در آن هر آينه آيتهاست براى دانايان (22)
و از آيتهايش خواب شماست بشب و روز و جستن شماست از فضلش بدرستى كه در آن هر آينه آيتهاست براى گروهى كه ميشنوند (23)
و از آيتهايش آنكه مينمايد شما را برق از راه بيم و اميد و فرو ميفرستد از آسمان آب را پس زنده ميگرداند بآن زمين را بعد از موت بدرستى كه در آن هر آينه آيتهاست براى گروهى كه ميیابند بعقل (24)
و از آيتهايش آنكه بر پاى ميباشد آسمان و زمين بامرش پس چون خواند شما را خواندنى از زمين آن گاه شما بيرون مى‌آييد (25)
و مر او راست هر كه در آسمانها و زمين است همه مر او را فرمانبرانند (26)
و اوست آنكه ميآفريند خلق را پس اعاده ميكند آن را و آن آسانتر است بر او و مر او راست وصف برتر در آسمانها و زمين و اوست غالب درستكار (27)
زد براى شما مثلى از خودهاتان آيا مر شما راست از آنچه مالک شد يمينهاتان از شريكان در آنچه روزى داديمتان پس شما باشيد در آن يكسان كه بيم مى‌داشته باشيد از ايشان چون بيم داشتنشان از خودهاتان همچنين تفصيل ميدهيم آيتها را از براى گروهى كه ميیابند بعقل (28)
بلكه پيروى كردند آنان كه ظلم كردند خواهشهاشان را
ترجمه قرآن، ص: 379
بدون دانشى پس كه هدايت ميكند آن را كه اضلال كرد خدا و نيست مر ايشان را هيچ يارى كنندگان (29)

پس راست گردان رویت را برای دین حق گرای آفرينش خدا را كه آفريد خلق را بر آن نيست تغييرى مر آفرينش خدا را اينست آن دين راست و درست و ليكن بيشترين مردمان نميدانند (30)
بازگشت كنندگان بسوى او و بپرهيزيد از او و بر پاى داريد نماز را و مباشيد از شرک آورندگان (31)
از آنان كه پاره پاره كردند دينشان را و شدند گروه‌ها هر گروهى بآنچه نزد ايشان است شادمانند (32)
و چون مسّ كند انسان را ضررى ميخوانند پروردگارشان را بازگشت كنندگان بسوى او پس چون چشانيد ايشان را از خود رحمتى آن گاه پاره از ايشان بپروردگارشان شرک ميآورند (33)
تا كفران ورزند بآنچه داديمشان پس كامرانى كنيد پس زود باشد كه بدانيد (34)
يا فرو فرستاديم بر ايشان حجّتى پس او سخن كند بآنچه هستند كه بآن شرک ميآورند (35)
و چون چشانيم مردمان را رحمتى شاد شوند بآن و اگر برسد ايشان را سختى بسبب آنچه پيش فرستاد دستهاشان آن گاه ايشان نوميد ميشوند (36)
آيا نديدند كه خدا گشاده ميگرداند روزى را براى آنكه ميخواهد و تنگ ميگرداند بدرستى كه در آن هر آينه آيتها است براى گروهى كه ميگروند (37)
پس بده صاحب قرابت را حقّش و درمانده و ابن سبيل را آن بهتر است مر آنان را كه ميخواهند خوشنودى و قرب خدا را و آن گروه ايشانند رستگاران (38)
و آنچه ميدهيد از زيادتى تا بيفزايد در مالهاى مردمان پس افزون نميشود نزد خدا و آنچه داديد از زكواتى كه ميخواهيد
ترجمه قرآن، ص: 380
خوشنودى خدا را پس آنها ايشانند فزون كنندگان (39)
خدا آنست كه آفريد شما را پس روزى داد شما را پس بميراند شما را پس زنده كند شما را آيا از شريكان شما هست كسى كه بكند از آن هيچ چيز منزّه است او و برتر است از آنچه شرک ميآورند (40)
ظاهر شد تباهى در برّ و بحر بسبب آنچه كسب كردند دستهاى مردمان تا بچشاند ايشان را برخى از آنچه كردند باشد كه ايشان برگردند (41)
بگو سير كنيد در زمين پس بنگريد كه چگونه بود انجام كار آنها كه بودند از پيش بودند اكثر ايشان مشركان (42)
پس راست دار رويت را براى دين راست و درست پيش از آنكه بيايد روزى كه نيست باز گردانيدن مر او را از خدا روزى چنين جدا ميشوند

(43)
آنکه کافر شد پس بر اوست کفرش و آنکه کرد کار شایسته پس برای خودهاشان آماده میکنند (44)
تا جزا دهد آنان را که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته از فضل و کرمش بدرستی که او دوست نمیدارد کافران را (45)
و از آیتهایش آنکه میفرستد بادها را بشارت دهندگان و تا بچشاند شما را از رحمتش و تا جاری کند کشتی را بامرش و تا بجوئید از فضلش و باشد که شما شکر گزارید (46)
و بتحقیق فرستادیم پیش از تو رسولان بسوی قومشان پس آمدند ایشان را بآیتها پس انتقام کشیدیم از آنان که گناه کردند و باشد ثابت بر ما یاری کردن گروندگان (47)
خدا آنست که میفرستد بادها را پس بر میانگیزد ابر را پس پهن میکندش در آسمان
ترجمه قرآن، ص: 381
چگونه که میخواهد و میگرداندش پاره‌ها پس می‌بینی باران را که بیرون میآید از رخنهایش پس چون برساند بآن او را که خواهد از بندگانش آن گاه ایشان شادی میکنند (48)
و اگر چه بودند پیش از آنکه فرو فرستاده شود بر ایشان پیش از آن هر آینه نومیدانند (49)
پس بنگر بسوی اثرهای رحمت خدا چگونه زنده میکند زمین را پس از مردن آن بدرستی که آن زنده کننده مردگانست و او بر هر چیز توانا است (50)
و هر آینه اگر فرستادیم بادی را پس دیدند او را زرد گردانیده شده هر آینه گرویدند از پس آن که کفران میورزیدند (51)
پس بدرستی که تو نمیشنوانی مردگان را و نمیشنوانی کران را خواندن چون برگردند پشت کنندگان (52)
و نیستی تو راه نماینده کوران از گمراهی ایشان نمیشنوانی مگر آن را که میگرود بآیتهای ما پس ایشانند گردن نهندگان (53)
خدا آنست که آفرید شما را از ناتوانی پس گردانید پس از ناتوانی توانایی پس گردانید از پس توانایی ناتوانی و پیری میآفریند آنچه را که میخواهد و اوست دانای توانا (54)
و روزی که قایم میشود قیامت سوگند میخورند گناهکاران که درنگ نکردند جز یک ساعت همچنین بودند که برگردانیده میشدند (55)
و گفتند آنان که داده شدند دانش و ایمان را بتحقیق که درنگ کردید در کتاب خدا تا روز رستخیز پس اینست روز رستخیز و لیکن شما بودید که نمیدانستید (56)

پس روزی چنین سود نکنند آنان که ستم کردند عذر خواهی ایشان و نه ایشان خوانده میشوند بآنچه عتاب زایل کند (57)
و بتحقیق زدیم ما برای مردم در این قرآن
ترجمه قرآن، ص: 382
از هر مثلی و اگر آوری ایشان را آیتی هر آینه گویند آنان که کافر شدند نیستید شما جز باطل کیشان (58)
همچنین مهر مینهد خدا بر دلهای آنان که نمیدانند (59)
پس صبر کن بدرستی که وعده خدا حق است و نباید که از جای در آورند ترا آنان که یقین نمیکنند (60)

بنام خداوند بخشاینده مهربان
این است آیتهای آن کتاب محکم (2)
هدایت و رحمت از برای نیکوکاران (3)
آنان که بر پای میدارند نماز را و میدهند زکاة را و ایشان بآخرت ایشانند که یقین میکنند (4)
آنهااند بر هدایت از پروردگارشان و آنها ایشانند رستگاران (5)
و از مردمان کس هست که میخرد هزل کلام را تا گم گرداند از راه خدا بدون علمی و بگیرد آن را استهزاء آنها مر ایشان را است عذابی خوار كننده (6)
و چون خوانده شود بر او آیتها ما روی گرداند تکبّرکنان گویا که نشنید آن را گویا که در گوشش کرانی است پس مژده ده او را بعذابی پر درد (7)
بدرستی که آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته مر ایشان را است بهشتهای با ناز و نعمت (8)
جاودانیان در آن وعده کردنی از خدا براستی و اوست غالب درست کردار (9)
آفرید آسمانها را بغیر ستونی که به بینند آن را و افکند در زمین کوه‌های ثابت مبادا که بگردد با شما و بپراکند در آن از هر جنبنده
ترجمه قرآن، ص: 383
و فرو فرستادیم از آسمان آب را پس رویانیدیم در آن از هر صنفی نیکو (10)
اینست خلق خدا پس بنمائید مرا که چه چیز آفریدند آنان که باشند از غیر او بلکه ظالمانند در گمراهی آشکار (11)
و بتحقیق که دادیم لقمان را حکمت که شکر کن مر خدا را و آنکه شکر میکند پس جز این نیست که شکر میکند برای خودش و آنکه کفران میورزد پس بدرستی که خدا بی نیاز ستوده است (12)
و هنگامی که گفت لقمان مر پسرش را و او پند میدادش ای پسرک من شرک میار بخدا بدرستی که شرک هر آینه ظلمی است بزرگ (13)
و وصیّت کردیم انسان را در باب خوبی کردن بوالدینش برداشت او را مادرش سست شدنی بر سست شدنی و بریدندش از شیر باشد در دو سال که شکر کن مر مرا و والدینت را بسوی من است بازگشت (14)
و اگر بکوشش خواهند که باز دارند ترا بر آنکه شریک گردانی با من آنچه نیست ترا بآن دانش پس اطاعت مکن آن دو را و همراهی کن هر دو را در دنیا بخوبی و پیروی کن راه آنکه بازگشت کرد بسوی من پس بسوی

منست بازگشت شما پس خبر دهم شما را بآنچه بودید که میکردید (15)
ای پسرک من بدرستی که آن اگر باشد مقدار دانه از خردل پس بوده باشد در گران سنگی یا در آسمانها یا در زمین میآرد آن را خدا بدرستی که خدا باریک بین آگاهست (16)
ای پسرک من بر پای دار نماز را و امر کن بمعروف و نهی کن از منکر و صبر کن بر آنچه رسید ترا بدرستی که آن از کارهایی است که سهل نباید انگاشت (17)
و مگردان به تکبّر رویت را برای مردمان و راه مرو در زمین از روی افتخار بدرستی که خدا دوست نمیدارد هر متکبّر خرامنده نازش دارنده را (18)
و میانه گزین در
ترجمه قرآن، ص: 384
رفتارت و باز کم کن از آوازت بدرستی که ناخوشترین آوازها هر آینه آواز خران است (19)
آیا ندیدید که خدا رام کرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و تمام گردانید بر شما نعمتهایش را ظاهری و باطنی و از مردمان کسی است که مجادله میکند در خدا بدون دانش و نه هدایتی و نه کتابی روشن کننده (20)
و چون گفته شود مر ایشان را که پیروی کنید آنچه فرو فرستاد خدا گویند بلکه پیروی میکنیم آنچه را یافتیم بر آن پدران خود را آیا و اگر چه بوده باشد دیو رجیم که میخواند ایشان را بسوی عذاب آتش سوزان (21)
و کسی که باخلاص میآورد رویش را بسوی خدا و اوست نیکوکار پس بتحقیق چنگ ورزد بدستگیره محکم و بسوی خداست انجام کارها (22)
و کسی که کفر ورزید پس نباید که غمگین سازد ترا کفرش بسوی ما است بازگشت ایشان پس خبر خواهیم داد ایشان را بآنچه کردند بدرستی که خدا داناست بسرایر سینه‌ها (23)
کامیاب میگردانیمشان اندکی پس مجبور میسازیمشان بسوی عذاب سخت (24)
و هر آینه اگر بپرسی از ایشان که که آفرید آسمانها و زمین را میگویند خدا بگو ستایش مر خدا را بلکه اکثر ایشان نمیدانند (25)
مر خدا راست آنچه در آسمانها و زمین است بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده (26)
و اگر آنکه باشد آنچه در زمین است از درخت قلمها و دریا مداد میداد او را از بعدش هفت دریا بآخر نمیرسید کلمه‌های خدا بدرستی که خدا عزیز حکیم است (27)
نیست آفریدن شما و نه بر انگیختن شما مگر چون نفس واحد بدرستی که خدا شنوای بیناست (28)

آیا ندیدید
ترجمه قرآن، ص: 385
که خدا در میآورد شب را در روز و داخل میگرداند روز را در شب و مسخّر گردانید آفتاب و ماه را هر یک میروند تا مدّتی نام برده شده و بدرستی که خدا بآنچه میکنید آگاه است (29)
آن باینست که خدا اوست حقّ و اینکه آنچه را میخوانند از غیر او باطلست و آنکه خدا اوست رفیع بزرگ (30)
آیا ندیدی که کشتی میرود در دریا بنعمت خدا تا بنماید شما را از آیتهایش بدرستی که در آن هر آینه آیتهاست برای هر صبر کننده شکر گزاری (31)
و چون فرو گیرد ایشان را موجی چون سایه گسترها بخوانند خدا را خالص دارندگان برای او دین را پس چون رهائید ایشان را بسوی برّ پس برخی از ایشانند ثابت بر طریقه حقّ و انکار نمیکند بآیتهای ما مگر هر عذر کننده کفران ورزنده (32)
ای مردمان بپرهیزید از پروردگارتان و بترسید از روزی که کفایت نکند پدری از فرزندش و نه زاده شده او کفایت کننده است از پدرش چیزی را بدرستی که وعده خدا حقّ است پس نباید که فریب دهد شما را زندگانی دنیا و نباید که فریب دهد شما را بخدا آن فریب دهنده (33)
بدرستی که خدا نزد اوست علم قیامت و فرو میفرستد باران را و میداند آنچه در رحمها است و نمیداند هیچ نفسی که چه کسب میکند فردا و نمیداند هیچ نفسی که بکدام زمین میمیرد بدرستی که خداست دانای آگاه (34)

سورة السّجدة مكّية و هى ثلاثون آية

ترجمه قرآن، ص: 386

بنام خداوند بخشاينده مهربان

فرو فرستادن آن كتابست نيست شكّ در آن از پروردگار عالميان (2)

آيا ميگويند بدروغ بست آن را بلكه آن حقّست از پروردگارت تا بيم كنى گروهى را كه نيامد ايشان را هيچ بيم كننده پيش از تو باشد كه ايشان هدايت يابند (3)

خداست آنكه آفريد آسمانها و زمين را و آنچه ميان آن دو تاست در شش روز پس مستوى شد بر عرش نيست مر شما را از غير او هيچ ياورى و نه شفاعت كننده آيا پس چرا پند نميگيريد (4)

سامان انجام ميدهد امر را از آسمان بسوى زمين پس عروج ميكند بسوى او در روزى كه باشد مقدارش هزار سال از آنچه ميشماريد (5)

آن داناى غايب و حاضر است عزيز است و رحيم است (6)

آنكه نيكو ساخت هر چيزى كه آفريد آن را و ابتدا كرد آفريدن انسان را از گل (7)

پس گردانيد نسلش را از صاف كشيده از آبى خوار داشته شده (8)

پس راست كرد آن را و دميد در آن از روحش و گردانيد براى شما گوش و چشمها و دلها اندكى شكر ميكنيد (9)

و گفتند آيا چون گم شويم در زمين آيا ما هر آينه هستيم در آفرينش تازه بلكه ايشانند بملاقات پروردگارشان ناگروندگان (10)

بگو متوفّى ميسازد شما را فرشته مرگ كه موكّل شده بشما پس بسوى پروردگارتان باز گردانيده ميشويد (11)

و اگر به بينى آن هنگام كه گناهكاران بزير افكندگانند سرهاشان را نزد پروردگارشان پروردگار ما

ترجمه قرآن، ص: 387

ديديم و شنيديم پس برگردان ما را تا كنيم كار شايسته بدرستى كه ما يقين كنندگانيم (12)

و اگر ميخواستيم هر آينه داده بوديم هر نفسى را هدايتش و ليكن ثابت شد اينسخن از من كه هر آينه پر سازم البتّه دوزخ را از جنّيان و مردمان همه (13)

پس بچشيد بسبب آنچه فراموش كرديد ملاقات روزتان اينروز بدرستى كه ما واگذاشتيم شما را و بچشيد عذاب دائمى را بسبب آنچه بوديد كه ميكرديد (14)

جز اين نيست كه ايمان ميآرند بآيتهاى ما آنان كه چون پند داده شوند بآنها

بروى در افتند سجده‌كنان و تسبيح كنند بحمد پروردگارشان و ايشان سركشى نميكنند (15)
برخيزد پهلوهاشان از خوابگاهها ميخوانند پروردگارشان را از راه بيم و اميد و از آنچه روزى داديمشان انفاق ميكنند (16)
پس نميداند نفسى آنچه پنهان كرده شد براى ايشان از آسايش چشمها پاداش بسبب آنچه بودند كه ميكردند (17)
آيا پس كسى كه باشد مؤمن چون كسى است كه باشد فاسق يكسان نيستند (18)
امّا آنان كه ايمان آوردند و كردند كارهاى شايسته را پس براى ايشانست بهشتهاى جاى اقامت ما حضرى بسبب آنچه بودند كه ميكردند (19)
و امّا آنان كه فسق كردند پس جايگاه ايشان آتش است هر گاه خواهند كه بيرون آيند از آن برگردانيده شوند در آن و گفته شود مر ايشان را بچشيد عذاب آتشى را كه بوديد آن را تكذيب ميكرديد (20)
و هر آينه بچشانيمشان البتّه از آن عذاب نزديكتر غير عذاب عظيمتر باشد كه ايشان بازگشت كنند (21)
و كيست ظالمتر از آنكه پند داده شد بآيتهاى پروردگارش پس روى گردانيد از آن بدرستى كه ما از گناهكاران انتقام كشندگانيم (22)
و بتحقيق داديم موسى را تورية پس مباش در شكّ
ترجمه قرآن، ص: 388
از ملاقاتش و گردانيديم آن را هدايت از براى بنى اسرائيل (23)
و گردانيديم از ايشان پيشوايانى كه هدايت ميكردند بفرمان ما چون صبر كردند و بودند كه بآيتهاى ما يقين ميكردند (24)
بدرستى كه پروردگار تو او حكم ميكند ميانشان روز قيامت در آنچه بودند در آن اختلاف ميكردند (25)
آيا هدايت نكرد ايشان را كه چه بسيار هلاک كرديم پيش از ايشان از قرنها كه ميرفتند در مسكنهاشان بدرستى كه در آن هر آينه آيتها است آيا پس نميشنوند (26)
آيا نديدند كه ما ميرانيم آب را بزمين بى گياه پس بيرون ميآوريم بآن زرعى را كه ميخورند از آن چهار پايانشان و خودهاشان آيا پس نمى‌بينند (27)
و ميگويند كى خواهد بود اين فتح اگر هستيد راستگويان (28)
بگو روز فتح سود نكند آنان را كه كافر شدند ايمان آوردنشان و نه ايشان مهلت داده شوند (29)
پس رو گردان شو از ايشان و منتظر باش بدرستى كه ايشان منتظرانند (30)

سورة الأحزاب مدنيّة و هی ثلث و سبعون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ای پيغمبر بپرهيز از خدا و اطاعت مكن كافران و منافقان را بدرستی كه خدا باشد دانای درست كردار (1)
و پيروی كن آنچه وحی كرده ميشود بتو از پروردگارت بدرستی كه خدا باشد بآنچه ميكنيد آگاه (2)
و توكّل كن بر خدا و كافيست خدا كار گذار مهمّات (3)
نگردانيده خدا برای مردی هيچ دو دل در درونش و نگردانيده جفتهای شما را كه
ترجمه قرآن، ص: 389
ظهار ميكنيد از ايشان مادرانتان و نگردانيد پسر خواندهای‌تان پسرانتان آن گفته‌های شماست بدهنهاتان و خدا ميگويد راست و او هدايت ميكند راه را (4)
بخوانيد ايشان را بپدرانشان كه آن دوست‌تر است نزد خدا پس اگر ندانيد پدرانشان را پس برادران شمايند در دين و دوستان شما و نيست بر شما گناهی در آنچه خطا كرديد در آنچه خطا كرديد در آن و ليكن آنچه تعمّد كند دلهاتان و باشد خدا آمرزنده مهربان (5)
نبی اولی است بمؤمنان از خودهاشان و جفتهايش مادران ايشانند و صاحبان رحمها بعضی‌شان اولی باشند ببعضی در كتاب خدا از مؤمنان و مهاجران مگر آنكه بكنيد بدوستانتان خوبی را باشد آن در آن كتاب نوشته شده (6)
و هنگامی كه گرفتيم از پيغمبران پيمانشان را و از تو و از نوح و ابراهيم و موسی و عيسی پسر مريم و گرفتيم از ايشان پيمانی سخت (7)
تا بپرسد راستگويان را از راستيشان و آماده كرده از برای كافران عذابی دردناک (8)
ای آن كسانی كه ايمان آورديد ياد كنيد نعمت خدا را بر شما هنگامی كه آمد شما را لشگرها پس فرستاديم بر ايشان بادی و لشكرهايی كه نميديد آنها را و بود خدا بآنچه ميكرديد بينا (9)
هنگامی كه آمدند شما را از بالای شما و از پايين‌تر از شما و هنگامی كه حيران شد چشمها و رسيد دلها بحنجرها و گمان ميبرديد بخدا گمانها (10)
آنجا امتحان كرده شدند مؤمنان و لرزانيده شدند لرزشی سخت (11)
ترجمه قرآن، ص: 390
و هنگامی كه گفتند منافقان و آنان كه بود در دلهای ايشان مرض وعده نكردند ما را خدا و رسولش مگر فريب (12)

و هنگامی که گفتند گروهی از ایشان ای اهل یثرب نیست جای اقامت مر شما را پس باز گردید و دستوری میخواستند پاره از ایشان از نبی میگفتند بدرستی که خانهای ما نااستوار است یا جای ترس یا ناامن و نبودند آنها نااستوار نمیخواستند مگر گریز را (13)
و اگر در آمده شده بود بر ایشان از اطراف مدینه پس خواسته شده بودند ارتداد و اتّفاق از کفّار هر آینه آورده بودند آن را و درنگ نمیکردند بآن مگر اندکی (14)
و بتحقیق بودند که عهد کردند با خدا از پیش که نگردانند پشتها را و باشد عهد خدا پرسیده شده (15)
بگو هرگز سود ندهد شما را گریز اگر بگریزید از مردن یا کشته شدن و آن گاه کام داده نشوید مگر اندکی (16)
بگو کیست که نگاه دارد شما را از خدا اگر خواسته باشد بشما بدی یا خواسته باشد بشما رحمتی و نیابند برای خود از غیر خدا صاحبی یا دوستی و نه یاوری (17)
بتحقیق میداند خدا باز دارندگانرا از شما و گویندگان مر برادرانشان را که بیائید بسوی ما و نمیآیند کارزار را مگر اندکی (18)
بخیلان بر شما پس چون آمد بیم بینی ایشان را که مینگرند بسوی تو میگردد چشمهاشان چون کسی که بیهوشی طاری شده باشد بر او از سکرات موت پس چون رود بیم خسته سخن کنند شما را بزبانهای تیز بخیلان بر خیر آنها ایمان نیاوردند پس ناچیز گردانید خدا کردار ایشان را و باشد آن بر خدا آسان (19)
می‌پندارند آن طایفه‌های دشمن را
ترجمه قرآن، ص: 391
که نرفته‌اند و اگر آیند طایفه‌های دشمن دوست میدارند که کاش ایشان بادیه نشینان در عربان صحرانشین که میپرسیده باشند از خبرهای شما و اگر بودند در شما کارزار نمیکردند مگر اندکی (20)
بتحقیق بود مر شما را در رسول خدا اقتدایی خوب مر کسی را که بود که میخواست خدا را و روز باز پسین را و ذکر کرد خدا را بسیار (21)
و چون دیدند مؤمنان آن طایفه‌های دشمن را گفتند این است آنچه وعده داد ما را خدا و رسولش و راست گفت خدا و رسولش و نیفزود ایشان را جز ایمان و انقیاد (22)
از مؤمنان مردانی‌اند که راست گردانیدند آنچه را پیمان بستند با خدا بر آن پس از ایشان کس است که بسر آورد مدّتش را و از ایشان کس است که انتظار میکشد و تغییر ندادند تغییر دادنی (23)
تا پاداش دهد خدا راستان را براستی ایشان و عقوبت کند منافقان را اگر خواهد یا درپذیرد و توبه از ایشان بدرستی که خدا باشد آمرزنده مهربان

(24)
و برگردانید خدا آنان را كه كافر شدند با خشم خوردنشان كه نيافتند خيرى
و كفايت كرد خدا مؤمنانرا كارزار و باشد خدا تواناى غالب (25)
و فرود آورد آنان را كه پشتى كردند ايشان را از اهل كتاب از حصارهاشان
و انداخت در دلهاى ايشان هراس پاره را می‌کشتيد و اسير مينموديد پاره
را (26)
و بارث داد شما را از زمينشان و سراهاشان و مالهاشان را و زمينى را كه
نه نور ديده بودند آن را و باشد خدا بر همه چيز توانا (27)
اى پيغمبر بگوى مر زنانت را اگر هستيد كه ميخواهيد زندگانى دنيا و پيرايه
آن را پس بيائيد
ترجمه قرآن، ص: 392
تا سرمايه دهم شما را و رها كنم شما را رها كردنى خوب (28)
و اگر هستيد كه ميخواهيد خدا و رسولش را و سراى بازپسين را پس
بدرستى كه خدا آماده كرده براى نيكوكاران از شما مزدى بزرگ را (29)
اى زنان پيغمبر آنكه آرد از شما كار بد يعنى گناه كبيره آشكارس‌را افزوده
ميشود براى او عذاب دو چندان و باشد آن بر خدا آسان (30)
و آنكه طاعت ورزد از شما مر خدا را و رسولش را و كند كار شايسته را
ميدهيم او را مزدش دو بار و آماده كرده‌ايم برايش روزى نيكو (31)
اى زنان پيغمبر نيستيد چون احدى از زنان اگر پرهيزكارى ميكنيد پس
نرمى مكنيد بگفتار پس طمع كند آنكه در دلش مرض است و بگوئيد گفتنى
پسنديده (32)
و قرار گيريد در خانهاتان و ظاهر مسازيد زينت بمردان بيگانه ظاهر
ساختن جاهليّت پيشين و بر پايداريد نماز را و بدهيد زكاة را و فرمانبريد
خدا و رسولش را جز اين نيست كه ميخواهد خدا كه ببرد از شما بدى را
اهل بيت و پاک گرداند شما را پاک گردانيدنى (33)
و ياد كنيد آنچه خوانده ميشود در خانهاى شما از آيتهاى خدا و حكمت
بدرستى كه خدا باشد صاحب لطف آگاه (34)
بدرستى كه مردان گردن نهندگان و زنان گردن نهنده و مردان مؤمن و
زنان مؤمنه و مردان پرستار و زنان پرستار و مردان راستگو و زنان
راستگو و مردان شكيبا و زنان شكيبا و مردان با خضوع و زنان با خضوع و
مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان روزه
دار مردان نگاهدارنده فرجهاى خود و زنان نگهدارنده
ترجمه قرآن، ص: 393
و مردان ياد كنندگان خدا را بسيار و زنان ياد كننده شمرده خدا مر ايشان
را آمرزش و مزدى بزرگ (35)
و نميباشد مر مرد با ايمان را و نه زن با ايمان را چون گذارش دهد خدا و

رسول او امری را که بوده باشد مر ایشان را اختیاری از امر ایشان و کسی که نافرمانی کند خدا را و پیغمبر او را پس بتحقیق که گمراه شده گمراه شدنی هویدا (36)
و چون میگفتی مر آن را که احسان کرد خدا بر او و احسان کردی بر او نگاهدار با خود جفت خود را و بپرهیز از خدا و پنهان داشتی در نفس خود آنچه را خدا ظاهر کننده آنست و بیم داشتی از مردم و خدا سزاوارتر است آنکه بیم نمایی آن را پس چون گذارد زید از او حاجت را تزویج کردیم بتو او را تا نبوده باشد بر مؤمنان باکی در جفتهای پسر خواندهای ایشان چون گذاردند از ایشان حاجت را و میباشد فرمان خدا کرده شده (37)
نمیباشد بر پیغمبر هیچ باکی در آنچه که مقرّر داشته خدا برایش دستور خدا در آنان که گذشتند پیش از این و میباشد امر خدا فرمایشی فرموده شده (38)
آنان که میرسانند رسالتهای خدا را و میترسند او را و نمیترسند از کسی مگر خدا و بس است خدا حساب کننده (39)
نمیباشد محمّد (ص) پدر یکی از مردان شما و لیکن پیغمبر خدا و ختم پیغمبران است و میباشد خدا بهر چیزی دانا (40)
ای کرده آنان که گرویدند یاد کنید خدا را یاد کردنی بسیار (41)
و تسبیح کنید او را در بامداد و شبانگاه (42)
اوست آنکه صلوات میفرستد بر شما و فرشتگان او تا بیرون کند شما را از تاریکیها بسوی نور و میباشد بگروندگان مهربان (43)
ترجمه قرآن، ص: 394
تحیّتشان روزی که ملاقات میکنندش سلام است و آماده کرد برای ایشان پاداشی خوب (44)
ای پیغمبر بدرستی که ما فرستادیم ترا گواه و بشارت دهنده و بیم کننده (45)
و خواننده بسوی خدا باذنش و چراغی نور بخش (46)
و مژده ده مؤمنانرا بآنکه مر ایشان را است از خدا افزونی بزرگ (47)
و اطاعت مکن کافران و منافقان را و واگذار آزارشان را و توکّل کن بر خدا و بس باشد خدا آنکه کار باو گذاشته میشود (48)
ای آن کسانی که ایمان آوردید چون نکاح کنید زنان با ایمان را پس طلاق دهید آنها را پیش از آن که مسّ کنید ایشان را پس نیست مر شما را بر آنها هیچ عدّه که بشمار درآرید آن را پس متاعی دهید آنها را و رها کنید ایشان را رها کردنی نیکو (49)
ای پیغمبر بدرستی که ما حلال گردانیدیم برای تو جفتهایت را که دادی آنها را مهرهاشان و آنچه را مالک شدیمینت از آنچه غنیمت گردانید خدا بر تو و دختران عمّت را و دختران عمّهایت را و دختران خالت را و دختران خالهایت

را آنان که هجرت گزیدند با تو و زن با ایمان را اگر بخشد نفسش را مر نبی را اگر خواهد پیغمبر که نکاح کند او را خاصّ است مر ترا از غیر مؤمنان بتحقیق دانسته‌ایم آنچه را فرض گردانیدیم بر ایشان در جفتهاشان و آنچه مالک شد یمینهاشان تا نبوده باشد بر تو تنگ و باشد خدا آمرزنده مهربان (50)
باز پس میداری آن را که خواهی از ایشان و جای میدهی بسوی خود آن را که میخواهی و آن را که خواستی از آنان که عزل کردی پس نیست گناهی بر تو این نزدیکتر است بآنکه آرام گیرد
ترجمه قرآن، ص: 395
چشمهاشان و غمگین نشوند و خوشنود گردند بآنچه دادی ایشان را همه ایشان و خدا میداند آنچه در دلهای شماست و باشد خدا دانای بردبار (51)
حلال نمیشود مر ترا زنان از بعد و نه اینکه بدل کنی ایشان را بجفتهایی و اگر چه خوش آمده باشد ترا حسن‌شان جز آنچه مالک شد یمین تو و باشد خدا بر همه چیزی نگهبان (52)
ای آن کسانی که ایمان آوردید داخل مشوید در خانهای نبی مگر آنکه دستوری داده شود مر شما را بسوی طعام غیر انتظار کشندگان رسیدنش را و لیکن چون خوانده شوید پس در آئید پس چون خوردید پس پراکنده شوید و نه انس جویندگان بحکایتی بدرستی که آن باشد که رنجه میسازد نبی را پس شرم میکند از شما و خدا شرم نمیکند از حقّ و چون خواهید از ایشان متاعی پس بخواهید از ایشان از پشت پرده آن پاکیزه‌تر است مر دلهای شما را و دلهای ایشان را و نباشد مر شما را که برنجانید رسول خدا را و نه آنکه نکاح کنید جفتهایش را از بعد او هرگز بدرستی که آن باشد نزد خدا بزرگ (53)
اگر آشکار کنید چیزی را یا پنهان دارید آن را پس بدرستی که خدا باشد بهمه چیزی دانا (54)
نیست گناهی بر ایشان در پدرانشان و نه پسرانشان و نه برادرانشان و نه پسران برادرانشان و نه پسران خواهرانشان و نه زنانشان و نه آنچه را مالک باشد یمینهاشان و بترسید از خدا بدرستی که خدا باشد بر همه چیزی گواه (55)
بدرستی که خدا و ملائکه او صلوات میفرستند بر پیغمبر ای آن کسانی که ایمان آوردید رحمت
ترجمه قرآن، ص: 396
فرستید بر او و سلام کنید سلام کردنی (56)
بدرستی که آنان که میرنجانند خدا و رسولش را لعنت کرد ایشان را خدا در دنیا و آخرت و آماده کرد برای ایشان عذابی خوار کننده (57)
و آنان که میرنجانند مردان با ایمان و زنان با ایمان را بدون آنچه کسب

کردند پس بتحقیق متحمّل شدند بهتانی و گناهی آشکار را (58)
ای پیغمبر بگو مر جفتهایت را و دخترانت را و زنان مؤمنان را که فرو پوشند بر خود از چادرهاشان آن نزدیکتر است بآنکه شناخته شوند پس رنجانیده شوند و باشد خدا آمرزنده مهربان (59)
هر آینه اگر باز نه ایستند منافقان و آنان که در دلهاشان مرض است و اراجیف سازان در مدینه هر آینه برگماریم البتّه ترا بایشان پس مجاور نشوند ترا در آن مگر اندکی (60)
لعنت کرده شدگان هر کجا یافته شوند گرفته گردند و گشته شوند کشتنی بلیغ (61)
بدستور خدا در آنان که گذشتند از پیش و هرگز نیابی مر دستور خدا را تغییری (62)
میپرسند ترا مردمان از قیامت بگو جز این نیست که علمش نزد خداست و چه چیز آگاه میکند ترا شاید که قیامت باشد نزدیک (63)
بدرستی که خدا لعنت کرد کافران را و آماده کرد برای ایشان آتش سوزان (64)
جاودانیان در آن همیشه نمیابند صاحبی و نه ناصری (65)
روزی که گردانیده شود رویهاشان در آتش گویند ای کاش که ما فرمانبرده بودیم خدا را و فرمانبرده بودیم رسول را (66)
و گویند پروردگار ما بدرستی که ما اطاعت کردیم سر کردهامان را و بزرگانمان را پس گمراه کردند
ترجمه قرآن، ص: 397
ما را از راه (67)
پروردگار ما بده ایشان را دو چندان از عذاب و لعنت کن ایشان را لعنتی بزرگ (68)
ای آن کسانی که گرویدند مباشید مانند آنان که رنجانیدند موسی را پس بری وانمودش خدا از آنچه گفتند و بود نزد خدا گرامی (69)
ای آن کسانی که ایمان آوردند بپرهیزید از خدا و بگوئید گفتنی صواب (70)
که شایسته گرداند برای شما کردهاتان را و بیامرزد مر شما را گناهانتان و هر که اطاعت کند خدا و رسولش را پس بتحقیق کامیاب شد کامیاب شدنی بزرگ (71)
بدرستی که ما عرض کردیم امانت را بر آسمانها و زمین و کوه‌ها پس ابا نمودند که بردارند آن را و ترسیدند از آن و برداشتش انسان بدرستی که او باشد ستمکار نادان (72)
تا عذاب کند خدا مردان بانفاق و زنان بانفاق و مردان شرک آورنده و زنان

شرک آورنده و توبه پذیرد خدا از مردان گرونده و زنان گرونده و باشد خدا آمرزنده مهربان (73)

سورة سبأ مكّيّة و هى اربع و خمسون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ستايش مر خدا را كه مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است و مر او راست ستايش در آن جهان و اوست درست كردار آگاه (1)
ميداند آنچه داخل ميشود در زمين و آنچه بيرون مى‌آيد از آن و آنچه فرود مى‌آيد از آسمان و آنچه عروج ميكند در آن و اوست
ترجمه قرآن، ص: 398
مهربان آمرزنده (2)
و گفتند آنان كه كافر شدند نمى‌آيد ما را قيامت بگو آرى قسم بپروردگار من كه هر آينه خواهد آمد شما را كه داناى غيبست مستور نميباشد از او مقدار ذرّه در آسمانها و نه در زمين و نيست خردتر از آن و نه بزرگتر جز كه باشد در كتابى واضح (3)
تا جزا دهد آنان را كه ايمان آوردند و كردند كارهاى شايسته را آن گروه براى ايشانست آمرزش و روزى خوب (4)
و آنان كه شتافتند در آيتهاى ما طالبان عاجز كردن آن گروه براى ايشانست عذاب از عقوبت پر درد (5)
و مى‌بينند آنان كه داده شدند علم را كه آنچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگارت آن حقّ است و هدايت ميكند براه خداى غالب ستوده (6)
و گفتند آنان كه كافر شدند آيا دلالت كنيم شما را بر مردى كه خبر دهد شما را چون پاره كرده شديد هر پاره كردنى بدرستى كه شمائيد هر آينه در آفرينش تازه (7)
آيا بست بر خدا دروغى يا باوست جنونى بلكه آنان كه ايمان نمى‌آورند بآخرت در عذاب و گمراهى دورند (8)
آيا پس ننگريستند بسوى آنچه باشد ميان دستهاشان و آنچه باشد پشت سرشان از آسمان و زمين اگر خواهيم فرو بريم ايشان را بزمين يا فرو اندازيم بر ايشان پاره‌ها از آسمان بدرستى كه در آن هر آينه آيتى است مر هر بنده بازگشت كننده را (9)
و بتحقيق داديم داود را از خود مزيّتى اى كوه‌ها تسبيح گوئيد با او و طير و نرم گردانيديم برايش آهن را (10)
كه بساز زرههاى رسا و اندازه نگاهدار در بافتن و بكنيد كار شايسته بدرستى كه منم بآنچه ميكنيد بينا
ترجمه قرآن، ص: 399
(11)
و مر سليمان را باد بامدادش ماهى بود و شبانگاهش ماهى و جارى كرده

بوديم برايش چشمه مس گداخته و از جنّ كس بود كه كار ميكرد ميان دو دستش باذن پروردگارش و آنكه سر مى‌پيچيد از ايشان از فرمان ما ميچشانيديم او را از عذاب آتش سوزان (12)
ميساختند براى او آنچه ميخواست از غرفه‌ها يا مسجدها يا قصرها و تمثالها و كاسها چون حوضها و ديگهاى برقرار يعنى از بزرگى نقل و تحويل نميشد بكنيد آل داود شكر و اندكى از بندگان من شاكرند (13)
پس چون گزارش داديم بر او مرگ را دلالت نكرد ايشان را بر مرگش مگر جنبنده زمين كه آن را ارضه و چوبخوره گويند كه ميخورد عصايش را پس چون بروى در افتاد ظاهر شد جنّ را كه اگر بودند كه ميدانستند غيب را نميماندند در عذاب خوار كننده (14)
بتحقيق كه بود مر سبأ را در مسكنهاشان آيتى دو بوستان از راست و چپ بخوريد از روزى پروردگارتان و شكر كنيد مر او را بلدى پاكيزه و پروردگارى آمرزنده (15)
پس روى گردانيدند پس فرستاديم بر ايشان سيل باران سخت و بدل داديم ايشان را از دو باغشان دو باغ صاحبان ثمرى تلخ و شوره‌گز و چيزى از كنار اندكى (16)
آن جزا داديم ايشان را بسبب آنچه كفران ورزيدند و آيا جزا ميدهيم جز ناسپاس را (17)
و گردانيديم ميانه ايشان و ميان قريه‌هايى كه بركت داديم در آن قريه‌هاى ظاهر را يعنى بر سر راه و مقرّر داشتيم در آنها رفتن را سير كنيد در آنها شبها و روزها ايمنان (18)
پس گفتند پروردگار ما دورى افكن ميانه سفرهاى ما و ستم كردند بر خودهاشان و گردانيديمشان حكايتها و پراكنده كرديمشان
ترجمه قرآن، ص: 400
هر پراكنده كردنى بدرستى كه در آن هر آينه آيتها است مر هر شكيباى شكر گذار را (19)
و بحقيقت راست گردانيد بر ايشان ابليس گمانش را پس پيروى كردند او را جز پاره از گروندگان (20)
و نبود مر او را بر ايشان هيچ تسلّطى مگر براى آنكه بدانيم آن را كه ميگرود بآخرت از آنكه او از آن در شكّ است و پروردگار تو بر همه چيز نگهبان است (21)
بگو بخوانيد آنان را كه گمان برديد از غير خدا نميباشند مالك مقدار ذرّه در آسمانها و نه در زمين و نباشد مر ايشان را در آن دو تا هيچ شركتى و نباشد مر او را از ايشان هيچ مددكارى (22)
و سود نميدهد شفاعت نزد او مگر براى آنكه دستورى داد برايش تا چون برداشته شود ترس از دلهاشان گويند يعنى ملائكه بعضيشان ببعضى) چه

گفت پروردگار شما گویند حقّ و اوست رفیع بزرگ (23)
بگو کیست که روزی میدهد شما را از آسمانها و زمین بگو خدا و بدرستی که ما یا شما هر آینه بر هدایتیم یا در گمراهی آشکار (24)
بگو پرسیده نمیشوید از آنچه بد کردیم و پرسیده نمیشوید از آنچه میکنید (25)
بگو جمع میکند میانه ما پروردگار ما پس حکم میکند میانه ما بحقّ و اوست حکم کننده دانا (26)
بگو بنمائید مرا آنان که بربستید باو انبازان نه چنین است بلکه اوست خدای غالب درست کردار (27)
و نفرستادیم ترا مگر عامّ مر مردمان را مژده دهنده و بیم کننده و لیکن اکثر مردمان نمیدانند (28)
و میگویند کی باشد این وعده اگر هستید راستگویان (29)
بگو مر شما راست وعده روزی که باز پس نمیمانید از آن ساعتی و پیش نمی‌افتید (30)
و گفتند
ترجمه قرآن، ص: 401
آنان که کافر شدند نمیگرویم باین قرآن و نه بآنچه باشد میان دو دستش و اگر بینی هنگامی که ستمکاران باز داشته شدگانند نزد پروردگارشان برمیگردانند بعضیشان ببعضی سخن را میگویند آنان که ضعیف گرفته شدند مر آنان را که بزرگی جستند اگر نه شما بودید هر آینه بودیم ما گروندگان (31)
گفتند آنان که بزرگی جستند مر آنان را که ضعیف گرفته شدند
مر آنان را که بزرگی جستند بلکه حیله شب و روز هنگامی که میفرمودید ما را که کافر شویم بخدا و بگردانیم مر او را همتایان و پنهان داشتند پشیمانی را چون دیدند عذاب را و گردانیدیم غلها را در گردنهای آنان که کافر شدند آیا جزا داده میشوند مگر آنچه بودند که میکردند (33)
و نفرستادیم در هیچ قریه هیچ بیم کننده مگر گفتند بنعمت پروردگانش بدرستی که ما بآنچه فرستاده شدند بآن کافرانیم (34)
و گفتند ما بیشتریم در اموال و اولاد و نباشیم ما عذاب کرده شدگان (35)
بگو بدرستی که پروردگارم فراخ میکند روزی را برای آنکه میخواهد و تنگ میگرداند و لیکن اکثر مردمان نمیدانند (36)
و نیست مالهای شما و نه فرزندانتان بچیزی که نزدیک گرداند شما را نزد ما نزدیک کردنی لیکن آنکه گروید و کرد کار شایسته را پس آن گروه مر آنها را است جزای افزون بآنچه کردند و ایشان باشند در غرفه‌هایی ایمنان (37)
و آنان که میشتابند در آیتهای ما طالبان عاجز گردانیدن آنها باشند در عذاب

احضار کرده شدگان (38)
بگو بدرستی که پروردگار من فراخ میکند
ترجمه قرآن، ص: 402
روزی را برای آنکه میخواهد از بندگانش و تنگ میکند برایش و آنچه را انفاق کردید از چیزی پس او عوض میدهد آن را و اوست بهترین روزی دهندگان (39)
و روزی که حشر میکند ایشان را همه پس میگوید مر ملائکه را آیا اینها شما را بودند که میپرستیدند (40)
گفتند دانیم پاک بودنت را تویی صاحب ما از غیر ایشان بلکه بودند میپرستیدند جنّ را اکثر ایشان بودند بآنها گروندگان (41)
پس امروز مالک نمیباشد بعضیتان مر بعضی را سودی و نه زیانی و می‌گوییم آنان را که ستم کردند بچشید عذاب آتشی را که بودید آن را تکذیب میکردید (42)
و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای ما که روشنها است گفتند نیست این مگر مردی میخواهد که بازدارد شما را از آنچه بودند که میپرستیدند پدران شما و گفتند نیست این مگر دروغی افترا کرده شده و گفتند آنان که کافر شدند مر حقّ را چون آمد ایشان را نیست این مگر سحری آشکار (43)
و ندادیم ایشان را از کتابها که بدرس خوانده باشند آنها را و نفرستادیم بایشان پیش از تو هیچ بیم کننده (44)
و تکذیب کردند آنان که بودند پیش از ایشان و نرسیدند بده یک آنچه دادیم ایشان را پس تکذیب کردند رسولان مرا پس چگونه بود انکار من (45)
بگو جز این نیست پند میدهم شما را بیک طریقی که برخیزید مر خدا را دو دو و یک یک پس اندیشه کنید که نیست صاحب شما را هیچ جنونی نیست او مگر بیم کننده برای شما میانه دو دست عقوبت سخت (46)
بگو آنچه خواستم از شما از مزد پس آن مر شما راست نیست مزد من مگر بر خدا و اوست بر همه چیز شاهد (47)
بگو بدرستی که پروردگار من القا میکند حقّ را
ترجمه قرآن، ص: 403
دانای غیبهاست (48)
بگو آمد حقّ و نمی‌آفریند باطل را و نه اعاده میکند (49)
بگو اگر گمراه شدم پس گمراه نشوم مگر بر خودم و اگر هدایت یافتم پس بآنچیزیست که وحی میکند بمن پروردگارم بدرستی که او شنوای نزدیکست
و اگر بینی هنگامی که بترسند پس نباشد فوتی و گرفته شوند از جایی نزدیک (51)
و گویند ایمان آوردیم باو و از کجا باشد مر ایشان را تبادل از جای دوری

(52)
و بتحقیق کافر شدند بآن از پیش و میاندازند غیب را از جای دوری (53)
و جدایی افکنده شد میانشان و میان آنچه میخواستند چنان که کرده شد بامثال ایشان از پیش بدرستی که ایشان بودند در شکّی بتهمت اندازنده (54)

سورة فاطر مكّيّة و هى خمس و أربعون آية

بنام خداوند بخشاینده مهربان
ستایش مر خدا را پدید آورنده آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان رسولان صاحبان بالها دو تا دو تا و سه تا سه تا و چهار چهار میافزاید در آفرینش آنچه میخواهد بدرستی که خدا بر همه چیز توانا است (1)
آنچه را گشاید خدا برای مردمان از رحمت پس نیست باز گیرنده مر آن را و آنچه را باز گیرد پس نیست فرستنده مر او را پس از او و اوست عزیز درست کردار (2)
ای مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما آیا هیچ باشد آفریننده جز خدا که روزی دهد شما را از آسمان
ترجمه قرآن، ص: 404
و زمین نیست الهی مگر او پس یک جا برگردانیده میشوید (3)
و اگر تکذیب میکنند ترا پس بتحقیق تکذیب کردند رسولان را پیش از تو و بخدا برگردانیده میشود امرها (4)
ای مردمان بدرستی که وعده خدا حقّ است پس باید البتّه فریفته نکند شما را زندگانی دنیا و نباید که فریفته کند البتّه شما را بخدا آن فریب دهنده (5)
بدرستی که شیطان مر شما راست دشمن پس بگیردش دشمن جز این نیست میخواند گروهانشرا تا باشند از اهل آتش سوزان (6)
آنان که کافر شدند مر ایشانراست عذابی سخت و آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته مر ایشانراست آمرزش و اجری بزرگ (7)
آیا پس آنکه آراسته شد برایش بدی کردارش پس بیند آن را خوب پس بدرستی که خدا اضلال میکند آن را که میخواهد و هدایت میکند آن را که میخواهد پس نباید که هلاک شود نفست بر ایشان از راه حسرتها بدرستی که خدا داناست بآنچه میکنند (8)
و خدا آنست که فرستاد بادها را پس برمیانگیزد ابر را پس راندیم آن را ببلدی مرده پس زنده گردانیدیم بآن زمین را پس از مردنش همچنین است حشر کردن (9)
آن کس که باشد که خواهد عزّت را پس مر خدا راست عزّت همگی بسوی او بالا میرود سخن پاکیزه و کرداری شایسته بالا میبرد آن را و آنان که می‌اندیشند بدیها را از برای ایشانست عذابی سخت و حیله آنها او ناچیز میشود (10)
و خدا آفرید شما را از خاک پس از نطفه پس گردانید شما را جفتها و برنمیدارد هیچ مؤنثی و نمی‌نهد جز بعلم او و عمر داده نمیشود هیچ عمر

داده شده و کم کرده نمیشود از عمرش جز آنکه در
ترجمه قرآن، ص: 405
کتابست بدرستی که آن بر خدا آسانست (11)
و یکسان نیستند دو دریا این شیرین است بسیار شیرین که گواراست آشامیدنش و این شوریست بسیار شور تلخ مزه و از همه میخورید گوشتی تازه و بیرون میآورید پیرایه که میپوشید آن را و می‌بینی کشتیها را در آن شکافنده‌های آب بسینه تا بجوئید از احسانش و باشد که شما شکر کنید (12)
داخل میکند شب را در روز و در میآورد روز را در شب و رام گردانید آفتاب و ماه را هر یک سیر میکنند تا وقتی نامبرده شده آنست خدا پروردگارتان مر او راست پادشاهی و آنان را که میخوانید از غیر او مالک نمیباشند از پوست استخوان خرمایی (13)
اگر بخوانیدشان نشوند ندای شما را و اگر شنیدند اجابت نکردند مر شما را و روز قیامت انکار میآورند بشرک شما و خبر نمیدهد ترا مانند آگاه (14)
ای مردمان شمائید محتاجان بسوی خدا و خدا اوست بی نیاز ستوده (15)
اگر خواهد ببرد شما را و بیاورد خلقی نو (16)
و نیست آن بر خدا دشوار (17)
و برندارد هیچ بردارنده گناه دیگری را و اگر بخواند گرانبار شده بسوی برداشتنش برداشته نشود از آن چیزی و اگر چه باشد صاحب قرابت جز این نیست بیم میکنی آنها را که میترسند از پروردگارشان بنهانی و بر پای داشتند نماز را و آنکه پاکیزه شد پس جز این نیست پاکیزه میشود برای خودش و بسوی خداست بازگشت (18)
و یکسان نمیباشد نابینا و بینا (19)
و نه تاریکیها و نه روشنایی (20)
و نه سایه و نه سموم (21)
و نباشد یکسان زنده‌ها و نه مرده‌ها و بدرستی که خدا میشنواند
ترجمه قرآن، ص: 406
آن را که میخواهد و نیستی تو شنواننده آنان که در قبرهایند (22)
نیستی تو مگر بیم کننده (23)
بدرستی که ما فرستادیم ترا بحقّ مژده دهنده و بیم کننده و نیست هیچ امّتی مگر آنکه گذشت در آن بیم کننده (24)
و اگر تکذیب می‌کنند ترا پس بتحقیق تکذیب کردند آنان که بودند از پیش ایشان آمد ایشان را رسولانشان با بیّنه‌ها و با مصحفها و با کتاب روشن گرداننده (25)
پس گرفتم آنان را که کافر شدند پس چگونه بود انکار من (26)

آیا ندیدی که خدا فرو فرستاد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم بآن ثمرهایی که مختلف است رنگهای آنها و از کوه‌ها راهها سفیدها و سرخها که مختلف است رنگهاشان و سیاهی بسیار (27)
و از مردمان و جنبنده‌ها و شتر و گاو و گوسفند که مختلف است رنگهایش همچنین است جز این نیست که میترسند از خدا از بندگانش دانایان بدرستی که خدا غالب آمرزنده است (28)
بدرستی که آنان که میخوانند کتاب خدا را و بر پای داشتند نماز را و انفاق کردند از آنچه روزی دادیم ایشان را نهان و آشکار امید میدارند بازرگانی که هرگز تباه نشود (29)
تا تمام دهد ایشان را مزدهاشان و بیفزاید ایشان را از احسانش بدرستی که او آمرزنده شکر پذیر است (30)
و آنچه را که وحی کردیم بتو از کتاب آنست حقّ تصدیق کننده مر آنچه را باشد میان دو دستش بدرستی که خدا ببندگانش آگاه بیناست (31)
پس بمیراث دادیم آن کتاب را به آنانکه برگزیدیم از بندگان خود پس بعضیشان ستم کنندگانند مر نفسش را و برخیشان میانه رونده‌اند و بعضیشان پیشی گیرندگانند بخوبیها باذن خدا اینست آن فضل بزرگ (32)
بهشتهای جای اقامت
ترجمه قرآن، ص: 407
در روند آن را زیور کنند در آنها از دستوانها از طلا و مروارید و پوشش ایشان در آنها پرنیانست (33)
و گویند ستایش مر خدا را که برد از ما اندوه را بدرستی که پروردگار ما هر آینه آمرزنده شکرپذیر است (34)
آنکه در آورد ما را بسرای اقامت از احسانش مسّ نمیکند ما را در آن تعبی و مسّ نمیکند ما را در آن خستگی (35)
و آنان که کافر شدند برای ایشانست آتش دوزخ نه حکم کرده میشود بر ایشان پس بمیرند و نه تخفیف داده میشود از ایشان هیچ عذابش همچنین جزا میدهیم هر ناسپاسی را (36)
و ایشان فریاد میکنند در آن که پروردگار ما بیرون آور ما را تا کنیم کار شایسته جز آنچه بودیم که میکردیم آیا عمر ندادیم شما را آن قدر که پند میگرفت در آن کسی که پند گرفت و آمد شما را بیم کننده پس بچشید پس نیست مر ستمکاران را هیچ یاوری (37)
بدرستی که خدا دانای نهان آسمانها و زمین است بدرستی که اوست دانا بضمایر سینه‌ها (38)
اوست که گردانید شما را خلیفه‌ها در زمین پس آنکه کافر شد پس بر اوست کفرش و زیاده نمیکند کافران را کفرشان نزد پروردگارشان جز دشمنی و نمی افزاید کافران را کفرشان جز زیانکاری (39)

بگو خبر دهید از شریکانتان آنان که میخواندید از جز خدا بنمائید مرا که چه چیز آفریدند از زمین یا مر ایشانراست انبازی در آسمانها یا دادیمشان کتابی پس ایشانند بر بیّنه از آن بلکه وعده نمیدهند ستمکاران بعضیشان بعضی را جز فریب (40)
بدرستی که خدا نگاه میدارد آسمانها و
ترجمه قرآن، ص: 408
زمین را از آنکه زایل شوند و هر آینه اگر زایل شوند نگاه ندارد آن دو تا را هیچکس پس از او بدرستی که او باشد بردبار آمرزنده (41)
و سوگند خوردند بخدا سخت‌ترین سوگندهاشان که اگر آید ایشان را بیم کننده هر آینه باشند هدایت یافته‌تر از هر یک از امّتها پس چون آمد ایشان را بیم کننده نیفزود ایشان را جز نفرت (42)
از راه سرکشی در زمین و اندیشیدن بدی و احاطه نکند اندیشیدن بد مگر باهلش پس آیا انتظار میبرند جز دستور پیشینیان را پس هرگز نیابی مر دستور خدا را تغییری و هرگز نیابی مر دستور خدا را گردیدنی (43)
آیا و سیر نکردند در زمین پس بنگرند که چگونه بود انجام آنان که بودند پیش از ایشان و بودند سخت‌تر از ایشان در توانایی و نباشد خدا که عاجز کند او را هیچ چیز در آسمانها و نه در زمین بدرستی که او باشد دانای توانا (44)
و اگر مؤاخذه کردی خدا مردمان را بسبب آنچه کسب کردند نگذاشتی بر پشتش هیچ جنبنده و لیکن باز پس میدارد ایشان را تا وقتی نامبرده شده پس چون آید اجلشان پس بدرستی که خدا باشد به بندگانش بینا (45)

سورة يس مكّيّة و هى ثلث و ثمانون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
اى سيّد عالم (1)
قسم بآن قرآن مشتمل بر حكمت (2)
بدرستى كه تو هر آينه از پيغمبرانى (3)
بر راه راست (4)
فرو فرستادن
ترجمه قرآن، ص: 409
غالب مهربان (5)
تا بيم دهى گروهى را هم چنان كه بيم داده شدند پدرانشان پس ايشان غافلانند (6)
بتحقيق ثابت شد سخن بر اكثرشان پس ايشان نميگروند (7)
بدرستى كه ما گردانيديم در گردنهاشان غلها پس آن تا ذقنهاست پس ايشان سر بهوا كنندگانند (8)
و گردانيديم از ميان دستهاشان سدّى و از پس سرشان سدّى پس فرو انداختيم بر چشمهاشان پس ايشان نمى‌بينند (9)
و يكسانست بر ايشان خواه بيم داده باشى ايشان را و خواه بيم نداده باشى ايشان را ايمان نميآورند (10)
جز اين نيست كه بيم ميدهى كسى را كه پيرو كند ذكر يعنى قرآن را و بترسد از خداى بخشنده در نهان پس مژده ده او را بآمرزش و پاداش خوب (11)
بدرستى كه ما زنده ميسازيم مردگان را و مينويسيم آنچه را پيش فرستاده‌اند و اثرهاشان را و همه چيز ضبط كرديم آن را در مقتداى بيان كننده (12)
و بزن براى ايشان مثلى اصحاب قريه هنگامى كه آمدند ايشان را فرستاده شدگان (13)
وقتى كه فرستاديم بسوى ايشان دو كس پس تكذيب كردند آن دو را پس قوى كرديم آن دو را بسيّمى پس گفتند بدرستى كه مائيم بسوى شما فرستاده شدگان (14)
گفتند نيستيد شما مگر انسانى مانند ما و فرو نفرستاده خداى بخشنده هيچ چيز را نيستيد شما مگر دروغ مى‌گوييد (15)
گفتند پروردگار ما ميداند كه ما بسوى شمائيم هر آينه فرستاده شدگان (16)
و نيست بر ما مگر رسانيدن آشكار (17)

گفتند بدرستی که ما فال بد گرفتیم بشما اگر باز نه ایستادید سنگسار میکنیم البتّه شما را و هر آینه مسّ میکند البتّه شما را از ما عذابی دردناک (18)
گفتند منشأ شومی شما با شماست آیا اگر پند داده شدید بلکه شمائید گروه اسرافکاران (19)
و آمد از دورترین جای آن شهر مردی که میشتافت
ترجمه قرآن، ص: 410
گفت ای گروه پیرو شوید مرسلان را (20)
پیرو شوید آن را که نمیخواهد از شما مزدی و ایشانند هدایت یافتگان (21)
و چیست مرا که نپرستم آن را که پدید آورد مرا و بسوی او باز گردانیده میشوید (22)
آیا بگیرم از غیر او الهانی که اگر بخواهد بمن خدای بخشاینده گزندی کفایت نکند از من در خواستشان چیزی را و نه رهانندم (23)
بدرستی که منم آن گاه هر آینه در گمراهی آشکارا (24)
بدرستی که من گرویدم بپروردگار شما پس بشنوید از من (25)
گفته شد که داخل شو در بهشت گفت ای کاش قوم من آگاهی مییافتند (26)
به اینکه آمرزید مرا پروردگارم و گردانید مرا از گرامی داشتگان (27)
و فرو نفرستادیم ما بر قومش از بعد او هیچ لشگری از آسمان و نبودیم فرو فرستندگان (28)
نبود جز فریادی واحد پس آن گاه ایشان شدند افسردگان مرگ (29)
ای دریغ بر بندگان که نیاید ایشان را هیچ رسولی جز آنکه هستند بآن استهزاء میکنند (30)
آیا ندیدند که بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از قرنها که ایشان بسوی اینان برنمیگردند (31)
و نیستند همه مگر جمع کرده شده نزد ما حاضر گردانیدگان (32)
و آیتی است مر ایشان را زمین مرده که زنده کردیم آن را و بیرون آوردیم از آن دانه را پس از آن میخورند (33)
و گردانیدیم در آن بستانها از خرما بنان و انگورها و روان کردیم در آن از چشمه‌ها (34)
تا بخورند از ثمرش و نساخت آن را دستهاشان آیا پس شکر نمیکنند (35)
دانم پاک بودن آنکه آفرید اصناف را همه آنها از آنچه میرویاند زمین و از خودهاشان و از آنچه نمیدانند (36)
و آیتی است مر ایشان را شب که بیرون میکشیم از آن روز را
ترجمه قرآن، ص: 411

پس آن گاه آنها داخلانند در تاریکی (37)
و آفتاب سیر میکند برای جای قراری که مر او راست آن قرار دادن خدای غالب داناست (38)
و ماه را مقرّر داشتیمش منزلها تا آنکه بازگشت کند چون چوب خوشه خرمای کهنه (39)
نه آفتاب میسزد مر آن را که دریابد ماه را و نه شب پیش از روز است و هر یک در گردونی آمد و رفت مینمایند (40)
و آیتی است مر ایشان را که ما بار کردیم فرزندانشان را در کشتی پر کرده شده (41)
و آفریدیم برای ایشان از مثل آن آنچه سوار میشوند (42)
و اگر خواهیم غرق میگردانیم ایشان را پس نیست فریاد رسی مر ایشان را و نه ایشان خلاص کرده میشوند (43)
مگر رحمتی از ما و تعیّشی تا وقتی (44)
و چون گفته شود مر ایشان را که بپرهیزید از آنچه میان دستهای شماست و آنچه پس پشت شماست باشد که شما رحمت کرده شوید (45)
و نمیآید ایشان را هیچ آیتی از آیتهای پروردگارشان مگر که باشند از آن روی گردانندگان (46)
و چون گفته شود مر ایشان را که انفاق کنید از آنچه روزی کرد شما را خدا گویند آنان که کافر شدند مر آنان را که ایمان آوردند آیا خوراکی دهیم کسی را که اگر میخواست خدا خوراکی داده بود او را نیستید شما مگر در گمراهی روشن (47)
و میگویند کی باشد این وعده اگر هستید راستگویان (48)
انتظار نمیبرند مگر فریادی واحد را که خواهد گرفت ایشان را و ایشان خصومت میکرده باشند (49)
پس نتوانند وصیّت کردن و نه بسوی کسانشان برمیگردند (50)
و دمیده شد در صور پس آن گاه ایشان از قبرها بسوی پروردگارشان میشتابند (51)
گفتند ای وای بر ما که برانگیخت ما را از خوابگاه ما اینست آنچه وعده داده بود ما را خدای بخشنده و راست گفتند مرسلان (52)
ترجمه قرآن، ص: 412
نباشد جز فریادی واحد پس آن گاه ایشانند جمع کرده شده نزد ما حاضر کرده شدگان (53)
پس امروز ظلم کرده نشود نفسی هیچ چیز و جزا داده نشوید جز آنچه هستید که میکنید (54)
بدرستی که اهل بهشت آن روزند در کاری شادی‌کنان (55)
ایشانند و جفتهاشان در سایه‌ها بر سریرها تکیه زنندگان (56)

مر ایشانراست در آن میوه و مر ایشانراست آنچه خواهش میکنند (57)
سلام گفتنی از پروردگار مهربان (58)
و جدا شوید امروز ای گناهکاران (59)
آیا پیمان نفرستادم بسوی شما ای بنی آدم که نپرستید شیطان را بدرستی که او مر شما راست دشمنی آشکار (60)
و اینکه بپرستید مرا و اینست راه راست (61)
و بتحقیق گمراه کرد از شما خلقی بسیار آیا پس نبودند که دریابند بعقل (62)
اینست دوزخی که بودید وعده داده میشدید (63)
بچشید حرارتش را امروز بسبب آنچه بودید که کفر میورزیدید (64)
امروز مهر میگذاریم بر دهنهاشان و سخن میکند با ما دستهاشان و گواهی میدهد پاهاشان بآنچه بودند که کسی میکردند (65)
و اگر میخواستیم هر آینه رقم محو کشیده بودیم بر چشمهاشان پس پیشی گرفته بودند راه را پس کجا میدیدند (66)
و اگر میخواستیم هر آینه مسخ میکردیم ایشان را بر جایشان پس نتوانستندی رفتن و نه برمیگشتند (67)
و کسی را که عمر دراز میدهیمش نگون میگردانیمش در خلق آیا پس در نمییابند بعقل (68)
و نیاموختیم او را شعر و نسزد مر او را نیست آن مگر پندی و قرآنی واضح (69)
تا بیم دهد کسی را که باشد زنده و ثابت شود سخن
ترجمه قرآن، ص: 413
بر کافران (70)
آیا ندیدند که ما آفریدیم برای ایشان از آنچه ساخت دستهای ما شتر و گاو و گوسفند پس ایشانند مر آنها را مالکان (71)
و رام گردانیدیم آنها را برای ایشان پس از آنهاست سواریشان و از آنها میخورند (72)
و مر ایشانراست در آنها منفعتها و آشامیدنها پس آیا شکر نمیکنند (73)
و گرفتند از غیر خدا الهان باشد که ایشان یاری کرده شوند (74)
نمیتوانند یاری کردن ایشان را و ایشان مر آنها را سپاهی‌اند حاضر کردگان (75)
پس نباید که اندوهگین سازد ترا گفتار ایشان بدرستی که ما میدانیم آنچه را مخفی میدارند و آنچه را ظاهر میکنند (76)
آیا ندید انسان که ما آفریدیم او را از منی پس آن گاه او خصومت کننده‌ایست آشکار (77)
و زد برای ما مثلی و فراموش کرد آفرینشش را گفت که زنده میگرداند

استخوانها را و آنهاست پوسیده (78)
بگو زنده میکندش آنکه آفرید آنها را نخستین بار و اوست بهر خلقی دانا (79)
آنکه گردانید برای شما از درخت سبز آتش را پس آن گاه شما از آن برمیافروزید (80)
آیا و نیست آنکه آفرید آسمانها و زمین را توانا بر آنکه آفریند مثلشان آری و اوست آفریدگار دانا (81)
جز این نیست امرش چون خواهد چیزی را آنکه میگوید مر او را بشو پس میشود (82)
پس دانم پاک بودن آنکه بدست اوست پادشاهی همه چیز و بسوی او برگردانیده میشوید (83)

ترجمه قرآن 447

بنام خداوند بخشاينده مهربان

ترجمه قرآن، ص: 414

بصف زدگان صف زدنى (1)

پس زجر كنندگان زجر كردنى (2)

پس قرائت كنندگان ذكرى را (3)

بدرستى كه اله شما هر آينه يكى است (4)

پروردگار آسمانها و زمين و آنچه ميان آن دو تا است و پروردگار مشرقها است (5)

بدرستى كه ما آراستيم آسمان نزديكتر را بزينتى كه ستاره‌ها است (6)

و نگهداشتنى از هر شيطان سركش (7)

گوش فرا نتوانند داشت بسوى جماعت بالاتر و انداخته ميشوند از هر سويى (8)

براى راندن و براى ايشانست عقوبت دايمى در آخرت (9)

مگر آنكه بدزديده ربود ربودنى پس از پى در آمد او را شعله فروزان روشن (10)

پس طلب بيان كن كه آيا ايشان سخترند از راه آفرينش يا آنان را كه آفريديم بدرستى كه ما آفريديم ايشان را از گل چسبنده (11)

بلكه تعجّب نمودى و استهزاء ميكنند (12)

و چون پند داده شوند پند نميگيرند (13)

و چون بينند آيتى استهزاء ميكنند (14)

و گويند نيست اين مگر جادويى آشكار (15)

آيا چون بميريم و بشويم خاك و استخوانها آيا مائيم هر آينه برانگيخته شوندگان (16)

يا پدران ما كه پيشينيانند (17)

بگو آرى و شمائيد خواران (18)

پس نيست اين جز فريادى واحد پس آن گاه ايشان مينگرند (19)

و ميگويند اى واى بر ما اينست روز جزا (20)

اينست روز تميزى كه بوديد آن را تكذيب ميكرديد (21)

جمع كنيد آنان را كه ستم كردند و اصنافشان را و آنچه بودند كه ميپرستيدند (22)

از غير خدا پس دلالت كنيد ايشان را براه دوزخ (23)

و باز داريد ايشان را بدرستى كه ايشانند پرسيده شدگان (24)

چیست شما را که یاری یکدگر نمیکنید (25)
بلکه ایشانند آن روز انقیاد کنندگان (26)
و روی آورند بعضیشان بر بعضی میپرسند از یکدگر
ترجمه قرآن، ص: 415
(27)
گفتند بدرستی که شما بودید که میآمدید از راست یعنی از راه خیر خواهی
(28)
گفتند بلکه نبودید مؤمنان یعنی باختیار خود (29)
و نبود مر ما را بر شما هیچ تسلّطی بلکه بودید گروهی زیاده روان (30)
پس ثابت شد بر ما سخن پروردگار ما بدرستی که مائیم هر آینه چشندگان
(31)
پس گمراه کردیم شما را بدرستی که ما بودیم گمراهان (32)
پس بدرستی که ایشان روزی چنین در عقوبت انبازانند (33)
بدرستی که ما چنین میکنیم با گناهکاران (34)
بدرستی که ایشان بودند چون گفته شد مر ایشان را که نیست الهی جز
خدا سرکشی میکردند (35)
و میگفتند آیا ما ترک کنندگانیم الاهانمان را برای شاعری دیوانه (36)
بلکه آمد بحقّ و تصدیق نمود مرسلان را (37)
بدرستی که شمائید هر آینه چشندگان عذاب پر درد (38)
و جزا داده نمیشوید جز آنچه بودید که میکردید (39)
مگر بندگان خدا که خالص کرده شدگانند (40)
آنها مر ایشانراست روزی معلوم (41)
میوه‌ها و ایشانند گرامی داشتگان (42)
در بهشتهای با ناز و نعمت (43)
بر تختها روبروی یکدیگر (44)
بگردش درآورده میشود بر ایشان پیاله از شراب جاری (45)
سفید که لذّتست مر آشامندگان را (46)
نه در آنست فسادی و نه ایشان از آن مست میشوند (47)
و نزد ایشانست زنان فرو هشته چشم فراخ حدقه (48)
گویا ایشان بیضهای شتر مرغ در ساتر نگهداشته‌اند (49)
پس روی آورند بعضیشان بر بعضی میپرسند از یکدیگر (50)
گفت گوینده از ایشان بدرستی که بود مرا همنشینی (51)
که میگفت آیا تو هر آینه از تصدیق کنندگانی (52)
که آیا چون بمیریم و بشویم خاکی و استخوانهایی آیا مائیم هر آینه جزا داده
شدگان (53)
گفت آیا شمائید فرو نگرندگان

پس فرانگریست پس دید او را در میانه دوزخ (55)
گفت بخدا که هر آینه نزدیک بود که هلاک گردانی مرا (56)
و اگر نبود نعمت پروردگارم هر آینه بودم از احضار شدگان (57)
آیا پس نباشیم ما مردگان (58)
جز مردنمان نخست و نباشیم ما عذاب کرده شدگان (59)
بدرستی که اینست هر آینه آن کامیابی بزرگ (60)
برای مثل این پس باید بکنند کنندگان (61)
آیا آن بهتر است در مایه ضیافت یا درخت زقوّم (62)
بدرستی که ما گردانیدیم آن را بلائی برای ستمکاران (63)
بدرستی که آن درختی است که بیرون میآید در قعر دوزخ (64)
شکوفه‌اش گویا که سرهای دیوها است (65)
پس بدرستی که ایشان هر آینه خورندگانند از آن پس پر کنندگانند از آن شکمها را (66)
پس بدرستی که مر ایشانراست بر آن هر آینه امیختنی از آب گرم (67)
پس بدرستی که بازگشت ایشانست هر آینه بسوی دوزخ (68)
بدرستی که ایشان یافتند پدرانشان را گمراهان (69)
پس ایشان بر اثرهاشان بشتاب میروند (70)
و بحقیقت گمراه شدند پیش از ایشان اکثر پیشینیان (71)
و بحقیقت فرستادیم در ایشان بیم کنندگان (72)
پس بنگر چگونه بود انجام بیم کرده شدگان (73)
جز بندگان خدا که خالص کرده شدگانند (74)
و بتحقیق خواند بند اما را نوح پس هر آینه خوب اجابت کنندگانیم (75)
و نجات دادیم او را و اهلش را از اندوه بزرگ (76)
و گردانیدیم اولادش را ایشان بازماندگان (77)
و واگذاشتیم بر او در پسینیان (78)
درود بر نوح در جهانیان (79)
بدرستی که ما همچنین پاداش میدهیم نیکوکاران را (80)
بدرستی اوست از بندگان ما که مؤمنانند (81)
پس غرق کردیم دیگران را (82)
و بدرستی که از پیروان اوست هر آینه ابراهیم (83)

وقتی که آمد پروردگارش را با دلی درست (84)
چون گفت مر پدرش را و قومش را که چه چیز است آنکه میپرستید (85)
آیا از راه دروغ الهان غیر خدا میخواهید (86)
پس چیست گمان شما بپروردگار جهانیان (87)

پس نگریست نگریستنی در نجوم (88)
پس گفت بدرستی که من بیمارم (89)
پس اعراض کردند از او پشت کنندگان (90)
پس بچاره جویی رفت بسوی الهانشان پس گفت آیا چرا نمیخورید (91)
چیست مر شما را که سخن نمیگوئید (92)
پس رفت بر ایشان زدنی بدست راست (93)
پس رو آوردند بسوی او میشتافتند (94)
گفت آیا میپرستید آنچه را که میتراشید (95)
و خدا آفرید شما را و آنچه را که میسازید (96)
گفتند بنا کنید برای او بنائی پس بیندازید او را در آتش بسیار شعله در انبوه (97)
پس خواستند باو چاره پس کردیمشان پایینان (98)
و گفت که من رونده بسوی پروردگارم زود باشد که هدایت کند مرا (99)
پروردگار من ببخش مر مرا از شایستگان (100)
پس مژده دادیمش به پسری بردبار (101)
پس رسید با او کوشش را گفت ای پسرک من بدرستی که من می‌بینم در خواب که ذبح میکنم ترا پس بنگر که چه می‌بینی گفت ای پدر من بکن آنچه فرموده شده زود باشد که بیابی مرا اگر خواسته باشد خدا از شکیبایان (102)
پس چون گردن نهادند و انداخت او را بیکطرف پیشانی (103)
و ندا کردیم او را که ای ابراهیم (104)
بتحقیق راست گردانیدی خواب را بدرستی که ما همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را (105)
بدرستی که اینست هر آینه آن امتحانی هویدا (106)
و فدا دادیم او را بذبحی بزرگ (107)
و واگذاشتیم بر او در پسینیان (108)
سلام بر ابراهیم (109)
همچنین جزا و پاداش دهیم نیکوکاران را
ترجمه قرآن، ص: 418
(110)
بدرستی که اوست از بندگان ما که مؤمنانند (111)
و بشارت دادیم او را باسحق پیغمبری از شایستگان (112)
و برکت کردیم بر او و بر اسحق و از نسل آن دو تا نیکوکار است و ستم کننده مر نفسش را آشکارا (113)
و بحقیقت منّت نهادیم بر موسی و هارون (114)
و نجات دادیم آن دو تا را و قومشان را از غمی بزرگ (115)

و یاری کردیم ایشان را پس بودند ایشان غالبان (116)
و دادیم آن دو تا را کتابی واضح (117)
و هدایت کردیم آن دو تا را راه راست (118)
و واگذاشتیم بر ایشان در پسینیان (119)
سلام بر موسی و هارون (120)
بدرستی که ما همچنین پاداش میدهیم نیکوکاران را (121)
بدرستی که آن دو تا انداز بندگان ما که گروندگانند (122)
و بدرستی که الیاس هر آینه از مرسلان است (123)
چون گفت مر قومش را آیا نمیپرهیزید (124)
آیا میخوانید بعل را و وامیگذارید بهترین آفرینندگان را (125)
خدا پروردگار شما و پروردگار پدران شما که پسینیانند (126)
پس تکذیب کردند او را پس بدرستی که ایشانند حاضر کردگان (127)
مگر بندگان خدا که خالص کردگانند (128)
و واگذاشتیم بر او در پسینیان (129)
سلام بر ال یاسین (130)
بدرستی که ما همچنین پاداش دهیم نیکوکاران را (131)
بدرستی که اوست از بندگان ما که گروندگانند (132)
و بدرستی که لوط هر آینه بود از مرسلان (133)
هنگامی که رهانیدیم او را و اهل او را همه (134)
جز پیر زنی در بازماندگان (135)
پس هلاک کردیم دیگران را (136)
و بدرستی که شما هر آینه میگذرید بر ایشان بامداد کنندگان (137)
و بشب آیا پس در نمییابید بعقل (138)
و بدرستی که یونس هر آینه از مرسلانست
ترجمه قرآن، ص: 419
(139)
وقتی که گریخت بسوی کشتی پر کرده شده (140)
پس قرعه زد پس شد از انداخته شدگان (141)
پس فرو بردش ماهی و او بود ملامت کننده (142)
پس اگر نه اینکه او بود از تسبیح کنندگان (143)
هر آینه میماند در شکمش تا روزی که برانگیخته میشوند (144)
پس انداختیمش در جایی بی پناه و او بود بیمار (145)
و رویانیدیم بر او درختی از کدو (146)
و فرستادیم او را بسوی صد هزار یا زیاد میآمدند (147)
پس ایمان آوردند پس کامران کردیمشان تا وقتی (148)
پس طلب بیان کن از ایشان آیا مر پروردگارت راست دختران و مر ایشان

را است پسران (149)
یا آفریدیم فرشتگان را مؤنّثها و ایشان بودند حاضران (150)
آگاه باش که ایشان از دروغشان هر آینه خواهند گفت (151)
فرزندان آورد خدا و بدرستی که ایشانند هر آینه دروغگویان (152)
آیا برگزید دختران را بر پسران (153)
چیست مر شما را چگونه حکم میکنید (154)
آیا پس پند نمیگیرید (155)
آیا مر شما راست حجّتی روشن (156)
پس بیارید کتابتان را اگر هستید راستگویان (157)
و گردانیدند میانه او و میانه جنّ نسبی و بحقیقت دانستند جنّ که هر آینه ایشانند احضار کرده شدگان (158)
دانم پاک بودن خدا را از آنچه وصف میکنند (159)
مگر بندگان خدا که خالص کرده شدگانند (160)
پس بدرستی که شما و آنچه میپرستید (161)
نیستید شما بر او تباه کنندگان (162)
مگر آن را که اوست در آینده در دوزخ (163)
و نیست از ما جز که مرا او راست مقامی معیّن (164)
و بدرستی که مائیم هر آینه صف زنندگان (165)
و بدرستی که مائیم هر آینه تسبیح کنندگان (166)
و اگر چه بودند که هر آینه میگفتند (167)
اگر اینکه بود نزد ما ذکری از پیشینیان (168)
ترجمه قرآن، ص: 420
هر آینه بودیم از بندگان خدا که از اهل اخلاصند (169)
پس کافر شدند بآن پس زود باشد که بدانند (170)
و بتحقیق که پیشی گرفت کلمه ما مر بندگان ما را که مرسلانند (171)
بدرستی که ایشان هر آینه ایشانند یاری شدگان (172)
و بدرستی که لشکر ما ایشانند غالبان (173)
پس روی بگردان از ایشان تا وقتی (174)
و ببین ایشان را پس زود باشد که به بینند (175)
آیا پس عذاب ما را بشتاب میخواهند (176)
پس چون فرود آمد بفضای ایشان پس بد است صباح بیم شدگان (177)
و روی بگردان از ایشان تا هنگامی (178)
و ببین پس زود باشد که به بینند (179)
دانم پاک بودن پروردگار تو پروردگار عزّت از آنچه وصف میکنند (180)
و سلام بر مرسلان (181)
و ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیان است (182)

سورة ص مكّيّة و هى ثمان و ثمانون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم بقرآن صاحب ذكر (1)
بلكه آنان كه كافر شدند در سركشى و مخالفتند (2)
بسا كه هلاک گردانيديم از پيش ايشان از اهل روزگار گذشته پس ندا كردند و نبود آن هنگام گريز (3)
و عجب داشتند كه آمد ايشان را بيم كننده از ايشان و گفتند كافران كه اين جادوگريست بسيار دروغگو (4)
آيا گردانيد الهان را اله واحد بدرستى كه اين هر آينه باشد چيزى عجيب (5)
و رفتند آن جمع از ايشان كه برويد و شكيبايى ورزيد بر الهانتان بدرستى كه اين هر آينه چيزيست كه خواسته ميشود (6)
نشنيديم ما اين را در كيش آخرين نيست اين
ترجمه قرآن، ص: 421
جز دروغ ساختنى (7)
آيا فرو فرستاده شد بر او ذكر از ميان ما بلكه ايشانند در شکّ از ذكر من بلكه هنوز نچشيده‌اند عذاب مرا (8)
آيا نزد ايشانست خزينها رحمت پروردگارت كه غالب بخشاينده است (9)
يا مر ايشانراست پادشاهى آسمانها و زمين و آنچه ميان آنهاست پس بايد كه بالا روند در سببها (10)
لشكرى‌اند آنجا شكسته شده از طايفه‌هاى دشمن (11)
تكذيب كردند پيش از ايشان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب ميخها (12)
و ثمود و قوم لوط و اهل ايكه آنها بودند طايفه‌هاى دشمن (13)
نبودند همه جز كه تكذيب نمودند رسولان را پس لازم شد عقوبت من (14)
و انتظار نميبرند آنها جز فريادى واحد كه نيست مر آن را هيچ زيستنى (15)
و گفتند پروردگار ما زود بده مر ما را حصّه ما را پيش از روز شمار (16)
صبر كن بر آنچه ميگويند و ياد كن بنده ما را داود صاحب قوّت بدرستى كه او بود رجوع كننده (17)
بدرستى كه ما رام كرديم كوه‌ها را كه با او تسبيح ميگفتند بشبانگاه و وقت برآمدن آفتاب (18)
و پرنده را جمع كرده شده همه بودند مر او را رجوع كننده (19)
و سخت گردانيديم پادشاهيش را و داديم او را حكم و تميز گفتار يعنى بيان روشن بى اشتباه (20)

و آیا آمد ترا خبر منازعان هنگامی که بالا رفتند بدیوار عبادتخانه (21)
وقتی که داخل شدند بر داود پس ترسید از ایشان گفتند مترس که دو فرقه منازعیم ستمکرده بعضیمان بر بعضی پس حکم کن میان ما بحقّ و جور مکن و هدایت کن ما را بسوی راه راست (22)
بدرستی که این برادر من مر او راست نود و نه میش و مراست میش واحد پس گفت واگذار بمن آن را
ترجمه قرآن، ص: 422
و مغلوب کرد مرا در آن مطالب (23)
گفت بتحقیق ستمکرده بتو بخواستن میش تو بسوی میشهای خود و بدرستی که بسیاری از با هم آمیختگان هر آینه ستم میکنند بعضیشان بر بعضی مگر آنان که گردیدند و کردند کارهای شایسته و اندکی از ایشان و گمان برد داود که ما آزمودیم او را پس آمرزش خواست از پروردگارش و بر وی در افتاد رکوع‌کنان و بازگشت نمود (24)
پس آمرزیدیم مر او را آن و بدرستی که مر او راست نزد ما هر آینه قرب و خوبی بازگشت (25)
ای داود بدرستی که ما گردانیدیم ترا خلیفه در زمین پس حکم کن میان مردمان بحقّ و پیروی مکن خواهش نفس را پس بیرون برد ترا از راه خدا بدرستی که آنان که بیرون میبرند از راه خدا مر ایشانراست عقوبتی سخت با آنکه فراموش کردند روز حساب را (26)
و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه میانه آن دو تاست بیهوده اینست گمان آنان که کافر شدند پس وای بر آنان که کافر شدند از آتش (27)
یا میگردانیم آنان را که گرویدند و کردند کارهای شایسته چون فساد کنندگان در زمین یا میگردانیم پرهیزکاران را چون نابکاران (28)
کتابیست که فرو فرستادیم آن را بتو برکت داده شده تا تامّل کنند در آیتهایش و تا پند گیرند صاحبان خردها (29)
و بخشیدیم مر داود را سلیمان خوب بنده بود بدرستی که او بود رجوع کننده (30)
هنگامی که عرض کرده شد بر او طرف عصر اسبان بتمام سمّ دو پا و یک دست و کنار سمّ یک دست ایستاده تیزرو (31)
پس گفت بدرستی که من دوست داشتم دوستی اسب از ذکر پروردگارم تا پنهان شد در حجاب (32)
برگردانید آنها را بمن پس شروع کرد مسح کردنی بساقها و گردنها
ترجمه قرآن، ص: 423
(33)
و بتحقیق آزمودیم سلیمان را و انداختیم بر کرسیش بدنی را پس رجوع کرد (34)

گفت پروردگار من بیامرز مرا و ببخش مرا پادشاهی که سزاوار نباشد برای احدی پس از من بدرستی که تو تویی بغایت بخشاینده (35)
پس مسخّر کردیم برای او باد که میرفت بفرمان او بآهستگی هر جا که اراده کرده بود (36)
و دیوها را هر بنا کننده و هر فرو رونده بدریا (37)
و دیگران را قرین کرده شدگان در غلها (38)
اینست بخشش ما پس عطا کن یا نگاهدار بدون شمار (39)
و بدرستی که مر او راست نزد ما هر آینه قربی و خوبی بازگشت (40)
و یاد کن بنده ما ایّوب را هنگامی که خواند پروردگارش را که مسّ کرد مرا شیطان برنجی و آزاری (41)
بزن پایت را بزمین این چشمه‌ایست بجهة شست و شوی سرد است و آشامیدنی (42)
و بخشیدیم او را کسانش را و مثلشان را با ایشان رحمتی از ما و پندی مر صاحبان خردها را (43)
و بگیر بدستت دسته پس بزن بآن و خلاف سوگند مکن بدرستی که ما یافتیم او را شکیبا خوب بنده بود بدرستی که او بود رجوع کننده (44)
و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحق و یعقوب را صاحبان قوّتها در دین و معرفت و دیدها (45)
بدرستی که ما خالص گردانیدیم ایشان را بخصلت بیغشی که فکر آن سراست (46)
و بدرستی که ایشان نزد ما هر آینه از برگزیدگان که نیکانند (47)
و یاد کن اسمعیل و الیسع و ذو الکفل را و همه از نیکانند (48)
این ذکری است بدرستی که برای پرهیزکارانست هر آینه خوبی بازگشت (49)
بهشتهای جای اقامت دائم گشاده شده برای ایشان درها (50)
تکیه زنندگان در آنها میخواهند در آنها
ترجمه قرآن، ص: 424
میوه بسیار و شراب را (51)
و نزد ایشانست زنان فرو هشته چشم هم سن (52)
اینست آنچه وعده داده میشدید برای روز شمار (53)
بدرستی که اینست هر آینه روزی ما نیست مر آن را هیچ بآخر رسیدنی (54)
اینست و بدرستی که از برای زیاده روان در عصیان است بدی بازگشت (55)
دوزخست که داخل میشوند در آن پس بد بستریست (56)
اینست پس باید که بچشید آن را آب جوشانست و چرک جراحت (57)

و ديگرى از مثل او كه اصنافست (58)
آن جمعيست انبوه داخل كرده شده با شما خوش مباد ايشان را كه ايشانند در آيندگان آتش (59)
گفتند بلكه شمائيد مباد مرحبا شما را شما پيش فرستاديد آن را براى ما پس بد قرارگاهيست (60)
گفتند پروردگار ما كسى كه پيش فرستاد براى ما اين را پس زياد كن عقوبتش را دو چندان در آتش (61)
و گفتند چيست ما را كه نمى‌بينيم مردانى را كه بوديم ميشمرديمشان از شريران (62)
آيا گرفتيم ايشان را باستهزاء يا گرديد از ايشان ديده‌ها (63)
بدرستى كه اين هر آينه راستست كه منازعه اهل آتش است (64)
بگو جز اين نيست كه من بيم كننده‌ام و نيست هيچ الهى جز خدا كه يگانه قهر كننده است (65)
پروردگار آسمانها و زمين و آنچه ميان دو تاست غالبيست كه آمرزنده است (66)
بگو آن خبريست بزرگ (67)
كه شما از آن رو گردانندگانيد (68)
نبود مرا هيچ دانشى بجمع برتر هنگامى كه گفتگو ميكردند (69)
وحى كرده نميشود بمن مگر آنكه البتّه منم بيم دهنده روشن (70)
وقتى كه گفت پروردگار تو مر ملائكه را بدرستى كه من آفريننده‌ام انسانى را از گل (71)
پس چون درست كردمش و دميدم در آن از روحم پس بروى در افتيد مر او را سجده‌كنان (72)
پس سجده كردند
ترجمه قرآن، ص: 425
ملائكه همه ايشان جملگى (73)
جز ابليس كه سركشى نمود و بود از ناگروندگان (74)
گفت اى ابليس چه بازداشت ترا از آنچه سجده كنى مر آنچه را آفريدم بدو دست قدرتم تكبّر كردى يا بودى از بلند مرتبگان (75)
گفت من بهترم از او آفريدى مرا از آتش و آفريدى او را از گل (76)
گفت پس بيرون رو از آن پس بدرستى كه تويى رانده شده (77)
و بدرستى كه بر تو است لعنت من تا روز جزا (78)
گفت پروردگار من پس مهلت ده مرا تا روزى كه برانگيخته شوند (79)
گفت بدرستى كه تويى از مهلت داده شدگان (80)
تا روز آن وقت معلوم (81)
گفت پس بعزّت تو كه هر آينه گمراه خواهم كرد ايشان را همه (82)

جز بندگان ترا از ایشان که خالص کرده شدگانند (83)
گفت پس درستست و راستست میگویم که هر آینه پر خواهم کرد (84)
البتّه دوزخ را از تو و از کسی که پیروی کند ترا از ایشان همگی (85)
بگو نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی و نیستم من از بر خود بستگان (86)
نیست آن مگر پندی مر جهانیان را (87)
و هر آینه خواهید دانست خبرش را پس از هنگامی (88)

سورة الزّمر مكّيّة و هى خمس و سبعون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
فرو فرستادن آن كتابست از خداى غالب درست كردار (1)
بدرستى كه ما فرو فرستاديم بتو آن كتاب را براستى پس بپرست خدا را خالص دارنده برايش دين را (2)
دانسته باشيد كه براى خداست دين خالص و آنان كه فرا گرفتند از غيرش دوستان
ترجمه قرآن، ص: 426
نميپرستيم ايشان را جز براى اينكه نزديک كنند ما را بخدا نزديک گردانيدنى بدرستى كه خدا حكم ميكند ميانشان در آنچه ايشان در آن اختلاف ميكنند بدرستى كه خدا هدايت نميكند كسى را كه اوست دروغگوى ناسپاس (3)
اگر خواسته بود خدا كه بگيرد فرزندى هر آينه برگزيده بود از آنچه مى‌آفريند آنچه را ميخواست دانم پاک بودنش را اوست خداى يگانه قهر كننده (4)
آفريد آسمانها و زمين را براستى ميافزايد شب را بر روز و ميافزايد روز را بر شب و مسخّر كرد آفتاب و ماه را همه ميروند براى وقتى نامبرده شده دانسته باشيد كه او عزيز آمرزنده است (5)
آفريد شما را از نفسى واحد پس برگردانيد از آن جفتش را و فرو فرستاد براى شما از شتر و گاو و گوسفند هشت جفت مى‌آفريند شما را در شكمهاى مادرانتان آفريدنى از بعد آفريدنى در تاريكيهاى سه گانه اين است خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهى نيست الهى جز او پس بكجا برگردانيده ميشويد (6)
اگر كافر ميشويد پس بدرستى كه خدا بى نياز است از شما و نمى‌پسندد براى بندگانش كفر را و اگر شكر كنيد مى‌پسندد آن را براى شما و برنميدارد بار بردارنده بار گناه ديگرى را پس بسوى پروردگار شماست بازگشت شما پس خبر دهد شما را بآنچه بوديد كه ميكرديد بدرستى كه او داناست بذات سينه‌ها (7)
و چون مسّ كند انسان را ضررى بخواند پروردگارش را بازگشت‌كنان باد پس چون دهد او را نعمتى از خود فراموش كند آنچه را كه بود ميخواند بآن از پيش و گردانيد براى خدا همتايان تا گمراه كند از راه او بگو برخوردارند بكفرت اندكى بدرستى كه تويى از اهل آتش (8)
آيا كسى كه اوست
ترجمه قرآن، ص: 427
عبادت كننده در اوقات شب سجده كننده و ايستاده بيم دارد از آخرت و اميد ميدارد بخشش پروردگارش را بگو آيا يكسانست آنان كه ميدانند و

آنان که نمیدانند جز این نیست که پند میگیرند صاحبان خردها (9)
بگو ای بندگان من آنان که ایمان آوردید پرهیزید از پروردگارتان برای آنان که خوبی کردند در این دنیا خوبی است و زمین خدا وسیع است جز این نیست تمام داده میشوند صبر کنندگان مزدشان را بدون شمار (10)
بگو بدرستی که من فرموده شده‌ام که بپرستم خدا را خالص دارنده برایش دین را (11)
و فرموده شده‌ام که باشم اوّل مسلمانان (12)
بگو بدرستی که من میترسم اگر نافرمانی کنم پروردگارم را از عذاب روزی بزرگ (13)
بگو خدا را میپرستم خالص کننده برایش دینم را (14)
پس بپرستید آنچه را خواهید از غیر او بگو بدرستی که زیانکاران آنانند که زیان کردند در نفسهاشان و کسانشان روز قیامت دانسته باشید که آن است آن زیان آشکار (15)
مر ایشانراست از بالاشان سایبانها از آتش و از زیرشان سایبانها آن بیم میدهد خدا بآن بندگانش را ای بندگان من بپرهیزید از من (16)
و آنان که اجتناب کردند از طاغوت که بپرستند آن را و بازگشت نمودند بخدا مر ایشانراست مژدگانی پس مژده ده بندگان مرا
آنان که میشنوند سخن را پس پیروی میکنند خوبترش را آنها آنانند که هدایت کرد ایشان را خدا و آنها ایشانند صاحبان خردها (18)
آیا پس آنکه لازم شد بر او سخن عذاب آیا پس تو نجات میدهی آن را که باشد در آتش (19)
لیکن آنان که ترسیدند از پروردگارشان برای ایشانست غرفهایی که بالای آنهاست غرفها
ترجمه قرآن، ص: 428
بنا کرده شده که میرود از زیر آنها نهرها وعده دادن خدا خلاف نمیکند خدا وعده را (20)
آیا نه بینی که خدا فرو فرستاده از آسمان آب را پس روان گردانید آن را چشمه‌ها در زمین پس بیرون آورد بآن کشتی را که مختلف است اصنافش پس خنک میشود پس بینی آن را زرد شده پس میگرداند آن را شکسته ریزها بدرستی که در آن هر آینه پندیست مر صاحبان خردها را (21)
آیا پس کسی که گشادگی داد خدا سینه‌اش را برای اسلام پس اوست بر نوری از پروردگارش پس وای بر آنان که سخت است دلهای ایشان از یاد خدا آنهااند در گمراهی روشن (22)
خدا فرو فرستاد بهترین سخن را کتابی متشابه مثانی که میلرزد از آن پوستهای آنان که میترسند از پروردگارشان پس نرم میشود پوستهاشان و دلهاشان بذکر خدا آن ارشاد خداست که هدایت میکند بآن کسی را که

میخواهد و کسی را که اضلال کند خدا پس نیست مر او را هیچ هدایت کننده (23)
آیا پس کسی که نگاهداری کند برویش از بدی عذاب روز قیامت و گفته شد مر ظالمان را که بچشید آنچه بودید که کسب میکردید (24)
تکذیب کردند آنان که بودند پیش از ایشان پس آمد ایشان را عقوبت از جایی که نمیدانستند (25)
پس چشانید ایشان را خدا خواری در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت بزرگتر است اگر باشند که بدانند (26)
و بتحقیق زدیم از برای مردمان در این قرآن از هر مثلی باشد که ایشان پند گیرند (27)
قرآن عربی نه صاحب کجی باشد که ایشان بپرهیزند (28)
زد خدا مثلی مردی در آن شریکانند مخالفان یکدیگر و مردی خالص
ترجمه قرآن، ص: 429
مر مردی را آیا یکسانند در حالت ستایش مر خدا را بلکه اکثر ایشان نمیدانند (29)
بدرستی که تو میرنده و بدرستی که ایشانند میرندگان (30)
پس بدرستی که شما روز قیامت نزد پروردگارتان نزاع میکنید (31)
پس کیست ظالمتر از آنکه دروغ بست بر خدا و تکذیب نمود راست را چون آمد او را آیا نیست در دوزخ مقام مر کافران را (32)
و آنکه آورد صدق را و تصدیق نمود آن را آن گروه ایشانند پرهیزکاران (33)
مر ایشانراست آنچه خواهند نزد پروردگارشان آنست پاداش نیکوکاران (34)
تا محو کند خدا از ایشان بدترین آنچه کردند و پاداش دهد ایشان را مزدشان بخوبترین آنچه بودند که میکردند (35)
آیا نیست خدا کفایت کننده بنده‌اش را و میترسانند ترا به آنانکه از غیر اویند و کسی را که اضلال کرد خدا پس نیست مر او را هیچ هدایت کننده (36)
و کسی را که هدایت کرد خدا پس نیست مر او را هیچ گمراه کننده آیا نیست خدا غالب صاحب انتقام (37)
و اگر بپرسی از ایشان که که آفرید آسمانها و زمین را هر آینه خواهند گفت البتّه که خداست بگو آیا پس خبر دهید آنچه میخوانید از غیر خدا اگر خواست بمن خدای ضرری آیا ایشانند دفع کننده ضررش یا خواست بمن رحمتی آیا ایشانند نگاهدارندگان رحمتش بگو بس است مرا خدا بر او توکّل میکنند توکّل کنندگان (38)
بگو ای گروه بکنید بر تواناییتان بدرستی که من کننده‌ام پس زود باشد که

بدانید (39)
کسی را که آیدش عذابی که خوار کند او را و فرود آید بر او عذابی پاینده (40)
بدرستی که ما فرو فرستادیم بر تو آن کتاب را برای مردمان بحقّ پس کسی که

هدایت یافت پس باشد برای نفسش و کسی که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود بر آن و نیستی تو بر ایشان نگهبان (41)
خدا قبض میکند روحها را وقت مردنش و آنکه نمرده است در خوابش پس نگاه میدارد آن را که گزارش داد بر آن مرگرا و میفرستد دیگری را تا وقتی نامبرده شده بدرستی که در آن هر آینه آیتهاست برای گروهی که فکر میکنند (42)
آیا گرفتند از غیر خدا شفیعان بگو آیا و اگر چه باشند که مالک نمیباشند چیزی را و نه فهمند (43)
بگو مر خدا راست شفاعت همگی مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین پس بسوی او برگردانیده میشوید (44)
و چون ذکر کرده شود خدا تنها در هم شود دلهای آنان که ایمان نمی‌آورند بآخرت و چون ذکر کرده شوند آنان که از غیر اویند آن گاه ایشان شاد میشوند (45)
بگو بار خدایا پدید آورنده آسمانها و زمین دانای غیب است و حضور تو حکم میکنی میان بندگانت در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند (46)
و اگر آنکه بودی مر آنان را که ستم کردند آنچه در زمین است همگی و مثلش با او هر آینه فدا میدادند بآن از بدی عقوبت روز قیامت و ظاهر شد مر ایشان را از خدا آنچه نبودند که گمان بردند (47)
و ظاهر شد مر ایشان را بدیهای آنچه کسب کردند و احاطه کرد بایشان آنچه بودند که بآن استهزاء میکردند (48)
پس چون مسّ کند انسان را ضرری بخواند ما را پس چون دادیم او را نعمتی از ما گوید جز این نیست که داده شدم آن را بر علمی بلکه آن بلائیست و لیکن اکثر ایشان نمیدانند (49)
بتحقیق گفتند آن را آنان که بودند پیش از ایشان پس

کفایت نکرد از ایشان آنچه بودند که کسب میکردند (50)
پس رسید ایشان را بدیهای آنچه کسب کردند و آنان که ستم کردند از اینها بزودی میرسد ایشان را بدیهای آنچه کسب کردند و نیستند ایشان عاجز کنندگان (51)
آیا ندانستند که خدا گشاده میگرداند روزی را برای کسی که میخواهد و

تنگ میگرداند بدرستی که در آن هر آینه آیتهاست مر گروهی را که ایمان میآوردند (52)
بگو ای بندگان من که اسراف کردند بر خودهاشان نومید مشوید از رحمت خدا بدرستی که خدا میآمرزد گناهان را همه بدرستی که او اوست آمرزنده مهربان (53)
و بازگشت کنید بسوی پروردگارتان و انقیاد ورزید مر او را پیش از آنکه آید شما را عذاب پس یاری کرده نشوید (54)
و پیروی کنید بهترین آنچه فرو فرستاده شد بشما از پروردگارتان پیش از آنکه آید شما را عذاب ناگاه و شما ندانسته باشید (55)
آنکه گوید نفسی ای اندوه و پشیمانی بر آنچه تقصیر کردم در قرب خدا و بدرستی که بودم هر آینه از استهزاء کنندگان (56)
یا گوید اگر آنکه خدا هدایت کرده بود مرا هر آینه بودم از پرهیزکاران (57)
یا گوید وقتی که بیند عذاب را کاش بودی مرا بازگشتی پس میشدم از نیکوکاران (58)
آری بتحقیق آمد ترا آیتهای من پس تکذیب نمودی آن را و سرکشی کردی و شدی از کافران (59)
و روز قیامت خواهی دید آنها را که دروغ بستند بر خدا رویهاشان سیاه شده آیا نیست در دوزخ مقام مر تکبّر کنندگان را (60)
و میرهاند خدا آنان را که پرهیزکار شدند بوسیلهای رستکاریشان من نکند ایشان را بدی و نه ایشان اندوهناک شوند (61)
خداست
ترجمه قرآن، ص: 432
آفریننده همه چیز و اوست بر همه چیزی نگهبان (62)
مر او راست کلیدهای آسمانها و زمین و آنان که کافر شدند بآیتهای خدا آنها ایشانند زیانکاران (63)
بگو آیا پس غیر خدا را میفرمائیدم که بپرستم ای نادانان (64)
و بتحقیق وحی کرده شد بتو و بآنها که بودند پیش از تو که اگر شرک آوری هر آینه نابود خواهد شد عملت و هر آینه خواهی شد البتّه از زیانکاران (65)
بلکه خدا را پس بپرست و باش از شکر کنندگان (66)
و نشناختند خدا را حقّ شناختنش و زمین همه گرفته شده در دست اوست روز قیامت و آسمانها پیچیده شدگانند در دست راستش پاکا او و برتر آمد از آنچه شریک میگردانند (67)
و دمیده شد در صور پس بیهوش شد آنکه بود در آسمانها و آنکه بود در زمین جز آنکه خواست خدا پس دمیده شد در آن دیگر پس آن گاه ایشانند ایستادگان که مینگرند (68)

و روشن شد زمین بنور پروردگارش و نهاده شد کتاب و آورده شدند پیغمبران و شهیدان و حکم کرده شد میانشان براستی و ایشان ظلم کرده نمیشوند (69)
و تمام داده شد هر نفسی آنچه را که کرده بود و اوست داناتر بآنچه میکنند (70)
و رانده شدند آنان که کافر شدند بسوی دوزخ فوج فوج تا چون آمدند آن را و گشوده شد درهایش و گفتند مر ایشان را خازنانش آیا نیامد شما را رسولانی از شما که میخواندند بر شما آیتهای پروردگارتان را و بیم میکردند شما را ملاقات روزتان این گفتند آری و لیکن لازم آمد سخن عقوبت بر کافران (71)
گفته شد که داخل شوید
ترجمه قرآن، ص: 433
در درهای دوزخ جاودانیان در آن پس بد است مقام تکبّر کنندگان (72)
و رانده شدند آنان که ترسیدند از پروردگارشان بسوی بهشت فوج فوج تا چون آمدند آن را و گشوده شد درهایش و گفتند مر ایشان را خازنانش سلام بر شما پاک شدید پس داخل شوید آن را جاودانیان (73)
و گفتند ستایش مر خدایی را که راست گردانید بما وعده‌اش را و بمیراث داد ما را آن زمین که مسکن سازیم از بهشت هر جا که خواهیم پس خوبست مزد عمل کنندگان (74)
و بینی فرشتگان را فرو گرفتگان از پیرامون عرش تسبیح میکنند بستایش پروردگارشان و حکم کرده شد میانشان براستی و گفته شد ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیان است (75)

سورة المؤمن مكّيّة و هى خمس و ثمانون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
فرو فرستادن كتاب از خداى غالب دانا (2)
آمرزنده گناه و پذيرنده توبه سخت عقوبتست صاحب نعمت نيست الهى جز او بسوى اوست مرجع (3)
مجادله نميكند در آيتهاى خدا مگر آنان كه كافر شدند پس نبايد كه فريب دهد ترا گرديدنشان در شهرها (4)
تكذيب كردند پيش از ايشان قوم نوح و طوايف دشمن از بعد ايشان و قصد كردند هر امّتى برسولشان كه بگيرند او را و مجادله كردند بباطل تا ما چيز كنند بآن حقّ را پس گرفتيم ايشان را پس چگونه بود
ترجمه قرآن، ص: 434
عقوبت من (5)
و همچنين لازم شد سخن پروردگار تو بر آنان كه كافر شدند كه ايشانند اهل آتش (6)
آنان كه بر ميدارند عرش را و آنان كه پيرامونشند تسبيح ميكنند بستايش پروردگارشان و ميگروند بآن و آمرزش ميطلبند از براى آنان كه گرويدند پروردگار ما گنجايش دادى همه چيز را از راه بخشش و دانش پس بيامرز مر آنان را كه توبه كردند و پيروى نمودند راه ترا و نگهدارشان از عذاب دوزخ (7)
پروردگار ما و در آورشان در بهشتهاى جاى اقامت دائمى كه وعده دادى ايشان را و آن را كه شايسته شد از پدرانشان و جفتهاشان و اولادشان بدرستى كه تو تويى غالب حكيم (8)
و نگهدارشان از بديها و هر كه را كه نگهدارى از بديها در روز چنين پس بتحقيق بخشيدى او را و اينست آن كاميابى بزرگ (9)
بدرستى كه آنان كه كافر شدند ندا كرده شوند كه هر آينه دشمنى كردن خدا بزرگتر است از دشمنى شما با خودهاتان هنگامى كه خوانده ميشديد بايمان پس كافر ميشديد (10)
گفتند پروردگار ما ميرانيدى ما را دو بار و زنده گردانيدى ما را دو بار پس اعتراف كرديم بگناهانمان پس آيا باشد بسوى بيرون آمدن هيچ راهى (11)
اين بآنست كه چون خوانده شد خدا تنها انكار كرديد و اگر شريک كرده شد باو ميگرويديد پس حكم مر خدايراست كه رفيع بزرگست (12)
اوست كه مينمايد بشما آيتهايش را و فرو ميفرستد براى شما از آسمان روزى را و پند نميگيرد جز كسى كه بازگشت مينمايد (13)
پس بخوانيد خدا را خالص كنندگان براى او دين را و اگر چه ناخوش داشتند

کافران (14)
بلند مراتب صاحب عرش میافکند روح را از امرش بر آنکه میخواهد از بندگانش
ترجمه قرآن، ص: 435
تا بیم کند روز ملاقات را (15)
روزی که ایشانند ظاهران پوشیده نمیباشد بر خدا از ایشان چیزی مرکز است پادشاهی آن روز مر خدا راست که یکتای قهر کننده است (16)
امروز جزا داده میشود هر نفسی بآنچه کسب کرد نیست ستمی امروز بدرستی که خدا زود حسابست (17)
و بیم کن ایشان را از روز آن نزدیک وقتی که دلهاست نزد حلقها خشم فرو خورندگان نیست مر ظالمان را هیچ خویشی و نه در خواهنده که اطاعت کرده شود (18)
میداند خیانت چشمها را و آنچه را پوشیده میدارند سینه‌ها (19)
و خدا حکم میکند بحقّ و آنان را که میخوانند از غیر او حکم نمیتوانند کرد بچیزی بدرستی که خدا اوست شنوای بینا (20)
آیا و سیر نکردند در زمین پس بنگرند چگونه بود انجام کار آنان که بودند پیش از ایشان بودند آنها سختر از ایشان در توانایی و اثرها در زمین پس گرفت ایشان را خدا بگناهانشان و نبود مر ایشان را از خدا هیچ نگهدارنده (21)
آن بسبب آنست که ایشان بودند که میآمد ایشان را رسولانشان با معجزات پس کافر شدند پس گرفتشان خدا بدرستی که او نیرومند سخت عقوبتست (22)
و بتحقیق فرستادیم موسی را بآیتهای ما و حجّتی روشن (23)
بسوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند ساحریست بسیار دروغگو (24)
پس چون آورد ایشان را حقّ از نزد ما گفتند بکشید پسران آنان که گرویدند با او و زنده گذارید زنان ایشان را و نیست حیله کافران مگر در گمراهی (25)
و گفت فرعون بگذارید مرا که بکشم موسی را و باید که بخواند پروردگارش را بدرستی که من میترسم که بدل کند دین شما را یا
ترجمه قرآن، ص: 436
آنکه بظهور آورد در زمین تباهی را (26)
و گفت موسی بدرستی که من پناه میبرم بپروردگارم و پروردگار شما از هر تکبّر کننده که نمیگرود بروز شمار (27)
و گفت مردی گرونده از کسان فرعون که پنهان میداشت ایمان خود را آیا میکشید مردی را که میگوید پروردگار من خداست و بتحقیق آورده است شما را بیّنتها از پروردگارتان و اگر باشد دروغگوی پس بر اوست دروغش

و اگر باشد راستگوى برسد شما را برخى از آنچه وعده ميدهد شما را بدرستى كه خدا هدايت نميكند كسى را كه اوست اسراف كننده دروغگوى (28)
اى جماعت مر شمار است پادشاهى امروز غالبان در زمين پس كيست كه يارى كند ما را از عذاب خدا اگر آيد ما را گفت فرعون كه نمى‌نمايم شما را جز آنچه مى‌بينم و هدايت نميكنم شما را مگر راه راستى (29)
و گفت آنكه ايمان آورد اى جماعت بدرستى كه من ميترسم بر شما مثل روز طايفهاى دشمن (30)
مانند شيوه قوم نوح و عاد و ثمود و آنان كه بودند از بعد ايشان و نيست خدا كه بخواهد ستمى مر بندگان را (31)
و اى جماعت بدرستى كه من ميترسم بر شما روز بيكديگر ندا كردن را (32)
روزى كه برگردانيده شوند وا پس روندگان نباشند مر شما را از خدا هيچ نگهدارنده و هر كه را اضلال كند خدا پس نيست مر او را هيچ راه نماينده (33)
و بتحقيق آمد شما را يوسف از پيش با بيّنتها پس پيوسته بوديد در شكّ از آنچه آورد شما را بآن تا چون هلاک شد گفتيد هرگز بر نه انگيزد خدا از بعد او رسولى همچنين اضلال ميكند خدا كسى را كه اوست اسراف كننده شكّ آورنده (34)
آنان كه جدال ميكنند
ترجمه قرآن، ص: 437
در آيتهاى خدا بدون حجّتى كه آمد ايشان را عظيم آمد از راه دشمنى نزد خدا و نزد آنان كه گرويدند همچنين مهر ميگذارد خدا بر هر دل تكبّر كننده جفا كارى (35)
و گفت فرعون اى هامان بنا كن براى من بنائى رفيع باشد كه برسم بوسيله‌ها (36)
وسيله‌هاى آسمانها پس آگاهى يابم باله موسى و بدرستى كه من هر آينه گمان ميبرم او را دروغگوى و همچنين آراسته شد از براى فرعون بدى كردارش و باز داشته شد از راه و نيست چاره‌گرى فرعون مگر در زيانكارى (37)
و گفت آنكه ايمان آورد اى قوم من پيروى كنيد مرا تا هدايت كنم شما را براه راستى (38)
اى جماعت جز اين نيست كه اين زندگانى دنيا مايه اندک تعيّشى است و بدرستى كه آخرت آنست سراى آرام (39)
آنكه كرد بدى را پس جزا داده نميشود مگر مانندش و آنكه كردگارى شايسته از مذكّر يا مؤنّث و او گرونده است پس ايشان داخل ميشوند در

بهشت روزی داده میشوند در آن بیشمار (40)
و ای جماعت چیست مرا که میخوانم شما را بسوی نجات و میخوانید مرا بسوی آتش (41)
میخوانید مرا که کافر شوم بخدا و شریک سازم باد آنچه نیست مرا بآن دانشی و من میخوانم شما را بسوی خدای غالب آمرزنده (42)
ناچار است که آنچه را میخوانید مرا بسوی آن نیست مر او را خواندنی در دنیا و نه در آخرت و اینکه بازگشت ما بسوی خداست و اینکه اسراف کنندگان ایشانند اهل آتش (43)
پس بزودی یاد خواهید کرد آنچه میگویم مر شما را و باز میگذارم کارم را بخدا بدرستی که خدا بینا است ببندگان (44)
پس نگهداشت او را
ترجمه قرآن، ص: 438
خدا از بدیهای آنچه اندیشیدند و احاطه کرد بکسان فرعون بدی عقوبت (45)
آتش عرض کرده میشوند بر آن بامداد و شبانگاه و روزی که قایم شود قیامت داخل کنید کسان فرعون را در سختترین عقوبت (46)
و هنگامی که منازعه میکنند در آتش پس میگویند ضعیفان مر آنان را که بزرگی کردند بدرستی که ما بودیم مر شما را پیروان پس آیا شما هستید کفایت کنندگان از ما بهره‌ایرا از آتش (47)
گفتند آنان که بزرگی کردند بدرستی که ما همه در آنیم بدرستی که خدا بتحقیق حکم کرد میان بندگان (48)
و گفتند آنان که در آتشند مر خازنان دوزخ را بخوانید پروردگارتان را سبک گرداند از ما روزی از عذاب را (49)
گفتند آیا نبود که میآمد شما را رسولانتان با بیّنتها گفتند آری گفتند پس بخوانید و نیست خواندن کافران مگر در گمراهی (50)
بدرستی که ما هر آینه یاری کنیم رسولانمان را و آنان که گرویدند در زندگانی دنیا و روزی که ایستاده میشوند شاهدان (51)
روزی که سود نمیدهد ظالمان را عذرشان و مر ایشان را است لعنت و مر ایشان راست بدی آن سرای (52)
و بحقیقت دادیم موسی را هدایت و بمیراث دادیم بنی اسرائیل را آن کتاب (53)
هدایتی و پندی مر صاحبان خردها را (54)
پس صبر کن بدرستی که وعده خدا حقّ است و آمرزش خواه مر گناهت را و تسبیح کن بستایش پروردگارت بشبانگاه و بامداد (55)
بدرستی که آنان که مجادله میکنند در آیتهای خدا بدون حجّتی که آمده باشد ایشان را نیست در سینه‌هاشان جز بزرگی نباشند ایشان رسندگان

بآن پس پناه جوى بخدا بدرستى كه اوست شنواى
ترجمه قرآن، ص: 439
بينا (56)
هر آينه آفريدن آسمانها و زمين عظيمتر است از آفريدن مردمان و ليكن بيشترين مردمان نميدانند (57)
و يكسان نيستند نابينا و بينا و آنان كه گرويدند و كردند كارهاى شايسته و نه بدكار اندكى پند ميگيرند (58)
بدرستى كه قيامت هر آينه آينده است نيست شكّى در آن و ليكن اكثر مردمان ايمان نميآورند (59)
و گفت پروردگار شما بخوانيد مرا تا اجابت كنم شما را بدرستى كه آنان كه سركشى كنند از عبادت من زود باشد كه داخل شوند دوزخ را ذليلان (60)
خداست آنكه گردانيد براى شما شب را تا آرام گيريد در آن و روز را بينش بخش بدرستى كه خدا هر آينه صاحب فضل است بر مردمان و ليكن بيشترين مردمان شكر نميكنند (61)
آنست خدا پروردگار شما آفريننده همه چيز نيست خدايى مگر او پس بكجا برگردانيده ميشويد (62)
همچنين برگردانيده ميشوند آنان كه بودند كه بآيتهاى خدا انكار ميورزيدند (63)
خداست كه گردانيد براى شما زمين را آرامگاهى و آسمان را بنائى و تصوير كرد شما را پس خوب ساخت پيكر شما را و روزى داد شما را از پاكيزه‌ها آنست خدا پروردگار شما پس افزون آمد خدا كه پروردگار جهانيانست (64)
اوست زنده كه نيست خدايى مگر او پس بخوانيد او را خالص گردانندگان براى او دين را ستايش مر خدا را كه پروردگار جهانيانست (65)
بگو بدرستى كه نهى كردند مرا از آنكه بپرستم آنان را كه ميخوانيد از غير خدا چون آمد مرا بيّنه‌ها از پروردگارم و فرموده شدم كه منقاد شوم مر پروردگار جهانيان را (66)
ترجمه قرآن، ص: 440
اوست كه آفريد شما را از خاک پس از نطفه پس از خون بسته پس بيرون ميآورد شما را كودكى پس تا برسيد بكمال قوّت خود پس تا بشويد پيران و از شما كس هست كه متوفّى ميشوند از پيش و تا برسيد بوقتى نامبرده شده و باشد كه شما دريابيد بعقل (67)
اوست كه زنده ميكند و ميميراند پس چون قرار شدن دهد امرى را پس جز اين نيست كه ميگويد مر او را بشو پس ميشود (68)
آيا نديدى بسوى آنان كه منازعه ميكنند در آيتهاى خدا كه بكجا برگردانيده

میشوند (69)
آنان که تکذیب نمودند کتاب را و آنچه را که فرستادیم بآن رسولانمان را پس زود باشد که بدانند (70)
هنگامی که غلهاست در گردنهای ایشان و زنجیرها کشیده میشوند (71)
در آب گرم پس در آتش انداخته میشوند (72)
پس گفته شود مر ایشان را کجاست بودید که شریک میساختید (73)
از غیر خدا گفتند گم شدند از ما بلکه نبودیم که میخواندیم از پیش چیزی را همچنین اضلال میکند خدا کافران را (74)
آن بسبب آنست که بودید شادمانی میگردید در زمین بناحقّ و بسبب آنچه که بودید مینازیدید (75)
داخل شوید در درهای دوزخ جاودانیان در آن پس بد است مقام تکبّر کنندگان (76)
پس صبر کن بدرستی که وعده خدا حقّ است پس یا مینمائیم ترا برخی از آنچه وعده میدهیم ایشان را یا متوفّی میسازیم ترا پس بسوی ما باز گردانیده میشوند (77)
و بتحقیق فرستادیم رسولانی را پیش از تو از ایشان کس است که خواندیم قصّه ایشان را بر تو و از ایشان کسی است که نخواندیم بر تو و نزد مر رسولی را که بیاورد آیتی مگر باذن خدا پس چون بیاید فرمان خدا
ترجمه قرآن، ص: 441
حکم کرده شود بحقّ و زیان میکنند آنجا باطل کیشان (78)
خداست آنکه گردانید برای شما چهار پایان را تا سوار شوید برخی از آنها را و برخی از آنها را بخورید (79)
و مر شما راست در آنها منفعتها و تا برسید بر سواری آنها بحاجتی که باشد در سینه‌هاتان و بر آنها و بر کشتی بار کرده میشوید (80)
و مینماید شما را آیتهایش پس بکدام آیات خدا انکار میکنید (81)
آیا پس نرفتند در زمین پس بنگرید چگونه بود انجام آنان که از پیش ایشان بودند بیشتر از ایشان و سختتر از راه توانایی و اثرها در زمین پس کفایت نکرد از ایشان آنچه بودند کسب میکردند (82)
پس چون آمد ایشان را رسولانشان با حجّتها شاد شدند بآنچه بودند نزد ایشان از دانش و احاطه کرد بایشان آنچه بودند بآن استهزاء میکردند (83)
پس چون دیدند عذاب ما را گفتند گرویدیم بخدا تنها و کافر شدیم بآنچه بودیم بآن مشرکان (84)
پس نباشد که سود دهد ایشان را ایمانشان چون دیدند عذاب ما را دستور خدا که بحقیقت گذشت در بندگانش و زیان کردند آنجا کافران (85)

سورة فصّلت مکّیّة و هی أربع و خمسون آیة

(1) بنام خداوند بخشاینده مهربان
فرو فرستادنی است از خدای بخشنده مهربان (2)
کتابیست تفصیل داده شده آیتهایش قرآنی عربی برای گروهی که میدانند (3)
ترجمه قرآن، ص: 442
مژده دهنده و بیم کننده پس روی گردانیدند اکثرشان پس ایشان نمیشنوند (4)
و گفتند دلهای ما در حجابست از آنچه میخوانید ما را بآن و در گوشهای ما گرانی است و از میانه ما و میانه تو مانعی است پس عمل کن که مائیم عمل کنندگان (5)
بگو جز این نیست که من انسانی‌ام مثل شما وحی کرده میشود بمن جز این نیست اله شما الهی است یکتا پس رو آورید باو و آمرزش خواهید از او و وای مر مشرکانی را (6)
که نمیدهند زکاة را و ایشان بآخرت ایشانند کافران (7)
بدرستی که آنها که گرویدند و کردند کارهای شایسته مر ایشانراست پادشاهی غیر مقطوع (8)
بگو آیا شما هر آینه کافر میشوید بآنکه آفرید زمین را در دو روز و میگردانید مر او را همتایان آنست پروردگار جهانیان (9)
و گردانید در آن کوه‌های استوار از بالای آن و برکت داد در آن و تقدیر کرد در آن خوردنیهای آن را در چهار روز مساوی برای خواهندگان (10)
پس پرداخت بآسمان و آن بود دودی پس گفت مر آن را و مر زمین را که بیائید خواه یا ناخواه گفتند آمدیم فرمانبرداران (11)
پس قرار داد آنها را هفت آسمان در دو روز و وحی کرد در هر آسمان کار آن را واراسته کردیم آسمان دنیا را بچراغها و محافظتی اینست قرار داد خدای غالب دانا (12)
پس اگر روی گردانیدند پس بگو بیم دادم شما را صاعقه مثل صاعقه عاد و ثمود (13)
هنگامی که آمد ایشان را رسولان از میان دستهاشان و از پس سرشان که نپرستید مگر خدا را گفتند اگر
ترجمه قرآن، ص: 443
خواسته بود پروردگار ما فرستاده بود ملائکه را پس بدرستی که ما بآنچه فرستاده شدید بان کافرانیم (14)
پس امّا عاد پس سرکشی کردند در زمین بنا حقّ و گفتند کیست سختتر از

ما در توانایی آیا ندیدند که خدایی که آفرید ایشان را اوست سختتر از ایشان در توانایی و بودند آیتهای ما را انکار میکردند (15)
پس فرستادیم بر ایشان بادی پر خروش در روزهای شوم تا بچشانیمشان عذاب خواری در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت خوار کننده‌تر است و ایشان یاری کرده نشوند (16)
و امّا ثمود پس هدایت کردیم ایشان را پس اختیار کردند کوری را بر هدایت پس گرفت ایشان را صاعقه عذاب خواری بسبب آنچه بودند کسب میکردند (17)
و نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و بودند پرهیز میکردند (18)
و روزی که حشر کرده شوند دشمنان خدا بسوی آتش پس ایشان باز داشته میشوند (19)
تا چون آمدند آن را گواهی داد بر ایشان گوش ایشان و دیده‌های ایشان و پوستهای ایشان بآنچه بودند که میکردند (20)
و گفتند مر پوستهای خود را چرا گواهی دادید بر ما گفتند بسخن آورد ما را خدایی که بسخن آورد هر چیز را و او آفرید شما را نخستین بار و بسوی او باز میگردید (21)
و نبودید که پنهان میشدید که گواهی میدهد بر شما گوش شما و نه دیده‌های شما و نه پوستهای شما و لیکن گمان کردید که خدا نمیداند بسیاری را از آنچه میکنید (22)
و آن بود گمان شما که گمان کردید بپروردگارتان هلاک گردانید شما را پس گرویدید از زیانکاران (23)
پس اگر صبر کنند
ترجمه قرآن، ص: 444
پس آتش مقام است مر ایشان را و اگر طلب خوشنودی کنند پس نباشند از عذر پذیرفته شدگان (24)
و بر گماشتیم برای ایشان رفیقان پس آرایش دادند مر ایشان را آنچه بودند میانه دستهاشان و آنچه بود پس سرشان و ثابت شد بر ایشان سخن در امّتانی که بحقیقت گذشتند پیش از ایشان از جنّ و انس بدرستی که ایشان بودند زیانکاران (25)
و گفتند آنان که کافر شدند مشنوید مر این قرآن را و هرزه درآیی کنید در آن باشد که شما غالب شوید (26)
پس هر آینه میچشانیم البتّه آنان را که کافر شدند عذابی سخت و هر آینه جزا دهیمشان بدترین آنچه بودند که میکردند (27)
اینست جزای دشمنان خدا آتش مر ایشانراست در آن سرای جاودانی پاداشی بسبب آنچه بودند آیتهای ما را انکار میکردند (28)
و گفتند آنان که کافر شدند پروردگار ما بنمای ما را آن دو کسرا که گمراه

کردند ما را از جنّ و انس تا بگردانیم آن دو را در زیر قدمهامان تا باشند از فروتران (29)
بدرستی که آنها که گفتند پروردگار ما خداست پس ایستادگی کردند فرو میآید بر ایشان ملائکه که مترسید و اندوهگین مشوید و شادمان شوید به بهشتی که بودید وعده داده میشدید (30)
مائیم دوستان شما در زندگانی دنیا و در آخرت و مر شما راست در آن آنچه میخواهد نفسهای شما و مر شما راست در آن آنچه میخواهید (31)
ما حضری از خدای آمرزنده مهربان (32)
و کیست خوبتر در سخن از کسی که خواند بسوی خدا و کرد کار شایسته و گفت بدرستی که من از مسلمانانم (33)
و یکسان نیست خوبی و نه بدی دفع کن بآنچه آنست بهتر پس آن گاه کسی که میانه تو و میانه اوست
ترجمه قرآن، ص: 445
دشمنی گویا که اوست دوستی مهربان (34)
و داده نشوند آن را مگر آنان که صبر کردند و داده نشوند آن را جز صاحب بهره بزرگ (35)
و اگر از جای در آورد ترا از شیطان وسوسه پس پناه بر بخدا بدرستی که اوست شنوای دانا (36)
و از آیتهایش شب است و روز و آفتاب و ماه سجده نکنید مر آفتاب و نه مر ماه را و سجده کنید مر خدایی را که آفرید آنها را اگر هستید او را میپرستید (37) ترجمه قرآن 469
پس اگر سرکشی کنند پس آنان که نزد پروردگار تواند تسبیح میکنند مر او را بشب و روز و ایشان ملول نمیشوند (38)
و از آیتهایش اینکه تو می‌بینی زمین را فرسوده افسرده پس چون فرو فرستیم بر آن آب را حرکت کند و افزونی پذیرد بدرستی که آنکه زنده گردانید آن را هر آینه زنده کننده مردگانست بدرستی که او بر همه چیز توانا است (39)
بدرستی که آنان که میل بباطل میکنند در آیتهای ما پوشیده نمیباشند بر ما آیا پس کسی که انداخته شود در آتش بهتر است یا کسی که بیاید ایمن روز قیامت بکنید آنچه را خواستید بدرستی که او بآنچه میکنید بینا است (40)
بدرستی که آنان که کافر شدند بآن ذکر چون آمد ایشان را و بدرستی که آن هر آینه کتابیست گرامی (41)
نیاید آن را باطل از میانه دو دستش و نه از پس سرش فرو فرستادنی است از درستکار ستوده (42)
گفته نمیشود و مر ترا مگر آنچه بحقیقت گفته شد مر رسولان را پیش از

تو بدرستی که پروردگار تو هر آینه صاحب آمرزش است و صاحب عقوبت پر درد (43)
و اگر میگردانیدیم آن را قرآنی عجمی هر آینه میگفتند چرا بیان کرده نشد آیتهایش آیا قرآن عجمی است و مخاطب عرب بگو آن از برای آنان که گرویدند هدایت و شفاست
ترجمه قرآن، ص: 446
و آنان که ایمان نمیآورند در گوشهاشان گرانی است و او بر ایشان کوری است آنها ندا کرده میشوند از جایی دور (44)
و بتحقیق دادیم ما موسی را تورية پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبود کلمه که پیش رفته از پروردگار تو هر آینه حکم کرده شده بود میانشان و بدرستی که ایشان هر آینه در شکّی اند از آن که بگمان اندازنده است (45)
کسی که کرد کار شایسته را پس برای خودش است و آنکه بد کرد پس بر خودش است و نیست پروردگار تو ستمکار مر بندگان را (46)
بسوی او برگردانیده میشود دانش قیامت و آنچه بیرون میآید از ثمرها از غلافهایش و بار نگیرد هیچ مؤنّثی و ننهد جز بعلم او و روزی که ندا کند ایشان را که کجایند انبازانم گویند اعلام نمودیم ترا که نیست از ما هیچ گواهی (47)
و گمشد از ایشان آنچه بودند که میخواندند از پیش و گمان بردند که نیست مر ایشان را هیچ گریزگاهی (48)
طول نمیشود انسان از دعاء خیر و اگر مسّ کند او را شرّی پس ناامید است ناامید (49)
و هر آینه اگر در چشانیم او را رحمتی از خود از پس سختی که مسّ کرد او را هر آینه خواهد گفت البتّه که این امر است و گمان ندارم قیامت را قائم و هر آینه اگر باز گردانیده شوم بسوی پروردگارم بدرستی که مر است نزد او هر آینه خوبتر پس هر آینه اخبار خواهم کرد البته آنها را که کافر شدند بآنچه کردند و هر آینه بچشانیم البتّه ایشان را از عذابی درشت (50)
و چون انعام کنیم بر انسان روی گرداند و دور کشد جانبش را و چون مسّ کند او را شرّ پس صاحب دعائیست پهن (51)
بگو خبر دهید که اگر باشد از نزد خدا پس کافر شده باشید بآن کیست گمراهتر از آنکه اوست در مخالفتی دور از حقّ (52)
بزودی مینمائیم ایشان را آیتهای خود در آفاق و در خودهاشان تا آشکار گردد مر ایشان را که اوست حقّ
ترجمه قرآن، ص: 447
آیا کافی نیست بپروردگارت که اوست بر همه چیزی گواه (53)

دانسته باش که ایشان در شکّند از ملاقات پروردگارشان دانسته باش که او بهمه چیز احاطه کننده است (54)

سورة الشّورى مكّيّة و هى ثلث و خمسون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
همچنين وحى ميفرستد بسوى تو و بسوى آنان كه بودند پيش از تو خداى غالب درست كردار (3)
مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است و اوست بلند مرتبه بزرگ (4)
نزديكست كه آسمانها چاك چاك شوند از بالاشان و ملائكه تسبيح ميكنند بستايش پروردگارشان و آمرزش ميطلبند براى آنكه در زمين است دانسته باش كه خدا اوست آمرزنده مهربان (5)
و آنان كه گرفتند از غير او دوستان خداست نگهبان بر ايشان و نيستى تو بر ايشان گماشته (6)
و همچنين وحى كرديم بتو قرآنى عربى تا بيم كنى اصل قريه‌ها را و آنكه پيرامون آنست و بيم كنى از روز جمعيّت نيست شكّى در آن پاره باشند در بهشت و پاره باشند در دوزخ (7)
و اگر خواسته بود خدا هر آينه كرده بود ايشان را امتى واحد و ليكن داخل ميكند آن را كه خواهد در رحمتش و ستمكاران نيست مر ايشان را هيچ دوستى و نه يارى كننده (8)
آيا گرفتند از غير او دوستان پس خدا اوست خداوند و او زنده ميكند مردگان را و او بر همه چيزى تواناست (9)
و آنچه اختلاف كرديد در آن از چيزى
ترجمه قرآن، ص: 448
پس حكمش بخداست آنست خداى پروردگارم بر او توكّل كردم و بسوى او بازگشت مينمايم (10)
پديد آورنده آسمانها و زمين گردانيد براى شما از خودهاتان جفتها و از شتر و گاو و گوسفند جفتها بسيار ميگرداند شما را در آن نيست مانند او چيزى و اوست شنواى بينا (11)
مر او راست كليدهاى آسمانها و زمين گشاده ميگرداند روزى را براى آنكه ميخواهد و تنگ ميگرداند بدرستى كه او بهمه چيز داناست (12)
آئين نهاد براى شما از دين آنچه وصيّت كرد بآن نوح را و آنچه وحى كرديم بتو و آنچه وصيّت كرديم بآن ابراهيم و موسى و عيسى كه بر پاى داريد دين را و جدايى مكنيد در آن گران آمد بر مشركان آنچه ميخوانيد ايشان را بآن از توحيد خدا ميكشد بسوى آن آن را كه ميخواهد و هدايت ميكند بسوى آن آن كسى را كه بازگشت مينمايد (13)
و متفرّق نشدند مگر پس از آنچه آمد ايشان را دانش از راه ستمى كه بود

میانشان و اگر نبود کلمه که پیش رفته از پروردگارت تا مدّتی نام برده شده هر آینه حکم کرده شده بود میانشان و بدرستی که آنان که بمیراث داده شدند کتاب را از بعد ایشان هر آینه در شکّی‌اند از آن بگمان اندازنده (14)
پس برای آن پس بخوان و ثابت باش چنان که فرموده شده و پیروی مکن مرادهای ایشان را و بکوی گرویدم بآنچه فرو فرستاد خدا از کتاب و فرموده شدم که عدالت کنم میان شما خداست پروردگار ما و پروردگار شما ما راست کردار ما و مر شما راست کردارتان نیست خصومتی میان ما و میان شما خدا جمع میکند میان ما و بسوی اوست بازگشت (15)
و آنان که خصومت میکنند در خدا از بعد آنچه اجابت کرده شد مر او را
ترجمه قرآن، ص: 449
حجّت ایشان باطلست نزد پروردگارشان و بر ایشان غضبی و مر ایشانراست عذابی سخت (16)
خداست که فرو فرستاد کتاب را بحقّ و میزان را و چه چیز آگاه کرد ترا شاید که باشد قیامت نزدیک (17)
بشتاب میخواهند آن را آنان که نمیگروند بآن و آنان که گرویدند ترسندگانند از آن و میدانند که آن حقّ است آگاه باشید بدرستی که آنان که شکّ میکنند در قیامت هر آینه در گمراهی دوری‌اند (18)
خدا صاحب لطف است ببندگانش روزی میدهد آن را که میخواهد و اوست توانای غالب (19)
کسی که اراده میکند زراعت آخرت را میافزائیم مر او را در زراعتش و کسی که اراده میکند زراعت دنیا را میدهیمش از آن و نیست مر او را در آخرت هیچ بهره (20)
بلکه مر ایشانراست شریکان آئین نهادند برای ایشان از دین آنچه را دستوری نداد بآن خدا و اگر نبود کلمه فصل یعنی تقدیر تاخیر هر آینه حکم کرده شده بود میانشان و بدرستی که ستمکاران امر ایشانراست عذابی دردناک (21)
بینی ستمکاران را ترسندگان از آنچه کسب کردند و آن واقعست بر ایشان و آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته در باشند در چمنهای بهشتها مر ایشانراست آنچه خواهند نزد پروردگارشان آنست آن تفضّلی بزرگ (22)
اینست آنچه مژده میدهد خدا بندگانش را آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته بگو نمیخواهم از شما بر آن مزدی مگر دوستی در قرابت و کسی که کسب کند خوبی را میافزائیم مر او را در آن خوبی بدرستی که خدا آمرزنده شکر پذیر است (23)
ترجمه قرآن، ص: 450
یا میگویند بست بر خدا دروغ را پس اگر خواهد خدا مهر کند بر دلت و محو

میکند خدا باطل را و ثابت میگرداند حقّ را بکلماتش بدرستی که او داناست بسرایر سینه‌ها (24)
و اوست که قبول میکند توبه را از بندگانش و در میگذرد از بدیها و میداند آنچه میکنید (25)
و اجابت میکند آنان را که گرویدند و کردند کارهای شایسته و زیاد میدهد ایشان را از فضلش و کافران مر ایشانراست عذابی سخت (26)
و اگر فراخ کرده بود خدا روزی را برای بندگانش هر آینه ستم کردندی در زمین و لیکن فرو میفرستد باندازه آنچه خواهد بدرستی که او به بندگانش آگاه بینا است (27)
و اوست که فرو میفرستد باران را بعد از آنکه نومید شدند و منتشر میگرداند رحمتش را و اوست خداوند ستوده (28)
و از آیتهای اوست آفریدن آسمانها و زمین و آنچه پراکنده کرد در آن دو از جنبنده و او بر جمع کردنشان چون خواهد تواناست (29)
و آنچه برسد شما را از حادثه پس بآنست که کسب کرد دستهای شما و در میگذرد از بسیاری (30)
و نیستید شما عاجز کنندگان در زمین و نیست مر شما را از غیر خدا هیچ دوستی و نه یاری کننده (31)
و از آیتهای او کشتیهای روانست در دریا چون کوه‌ها (32)
اگر خواهد ساکن گرداند بادرا پس گردند ایستادها بر پشتش بدرستی که در آن هر آینه آیتهاست مر هر صبر کننده شکرگزاری را (33)
یا هلاک گرداند آنها را بآنچه کسب کردند و عفو کند از بسیاری (34)
و میدانند آنان که مجادله میکنند در آیتهای ما که نیست مر ایشان را هیچ گریزگاهی (35)
پس آنچه داده شدید
ترجمه قرآن، ص: 451
از چیزی پس مایه تعیّش زندگانی دنیاست و آنچه نزد خداست بهتر و پاینده‌تر است از برای آنها که گرویدند و بر پروردگارشان توکّل میکنند (36)
و آنان که اجتناب میکنند از کبیرهای گناه و کارها زشت و چون خشم میگیرند ایشان عفو میکنند (37)
و آنان که اجابت نمودند مر پروردگارشان را و بر پای داشتند نماز را و کارشان مشورتست میان خود و از آنچه روزی دادیمشان نفقه میکنند (38)
و آنان که چون رسید ایشان را ستمی ایشان انتقام کشند (39)
و پاداش بدی بدیست مانند آن پس آنکه عفو کرد و اصلاح نمود پس مزد او بر خداست که او دوست ندارد ستمکاران را (40)

و هر آينه آنكه انتقام كشيد پس از ظلم او پس آنها نيست بر ايشان هيچ راهى (41)
جز اين نيست راه بر آنان است كه ستم ميكنند مردمان را و فساد ميكنند در زمين بنا حقّ آن گروهست ايشان را عذاب پر درد (42)
و هر آينه آنكه صبر كرد و عفو نمود بدرستى كه آنست هر آينه از كارهاى قوى (43)
و آن را كه اضلال كرد خدا پس نباشد مر او را هيچ ياورى از بعد آن و بينى ظالمان را كه چون بينند عذاب را گويند آيا باشد بسوى بازگشتن هيچ راهى (44)
و بينى ايشان را عرض كرده ميشوند بر آن خشوع كنندگان از خوارى مى‌بينند از نگريستن پنهان و گفتند آنان كه ايمان آوردند بدرستى كه زيانكاران آنانند كه زيان كردند بخودهاشان و كسانشان روز قيامت دانسته باشيد كه ظالمان در عذاب پاينده‌اند (45)
و نباشد مر ايشان را هيچ دوستان كه يارى كند ايشان را از غير خدا و آن را كه اضلال كرد خدا پس نباشد مر او را هيچ راهى (46)
اجابت كنيد
ترجمه قرآن، ص: 452
مر پروردگارتان را پيش از آنكه آيد روزى كه نباشد باز گردانيدنى مر او را از خدا و نباشد مر شما را هيچ پناهى روزى چنين و نباشد مر شما را هيچ انكارى (47)
پس اگر روى گردانند پس نفرستاديم ترا بر ايشان نگهبان نيست بر تو جز رسانيدن و بدرستى كه ما چون چشانيديم انسان را از خود رحمتى شاد ميشود بآن و اگر برسد ايشان را ضررى بسبب آنچه پيش فرستاد دستهاشان پس بدرستى كه انسان سخت ناسپاس است (48)
مر خدا راست پادشاهى آسمانها و زمين مى‌آفريند آنچه ميخواهد ميبخشد مر آن را كه ميخواهد مؤنّثها و ميبخشد مر آن را كه ميخواهد مذكّرها (49)
يا هر دو ميدهد ايشان را مذكّرها و مؤنّثها و ميگرداند آن را كه ميخواهد نازاينده بدرستى كه اوست داناى توانا (50)
و نباشد مر انسانى را كه سخن كند او را خدا مگر بوحى يا از از پس حجاب يا بفرستادن رسولى پس وحى كند باذنش آنچه خواهد بدرستى كه اوست رفيع حكيم (51)
و همچنين وحى فرستاديم بتو روحى از امر خود نبودى كه بدانى چيست كتاب و نه ايمان و ليكن گردانيديم آن را نورى كه هدايت ميكنيم بآن آن را كه خواهيم از بندگان خود و بدرستى كه هر آينه راه نمايى براه راست (52)

راه خدایی که مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است دانسته باشید که بخدا باز میگردد کارها (53)

سورة الزّخرف مكّيّة و هى تسع و ثمانون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ترجمه قرآن، ص: 453
بحقّ كتاب روشن (2)
بدرستى كه ما گردانيديم آن را قرآنى عربى باشد كه شما دريابيد بعقل (3)
و بدرستى كه آن در اصل كتاب نزد ما هر آينه بلند مرتبه با حكم است (4)
آيا پس بگردانيم از شما ذكر را باعراض از بهر آنكه هستيد گروهى اسرافكاران (5)
و بسيار فرستاديم از پيغمبرى در پيشينيان (6)
و نميآمد ايشان را هيچ پيغمبرى مگر كه بودند بآن استهزاء ميكردند (7)
پس هلاک كرديم سخت‌تر از ايشان را در قوّت و گذشت داستان پيشينيان (8)
و هر آينه اگر بپرسى از ايشان كه آفريد آسمانها و زمين را هر آينه خواهند گفت البتّه آفريد آنها را خداى غالب دانا (9)
آنكه گردانيد براى شما زمين را بسترى و گردانيد براى شما در آن راهها باشد كه شما هدايت يابيد (10)
و آنكه فرو فرستاد از آسمان آبى باندازه پس زنده گردانيديم بآن جاى مرده را همچنين بيرون آورده ميشويد (11)
و آنكه آفريد اصناف را همه آنها و گردانيد براى شما از كشتيها و چهار پايان آنچه سوار ميشويد (12)
تا قرار گيريد بر پشتهاى آن پس ياد كنيد نعمت پروردگارتان را چون قرار گيريد بر آن و بگوئيد دانم پاک بودن آنكه رام گردانيد براى ما اين را و نبوديم مر آن را توانايى دارندگان (13)
و بدرستى كه ما بسوى پروردگارمان باز گردندگانيم (14)
و گردانيدند مر او را از بندگانش بهره بدرستى كه انسان هر آينه ناسپاسى است هويدا (15)
آيا گرفت از آنچه آفريد دختران و برگزيد شما را به پسران (16)
و چون مژده داده شود يكيشان بآنچه زد براى خداى بخشنده مثل گردد رويش سياه و اوست پر خشم (17)
ترجمه قرآن، ص: 454
آيا و آنكه ترتيب يافته ميشود در زينت و اوست در مخاصمه ناآشكار كننده (18)
و گردانيدند ملائكه را كه ايشانند بندگان خداى بخشاينده مؤنّثها آيا حاضر

بودند آفریدن ایشان را بزودی نوشته شود گواهی ایشان و پرسیده شوند (19)
و گفتند اگر خواسته بود خدای بخشاینده نمیپرستیدیم ایشان را نیست مر ایشان را بآن هیچ علمی نیستند ایشان جز آنکه دروغ میگویند (20)
یا دادیم ایشان را کتابی پیش از آن پس ایشانند بآن چنگ در زنندگان (21)
بلکه گفتند که ما یافتیم پدرانمان را بر طریقه و بدرستی که مائیم بر اثرهاشان هدایت یافتگان (22)
و همچنین نفرستادیم پیش از تو در قریه هیچ بیم دهنده مگر که گفتند متنعّمانش بدرستی که ما یافتیم پدرانمان را بر طریقه و بدرستی که مائیم بر اثرهای ایشان اقتدا کنندگان (23)
گفت آیا و اگر چه آورم شما را هدایت نماینده‌تر از آنچه یافتید بر آن پدرانتان را گفتند که ما بآنچه فرستاده شدید بآن کافرانیم (24)
پس انتقام کشیدیم از ایشان پس بنگر چگونه بود انجام کار تکذیب کنندگان (25)
و هنگامی که گفت ابراهیم مر پدرش را و قومش را بدرستی که من بیزارم از آنچه میپرستید (26)
جز آنکه پدید آورد مرا پس بدرستی که او بزودی راه نماید مرا (27)
و گردانید آن را کلمه باقی در عقبش باشد که ایشان بازگشت کنند (28)
بلکه کامرانی دادیم اینها را و پدرانشان را تا آمد ایشان را حقّ و رسولی ظاهر (29)
و چون آمد ایشان را حقّ گفتند این جادو است و بدرستی که ما بآن کافرانیم (30)
و گفتند چرا فرو فرستاده نشد این قرآن بر مردی از آن دو قریه که بزرگست (31)
ترجمه قرآن، ص: 455
آیا ایشان قسمت میکنند رحمت پروردگار ترا ما قسمت کردیم میانشان وجه معاش ایشان را در زندگانی دنیا و بلند گردانیدیم بعضی ایشان را بالای بعضی در مراتب تا بگیرند برخیشان برخی را بکار باز داشته و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه جمع میکنند (32)
و اگر نه آن بودی که میشدند مردمان جماعتی واحد هر آینه گردانیده بودیم برای آنان که کافر میشوند بخدا برای خانهاشان سقفها از نقره و نردبانها که بر آن بر آیند (33)
و برای خانهاشان درها و سریرها که بر آن تکیه کنند (34)
و زینتها و نباشد همه آن مگر مایه تعیّش زندگانی دنیا و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزکاران است (35)
و کسی که اعراض کند از ذکر خدا میگماریم برای او شیطان را پس

اوست مر او را رفیق (36)
و بدرستی که آنها باز میدارند ایشان را از راه و میپندارند که ایشانند هدایت یافتگان (37)
تا چون آید ما را گوید ای کاش بودی میانه من و میانه تو دوری مشرقین پس بد رفیقی بودی (38)
و هرگز سود نمیدهد شما را امروز چون ستم کردید که شما در عذاب شریکانید (39)
آیا پس تو میشنوانی کران را یا راه نمایی کوران را و آنکه باشد در گمراهی آشکار (40)
پس اگر ببریم ترا پس بدرستی که مائیم از ایشان انتقام کشندگان (41)
یا مینمائیم البتّه ترا آنچه وعده کردیم ایشان را پس مائیم بر ایشان قدرت دارندگان (42)
پس چنگ درزن بآنچه وحی کرده شد بتو بدرستی که تویی بر راه راست (43)
و بدرستی که آن هر آینه ذکریست مر ترا و مرقوم ترا و زود باشد که پرسیده شوید (44)
و بپرس
ترجمه قرآن، ص: 456
از آنکه فرستادیم پیش از تو از رسولان ما آیا گردانیدیم از غیر خدای بخشاینده الهانی که پرستیده شوند (45)
و بتحقیق فرستادیم موسی را با آیتهای ما بسوی فرعون و جماعتش پس گفت بدرستی که منم فرستاده پروردگار جهانیان (46)
پس چون آوردشان آیتهای ما را آن گاه ایشان از آن خنده میکردند (47)
و نمینمودیم ایشان را هیچ آیتی مگر آن بزرگتر بود از مثلش و گرفتیم ایشان را بعذاب باشد که آنها بازگشت کنند (48)
و گفتند ای جادوگر بخوان برای ما پروردگار ترا بآنچه پیمان کرده نزد تو بدرستی که مائیم هدایت یافتگان (49)
پس چون دفع کردیم از ایشان عذاب را آن گاه ایشان پیمان میشکستند (50)
و ندا کرد فرعون در قومش گفت ای قوم من آیا نیست مرا ملک مصر و این نهرها میرود از زیرم آیا پس نمی‌بینید (51)
بلکه من بهترم از این کس که اوست خوار و نزدیک نیست که بیان تواند کرد (52)
پس چرا انداخته نشد بر او دستوانها از زر یا نیامدند با او فرشتگان بهم پیوستگان (53)
پس از جای بر آورد قومش را پس اطاعت کردند او را که ایشان بودند

گروهى نافرمانبرداران (54)
پس چون بخشم آوردند ما را انتقام كشيديم از ايشان را همگى (55)
پس كرديمشان سابقان و مثلى براى پسينيان (56)
و چون زده شد پسر مريم مثلى آن گاه قوم تو از آن فرياد مى‌آوردند (57)
و گفتند آيا الهان ما بهترند يا او نزدند آن را براى تو جز جدلى بلكه ايشانند گروهى خصومت كنندگان (58)
نيست او جز بنده كه احسان كرديم بر او و گردانيديم او را
ترجمه قرآن، ص: 457
مثلى براى بنى اسرائيل (59)
و اگر خواهيم هر آينه گردانيم از شما ملائكه را در زمين كه جانشين باشند (60)
و بدرستى كه او است هر آينه علمى براى قيامت پس شكّ ميار بآن و پيروى كنيد مرا اينست راه راست (61)
و باز ندارد البتّه شما را شيطان بدرستى كه او مر شما راست دشمنى آشكار (62)
و چون آورد عيسى معجزات را گفت بتحقيق آوردم بشما حكمت را و تا بيان كنم براى شما بعضى از آنچه اختلاف كنيد در آن پس بترسيد از خدا و فرمانبريد مرا (63)
بدرستى كه خدا اوست پروردگار من و شما پس بپرستيد او را اينست راه راست (64)
پس اختلاف كردند طايفه‌ها از ميان ايشان پس واى مر آنان كه ستم كردند از عذاب روزى پر درد (65)
آيا انتظار ميكشند جز قيامت را كه آيد ايشان را ناگاه و ايشان ندانند (66)
دوستان روزى چنين بعضى از ايشان مر بعضى را دشمنند مگر پرهيزكاران (67)
اى بندگان من نيست ترسى بر شما امروز و نه شما اندوهگين ميشويد (68)
آنان كه گرويدند بآيتهاى ما و بودند منقادان (69)
در آئيد در بهشت شما و جفتهاتان كه بر افروخته نشاط ميبوده باشيد (70)
گردانيده ميشود بر ايشان كاسه‌هاى پهنى كه از طلاست و كوزه‌هاى بى دستگيره و در آنست آنچه خواهش دارد آن را نفسها و لذّت ميبرد چشمها و شمائيد در آن جاودانيان (71)
و اينست آن بهشتى كه بارث داده شديد آن را بسبب آنچه بوديد كه ميكرديد (72)
مر شما راست در آن ميوه بسيار كه از آن ميخوريد (73)
بدرستى كه گناهكارانند در عقوبت دوزخ جاودانيان (74)

تخفیف داده نشود از ایشان

و ایشان در آن نومیدانند (75)
و ستم نکردیم ایشان را و لیکن بودند ایشان ستمکاران (76)
و ندا کردند که ای مالک باید که بمیراند ما را پروردگارت گفت بدرستی که شما درنگ کنندگانید (77)
بدرستی که آوردیم بشما حقّ را و لیکن اکثر شما بودید مر حقّ را ناخوش دارندگان (78)
بلکه محکم گردانیدند کاری را پس مائیم محکم گردانندگان (79)
یا می‌پندارند که ما نمیشنویم پنهان ایشان و رازشان را آری و رسولان مااند نزد ایشان مینویسند (80)
بگو اگر باشد مر خدای بخشاینده را فرزندی پس منم اوّل پرستندگان (81)
دانم پاک بودن پروردگار آسمانها و زمین پروردگار عرش از آنچه وصف میکنند (82)
پس واگذار ایشان را که صحبت دارند و بازی کنند تا آنکه ملاقات کنند روزشان را که وعده داده میشوند (83)
و اوست آنکه در آسمان اله است و در زمین اله است و اوست درست کردار دانا (84)
و افزون آمد آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است و نزد اوست دانش قیامت و بسوی او باز گردانیده میشوید (85)
و مالک نمیباشند آنان که میخوانند از غیر او شفاعت کردن را مگر کسی که گواهی داد بحقّ و ایشان میدانند (86)
و اگر بپرسی از ایشان که که آفرید ایشان را هر آینه گویند البتّه خدا پس بکجا بر گردانیده میشوید (87)
و قولش ای پروردگار من بدرستی که اینها گروهی‌اند که ایمان نمیآورند (88)
پس اعراض کن از ایشان و بگو سلام پس زود باشد که بدانند (89)

ترجمه قرآن، ص: 459
بنام خداوند بخشاينده مهربان
بكتاب آشكار كننده (2)
بدرستى كه ما فرستاديم آن را در شبى بركت داده شده بدرستى كه ما هستيم بيم كنندگان (3)
در آن جدا كرده ميشود هر امرى موافق حكمت (4)
امرى از نزد ما بدرستى كه ما هستيم فرستندگان (5)
رحمتى از پروردگار تو بدرستى كه اوست او شنواى دانا (6)
پروردگار آسمانها و زمين و آنچه ميان آن دو است اگر هستيد يقين كنندگان (7)
نيست الهى جز او زنده ميكند و ميميراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما پيشينيان (8)
بلكه ايشانند در شكّ بازى ميكنند (9)
پس انتظاركش روزى كه ميآورد آسمان دودى آشكار (10)
فرو ميگيرد مردمان را اينست عذابى پر درد (11)
پروردگار ما دفع كن از ما عذاب را بدرستى كه مائيم گروندگان (12)
كجاست مر ايشان را پند گرفتن و بتحقيق آمد ايشان را رسولى آشكار كننده (13)
پس رو گردانيدند از او و گفتند آموخته شده ايست ديوانه (14)
بدرستى كه ما دفع كننده عذابيم اندكى بدرستى كه شمائيد عود كنندگان (15)
روزى كه سخت ميگيريم سخت گرفتن عظيم بدرستى كه مائيم انتقام كشندگان (16)
و بتحقيق كه آزموديم پيش از ايشان قوم فرعون و آمد ايشان را رسولى شريف (17)
كه بسپاريد بمن بندگان خدا را بدرستى كه منم مر شما را رسولى امين (18)
و آنكه رفعت مجوئيد بر خدا بدرستى كه من آورنده‌ام شما را حجّتى روشن (19)
و بدرستى كه من پناه ميبرم بپروردگار من و پروردگار شما كه سنگسار كنيد مرا (20)
و اگر باور نداريد مرا پس كناره كنيد از من (21)
پس خواند پروردگارش را كه اينان گروهى‌اند گناهكاران

ترجمه قرآن، ص: 460
(22)
پس ببر بندگان مرا در شب بدرستی که شمائید از پی رفته شدگان (23)
و واگذارید دریا را آرمیده بدرستی که ایشانند لشکری غرقشدگان (24)
بسا که واگذاشتند از باغها و چشمه‌ها (25)
و کشتها و جای خوب (26)
و نعمتی که بودند در آن متنعّمان (27)
همچنین است و بمیراث دادیم آنها را بگروهی دیگر (28)
پس نگریست بر ایشان آسمان و زمین و نشدند مهلت دادگان (29)
و بتحقیق نجات دادیم بنی اسرائیل را از عقوبت خوار کننده (30)
از فرعون بدرستی که او بود برتری جوینده از اسراف کنندگان (31)
و بتحقیق اختیار کردیم ایشان را بر دانشی بر جهانیان (32)
و دادیمشان از آیتها آنچه بود در آن نعمتی آشکار (33)
بدرستی که اینها هر آینه میگویند (34)
نیست آن جز مردنمان نخست و نباشیم ما زنده کرده شوندگان (35)
پس بیاورید پدرانمان را اگر هستید راستگویان (36)
آیا ایشان بهترند یا قوم تبّع و آنان که بودند پیش از ایشان هلاک کردیم ایشان را بدرستی که ایشان بودند گناهکاران (37)
و نیافریدیم آسمانها و زمین را و آنچه میان آن دوتاست بازی کنندگان (38)
نیافریدیم آن دو را مگر بحقّ و لیکن اکثر ایشان نمیدانند (39)
بدرستی که روز تمیز است وعده گاه ایشان همگی (40)
روزی که کفایت نمیکند دوستی از دوستی چیزی را و نه ایشان یاری کرده شوند (41)
جز آن را که رحمت کرد خدا بدرستی که او اوست عزیز مهربان (42)
بدرستی که درخت زقّوم (43)
خوراک گناهکارانست (44)
چون فلزّ گداخته میجوشد در شکمها (45)
چون جوشیدن آب گرم (46)
بگیریدش
ترجمه قرآن، ص: 461
پس بکشیدش بعنف بمیان دوزخ (47)
پس بریزید بالای سرش از عذاب آب جوشان (48)
بچش بدرستی که تو تویی عزیز گرامی (49)
بدرستی که این است آنچه بودید بآن شکّ میآوردید (50)
بدرستی که پرهیزکارانند در جایی امین (51)
در بهشتها و چشمه‌ها (52)

میپوشند از دیبای نازک و دیبای سطبر روی بهم دارندگان (53)
همچنین جفت میگردانیمشان با حوران فراخ چشم (54)
میخوانند در آنها هر میوه را ایمنان (55)
نچشند در آن مرگ را جز مردن نخستین و نگهداشت ایشان را از عذاب دوزخ (56)
تفضّلی است از پروردگارت آنست آن کامیابی عظیم (57)
پس جز این نیست که آسان کردیم آن را بلغت تو باشد که ایشان پند گیرند (58)
پس انتظار بکش بدرستی که ایشان منتظرانند

سورة الجاثية مكّيّة و هى سبع و ثلاثون آية

بنام خداوند بخشاینده مهربان
فرو فرستادن کتابست کتابست از خدای غالب درست کردار (2)
بدرستی که در آسمانها و زمین هر آینه آیتها است مر گروندگان را (3)
و در آفرینش شما و در آنچه می‌پراکند از جنبنده آیتهاست برای گروهی که یقین میکنند (4)
و اختلاف شب و روز و آنچه فرو فرستاد خدا از آسمان از روزی پس زنده گردانید بآن زمین را بعد از مردنش و گردانیدن بادها آیتهاست
ترجمه قرآن، ص: 462
برای گروهی که مییابند بعقل (5)
این آیتهای خداست که میخوانیم آن را بر تو براستی پس بکدام سخن بعد از خدا و آیتهایش میگروند (6)
وای بر هر دروغگوی گنه کاری (7)
میشنود آیتهای خدا را که خوانده میشود بر او پس اصرار میورزد سرکشی‌کنان که گویا نشنیده آن را پس مژده ده او را بعذابی دردناک (8)
و چون بداند از آیتهای ما چیزی را میگیرد آن را باستهزاء آن گروه مر ایشانراست عذابی خوار کننده (9)
از پیش رویشان دوزخست و کفایت نمیکند از ایشان آنچه کسب کردند چیزی را و نه آنچه گرفتند از غیر خدا دوستان و مر ایشانراست عذابی بزرگ (10)
این است هدایت و آنان که کافر شدند بآیتهای پروردگارشان مر ایشانراست عذاب از عقوبتی پر درد (11)
خداست که رام کرد برای شما دریا را تا روا نشود کشتیها در آن بفرمانش و تا طلب کنید از فضل او و باشد که شما شکر کنید (12)
و رام کرد برای شما آنچه در زمین است همه از اوست بدرستی که در آن هر آینه آیتهاست برای جمعی که اندیشه کنند (13)
بگو از برای آنان که گرویدند که عفو کنند مر آنان را که امید نمیدارند روزهای خدا را تا جزا دهد گروهی را بسبب آنچه بودند کسب میکردند (14)
کسی که کرد کار شایسته را پس برای نفس اوست و کسی که بد کرد پس بر آنست پس بسوی پروردگارتان باز گردانیده میشوید (15)
و بتحقیق دادیم بنی اسرائیل را کتاب و حکومت و نبوّت و روزی دادیمشان از پاکیزه‌ها و افزونی دادیم ایشان را بر جهانیان (16)
و دادیم ایشان را بیّنه‌هایی از امر پس اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه آمد

ایشان را

دانش از راه ستم میانشان بدرستی که پروردگار تو حکم میکند میانشان روز قیامت در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند (17)
پس گردانیدیم ترا بر طریقه از امر دین پس پیروی کن آن را و پیروی مکن خواهشهای آنان را که نمیدانند (18)
بدرستی که ایشان هرگز کفایت نمیکنند از تو از خدا چیزی را و بدرستی که ستمکاران بعضی ایشانند دوستان بعضی و خداست دوست پرهیزکاران (19)
اینست دلیلهای بینش بخش از برای مردمان و هدایت و رحمت از برای گروهی که یقین میکنند (20)
آیا پنداشتند آنان که کسب کردند بدیها را که گردانیدیم ایشان را مانند آنها که گرویدند و کردند کارهای شایسته یکسانست زندگیشان و مردگیشان بد است آنچه حکم میکنند (21)
و آفرید خدا آسمانها و زمین را براستی و تا جزا داده شود هر نفسی بآنچه کسب کرد و ایشان ستمکرده نشوند (22)
آیا پس دیدی آن را که گرفت الهش را خواهشش و اضلال کردش خدا بر علمی و مهر نهاد بر گوشش و دلش و گردانید بر چشمش پرده پس که هدایت میکند او را از بعد خدا آیا پس پند نمیگیرید (23)
و گفتند نیست آن جز زندگانی ما در دنیا که میمیریم و زنده میشویم و هلاک نمیکند ما را مگر دهر و نیست مر ایشان را بآن هیچ دانشی نیستند ایشان مگر که گمان میکنند (24)
و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای ما که روشن است نباشد دلیل ایشان جز آنکه گویند بیاورید پدران ما را اگر هستید راستگویان (25)
بگو خدا زنده کند شما را پس بمیراند شما را پس جمع میکند شما را تا روز قیامت نیست شکّی

در آن و لیکن بیشترین مردمان نمیدانند (26)
و مر خداراست پادشاهی آسمانها و زمین و روزی که قایم شود قیامت آن روز زیان میکنند باطل کیشان (27)
و بینی هر امّتی را بزانو در آینده هر امّتی خوانده میشود بکتابش آن روز جزا داده میشوید آنچه را بودید که میکردید (28)
این است کتاب ما سخن میگوید بر شما بحقّ بدرستی که ما بودیم که مینوشتیم آنچه را بودید که میکردید (29)
پس امّا آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته پس داخل میسازد ایشان را پروردگارشان در رحمتش آنست آن کامیابی آشکار (30)

و امّا آنان که کافر شدند پس نبود آیتهای من که خوانده میشد بر شما پس سرکشی میکردید و بودید گروهی گناهکاران (31)
و چون گفته شود که وعده خدا حقّ است و قیامت نیست شکّی در آن گوئید ندانیم چیست قیامت گمان نمیبریم مگر گمانی و نیستیم ما یقین دارندگان (32)
و ظاهر شد مر ایشان را بدیهای آنچه کردند و احاطه کرد بایشان آنچه بودند بآن استهزاء میکردند (33)
و گفته شود که امروز فرو میگذاریم شما را هم چنان که فرو گذاشتید ملاقات روزتان اینروز و جای شما آتش است و نباشد مر شما را هیچ یاری کنندگان (34)
آن باین است که شما گرفتید آیتهای خدا را استهزاء و فریفت شما را زندگانی دنیا پس امروز بیرون آورده نمیشوند از آن و نه از ایشان قبول عذر شود (35)
پس مر خدا راست ستایش پروردگار آسمانها و پروردگار زمین پروردگار جهانیان (36)
و مر او راست بزرگواری در آسمانها و زمین و اوست غالب درستکار (37)
ترجمه قرآن، ص: 465

سورة الأحقاف مكّيّة و هى خمس و ثلاثون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
فرو فرستادن كتاب است از خداى عزيز درستكار (2)
نيافريديم آسمانها و زمين را و آنچه ميان آن دوتاست مگر بحقّ و مدّتى نامبرده شده و آنان كه كافر شدند از آنچه بيم كرده شدند اعراض كنندگان (3)
بگو خبر دهيد از آنچه ميخوانيد از جز خدا بنمائيد مرا كه چه چيز آفريدند از زمين يا مر ايشانراست شركتى در آسمانها بياريد مرا كتابى پيش از اين يا بازمانده از دانش اگر هستيد راستگويان (4)
و كيست گمراهتر از آنكه ميخواند از جز خدا آن را كه اجابت نميكند مر او را تا روز قيامت و آنها از خواندن ايشان بيخبرانند (5)
و چون حشر كرده شدند مردمان باشند مر ايشان را دشمنان و باشند بپرستش ايشان انكار كنندگان (6)
و چون خوانده شود بر ايشان آيتهاى ما كه روشن است گويند آنان كه كافر شدند مر حقّ را چون آمد ايشان را اين سحريست آشكار (7)
بلكه ميگويند بدروغ بستم آن را پس مالك نميباشيد مرا از خدا چيزى او داناتر است بآنچه سخن ميكنند در آن كافى باشد او گواه ميانه من و ميانه شما و اوست آمرزنده مهربان (8)
بگو نيستم من نو در آمدى از رسولان و ندانم كه چه كرده شود با من و نه با شما پيروى نميكنم مگر آنچه وحى كرده ميشود بمن و نيستم من مگر
ترجمه قرآن، ص: 466
بيم دهنده آشكار (9)
بگو خبر دهيد كه اگر باشد از نزد خدا و كافر شويد بآن و گواهى دهد شاهدى از بنى اسرائيل بر مثل آن پس ايمان آرد و سركشى كنيد بدرستى كه خدا هدايت نميكند گروه ستمكاران را (10)
و گفتند آنان كه كافر شدند براى آنان كه ايمان آوردند اگر بودى خير سبقت نميگرفتند ما را بسوى آن و چون هدايت نيافتند بآن پس بزودى خواهند گفت اينست دروغى كهنه (11)
و پيش از آنست كتاب موسى امام و رحمت و اين كتابيست تصديق كننده بزبان عربى تا بيم كند آنان را كه ستم كردند و مژده باشد مر نيكوكاران را (12)
بدرستى كه آنان كه گفتند پروردگار ما خداست پس ايستادگى كردند پس نيست بيمى بر ايشان و نه ايشان اندوهناك شوند (13)
ايشانند اهل بهشت جاودانيان در آن پاداشى بآنچه بودند كه ميكردند (14)

و وصیّت نمودیم انسان را بوالدینش خوبی کردن برداشت او را مادرش بدشواری و بنهادش بدشواری و حملش و بریدنش از شیر سی ماه است تا چون رسید تواناییش و رسید بچهل سال گفت پروردگار من در دل من انداز که شکر کنم نعمت ترا که انعام کردی بر من و بر والدینم و اینکه بکنم کار شایسته را که پسندی آن را و شایستگی ده مرا در اولادم بدرستی که من بازگشت نمودم بسوی تو و بدرستی که منم از منقادان (15)
ایشان آنانند که میپذیریم از ایشان بهترین آنچه کردند و در میگذریم از بدیهای ایشان در اهل بهشت وعده راستی که بودند وعده داده میشدند (16)
و کسی که
ترجمه قرآن، ص: 467
گفت مر والدینش را افّ مر شما دو تا را آیا وعده میدهید مرا که بیرون آورده میشوم و بتحقیق در گذشتند قرنها از پیش من و آن دو تا استغاثه میکردند بخدا وای بر تو ایمان آور بدرستی که وعده خدا حقّ است پس گفت نیست این مگر افسانهای پیشینیان (17)
ایشان آنانند که ثابت شد بر ایشان سخن در امّتانی که در گذشتند از پیش ایشان از جنّ و انس بدرستی که ایشان بودند زیانکاران (18)
و برای هر یک مرتبه‌هاست از آنچه کردند و تمام میدهد ایشان را کرده‌هایشان را و ایشان ستمکرده نمیشوند (19)
و روزی که عرض کرده میشوند آنان که کافر شدند بر آتش بروید پاکیزه‌های‌تانرا تانرا در زندگی‌تان در دنیا و تعیّش کردید بآن پس امروز جزا داده میشوید عذاب خواری را بسبب آنچه بودید سرکشی میکردید در زمین بناحقّ و بسبب آنچه بودید که فسق میکردید (20)
و یاد کن برادر عاد را هنگامی که بیم کرد قومش را در رملها و بتحقیق در گذشتند بیم کنندگان از میان دو دستش و از پس سرش که نمیپرستید مگر خدا را بدرستی که من میترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ (21)
گفتند آیا آمدی ما را که برگردانی ما را از الهانمان پس بیار بما آنچه وعده میدهی ما را اگر هستی از راستگویان (22)
گفت نیست آن علم مگر نزد خدا و میرسانم بشما آنچه را که فرستاده شدم بآن و لیکن می‌بینم شما را گروهی که جهل میوزید (23)
پس چون دیدند آن را ابری پهن شده در افق متوجّه وادیهای ایشان گفتند این ابریست پهن شده در افق که باراننده ما است بلکه آنست آنچه بشتاب میخواستید آن را بادیست که در آن عذابیست پر درد (24)
که هلاک میسازد همه چیز را
ترجمه قرآن، ص: 468

بامر پروردگارش پس گشتند چنان كه ديده نميشد جز مسكنهاشان همچنين پاداش ميدهيم گروه گناهكاران را (25)
و بحقيقت تمكّن داديم ايشان را در آنچه تمكّن نداديم شما را در آن و گردانيديم مر ايشان را گوش و ديدها و دلها پس كفايت نكرد از ايشان گوششان و نه چشمهاشان و نه دلهاشان هيچ چيز چون بودند كه انكار ميورزيدند بآيتهاى خدا و احاطه كرد بايشان آنچه بودند كه بآن استهزاء ميكردند (26)
و بتحقيق هلاک گردانيديم آنچه را كه پيرامون شماست از قريه‌ها و مكرّر آورديم آيتها را باشد كه ايشان بازگشت كنند (27)
پس چرا يارى نكردند ايشان را آنكه گرفتند از غير خدا وسيله تقرّب كه الهانند بلكه گمشدند از ايشان و اينست دروغشان و آنچه را كه بودند بر ميبافتند (28)
و هنگامى كه گردانيديم بسوى تو جماعتى را از جنّ كه مى‌شنيدند قرآن را پس چون حاضر شدند آن را گفتند خاموش باشيد پس چون گذارده شد برگشتند بسوى قومشان بيم كنندگان (29)
گفتند اى قوم ما بدرستى كه ما شنيديم كتابى را كه فرو فرستاده شد از بعد موسى تصديق كننده مر آنچه را كه باشد ميانه دو دستش هدايت ميكند بسوى حقّ و براه راست (30)
اى قوم ما اجابت كنيد خواننده خدا را و ايمان آوريد باو تا بيامرزد شما را از گناهانتان و برهاند شما را از عذاب پر درد (31)
و آنكه اجابت نكند خواننده خدا را پس نيست عاجز كننده در زمين و نيست مر او را از جز او ياوران آنهااند در گمراهى آشكار (32)
آيا ندانستند كه خدايى كه آفريد
ترجمه قرآن، ص: 469
آسمانها و زمين را و مانده نگشت در آفريدن آنها قادر است بر آنكه زنده گرداند مردگان را آرى بدرستى كه او بر همه چيزى تواناست (33)
و روزى كه عرض كرده ميشوند آنان كه كافر شدند بر آتش آيا نيست اين حقّ گويند آرى بپروردگار ما گويد پس بچشيد عذاب را بسبب بودنتان كه كفر ميورزيديد (34)
پس صبر كن هم چنان كه صبر كردند صاحبان ثبات از رسولان و بشتاب مخواه براى ايشان گويا ايشان روزى كه مى‌بينند آنچه را وعده كرده ميشوند درنگ نكردند جز ساعتى از روز رسانيد نيست پس آيا هلاک ميشوند جز گروه فاسقان (35)

ترجمه قرآن 492
بنام خداوند بخشاينده مهربان
آنان كه كافر شدند و باز داشتند از راه خدا ضايع گردانيد كردارهاشان را (1)
و آنان كه گرويدند و كردند كارهاى شايسته و ايمان آوردند بآنچه فرو فرستاده شد بر محمّد صلّى اللَّه عليه و آله و اوست حقّ از پروردگارشان در گذرانيد از ايشان گناهانشان را و باصلاح آورد حالشان را (2)
اين بآنست كه آنان كه كافر شدند و پيروى كردند باطل را و اينكه آنان كه ايمان آوردند پيروى كردند حقّ را از پروردگارشان همچنين ميزند خدا از براى مردمان مثلهاى ايشان را (3)
پس چون ملاقات كنيد آنان را كه كافر شدند پس زدن گردنها تا وقتى كه بسيار بكشيد ايشان را پس سخت كنيد بند را پس يا منّت نهادنى بعد از آن و يا فدا گرفتنى تا بنهد
ترجمه قرآن، ص: 470
كارزار آلاتش را اينست و اگر ميخواست خدا هر آينه انتقام كشيده بود از ايشان و ليكن تا بيازمايد بعضى از شما را ببعضى و آنان كه كشته شدند در راه خدا پس هرگز ضايع نميگرداند كردارهاشان را (4)
بزودى هدايتشان كند و بسامان آرد حالشان را (5)
و درآوردشان به بهشت كه تعريف كرد آن را براى ايشان (6)
اى آنان كه ايمان آورديد اگر يارى كند خدا را يارى كند شما را و ثابت گرداند قدمهاى شما را (7)
و آنان كه كافر شدند پس نگونسارى مر ايشان را و ضايع گردانيد كردارشان را (8)
آن باينست كه ايشان ناخوش داشتند آنچه را فرو فرستاد خدا پس ناچيز گردانيد كردارشان را (9)
آيا پس سير نكردند در زمين پس بنگرند چگونه بود انجام كار آنان كه بودند پيش از ايشان هلاک كرد خدا ايشان را و براى كافرانست امثال آن (10)
آن باينست كه خداست ياور آنان كه ايمان آوردند و بدرستى كه كافران نيست ياورى مر ايشان را (11)
بدرستى كه خدا داخل ميگرداند آنان را كه ايمان آوردند و كردند كارهاى شايسته در بهشتهايى كه ميرود از زيرشان نهرها و آنان كه كافر شدند كامرانى ميكنند و ميخورند هم چنان كه ميخورند چهارپايان و آتش مقام است مر ايشان را (12)

و بسا از قریه‌ها که آن سختتر بود در قوّت از قریه تو که بیرون کرد ترا هلاک کردیم ایشان را پس نیست یاوری مر ایشان را (13)
آیا پس کسی که باشد بر حجّتی از پروردگارش چون کسی است که آراسته شده باشد برای او بدی کردارش و پیروی کنند خواهشهاشان را (14)
مثل بهشتی که وعده داده شد بمتقیان که در آنست نهرها از آب نامتغیّر و نهرها از شیری که متغیّر نیست
ترجمه قرآن، ص: 471
طعم آن و نهرهاست از خمری که لذّتست برای آشامندگان و نهرهاست از شهد بیغش و مر ایشانراست در آن از همه میوه‌ها و آمرزشی از پروردگارشان چون کسی است که او جاودانیست در آتش و آشاماینده شدند آبی جوشان پس پاره پاره کرد روده‌هاشان را (15)
و از ایشان کسی است که گوش میدارد بتو تا چون بیرون روند از نزد تو گویند مر آنان را که داده شدند علم را که چه گفت همین ساعت آنها کسانی‌اند که مهر نهاد خدا بر دلهاشان و پیروی نمودند خواهشهاشان را (16)
و آنان که هدایت یافتند افزود ایشان را هدایت و داد ایشان را تقوایشان را (17)
پس آیا انتظار میبرند جز قیامت که آید ایشان را ناگاه پس بتحقیق که آمد علامتهایش پس از کجا باشد ایشان را چون آمد ایشان را پند گرفتنشان (18)
پس بدان که نیست خدایی مگر خدا و آمرزش خواه از برای گناهت و از برای مردان گرونده و زنان گرونده و خدا میداند جای گردشتان و آرامگاهتان را (19)
و میگویند آنان که ایمان آوردند چرا فرو فرستاده شد سورة پس چون فرو فرستاده شود سورة محکم و ذکر کرده شود در آن کارزار بینی آنان را که در دلهای ایشان مرض است که مینگرند بسوی تو نگریستن طاری شده بیهوشی بر او از مرگ پس اولی است برای ایشان (20)
طاعت و گفتار خوب پس چون لازم شد امر پس اگر راستی ورزیده بودند با خدا هر آینه بود بهتر از برای ایشان (21)
پس آیا نزدیک شدید اگر والی شوید که فساد کنید در زمین و قطع کنید رحمهاتان را (22)
آن گروه آنانند که لعن کرد ایشان را خدا پس کر گردانیدشان و کور کرد چشمهای ایشان را (23)
آیا پس تفکّر نمیکنند در قرآن یا بر دلهائیست
ترجمه قرآن، ص: 472

قفلهاشان (24)
بدرستی که آنان که برگشتند بر پشتهاشان بعد از آنکه ظاهر شد مر ایشان را هدایت شیطان خوب وانمود از برای ایشان و طول امل داد برای ایشان (25)
آن بسبب این است که ایشان گفتند مر آنان را که ناخوش داشتند آنچه را فرو فرستاد خدا که بزودی فرمانبریم شما را در بعضی از امر و خدا میداند راز گفتن پنهان ایشان را (26)
پس چگونه باشد وقتی که بمیرانندشان ملائکه میزنند رویهاشان را و پشتهاشان را (27)
آن بسبب آنکه ایشان پیروی نمودند آنچه بخشم آورد خدا را و ناخوش داشتند خوشنودیش پس ناچیز کرد کردارهاشان را (28)
بلکه پنداشتند آنان که در دلهاشان مرض است که هرگز بیرون نخواهد آورد خدا کینهای ایشان را (29)
و اگر میخواستیم هر آینه نموده بودیم بتو ایشان را پس شناخته بودیشان بعلامتشان و میشناسی ایشان را در روش گفتار و خدا میداند کردارهای شما را (30)
و هر آینه می‌آزمائیم شما را تا بدانیم جهاد کنندگان را از شما و صبر نمایندگان را و میآزمائیم خبرهای شما را (31)
بدرستی که آنان که کافر شدند و باز داشتند از راه خدا و مخالفت ورزیدند با رسول از بعد آنکه ظاهر شد مر ایشان را هدایت هرگز ضرر نتوانند رسانید خدا را چیزی و بزودی ناچیز گرداند کردارشان را (32)
ای آن کسانی که ایمان آوردید فرمانبرید خدا را و فرمان برید رسول را و باطل نکنید کردارهاتان را (33)
بدرستی که آنان که کافر شدند و باز داشتند از راه خدا پس مردند و ایشان بودند کافران پس هرگز نیامرزد خدا ایشان را (34)
پس سستی مکنید و مخوانید کفّار را بصلح و شما برترانید و خدا با شماست و هرگز کم نمیکند از شما کردارهاتان را (35)
جز این نیست که زندگی دنیا بازی و هزلیست و اگر ایمان آرید و پرهیزکاری کنید
ترجمه قرآن، ص: 473
میدهد شما را اجرهاتان و نمیخواهد از شما مالهاتان را (36)
اگر خواهد از شما آنها را (یعنی مالهای شما را) پس مبالغه کند با شما بخیلی کنید و بیرون آورد کینه‌های شما را (37)
اینک شما آن کسانید خوانده میشوید تا انفاق کنید در راه خدا پس از شما کسی است که بخل میکند و آنکه بخل کند پس باز نمیگیرد مگر از خودش

و خدا بی‌نیاز است و شما محتاجانید و اگر روگردانید بدل می‌آورد گروهی جز شما پس نباشند امثال شما (38)

سورة الفتح مدنيّة و هى تسع و عشرون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
بدرستى كه ما قرار فيروزى داديم براى تو قرار فيروزى دادنى (1)
تا بيامرزد مر ترا خدا آنچه پيش افتاد از گناهت و آنچه پس افتاد و تمام گرداند نعمتش را بر تو و هدايت كند ترا براهى راست (2)
و يارى كند ترا خدا يارى كردنى با عزّت (3)
اوست آنكه فرو فرستاد ارام را در دلهاى مؤمنان تا بيفزايند گرويدنى را با گرويدنشان و مر خدا راست لشكرهاى آسمانها و زمين و باشد خدا داناى درست كردار (4)
تا داخل كند مردان با ايمان و زنان با ايمان را بهشتهايى كه ميرود از زير آنها نهرها جاودانيان در آن و در گذراند از ايشان گناهانشان را و باشد آن نزد خدا كاميابى بزرگ (5)
و عذاب كند
ترجمه قرآن، ص: 474
مردان بانفاق و زنان بانفاق و مردان مشرك و زنان مشركه را كه گمان برندگان بخدا گمان بد بر ايشانست گردش بد و خشم كرد خدا بر ايشان و لعنت كرد ايشان را و مهيّا كرد براى ايشان دوزخ را و بد است از راه بازگشت (6)
و مر خدا راست لشگرهاى آسمانها و زمين و باشد خدا غالب درست كردار (7)
بدرستى كه ما فرستاديم ترا گواه و بشارت دهنده و بيم كننده (8)
تا ايمان آريد بخدا و رسولش و تقويت كنيد او را و تعظيم نمائيد او را و تسبيح گوئيد او را بامداد و شبانگاه (9)
بدرستى كه آنان كه بيعت كردند با تو جز اين نيست كه بيعت كردند با خدا دست خدا بالاى دستهاى ايشان است پس آنكه شكست عهد نمود پس جز اين نيست كه ميشكند بر خودش و كسى كه وفا كند بآنچه پيمان بست بر آن با خدا پس بزودى ميدهد او را اجرى عظيم (10)
زود باشد كه بگويند مر ترا بجاگذاشتگان از باديه نشينان كه بازداشت ما را اموالمان و كسانمان پس آمرزش خواه براى ما ميگويند بزبانهاشان آنچه نيست در دلهاشان بگو پس كيست مالك شود براى شما از خدا چيزى را اگر خواهد بشما ضررى يا خواهد بشما نفعى بلكه باشد خدا بآنچه ميكنيد آگاه (11)
بلكه گمان برديد كه هرگز برنخواهد گشت رسول و گروندگان بسوى كسانشان هرگز و آراسته شد آن در دلهاتان و گمان كرديد گمان بد و

هستید گروهی هالکان (12)
و کسی که ایمان نیاورد بخدا و رسولش پس بدرستی که ما مهیّا کردیم از برای کافران آتش سوزان (13)
و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین میآمرزد آن را که خواهد و عذاب میکند آن را که میخواهد
ترجمه قرآن، ص: 475
و باشد خدا آمرزنده مهربان (14)
زود باشد که بگویند بجاگذاشتگان چون بروید بسوی غنیمتها که بردارید آن را بگذارید ما را که از پی آئیم شما را میخواهند که تغییر دهند سخن خدا را بگو هرگز از پی نخواهید آمد ما را همچنین گفت خدا از پیش پس زود باشد که گویند بلکه حسد میبرند بما بلکه هستند که نمیفهمند مگر اندکی (15)
بگوی مر بجاگذاشتگانرا از بادیه نشینان زود باشد که خوانده شوید بسوی گروهی صاحبان آسیب سخت که کارزار نمائید با ایشان یا مسلمان شوید پس اگر اطاعت کنید میدهد شما را خدا مزدی خوب و اگر روی بگردانید هم چنان که روی گردانیدید از پیش عقوبت کند شما را عقوبتی پر درد (16)
نیست بر کور گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی و کسی که فرمانبرد خدا و رسولش را داخل میگرداندش در بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها و کسی که روی گرداند عذاب کند او را عقوبتی دردناک (17)
بتحقیق خوشنود شد خدا از مؤمنان وقتی که بیعت کردند با تو در زیر آن درخت پس میداند آنچه در دلهای ایشانست پس فرو فرستاد آرام بر ایشان و پاداش داد ایشان را فتحی نزدیک (18)
و غنیمتهای بسیار که برگیرند آن را و باشد خدا غالب درست کردار (19)
وعده کرد شما را خدا غنیمتهای بسیار که بردارید آنها را پس بتعجیل داد شما را این و بازداشت دستهای مردمان را از شما و تا باشد آیتی برای مؤمنان و هدایت کند شما را راهی راست (20)
و دیگرها (یعنی غنایم دیگر) که قادر نشده بر آنها بتحقیق احاطه نموده خدا بآنها و باشد خدا بر همه چیز توانا (21)
و اگر
ترجمه قرآن، ص: 476
کارزار کرده بود با شما آنان که کافر شدند هر آینه گردانیده بودند پشتها را پس نمییافتند دوستی و نه یاوری (22)
دستور خداست که بتحقیق گذشت از پیش و هرگز نیابی مر دستور خدا را تغییری (23)
و اوست که بازداشت دستهای ایشان را از شما و دستهای شما را از ایشان در وادی مکّه از بعد آنکه فیروزی داد شما را بر ایشان و باشد خدا

بآنچه میکنید بینا (24)
ایشانند آنان که کافر شدند و باز داشتند شما را از مسجد الحرام و قربانی را باز داشته شده از اینکه برسد بجایش و اگر نه مردانی مؤمن و زنان مؤمنه که نمیشناختید ایشان را که پامال میکردید بکشتن ایشان را پس میرسد بشما از ایشان عاری بدون علمی تا داخل گرداند خدا در رحمتش آن را که میخواهد اگر جدا شده بودند هر آینه عذاب میکردیم آنان را که کافر شدند از ایشان عقوبتی پر درد (25)
هنگامی که گردانید آنان که کافر شدند در دلهاشان تعصّب تعصّب جاهليّت پس فرو فرستاد خدا آرامش را بر رسولش و بر گروندگان و لازم گردانید ایشان را کلمه تقوی و بودند سزاوارتر بآن و اهل آن و باشد خدا بهمه چیزی دانا (26)
بتحقیق راست نمود خدا برسولش آن خواب را بحقّ که هر آینه داخل خواهید شد البته مسجد الحرام را اگر خواسته باشد خدا ایمنان تراشندگان سرهاتان را و کوتاه کنندگان موی یا ناخن نترسید پس دانسته بود آنچه را ندانسته بودید پس گردانید از پیش آن فیروزی نزدیک (27)
اوست که فرستاد رسولش را با هدایت و دین حقّ تا غالب سازدش بر دین همه‌اش و کافی باشد خدا شاهد (28)
محمّد (صلّى اللّه عليه و آله) رسول خداست و آنان که
ترجمه قرآن، ص: 477
با اویند سختانند بر کافران رحیمانند میانه خود بینی ایشان را رکوع کنندگان سجود کنندگان که جویند تفضّلی از خدا و خوشنودی علامتشان در رویهای ایشانست از نشان سجده اینست صفتشان در تورية و صفتشان در انجیل چون کشتی که برآورد سبزه نورسته نازکش پس قوی کرد آن را پس سطبر شد پس ایستاد بر ساقهایش که بشکفت میآورد زارعان را تا بخشم آورد بایشان کافران را وعده داده خدا آنان را که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته از ایشان آمرزشی و پاداش بزرگ (29)

سورة الحجرات مدنيّة و هى ثمانى عشرة آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
اى آن كسانى كه ايمان آورديد پيشى نگيريد ميانه دو دست خدا و رسولش و بترسيد از خدا بدرستى كه خدا شنواى دانا است (1)
اى آنان كه ايمان آورديد بلند مسازيد بلند آوازهاتان را بالاى آواز پيغمبر و بلند خطاب نكنيد مر او را در گفتار چون بلند گفتن برخى از شما مر برخى را كه ناچيز شود كردارهاتان و شما نميدانيد (2)
بدرستى كه آنان كه پست ميسازند آوازهاشان را نزد رسول خدا ايشان آنانند كه آزمود خدا دلهاشان را براى پرهيزكارى براى ايشانست آمرزش و مزدى بزرگ (3)
بدرستى كه آنان كه ندا ميكنند ترا از پشت حجره‌ها اكثر ايشان نمييابند بعقل (4)
و اگر ايشان صبر كنند
ترجمه قرآن، ص: 478
تا بيرون آيى بايشان هر آينه باشد بهتر براى ايشان و خدا آمرزنده مهربانست (5)
اى آن كسانى كه ايمان آورديد اگر آرد بشما فاسقى خبرى پس تفتيش كنيد مبادا آسيب رسانيد گروهى را بنا دانستكى پس شويد بر آنچه كرديد پشيمانان (6)
و بدانيد كه در ميان شما است پيغمبر خدا اگر اطاعت ميكردتان در بسيارى از امر هر آينه هلاک شده بوديد و ليكن خدا محبوب گردانيد بشما ايمان را و آراسته كرد آن را در دلهاى شما و ناخوش گردانيد بشما كفر را و فسق را و نافرمانى را آنها ايشانند راه صواب يافتگان (7)
تفضّلى از خدا و نعمتى و خداست داناى درست كردار (8)
و اگر دو گروه از مؤمنان كارزار كنند با هم پس اصلاح كنيد ميان آن دو تا پس اگر ستم كند يكى از آن دو بر ديگرى پس كارزار كنيد با آنكه ستم ميكند تا رجوع نمايد بامر خدا پس اگر رجوع نمود پس اصلاح كنيد ميانشان براستى و عدالت كنيد بدرستى كه خدا دوست دارد عدالتكاران را (9)
جز اين نيست كه مؤمنان برادرانند پس اصلاح كنيد ميان برادرانتان و بپرهيزيد از خدا باشد كه شما رحمت كرده شويد (10)
اى آن كسانى كه ايمان آورديد نبايد كه استهزاء كند قومى بقومى شايد كه بوده باشند بهتر از ايشان و نه زنانى با زنانى شايد كه باشند بهتر از ايشان و عيب مكنيد خودهاتان را و بد مخوانيد بلقبها بدنامى است فسق بعد از ايمان و آنكه توبه نكند پس آن گروه ايشانند ستمكاران (11)

ای آن کسانی که ایمان آوردید اجتناب کنید بسیاری از گمان را بدرستی که بعضی از گمان گناه است و
ترجمه قرآن، ص: 479
تفحّص عیوب مکنید و غیبت مکنید بعضیتان بعضی را آیا دوست میدارد یکی از شما که بخورد گوشت برادرش را مرده پس ناخوش داشتید آن را و بپرهیزید از خدا بدرستی که خدا توبه پذیر مهربانست (12)
ای مردمان بدرستی که ما آفریدیم شما را از مذکّری و مؤنّثی و گردانید شما را شعبه‌ها و قبیله‌ها تا بشناسید یکدگر را بدرستی که گرامیترین شما نزد خدا پرهیزکارتر شما است بدرستی که خدا دانای آگاه است (13)
گفتند آن بادیه نشینان که گرویدیم بگو ایمان نیاورده‌اید و لیکن بگوئید که اسلام آورده‌ایم و هنوز داخل نشده ایمان در دلهای شما و اگر اطاعت کنید خدا و رسولش را کم نگرداند شما را از کردارهاتان چیزی را بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (14)
جز این نیست که مؤمنان آنانند که گرویدند بخدا و رسولش پس شکّ نکردند و جهاد کردند بمالهاشان و نفسهاشان در راه خدا آن گروه ایشانند راستگویان (15)
بگو آیا آگاهی میدهید خدا را بکیشتان و خدا میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و خدا بهمه چیز دانا است (16)
منّت مینهند بر تو که اسلام آورند بگو منّت مگذارید بر من اسلامتان را بلکه خدا منّت میگذارد بر شما که هدایت کرد شما را برای ایمان اگر هستید راستگویان (17)
بدرستی که خدا میداند پنهان آسمانها و زمین را و خدا بینا است بآنچه میکنید (18)

سورة ق مكّيّة و هى خمس و أربعون آية

ترجمه قرآن، ص: 480

بنام خداوند بخشاينده مهربان

بقرآن بزرگوار (1)

بلكه عجب داشتند كه آمد ايشان را بيم كننده از ايشان پس گفتند كافران كه اين چيزيست عجيب (2)

آيا چون بميريم و بشويم خاك آن بازگشتى است دور (3)

بتحقيق دانسته‌ايم آنچه كم ميكند زمين از ايشان و نزد ما است كتابى نگاهدارنده (4)

بلكه تكذيب نمودند حقّ را چون آمد ايشان را پس ايشانند در امرى مضطرب (5)

آيا پس ننگريستيد بسوى آسمان بالاى ايشان چگونه بنا كرده‌ايم آن را و آراسته‌ايم آن را و نيست مر آن را هيچ شكافها (6)

و زمين كشش داديم آن را و افكنديم در آن كوه‌هاى استوار و رويانيديم در آن از هر صنفى خوش آينده (7)

براى بينايى و پند مر هر بنده بازگشت كننده را (8)

و فرو فرستاديم از آسمان آب را بركت داده شده پس رويانيديم بآن بوستانها و دانه درويده شونده (9)

و درخت خرماى بلند كه مر آن راست شكوفه درهم رسته (10)

روزى براى بندگان و زنده گردانيديم بآن بلده مرده را همچنين است بيرون آمدن (11)

تكذيب كردند پيش از ايشان قوم نوح و اصحاب رسّ و ثمود (12)

و عاد و فرعون و برادران لوط (13)

و اصحاب ايكه و قوم تبّع همگى تكذيب نمودند رسولان را پس لازم شد وعيدم (14)

آيا پس ناتوان شديم بآفريدن نخست بلكه ايشان در شكّند از آفريدن نو (15)

و بتحقيق آفريديم انسان را و ميدانيم آنچه را وسوسه ميكند بآن نفسش و ما نزديكتريم باو

ترجمه قرآن، ص: 481

از رگ گردن (16)

هنگامى كه فراگيرند آن دو فراگيرنده كه از راست و از چپ نشسته (17)

بيرون نيفكند از دهن هيچ سخنى جز كه نزد اوست نگهبانى آماده (18)

و آمد بيهوشى مرگ بحقّ اينست آنچه بودى كه از آن ميگريختى (19)

و دمیده شد در صور اینست روز وعید (20)
و آمد هر نفسی با اوست راننده و شاهدی (21)
بتحقیق بودی در بیخبری از این پس برانداختیم از تو پرده ترا پس دیده‌ات امروز تیز است (22)
و گفت رفیقش اینست آنچه نزد من آماده است (23)
بیندازید در جهنّم هر ناسپاس عناد کننده (24)
منع کننده مر خیر را تعدّی کننده شک آورنده را (25)
آنکه گردانید با خدا الهی دیگر پس بیندازیدش در عذاب سخت (26)
گفت رفیقش پروردگار ما طاغی نکردم او را و لیکن بود در گمراهی دور (27)
گفت نزاع مکنید نزد من و بتحقیق پیش فرستادم بسوی شما وعید را (28)
تغییر داده نمیشود سخن نزد من و نیستم من ستمکار مر بندگان را (29)
روزی که گوئیم مر دوزخ را آیا پر شدی و گوید آیا هیچ زیادتی هست (30)
و نزدیک کرده شد بهشت برای پرهیزکاران نه دور (31)
اینست آنچه وعده کرده میشدید برای هر بازگشت کننده نگاهدارنده (32)
آنکه ترسید از خدای بخشنده به پنهانی و آمد با دلی بازگشت نماینده (33)
داخل شوید در بهشت بسلامتی اینست روز جاودانی (34)
مر ایشانراست آنچه خواهند در آن و نزد ما است زیادتی (35)
و بسیار هلاک گردانیدیم پیش از ایشان
ترجمه قرآن، ص: 482
از قرنی که آنها سختتر بودند از ایشان در قوّت پس راه انداختند در بلدها آیا هیچ بود گریزگاهی (36)
بدرستی که در این هر آینه پندیست برای آنکه باشد مر او را دلی یا انداخت گوش و او باشد شاهد (37)
و بتحقیق آفریدیم آسمانها و زمین را و آنچه میان آن دوتاست در شش روز و مسّ نکرد ما را هیچ تعبی (38)
پس صبر کن بر آنچه میگویند و تسبیح کن بستایش پروردگارت پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب (39)
و از شب پس تسبیح کن او را و عقبهای سجود (40)
و بشنو روزی که ندا میکند ندا کننده از جایی نزدیک (41)
روزی که می‌شنوند فریاد را براستی آنست روز بیرون آمدن (42)
بدرستی که ما زنده میکنیم و میمیرانیم و بسوی ما است بازگشت (43)
روزی که شکاف خورد زمین از ایشان شتابندگان آن حشریست برای ما آسان (44)
ما داناتریم آنچه میگویند و نیستی تو بر ایشان تسلّط دارنده پس پند ده بقرآن کسی که میترسد از وعید من (45)

سورة الذّاريات مكّيّة و هى ستون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
بپراكنده كنندگان پراكنده كردنى (1)
پس بردارندگان بار را (2)
پس روندگان بآسانى (3)
پس قسمت كنندگان امر را (4)
كه بدرستى كه آنچه وعده داده ميشويد هر آينه راستست (5)
و بدرستى كه دين هر آينه واقعست (6)
بآسمان صاحب زينتها يا راهها (7)
كه بدرستى كه شمائيد هر آينه
ترجمه قرآن، ص: 483
در گفتارى مختلف (8)
برگردانيده ميشود از او آنكه برگردانيده شد (9)
كشته شدند دروغگويان (10)
آنانى كه ايشانند در فرو رفتگى جهل بيخبران (11)
ميپرسند كه كى باشد روز جزا (12)
روزى كه ايشان بر آتش عذاب كرده ميشوند (13)
بچشيد عذابتان را اين است كه بوديد شما آن را بشتاب ميخواستيد (14)
بدرستى كه پرهيزكاران در باغها و چشمه سارهااند (15)
فرا گيرندگان آنچه داد ايشان را پروردگارشان كه ايشان بودند پيش از آن نيكوكاران (16)
بودند كه اندكى از شب خواب ميكردند (17)
و در سحرها ايشان آمرزش ميخواستند (18)
و بود در اموالشان بهره براى سؤال كننده و محروم (19)
و در زمين آيتها است براى يقين كنندگان (20)
و در خودهاتان آيا پس نمى‌بينيد (21)
و در آسمانست روزى شما و آنچه وعده كرده ميشويد (22)
پس بپروردگار آسمان و زمين كه آن هر آينه حق است مثل آنكه شما سخن مى‌گوييد (23)
آيا آمد ترا حكايت مهمانان ابراهيم گرامى داشتگان (24)
هنگامى كه داخل شدند بر او پس گفتند سلاما گفت سلام گروهى ناشناختگان (25)
پس نهانى رفت بسوى كسانش پس آورد گوساله فربه (26)
پس نزديك ساخت آن را بايشان گفت آيا نميخورند (27)

پس برداشت نهانی از ایشان ترسی گفتند مترس و مژده دادند او را به پسری دانا (28)
پس شروع کرد زنش در فریاد پس زد برویش و گفت پیر زنی نازاینده‌ام (29)
گفتند همچنین فرموده پروردگارت که اوست درستکار دانا (30)
گفت پس چیست کار شما ای فرستاده شدگان (31)
ترجمه قرآن، ص: 484
گفتند بدرستی که ما فرستاده شدیم بگروهی گناهکاران (32)
تا فرستیم بر ایشان سنگی از کل (33)
نشان کرده شده نزد پروردگارت برای اسرافکاران (34)
پس بیرون کردیم آنکه بود در آن از مؤمنان (35)
پس نیافتیم در آن جز خانه از مسلمانان (36)
و واگذاشتیم در آن علامتی از برای آنان که میترسند از عذاب پر درد (37)
و در موسی هنگامی که فرستادیم او را بسوی فرعون با حجّت واضح (38)
پس گردید بیکسویش و گفت جادوگر است یا دیوانه (39)
پس گرفتیم او را و لشکرهایش را پس انداختیم ایشان را در دریا و او بود ملامت آورنده (40)
و در عاد هنگامی که فرستادیم بر ایشان باد بی نفع (41)
نمیگذاشت هیچ چیز را که میگذشت بر آن مگر که میگردانیدش چون پوسیده ریزه ریزه شده (42)
و در ثمود هنگامی که گفته شد مر ایشان را که بر خورید تا وقتی (43)
پس سر کشیدند از فرمان پروردگارشان پس گرفتشان صاعقه و ایشان مینگریستند (44)
پس نتوانستند هیچ برخاستنی و نبودند انتقام کشندگان (45)
و قوم نوح از پیش بدرستی که ایشان بودند گروهی بیرون رفتگان از فرمان (46)
و آسمان بنا کردیمش بقوّت و بدرستی که مائیم وسعت دهندگان (47)
و زمین گستردیم آن را پس خوب گسترانندگانیم (48)
و از هر چیزی آفریدیم دو صنف باشد که شما پند گیرید (49)
پس بگریزید بسوی خدا بدرستی که من مر شما را از او بیم کننده آشکارم (50)
و مگردانید با خدا الهی دیگر بدرستی که من مر شما را از او بیم کننده آشکارم (51)
همچنین نیامد به آنانکه پیش از ایشان بودند هیچ رسولی مگر گفتند جادوگر است یا دیوانه (52)
ترجمه قرآن، ص: 485

آیا وصیّت یکدگر کردند بآن بلکه ایشانند گروهی زیاده روان (53)
پس اعراض کن از ایشان پس نباشی تو ملامت کرده شده (54)
و پند ده بدرستی که پند سود میدهد مؤمنان را (55)
و نیافریدیم جنّ و انس را مگر برای آنکه بپرستند مرا یا بشناسند مرا (56)
نمیخواهم از ایشان هیچ روزی و نمیخواهم که اطعام کنند مرا (57)
بدرستی که خدا اوست روزی دهنده صاحب قوّت قوی (58)
پس بدرستی که مر آنان را که ظلم کردند نصیب است مانند نصیب یارانشان پس نباید که بشتاب خواهند از من (59)
پس وای بر آنان که کافر شدند از روزشان که وعده داده میشوند (60)

سورة الطّور مكّيّة و هى تسع و أربعون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم بطور (1)
و كتاب نوشته شده (2)
در ورقى يا در پوستى گشوده شده (3)
و بيت معمور (4)
و سقف بلند بر افراشته شده (5)
و درياى پر يا بر افروخته (6)
بدرستى كه عذاب پروردگار تو هر آينه واقع شد نيست (7)
نباشد مر او را از دفع كننده (8)
روزى كه موج زند آسمان موج زند آسمان موج زدنى (9)
و روان شوند كوه‌ها روان شدنى (10)
پس واى روزى چنين بر تكذيب كنندگانى (11)
كه ايشانند در گفتگوى كه بازى ميكنند (12)
روزى كه بزجر انداخته شوند در آتش دوزخ انداختنى (13)
اينست آتشى كه بوديد آن را تكذيب ميكرديد (14)
آيا پس سحر است اين يا شما نمى‌بينيد (15)
در آوريد در آن پس خواه صبر كنيد يا صبر نكنيد يكسانست بر شما جزا داده نميشويد مگر آنچه را
ترجمه قرآن، ص: 486
بوديد كه ميكرديد (16)
بدرستى كه پرهيزكاران در بهشتى و نعمتى‌اند (17)
متنعّمان بآنچه داد ايشان را پروردگارشان و نگاهداشتشان پروردگارشان از عذاب دوزخ (18)
بخوريد و بياشاميد گوارا بآنچه بوديد كه ميكرديد (19)
تكيه زدگان بر سريرهاى بهم پيوسته و جفت گردانيم ايشان را با حوران فراخ چشم (20)
و آنان كه ايمان آوردند و پيرو شدند ايشان را اولادشان بايمان در ميرسانيم بايشان اولادشان را و كم نگردانيديم ايشان را از كردارشان هيچ چيزى هر مردى بآنچه كرده در گرو است (21)
و زياده عطا ميكنيم ايشان را ميوه و گوشت از آنچه خواهش دارند (22)
ميگيرند از هم در آنجا جامى كه نه لغوى در آنست و نه گناه كردن (23)
و گردش ميكند بر ايشان غلامان كه مر آنها راست گويا كه آنها مرواريد در ساتر نگهداشته‌اند (24)

و رو آوردند بعضيشان بر بعضى ميپرسند از يكديگر (25)
ميگفتند بدرستى كه ما بوديم پيشتر در كسانمان ترسندگان (26)
پس منّت نهاد خدا بر ما و نگاهداشت ما را از عذاب آتش نفوذ كننده (27)
بدرستى كه ما بوديم از پيش كه ميخوانديم او را بدرستى كه او اوست نيكى كننده مهربان (28)
پس پند ده پس نيستى تو بنعمت پروردگارت غيب گوى بدون وحى و نه ديوانه (29)
بلكه ميگويند شاعريست كه انتظار ميبريم باو حادثه روزگار را (30)
بگو منتظر باشيد پس بدرستى كه من با شما از منتظرانم (31)
يا امر ميكنيد ايشان را خردهاشان باين يا ايشانند گروهى زياده روان (32)
يا ميگويند بر بافت آن را بلكه ايمان نمى‌آوردند (33)
پس بايد بياورند كلامى مانند آن اگر هستند راستگويان (34)
آيا آفريده شدند از غير چيزى يا ايشانند آفرينندگان (35)
يا آفريدند
ترجمه قرآن، ص: 487
آسمانها و زمين را بلكه يقين نميكنند (36)
يا نزد ايشانست خزينهاى پروردگار تو يا ايشانند تسلّط دارندگان (37)
يا مر ايشانراست نردبانى كه گوش ميكنند در آن پس بايد كه بياورد شنونده ايشان حجّتى واضح (38)
يا مر او راست دختران و مر شما راست پسران (39)
يا ميخواهى از ايشان مزدى پس ايشانند از التزام تاوان گران باران (40)
يا نزد ايشانست غيب پس ايشان مينويسند (41)
يا اراده دارند مكرى پس آنان كه كافر شدند ايشانند مكر كرده شدگان (42)
يا مر ايشان را است الهى جز خدا منزّه است خدا از آنچه شرك ميآورند (43)
و اگر بينند پاره از آسمان فرود آينده گويند ابريست بر هم نشسته (44)
پس واگذار ايشان را تا ملاقات كنند روزشان را كه در آن هلاك گردانيده شوند بصاعقه (45)
روزى كه كفايت نكند از ايشان مكرشان چيزى را و نه ايشان يارى كرده شوند (46)
و بدرستى كه براى آنها كه ستم كردند عذابيست پيش از آن و ليكن اكثر ايشان نميدانند (47)
و صبر كن مر حكم پروردگارت را پس تويى بعين عنايت ما و تسبيح كن بستايش پروردگارت وقتى كه بر ميخيزى (48)
و از شب پس تسبيح گويش و در پشت كردن ستاره‌ها (49)

سورة النّجم مكّيّة و هى اثنتان و ستّون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم بستاره چون فرو شود يا بر آيد (1)
گمراه نشد صاحب شما و براه باطل نرفت (2)
و سخن نميكند از خواهش نفس (3)
نيست آن مگر
ترجمه قرآن، ص: 488
وحى كه وحى كرده ميشود (4)
آموخت او را سخت قواى (5)
صاحب توانايى پس راست ايستاد (6)
و او بود بر افق برتر (7)
پس نزديك آمد پس نزديك شد يا تواضع نمود (8)
پس بود قدر دو كمان يا نزديكتر (9)
پس وحى كرد به بنده‌اش آنچه وحى كرد (10)
تكذيب نكرد دل آنچه را ميديد (11)
آيا پس مجادله ميكنيد با او بر آنچه ميديد (12)
و بتحقيق كه ديدش بار ديگر (13)
نزد سدرة المنتهى (14)
كه نزد آنست بهشت آرامگاه (15)
هنگامى كه پوشيد سدره را آنچه پوشيد (16)
نگرديد بجانبى چشم و تجاوز از حدّ ننمود (17)
بتحقيق ديد از آيتهاى پروردگارش كه بود بزرگ (18)
پس خبر دهيد از لات و عزّى (19)
و منات سيّمى كه ديگر است (20)
آيا مر شما راست مذكّر و مر او راست مؤنّث (21)
اين اكنون بخش كردنى است مخالف عدالت (22)
نيست آن جز نامهايى كه نام كرديد آنها را شما و پدرانتان فرو نفرستاد خدا بآن هيچ حجّتى پيروى نميكنند مگر كمان را و آنچه را خواهش دارد نفسهاشان و بتحقيق آمد ايشان را از پروردگارشان هدايت (23)
يا مر انسان راست آنچه آرزو ميكند (24)
پس مر خدا راست آن جهان و اينجهان (25)
و بسيارى از فرشته در آسمانها است كه كفايت نميكند شفاعت كردنشان چيزى مگر از بعد آنكه اذن دهد خدا براى كسى كه خواهد و خوشنود باشد (26)

بدرستى كه آنان كه ايمان نمی‌آورند بآخرت هر آينه نام مينهند ملائكه را نام نهادن مؤنّث (27)
و نيست مر ايشان را بآن هيچ دانشى پيروى نميكنيد مگر گمان را و بدرستى كه گمان كفايت نميكند از حقّ چيزى را (28)
پس اعراض كن از آنكه روى گرداند
ترجمه قرآن، ص: 489
از ذكر ما و نخواست جز زندگانى دنيا را (29)
آنست منتهاى رسيد نشان از دانش بدرستى كه پروردگار تو او داناتر است بآنكه گمشد از راهش و او داناتر است بآنكه هدايت يافت (30)
و مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است تا جزا دهد آنان را كه بدى كردند بآنچه كردند و جزا دهد آنان را كه خوبى كردند بخوبى (31)
آنان كه اجتناب مينمايند از كبيره‌هاى گناه و كارهاى زشت مگر صغيره بدرستى كه پروردگار تو فراخ آمرزشى است او داناتر است بشما هنگامى كه پديد آورد شما را از زمين و هنگامى كه شما بوديد اطفال رحم در شكمهاى مادرانتان پس پاک مشماريد نفسهاتان را او داناتر است بآنكه پرهيزكار شد (32)
آيا پس ديدى كسى را كه روى گردان شد (33)
و داد اندكى و امساک نمود (34)
آيا نزد اوست علم غيب پس او ميبيند (35)
آيا خبر كرده نشد بآنچه در صحيفه‌هاى موسى است (36)
و ابراهيم كه تمام ادا كرد (37)
كه بر ندارد بر دارنده بار گناه ديگرى را (38)
و آنكه نيست مر انسان را جز آنچه كوشش نمود (39)
و آنكه سعيش بزودى ديده خواهد شد (40)
پس جزا داده بر آن جزاى تمامتر (41)
و آنكه بسوى پروردگار تو است نهايت كارها (42)
و آنكه بدرستى كه او خندانيد و گريانيد (43)
و آنكه او ميرانيد و زنده گردانيد (44)
و آنكه او آفريد دو صنف مذكّر و مؤنّث (45)
از نطفه چون ريخته شد (46)
و آنكه بر اوست پديد كردنى ديگر (47)
و آنكه او غنى گردانيد و سرمايه داد (48)
و اوست پروردگار ستاره شعرى (49)
و آنكه او هلاک گردانيد عاد نخستين را (50)
و ثمود را پس باقى نگذاشت (51)
و قوم

ترجمه قرآن، ص: 490
نوح را از پيش بدرستى كه ايشان بودند ايشان ستمكارتر و طاغيتر (52)
و زير و زبر شده‌ها را (شهرهاى قوم لوط) فرو افكند (53)
پس پوشانيد آن را آنچه پوشانيد (54)
پس كدام يک از نعمتهاى پروردگارت شكّ ميآرى (55)
اين بيم كننده ايست از جنس بيم كنندگان نخستين (56)
نزديک شد آن نزديک شونده (57)
نيست مر او را از غير خدا دفع كننده (58)
آيا پس از اين سخن تعجّب ميكنيد (59)
و ميخنديد و نميگرييد (60)
و شمائيد غافلان (61)
پس سجده كنيد مر خداى را و بپرستيد (62)

بنام خداوند بخشاينده مهربان
نزديک شد قيامت و شکاف خورد ماه (1)
و اگر بينند آيتى روى گردانند و گويند سحريست هميشگى (2)
و تکذيب کردند و پيرو شدند خواهشهاشان را و هر امرى قرار گيرنده است (3)
و بتحقيق آمد ايشان را از اخبار آنچه در آنست منزجر شدن (4)
حکمتى است کامل پس سود ندهد بيم دادن (5)
پس اعراض کن از ايشان روزى که ميخواند خواننده بسوى چيزى ناخوش داشته (6)
فرو رفتها چشمهاشان بيرون آيند از قبرها گويا ايشانند ملخ پراکنده (7)
بشتاب روندگان بسوى آن خواننده گويند کافران که اين روزى است دشوار (8)
تکذيب کردند پيش از ايشان قوم نوح پس تکذيب کردند بنده ما را و گفتند ديوانه ايست و زجر کرده شد (9)
پس خواند پروردگارش را بدرستى که من مغلوبم پس انتقام بکش (10)
پس گشوديم درهاى آسمان را بآبى سخت ريزنده (11)
و روان کرديم از زمين
ترجمه قرآن، ص: 491
چشمه‌ها پس بهم پيوست آب بر کارى که بتحقيق قرار داده شده بود (12)
و برداشتيم آن را بر صاحب تخته‌هايى و ميخهايى (13)
که ميرفت بنگاهداشت ما جزا براى کسى که بود انکار کرده شده (14)
و بحقيقت گذاشتيم آن را آيتى پس آيا هست هيچ پند گيرنده (15)
پس چگونه بود عذابم و بيم دادنم (16)
و بتحقيق آسان کرديم قرآن را براى پند پس آيا هست هيچ پند گيرنده (17)
تکذيب نمودند حاد پس چگونه بود عذابم و بيم دادنم (18)
بدرستى که ما فرستاديم بر ايشان بادى پر خروش در روزى شومى استمرار دارنده (19)
که ميربود مردم را که گويا ايشان تنهاى درخت خرما بودند برکنده شده (20)
پس چگونه بود عذابم و بيم دادنم (21)
و بتحقيق آسان کرديم قرآن را از براى پند پس آيا هست هيچ پند گيرنده (22)

تکذیب کردند ثمود بیم کنندگان را (23)
پس گفتند آیا آدمی را که جنس ما است تنها پیروی کنیم او را بدرستی که ما آن گاه هر آینه در گمراهی و آتشیم (24)
آیا افکنده شد ذکر بر او از میان ما بلکه او دروغگوئیست ناپسند (25)
بزودی خواهند دانست فردا که کیست دروغگوی ناپسند (26)
بدرستی که ما فرستادیم ناقه را فتنه مر ایشان را پس چشم در راه باش ایشان را و صبر کن (27)
و آگاه کن ایشان را که آب قسمت است میانشان هر حصّه آبی حاضر کرده شده است (28)
پس خواندند یارشان را پس بگرفت شمشیر خود را پس پی کرد (29)
پس چگونه بود عذابم و بیم دادنم (30)
بدرستی که ما فرستادیم بر ایشان فریادی واحد پس گشتند مانند درخت خشک درهم ریخته (31)
و بتحقیق آسان کردیم قرآن را از برای پند پس آیا هست هیچ پند گیرنده (32)
تکذیب کردند قوم لوط بیم دهندگان را (33)
بدرستی که بر ایشان تند باد سنگریزه پاش جز آل لوط
ترجمه قرآن، ص: 492
که نجات دادیمشان بسحر (34)
نعمتی از نزد ما همچنین پاداش میدهیم کسی را که شکر گزاری نمود (35)
و بحقیقت ترسانیدشان از گرفت ما پس مجادله نمودند بآنچه بآنها بیم داده میشدند (36)
و بتحقیق جویای کام شدند او را از مهمانهایش پس محو کردیم چشمهاشان پس بچشید عذابم را و بیم دادنم را (37)
و بتحقیق آمد ایشان را اوّل روز عذابی بر قرار (38)
پس بچشید عذابم را و بیم دادنم را (39)
و بتحقیق آسان گردانیدیم قرآن را برای پند پس آیا هست هیچ پند گیرنده (40)
و بحقیقت آمد آل فرعون را آنچه بآن انذار کرده میشود (41)
تکذیب کردند آیتهای ما را همه‌اش پس گرفتیم ایشان را گرفتن غالبی توانا (42)
آیا کافران شما بهترند از اینان یا مر شما راست امان نامه در کتابها (43)
یا میگویند ما باهمیم انتقام کشندگان (44)
زود باشد که هزیمت داده شوند آن جمع و برگردانیده شوند (45)
بلکه قیامتست وعده‌گاه ایشان و قیامت سخت در بلیّه ناگزیر و تلختر

(46)
بدرستی که گناهکاران در گمراهی و آتشهای سوزانند (47)
روزی که کشیده میشوند در آتش بر رویهاشان بچشید مسّ کردن دوزخ را (48)
بدرستی که ما هر چیزی آفریدیم آن را باندازه (49)
و نیست امر ما مگر واحدی چون نگریستن بچشم بشتاب (50)
و بتحقیق هلاک کردیم امثال شما را پس آیا هست هیچ پند گیرنده (51)
و هر چیزی که کردند آن را در کتابهاست (52)
و هر صغیر و کبیر نوشته شده است (53)
بدرستی که پرهیزکاران در بهشتها و انبساطند (54)
در مجلسی پسندیده نزد پادشاهی توانا (55)

سورة الرّحمن جلّ ذكره مكّيّة و هى ثمان و سبعون آية

ترجمه قرآن، ص: 493

ترجمه قرآن 517

ترجمه قرآن، ص: 493

بنام خداوند بخشاينده مهربان

خداى بخشاينده (1)

تعليم داد قرآن را (2)

آفريد انسان را (3)

آموزانيدش بيان را (4)

آفتاب و ماه بحسابند (5)

و ستاره و درخت يا گياه سجود ميكنند (6)

و آسمان بلند گردانيدش و قرار داد ترازو را (7)

كه تعدّى نكنيد در ميزان يا عدالت (8)

و بر پا داريد سنجيدن را بعدل و كم نكنيد ميزان را (9)

و زمين فروگستردش براى مردمان (10)

در آنست ميوه و درخت خرما صاحب غلافهاى خوشه (11)

و دانه صاحب برگ و رستنى خوشبوى (12)

پس بكدام يک نعمتهاى پروردگارتان را تكذيب ميكنيد (13)

آفريد انسان را از گل خشكيده مانند سفال پخته (14)

و آفريد جنّ را از شعله بيدودى از آتش (15)

پس كدام يک نعمتهاى پروردگارتان را تكذيب ميكنيد (16)

پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب (17)

پس كدام يک از نعمتهاى پروردگارتان را تكذيب ميكنيد (18)

روان كرد دو دريا را كه بهم برسند (19)

ميانشان حايلى است كه زيادتى بهم نميكنند (20)

پس كدام يک از نعمتهاى پروردگارتان را تكذيب ميكنيد (21)

بيرون ميآيد از آن دو لؤلؤ و مرجان (22)

پس كدام يک از نعمتهاى پروردگارتان را تكذيب ميكنيد (23)

و مر او راست كشتيهاى رونده در دريا چون كوه‌ها (24)

پس كدام يک از نعمتهاى پروردگارتان را تكذيب ميكنيد (25)

هر كس كه بر آنست در معرض فنا است (26)

و پاينده است ذات پروردگار تو صاحب جلال و گرامى داشتن است (27)

پس كدام يک

ترجمه قرآن، ص: 494

از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (28)
سؤال میکند از او هر که در آسمانها و زمین است هر روز او در کاریست (29)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (30)
زود باشد بپردازیم بشما ای دو گرانمایه نوع (31)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (32)
ای جماعت جنّ و انس اگر توانید که بگریز بیرون روید از اطراف آسمانها و زمین پس بیرون روید بیرون نتوانید رفت مگر بتسلّط (33)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (34)
فرستاده میشود بر شما شعله‌هایی از آتش و مس گداخته پس دفع نتوانید کرد (35)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (36)
پس در آن روز پرسیده نشود از گناهش انسی و نه جنّی (39)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (40)
شناخته میشود گناهکاران بعلامتشان پس گرفته میشوند بموهای پیشانی و قدمها (41)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (42)
اینست دوزخی که تکذیب مینمودند آن را گناهکاران (43)
میگردند میانه آن و میانه آب جوشان (44)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (45)
و برای کسی که ترسید مقام پروردگارش دو بوستانست (46)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (47)
صاحبان انواع (48)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (49)
در آن دو تا دو چشمه است که جاری میباشند (50)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید
ترجمه قرآن، ص: 495
(51)
در آن دو تا است از هر میوه دو صنف (52)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (53)
تکیه میکنند بر فرشهایی که آستر آنها از دیبای سطبر است و میوه چیدن آن دو بهشت نزدیکست (54)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (55)
در آنها است فرو هشته چشمان که مسّ نکرده ایشان را انسانی پیش از ایشان و نه جنّی (56)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (57)

گویا آنها یاقوت و مرواریدند (58)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (59)
آیا باشد پاداش نیکوکاری جز احسان (60)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (61)
و از غیر آن دو تا دو بهشت است (62)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (63)
هر دو بر سیاهی زننده (64)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (65)
در آن دو تا دو چشمه‌ایست هر دو بر جوشنده (66)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (67)
در آن دو تا است میوه و نخل و انار (68)
پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید (69)
در آنهاست خوب زنان نیکو (70)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (71)
حوران پرده نشینند در خیمها (72)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (73)
مسّ نکرده ایشان را انسان پیش از ایشان و نه جنّی (74)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (75)
تکیه زنندگان بر بالشهای سبز و بساط قیمتی خوب (76)
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید (77)
افزون آمد نام پروردگار تو که صاحب بزرگی و مکرمت است (78)

سورة الواقعة مكّيّة و هى ستّ و تسعون آية

ترجمه قرآن، ص: 496
بنام خداوند بخشاينده مهربان
وقتى كه بوقوع آمد آن بوقوع آمدنى (1)
نيست مرد وقوعش را تكذيب كننده (2)
پست گرداننده است بلند گرداننده است (3)
وقتى كه حركت داده شود زمين حركت سخت (4)
و شكسته شود كوه‌ها ريزه كردنى (5)
پس باشد ذرّه پراكنده (6)
و باشيد اصناف سه گانه (7)
پس ياران جانب راست و چه ياران جانب راست (8)
و ياران جانب چپ و چه ياران جانب چپ (9)
و پيشى گرفتگان پيش روانند (10)
ايشانند نزديک شدگان (11)
در بهشتهاى ناز و نعمت (12)
گروهى از پيشينيان (13)
و قليلى از پسينيان (14)
با سريرهاى بافته از زر و جواهر (15)
تكيه زنندگان بر آنها روبروى يكديگر (16)
ميگردند بر ايشان پسران جاودانيان (17)
با قدحها و ابريقها و جامى از شراب جارى (18)
درد سر نميكند از آن و نه از خود روند (19)
و ميوه از آنچه اختيار كنند (20)
و گوشت مرغ از آنچه ميخوانند (21)
و حوران فراخ چشم (22)
چون امثال مرواريد در پرده‌ها نگاهداشته (23)
پاداش بسبب آنكه بودند كه ميكردند (24)
نميشنوند در آن لغوى و نه اسناد بد كردنى (25)
مگر گفتن سلامى سلامى (26)
و ياران جانب راست چه ياران جانب راست (27)
در زير سدر بى‌خار (28)
و درخت مورد بر هم پيچيده (29)
و سايه هميشه كشيده شده (30)
و آبى ريزان شده (31)

و میوه بسیاری

(32)
نه گسسته شونده است و نه منع شده (33)
و فرشهای بالا برده شده (34)
که ما آفریدیم آنها را آفریدنی (35)
پس گردانیدیمشان باکره‌ها (36)
شیفته شوهر خود همسنّ (37)
برای یاران جانب راست (38)
گروهی از پیشینیانند (39)
و گروهی از پسینیان (40)
و یاران جانب چپ چه یاران جانب چپ (41)
در آتش نفوذ کننده‌اند و آب جوشان (42)
و سایه از دود سیاه (43)
نه سرد و نه پسندیده (44)
بدرستی که آنها بودند پیش از این بناز و نعمت (45)
و بودند که اصرار مینمودند بر گناه بزرگ (46)
و بودند که میگفتند آیا وقتی که بمیریم و بشویم خاکی و استخوانهای آیا ما برانگیخته شوندگانیم (47)
یا پدرانمان که پیشینیانند (48)
بگو بدرستی که پیشینیان و پسینیان (49)
هر آینه جمعند تا وقتی مقرّر تا روزی معلوم (50)
پس بدرستی که شمائید ای گمراهان تکذیب کنندگان (51)
هر آینه خورندگانید از درختی از زقّوم (52)
پس پر کنندگانید از آن شکمها را (53)
پس آشامندگانید بر آن از آب جوشان (54)
پس آب آشامندگانید آشامیدن تشنه (55)
اینست مهمانی ایشان روز جرا (56)
ما آفریدیم شما را پس چرا تصدیق نمیکنید (57)
آیا پس خبر دهید آنچه را که میریزید (58)
آیا شما میآفرینید آن را یا مائیم آفرینندگان (59)
ما قرار دادیم میان شما مرگ را و نیستیم ما مغلوب (60)
بر اینکه بدل آریم امثال شما را و بیافرینیم شما را در آنچه نمیدانید (61)
و بتحقیق دانستید آن آفرینش نخستین پس چرا تفکّر نمیکنید (62)
آیا پس خبر دهید آنچه میکارید

(63)
آیا شما میرویانید آن را یا مائیم رویانندگان (64)
اگر خواهیم هر آینه گردانیم آن را خشک پس گردیدید تاسّف خورده باشید
(65)
ما تاوان زدگانیم (66)
بلکه ما بی بهرگانیم (67)
آیا پس خبر دهید آن آبی که میآشامید (68)
آیا شما فرو فرستادید آن را از ابر یا مائیم فرو فرستندگان (69)
اگر خواهیم گردانیم آن را تلخ مزه پس چرا شکر نمیکنید (70)
آیا پس خبر دهید آتشی که بر میآرید (71)
آیا شما آفریدید درختش را یا مائیم آفرینندگان (72)
ما گردانیدیم آن را یادآوری و مایه تعیّش برای صاحبان قوّت (73)
پس تسبیح گوی بنام پروردگارت که بزرگست (74)
پس سوگند یاد نمیکنم بمنازل ستارگان (75)
و بدرستی که آن سوگندیست اگر میدانید بزرگ (76)
بدرستی که آن قرآنیست گرامی (77)
در کتابی مسطور (78)
مسّ نمیکند آن را مگر پاک گردیده شدگان (79)
فرو فرستادنی است از پروردگار جهانیان (80)
آیا پس باین کلام شما مداهنه میکنید (81)
و میگردانید روزیتان را بدرستی که شما تکذیب مینمائید (82)
پس چرا وقتی که میرسد بحنجره (83)
و شما در آن وقت مینگرید (84)
و ما نزدیکتریم بسوی او از شما و لیکن نمی‌بینید (85)
پس چرا اگر هستید غیر جزا داده شوندگان (86)
برگردانیدش اگر هستید راستگویان (87)
پس امّا اگر باشد از نزدیک شدگان (88)
پس راحتی است و روزی و بهشت با نعمت (89)
و امّا اگر باشد از یاران دست راست (90)
پس سلام مر ترا از یاران دست راست (91)
و امّا اگر باشد از تکذیب کنندگان گمراهان

(92)
پس مایه مهمانیست از آب جوشان (93)
و در آوردن در دوزخ (94)

بدرستی که آن هر آینه آنست حقّ یقین (95)
پس تسبیح گوی بنام پروردگارت که بزرگست (96)

سورة الحديد مدنيّة و هى تسع و عشرون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
تسبيح گفت مر خدا را آنچه در آسمانها و زمين است و اوست عزيز حكيم (1)
مر او راست پادشاهى آسمانها و زمين زنده ميكند و ميميراند و اوست بر همه چيز توانا (2)
اوست اوّل و آخر و ظاهر و باطن و اوست بهمه چيز دانا (3)
اوست كه آفريد آسمان و زمين را در شش روز پس مستوى شد بر عرش ميداند آنچه در شود در زمين و آنچه بر آيد از آن و آنچه فرو ميفرستد از آسمان و آنچه بالا ميرود در آن و اوست با شما هر جا باشيد و خدا بآنچه ميكنيد بيناست (4)
مر او راست پادشاهى آسمانها و زمين و بخدا برگردانيده ميشود امرها (5)
در ميآورد شب را در روز و در ميآورد روز را در شب و اوست دانا بذات سينه‌ها (6)
ايمان آريد بخدا و رسولش و انفاق كنيد از آنچه گردانيد شما را خليفه گردانيده شده در آن پس آنان كه ايمان آوردند از شما و انفاق نمودند مر ايشانراست اجرى بزرگ (7)
و چيست مر شما را كه ايمان نميآوريد بخدا و رسول ميخواند شما را كه ايمان آريد بپروردگارتان و بتحقيق گرفت
ترجمه قرآن، ص: 500
پيمان از شما اگر هستيد ايمان آورندگان (8)
اوست آنكه فرو ميفرستد بر بنده‌اش آيتهاى واضح تا بيرون برد شما را از ظلمتها بنور و بدرستى كه خداست بشما هر آينه مهربان رحيم (9)
و چيست مر شما را كه انفاق نميكنيد در راه خدا و مر خدا راست ميراث آسمانها و زمين برابر نيست از شما آنكه انفاق كرد از پيش فتح و كارزار نمود آنها بزرگترند در پايه از آنان كه انفاق كردند از پس و كارزار نمودند و همه را وعده داده خدا خوبى را و خدا بآنچه ميكنيد آگاه است (10)
كيست آنكه آن كس وام دهد خدا را وامى نيكو پس زياده گرداند او را و مر او راست پاداشى سودمند (11)
روزى كه بينى مردان با ايمان و زنان با ايمان را كه ميشتابند نورشان ميانه دستهاشان و بجانب راستشان بشارت شما امروز بهشتهاييست كه ميرود از زير آنها نهرها جاودانيان در آنها اينست آن كاميابى بزرگ (12)
روزى كه گويند مردان بانفاق و زنان بانفاق مر آنان را كه ايمان آوردند نظر كنيد بما تا اقتباس نمائيم از نور شما گفته شد كه برگرديد بقفاتان

پس بجوئید نوری پس کشیده شد میانشان دیواری که مر او راست دری که باطنش در آنست رحمت و ظاهرش از پیش آنست عذاب (13)
ندا کنند ایشان را که آیا نبودیم با شما گویند آری و لیکن شما فریفتید خودهاتان را و انتظار بردید و شکّ آوردید و فریب داد شما را فریب دهنده آرزوها تا آمد امر خدا و فریب داد شما را بخدا فریب دهنده (14)
پس آن روز گرفته نشود
ترجمه قرآن، ص: 501
از شما فدایی و نه از آنان که کافر شدند جایگاه شماست آتش آن اولی است بشما و بد است آن بازگشت (15)
آیا نرسید وقت مر آنان را که ایمان آوردند که بترسد دلهاشان برای ذکر خدا و آنچه نازل شد از حقّ و نباشند چون کسانی که داده شدند کتاب را از پیش پس دراز شد بر ایشان زبان پس سخت شد دلهاشان و بسیاری از ایشان فاسقانند (16)
بدانید بدرستی که خدا زنده میگرداند زمین را بعد از موت آن بتحقیق بیان کردیم برای شما آیتها را باشد که شما دریابید بعقل (17)
بدرستی که مردان صدقه کننده و زنان صدقه کننده و وام دادند خدا را وامی نیکو زیاده کرده میشود برای ایشان و ایشانراست پاداشی سودمند (18)
و آنان که ایمان آوردند بخدا و رسولش ایشانند آنان صدّیقان و شهیدان نزد پروردگارشان که ایشانراست اجرشان و نورشان و آنان که کافر شدند و تکذیب کردند بآیتهای ما ایشانند اهل دوزخ (19)
بدانید بدرستی که زندگانی دنیا بازی است و لهو و آرایش و نازش برتری میانتان و لاف بسیاری در اموال و اولاد مثل بارانی که بشکفت آرد کفّار را رستنیش پس خشک شود پس بینی او را زرد شده پس شود درهم شکسته ریزه ریزه و در آخرت عقوبتی است سخت و آمرزش از خدا و خوشنودی و نیست زندگانی دنیا مگر مایه فریب (20)
پیشی گیرید بسوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی و عرض آن چون عرض آسمان و زمین است آماده شده
ترجمه قرآن، ص: 502
برای آنان که ایمان آوردند بخدا و رسولش آن فضل خداست میدهدش بکسی که میخواهد و خدا صاحب فضل است (21)
نرسید هیچ مصیبتی در زمین و نه در نفسهای شما مگر در کتاب پیش از آنکه پدید آریم آن را بدرستی که آن بر خدا آسان است (22)
تا غمگین نشوید بر آنچه فوت شد از شما و شاد نشوید بآنچه داد شما را و خدا دوست ندارد هر متکبّر نازان را (23)
آنان که بخل میورزند و امر میکنند مردمان را ببخل و کسی که رو گرداند

پس بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده (24)
بتحقیق فرستادیم رسولانمان را با بیّنه‌ها و فرو فرستادیم با ایشان کتاب و میزان را تا قیام نمایند مردمان بعدل و فرستادیم آهن را در آنست آسیبی سخت و منفعتها برای مردمان و تا بداند خدا کسی را که یاری کند او را و رسولانش در نهان بدرستی که خدا توانای عزیز است (25)
و بتحقیق فرستادیم نوح را و ابراهیم و گردانیدیم در اولاد آن دو پیغمبری را و کتاب را پس بعضی از ایشان هدایت یافتند و بسیاری از ایشان فاسقانند (26)
پس از پی در آوردیم بر اثرهای ایشان رسولانمان را و از پی در آوردیم عیسی ابن مریم را و دادیمش انجیل و گردانیدیم در دلهای آنان که پیرو شدند آن را مهری و رحمتی و رهبانیّتی که بدعت ساختند او را ما ننوشتیم آن را بر ایشان مگر جستن رضای خدا پس رعایت ننمودند آن را حقّ رعایتش پس دادیم آنان را که ایمان آوردند از ایشان اجرشان را
ترجمه قرآن، ص: 503
و بسیاری از ایشان فاسقانند (27)
ای آن کسانی که ایمان آوردند بپرهیزید از خدا و ایمان بیاورید برسولش که میدهد شما را دو نصیب از رحمتش و خواهد گردانید از برای شما نوری که راه روید بآن و خواهد آمرزید شما را و خداست آمرزنده مهربان (28)
تا دانند اهل کتاب اینکه قدرت ندارند بر چیزی از فضل خدا و اینکه افزونی در دست خداست میدهدش بآنکه میخواهد و خداست صاحب فضل بزرگ (29)

بنام خداوند بخشاينده مهربان
بتحقيق شنيد خدا گفتن آن زنى كه مجادله كرد با تو در زوجش و شكايت ميبرد بخدا و خدا مى‌شنيد گفتگوى شما را بدرستى كه خدا شنواى بيناست (1)
آنان كه ظهار كنند از شما از زنانشان نيستند آنها مادران ايشان نباشند مادران ايشان جز آن زنانى كه زادند ايشان را و ايشان ميگويند ناپسندى از گفتار و دروغى و بدرستى كه خداست در گذرنده آمرزنده (2)
و آنان كه ظهار كنند از زنانشان پس عود نمايند مر آنچه را گفتند پس آزاد كردن رقبه ايست از پيش از آنكه بهمرسند آن دو آن پند داده ميشود بآن و خداست بآنچه ميكنيد آگاه (3)
پس كسى كه نيافت پس روزه دو ماه تمام پى در پى است
ترجمه قرآن، ص: 504
پيش از آنكه بهمرسند آن دو پس كسى كه نتواند پس اطعام شصت مسكين است اين براى آنكه ايمان آريد بخدا و رسولش و اين حدّهاى خداست و براى كافرانست عذاب پردرد (4)
بدرستى كه آنان كه مخالفت ميكنند خدا و رسولش را نگونسار شدند هم چنان كه نگونسار گردانيده آنان كه پيش از ايشان بودند و بتحقيق فرستاديم آيتهاى روشن و براى كافرانست عذاب خوار كننده (5)
روزى كه برانگيزد ايشان را خدا همگى پس خبر دهيد ايشان را بآنچه كردند ضبط كرد آن را خدا و فراموش كردند آن را و خداست بر همه چيزى شاهد (6)
آيا نديدى كه خدا ميداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمين است نباشد هيچ راز سه كس جز اوست چهارمين ايشان و نه پنج جز كه اوست ششمين ايشان و نه كمتر از آن و نه بيشتر جز اوست با ايشان هر جا باشند پس خبر ميدهد آنها را بآنچه كردند روز قيامت بدرستى كه خدا بهر چيزى داناست (7)
آيا نديدى بسوى آنان كه نهى كرده شده از راز گفتن پس عود ميكنند بآنچه نهى كرده شدند از آن و راز ميگويند ببدى و دشمنى و نافرمانى رسول و چون آيند تحيّت گويند ترا بآنچه تحيّت نگفت ترا بآن خدا و ميگويند در خودهاشان چرا عذاب نميكند ما را خدا بآنچه مى‌گوييم بس است آنها را دوزخ كه در ميآيند در آن پس بد است آنجاى بازگشت (8)
اى آنان كه ايمان آوردند چون راز با هم گوئيد پس راز مگوييد ببدى و دشمنى و نافرمانى رسول و راز گوئيد بخوبى و پرهيزكارى و بپرهيزيد

از خدا كه بسويش حشر كرده خواهيد شد (9)
جز اين نيست كه اين راز گفتن از شيطانست تا غمگين شود آنان كه ايمان آوردند و نيست ضرر رساننده ايشان را بچيزى مگر باذن خدا و بر خدا بايد توكّل كنند مؤمنان (10)
اى آن كسانى كه ايمان آورديد هر گاه گفته شود مر شما را جا واكنيد در مجالس پس جا واكنيد كه جا وامى‌كند خدا براى شما و چون گفته شود كه برخيزيد پس برخيزيد تا بلند گرداند خدا آنان را كه ايمان آوردند از شما و آنان را كه داده شدند علم مرتبه‌ها و خدا بآنچه ميكنيد آگاه است (11)
اى آن كسانى كه ايمان آورديد چون راز گوئيد با رسول پس مقدّم داريد ميانه دو دست رازتان صدقه را آن بهتر است براى شما و پاكيزه‌تر پس اگر نيابيد پس بدرستى كه خدا آمرزنده مهربانست (12)
آيا ترسيديد كه مقدّم داريد ميانه دو دست راز گفتنتان صدقه‌ها را پس چون نكرديد و پذيرفت خدا توبه از شما پس بر پا داريد نماز را و بدهيد زكاة را و اطاعت نمائيد خدا و رسولش را و خدا آگاهست بآنچه ميكنيد (13)
آيا نديدى بسوى آنان كه دوست گرفتند گروهى را كه غضب كرد خدا بر ايشان نيستند آنها از شما و نه از ايشان و سوگند ياد ميكنند بر دروغ و ايشان ميدانند (14)
آماده كرده خدا براى ايشان عذابى سخت بدرستى كه ايشان بد است آنچه كه ميكنند (15)
گرفتند سوگندهاشان را سپرى پس باز داشته شدند از راه خدا پس براى ايشانست عذابى خوار كننده (16)
كفايت نكند از ايشان اموال ايشان و نه اولاد ايشان از خدا چيزى را

ايشانند اهل آتش آنانند در آن جاودانيان (17)
روزى كه برانگيزاند ايشان را خدا همگى پس سوگند ياد ميكند براى او هم چنان كه سوگند ياد ميكنند براى شما و مى‌پندارند كه ايشانند بر چيزى دانسته باش كه ايشانند آنها دروغگويان (18)
استيلا يافت بر ايشان شيطان پس فراموش گردانيد آنها را ذكر خدا آنهايند سپاه شيطان دانسته باش كه سپاه شيطان آنهايند زيانكاران (19)
بدرستى كه آنان كه مخالفت مينمايند خدا و رسولش را آنهايند در خوارتران (20)
نوشت خدا كه هر آينه غالب ميشوم من و رسولانم بدرستى كه خداست قوىّ عزيز (21)
نيابى گروهى را كه ايمان آوردند بخدا و روز بازپسين دوست دارند آن را

که مخالفت نمود خدا و رسولش را و اگر چه باشند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا خویشان آنها آن گروه نوشت در دلهاشان ایمان و قوّت داد ایشان را بروحی از آن و داخل میگرداند بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها جاودانیان در آنها خوشنود شد خدا از ایشان و خشنود شدند از او ایشان سپاه خدایند آگاه باش که سپاه خدا آنهایند رستگاران (22)

بنام خداوند بخشاينده مهربان
تسبيح كرد خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است و اوست عزيز حكيم (1)
اوست آنكه بيرون كرد آنان را كه كافر شدند
ترجمه قرآن، ص: 507
از اهل كتاب از ديارشان در اوّل راندن گمان نبرده بوديد كه بيرون روند و گمان برده بودند ايشان باز دارند شانست حصارهاشان از خدا پس آمد ايشان را خدا از جايى كه گمان نبرده بودند و انداخت در دلهاشان هراس كه خراب ميكردند خانهاشان را بدستهاى خودشان و دستهاى مؤمنين پس عبرت گيريد اى صاحبان ديدها (2)
و اگر نه آن بود كه نوشته بود خدا بر ايشان آن جلاء هر آينه عذاب ميكرد آنها را در دنيا و براى ايشانست در آخرت عذاب آتش (3)
آن باينست كه ايشان مخالفت نمودند خدا و رسولش را و كسى كه مخالفت نمايد خدا و رسولش را پس بدرستى كه خداست سخت عقوبت (4)
آنچه را كه بريديد از درخت خرماى خوب يا واگذاشتيدش ايستاده بر اصلهايش پس بود باذن خدا و تا جزا دهد فاسقان را (5)
و آنچه را باز گردانيد خدا بر رسولش از ايشان پس برنتاختيد بر آن اسبى و نه شترى و ليكن خدا تسلّط ميدهد رسولانش بر آنكه ميخواهد و خداست بر همه چيز توانا (6)
آنچه را برگردانيد خدا بر رسولش از اهل قريه‌ها پس براى خدا و رسول است و براى صاحب قرابت و يتيمان و مسكينان و ابن سبيل تا نبوده باشد دايره نوبت ميان اغنياء از شما و آنچه داد شما را رسول پس بگيريد او را و آنچه نهى كرد شما را از آن پس باز ايستيد و بپرهيزيد از خدا و بدرستى كه خدا سخت عقوبتست (7)
براى محتاجان مهاجرانست آنان كه بيرون كرده شدند از ديارشان
ترجمه قرآن، ص: 508
و اموالشان ميجويند فضلى از خدا و خوشنودى و يارى ميكنند خدا و رسولش را ايشانند آنها راستگويان (8)
آنان كه جايگاه ساختند آن دار را و ايمان را پيش از ايشان دوست ميدارند آن كس را كه مهاجرت نمود بسوى ايشان و نمييابند در سينه‌هاشان خواهشى از آنچه داده شدند و اختيار ميكنند بر خودهاشان و اگر چه باشد با ايشان احتياج و آنكه نگه داشته شود از بخل نفسش پس ايشانند آنها

رستگاران (9)
و آنان که آمدند از بعد ایشان گویند پروردگار ما بیامرز ما را و برادران ما را آنان که پیشی گرفتند از ما بایمان و نگردان در دلهای ما کینه مر آنان را که ایمان آوردند پروردگار ما بدرستی که تویی مهربان رحیم (10)
آیا ندیدی بسوی آنان که نفاق ورزیدند که میگفتند مر برادر ایشان را آنان که کافر شدند از اهل کتاب که اگر بیرون کرده شوید بیرون میرویم با شما و اطاعت نمیکنیم در خلاف شما احدی را هرگز و اگر قتال کرده شوید یاری میکنیم شما را و خدا گواهی میدهد که ایشانند دروغگویان (11)
اگر بیرون کرده شوند بیرون نخواهند رفت با ایشان و اگر قتال کرده شوند یاری نخواهند کرد ایشان را و اگر یاری کنند ایشان را میگردانند پشتها پس یاری کرده نشوند (12)
هر آینه شما سخت‌ترید از راه بیم در سینه‌های ایشان از خدا آن باینست که اینها گروهی‌اند که نمیفهمند (13)
کارزار نمیکنند با شما همگی مکر در قریه‌های مستحکم یا از پشت دیوارها کارزارشان میان خود سخت است
ترجمه قرآن، ص: 509
میپندارند آنها را همگی با هم و دلهاشان پراکندگانند آن باینست که آنها گروهی‌اند نمییابند بعقل (14)
چون مثل آنان که بودند پیش از ایشان نزدیک چشیدند بدی عاقبت کارشان را و برای ایشانست عذابی پر درد (15)
چون مثل شیطان هنگامی که گفت مر انسان را که کافر شو پس چون کافر شد گفت بدرستی که من بیزارم از تو بدرستی که من میترسم از خدا که پروردگار جهانیانست (16)
پس باشد انجام آن دو تا تا اینکه باشند در آتش هر دو جاودانی در آن و اینست جزای ستمکاران (17)
ای آنان که ایمان آوردند بپرهیزید از خدا و باید بنگرد نفسی که چه پیش فرستاد برای فردا و بپرهیزید خدا را بدرستی که خدا آگاه است بآنچه میکنید (18)
و نباشید چون آنان که فراموش نمودند خدا را پس فراموش گردانید بر آنها خودهاشان را ایشانند آنها فاسقان (19)
یکسان نیستند اهل آتش و اهل بهشت اهل بهشت ایشان‌اند کامیابان (20)
اگر فرو فرستاده بودیم این قرآن را بر کوه هر آینه دیده بود آن را فروتن شکاف خورده از ترس خدا و این مثلها میزنیم آنها را از برای مردمان باشد که ایشان فکر کنند (21)
اوست خدا که نیست خدایی مگر او دانای نهان و آشکار است اوست بخشاینده مهربان (22)

اوست خدایی که نیست خدایی مگر او پادشاه پاک بری از نقص و عیب ایمن گرداننده نگهبان عزیز بزرگوار در نهایت کبریاء پاکست خدا از آنچه شریک میسازند (23)
اوست خدایی آفریننده بدید آورنده صورت بخش مر او راست

نامهای نیکو تسبیح میکند او را آنچه در آسمانها و زمین است و اوست عزیز حکیم (24)

سورة الممتحنة مدنيّة و هى ثلث عشر آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
اى آن كسانى كه ايمان آوردند مگيريد دشمن مرا و دشمن خودتان را دوستان ميفرستيد بسوى ايشان بدوستى و بتحقيق كافر شدند بآنچه آمد شما را از حقّ بيرون ميكنند رسول را و شما را كه ايمان ميآريد بخدا پروردگارتان اگر هستيد كه بيرون ميآمديد براى جهاد كردن در راه من و جستن رضاى من بنهانى ميفرستيد بسوى ايشان بدوستى و من داناترم بآنچه پنهان ميكنيد و آنچه آشكار ميكنيد و آنكه ميكند آن را از شما پس بتحقيق كه گم شد از ميان راه (1)
اگر يابند شما را باشند مر شما را دشمنان و گشايند بشما دستهاشان و زبانهاشان ببدى و آرزو كردند كاش كافر شويد (2)
سودى ندهد هرگز شما را رحمهاتان و نه فرزندانتان روز قيامت جدايى ميياندازد ميانتان و خدا بآنچه ميكنيد بينا است (3)
بتحقيق كه باشد مر شما را اقتداى نيكو در ابراهيم و آنان كه بودند با او هنگامى كه گفتند مر قومشان را بدرستى كه ما بيزاريم از شما و از آنچه ميپرستيد از غير خدا انكار ورزيديم بشما و بديد آمد ميانه ما و ميانه شما دشمنى و كينه ورزى
ترجمه قرآن، ص: 511
هميشه تا كه ايمان آريد بخدا تنهاست او مگر گفتن ابراهيم مر پدرش را كه هر آينه آمرزش خواهم من براى تو و مالك نيستم ترا از خدا هيچ چيز پروردگار ما بر تو توكّل كرديم و بسوى تو بازگشت نموديم و بسوى تو است بازگشت (4)
پروردگار ما مگردان ما را فتنه براى آنان كه كافر شدند و بيامرز ما را پروردگار ما بدرستى كه تويى عزيز حكيم (5)
بتحقيق كه باشد مر شما را در ابراهيم اقتداى نيكو مر كسى را كه هست اميدوارى بخدا و روز بازپسين و آنكه روى گرداند پس بدرستى كه خدا اوست بى نياز ستوده (6)
شايد كه خدا بگرداند ميانه شما و ميانه آنان كه دشمن داشتيد از ايشان دوستى و خدا تواناست و خداست آمرزنده مهربان (7)
نهى نميكند شما را خدا از آنان كه كارزار نكردند با شما در دين و بيرون نكردند شما را از ديارتان اينكه نيكو داريد ايشان را و خوبى كنيد بعدالت با ايشان بدرستى كه خدا دوست ميدارد عدالت كنندگان را (8)
جز اين نيست كه نهى ميكند شما را خدا از آنان كه كارزار كردند با شما در دين و بيرون كردند شما را از ديارتان و هم پشت شدند بر بيرون كردن

شما که دوست دارید ایشان را و آنکه دوست میدارد آنها را پس ایشانند آنها ظالمان (9)
ای آن کسانی که ایمان آوردید چون که آیند شما را زنان با ایمان هجرت گزیده پس بیازمائید ایشان را خدا داناتر است بایمانشان پس اگر دانستید آنها را با ایمان پس باز نفرستید آنها را بسوی کفّار نه آنها حلالند برای ایشان و نه ایشان حلال میباشند برای آنها و بدهید آنها را آنچه انفاق کردند و نیست گناهی بر شما که نکاح کنید آنها را
ترجمه قرآن، ص: 512
چون بدهید بآنها اجرهاشان را و چنگ مزنید بعلاقه‌های زنان کافره و بخواهید آنچه را انفاق کردید و باید که بخواهید آنچه را انفاق نمودند اینست حکم خدا حکم میکند میان شما و خداست دانای حکیم (10)
و اگر رفت از شما چیزی از جفتهاتان بسوی کافران پس نوبت یافتید پس بدهید آنان را که رفت جفتهاشان مثل آنچه انفاق نمودند و بپرهیزید از خدا که شمائید بآن گروندگان (11)
ای نبی چون آیند ترا زنان با ایمان بیعت کنند با تو که شریک نسازند با خدا چیزی را و دزدی نکنند و بزنا تن در ندهند و نکشند اولادشان را و نیارند دروغی را که به بندند آن را میان دستهاشان و پاهاشان و نافرمانی نکنند ترا در خوبی پس بیعت کن با آنها و و آمرزش خواه برای آنها از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (12)
ای آن کسانی که ایمان آوردند دوست ندارید گروهی را که غضب کرد خدا بر ایشان بتحقیق نومید شدند از آخرت هم چنان که نومید شدند کافران از اصحاب قبور (13)

سورة الصّفّ مدنيّة و هى أربع عشرة آية

بنام خداوند بخشاینده مهربان
تسبیح کرد مر خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و اوست عزیز حکیم (1)
ای آن کسانی که ایمان آوردید
ترجمه قرآن، ص: 513
چرا می‌گویید آنچه را که نمیکنید (2)
بزرگست از روی شدّت غضب نزد خدا که گوئید آنچه را که نمیکنید (3)
بدرستی که خدا دوست میدارد آنان را که کارزار کنند در راهش صف زده گویا که ایشانند بنائی استوار ساخته شده (4)
و هنگامی که گفت موسی مرقومش را ای قوم چرا میرنجانید مرا و بتحقیق میدانید که منم رسول خدا بسوی شما پس چون گشتند گردانید خدا دلهاشان را و خدا هدایت نمیکند گروه فاسقان را (5)
و هنگامی که گفت عیسی پسر مریم ای بنی اسرائیل بدرستی که منم رسول خدا بسوی شما تصدیق کننده مر آنچه را میان دو دست من از تورية و بشارت دهنده برسولی که میآید از بعد من که نامش احمد (ص) پس چون آمد ایشان را با بیّنتها گفتند این سحریست آشکار (6)
و کیست ظالمتر از آنکه بست بر خدا دروغ را و او خوانده میشود بسوی اسلام و خدا هدایت نمیکند گروه ظالمان را (7)
میخواهند که خواموش کنند نور خدا را بدهنهاشان و خدا کامل کننده است نورشرا و اگر خوش نداشته باشند کافران (8)
و اوست آنکه فرستاد رسولش را بهدایت و دین حقّ تا غالب سازد آن را بر دین همه و اگر ناخوش داشته باشند شریک آورندگان (9)
ای آن کسانی که ایمان آوردید آیا دلالت کنم شما را بر سودایی که رهاند شما را از عذاب پر درد (10)
ایمان آورده باشید بخدا و رسولش و جهاد میکرده باشید در راه خدا بمالهاتان و نفسهاتان آن بهتر است از برای شما اگر هستید که بدانید
ترجمه قرآن، ص: 514
(11)
میآمرزد مر شما را گناهانتان را و داخل میگرداند شما را در بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها و مسکنهای پاکیزه در بهشتهای جای اقامت دائمی آنست کامیابی بزرگ (12)
و دیگری که دوست میداریدش یاریست از خدا و فتحی نزدیک و بشارت ده مؤمنان را (13)

ای آن کسانی که ایمان آوردید باشید یاوران خدا هم چنان که گفت عیسی پسر مریم مر حواریّین را که کیست انصار من بسوی خدا گفتند حواریّون که مائیم انصار خدا پس ایمان آوردند گروهی از بنی اسرائیل و کافر شدند گروهی پس فیروزی دادیم آنان را که ایمان آوردند بر دشمنانشان پس گردیدند غالبان (14)

سورة الجمعة مدنيّة و هى إحدى عشرة آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
تسبيح ميگويد خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است آن پادشاه پاک عزيز حكيم (1)
اوست آنكه برانگيخت در امّيها رسولى را از ايشان ميخواند بر ايشان آيتهايش را و پاک ميسازد ايشان را و ميآموزدشان كتاب و حكمت را و بدرستى كه بودند از پيش هر آينه در گمراهى آشكار (2)
و ديگرانند از ايشان كه لاحق نشدند بايشان و اوست عزيز حكيم (3)
آن فضل خداست ميدهد بكسى كه ميخواهد و خداست صاحب فضل
ترجمه قرآن، ص: 515
بزرگ (4)
مثل آنان كه بار كرده شدند تورية پس بر نداشتند آن را مثل خر است كه بر دارد كتابها را بد است مثل گروهى كه تكذيب كردند آيتهاى خدا را و خدا هدايت نميكند گروه ستمكاران را (5)
بگو اى آن كسانى كه يهوديّت اختيار كردند اگر ادّعا مينمائيد دوستان خدائيد از غير مردمان پس آرزو كنيد مرگ را اگر هستيد راستگويان (6)
و آرزو نخواهيد كرد آن را هرگز بسبب آنچه پيش ميفرستاد دستهاشان و خدا دانا است بستمكاران (7)
بگو بدرستى كه آن مرگى كه ميگريزيد از او پس بدرستى كه آن ملاقات كننده شماست پس برگردانيده ميشويد بعالم غيب و شهادت پس خبر خواهد داد شما را بآنچه بوديد كه ميكرديد (8)
اى آن كسانى كه ايمان آورديد چون ندا كرده شود براى نماز از روز جمعه پس بشتابيد بسوى ذكر خدا و واگذاريد بيع را آن بهتر است براى شما اگر هستيد كه بدانيد (9)
پس چون گذارده شود نماز پس پراكنده شويد در زمين و بجوئيد از فضل خدا و ياد كنيد خدا را بسيار شايد كه رستكار شويد (10)
و چون بينند تجارتى يا لهوى متفرّق شده ميروند بسوى آن و وا ميگذارند ترا ايستاده بگو آنچه نزد خداست بهتر است از لهو و از تجارت و خداست بهترين روزى دهندگان (11)

سورة المنافقون مدنيّة و هى إحدى عشرة آية

ترجمه قرآن، ص: 516

بنام خداوند بخشاينده مهربان

چون آمدند بسوى تو منافقان گويند گواهى دهيم تويى رسول خدا و خدا ميداند آنكه تو فرستاده اويى و خدا گواهى ميدهد آنكه منافقان دروغگويانند (1)

بگيريد سوگندهاشان را سپرى پس منع نمودند از راه خدا كه ايشان بد باشند از آنچه ميكنند (2)

آن بسبب اينست كه ايمان آوردند پس كافر شدند پس مهر نهاده شد بر دلهاشان پس ايشان نميفهمند (3)

و چون بينى ايشان را خوش آيدت جسمهاشان و چون سخن كنند بشنو قول ايشان را گويا ايشانند چوبهاى بديوار تكيه زده مى‌پندارند هر فرياد بر ايشان دشمنند پس حذر كن از ايشان قتال كند با ايشان خدا چگونه برگزيده ميشوند (4)

و چون گفته شود مر ايشان را بيائيد تا آمرزش خواهد براى شما فرستاده خدا پيچند سر ايشان را و بينى ايشان را مى‌بندند و ايشان باشند تكبّر كنندگان (5)

يكسان است براى ايشان آمرزش كرده باشى ايشان را يا استغفار نكرده باشى براى ايشان هرگز نيامرزد خدا مر ايشان را بدرستى كه خدا هدايت نكند گروه فاسقان را (6)

ايشانند آنان كه ميگويند انفاق نكنيد بر آنكه نزد رسول خداست تا متفرّق شوند و خدايراست خزينهاى آسمانها و زمين و ليكن منافقان نميفهمند (7)

ميگويند اگر باز گرديم بسوى مدينه بيرون خواهد كرد البتّه عزيزتر از آن ذليلتر را و مر خدايراست عزّت و براى رسول وى و براى گروندگان

ترجمه قرآن، ص: 517

و ليكن منافقان نميدانند (8)

اى آنان كه گرويدند غافل نگرداند شما را اموال شما و نه اولاد شما از ذكر خدا و كسى كه كرد اين را پس آن گروه ايشانند زيانكاران (9)

و انفاق كنيد از آنچه روزى گردانيديم شما را پيش از آنكه بيايد يكى از شما را مرگ پس گويد اى پروردگار من اگر پس بيندازى مرا مر مدّتى نزديک پس صدقه بدهم و بشوم از نيكان (10)

و هرگز پس نيندازد خدا نفسى را هر گاه بيايد مدّت او و خدا آگاهست بآنچه ميكنيد (11)

ترجمه قرآن 543
بنام خداوند بخشاینده مهربان
تسبیح میکند خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش و اوست بر همه چیز توانا (1)
اوست آنکه آفرید شما را پس بعضی از شما کافرید و بعضی از شما مؤمن و خدا بآنچه میکنید بینا است (2)
آفرید آسمانها و زمین را براستی و صورت داد شما را پس نیکو گردانید صورتهای شما را و بسوی اوست بازگشت (3)
میداند آنچه در آسمانها و زمین است و میداند آنچه را که پنهان میکنید و آنچه را که آشکار نمائید و خدا داناست بذات سینه‌ها (4)
آیا نیامد شما را خبر آنان که کافر شدند از پیش پس چشیدند بدی کارشان را و ایشانراست عذابی دردناک (5)
ترجمه قرآن، ص: 518
آن بسبب این بود که آمد ایشان را رسولان ایشان بشواهد پس گفتند آیا انسانی هدایت میکند ما را پس کافر شدند و رو میگرداند و بینیاز آمد خدا و خدا بینیاز ستوده است (6)
گمان بردند آنان که کافر شدند آنکه برانگیخته نخواهند شد بگو بلی قسم بپروردگار من هر آینه برانگیخته شوند پس خبر داده شوید بآنچه کرده‌اید و این بر خدا آسان است (7)
پس بگروید بخدا و رسول او و آن نوری را که فرستادیم و خدا بآنچه میکنید آگاهست (8)
روزی که جمع کند شما را برای روز جمع آنست روز مغبون کردن و کسی که ایمان میآورد بخدا و میکند کار شایسته در میگذراند از او بدیهایش و داخل میکند او را در بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها جاویدانیان در آن همیشه اینست کامیابی بزرگ (9)
و آنان که کافر شدند و تکذیب کردند بآیتهای ما ایشانند یاران آتش جاودانیان در آن و بد بازگشتی است (10)
نرسید هیچ مصیبتی مگر باذن خدا و کسی که ایمان آورد بخدا هدایت کند دلش را و خدا بهمه چیز داناست (11)
و پیروی کنید خدا را و پیروی کنید رسول را پس اگر رو گردانیدید پس جز این نیست که بر رسول ما است رسانیدن آشکار (12)
خدا نیست خدایی جز او و بر خدا پس توکّل میکنند گروندگان (13)
ای آنان که گرویدید بدرستی که جفتهای شما و اولاد شما دشمنند برای

شما پس بر حذر باشید و اگر در گذرید و عفو کنید و ببخشید پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (14)
جز این نیست که اموال شما و اولاد شما بلااند و خدا نزد او مزد
ترجمه قرآن، ص: 519
بزرگست (15)
پس بپرهیزید از خدا آنچه توانید و بشنوید و اطاعت کنید و انفاق کنید بهتر برای نفس خود و آنکه نگهداری کند بخل نفسش را پس آن گروه ایشانند رستکاران (16)
اگر وام دهید خدا را وام نیکو زیاد کند آن را برای شما و بیامرزد شما را و خداست قبول کننده با حلم (17)
دانای غیب و آشکار عزیز حکیم است (18)

سورة الطّلاق مدنيّة و هى اثنتا عشرة آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان

اى پيغمبر چون طلاق داديد زنان را پس طلاق دهيد ايشان را وقت عدّه‌شان و ضبط نمائيد عدّه را و بپرهيزيد از خدا پروردگار خود بيرون مكنيد ايشان را از خانهاى ايشان و نبايد بيرون روند مگر آنكه پديد آيد از ايشان كار زشتى ظاهر و آن حدّهاى خداست و كسى كه در گذرد از حدود خدا پس بتحقيق ظلم كرده بر خود نميدانى شايد كه خدا پديد آورد بعد از آن امرى را (1)

پس چون برسد مدّتشان پس نگاهداريد ايشان را بخوبى يا مفارقت دهيد ايشان را بخوبى و گواه بگيريد دو عادل از خود و بپايداريد شهادت را براى خدا آنست كه پند داده شوند بآن آنكه بوده است كه ميگرود بخدا و بروز قيامت و كسى كه بپرهيزد از خدا ميگرداند او را بيرون شده (2)

و روزى دهد او را از جاها كه گمان نميبرد و كسى كه توكّل كند بر خدا

ترجمه قرآن، ص: 520

پس اوست كافى او بدرستى كه خدا رساننده امر است بتحقيق كه گردانيده خدا براى هر چيز اندازه (3)

و آن زنان كه نوميد شدند از حيض از زنان شما اگر شكّ داريد پس عدّه ايشان سه ماهست و انزنان كه حايض نشوند و صاحبان حملها مدّتشان آنست كه فرو گذارند بار خودشان را و كسى كه بپرهيزد از خدا ميگرداند براى او از امر او آسان (4)

آن امر خداست فرو فرستاد او را بسوى شما و كسى كه بپرهيزد از خدا نگاهدارد از او گناهانش را و بزرگ شود مر او را اجرش (5)

ساكن كنيد ايشان را از جايى كه ساكن شده‌ايد از وجدانتان و آزار مكنيد ايشان را كه تنگ گيريد بر ايشان و اگر باشند صاحبان حمل پس انفاق كنيد بر ايشان تا بگذارند حمل خود را پس اگر شير دهند براى شما پس بدهيد مزد ايشان را و سازگارى ميان ايشان بخوبى و اگر سخت‌گيرى كنيد پس زود باشد شير دهد او را ديگرى (6)

كه انفاق كند صاحب وسعت از وسعت خود و كسى كه تنگ شده باشد بر او روزى او پس بايد انفاق نمايد از آنچه داده او را خدا تكليف نكند خدا نفسى را مگر آنچه داده او را بزودى خواهد گردانيد خدا بعد از دشوارى آسانى (7)

و بسا از قريه كه سركشى كرد از امر پروردگارش و پيغمبران او پس حساب كرديم او را حسابى سخت و عذاب كرديم او را عذابى زشت (8)

پس چشيد عاقبت كارش را و بود انجام كارش زيان (9)

آماده كرد خدا براى ايشان عذابى سخت پس بپرهيزيد خدا را اى صاحبان عقل
ترجمه قرآن، ص: 521
آنان كه گرويدند بتحقيق كه فرو فرستاد خدا بسوى شما ذكر را (10)
رسولى را كه بخواند بر شما آيات خدا را كه واضحست تا بيرون برد كسانى را كه ايمان آوردند و كردند كار شايسته از تاريكيها بسوى روشنايى و آنكه ايمان آورد بخدا و كرد كار نيكو داخل كند او را در بهشتهايى كه جاريست از زير آنها نهرها جاويدانند در آن هميشه بتحقيق نيكو كرد خدا براى او روزيش را (11)
خداست آنكه آفريد هفت آسمان را و از زمين مثل آنها فرو ميآرد امر ميان آنها تا بدانيد بدرستى كه خدا بر هر چيز توانا است و بدرستى كه خدا بتحقيق احاطه نموده بهر چيز از جهة علم (12)

سورة التّحريم مكيّة و هى اثنتا عشرة آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
اى پيغمبر چرا حرام ميكنى آنچه را كه حلال كرد خدا براى تو ميجويى خوشنودى جفتهايت و خدا آمرزنده مهربانست (1)
بتحقيق كه قرار داد خدا براى شما حلال بودن سوگندهاى شما و خدا صاحب اختيار شماست و اوست داناى حكيم (2)
و هنگامى كه پنهان گفت نبى به بعضى از ازواجش سخنى را پس چون خبر داد باو و اطّلاع داد او را خدا بر او بيان كرد بعضش را و اعراض نمود از بعضى پس چون خبر دادش باو گفت كى خبر داد ترا اين را گفت خبر داد مرا داناى آگاه (3)
ترجمه قرآن، ص: 522
اگر توبه كنيد بسوى خدا پس بتحقيق كه كشت دلهاى شما دو تا و اگر هم پشت شويد بر او پس بدرستى كه خدا اوست يار پيغمبر و جبرئيل و صالح مؤمنان و ملائكه بعد از اين هم پشتند (4)
شايد پروردگارش اگر طلاق دهد شما را كه بدل دهد او را جفتها بهتر از شما زنان مسلمان زنانى كه مؤمنند فرمانبران توبه كنندگان عبادت كنندگان هجرت كنندگان نادوشيزه و دوشيزه (5)
اى آنان كه گرويده‌ايد نگهداريد خودتان و كسانتان را از آتش كه زبانه‌اش مردمان و سنگها است بر اوست ملائكه درشت سخت نافرمانى نميكنند خدا را آنچه كه امر كند ايشان را و ميكنند آنچه كه امر كرده شوند (6)
اى آنكه كافر شديد عذر نياوريد امروز جز اين نيست كه جزا داده ميشويد آنچه بوديد كه ميكرديد (7)
اى آن كسانى كه ايمان آورده‌ايد توبه نمائيد بسوى خدا توبه خالص شايد پروردگار شما در گذرد از شما گناهان شما را و داخل كند شما را بهشتهايى كه ميرود از زير آنها نهرها روزى كه خوار نسازد خدا پيغمبر را و آنان كه گرويدند با او نور ايشان ميرود ميانه دستهاى ايشان و بيمينهايشان ميگويند پروردگار ما تمام نما براى ما نور ما را و بيامرز ما را بدرستى كه تو بر هر چيز توانايى (8)
اى پيغمبر جهاد كن با كفّار و منافقان و سخت بگير بر ايشان و جايگاه‌شان دوزخست و بد بازگشتى است (9)
زد خدا مثلى براى آنان كه كافر شدند زن نوح و زن لوط بودند آن دو تا زير
ترجمه قرآن، ص: 523
دو بنده از بندگان ما هر دو شايسته پس خيانت كردند آن دو را پس كفايت

نکرد از آن دو بنده از خدا چیزی را و گفته شد داخل شوید هر دو در آتش با داخل شوندگان (10)
و زد خدا مثل را برای آنان که گرویدند زن فرعون هنگامی که گفت پروردگار من بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت و نجات ده مرا از فرعون و عمل او و نجات ده مرا از گروه ظالمان (11)
و مریم دختر عمران که نگاهداری کرد عورتش را پس دمیدیم در آن از روح ما و تصدیق کرد سخنان پروردگارش و کتابهایش و بود از اطاعت کنندگان (12)

سورة الملک مکیّة و هی ثلاثون آیة

بنام خداوند بخشاینده مهربان
افزون آمد آنکه بدست اوست پادشاهی و اوست بر هر چیزی توانا (1)
آنکه پدید آورد مردن را و زندگی را تا بیازماید شما را کدام خوبترید از کردار و اوست عزیز آمرزنده (2)
آنکه آفرید هفت آسمان را طبقه طبقه نه بینی در پدید کردن بخشاینده تفاوتی پس باز گردان چشم را آیا بینی هیچ نقصانی (3)
پس برگردان چشم را دو بار برمیگردد بسوی تو چشم ناگاه و اوست مانده شده (4)
و بتحقیق آراستیم آسمان دنیا را بچراغها و گردانیدیم آن را راندگان مر شیطان را و آماده گردانیدیم برای ایشان عذاب
ترجمه قرآن، ص: 524
آتش را (5)
و برای آنان که کافر شدند بر پروردگار خود عذاب جهنّم و بد بازگشتی است (6)
چون انداخته شوند در آن بشنوند مر آن را خروشی و آن میجوشی (7)
نزدیک شد پاره پاره شود از خشم هر گاه انداخته شود در آن جمعی سؤال کند ایشان را خازنانش آیا نیامد مر شما را بیم دهنده (8)
گویند آری آمد ما را بیم دهنده پس تکذیب کردیم و گفتیم نفرستاده خدا هیچ چیز نیستید شما مگر در گمراهی بزرگ (9)
و گفتند اگر بودیم ما که می‌شنیدیم یا می‌یافتیم نبودیم ما در یاران آتش (10)
پس اقرار کردند بگناهانشان پس از رحمت مر اهل آتش سوزان را (11)
بدرستی که آنان که میترسند از پروردگار خود در نهان مر ایشانراست آمرزش و مزد بزرگ (12)
و پنهان سازید سخنانتان را یا آشکار کنید آن را بدرستی که او دانا است بذات سینه‌ها (13)
آیا نمیدانید آنکه پدید کرد و اوست لطیف خبیر (14)
اوست آنکه گردانید برای شما زمین را نرم پس سیر کنید در اطرافش و بخورید از روزی او و بسوی اوست بازگشت (15)
آیا ایمن شدید از آنکه در آسمانهاست که فرو برد با شما زمین را پس آن گاه آن موج میزده باشد (16)
آیا ایمن شدید از آنکه در آسمانهاست که بفرستد بر شما تند باد پس خواهید دانست چگونه باشد بیم دهند (17)

و بتحقيق تكذيب نمودند آنان كه از پيش ايشان بودند پس چگونه است انكار من (18)
آيا نديدند بسوى پرنده بالاى ايشان كه بالاى ايشان كه بال گشاده‌اند و فرا ميآرند چه چيز نگاه ميدارد آنها را جز خداى بدرستى كه او

بهر چيز بينا است (19)
آيا كيست اين كه او لشگر است براى شما كه يارى ميكند شما را از غير خدا نيستند كافران جز در غرور (20)
آيا كيست كه روزى ميدهد شما را كه باز گيرد روزيش را بلكه لجاج كردند در سركشى و سرباز زدن (21)
آيا پس آنكه راه ميرود و سرنگون بر رويش هدايت يافته‌تر يا آنكه ميرود درست ايستاده بر راه راست (22)
بگو اوست آنكه آفريد شما را و گردانيد براى شما گوش و چشمها و دلها اندكى شكر ميكنيد (23)
بگو اوست آنكه پراكنده كرد شما را در زمين و بسوى او محشور ميشويد (24)
و ميگويند كى خواهد بود اين وعده اگر هستيد راستگويان (25)
بگو جز اين نيست كه علم نزد خداست و جز اين نيست كه منم بيم دهنده آشكار (26)
پس چون بينند آن را نزديك بد شود رويهاى آنان كه كافر شدند و گفته شود اينست آنچه بوديد كه آن را ميخواستيد (27)
بگو آيا ديديد اگر هلاك سازد مرا خدا و هر كه با من است و يا رحمت كند ما را پس كيست آنكه پناه گيرد كافران را از عذاب دردناك (28)
بگو اوست بخشاينده ايمان آورديم بآن و بر او توكّل كرديم پس بزودى خواهيد دانست هر كه او در گمراهى روشن است (29)
بگو خبر دهيد اگر گردد آب شما فرو رفته پس كيست بدهد شما را آبى روان (30)

سورة القلم مكّيّة و هى اثنتان و خمسون آية

ترجمه قرآن، ص: 526
بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم بقلم و آنچه مى‌نويسند (1)
كه نيستى تو بنعمت پروردگارت مجنون (2)
و بدرستى كه مر تراست پاداش بدون منّت (3)
و بدرستى كه تويى بر خلق عظيم (4)
پس زود باشد كه به بينى تو و به بينند (5)
كدام يک از شما در فتنه و جنونند (6)
بدرستى كه پروردگار تو او داناتر است بآنكه گم شد از راهش و اوست داناتر بهدايت شدگان (7)
پس اطاعت مكن تكذيب كنندگان را (8)
آرزو كردند كه كاش نرمى كنى پس نرمى كنند (9)
و اطاعت مكن هر سوگند دروغ خورنده (10)
عيب كننده رونده بسخن چينى را (11)
باز دارنده از خير تعدى كننده بدكار (12)
زشت جفا كار بعد از آن حرامزاده را (13)
كه باشد صاحب مال و فرزندان (14)
چون خوانده شود بر او آيات ما گويد افسانه‌هاى پيشينيانست (15)
زود باشد داغ كنيمش بر خرطوم (بالاى بينى (16)
بدرستى كه ما مبتلا كرديم ايشان را چنان كه مبتلا كرديم ياران باغ را هنگامى كه سوگند ياد كردند كه قطع ميكنيم آن را روز كنندگان (17)
و اخراج نكنند (18)
پس آيد بر آن طواف كننده از پروردگار خود و ايشان خفتگانند (19)
پس گشت آن باغ چون باغى كه چيزى نداشت (20)
پس ندا بهم كردند صبح دريافتگان (21)
كه بامداد برويد بر كشتتان اگر هستيد قطع ثمر كنندگان (22)
پس رفتند و ايشان پنهان مشورت ميكردند (23)
كه داخل نكند آن را در آن روز بر شما درمانده (24)
و بامداد رفتند بر قصد منع توانايان (25)
پس چون ديدند آنها را گفتند بدرستى كه مائيم گمشدگان
ترجمه قرآن، ص: 527
(26)
بلكه مائيم بى بهره (27)

گفت بهترشان آيا نگفتم مر شما را كه چرا تسبيح نميكنيد (28)
گفتند ميدانيم پاكى پروردگار را و ما بوديم ستمكاران (29)
پس رو كرد بعضيشان بر بعضى ديگر ملامت كنندگان (30)
گفتند اى واى بر ما كه ما بوديم زياده روان (31)
شايد پروردگار ما عوض دهد ما را بهتر از آن بدرستى كه ما بسوى پروردگار خود رغبت كنندگانيم (32)
همچنين است عذاب و هر آينه عذاب آخرت بزرگتر است اگر باشيد كه بدانيد (33)
بدرستى كه براى پرهيزكارانست نزد پروردگار خود بهشتهاى با ناز و نعمت (34)
آيا پس ميگردانيم منقادان را مانند گناهكاران (35)
چيست مر شما را چگونه حكم ميكنيد (36)
آيا مر شما راست كتابى كه در آن ميخوانيد (37)
بدرستى كه مر شما راست در آن آنچه را كه اختيار ميكنيد (38)
آيا مر شما راست پيمانهاى موكّد كه بر ما بكمال رسيده تا روز قيامت بدرستى كه مر شما راست بآنچه حكم كنيد (39)
بپرس از ايشان كدامتان بآن ضامن آمد (40)
آيا مر ايشان را شريكانند پس بياريد شركاء ايشان را اگر هستند راستگويان (41)
روزى كه كشف كرده شود از ساق و خوانده شود بسجود پس نتوانند (42)
كه فرود افتاده باشد چشمهاشان فرو گيرد ايشان را خوارى و بتحقيق بودند كه خوانده ميشدند بسجود و ايشانند تندرستان (43)
پس واگذار مرا و كسى كه تكذيب ميكند اين سخن را بزودى در نورديم ايشان را از راهى كه نميدانند (44)
و مهلت ميدهيم ايشان را بدرستى كه كيد من محكم است (45)
آيا ميخواهى از ايشان مزدى پس ايشان از تاوان گران بار شدگانند (46)
آيا نزد ايشانست از
ترجمه قرآن، ص: 528
غيب پس ايشان مينويسند (47)
پس صبر كن حكم پروردگارت را و مباش چون رفيق ماهى هنگامى كه ندا كرد و او پر خشم بود (48)
اگر نه آن بود كه دريافت آن را نعمتى از پروردگارش انداخته ميشود بجايى و او بود ملامت كرده شده (49)
پس برگزيد آن را پروردگارش پس گردانيد او را از نيكان (50)
و بدرستى كه نزديک بود آنان كه كافر شدند هر آينه بزنند ترا بچشمهايشان

چون شنیدند ذکر را و میگویند اینکه او دیوانه است (51)
و نیست او مگر پندی مر جهانیان را (52)

سورة الحاقّة مكّيّة و هى اثنتان و خمسون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
اى بيشكّ (1)
بوقوع آينده (2)
چه چيز دانا گردانيد ترا چيست آن بيشكّ (3)
تكذيب نمود ثمود و عاد درهم آورنده (4)
پس امّا ثمود پس هلاک گردانيده شود بعقوبت (5)
و امّا عاد پس هلاک گردانيده شد بباد تند زور آور (6)
برگماشت آن را بر ايشان هفت شب و هشت روز پى در پى پس بينى آن گروه را در آن افتاده گويا بودند ايشان درخت خرماى افتاده (7)
پس آيا بينى ايشان را هيچ بازمانده (8)
و آمد فرعون و كسانى كه بود پيش از آن و زير و زبر شده بگناهان (9)
پس نافرمانى كردند رسول پروردگار خود را پس فرا گرفت ايشان را فرا گرفتنى افزون در سختى (10)
بدرستى كه ما چون طغيان آب بود برداشتيم شما را

در كشتى (11)
تا بگردانيديم آن را براى شما پندى و ياد ميگيرد آن را گوش ياد گيرنده (12)
پس چون دميده شود در صور دميدنى يک مرتبه (13)
و برداشته شود زمين و كوه‌ها پس بهمزده شوند بهمزده شدنى يک مرتبه (14)
پس آن روز بوقوع آيند بوقوع آينده (15)
و شكافته شود آسمان پس آنست روز سست (16)
و فرشتگانند در اطراف آن و بردارند عرش پروردگار ترا ببالاشان در آن روز هشت فرشته (17)
در آن روز عرض كرده شوند و پنهان ماند از شما پنهانى (18)
پس امّا كسى كه داده شد نامه‌اش بدست راستش پس ميگويد بخوانيد نامه مرا (19)
بدرستى كه من دانسته‌ام كه من دريا بنده‌ام حسابم را (20)
پس اوست در عيشى پسنديده (21)
در بهشت عالى (22)
كه ميوه‌اش نزديک است (23)
بخوريد و بياشاميد گوارا بسبب آنچه پيش فرستاديد در روزهاى گذشته

(24)
و امّا آنکه داده شود نامه او بدست چپش پس میگوید ای کاش داده نشده بودم من نامه‌ام را (25)
و ندانسته بودم چیست حسابم (26)
ای کاش آن میبود حکم کننده (27)
کفایت نکرد از من مالم (28)
زایل شد از من تسلّطم (29)
بگیرید او را پس غل کنیدش (30)
پس بیندازید او را در دوزخ (31)
پس او را در زنجیری که ذرع آن هفتاد ذراعست پس در کشیدش (32)
که او بود ایمان نمیآورد بخدای بزرگ (33)
و رغبت نمیداشت بر طعام دادن فقیر (34)
پس نیست مر او را امروز اینجا خویشی (35)
و نه خوراکی مگر از
ترجمه قرآن، ص: 530
چرک و جراحت (36)
نمیخورد آن را مگر گناهکاران (37)
پس سوگند یاد نمیکنم بآنچه می‌بینید (38)
و آنچه نمی‌بینید (39)
بدرستی که آن سخن رسولی است کریم (40)
و نیست آن سخن شاعر اندکی که نمیگروند (41)
و نه سخن غیب گویی بی وحی اندکی تفکّر نمیکنند (42)
فرو فرستادنی است از پروردگار عالمیان (43)
و اگر افترا کند بر ما بعض سخنان (44)
هر آینه بگیریم از او دست راست او (45)
پس هر آینه قطع نمائیم از او رگ گردن را (46)
پس نباشد از شما هیچ احدی از آن منع کنندگان (47)
و بدرستی که او هر آینه پندیست برای پرهیزکاران (48)
و بدرستی که ما میدانیم که از شماست تکذیب کنندگان (49)
و بدرستی که آن حسرتیست بر کافران (50)
و اوست هر آینه حقّ و یقین (51)
پس تسبیح گو بنام پروردگار خود که بزرگ است (52)

سورة المعارج مكيّة و هى أربع و أربعون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
سؤال كرد سؤال كننده عذابى را كه بوقوع آينده است (1)
براى كافران نيست مر او را دفع كننده (2)
از خداى صاحب معارج (3)
عروج ميكند ملائكه و روح بسوى او در روزى كه هست قدرش پنجاه هزار سال (4)
پس صبر كن صبر نيكو (5)
بدرستى كه ايشان مى‌بينند او را دور (6)
و ما مى‌بينيم او را نزديک (7)
روزى كه ميباشد آسمان چون فلز گداخته
ترجمه قرآن، ص: 531
(8)
و ميشود كوه‌ها چون پشم (9)
و نپرسد نزديكى از نزديكى (10)
بينا كرده شود ايشان دوست دارد گناهكار كه كاش خدا ميداد از عذاب روز چنين پسرش را (11)
و زنش را و برادرش را (12)
و خويشانش را كه جاى داده باشند (13)
و آنكه در زمين است همگى پس برهاند او را (14)
نه چنانست بدرستى كه آن زبانه ايست (15)
كننده است پوست سرشان را (16)
ميخواند آن را كه پشت و رو بگردانيد (17)
و جمع كرد مال دنيا را پس حفظ كرد (18)
بدرستى كه انسان آفريده شده بسيار حريص (19)
چون مسّ كند او را شرّى جزع كننده است (20)
و چون مسّ كند او را خير منع كننده است (21)
مگر نمازگزاران (22)
آنان كه ايشانند بر نمازشان مداومت كنندگان (23)
و آنان كه در مالهاشان حقّى است معلوم (24)
مر خواهنده و نخواهنده را (25)
و آنان كه تصديق ميكنند بروز جزا (26)
و آنان كه ايشانند از عذاب پروردگارشان ترسان (27)
بدرستى كه عذاب پروردگارشان غير مأمونست (28)

و آنان كه ايشانند مر فروج خود را حفظ كننده (29)
مگر بر جفتهاشان يا آنچه مالك باشد يمينهاشان پس بدرستى كه ايشان غير ملامت شدگانند (30)
پس كسى كه جويد غير اين پس آن گروه ايشانند در گذرندگان از حدّ (31)
و آنان كه ايشانند مر امانتهاشان را و عهدشان را رعايت كنندگان (32)
و آنان كه ايشانند بگواهى خود قيام نمايندگان (33)
و آنان كه ايشان بر نماز خود محافظت كنندگانند (34)
آن گروه در بهشتها گرامى داشته شده‌اند (35)
پس چيست آنان را كه
ترجمه قرآن، ص: 532
كافر شدند بجانب تو شتابندگانند (36)
از راست و از چپ تو متفرّقند (37)
آيا طمع دارد هر مردى از ايشان كه داخل شود در بهشتهاى با ناز و نعمت (38)
نه چنانست بدرستى كه ما آفريديم ايشان را از آنچه ميدانند (39)
پس سوگند ياد نميكنم بپروردگار مشارق و مغارب كه مائيم هر آينه توانايان (40)
بر اينكه عوض آريم بهتر از ايشان و نيستيم ما پيشى گرفته شدگان (41)
پس واگذار ايشان را تا صحبت باطل كنند و بازى كنند تا ملاقات كنند روزشان را كه وعده داده ميشوند (42)
روزى كه بيرون آيند از گورها شتابنده گويا ايشان بسوى بتان ميشتابند (43)
در حالى كه فرو افتاده چشمهاشان بپوشد ايشان را خوارى اينست آن روز كه بوديد وعده كرده ميشديد (44)

سورة نوح علیه السّلام مکّیّة و هی تسع و عشرون آیة

بنام خداوند بخشاینده مهربان
بدرستی که ما فرستادیم نوح را بسوی قومش آنکه بترسان قوم خود را پیش از آنکه بیاید ایشان را عذابی دردناک (1)
گفت ای قوم من بدرستی که من شما را ترساننده آشکارم (2)
آنکه بندگی کنید خدا را و بپرهیزید او را و اطاعت کنید مرا (3)
بیامرزد مر شما را از گناهان شما و پس اندازد شما را تا مدّتی نامبرده شده بدرستی که مدّت مقرّر خدا چون آمد پس نمی‌افتد اگر بودید که میدانید (4)
گفت پروردگارا بدرستی که من خواندم قوم خود را شب و روز (5)
پس نیفزود ایشان را خواندن من مگر گریختن (6)
و بدرستی که من هر گاه خواندم ایشان را
ترجمه قرآن، ص: 533
تا آنکه درگذری از ایشان گردانیدند انگشتهاشان را در گوشهای خود و بسر کشیدند جامه‌های خود را و اصرار کردند و سرکشی کردند سرکشی کردنی (7)
پس بدرستی که من خواندم ایشان را بآوازی بلند (8)
پس بدرستی که آشکارا گفتم ایشان را و پنهان گفتم ایشان را پنهانی (9)
پس گفتم آمرزش خواهید از پروردگار خود بدرستی که او هست آمرزنده (10)
میفرستد از آسمان بر شما باران پی در پی (11)
و مدد میکند شما را بمالها و پسران و قرار میدهد برای شما بهشتها و میگرداند برای شما نهرها (12)
چیست مر شما را که امید ندارید برای خدا تعظیم کردن (13)
و بتحقیق آفرید شما را تازه تازه (14)
آیا ندیدید که چگونه آفرید خدا هفت آسمان را زیر یکدیگر (15)
و گردانید ماه را در آنها روشنایی و گردانید آفتاب را چراغی (16)
و خدا رویانید شما را از زمین رویانیدنی (17)
پس برمیگرداند شما را در آن و بیرون میآورد شما را بیرون آوردنی (18)
و خدا گردانید برای شما زمین را گسترده (19)
تا آمد و رفت کنید از آن راههای گشاده را (20)
گفت نوح پروردگارا بدرستی که ایشان نافرمانبرداری کردند مرا و پیروی کردند کسی را که نیفزود انها را مال او و ولد او مگر زیان (21)
و مکر کردند مکر کردن بزرگ (22)

و گفتند نگذارید البتّه خدایانتان را و نگذارید بتی را که نام او ودّ و سواع است و نه یغوث و نه یعوق و نه نسر را (23)
و بتحقیق گمراه گردانیدند بسیاری را و نیفزود ستمکاران را مگر گمراهی (24)
از جهة گناهانشان غرق گردانیده شدند پس داخل شدند در آتش پس نیافتند برای خود از غیر خدا یاوری را (25)
و گفت

نوح پروردگارا وانگذار بر زمین از کافران هیچ ساکنی را (26)
بدرستی که اگر واگذاری ایشان را گمراه کنند بندگان ترا و نزایند مگر بدکاران ناسپاس (27)
پروردگارا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و کسی را که داخل شد در خانه من با ایمان و مر مؤمنین و مؤمنانرا و نیفزای ستمکاران را مگر هلاکت (28)

سورة الجنّ مكيّة و هى ثمان و عشرون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
بگو وحى كرده شد بسوى من كه شنيدند گروهى از جنّ پس گفتند بدرستى كه ما شنيديم قرآن را عجب (1)
كه هدايت نمود بسوى راستى پس گرويديم باو و شريک نگردانيديم بپروردگار خود احدى را (2)
و آنكه بلند است عظمت شان پروردگار ما نگرفت زنى را و نه فرزندى را (3)
و بدرستى كه بود كه ميگفت كم خرد ما بر خدا سخن دور از صواب (4)
و بدرستى كه ما گمان كرديم كه نگويند هرگز انس و جنّ بر خدا دروغ (5)
و بدرستى كه بودند مردانى از انس كه پناه ميبردند بمردانى از جنّ پس افزود ايشان را طغيان (6)
و آنكه گمان كردند هم چنان كه گمان كرديد آنكه بر نخواهد انگيزانيد خدا احدى را (7)
و بدرستى كه جستيم آسمان را پس يافتيم آن را پر شده از نگهبانان سخت و تيرهاى شهاب (8)
و آنكه بوديم ما مى‌نشستيم از آن در نشيمنها براى گوش دادن پس كسى كه استماع مينمايد اكنون
ترجمه قرآن، ص: 535
ميآيد برايش تير شهاب متوجّه (9)
و آنكه نميدانيم آيا شرّى خواسته شده بآنكه در زمين است يا خواسته بود بايشان پروردگارشان خيرى (10)
و آنكه بعضى از ما صالحانند و بعضى از ما و راى آن و هستيم ما طريقهاى مختلف (11)
و آنكه گمان كرديم اينكه عاجز نتوانيم ساخت خدا را در زمين و عاجز نتوانيم كرد او را از راه گريختن (12)
و آنكه ما چون شنيديم هدايت را ايمان آورديم باو پس كسى كه ايمان آورد بپروردگار خود پس بيم نخواهد داشت از نقصان و طغيان (13)
و آنكه بعضى از ما منقادانيم و بعضى از ما تعدّى كنندگانند پس كسى كه انقياد ورزيد پس آنها جويا شدند راه نجات را (14)
و امّا تعدّى كنندگان پس باشند از براى جهنّم هيزم (15)
و اينكه اگر مستقيم شده بودند بر راه اسلام هر آينه ميداديم ايشان را آبى بسيار (16)
تا بيازمائيم ايشان را در آن و كسى كه روى گرداند از ذكر پروردگارش در

آورد او را عذابى سخت (17)
و اينكه بمساجد براى خداست پس مخوانيد با خدا احدى را (18)
و آنكه چون برخاست بنده خدا كه بخواند او را نزديك بودند كه شوند بر او بالاى يكديگر برده (19)
بگو جز اين نيست كه ميخوانم پروردگار خود را و شريك نميگردانم باو احدى را (20)
بگو بدرستى كه من مالك نميباشم براى شما ضررى و نه نفعى را (21)
بگو بدرستى كه من در پناه نگيردم از خدا احدى و نمييابم از غير او هرگز پناهى (22)
مگر رسانيدن از خدا و فرستاده او و هر كه نافرمانبردارى كند خدا و فرستاده او را پس بدرستى كه براى اوست آتش دوزخ جاويدان در آن هميشه (23)
تا
ترجمه قرآن، ص: 536
چون بينند آنچه را كه وعده داده شدند پس بزودى ميدانند كه كيست ناتوانتر از راه مددكارى و كمتر در شمار (24)
بگو نميدانم آيا نزديكست آنچه وعده داده ميشويد يا ميگرداند آن را پروردگار من دور (25)
داناى غيب است پس مطّلع نميسازد بر غيبش احدى را (26)
مگر آن را كه پسنديد از رسولى پس بدرستى كه او در ميآورد از ميانه دو دستش و از پشت سرش نگهبانى (27)
تا بداند كه بتحقيق رسانيدند پيغامهاى پروردگارشان را و احاطه نمود بآنچه نزد ايشانست و شمرده هر چيزى را از راه شمار (28)

سورة المزّمّل مكّية و هى عشرون اية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
اى كليم بر خود پيچيده (1)
برخيز شب مگر اندكى (2)
نصفش يا كم كن از آن قليلى (3)
يا زياد كن بر آن و بتأنّى خوان قرآن را به تانّى خواندنى (4)
بدرستى كه ما زود باشد كه نازل سازيم بر تو سخنى سنگين (5)
بدرستى كه برخاستن شب آن سختتر است در دشوارى و درست‌تر است از راه گفتار (6)
بدرستى كه مر تراست در روز آمد و شدى دراز (7)
و ياد كن اسم پروردگار خود را و منقطع شود بسوى او منقطع شدنى (8)
پروردگار مشرق و مغرب است نيست خدايى مگر او پس فراگير او را وكيل (9)
و صبر كن بر آنچه ميگويند و جدايى گزين از آنها جدايى گزيدنى خوب (10)
و واگذار مرا با تكذيب كنندگان صاحبان نعمت و مهلت ده آنها را اندكى (11)
بدرستى كه

نزد ما است بندهاى گران دوزخ (12)
و طعامى صاحب گلوگيرى و عذابى پر درد (13)
روزى كه بزلزله در آيد زمين و كوه‌ها و شوند كوه‌ها تلّهاى ريک پراكنده (14)
بدرستى كه فرستاديم بسوى شما رسولى گواه بر شما هم چنان كه فرستاديم بسوى فرعون رسولى را (15)
پس نافرمانى كرد فرعون آن رسول را پس گرفتيمش گرفتنى سخت (16)
پس چگونه پرهيز خواهيد كرد اگر كافر شديد روزى كه ميگرداند كودكان را پيران (17)
آسمان شكاف پذير است بآن باشد وعده‌اش كرده شده (18)
بدرستى كه اين پنديست پس هر كه خواهد فرا گيرد بسوى پروردگارش راهى (19)
بدرستى كه پروردگار تو ميداند كه تويى برميخيزى كمتر از دو ثلث شب و نصفش و ثلثش و گروهى از آنان كه با تواند و خدا اندازه ميكند شب و روز را دانست اينكه ضبط نتوانند آن را پس در گذرد از شما پس بخوانيد آنچه

میسّر شود از قرآن دانست اینکه خواهند شد از شما بیماران و دیگران سیر خواهند کرد در زمین که بجویند از فضل خدا و دیگران کارزار کنند در راه خدا پس بخوانید آنچه میسّر شود از آن و بر پای دارید نماز را و بدهید زکاة را و وام دهید خدا را وامی نیکو و آنچه پیش میفرستید برای خودتان از خوبی مییابید آن را نزد خدا آن بهتر است و عظیمتر از راه پاداش و آمرزش خواهید از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (20)

ترجمه قرآن، ص: 538

سورة المدّثّر مکّیّة و هی خمس و خمسون آیة

بنام خداوند بخشاینده مهربان
ای جامه بر خود پیچیده (1)
برخیز پس بیم ده (2)
و پروردگار ترا پس ببزرگی یاد کن (3)
و جامه‌ات را پس پاک کن (4)
و پلید را پس اجتناب کن (5)
و اعطا مکن که عوض بیشتر خواهی (6)
و برای پروردگارت پس صبر کن (7)
پس چون دمیده شود در صور (8)
پس اینست آن روز روزی دشوار (9)
بر کافران غیر آسان (10)
واگذار مرا و آن را که آفریدم تنها (11)
و گردانیدم برای او مالی فراوان (12)
و پسران حاضر (13)
و سامان دادم برای او سامان دادنی (14)
پس طمع دارد که زیاد کنم (15)
نه چنین است بدرستی که او باشد مر آیتهای ما را منکر (16)
خواهیم گرفتیمش در بلندی (17)
بدرستی که او فکر کرد و قرار داد (18)
پس کشته باد چگونه قرار داد (19)
پس کشته باد چگونه قرارداد (20)
پس نظر کرد (21)
پس رو درهم کشید و ترش روی شد (22)
پس پشت کرد و سرکشی نمود (23)
پس گفت نیست این مگر سحری که آموخته میشود (24)
نیست این مگر سخن انسان (25)
زود داخل سازمش در دوزخ (26)
و چه دانا کرد ترا چیست دوزخ (27)
نه باقی میدارد و نه وامیگذارد (28)
سیاه کننده است مر پوست را (29)
بر آنست نوزده تا (30)
و قرار ندادیم یاران آتش را جز فرشتگان و نگردانیدیم عددشان را جز محنتی برای آنان که کافر شدند تا یقین کنند آنان که

ترجمه قرآن، ص: 539
داده شدند کتاب را و بیفزاید آنان را که ایمان آوردند ایمانی و شکّ نیارند آنان که داده شدند کتاب و گروندگان و تا گویند آنان که در دلهاشان ناخوشی است و کافران که چه خواست خدا باین از راه مثل همچنین اضلال میکند خدا هر کرا خواهد و هدایت میکند هر کرا خواهد و نمیداند لشگرهای پروردگار ترا مگر او و نیست این مگر پندی برای انسان (31)
حقّا بماه (32)
و شب چون پشت کند (33)
و بصبح چون روشن شود (34)
بدرستی که آنست یکی از بزرگها (35)
بیم دهنده مر انسان را (36)
مر آن را که خواهد از شما که پیش رود یا پس بماند (37)
هر نفسی بآنچه کسب کرده در گرو است (38)
جز اصحاب دست راست (39)
که در بهشتها میپرسند (40)
از گناهکاران (41)
چه چیز در آورد شما را در دوزخ (42)
گویند نبودیم از نمازگذاران (43)
و نبودیم اطعام کنیم درمانده را (44)
و بودیم که صحبت بیهوده داشتیم با بیهودگان (45)
و بودیم ما که تکذیب میکردیم روز جزا را (46)
تا آمد ما را یقین (47)
پس نفع نبخشد ایشان را درخواست شفاعت کنندگان (48)
پس چیست مر آنها را که از پند گرفتن رو گردانندگانند (49)
گویا ایشانند خرهای رمنده (50)
که گریخته باشند از شیر (51)
بلکه میخواهد هر مردی از ایشان که داده شود نامه‌های گشاده (52)
نه چنین است بلکه نمیترسند از آخرت (53)
نه چنین است بدرستی که آن پندیست (54)
پس آنکه خواهد پند گیرد از آن (55)
و پند نمیگیرند جز آنکه خواهد خدا اوست اهل تقوی و اهل مغفرت (56)
ترجمه قرآن، ص: 540

سورة القيمة مكّيّة و هى أربعون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
سوگند ياد نميكنم بروز قيامت (1)
و سوگند ياد نميكنم بنفس ملامت كننده (2)
آيا مى‌پندارد انسان كه جمع نخواهيم كرد استخوانهايش را (3)
آرى توانائيم بر اينكه راست كنيم انگشتهايش را (4)
بلكه ميخواهد انسان كه كار بد كند در پيش آمدش (5)
ميپرسد كه كى باشد روز قيامت (6)
پس چون خيره شود چشم (7)
و تيره گردد ماه (8)
و جمع شود آفتاب و ماه (9)
گويد انسان آن روز كجاست گريزگاه (10)
نه چنين است نيست پناهى (11)
بسوى پروردگار تو است در آن روز جاى قرار (12)
خبر داده شود انسان در آن روز بآنچه پيش فرستاده و باز پس داده (13)
بلكه انسان بر خودش بيناست (14)
و اگر چه القا كند عذرهايش را (15)
حركت مده بآن زبانت را تا شتاب كنى در آن (16)
بدرستى كه بر ماست فراهم آوردنش و خواندش (17)
پس چون خوانديمش پس پيرو شو خواندن آن را (18)
پس بدرستى كه بر ما است بيان كردن آن (19)
نه چنين است بلكه دوست ميداريد دنياى شتابنده را (20)
و واميگذاريد آخرت را (21)
رويهاست در آن روز برافروخته (22)
بسوى پروردگارش نگرنده (23)
و رويهاست در آن روز تيره (24)
پندارى كه رسانيده ميشود بآن آسيبى (25)
نه چنين است چون برسد بچنبرهاى گردن (26)
و گفته شود
ترجمه قرآن، ص: 541
كيست شفا دهنده (27)
و گمان كند كه آنست جدايى (28)
و پيچيده شود ساق بساق (29)
بسوى پروردگار تست در آن روز راندن (30)

پس نه تصديق نمود و نه نماز گذارد (31)
و ليكن تكذيب نمود و روى گردانيد (32)
پس رفت بسوى كسانش ميخرامد (33)
سزاوارتر است ترا پس سزاوارتر (34)
پس سزاوارتر است مر ترا پس سزاوارتر (35)
آيا مى‌پندارد انسان كه واگذارده خواهد شد مهمل (36)
آيا نبود نطفه از منى كه ريخته شود (37)
پس بود خون بسته پس آفريد پس راست كرد (38)
پس گردانيد از آن دو جفت مذكّر و مؤنّث (39)
آيا نيست آن توانا بر اينكه زنده گرداند مردگان را (40)

سورة الدّهر مدنيّة و هى إحدى و ثلاثون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
آيا آمد بر انسان وقتى از روزگار كه نبود چيزى مذكور (1)
بدرستى كه ما آفريديم انسان را از نطفه اخلاط كه بيازمائيم او را پس گردانيديم او را شنواى بينا (2)
بدرستى كه ما هدايت كرديم او را براه راست يا شكر گذار و يا ناسپاس است (3)
بدرستى كه ما آماده كرديم براى كافران زنجيرها و غلها و آتش سوزان (4)
بدرستى كه نيكان مى‌آشامد از جامى كه باشد امتزاج آن با كافور بهشت (5)
چشمه كه مى‌آشامند از آن بندگان خدا جارى ميكند آن را جارى كردنى (6)
وفا ميكنند
ترجمه قرآن، ص: 542
بنذر و ميترسند روزى را كه هست آسيبش آشكار (7)
و ميخورانند طعام را بر دوستيش نه فقير و يتيم و اسير (8)
جز اين نيست كه اطعام ميكنيم شما را براى رضاى خدا نميخواهيم از شما پاداشى و نه شكرى (9)
بدرستى كه ما ميترسيم از پروردگار ما روزى سخت بسيار سخت (10)
پس نگاهداشتشان خدا از آسيب آن روز و پيش آورد ايشان را تازگى و شادمانى (11)
و پاداش داد ايشان را بآنچه صبر كردند بهشت و حرير (12)
تكيه زدگان در آن بر سريرها نه بينند در آن آفتابى و نه سرمايى (13)
و نزديكست بر ايشان سايه‌هاى آن و رام كرده شده خوشهاى آن رام كردنى (14)
و بگردش در آورده ميشود بر ايشان ظرفهاى از نقره و قدحهايى كه باشند آبگينه‌ها (15)
آبگينه‌ها كه باشند از سيم و اندازه گرفته‌اند آنها را اندازه گرفتنى (16)
و آشامانيده شوند در آن جامى را كه باشد ممزوج بزنجبيل آميخته (17)
چشمه روان در آن نامبرده ميشود سلسبيل (18)
و گردش ميكند بر ايشان پسران جاويدانى چون بينى ايشان را پنداريشان مرواريد در رشته ناكشيده (19)
و چون بينى آنجا بينى تازه نعمت و پادشاهى عظيم (20)
بالاشان جامه‌هاى ديباى نازك سبز و ديباى ستبرق و پيرايه كرده شده به

استوانها از سیم و آشامانید ایشان را پروردگارشان شرابی پاکیزه (21)
بدرستی که این باشد مر شما را پاداش و باشد سعی شما ستوده (22)
بدرستی که ما فرستادیم بر تو قرآن را فرستادنی (23)
پس صبر کن مر حکم پروردگارت را و اطاعت مکن از ایشان
ترجمه قرآن، ص: 543
گناهکاری را یا ناسپاسی را (24)
و یاد کن نام پروردگار ترا بامداد و شبانگاه (25)
و از شب پس سجده کن مر او را و تسبیح گوی او را شبی دراز (26)
بدرستی که آن گروه دوست میدارند دنیای شتابنده را و وامیگذارند از پس خود روزی گران را (27)
ما آفریدیم ایشان را و محکم گردانیدیم پیوند مفصلهای ایشان را و چون خواهیم بدل نمائیم مانندهای ایشان را بدل آوردنی (28)
بدرستی که این پندی است پس کسی که خواست گرفت بسوی پروردگارش راهی (29)
و نمیخواهید مگر که خواهد خدا بدرستی که خدا باشد دانای حکیم (30)
داخل میسازد آن را که خواهد در رحمتش و ظالمان را آماده کرده برای ایشان عذابی دردناک (31)

ترجمه قرآن 569
بنام خداوند بخشاينده مهربان
سوگند بفرستاده شدها از پى هم (1)
و تند روندها تند رفتنى (2)
و پراكنده سازنده‌ها پراكنده ساختنى (3)
و جدا كنندها جدا كردنى (4)
و القا كنندگان ذكر را (5)
عذرى يا بيمى (6)
كه آنچه وعده كرده ميشويد هر آينه بوقوع آينده است (7)
پس آن گاه كه ستاره‌ها محو شوند (8)
و آن گاه كه آسمان شكافته گردد (9)
و آن گاه كه كوه‌ها بركنده شوند (10)
و آن گاه كه رسولان وقت كرده شوند (11)
براى كدام روز باز پس داشته شده (12)
براى روز تميز (13)
و چه چيز دانا كرد ترا كه چيست روز تميز (14)
واى روز چنين مر تكذيب كنندگان را
ترجمه قرآن، ص: 544
(15)
آيا هلاک نكرديم پيشينيان را (16)
پس از پى ايشان خواهيم برد بازپسان را (17)
همچنين ميكنيم با گنه كاران (18)
واى روز چنين بر تكذيب كنندگان (19)
آيا نيافريديم شما را از آبى بيقدر (20)
پس گردانيديم او را در آرامگاهى محكم (21)
تا مقدارى معيّن (22)
پس توانا آمديم پس خوب توانايانيم (23)
واى روز چنين بر تكذيب كنندگان (24)
آيا نگردانيديم زمين را كافى (25)
زندگان را و مردگان را (26)
و گردانيديم در آن كوه‌هاى استوار بلند و آشامانيديم شما را آب شيرين (27)
واى روز چنين بر تكذيب كنندگان (28)

بروید بسوی آنچه که بودید بآن تکذیب میکردید (29)
بروید بسوی سایه صاحب سه شاخ (30)
نه خنک گرداند و نه کفایت کند از گرمی آتش (31)
بدرستی که آن میاندازد شراره چون کوشک (32)
گویا که شتران زرد است (33)
وای روز چنین بر تکذیب کنندگان (34)
این روزیست که سخن نگویند کفّار (35)
و رخصت داده نشوند ایشان پس عذر بگویند (36)
وای روز چنین بر تکذیب کنندگان را (37)
اینست روز جدا کردن جمع کردیم شما را و پیشینیان را (38)
پس اگر باشد شما را چاره پس چاره کنید (39)
وای روز چنین بر تکذیب کنندگان (40)
بدرستی که پرهیزکارانند در سایه‌ها و سرچشمه‌ها (41)
و میوه‌ها از آنچه خواهش کنند (42)
بخورید و بیاشامید گوارا بسبب آنچه بودید که میکردید (43)
بدرستی که ما چنین پاداش میدهیم نیکوکاران را (44)
وای روز چنین بر تکذیب کنندگان (45)
بخورید

و کامرانی کنید اندکی بدرستی که شمائید گنه کاران (46)
وای روز چنین بر تکذیب کنندگان (47)
و وقتی که گفته شود مر ایشان را که برکوع روید برکوع نروند (48)
وای چنین روزی بر تکذیب کنندگان (49)
پس بکدام سخن بعد از آن ایمان میآورند (50)

سورة النّبأ مكّيّة و هى إحدى و أربعون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
از چه ميپرسند (1)
از خبر بزرگ (2)
آنكه ايشانند در آن اختلاف كنندگان (3)
نه چنين است زود باشد كه بدانند (4)
پس نه چنين است زود باشد كه بدانند (5)
آيا نگردانيديم زمين را بستر (6)
و كوه‌ها را ميخها (7)
و آفريديم شما را جفت (8)
و گردانيديم خواب شما را آسايش (9)
و گردانيديم شب را پوشش (10)
و گردانيديم روز را وقت طلب معيشت (11)
و بنا كرديم بالاى شما هفت طبقه استوار (12)
و قرار داديم چراغى تابان (13)
و فرو فرستاديم از فشارندها آبى ريزان (14)
تا بيرون آريم بآن دانه و رستنى (15)
و بوستانهاى بهم پيچيده درختانش (16)
بدرستى كه روز تميز باشد وعدگاه (17)
روزى كه دميده شود در آن صور پس بيايند فوجها (18)
و گشوده شود آسمان پس گردد درها (19)
و روان گردانيده شود كوه‌ها پس گردد سراب (20)
بدرستى كه جهنّم باشد كمين‌گاه (21)
مر طاغيان را بازگشت (22)
درنگ نمايندگان
ترجمه قرآن، ص: 546
در آن روزگارها (23)
نميچشند در آن خنكى و نه شرابى (24)
جز آب جوشان و چرك جراحتها (25)
پاداش موافق (26)
بدرستى كه ايشان بودند كه اميد نداشتند حسابى را (27)
و تكذيب نمودند آيتهاى ما را تكذيب نمودنى (28)
و هر چيزى را شمرديم آن را در لوح (29)
پس بچشيد پس نيفزائيم هرگز شما را جز عذاب (30)

بدرستی که پرهیزکاران را جای کامیابی است (31)
باغها و انگورها (32)
و دختران نار پستان هم سنّ (33)
و جامهای پر شراب (34)
نشنوند در آن لغوی و نه تکذیب کردنی (35)
پاداشی از پروردگار تو بخششی کافی (36)
پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنها است بخشاینده است مالک نباشند از او خطاب کردن را (37)
روزی که بایستند روح و فرشتگان صف زده سخن نگویند مگر آنکه دستوری داد او را خدای بخشاینده و گفت صوابی (38)
آنست روز حقّ پس کسی که خواست گرفت بسوی پروردگارش بازگشتی (39)
بدرستی که ما بیم کردیم شما را از عقوبتی نزدیک روزی که مینگرد مرد آنچه پیش فرستاده دستش و میگوید کافر ای کاش بودم خاک (40)

سورة النّازعات مكّيّة و هى ستّ و أربعون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم بكشندگان از روى قوّت (1)
و بفرشتگان نشاط آورنده ارواح (2)
و فرشتگان شنا كننده (3)
و پيشى گيرندگان
ترجمه قرآن، ص: 547
پيش گرفتنى (4)
پس تدبير كنندگان كار را (5)
روزى كه بلرزد زمين لرزيدنى (6)
از پى در آيد آن را از پى آينده (7)
دلها است روزى چنين لرزان (8)
چشمهاشان فرو رفته (9)
ميگويند آيا ما ردّ شدگانيم بحالت اوّل (10)
آيا وقتى كه شديم استخوانهاى پوسيده (11)
گفتند اينست آن گاه بازگشتى بازيان (12)
پس جز اين نيست كه آن فرياديست واحد (13)
پس انگاه ايشانند بر روى زمين (14)
آيا آمد ترا حكايت موسى (15)
كه ندا كرد او را پروردگارش در وادى پاكيزه كرده شده كه طوى است (16)
برو بسوى فرعون كه او زياده روى كرد در عصيان (17)
پس بگو آيا هست ترا ميل به اينكه پاک شوى (18)
و هدايت كنم ترا بسوى پروردگارت پس بترسى (19)
پس نمودش آيت بزرگ (20)
پس تكذيب نمود و نافرمانى كرد (21)
پس پشت گردانيده بشتافت (22)
پس جمعيّتى كرد پس ندا در داد (23)
پس گفت منم پروردگار شما كه برتر است (24)
پس گرفت او را خدا بعقوبت آخرت و دنيا (25)
بدرستى كه در آنست هر آينه عبرتى مر آن را كه ميترسد (26)
آيا شما سخت تريد در خلقت يا آسمان كه بنا كرد آن را (27)
بلند گردانيد سقفش را پس راست كرد (28)
و تاريک گردانيد شبش را و ظاهر ساخت روزش را (29)

و زمین را بعد از آن گسترانید (30)
پدید آورد از آن آبش را و چراگاهش را (31)
و کوه را استوار گردانیدش (32)
مایه تعیّش برای شما و چهارپایان شما (33)
پس چون آید بلای مستولی بزرگ (34)
روزی که یاد آورد انسان آنچه سعی کرد (35)
و ظاهر گردانیده شد دوزخ
ترجمه قرآن، ص: 548
برای کسی که بیند (36)
پس امّا آنکه زیاده روی کرد در عصیان (37)
و برگزید زندگانی دنیا را (38)
پس بدرستی که دوزخش بود جایگاه (39)
و امّا آنکه بیم داشت از مقام پروردگارش و منع کرد نفس را از خواهش (40)
پس بدرستی که بهشت باشد جایگاهش (41)
میپرسند ترا از قیامت کی باشد قرارگاهش (42)
در چیستی تو از یاد کردن آن (43)
بسوی پروردگار تو است انتهای آن (44)
جز این نیست تو بیم کننده کسی را که بترسد از آن (45)
گویا که ایشان روزی که بینند آن را درنگ نکرده‌اند مگر شبانگاهی یا چاشتگاهی (46)

سورة عبس مكّيّة و هى اثنتان و أربعون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
روى ترش نمود و اعراض كرد (1)
كه آمد او را كور (2)
و چه چيز دانا كرد ترا باشد كه پاک شود (3)
يا پند گيرد پس نفع دهد او را پند (4)
امّا كسى كه توانگر شد (5)
پس تو مر او را متوجّه ميشوى (6)
و نيست بر تو كه پاک نشود (7)
و امّا كسى كه آمد ترا كه ميكوشيد (8)
و او ميترسيد (9)
پس تو از او فارغ ميباشى (10)
نه چنين است بدرستى كه آن پنديست (11)
پس آنكه خواهد پند گيرد (12)
در صحيفه‌هاى گرامى داشته شده (13)
برداشت كرده شده پاكيزه گردانيده (14)
بدستهاى كاتبان (15)
شريفان نيكوكاران (16)
كشته باد انسان چه كافريست او (17)
از چه چيز آفريد او را (18)
از نطفه آفريدش
ترجمه قرآن، ص: 549
پس اندازه مقرّر داشت او را (19)
پس راه آسان گردانيد آن را (20)
پس بميرانيد او را پس در قبر كرد او را (21)
پس چون خواهد زنده گرداندش (22)
نه چنين است بجا نياورده هنوز آنچه فرموده او را (23)
پس بايد نظر كند انسان بسوى طعام خود (24)
بدرستى كه ما ريختيم آب را ريختنى (25)
پس شكافتيم زمين را شكافتنى (26)
پس رويانيديم در آن دانه (27)
و انگور و خرما (28)
و زيتون و درخت خرما (29)
و باغهاى پر درخت (30)

و میوه و چراگاه (31)
مایه عیش برای شما و برای چهارپایان شما (32)
پس چون آید فریاد گوش کر کننده (33)
روزی که گریزد مرد از برادرش (34)
و مادرش و پدرش (35)
و زنش و پسرش (36)
هر مردی را از ایشان روزی چنین کاریست که مشغول دارد او را (37)
رویهائیست روز چنین درخشان (38)
خندان فرحناک (39)
و رویهائیست روز چنین بر آنهاست گرد کدورت (40)
فرو گیرد آنها را تیرگی (41)
آن گروهند آنان که کافران بدکارند (42)

سورة التّكوير مكّيّة و هى تسع و عشرون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
آن گاه كه آفتاب در هم پيچيده شود (1)
و آن گاه كه ستاره‌ها فرو ريزند (2)
و آن گاه كه كوه‌ها سير كرده شوند (3)
و آن گاه كه شتران آبستن بار نهند (4)
و آن گاه كه وحوش حشر كرده شوند (5)
و آن گاه كه درياها پر كرده شوند (6)
و آن گاه كه نفسها
ترجمه قرآن، ص: 550
جفت كرده شوند (7)
و آن گاه كه دختران زنده در گور كرده پرسيده شوند (8)
كه بكدام گناه كشته شده (9)
و آن گاه كه نامه‌ها گشوده شود (10)
و آن گاه كه آسمان كنده شود (11)
و آن گاه كه دوزخ افروخته شود (12)
و آن گاه كه بهشت نزديك كرده شود (13)
داند هر نفسى آنچه را كه حاضر ساخته (14)
پس قسم ياد نميكنم بستارگان رجوع كننده (15)
روندگان پنهان شونده (16)
و شب چون پشت كند (17)
و و صبح چون پديد آيد (18)
كه آن هر آينه سخن رسول بزرگوار است (19)
صاحب توانا نزد خداوند عرش با منزلت (20)
فرمانبرده پس امين است (21)
و نيست صاحب شما ديوانه (22)
و بتحقيق ديد او را در افق روشن (23)
و نيست او بر چيزهاى پوشيده بخيل (24)
و نيست قرآن سخن شيطان رانده شده (25)
پس كجا ميرويد (26)
نيست آن مگر پندى مر جهانيان را (27)
مر آن كسى را خواست از شما كه مستقيم شود (28)
و نخواهيد مگر آنكه خواهد خدا كه پروردگار عالميانست (29)

سورة الانفطار مكّيّة و هى تسع عشرة آية

بنام خداوند بخشاینده مهربان
آن گاه که آسمان بشکافد (1)
و آن گاه که ستاره‌ها فرو ریزند (2)
و آن گاه که دریاها راه بهم داده شود (3)
و آن گاه که قبرها زیر و زبر کرده شود (4)
داند هر نفسی آنچه را پیش فرستاده و باز پس داشت (5)
ای انسان چه چیز فریفت ترا به پروردگارت
ترجمه قرآن، ص: 551
که کریم است (6)
آنکه آفرید ترا پس تمام اجزا گردانید ترا پس تمام اندام دادت (7)
در هر صورتی که خواست بهم آوردت (8)
نه چنین است بلکه تکذیب نمایند بروز جزا (9)
و بدرستی که بر شماست نگهبانان (10)
گرامیان نویسندگان (11)
میدانند آنچه را که میکنند (12)
بدرستی که نیکوکاران در نعیمند (13)
و بدرستی که بد کاران در دوزخند (14)
در آیند در آن روز جزا (15)
و نباشند آنها از آن غایبان (16)
و چه چیز دانا کرد ترا که چیست روز جزا (17)
پس چه چیز دانا کرد ترا چیست روز جزا (18)
روزی که مالک نباشند نفسی برای نفسی چیزی را و فرمان روز چنین مر خدا راست (19)

سورة المطفّفين مكّيّة و هى ستّ و ثلاثون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
واى بر كم كنندگان در كيل (1)
آنان كه چون به پيمايند بر مردمان تمام گيرند (2)
و چون بكيل دهند آنها را يا بوزن دهند ايشان را كم كنند (3)
آيا گمان نميبرند اينان كه ايشان برانگيخته شوندگانند
براى روزى بزرگ (5)
روزى كه ايستاده شوند مردمان براى پروردگار عالميان (6)
نه چنين است بدرستى كه نامه بدكاران هر آينه در سجّين است (7)
و چه چيز دانا كرد ترا كه چيست سجّين (8)
نامه ايست رقم كرده شده (9)
واى روز چنين بر تكذيب كنندگان (10)
آنان كه تكذيب كنند روز جزا را (11)
ترجمه قرآن، ص: 552
و تكذيب نكنند آن را مگر هر تعدّى كننده گناهكار (12)
چون خوانده شود بر او آيتهاى ما گويد افسانهاى پيشينيانست (13)
حقّا بلكه زنگ شد بر دلهاشان آنچه هستند كه كسب ميكنند (14)
حقّا كه ايشان از پروردگارشان روز چنين هر آينه در حجاب شدگانند (15)
پس بدرستى كه ايشان در آيندگانند در دوزخ (16)
پس گفته شود اينست كه بوديد آن را تكذيب ميكرديد (17)
حقّا بدرستى كه نامه نيكوكاران هر آينه در علّيّين است (18)
و چه چيز دانا كرد ترا كه چيست علّيّين (19)
نامه ايست رقم كرده شده (20)
كه گواه ميشوند آن را مقرّبان (21)
بدرستى كه نيكوكارانند هر آينه در نعيم (22)
بر سريرها نظاره ميكنند (23)
مييابى در رويهايشان تازگى بهشت (24)
آشاميده ميشوند از صاف شراب مهر شده (25)
كه مهر پذيرش مشك است و در آن پس بايد رغبت كنند رغبت كنندگان (26)
و مزاجش از چشمه كوثر (27)
چشمه‌ايست كه ميآشامد از آن نزديكان (28)
بدرستى كه آنان كه گناهكار شدند هستند از آنان كه ايمان آوردند ميخندند (29)

و چون گذرند بايشان اشاره ميكنند بچشم و ابرو (30)
و چون برگردند بسوى كسانشان برگردند شادى‌كنان (31)
و چون بينند ايشان را گويند بدرستى كه اينان هر آينه گمراهانند (32)
و فرستاده نشد بر ايشان نگهبانان (33)
پس آن روز آنان كه گرويدند از كافران ميخندند (34)
بر سريرها نظاره ميكنند (35)
آيا جزا داده شدند كافران آنچه بودند كه ميكردند (36)
ترجمه قرآن، ص: 553

سورة الإنشقاق مكّيّة و هى خمس و عشرون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
آن گاه كه آسمان بشكافد (1)
و انقياد نمايد مر پروردگارش را و سزاوار شد (2)
و آن گاه كه زمين كشيده شود (3)
و بيرون آيد آنچه در آنست و خالى شود (4)
و انقياد نمايد مر پروردگارش را و سزاوار شد (5)
اى انسان بدرستى كه تو كوشنده بسوى پروردگارت كوشيدنى پس ملاقات نماينده او را (6)
پس آنكه داده شد نامه او بدست راستش (7)
پس بزودى حساب كرده شود حسابى آسان (8)
و برگردد بسوى كسانش شادمان (9)
و امّا آنكه داده شود نامه‌اش از پس پشتش (10)
پس بزودى بخواند هلاك را (11)
و درآيد در آتش سوزان (12)
بدرستى كه او بود در كسانش شادمان (13)
بدرستى كه او پنداشت كه هرگز باز نگردد (14)
آرى بدرستى كه پروردگارش باشد باو بينا (15)
پس سوگند ياد نميكنم به شفق (16)
و شب و آنچه بپوشد (17)
و ماه چون تمام شود (18)
كه هر آينه برسيد بحالى بعد از حالى (19)
پس چيست ايشان را كه ايمان نمى‌آورند (20)
و چون خوانده شود بر ايشان قرآن سجده نميكنند (21)
بلكه آنان كه كافر شدند تكذيب مينمايند (22)
و خدا داناتر است بآنچه پنهان ميدارند در دل (23)
پس مژده ده ايشان را بعذابى پر درد (24)
مگر آنان كه ايمان آوردند و كردند كارهاى شايسته مر ايشانراست پاداشى بدون منّت (25)
ترجمه قرآن، ص: 554

سورة البروج مكّيّة و هى اثنتان و عشرون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم بآسمان صاحب برجها (1)
و روز وعده كرده شده (2)
و شاهد يعنى پيغمبر (ص) و مشهود يعنى امّت (3)
كشته شدند ياران شكافهاى زمين (4)
آن آتش صاحب مايه برافروختگى (5)
هنگامى كه ايشان بودند بر آنها نشستگان (6)
و ايشان بودند بر آنچه ميكردند بمؤمنان حاضران (7)
و دشمن نداشتند از ايشان جز آنكه ايمان آوردند بخداى غالب ستوده (8)
آنكه مر او راست پادشاهى آسمانها و زمين و خداست بر همه چيز شاهد (9)
بدرستى كه آنان كه بفتنه درانداختند مردان با ايمان و زنان با ايمان را پس بازگشت نكردند پس مر ايشانراست عذاب دوزخ و مر ايشانراست عذاب سوزنده (10)
بدرستى كه آنان كه گرويدند و كردند كارهاى شايسته مر ايشانراست بهشتها كه ميرود از زير آنها نهرها اينست كاميابى بزرگ (11)
بدرستى كه گرفتن پروردگار تو هر آينه سخت است (12)
بدرستى كه او ميآفريند نخست و اعاده ميكند (13)
و اوست آمرزنده و دوست دارنده (14)
صاحب عرش بزرگوار (15)
كننده مر آنچه را كه خواهد (16)
آيا آمد ترا حكايت لشكرهاى (17)
فرعون و ثمود (18)
بلكه آنان كه كافر شدند در تكذيب نمودن (19)
و خدا از وراء ايشان احاطه كننده است (20)
بلكه آن قرآنى است شريف (21)
در لوحى نگهداشته شده (22)
ترجمه قرآن، ص: 555

سورة الطّارق مكّيّة و هى سبع عشرة آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم بآسمان و ظاهر شونده در شب (1)
و چه دانا كرد ترا كه چيست آينده بشب (2)
ستاره درخشنده است (3)
نيست هيچ نفسى مكر كه بر اوست نگهبانى (4)
پس بايد كه بنگرد انسان كه از چه چيز آفريده شد (5)
آفريده شد از آبى جهنده (6)
كه بيرون ميآيد از ميانه پشت و استخوانهاى سينه (7)
بدرستى كه او بر باز آوردنش هر آينه توانا است (8)
روزى كه آشكار شود پنهانيها (9)
پس نباشد مر او را هيچ قوّتى و نه ياورى (10)
و آسمان صاحب باران (11)
و زمين صاحب شكاف (12)
كه آن سخنى است تميز دهنده (13)
و نيست آن بيهوده (14)
بدرستى كه ايشان چاره ميكنند چاره كردنى (15)
و چاره ميكنم چاره كردنى (16)
پس مهلت ده كافران را مهلت ميدهم ايشان را مهلت دادنى (17)

سورة الأعلى مكّيّة و هی تسع عشرة آية

بنام خداوند بخشاینده مهربان
تنزیه کن بنام پروردگار خود که برتر است (1)
آنکه آفرید پس درست گردانید (2)
و آنکه تقدیر کرد پس هدایت نمود (3)
و آنکه

بیرون آورد چراگاه را (4)
پس گردانید آن را خشک سیاه (5)
زود باشد که خوانیم بر تو پس فراموش مکن (6)
مگر آنچه را که خواست خدا که او میداند آشکار را و آنچه پنهان میباشد (7)
و توفیق دادیم ترا برای طریقه آسان (8)
پس پند ده اگر نفع کند پند دادن (9)
زود باشد پند گیرد آنکه بترسد (10)
و پهلو تهی کند از آن بدبخت‌تری (11)
که داخل شود در آتش عظیمتر (12)
پس نمیمیرد در آن و نه زنده میباشد (13)
بتحقیق رستگار شد آنکه پاک شد (14)
و یاد کرد نام پروردگارش را پس نماز گذارد (15)
بلکه اختیار میکنید زندگانی دنیا را (16)
و آخرت بهتر است و پاینده‌تر (17)
بدرستی که این است هر آینه در صحیفه‌های نخستین (18)
صحیفهای ابراهیم و موسی (19)

سورة الغاشية مكّيّة و هى ستّ و عشرون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
آيا آمد ترا حكايت آن فرو گيرنده (1)
رويهايى روز چنين ترسناكست خوارند (2)
عمل كننده رنج كشنده‌اند (3)
كه داخل ميشوند در آتش در نهايت گرمى (4)
آشامانيده شوند از چشمه كه بمنتهاى گرمى رسيده (5)
نباشد مر ايشان را خوراكى مگر از خار خشك (6)
كه نه فربه كند و نه كفايت كند از گرسنگى (7)
رويهائيست روزى چنين تازه (8)
از سعيشان خوشنود (9)
در بهشتى رفيع (10)
نشنود در آن لغوى (11)
در آنست چشمه روان (12)
در آنست سريرهاى رفيعه (13)
ترجمه قرآن، ص: 557
و قدحهاى گذاشته (14)
و بالشهاى بهم پيوسته (15)
و فرشهاى نفيس گسترده (16)
آيا پس نمينگرند به شتر چگونه آفريده شده (17)
و به آسمان كه چگونه بلند گردانيده شد (18)
و به كوه‌ها كه چگونه برافراشته شده (19)
و بزمين كه چگونه پهن كرده شده (20)
پس پند ده جز اين نيست تويى پند دهنده (21)
نيستى بر ايشان تسلّط دارنده (22)
مگر آنكه روى گردانيد و كافر شد (23)
پس عذاب خواهد كرد خدا عذاب بزرگتر (24)
بدرستى كه بسوى ما است بازگشت ايشان (25)
پس بدرستى كه بر ما است حساب ايشان (26)

سورة الفجر مكّيّة و هى ثلاثون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم بصبح (1)
و شبهاى ده گانه (2)
و جفت و طاق (3)
و شب چون درگذرد (4)
آيا كه در اين سوگنديست مر صاحب خرد را (5)
آيا نديدى كه چگونه كرد پروردگارت بعاد (6)
ارم صاحب بناهاى رفيع (7)
كه آفريده نشده مانند آن در بلاد (8)
و قوم ثمود آنها كه ميبريدند سنگ را در وادى (9)
و فرعون صاحب ميخها (10)
آنان كه تعدّى كردند در شهرها (11)
پس بسيار كردند در آنها تباهى (12)
پس ريخت بر ايشان پروردگارت تازيانه عذاب (13)
بدرستى كه پروردگار تو هر آينه در گذرگاهست (14)
پس امّا انسان چون آزمايد او را پروردگارش پس گرامى داردش
ترجمه قرآن، ص: 558
و نعمت دهدش پس گويد پروردگار من گرامى داشته مرا (15)
و امّا چون آزمايد او را پس تنگ سازد بر او روزيش را پس گويد پروردگار من خوار كرد مرا (16)
نه چنين است بلكه گرامى نميداريد يتيم را (17)
و تحريص نميكنيد بر خورانيدن بيچاره (18)
و ميخوريد ميراث را خوردنى همه در هم (19)
و دوست ميداريد مال را دوستى بسيار (20)
نه چنين است چون كوفته شود زمين كوفتن كوفتنى (21)
و آمد پروردگار تو و فرشته صف صف (22)
و آورده شود روز چنين دوزخ را روز چنين پند گيرد انسان و كجا سودمند است او را پند گرفتن (23)
گويد اى كاش پيش فرستاده بودم براى زندگيم (24)
پس روز چنين عذاب كرده نشود چون عذاب او احدى (25)
و بند كرده نشود چون بند كردن او احدى (26)
اى نفس آرميده (27)
باز گرد بسوى پروردگارت خوشنود پسنديده (28)

پس داخل شو در بندگانم (29)
و داخل شو در بهشتم (30)

سورة البلد مكّيّة و هى عشرون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
سوگند ياد نميكنم باين شهر (يعنى مكّه) (1)
و تو مقيمى در اين شهر (2)
و پدر و آنچه زاد (3)
كه بتحقيق آفريديم انسان را در رنج (4)
آيا مى‌پندارد كه هرگز قادر نميباشد بر او احدى (5)
ميگويد ضايع كردم مالى انبوه

(6)
آيا مى‌پندارد كه نديد او را احدى (7)
آيا نگردانيديم مر او را دو چشم (8)
و زبان و دو لب (9)
و هدايت كرديمش دو جاى بلند (10)
پس در نيامد ببلندى گردنگاه (11)
و چه چيز دانا كرد ترا كه چيست بلندى گردنگاه (12)
رهانيدن گرد نيست (13)
يا خورانيدن در روزى كه صاحب گرسنگى است (14)
يتيمى را كه صاحب قرابتى است (15)
يا درمانده را كه صاحب احتياجست (16)
پس باشد از آنان كه ايمان آوردند و وصيّت بهم كردند بصبر و وصيّت بهم كردند بمهربانى (17)
ايشانند ياران دست راست (18)
و آنان كه كافر شدند بآيتهاى ما ايشانند ياران دست چپ (19)
بر ايشانست آتشى سرپوشيده (20)

سورة الشّمس مكّيّة و هى ستّ عشرة آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم بافتاب و چاشتگاه آن (1)
و ماه چون از پى در آيدش (2)
و روز چون جلا دهدش (3)
و شب چون فرو پوشدش (4)
و آسمان و آنكه بنا كردش (5)
و زمين و آنكه گستردش (6)
و نفس و آنكه راست كردش (7)
پس الهام كردش بدكاريشرا و پرهيزكاريش را (8)
بتحقيق رستگار شد آنكه پاك كرد آن را (9)
و بى بهره شد آنكه تباه كرد آن را (10)
تكذيب نمود قوم ثمود بسبب طغيان خود (11)
هنگامى كه برانگيخت بدبختترش را (12)
پس گفت مر ايشان را فرستاده خدا (صالح) دست بداريد ناقه خدا و شربش را (13)
ترجمه قرآن، ص: 560
پس تكذيب نمودند او را پس پى كردندش پس غضب كرد بر ايشان پروردگارشان بسبب گناه ايشان (14)
پس يكسان كرد آن را و بيم نكرد عاقبتش را (15)

سورة الّيل مكّيّة و هى إحدى و عشرون آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم بشب چون فرو پوشد (1)
و روز چون روشن شود (2)
و آنكه آفريد نر و ماده را (3)
بدرستى كه كوشش شما هر آينه از هم ممتاز است (4)
پس امّا آنكه بداد و پرهيزكار شد (5)
و تصديق نمود طريقه خوبى را (6)
پس بزودى توفيق ميدهم او را براى آسانى (7)
و امّا آنكه بخل ورزيد و استغنا نمود (8)
و تكذيب نمود طريقه خوبى را (9)
پس بزودى توفيق ميدهم براى دشوارى (10)
و كفايت نكرد از او مالش چون هلاک شد (11)
بدرستى كه بر ما است هر آينه هدايت (12)
و بدرستى كه مر ما راست هر آينه آن جهان و اينجهان (13)
پس بيم كردم شما را از آتشى كه زبانه ميكشد (14)
داخل نميشود در آن مگر بدبخت‌ترى (15)
كه تكذيب نمود و روى گردانيد (16)
و زود باشد كه دور كنم از آن پرهيزكارتر را (17)
كه ميدهد مالش را كه پاک شود (18)
و نيست مر احديرا نزد او هيچ نعمتى كه پاداش داده شود (19)
مگر جستن رضاى پروردگارش كه برتر است (20)
و هر آينه زود باشد كه خوشنود گردد (21)

سورة الضّحى مكيّة و هى إحدى عشرة آية

ترجمه قرآن 569

بنام خداوند بخشاينده مهربان

ترجمه قرآن، ص: 561

قسم بچاشتگاه (1)

و شب چون آرام گيرد (2)

كه وانگذاشت ترا پروردگارت و غضب نكرد (3)

و هر آينه آن جهان بهتر است مر تو را از اينجهان (4)

و هر آينه بزودى خواهد داد ترا پروردگارت پس خوشنود گردى (5)

آيا نيافت ترا يتيم پس جايگاه داد (6)

و يافت ترا گم پس هدايت نمود و (7)

يافت ترا بيچيز عيالمند پس توانگر ساخت (8)

پس امّا يتيم را پس قهر مكن (9)

و امّا سؤال كننده را پس زجر مكن (10)

و امّا بنعمت پروردگارت پس اخبار كن (11)

سورة الانشراح مكيّة و هى ثمانى آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
آيا گشاده نكرديم براى تو سينه ترا (1)
و برداشتيم از تو بار تو را (2)
كه بصداى شكست در آورده بود پشت ترا (3)
و بلند گردانيديم براى تو ذكر ترا (4)
پس بدرستى كه با دشوارى آسانى است (5)
بدرستى كه با دشوارى آسانى است (6)
پس چون فارغشدى پس رنج بكش (7)
و بسوى پروردگارت پس راغب شو (8)

سورة التّين مكيّة و هى ثمان آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم بانجير و زيتون (1)
قسم بطور سينا (2)
و اين شهر امان (مكّه) (3)
بتحقيق آفريديم انسان را در نيكوترين تقويمى (4)
پس گردانيديمش فروتر فروتران (5)
مگر آنان كه ايمان آوردند و كردند

كارهاى شايسته پس ايشانراست مزدى غير مقطوع (6)
پس چه چيز تكذيب مينمايد ترا بعد از اين در دين (7)
آيا نيست خدا حكم كننده‌تر حكم كنندگان (8)

سورة العلق مكيّة و هى تسع عشرة آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
بخوان بنام پروردگارت كه آفريد (1)
آفريد انسان را از خون بسته (2)
بخوان پروردگار توست كريمتر (3)
آنكه تعليم كرد نوشتن بقلم (4)
آموزانيد انسان را آنچه نميدانست (5)
حقّا بدرستى كه انسان عصيان ميورزد (6)
به اينكه ديد خود را كه بى‌نياز شد (7)
بدرستى كه بسوى پروردگار توست بازگشت (8)
آيا ديدى كسى را كه منع كند (9)
بنده را چون نماز گذارد (10)
آيا ديدى كه اگر باشد بر هدايت (11)
يا امر كرد بپرهيز كارى (12)
آيا ديدى كه اگر تكذيب كرد و روى گردانيد (13)
آيا ندانست كه خدا مى‌بيند (14)
نه چنانست هر آينه اگر باز نه ايستد خواهم گرفت البتّه بموى پيشانى (15)
موى پيشانى دروغگوى خطا كار (16)
پس بايد كه بخواند اهل مجلس خود را (17)
زود باشد بخوانيم زبانيه را (18)
نه چنانست فرمان مبر او را و سجده كن و نزديك شو (19)

سورة القدر مكيّة و هى خمس آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان

ترجمه قرآن، ص: 563

بدرستى كه ما فرو فرستاديمش در شب قدر (1)

و چه چيز دانا كرد تو را كه چيست شب قدر (2)

شب قدر بهتر است از هزار ماه (3)

نازل ميشوند فرشتگان و روح در آن باذن پروردگارشان از هر امرى (4)

سلامتست آن تا وقت طلوع صبح (5)

سورة البيّنة مدنيّة و هی ثمانی آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
نبودند آنان كه كافر شدند از اهل كتاب و مشركان جدايان تا وقتى كه آمد ايشان را حجتى روشن (1)
فرستاده از خدا كه ميخواند صحيفه‌هاى پاكيزه (2)
در آنهاست صحيفه‌هاى راست درست (3)
و متفرّق نشدند آنان كه داده شدند كتاب را مگر از بعد آنكه آمد ايشان را بيّنه (4)
و فرموده نشدند مگر تا پرستند خدا را خالص دارندگان براى او دين را حقّ گرايان و بر پاى دارند نماز را و بدهند زكاة را و اينست كيش راست (5)
بدرستى كه آنان كه كافر شدند از اهل كتاب و مشركان در آتش دوزخ باشند جاودان در آن ايشانند آنها بدترين خلق (6)
بدرستى كه آنان كه ايمان آوردند و كردند كارهاى شايسته آن گروه ايشانند بهترين خلق (7)
پاداش ايشانست نزد پروردگارشان بهشتهاى جاى اقامت دائمى كه ميرود از زير آنها نهرها جاودان در آن هميشه خوشنود شد خدا از ايشان و خوشنود شدند از او آن براى كسى است كه ترسد از پروردگارش (8)
ترجمه قرآن، ص: 564

سورة الزّلزال مدنيّة و هی ثمانی آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
چون بزلزله در آورده شود زمين زلزله‌اش (1)
و بيرون اندازد زمين بارهايش را (2)
و گويد انسان چيست مر آن را (3)
روزی چنين ميگويد خبرهايش را (4)
به اينکه پروردگارت وحی کرد برای او (5)
روزی چنين باز گردند مردمان پراکندگان تا به بينند کردار خود را (6)
پس کسی که کند مقدار ذرّه نيکی می‌بيند آن را (7)
و کسی که کند مقدار ذرّه بدی می‌بيند آن را (8)

سورة العاديات مكيّة و هى إحدى عشرة آية

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم برونده‌ها بآواز نفس زدن نفس زدنى (1)
پس قسم به بيرون آورندگان آتش از سنگ بسمهاى خود (2)
پس آنها كه وسيله غارت شوند در صبح (3)
پس برانگيختند بآن غبار را (4)
پس در ميان در آمدند بآن جماعتى را (5)
بدرستى كه انسان مر پروردگارش را ناسپاس است (6)
و بدرستى كه او بر آن هر آينه شاهد است (7)
و بدرستى كه او براى دوستى مال هر آينه سخت است (8)
آيا پس نميداند كه چون برانگيخته شود آنچه در گورها است (9)
و حاصل كرده شود آنچه در سينه‌هاست (10)
بدرستى كه پروردگارشان بايشان روز چنين آگاه است (11)

سورة القارعة مكيّة و هى ثمانى آيات

ترجمه قرآن، ص: 565

بنام خداوند بخشاينده مهربان

آن درهم كوبنده چيست (1)

آن درهم كوبنده (قيامت) (2)

و چه چيز دانا كرد ترا چيست آن درهم كوبنده (3)

روزى كه باشند مردمان چون پروانه پراكنده (4)

و باشند كوه‌ها چون پشم رنگارنگ وازده (5)

پس امّا آنكه گران آمد سنجيدهايش (6)

پس اوست در عيش پسنديده (7)

و امّا آنكه سبك آمد سنجيدهايش (8)

پس مأوايش دوزخست (9)

و چه چيز دانا كرد ترا كه چيست آن (10)

آتشى است بغايت سوزاننده (11)

سورة التّكاثر مكيّة و هى ثمانى آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
بغفلت انداخت شما را مباهات در بسيارى (1)
تا آنكه زيارت نموديد مقبره‌ها را (2)
حقّا زود باشد كه بدانيد (3)
پس حقّا زود باشد كه بدانيد (4)
نه چنانست اگر بدانيد دانستنى بيقين (5)
هر آينه به بينيد البتّه دوزخ را (6)
پس هر آينه خواهيد ديد آن را بمشاهده يقين (7)
پس پرسيده خواهيد شد روز چنين از نعمتها (8)

سورة العصر مكيّة و هى ثلاث آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
قسم به عصر (1)
بدرستى كه انسان هر آينه در زيانكاريست (2)
مگر آنان كه ايمان آوردند و كردند كارهاى شايسته و

وصيّت بيكديگر نمودند براستى و وصيّت نمودند بشكيبايى (3)

سورة الهمزة مكيّة و هى تسع آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
واى بر هر عيب گوى طعن زننده (1)
كه فراهم كرد مال را و آماده داشت آن را (2)
ميپندارد كه مالش جاودانى ميگرداند او را (3)
نه چنانست انداخته خواهد شد در آتش درهم شكننده (4)
و چه چيز دانا كرد ترا كه چيست آتش درهم شكننده (5)
آتش خداست بر افروخته (6)
كه مستولى ميشود بر دلها (7)
بدرستى كه آن بر ايشانست سر پوشيده (8)
در ستونهاى كشيده (9)

سورة الفيل مكيّة و هى خمس آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
آيا نديدى كه چگونه كرد پروردگار تو باصحاب فيل (1)
آيا نگردانيد مگر ايشان را در تباهى (2)
و فرستاد براى ايشان نوعى پرنده فوج فوج (3)
كه مياند‌اخت ايشان را بسنگى از سجّيل (4)
پس گردانيد ايشان را چون برگ خورده شده (5)

سورة قريش مكيّة و هى أربع آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ترجمه قرآن، ص: 567
براى الفت عطا كردن بقريش (1)
الفت عطا كردن بايشان در كوچ زمستان و تابستان (2)
پس بايد بپرستند پروردگار اين خانه مكّه را آنكه (3)
سير طعام كرد ايشان را از گرسنگى و ايمن كرد ايشان را از بيم (4)

سورة الماعون مكيّة و هى تسع آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
آيا ديدى آن را كه تكذيب ميكند روز جزا را (1)
پس اينست آنكه بجفا ميراند يتيم را (2)
و ترغيب نميكند بر طعام دادن درويش (3)
پس واى بر نماز گذارندگان ريايى (4)
آنها كه ايشان از نماز خود سهو كننده بيخبرانند (5)
و آنان كه ايشان رياء ميكنند (6)
و منع ميكنند زكاة را (7)

سورة الكوثر مكيّة و هى ثلاث آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
بدرستى كه ما عطا كرديم ترا كوثر را (1)
پس نماز گذار مر پروردگار خود را و قربان كن (2)
بدرستى كه دشمن تو او دم بريده است (3)

سورة الكافرون مكيّة و هى ستّ آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ترجمه قرآن، ص: 568
بگو اى كافران (1)
نميپرستم آنچه ميپرستيد (2)
و نه شما پرستندگانيد آنچه ميپرستم (3)
و نه من پرستنده‌ام آنچه ميپرستيد (4)
و نه شما پرستندگايند آنچه ميپرستم (5)
شما راست دين شما و مراست دين من (6)

سورة النّصر مدنيّة و هى ثلاث آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
چون آيد يارى كردن خدا و فتح مكّه (1)
و بينى مردمان را كه در مى‌آيند در دين خدا فوج فوج (2)
پس تسبيح كن بحمد پروردگار خود و طلب آمرزش كن از او بدرستى كه اوست قبول كننده توبه (3)

سورة اللّهب مكيّة و هى خمس آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
شكسته باد دو دست ابى لهب كه خواست سنگ به پيغمبر زند (1)
دفع نكند از او مال او و آنچه كسب كرده (2)
زود باشد كه در آيد آتش را صاحب زبانه (3)
و زن او كه بردارنده هيمه است (4)
در گردن او ريسمانى است از ليف خرما (5)

سورة الإخلاص مكيّة و هى أربع آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
ترجمه قرآن، ص: 569
بگو يا محمّد (ص) اوست خداى يگانه (1)
خداى بى‌نياز (2)
نزاده و زائيده نشده (3)
و نيست او را همتا احدى (4)

سورة الفلق مكيّة و هى خمس آيات

بنام خداوند بخشاینده مهربان
بگو ای محمّد (ص) پناه میگیرم بآفریدگار شکافنده صبح (1)
از بدى آنچه آفريده است (2)
و از بدى شب تاريک چون در آيد (3)
و از شرّ زنان كه دمندگان افسونند در گرهها (4)
و از شرّ حسد برنده چون ظاهر كند حسد را (5)

سورة النّاس مدنيّة و هى ست آيات

بنام خداوند بخشاينده مهربان
بگو اى محمّد (ص) پناه ميبرم بپروردگار آدميان (1)
پادشاه آدميان (2)
خداى آدميان (3)
از شرّ ديو وسوسه كننده خنّاس (4)
آنكه وسوسه ميكند در سينه‌هاى مردمان (5)
از جنّ و آدميان (6)

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».